

پوست اندازی

پروندهٔ انتخابات ریاست جمهوری ایران

خرداد ۱۳۸۸



دکتر جهاندار امیری

پوست اندازی

پروندهٔ انتخابات ریاست جمهوری ایران
خرداد ۱۳۸۸

دکتر جهاندار امیری

سروش
تهران ۱۳۸۹
شمارهٔ ترتیب انتشار: ۱۴۶۹

امیری، جهاندار، ۱۳۴۶-
پوست اندازی: پروندهٔ انتخابات ریاست جمهوری‌ایران، خرداد ۱۳۸۸/ جهاندار امیری. ـ تهران : سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۸۹.
۵۴۶ ص.
ISBN: 978-964-376-928-4: ۱۱۵،۰۰۰ریال
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱. انتخابات اعتراض‌انگیز ـ ایران. ۲. رؤسای‌جمهور ـ ایران ـ انتخابات۱۳۸۸. ۳. سیاست انتخاباتی ـ ایران .۴. مشارکت سیاسی ـ ایران .۵. حزب‌های سیاسی ـ ایران.۶. ایران ـ سیاست و حکومت ـ ۱۳۸۸ .الف.امیری، جهاندار. ب. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش. ج.عنوان.
۹پ۷۷الف/DSR۱۶۵۲ ۹۵۵/۰۸۴
۱۳۸۸
کتابخانهٔ ملی ایران ۱۹۴۶۸۶۱



تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتح، ساختمان سروش

مرکز پخش: ۸ - ۸۸۳۴۵۰۶۳ و ۵ ـ ۶۶۹۵۴۸۷۰

http://www.soroushpress.ir

عنوان: **پوست اندازی**
پروندهٔ انتخابات ریاست جمهوری‌ایران، خرداد ۱۳۸۸

نویسنده: دکتر جهاندار امیری

ویراستار: محمّدباقر خسروی

صفحه‌آرا: شیدا فرّخ‌نیا

چاپ‌اول: ۱۳۸۹

قیمت: ۱۱۵،۰۰۰ ریال

این کتاب در دو هزار نسخه در چاپخانهٔ انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

شابک: ۴-۹۲۸-۳۷۶-۹۶۴-۹۷۸

هنالک ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزالاً شدیدا

در آن روز مؤمنان امتحان شدند و سخت متزلزل گشتند

(سورهٔ احزاب، آیهٔ ۱۱)

فهرست

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

در دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری، بر اساس آمار اعلامی وزارت کشور ۳۹۱۶۵۱۹۱ نفر و به عبارتی حدود ۸۵ درصد واجدان شرایط رأی دادن، شرکت کردند. این میزان رأی، بالاترین رکورد مشارکت سیاسی مردم پس از انقلاب اسلامی، بعد از همه‌پرسی ۹۸ درصدی دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ بود. علاوه بر مشارکت گسترده و بالا، حضور مردم با آرامش و متانت خاص و ایستادن در صف‌های طولانی با نظم و ترتیب در روز رأی گیری از نکات قابل توجه و برجسته بود، به گونه‌ای که تمامی رسانه‌های بزرگ و خبرگزاری‌های جهان با ابراز تعجب از این ویژگی خاص به تهیهٔ گزارش، خبر و تحلیل آن پرداختند. به اذعان تمامی خبرگزاری‌ها و کارشناسان، در روز رأی گیری و روز قبل از آن، یعنی روز پنج شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۸ که تبلیغات در آن روز ممنوع بود، هیچ موردی از تنش، چالش، اختلاف و بحث و جدل مشاهده نشد.

انتخابات و حضور حداکثری مردم در بیست و دوم خرداد ۱۳۸۸ می بایست، به‌طور طبیعی و معمول، فرصتی بی‌بدیل برای کشور و نظام جمهوری اسلامی پدید می‌آورد و چندین درجه جایگاه و شأن کشور را در جهان و سطح بین‌الملل ارتقاء می‌داد که متأسفانه به علت عملکردهای نادرست و اتفاقات ناگواری که بعد از انتخابات رخ داد تبدیل به تهدید شد و جایگاه و وضعیت کشور را از جایی که قبل از انتخابات در آن قرار داشت، پایین‌تر

برد. مدال افتخار مردم به جای آنکه بر سینهٔ کشور، ملّت و نظام به یادگار نصب شود، فدای خودخواهی، قانون گریزی و سکوت شد و حضور گسترده و چهل میلیونی مردم در انتخابات، بازی تلقی شد و شیرینی آن در کام مردم به تلخی گرایید. هنوز چند ساعتی از پایان رأی گیری نگذشته بود که یک باره ورق برگشت و پس از چند ساعت، اوضاع سیاسی جامعه و کشور، به ویژه پایتخت، ملتهب و بحرانی شد.

با مشخص شدن نتایج انتخابات، انتقادات و اعتراضات نامزدهای شکست خورده و چهره‌های مطرح حامی آنها شروع شد. نامزدها و حامیانشان به جای کنترل و توجیه طرفداران شان در اختلافات دمیدند. تجمع های ده ها هزار نفری، شعارهای تند، غلبهٔ هیجان و احساسات بر استدلال و منطق، وحدت مردم و جامعه را تخریب کرد. در محله های مختلف و گاه در خانواده‌ها افراد علیه هم شعار می‌دادند. شعار شبانهٔ «مرگ بر دیکتاتور» طرفداران یک نامزد، و «شعار مرگ بر منافق» و «مرگ بر مترسک» طرفداران نامزد دیگر، در محلّه ها به گوش می‌رسید و شعارهای خون خواهی، کینه ورزی، انتقام جویی و نفرت به میان مردم کشیده شد. بیگانگان و رسانه های آنها با تلاش های مضاعف و شبانه روزی خود، آتش بیار معرکه شدند و با به صدا درآوردن بوق هایشان بر آن دمیدند. درگیری‌ها، دستگیری‌ها، شعارها و برخوردهای پلیسی و خیابانی یک باره فضای پایتخت را امنیتی و انتظامی کرد و آن قدر تصاویر التهاب و خشونت در رسانه های خارجی از تهران پخش شد که گویی شهر سراسر غرق درگیری و خشونت است.

چرا فرصت تاریخی نظام جمهوری اسلامی به تهدید تبدیل شد؟ آیا برای التهاب و اغتشاش، سازماندهی در کار بود یا همه چیز یکباره و تصادفی اتفاق افتاد؟ ریشه های دور و نزدیک آن کدام است؟ چگونه کسانی که برای اعلام تخلفات شمارهٔ تلفن وسایت تلویزیونی معرفی کردند و گزارش لحظه به لحظه از انتخابات می دادند، یکباره متوجه شعبده بازی خطرناک و تقلبی یازده میلیونی و دستکاری وحشتناک در آراء مردم شدند؟ چرا برخی گروه ها و افراد با تمام ظرفیت و توان خود، در هماهنگی‌ای غیرقابل تصور و تقسیم کار با بیگانگان به متزلزل کردن پایه های نظام جمهوری اسلامی پرداختند؟ آیا

نخبگان سیاسی و خواص به وظایف تاریخی خود در این برهه عمل کردند؟ مسئولیت اختلاف ها، کشته ها، تخریب ها و ویرانی های وجهۀ جمهوری اسلامی با کیست؟ چرا اهداف ملی و کلان کشور به منافع جریانی، حزبی و مقطعی تقلیل یافت و برخی حقوق سیاسی را با انبوه حامیان در کف خیابان ها جستجو می کردند؟

بی تردید، در کنار این سؤالات، ده ها سؤال دیگر را می توان طرح کرد که پاسخ دادن به آنها نیاز به تحقیق، بررسی، آسیب شناسی و مطالعۀ عمیق دارد و البته پاسخ به سؤال‌های ذکر شده در حوزۀ کاری این کتاب نیست.

این کتاب، برای کسانی که می‌خواهند دربارۀ ویژگی‌های دهمین دورۀ انتخابات ریاست جمهوری تحقیق کنند و به آسیب شناسی و بررسی نکات مثبت و منفی آن بپردازند، تدوین شده و منبعی مفید و کامل است، چون متن بیشتر بیانیه ها، ادعاها، مطالب و نامه های مهم در آن آمده است. در مواردی که متن کامل یک سخنرانی یا مناظره در هیچ روزنامه، سایت یا منبع دیگری یافت نشده، گزارش کامل آن با ذکر منبع درج شده است. نکتۀ دیگر آنکه، بیانیه ها و گزارش های هر نامزد، عمدتاً از روی سایت های شخصی یا سایت های متعلق به آنها انتخاب شده است. مثلاً، تقریباً تمامی بیانیه های محسن رضایی یا از سایت شخصی وی یا از سایت تابناک انتخاب شده است. برخی موارد همچون زندگینامۀ نامزدها بر مبنای حروف الفبا و برخی موارد دیگر، از جمله فیلم های مستند تبلیغاتی و مناظره‌ها، بر مبنای تاریخ پخش آنها تنظیم شده است. در برخی موارد هم، به دلیل کم اهمیت بودن بعضی بیانیه ها، از ذکر آنها صرف نظر شده است. بیانیه های نامزدها در مقطع قبل از انتخابات متعدد و تا حدودی گسترده بود؛ از این‌رو، از هر نامزد چند بیانیه مهم انتخاب شد. علاوه‌براین، برخی بیانیه های شماره‌دار، از جمله بیانیه های کمیتۀ صیانت از آراء، که تعداد آنها به عدد ۱۵ رسید و عمدتاً هم شعاری بود، ذکر نشده است.

گفتنی است، اگر فقط بیانیه ها، گفتگوها و سخنرانی های نامزدها در شبکه‌های مختلف صدا و سیما که عمدتاً تبلیغی و کارشناسی بود، گردآوری می شد، خود کتابی چندجلدی می گشت. به همین دلیل، از میان تمامی برنامه‌های نامزدها در صداوسیما، مناظره ها و

فیلم های مستند آنها انتخاب شده است. علاوه بر اینها، وقایع روزهای بحرانی و ملتهب پایتخت به صورت گزارشی جمع بندی شده که امیدواریم برای کسانی که می‌خواهند دربارهٔ انتخابات دهمین دورهٔ ریاست جمهوری تحقیق و بررسی یا به مرور وقایع بپردازند، راهگشا باشد.

جهاندار امیری

تیر ماه ۱۳۸۸

بخش اول

نامزدها و برنامه‌ها

خاتمی، از نامزد شدن تا انصراف

سیدمحمد خاتمی از اولین کسانی بود که بحث نامزدیش از طرف دوستان و احزاب اصلاح طلب مطرح شد. از آغاز سال ۱۳۸۷ و هنگام در جریان بودن هشتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، برخی احزاب و گروه‌ها، ازجمله، جبههٔ مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی به دنبال نامزدی سیدمحمد خاتمی به عرصهٔ دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری بودند. آقای خاتمی، هنگام انداختن رأی خود به صندوق، در مرحلهٔ دوم انتخابات مجلس هشتم در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۶، در پاسخ به سؤال خبرنگار خبرگزاری مهر دربارهٔ حضورش در عرصهٔ سیاسی کشور اعلام کرد که او بازنشستهٔ سیاسی شده است[۱]. این اظهار نظر از سوی دوستان خاتمی این گونه تلقی شد که او نمی‌خواهد نامزد ریاست جمهوری باشد.

خاتمی در جمعهٔ هفته بعد، سیزدهم اردیبهشت ۱۳۸۷، در جمع اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان سخنانی جنجالی ایراد کرد، به گونه ای که خود می‌دانست که با واکنش هایی جدی روبه‌رو می‌شود. در این سخنرانی، آقای خاتمی، با انتقاد از سیاست‌های نظام اعلام کرد که منظور حضرت امام(ره) از صدور انقلاب این نبود که اسلحه به دست بگیریم و در دیگر کشورها انفجار ایجاد کنیم و گروه‌هایی درست کنیم که در دیگر کشورها خرابکاری کنند[۲]. رسانه‌های غربی با این اظهارات ایران را متهم

---

۱. خبرگزاری مهر ۱۳۸۷/۲/۶ ساعت ۱۱:۴۰.

۲. سایت تابناک ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۷ ساعت ۲:۲۰ کد خبر ۱۰۰۱۲.

به دخالت در سایر کشورها کردند و بخش‌هایی از سخنان آقای خاتمی را برجسته کردند. در روزهای سه شنبه و چهارشنبه، هفدهم و هجدهم اردیبهشت ماه، گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جمع آوری امضا برای دادن تذکر رسمی به خاتمی پرداختند و مطبوعات جناح راست علیه سخنرانی های خاتمی موضع گرفتند. بعد از چند روز خاتمی اعلام کرد که می‌داند چرا این تخریب‌ها صورت می گیرد و در آینده این تخریب ها بیشتر می‌شود[۱] و بدین ترتیب به صورت ضمنی و غیرمستقیم اعلام حضور کرد.

خاتمی چند روز بعد، پس از انتقادات صریح برخی دوستانش از بازنشستگی سیاسی او، در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری فارس، بازنشستگی خود را شوخی خواند و گفت اگرچه او بازنشستهٔ دولت است، ولی بازنشسته فعالیت‌های سیاسی نیست و نمی‌تواند سیاست را رها کند[۲]. با این اظهار نظر جدید، دوستان و همفکران خاتمی به سرعت اعلام آمادگی خود را برای حضور در صحنه و کمک به خاتمی اعلام کردند و طی جلسات متعددی تأکید کردند که با ساختار موجود خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می کنند.

در پنجم خردادماه ۱۳۸۷ محسن میردامادی دبیرکل جبههٔ مشارکت در اولین نشست فصلی رؤسای شوراهای مناطق جبهه مشارکت خواهان فراخوان عمومی برای به صحنه آوردن خاتمی و نجات کشور شد[۳]. چهره‌ها و افراد سه حزب کارگزاران سازندگی، جبههٔ مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، برای به صحنه آوردن خاتمی سنگ تمام گذاشتند. آنها مکرر از نامزد واحد اصلاح طلبان، کنار رفتن نامزدهای احتمالی و لزوم به صحنه آوردن خاتمی سخن گفتند و مطلب نوشتند. روزنامهٔ کارگزاران در این ایام در مطلبی با عنوان «حرکت اصلاح طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری آغاز شد»، همهٔ نگاه‌های اصلاح طلبان را متوجه خاتمی دانست[۴]. از اواسط تابستان ۱۳۸۷، مجمع روحانیون مبارز هم به جمع گروه‌هایی پیوست که خواهان به صحنه آوردن خاتمی بودند. مجید انصاری در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۴ به ایسنا گفت،

---

۱. روزنامهٔ مردم سالاری، ۵ شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۷، صفحهٔ اول.

۲. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۱۲/۱۸، شمارهٔ خبر ۸۷۰۲۱۸۱۱۳۷.

۳. محسن میردامادی، روزنامهٔ کارگزاران، شنبه ۴ خرداد ۱۳۸۷، صفحهٔ ۳.

۴. روزنامهٔ کارگزاران، یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۳.

اگر خاتمی بیاید، مجمع روحانیون مبارز از ایشان حمایت قاطع می‌کند.

به نظر می‌رسد، اساسی‌ترین تصمیم در مورد نامزدی خاتمی در جلسهٔ مشترکی با حضور اعضای احزاب کارگزاران سازندگی و مجمع روحانیون مبارز در منزل آقای هاشمی رفسنجانی گرفته شد که حضار به صرف شام دعوت شده بودند و در آن بیشتر شخصیت‌های اصلی اصلاح طلب حاضر بودند. اخبار این جلسه تا چند روز بعد مطرح نشد و تنها برخی اعضای حاضر در جلسه، تشکیل آن را در سطح یک جلسه عادی تأیید کردند[۱]. بدین ترتیب، تقریباً نامزد شدن خاتمی برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری قطعی شد. روزنامهٔ کارگزاران در تاریخ دوشنبه ۱۳۸۷/۸/۴/۳۱ تنها در صفحهٔ اول خود ۳ عنوان دربارهٔ خاتمی درج کرد و به نقل از برخی گروه‌های اصلاح طلب نوشت که آنها بر محوریت خاتمی به اجماع رسیده‌اند.

اولین اظهار نظر خاتمی در مورد حضورش در انتخابات در مقام نامزد، به اواسط مهر ۸۷ برمی‌گردد. خاتمی با اشاره به زمینه‌های انتخابات و اینکه راه انتخابات باید آزاد و هموار باشد برای حضور خود دو پیش شرط گذاشت:

«دو پیش شرط من برای شرکت در انتخابات این است: پیش شرط اول اینکه بتوانم با ملت بر سر خواسته‌هایشان تفاهم کنم. به اعتقاد من خواست قلبی و تاریخی مردم ایران، آزادی، پیشرفت و عدالت است؛ در عین سازگاری این امور با دین و ارزش‌های معنوی و فرهنگی و این همان گفتمان اصیل اصلاح طلبی است که در آینده تلاش می‌کنم به صورت مدون آن را به جامعه ارائه نمایم. اگر بر سر این موضوع بتوانم با جامعه به تفاهمی روشن دست یابم و این خواسته‌ها در میان اقشار مختلف جامعه جنبهٔ خودآگاهی یابد به پیش شرط نخست دست یافته‌ام... پیش شرط دوم اینکه با سازوکارهای موجود تا چه حد امکان عملی کردن برنامه‌ها برای رئیس جمهوری فراهم است. اگر واقعاً امکان اجرای برنامه‌ها وجود نداشته باشد و موانعی بر سر راه قرار گیرند، ارائهٔ بهترین و کامل‌ترین برنامه به مردم نیز به منزلهٔ اغواء و فریب مردم است.»[۲]

---

۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۴/۳۱، شام انتخاباتی خاتمی و هاشمی، شماره خبر ۸۷۰۴۳۱۰۳۶۶.
۲. خبرگزاری فارس، ۸۷/۷/۱۳، ساعت ۱۹:۱۷، شمارهٔ خبر ۸۷۰۷۱۳۱۲۴۴.

اعلام پیش شرط توسط خاتمی از نظر محافل سیاسی و خبری، هم جالب و هم قابل تأمل و سؤال بود. چه، او می‌خواست نامزد انتخابات شود و خود را در معرض آراء مردم قرار بدهد که به او برای قبول مسئولیت اعتماد کنند و رأی بدهند. در چنین وضعیتی، اعلام پیش شرط از سوی نامزد انتخابات نوعی منت گذاری بر مردم تلقی شد.

خاتمی در ۱۷ مرداد ۱۳۸۷ در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد که او تصمیم قطعی خود را گرفته است ولی آن را بعداً اعلام می کند. پس از چندی، در دیدار با اعضای شورای مرکزی و دفتر سیاسی حزب مردمسالاری در اواسط آبان ماه اعلام کرد که هنوز تصمیم قطعی نگرفته و برای آمدن یا نیامدنش مشغول مطالعه و فکر کردن است[۱]. وی، در اوایل زمستان ۱۳۸۷ خاتمی حرف جدید دیگری زد و اعلام کرد که از بین او و آقای میرحسین موسوی حتماً یک نفر به عرصهٔ نامزدی ریاست جمهوری وارد می‌شود. او که عملاً سفرهای استانی و تبلیغی خود را شروع کرده بود در دیدار با مردم ایلام ضمن احترام گذاشتن به کسانی که نامزدی خود را اعلام کرده بودند، یادآور شد که از بین او و میرحسین حتماً یکی نامزد ریاست جمهوری می‌شود[۲]. خاتمی در ماه بعد، یعنی در بهمن ماه ۱۳۸۷، با اعلام اینکه هیچ گاه دچار تردید دربارهٔ ریاست جمهوری نبوده و اینکه او سرباز کوچک ملت است و جا را برای کسی تنگ نمی کند، به طور رسمی آن را برای ریاست جمهوری اعلام کرد[۳] و خبر نامزدیش در محافل سیاسی و خبری به صورت ویژه‌ای مطرح شد.

دوستان خاتمی، بعد از اعلام نامزدی میرحسین موسوی، برای توجیه سخن خاتمی که از بین او و میرحسین یکی نامزد می‌شود، مسئله را این گونه توجیه کردند که در زمان ثبت نام حتماً یکی از این دو نفر به نفع دیگری کنار می‌رود[۴]. با این حال، کار به ثبت نام نکشید و بعد از چند روز که شایعه کنار رفتن سیدمحمد خاتمی و انصراف وی از نامزدیش برای ریاست جمهوری مطرح شد، نامبرده در ۲۶ اسفند ۱۳۸۷ طی بیانیه‌ای مفصل اعلام کناره گیری کرد.

---

۱. خبرگزاری فارس، شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۸۷، شمارهٔ ۲۱۷۶، صفحهٔ اول ودوم.
۲. خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۷/۱۰/۲۳، کدخبر ۴۶۷۹۹۲.
۳. خبرگزاری ایلنا، ۰۱۳۸۷/۱۱/۲۰، کد خبر ۴۷۳۶۴۲.
۴. خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۷/۱۲/۲۱، کد خبر ۴۱۸۴۵

بیانیهٔ انصراف خاتمی از نامزدی دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحیم

زادروز همایون حضرت پیامبر بزرگ اسلام (ص) و فرزند والاگهرش حضرت امام صادق(ع) را به ملّت شریف ایران و همهٔ دوستداران حق و فضیلت شادباش می‌گویم و در آستانهٔ سال نو، روز و روزگاری سرشار از شادابی و پیروزی را برای همه هموطنان عزیزم و همهٔ کسانی که به صلح در جهان و کرامت و حرمت انسان در هر جا باور دارند آرزو می‌کنم.

سی سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی که هزینه‌ای سنگین برای آن پرداخته شده است می گذرد و ملت بیدار ایران بحران‌های بزرگی را با پیروزی و سرافرازی پشت سر گذاشته است و دستاوردهای بزرگ معنوی و مادی او در این دوران کم نیست ولی تا رسیدن به اوج آرمانهای بلند تاریخی خود راه درازی در پیش دارد که به لطف الهی و بیداری و استواری و همت فرزندان دلیرش برای رسیدن به آنها امیدوار است.

بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی حضرت امام(ره) در تبیین نظری و عملی این نظام همواره رأی مردم و حضور فعال و مسئولانه آنها در صحنه را اصل می‌خواندند و جریان انتخابات آزاد و سالم در جمهوری اسلامی را به ضرورتی اصیل و غیر قابل خدشه می‌دانستند.

اینک در آستانهٔ انتخابات دهمین دورهٔ ریاست جمهوری بار دیگر همهٔ ما ایرانیان در برابر آزمایشی مهم قرار گرفته ایم، آنچه می‌تواند امید به آیندهٔ بهتر را زنده نگه دارد. حضور آگاهانه، مسئولانه و فراگیر ملت است که هر مانعی را از پیش رو برخواهد داشت و من نیز در هر شرایطی نقش و وضع خود را جدا از نقش و وضع ملت شریف ندانسته و نمی‌دانم و در تمام دوران مسئولیت رسمی و پس از آن ضمن تأکید بر آرمانهای والای انقلاب همچنان در راه تقویت جامعه مدنی و تبیین گفتمان اصلاحات در متن جامعه از هیچ کوششی دریغ نکرده و نخواهم کرد.

درخواست های گستردهٔ اقشار مختلف و وسیع مردم در سراسر کشور مرا بر آن داشت که با وجود همهٔ مشکلات، تنگناها و موانع به عنوان نامزد این دوره از انتخابات اعلام حضور کنم. در حالی که پیش از آن گفته بودم که ترجیح من چنین است تا در موقعیتی غیر

از مسئولیت ریاست جمهوری دین خود را به مردم و کشور بپردازم و بر این باور بودم که دیگرانی که شایسته اند در عرصه حاضر و فعال باشند. بحمدالله قبل از من بزرگانی اعلام حضور کردند و اینک جناب آقای مهندس میرحسین موسوی، هرچند دیر، آمادگی خود را برای نامزدی به طور رسمی اعلام کرده‌اند.

ضمن سپاس فراوان از همهٔ محبت هایی که از دوستداران اسلام و ایران، ازجمله احزاب و تشکل‌های مختلف و نخبگان و اندیشمندان و هنرمندان و بالاتر از همه از سوی توده‌های پرشور مردم در سراسر میهن عزیز نصیب من شده است و نشانهٔ این شور پرشکوه را همگان در سفر کوتاه من به استان‌های فارس، کهگیلویه و بویر احمد و بوشهر دیدند و بخصوص با تشکر از نسل جوان و بیداردل که شور و شعور تأمل برانگیز خود را بیش‌ازپیش نشان دادند، اعلام می‌کنم که به یاری پروردگار همچنان و همواره در کنار مردم از عزت اسلامی، عظمت ایران و سربلندی ایرانی در همه حال و در همه جا در حد توان خود دفاع کرده و خواهم کرد.

ضمن تأکید بر این نکته که همه ما باید میدان و عرصهٔ انتخابات را از بازیگرانی که چشم به تفرقه نیروهای اصلاح طلب و خواستار تغییر دوخته اند بگیریم و همهٔ تلاش خود را برای برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم معطوف کنیم، انصراف خود را از نامزدی در انتخابات دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌دارم، اما همچنان با همهٔ توان با فعالیت مستمر و حضور در صحنهٔ اجتماع لحظه ای از آرمانهای مردم و مسئولیت خود در برابر آنان فاصله نخواهم گرفت. در این شرایط حساس و خطیر نکته هایی را یادآور می‌شوم:

۱. حرکت اصلاح طلبانه که تباری روشن و پیشینه ای تاریخی دارد، حرکتی است مستمر که از متن جامعه (نه بالضروره از حکومت و قدرت) می گذرد. آرمانهای این حرکت در افقی قرار دارد که فاصلهٔ ما با آن کوتاه نیست، ولی آنچه باید به فوریت به آن اندیشید «تغییر سازنده» در وضعیت کنونی کشور و در روال مدیریت آن است. در عین احترام به همهٔ مسئولان و دست اندرکاران امور و عرض خسته نباشید به همهٔ آنان، می‌گویم که شیوهٔ عمل و راهکارها و راهبردها (اگر واقعاً راهبردی وجود داشته باشد!) اکنون منجر به ظهور و بروز مشکلات فراوان و اساسی برای انقلاب، کشور و مردم شده است که رفع آنها

نیز همتی بلند و شکیبایی فراوان می‌طلبد. بنابراین، در این برهۀ حساس، اندیشیدن به تغییر و تلاش برای تحقق آن، رسالت و وظیفۀ همۀ کسانی است که به ایران، به مردم و خواسته‌های مبرم آنان و به آرمانهای انقلاب می‌اندیشیدند.

۲. وحدت و پرهیز از تشتت رأی و تصمیم برای همۀ کسانی که گذر از وضع فعلی و رسیدن به وضعیتی بهتر را باور دارند، امری ضروری و پاس داشت آن مقتضای خرد است.

۳. هنگامی که گفتم «یا من یا مهندس موسوی» در عین احترام به همۀ عزیزانی که در عرصۀ انتخابات حضور داشته یا خواهند داشت، به این ظرایف نظر داشتم:

اولاً: به اهمیت انتخابات، ضرورت پیروزی در آن، لزوم تغییر وضع فعلی در جهت مصالح کشور و اصلاح در حد توان و امکان، یکپارچگی نیروهای تغییرخواه و پرهیز از مخدوش شدن ضرورت های فوق با طرح گفتمان های متفاوت (ولو یکسان در اصول) توجه داشتم و لذا با فرض آمدن جناب آقای موسوی نمی‌آمدم و حالا نیز نمی‌مانم.

ثانیاً: جناب آقای مهندس میرحسین موسوی دارای شخصیتی اخلاقی، آزاداندیش، متعهد به اسلام و انقلاب و مردم، از سرمایه‌های ارزشمندی است که در موقعیت های خطیر و حساس، صداقت و شایستگی خود را در خدمت به کشور و ملت نشان داده‌اند. همچنانکه برادر گرانقدرم، حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای کروبی نیز از نیروهای ارزش مدار، رنج کشیدۀ پیش و پس از انقلاب، مخلص و شایسته است که همواره در خدمت مردم و انقلاب بوده‌اند و همچنین دیگر عزیزانی که آمدن خود به صحنۀ انتخابات را بزرگوارانه منوط به نیامدن من کردند، همگی بزرگواران شایسته اند.

ثالثاً: بر این باورم که جناب آقای مهندس موسوی، برای ایجاد تغییر در شرایط کنونی شایستگی لازم را دارند، هرچند ممکن است تفاوت ها و تمایزهایی در نظر و عمل وجود داشته باشد، اما مهم آن است که این عزیز نیز به آرمان‌های انقلاب و ملت پای‌بندند و از حقوق و آزادی‌های بنیادین و حاکمیت مردم بر سرنوشت و مصالح ملی و حیثیت بین‌المللی کشور به جد دفاع کرده و می کنند.

رابعاً: حضور در انتخابات برای پیروزی است، نه یک تفنن پرهزینه و بر این باورم که

ایشان زمینهٔ کسب آراء و انتخاب از سوی مردم را دارند، البته، در صورتی که همهٔ ما هوشیارانه و واقع بینانه عمل کنیم.

خامساً: آنچه باید بیش و پیش از هر چیز مد نظر باشد، پیروزی اخلاقی است که اگر چنین باشد، نتیجهٔ انتخابات هرچه باشد اخلاق مداران پیروز خواهند بود و شائبهٔ رقابت بر سر قدرت برای من که همواره بر اخلاق تأکید داشته و دارم، امری است که همهٔ تلاش خود را در رفع آن به کار خواهم برد. حال که جناب آقای موسوی به صحنه آمده‌اند، با اجتناب از هرگونه گفتار یا عملی که موجب تفرقه باشد، نیاز به ایجاد فضای شاداب وحدت و همدلی است. هر عملی که به تشتت آراء و اختلاف نظر خواستاران «تغییر» ـ در هر جبهه و جناحی که باشند ـ بینجامد، در پیشگاه خداوند و نزد مردم قابل گذشت نخواهد بود.

من به حکم وظیفهٔ اخلاقی و برای پرهیز از هرگونه پراکندگی در آراء و با ایمان کامل به توان و مرجعیت مردم که «میزان» رأی آنان است و باید آرائشان درحد امکان به نقطهٔ واحدی سوق داده شود، از صحنهٔ نامزدی انتخابات کنار می کشم تا به یاری خداوند تغییر و بهبود اوضاع بهتر و کم هزینه‌تر در دسترس قرار گیرد و با این کار می کوشم تا امکان بهره برداری سوء را از کسانی که پیروزی خود را در القاء اختلاف و نیز تشتت آراء در جبههٔ گستردهٔ خواستاران تغییر می جویند بگیرم.

بر این پایه، از همهٔ افراد و شخصیت ها و گروه‌های فعال در عرصهٔ انتخابات می‌خواهم، با تأکید بر موازین اخلاقی و پرهیز از واکنش های احساسی، راه را بر هرگونه پیش داوری و سوءتفاهم ببندند و چشم‌اندازی نو برای تأثیرگذاری در سرنوشت انتخابات پیش رو بگشایند.

به برادران عزیزم، آقایان کروبی و موسوی، نیز صمیمانه عرض می‌کنم که مدبرانه و دلسوزانه صحنه را با تفاهم چنان مدیریت کنند که خدای ناخواسته به تفرقه و تشتت نینجامد و می‌دانم که این عزیزان همهٔ تلاش خود را در این راه به کار خواهند برد، ان شاءالله.

در اینجا بار دیگر از همهٔ بزرگوارانی که به من اظهار لطف کرده و می کنند سپاسگزاری می‌کنم و به ویژه به جوانان عزیزی که داوطلبانه و بی هیچ چشمداشتی منشأ شوری دل انگیز

و تحرکی مؤثر در جامعه شدند عرض می‌کنم که ما می‌توانیم در کنار هم و با بهره گیری از فضایی که ان شاءالله بازتر از فضای کنونی خواهد بود، در جهت خواست‌های تاریخی ملت و آرمان‌های بلند اصلاح طلبانه و برای تقویت ارزش‌های اصیل انقلاب و اعتلاء میهن و آزادی و حقوق اساسی ملت و عدالت همه جانبه و بالابردن وجهه و اعتبار مردم ایران در کشور و در منطقه و جهان حرکت کنیم.

«ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب»

سیّد محمّد خاتمی[۱]

۲۶ اسفند ۱۳۸۷

زندگینامهٔ نامزدهای احراز صلاحیت شده

محمود احمدی‌نژاد

محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی در روستای آرآدان، از شهرستان گرمسار، چشم به جهان گشود و از یک سالگی به همراه خانواده در تهران اقامت گزید. وی دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در این شهر گذراند و در سال ۱۳۵۴ با کسب رتبهٔ ۱۳۲ کنکور سراسری گزینش دانشجو، تحصیلات عالی خود را در رشتهٔ مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی ارشد همان دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۳۶۸ به عضویت هیئت علمی دانشکدهٔ عمران دانشگاه علم و صنعت در آمد و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک تحصیلی دکترای مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل از دانشگاه علم و صنعت گردید. ایشان به زبان انگلیسی آشنایی دارند و طی سال‌های تدریس در این دانشگاه و تدوین مقالات وپژوهش‌های متعدد علمی، راهنمایی ده‌ها پایان نامهٔ کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در زمینه‌های مختلف مهندسی عمران، راه و حمل و نقل و مدیریت ساخت را بر عهده داشته است.

---

۱. خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷ - ۲۴:۰۰، کد خبر ۴۲۶۰۵.

احمدی‌نژاد، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ، در کسوت دانشجو و با شرکت در مجالس مذهبی و سیاسی وارد فضای سیاسی جامعه شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به حضور در دانشگاه از پایه گذاران انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران بود و در دوران جنگ تحمیلی به عنوان داوطلب بسیجی در قسمت‌های متعدد جبهه، به ویژه مهندسی رزمی ، به خدمت پرداخت و این مهم را تا پایان دوران دفاع مقدس ادامه داد. احمدی‌نژاد متأهل و دارای سه فرزند- دو پسر و یک دختر ـ است.

مسئولیت های اجرایی

ـ فرماندار ماکو.

ـ فرماندار خوی.

ـ مشاور استاندار کردستان.

ـ مشاور فرهنگی وزیر فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۷۲ .

ـ استاندار استان اردبیل در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ .

ـ عضو هیئت علمی دانشکدهٔ عمران دانشگاه علم و صنعت از سال ۱۳۶۸ تا کنون.

ـ شهردار تهران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ .

ـ رئیس جمهور (وی در نهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در سوم تیرماه ۱۳۸۴ ، از سوی ملت ایران به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد).

احمدی‌نژاد، علاوه بر تدریس، راهنمایی دانشجویان و پرداختن به امور اجرایی، در زمینه‌های دیگری نیز فعالیت داشته است:

ـ روزنامه نگاری و نگارش مقالات متعدد سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی

ـ مدیر مسئول روزنامهٔ همشهری و راه‌اندازی همشهری محله در ۲۲ منطقهٔ تهران، همشهری مسافر ، همشهری دیپلماتیک ، همشهری جوان ، همشهری ماه و ضمیمهٔ اندیشه ، ضمیمهٔ دانشجو و...

ـ مؤسس و عضو انجمن تونل ایران.

ـ عضو انجمن مهندسین عمران ایران.
ـ عضو اولین شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران
ـ عضو اولین شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش و عالی کشور[1].

محسن رضایی

محسن رضایی در شهریور ۱۳۳۳ و در هنگام کوچ پائیزهٔ عشایر بختیاری در خانواده‌ای مذهبی و دوستدار اهل بیت (ع) به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی را در شهر نفت‌خیز مسجدسلیمان گذراند. به کمک چند تن از همسالآنش، انجمن مذهبی «دین و دانش» را در مسجد جامع چشمه علی بنیان نهاد. پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی و بخشی از تحصیلات متوسطه در دبیرستان سینای مسجدسلیمان با رتبه نهم در آزمون ورودی هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت ایران در اهواز پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۸ به این شهر هجرت کرد و در محلهٔ خزعلیه یا سچّه ساکن شد.
مبارزهٔ سیاسی ـ فرهنگی با رژیم شاه را از ترم دوم هنرستان صنعتی آغاز کرد و پس از چندی در حالی که خود را برای شرکت در کنکور دانشگاه‌ها آماده میکرد، در پی فعالیت‌های سیاسی به دست ساواک اهواز بازداشت و شکنجه و بازجویی شد. در سال ۱۳۵۲ و در ۱۷ سالگی، پس از تحمل پنج ماه زندان انفرادی و یک ماه حبس دربند عمومی زندان آخراسفالت اهواز، دور جدیدی از فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد و توانست همزمان با تکمیل تحصیلات خود در هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت ایران به گسترش تشکیلات اولیه بپردازد. این حرکت رو به رشد پس از برقراری ارتباط با مبارزان شهرهای خرمشهر، دزفول و تهران، منجر به تشکیل گروهی منسجم با مشی پارتیزانی و چریکی شد که با الهام از آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سورهٔ مبارکهٔ صافّات (انّهم هم المنصورون و انّ جندنا لهم الغالبون)، جمعیت منصورون نامیده شد.

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۱۳۸۸/۳/۲۰، کد خبر ۵۱۴۲۳۳.

در سال ۱۳۵۳ ، پس از قبولی در رشتهٔ مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت ، به تهران آمد و در محلهٔ نارمک ساکن شد. در همین سال ازدواج کرد و در کنار مبارزه و تحصیل دانش ، در بخش مهندسی «طراحی پایه» کارخانه های ارج و ایران تایر مشغول به کار شد.

با شدت گرفتن فشار پلیس سیاسی شاه (ساواک) بر گروه‌های چریکی، ناچار شد دانشگاه و کار صنعتی را رها کند و زندگی مخفی را در پیش گیرد. و در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ به کادرسازی و گسترش تشکیلات جمعیت منصورون همت گمارد و شاخه های تشکیلات در ۷ استان و ۱۷ شهرستان مهم کشور راه اندازی کرد.

در سال ۱۳۵۸ ، که به پیشنهاد استاد شهید مرتضی مطهری ، هفت گروه مسلح مسلمان با یکدیگر ادغام شدند تا بازوی مسلحی برای حفاظت از انقلاب نوپای اسلامی باشند ، او از سوی گروه منصورون به عضویت شورای مرکزی «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» در آمد. عضویت او در این سازمان بیش از ۳ ماه به طول نینجامید و در خرداد ۱۳۵۸ با حمایت حضرت امام (ره) واحد اطلاعات و بررسی های سیاسی را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنیان نهاد و به عضویت شورای فرماندهی سپاه درآمد.

در شهریور ۱۳۶۰ از سوی حضرت امام خمینی(ره) به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پنج می ن فرمانده کل سپاه منصوب شد و در دوران پر افتخار هشت سال دفاع مقدس ، فرماندهی سپاه اسلام را برعهده داشت. در دورهٔ تصدی فرماندهی کل سپاه پاسداران ، سازمان رزم سپاه را طرح ریزی کرد و به فرمان حضرت امام (ره)، سپاه را به سه نیروی زمینی ، دریایی و هوایی مجهز کرد و توانست سپاه را در قالب پنج نیرو سازماندهی کند. در این دوره همچنین اقدام به تأسیس دو دانشگاه امام حسین (ع) و بقیة الله (عج) کرد و به منظور بهره گیری از ظرفیت یگان های مهندسی سپاه برای کمک به دولت در اجرای طرح‌های عظیم سازندگی کشور ، خود شخصاً فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم الآنبیاء را برعهده گرفت.

وی که تحصیلات دانشگاهی خود را در سال ۱۳۵۳ رها کرده بود، پس از برقراری صلح ، ضمن تغییر رشته از مهندسی مکانیک به اقتصاد ، مقطع کارشناسی را در دانشگاه

تهران گذراند. تحقیق جامع او در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۱ و در قالب یک کتاب به چاپ رسیده است. در مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد، مطالعات خود را بر سیاست‌های پولی و بانکی متمرکز کرد و رسالهٔ علمی خود را به این موضوع اختصاص داد.

در شهریور ۱۳۷۶، پس از قبول استعفای وی به دست رهبر انقلاب، از سوی ایشان به سمت «دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام» منصوب شد و مطالعات اولیهٔ تنظیم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران را آغاز کرد. وی، با تکمیل تحصیلات خود در مقطع دکتری اقتصاد دانشگاه تهران، عهده‌دار مسئولیت ادارهٔ کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. رسالهٔ دکتری وی در سال ۱۳۷۹ نگاشته شد، در قالب یک کتاب منتشر شده است.

وی همچنین با پذیرفتن مسئولیت کمیسیون های تخصصی سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی نظام در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، کوشیده است، از تجارب و دیدگاه‌های مدیریتی و اقتصادی خود برای سیاست گذاری بلندمدت کشور در حوزه‌های مختلف استفاده کند تا ایران اسلامی به جایگاهی مناسب برای زندگی شایسته ایرانیان برسد[1].

مهدی کروبی

مهدی کروبی درشهرستان الیگودرز استان لرستان به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج شیخ احمد از روحانیان سرشناس لرستان و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود. کروبی خود می‌گوید:

«بزرگ شدنم در خانواده با تعلیم آموزه‌های دینی از سوی پدرم همراه شد که با توجه به شرایط سنی‌ام، گاه سختگیرانه به نظر می‌آمد.

دروس مقدماتی حوزوی را نزد پدرم آموختم و در ۱۶ سالگی به قم رفتم و تا سالی که به تهران آمدم تا سطح کفایه و خارج فقه و اصول را از اساتید بزرگواری نظیر امام خمینی،

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر ۵۱۴۲۳۳، زمان مخابره: ۱۳۸۸/۳/۲۰ - ۱۸:۵۸:۳.

آیت‌الله نجفی مرعشی، آیت‌الله سلطانی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله مشکینی بهره‌مند شدم.

در تهران نیز مدتی در درس میرزا باقر آشتیانی شرکت کردم. من طلبهٔ درسخوانی بودم و اجازهٔ اجتهاد از سوی هشت استاد برجستهٔ حوزه، از جمله آیات عظام سلطانی طباطبایی، فاضل لنکرانی، یوسف صانعی و نوری همدانی به من داده شد. در کنار دروس حوزوی در اواسط دهه چهل وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شدم که به دلیل دستگیری های مکرر و نیز زندگی مخفی و بعد مشکل سربازی، فارغ التحصیلی ام در رشتهٔ فقه و حقوق اسلامی تا سال ۱۳۵۰ به تأخیر افتاد. در سال ۱۳۴۱ با خانم فاطمه کروبی که چهره‌ای آشنا برای مردم است ازدواج کردم. ایشان سال‌ها در مراکز پزشکی و درمانی بنیاد شهید فعالیت کرد و یک دوره هم نماینده مردم تهران در مجلس بود...

در سال ۱۳۴۷ از قم به تهران مهاجرت کرده و در منطقهٔ خراسان و خیابان شهباز سکنی گزیدم. دو سال بعد به توصیهٔ مرحوم آیت‌الله طالقانی به منطقه ای در ش میران، نزدیک چیذر، رفتم و امام مسجد صاحب الامر در خیابان حکمت شدم. همزمان تا سالهای انقلاب در مدارس جهان آرا، پیمان و مهدیه تهران و مدتی نیز در حوزهٔ علمیهٔ چیذر به تدریس مشغول بودم. البته شرکت در مبارزات سیاسی آزادی خواهانه و مبارزه با سرکوب و اختناق حاکم و در نتیجه دستگیری و زندان های مکرر مشکلات زیادی برای کار آموزشی من به دنبال داشت.

شاید بد نباشد به این نکته اشاره کنم که از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ مجموعاً ۹ بار دستگیر، تبعید و زندانی شدم که نخستین بازداشت سال ۱۳۴۲ و آخرین آن ماه رمضان ۱۳۵۷ بود. با افرادی چون مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی، آیت‌الله منتظری، مرحوم آیت‌الله طالقانی، انواری، شهید مهدی عراقی، هاشمی رفسنجانی، مرحوم ربانی شیرازی، محمدتقی شریعتی (پدر دکتر شریعتی)، شهید محمد منتظری، تقی درچه ای، دکتر شیبانی، علی بابایی و مفیدی (از نهضت آزادی)، عمویی و کی منش (از کمونیست‌های سرشناس)، پرویز حکمت جو و پاک نژاد (از گروه‌های مبارز

غیرمذهبی) هم‌بند بودم و شاید همین تجربهٔ سختی‌های زندان و آشنایی با درد و رنج خانواده‌ها سبب شده که همواره با درک مشکلات زندانیان و خانوادهٔ آنان، همهٔ تلاش خود را برای حل مشکلات ایشان بدون توجه به اندیشه و نگرش آنان وحتی اختلاف نگرش به کار بندم.

مناصبی که من متصدی آن بوده‌ام برای مردم آشکار است و با اعتقاد به اینکه چهار دورهٔ نمایندگی مجلس شورای اسلامی، دو دوره ریاست آن، یک دوره نایب رئیسی، عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی، تأسیس کمیتهٔ امداد امام خمینی(ره)، سرپرستی بنیاد شهید، نمایندگی امام در امور حج و مناصب سیاسی غیرحکومتی نظیر عضویت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، عضویت در شورای مرکزی جامعهٔ روحانیت مبارز، تأسیس و عهده‌داری سمت دبیر کلی مجمع روحانیون مبارز تا سال ۱۳۸۴ و تأسیس و دبیرکلی حزب اعتماد ملی از سال ۱۳۸۴ تاکنون، ملاک خوبی برای قضاوت مردم در مورد عملکرد این جانب است و این قضاوت در چند انتخابات و به ویژه رأی این جانب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ نشان داده شده است.»[1]

میرحسین موسوی

میرحسین موسوی متولد خامنه در سال ۱۳۲۰ است. کاسب زادهٔ آذری سالهایی از عالم هنر به سیاست آمد و از سیاست به هنر بازگشت و اینک بار دیگر به عالم سیاست بازگشته است. میرحسین موسوی، اگرچه فوق‌لیسانس معماری دارد اما بیش از آنکه در عرصهٔ معماری شناخته شده باشد، چهره‌ای سیاسی است. هرچند او در مقام آخرین نخست‌وزیر نظام جمهوری اسلامی ایران (پس از مهدی بازرگان، محمدعلی رجایی، محمدجواد باهنر و محمدرضا مهدوی کنی) با اتمام دورهٔ خدمتش در این منصب، عطای سیاست را به لقایش بخشید و به عالم هنر بازگشت.

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر ۵۱۴۲۳۵ زمان مخابره: ۱۳۸۸/۳/۲۰.

او که مدرکش را در بهار سال ۴۸ از دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در رشتهٔ معماری و شهرسازی اخذ کرد، طرح ادارهٔ مرکزی آب و فاضلاب اصفهان را در سال ۱۳۴۸ نوشت و تا سال ۵۰ آن را اجرا کرد. سپس طرح مجموعهٔ کانون توحید را در سال ۱۳۵۰ اجرا کرد تا اثری ماندگار در معماری سیاسی ایران برجای گذارد؛ کانون توحید، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، مرکز تجمع سیاسیون منتقد بوده است. چه آن زمان که مطهری در آنجا سخنرانی می کرد و چه در سال‌های اخیر.

از آثار معماری این مهندس معمار در سال‌های پس از انقلاب می‌توان به طراحی ساختمان مزار شهدای هفت تیر، طرح مرکز مطالعات، طرح دانشگاه شاهد، طرح تکیهٔ شهدای اصفهان، طرح بنای یادبود شهید خرازی، طرح مجموعهٔ فرهنگی تجاری بین‌الحرمین شیراز و طراحی سایت دانشگاه علامه طباطبایی در سال‌های دههٔ دوم انقلاب اشاره کرد. موسوی در دههٔ سوم انقلاب بعد از فعالیت خود کاست تا جایی که ساخت مسجد سلمان فارسی نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ تنها نماد فعالیت او در سال‌های اخیر است. البته، میرحسین در طول این سال‌ها بیشتر به نقاشی روی آورد و چندین نمایشگاه نقاشی انفرادی و جمعی را برپا کرد.

دو فرزند نتیجهٔ زندگی مشترک میرحسین موسوی با زهرا رهنورد است.

مسئولیت های اجرایی

- عضو شورای انقلاب اسلامی ۱۳۵۹ـ۱۳۵۸.
- عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۱ـ۱۳۵۷.
- رئیس دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰ـ۱۳۵۸.
- قائم‌مقام دبیرکل حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰ـ۱۳۵۸.
- سردبیر روزنامهٔ جمهوری اسلامی ۱۳۶۰ـ۱۳۵۸.
- وزیر امور خارجه ۱۳۶۱ـ۱۳۶۰.
- نخست وزیر ۱۳۶۸ـ۱۳۶۰.

- رئیس ستاد انقلاب فرهنگی ۱۳۶۰.
- رئیس شورای اقتصاد ۱۳۶۸_۱۳۶۰.
- رئیس بنیاد مستضعفان ۱۳۶۸_۱۳۶۰.
- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح.
- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۶۸ (که همچنان ادامه دارد).
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۷۵ (که هنوز هم ادامه دارد).
- مشاور سیاسی رئیس جمهور ۱۳۷۶-۱۳۶۸
- مشاور عالی رئیس جمهور ۱۳۸۴-۱۳۷۶
- رئیس شورای هنر از سال ۱۳۷۸ (که هنوز هم ادامه دارد.)
- رئیس فرهنگستان هنر از سال ۱۳۷۸ (که هنوز هم ادامه دارد.)

فعالیت‌های دانشگاهی

موسوی در دانشگاه تربیت مدرس دروسی چون مسائل ایران و ریشه‌های انقلاب را تدریس کرده و در دیگر دانشگاه‌ها نیز به شکل پراکنده تدریس هایی داشته است، از جمله تدریس تاریخ تمدن و فرهنگ و معماری در دانشگاه ملی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۴. او در این سال‌ها رساله‌های بسیاری را راهنمایی کرده است که از جملهٔ آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- مقایسهٔ آرای سیدقطب و دکتر شریعتی، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
- مقایسهٔ آرای امام خمینی(ره) و آیت‌ا... نائینی، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
- استراتژی امنیت ملی، استاد مشاور، دورهٔ دکتری.
- کاریز ما در مدیریت، استاد مشاور- دورهٔ دکتری.
- چالش‌های مردم سالاری در ایران، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
- نفت و سیاست خارجی در دوران پهلوی۲، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
- نفت و سیاست خارجی در دههٔ اول انقلاب، استاد راهنما، دورهٔ دکتری.

ـ چرایی به قدرت رسیدن دولت مطلقهٔ نوگرا در ایران، استاد راهنما، دورهٔ دکتری.
ـ امنیت ایران در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و سیاست‌ها، استاد مشاور، دورهٔ دکتری.
ـ توسعهٔ مرکز شهر اردبیل، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
ـ طرح دانشگاه هنر اسلامی تبریز، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
ـ دولت رانتیر و جامعهٔ مدنی در ایران (۱۳۷۶-۱۳۵۷)، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.
ـ تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آفریقای جنوبی، استاد مشاور، دورهٔ دکتری
ـ الگوی مدیریت تکنوکراتیک و تأثیر آن بر موقعیت طبقهٔ متوسط جدید ایران، استاد مشاور، کارشناسی ارشد.
ـ بسترهای همکاری و رقابت روسیه و ایالات متحده در آسیای مرکزی، استاد راهنما، کارشناسی ارشد.

تألیفات

موسوی، که در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ سرمقاله‌های روزنامهٔ جمهوری *اسلامی* را می نوشت، آثار مکتوب بسیاری در حوزهٔ فرهنگ و سیاست دارد، از جمله فرهنگ و واژگان علوم سیاسی در اسلام انتشارات قلم ۱۳۵۶، تحلیلی بر دو مفهوم قرآنی انتشارات قلم ۱۳۵۶، پنج گفتار دربارهٔ انقلاب و جامعه دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷-۱۳۷۵[17].

چگونگی ورود رضایی به انتخابات

محسن رضایی دیرتر از دیگر رقبای خود برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری دهم اعلام آمادگی کرد، اما با شتابی فزون تر از آنها کوشید تا در عرصهٔ ارائه طرح و شعار و برنامه هم که شده خود را به آنها برساند. او که از یک سال پیش طرح دولت ائتلافی را ارائه کرده و به دنبال رایزنی با چهره های سیاسی اصولگرای مختلف بود، به قول خودش،

---

۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر ۵۱۴۲۱۶ زمان مخابره ۱۳۸۸/۳/۲۰

ترجیح می‌داد کس دیگری در این عرصه وارد شود و وی در نقش حامی او به میدان آید.

رضایی ایدهٔ تشکیل دولت ائتلافی را با رقبای اصولگرایش در انتخابات ریاست جمهوری نهم در میان گذاشت. به نظر میرسید تمایل او به محمدباقر قالیباف یا علی لاریجانی بود اما چه این دو نفر و چه علی‌اکبر ولایتی و احمد توکلی و غلامعلی حدادعادل، اگرچه طرح وی را خوب و مناسب ارزیابی کردند، اما حاضر به اعلام حمایت علنی از طرح تشکیل دولت ائتلافی نشدند.

رضایی آخرین کاندیدایی بود که به جمع نامزدهای ریاست جمهوری دهم پیوست. یکی از دلایل تأخیر محسن رضایی، پیگیری‌های او برای تحقق دولت ائتلافی کارآمد بود که سرانجام نتوانست پیش از برگزاری انتخابات ایده خود را محقق کند. او که سه مرحله را برای پذیرش طرحش تدوین کرده بود، در نخستین مرحله از آن ناکام ماند. این مراحل عبارت بودند از:

۱. ائتلاف نامزدهای انتخابات برای تشکیل دولت ائتلافی پیش از ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری. در این مرحله‌ها یک نفر که مورد قبول دیگر سران اصولگرا بود، به عنوان نامزد ریاست جمهوری وارد عرصه می شد و دیگران در کابینهٔ وی قرار می گرفتند؛ اما کسی حاضر به پذیرش ایده دولت ائتلافی در این مرحله نشد و نامزدی شخص رضایی، نشان دهندهٔ ناکامی وی در اجرای این ایده بود.

۲. مرحلهٔ دوم، تشکیل دولت ائتلافی در میانهٔ دور اول و دوم انتخابات بود؛ به این معنی که یکی از نامزدهای راه‌یافته به مرحلهٔ دوم خود را ملزم به تشکیل دولت ائتلافی بداند تا دیگر چهره های شاخص از وی حمایت کنند. به این ترتیب، در صورت پیروزی این نامزد، او متعهد به تشکیل چنین دولتی می شد.

۳. سومین مرحله پیشنهاد اجرای طرح دولت ائتلافی نامزد پیروز در انتخابات بود.

رضایی زمانی اعلام نامزدی کرد که دو روز پیش از آن، سه ضلع جبهه اصولگرایی از نامزدی محمود احمدی‌نژاد حمایت کرده بودند. جبههٔ پیروان خط امام و رهبری، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی و جمعیت ایثارگران به همراه رایحهٔ خوش خدمت و فراکسیون

انقلاب اسلامی در مجلس، همگی در زمرهٔ حا میان احمدی‌نژاد بودند. در این میان، رضایی که در میان اصلاح طلبان سهمی نداشت، به پشتوانهٔ حمایت از گروه‌های اصولگر وارد عرصه شد. تنها احزاب اصولگرای نوپا، از جمله توسعه و عدالت و تمدن اسلامی بود که از نامزدی او حمایت کردند. نمایندگانی از مجالس گذشته، که در قالب فراکسیون وفاق و کارآمدی می گنجیدند، نیز به جمع حامیان رضایی پیوستند. به دلیل همین حمایت‌ها بود که رضایی تأکید کرد بنابر احساس تکلیف الهی و به پشتوانهٔ ملت وارد میدان شده است.

اگرچه این مردم‌اند که با آرایشان نشان می دهند چه کسی رئیس‌جمهور می شود، اما تحلیلگران سیاسی، این سؤال را مطرح کردند که چرا رضایی وارد عرصه‌ای شده که نتیجهٔ آن قابل پیش‌بینی بوده است؟ برخی پاسخ داده‌اند، که رضایی در این میان قربانی بوده است. برخی دیگر که با حسن‌نیت به نامزدی وی می نگریستند، معتقد بودند که او آمده است تا انحصارطلبی در اصولگرایی را بشکند و فضا را به گونه‌ای تغییر دهد که در اردوگاه اصولگرایی نیز چندصدایی و تکثر کاندیدا همچون اردوگاه اصلاح طلبی وجود داشته باشد. اما کسانی که با سوءنیت به حضور رضایی در عرصهٔ رقابت‌های انتخاباتی موضع گیری کردند، بر این باور بودند که رضایی برای شکستن آرای احمدی‌نژاد به میدان آمده بود. از نگاه آنان، چون رضایی در میان اصلاح طلبان رأیی نداشت، آمده بود تا هرچند اندک، اما به هر حال، از آرای احمدی‌نژاد بکاهد. علیرضا زاکانی و مهدی کوچک‌زاده، نمایندگان تهران از جمله این تحلیلگران بودند. آنها ورود رضایی را به تحریک هاشمی می‌دانستند و معتقد بودند که دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به درخواست رئیس این مجمع وارد عرصه شده است تا تاوان شکست هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری گذشته را پس بگیرد؛ البته، این دست افراد، حضور موسوی و کروبی را نیز به تحریک هاشمی می‌دانستند و معتقد بودند این سه نفر همگی برای شکست احمدی‌نژاد آمده بودند.

با تمام اینها، خود رضایی می گفت، آمده تا خودش و برخی دیگر از اصولگرایان منتقد، کاندیدا داشته باشند و ناگزیر از دادن رأی سفید نشوند. یکی از مشاوران رضایی با بیان اینکه او برای گسترده شدن چتر اصولگرایی و پاسخ گویی به جریان‌های اصولگرایی، در این دوره

از انتخابات شرکت کرده، اصولگرایان را به قدردانی از حضور محسن رضایی فراخواند.

کاندیدای فراجناحی

از ویژگی‌های دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری این بود که اغلب نامزدها، جز مهدی کروبی، خود را فراجناحی می‌خواندند.

احمدی‌نژاد هم به استناد اینکه بدون حمایت‌های حزبی توانسته بود بر کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند، خود را یک نامزد مستقل می‌دانست. اما از آنجا که این بار بیشتر گروه‌های اصولگرا به حمایت از احمدی‌نژاد برخاسته بودند این رضایی بود که ادعایی مشابه داشت و خود را نامزد مستقل می‌دانست و می گفت: «تا کی مردم باید در انتخابات شرکت کنند، عده‌ای را به میدان آورند و رئیس جمهوری برای ۴ سال انتخاب کنند و دوباره همه چیز از نو به جای اول خود بازگردد. مردم از دعواهای جناحی خسته شده‌اند.»

محسن رضایی اگرچه در هیچ حزبی عضویت نداشت اما در مرزبندی‌های سیاسی کشور در جرگه اصولگرایان می گنجید. او با تأکید بر اینکه برای پیشرفت آمده‌ام، معتقد بود که می‌تواند پروندهٔ دعواهای دو جناح را ببندد و دورهٔ جدیدی را در ایران به وجود آورد. از ویژگی‌های رضایی در این دوره از نامزدیش، جذب اصولگرایان منتقد و همچنین برخی چهره‌های خاموش سال‌های گذشته بود. داوود دانش جعفری، که پس از انتخابش به عنوان وزیر اقتصاد دولت نهم، دورهٔ نمایندگی‌اش در مجلس هفتم را نیمه‌کاره رها کرده و بر سر تفاوت دیدگاه‌های اقتصادی‌اش با رئیس جمهور نتوانسته بود حضور تمام و کمالی در کابینه نهم داشته باشد، او همپای رئیس و دبیر مجمع تشخیص طی یک سال گذشته به انتقاد از برنامه‌های اقتصادی دولت پرداخت و با اعلام نامزدی رضایی در کنار وی قرار گرفت و ریاست ستادش را پذیرفت.

صادق طباطبایی و لیلی بروجردی، دو نفر از اعضای بیت امام بودند که در میان ناباوری ناظران سیاسی به جرگهٔ یاران رضایی پیوستند. طباطبایی، برادر همسر مرحوم احمد خمینی، ریاست ستادهای برون مرزی رضایی را پذیرفت و بروجردی، نوهٔ دختری

امام، رئیس کمیتهٔ زنان ستاد او شد.

تا آخر می مانم

از عمده‌ترین دلایلی که سبب شد نامزدی رضایی در انتخابات دورهٔ دهم چندان جدی گرفته نشود، کناره گیری وی از نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری دورهٔ گذشته بود.

حضور رضایی در عرصهٔ رقابت‌های سیاسی نخستین بار، در سال ۷۸ بود که خود را کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در تهران کرد و در فهرست ائتلاف خط امام و رهبری قرار گرفت، اما موفق به کسب آرای لازم نشد. او سپس در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ با شعار انتخاباتی دولت عشق، حضور یافت، اما دو روز پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم، کناره گیری خود را اعلام کرد. در بیانیه‌ای که او در آن زمان منتشر کرد، دلیل کناره گیری خود را جلوگیری از تشتت آرای مردم بر اثر کثرت نامزدها عنوان و تأکید کرده بود که به نفع هیچ کس کناره گیری نمی کند و تنها به نفع مردم و برای آنکه آنها در تصمیم‌گیری شان دچار مشکل نشوند، از نامزدی انصراف می دهد؛ این در حالی بود که او در فیلم انتخاباتی اش در مصاحبه با مرحوم رسول ملاقلی‌پور در پاسخ به پرسشی گفته بود: من کنار نمیروم مگر با گلوله!

او، پس از چهار سال، بار دیگر عزم کاندیداتوری برای انتخابات ریاست جمهوری کرده و در هر جمعی با این پرسش روبه‌رو بود که آیا این بار در عرصهٔ رقابت، تا آخرین لحظه باقی می ماند یا نهٔ رضایی نیز پاسخ می‌داد که مطمئن باشید این بار تا آخر هستم و انصراف نخواهم داد.

در همین حال، دانش جعفری، رئیس ستاد انتخاباتی رضایی نیز در جلسات سخنرانی خود با همین سؤال مواجه بود. او که کناره گیری رضایی از صحنه انتخابات را غیرممکن می‌دانست، تأکید داشت که: «ما تا آخرین لحظه در صحنه خواهیم ماند و حتی به نتایج نیز امیدواریم؛ چرا که معتقدم تصمیم مردم و سرنوشت انتخابات در لحظات آخر تعیین خواهد شد.»

رضا طلایی نیک نیز در پاسخ به پرسش مشابهی گفته بود: «این دوره محسن رضایی با

اعتقاد به اینکه راهکارهای دولتش یک تکلیف از پیش تعیین شده است تا پایان انتخابات در عرصه حضور خواهد داشت.»

بستهٔ سیاسی برای آمریکا

رضایی، تنها نامزدی بود که در بحث روابط بین‌الملل، به ویژه برقراری رابطه با آمریکا، زودتر از رقبایش وارد عمل شده بود. او که به قول خودش به دنبال بهبود دیپلماسی کشور برای رفع تحریم‌های بین المللی بود، از ارائهٔ بسته‌ای سیاسی به آمریکا خبر داده بود؛ بسته‌ای که به واسطهٔ آن چالش‌های سیاسی و اقتصادی کمتر و تمامی زمینه‌های اقتصادی، هسته ای و همچنین منطقه ای را شامل می شد.

درحالی که دیگر کاندیداها با احتیاط دربارهٔ رابطه با آمریکا سخن می گفتند، رضایی از پیشنهادی برای برقراری سخن می گفت که حتی برداشتن گام‌ها را نیز برای هر دو کشور مشخص کرده بود. به گفتهٔ وی، ایران در راهکار بحران مالی در مبارزه با تجارت مواد مخدر به آمریکا کمک می کرد و متقابلا خواهان صلح و امنیت در خاور میانه و ایجاد یک سیستم امنیت منطقه ای بود. او در یکی از سخنرانی هایش گفت: «قصد دارم پیشنهاد کنم که آمریکا خود برای تغییرات در رابطه با ایران پیشقدم شود.»

رضایی در حالی امیدوارانه نسبت به ایجاد رابطه با آمریکا سخن می گفت که هیچ تضمین متقابلی برای حسن نیت آمریکا در قبال ایران وجود نداشت. او که خود را مخالف ادبیات ماجراجویانه و انفعالی در سیاست خارجی می‌خواند، از نگاهی در سیاست خارجی آمریکا سخن می گفت که لشکرکشی در بیرون از مرزهای آمریکا را در جهت حفظ منافع خود نمی‌دانست. بر این اساس، رضایی معتقد بود که موضوع براندازی نظام ایران از سوی آمریکا دیگر تکرار نخواهد شد. به همین دلیل او قصد داشت، در بستهٔ سیاست خارجی و دیپلماسی خود، تغییرات متقابل بین ایران و آمریکا را تعریف کند.

رضایی برای غنی سازی هسته ای نیز برنامه ای خاص داشت؛ به این معنی که، برخلاف گذشته، این برنامه با ایجاد کنسرسیومی از دولت‌های اروپایی و همچنین همسایگان ادامه

یابد. به گفتهٔ وی، در تشکیل این کنسرسیوم، از ایرانیان در بخش مدیریت و از سهامداران در هیأت مدیره آن استفاده شود.

از سخنان مهم رضایی در مصاحبهٔ مشترکش با روزنامه های آلمانی تاگس اشپیگل و زودویچه سایتونگ، این بود که: «اگر من رئیس جمهور باشم، اسرائیل حمله نمی کند؛ زیرا آنها مرا می شناسند!»

این نامزد انتخابات ریاست جمهوری دهم، اولویت سیاست خارجی دولتش را بازسازی چهره تخریب شده ایران در بین کشورهای خارجی برشمرده و اظهار می‌داشت: «در سیاست خارجی باید سیاست منطقه را در نظر بگیریم و اتحادیهٔ آسیای جنوبی غربی را راه اندازی کنیم تا امنیت منطقه را خودمان به دست آوریم.»

توجه ویژه به جوانان

رضایی توجه به جوانان را یکی از بزرگ ترین برنامه‌های خود معرفی می کند و با اشاره به حضور جوانان در دو عرصهٔ مهم انقلاب و دفاع مقدس، با کنایه به رقبای خود و رؤسای جمهور پیشین می‌گوید، چرا در این ۳ دهه نتوانستند از جوانان باکری یا همت بسازند و تربیت کنند.

از دیگر برنامه‌های ویژهٔ رضایی برای جوانان، کاهش زمان سربازی و تبدیل شدنش به یک شغل بود. او این وعده را در نخستین نشست مطبوعاتی خود اعلام کرد و در طرح چ نین شعاری از رقبایش پیشی گرفت. او در حالی این وعده را مطرح کرد که هرگونه اصلاح قانون خدمت وظیفه باید براساس قانون مورد تأیید فرمانده کل قوا نیز قرار می گرفت. ریاست جمهوری در این مورد هیچ اختیاری ندارد؛ اما رضایی در پاسخ به اینکه چرا شعاری می دهید که در حیطهٔ وظایفتان نیست، می‌گوید: «روابط من با رهبری به گونه ای است که اگر این موضوع را با ایشان مطرح کنم، آن را می پذیرند.» وی او با بیان اینکه طرح سرباز حرفه ای از برنامه‌های مهم اوست، تأکید می کند: «با استدلال صحیح مخالفان این طرح را قانع خواهم کرد.»

کنایه‌های رضایی به دولت نهم

بی توجهی به قشر جوان جامعه و تنها دادن وام‌هایی با عنوان صندوق مهر رضا به آنها، که از نظر رضایی نوعی گداپروری است، تنها انتقادات وی به دولت نهم نیست. او در خلال سخنرانی های پیاپی خود به نقد دولت نهم از زوایای مختلف می پردازد.

از پرسروصداترین برنامه‌های رضایی در این زمینه، لغو سهمیه بندی بنزین است. وی این طرح را کاری ناپخته و بدون مطالعه در دولت نهم می‌داند و با اعتقاد بر اینکه مشکل اصلی بحث مصرف سوخت مردم نیست بلکه وجود تجهیزات غیراستاندارد در کشور است، می گوید: «ما می‌توانیم بین قیمت و هزینه سوخت تفکیک قائل شویم. اول هزینه را کاهش دهیم، بعد اجازه دهیم قیمت ها بالا برود.»

او از منظر یک اقتصاددان با عرضهٔ آمارهایی که مؤید افزایش نرخ تورم در جامعه است، در انتقاد از انکار گرانی از سوی دولت نیز اظهار می کند: «اگرچه سیاه نمایی امری نادرست است اما نباید دولت در پاسخ به دغدغهٔ مردم در موضوعی مانند گرانی آن را انکار و بگوید گرانی شایعه است؛ در حالی که چنین چیزی وجود دارد و مردم آن را با پوست و گوشت خود احساس می کنند و باید برای این مشکل راه حلی یافت.»

رضایی خود را متمایز از احمدی‌نژاد معرفی می کند و دیدگاه‌هایش را در تمامی امور متفاوت با وی می‌خواند. او که با نقد عملکرد اقتصادی دولت در نظر دارد انقلابی اقتصادی به راه اندازد، بیشترین برنامه‌های خود را بر اصلاح الگوی مدیریت اقتصادی کشور بنا نهاده است.

ارسال نامه به ۲۰ کشور اقتصادی دنیا، از برنامه‌های دیگر اوست. رضایی در نظر دارد طرح خود را در مورد کنترل بحران‌های مالی به این کشورها عرضهٔ کند. او می گوید، قصد دارد با کاهش اقتصاد دولتی و فعال سازی بخش خصوصی انقلاب صنعتی به وجود آورد و آزادی اقتصادی را با جذب سرمایه‌های خارجی گسترش دهد.

برنامهٔ دیگر رضایی برای اصلاح نظام اقتصادی کشور اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ است. او برای این کار وعده داده است، وزرایی را در کابینه اش به کار گیرد که به سیاست‌های اصل ۴۴ اعتقاد داشته باشند و خودش نیز نظارت کند تا رفتار حکومت و

دولت در عمل بر اساس سیاست‌های اصل ۴۴ باشد.

کیفیت بخشی نیروهای انسانی موجود در دستگاه های دولتی، توجه به سرمایه‌های ایرانی و ایرانیان خارج از کشور و تغییر و اصلاح نظام مدیریتی کشور از رئوس اصلی برنامه‌های رضایی است؛ برنامه‌هایی که به گفته خودش نشان می دهد او علاوه بر دردشناسی، درمان شناس نیز هست[1].

بیانیه های محسن رضایی

بیانیهٔ رسمی حضور در انتخابات

بسمه تعالی

مردم شریف، نجیب و قدرشناس ایران!

در دوازده سال پر فراز و نشیب گذشته، پیشرفت ها، تغییرات و نیز انحرافات، آسیب ها و خطاهای زیادی را در عرصهٔ سیاسی و مدیریتی اجرایی کشور شاهد بوده ایم. اینجانب نیز در کنار شما ملت عزیز و صبور، با نگاهی مثبت و اندیشه ای سازنده، ضمن همکاری با دولت‌های گذشته، تلاش خود را به احیای امر سیاست گذاری که یک خلأ راهبردی و کلیدی در ادارهٔ امور کشور بود، معطوف داشتم.

ثمرهٔ این تلاش گروهی به همراه جمع فراوانی از نخبگان علمی، سیاسی و دانشگاهی کشور به فضل خدا منجر به تدوین کتاب دوم انقلاب که مجموعه ارزشمند سیاست‌های کلی نظام از جمله چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سایر موارد دیگر می‌باشد، شد که به همت اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و با توجه به رهنمودهای رهبر فرزانه و حکیم انقلاب به عنوان نقشهٔ راه آینده کشور، تأیید و ابلاغ شده است. در این بین احساس کردم تغییرات حاصله و پیشرفت های ناشی از آن، پاسخگوی جهش لازم در ادارهٔ کشور و حل مشکلات اساسی جامعه نبوده، چه رسد به آنکه بخواهد

---

۱. سایت تابناک، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۷:۱۷، کد خبر ۵۱۴۴۱. تمام این متن که یک بیانیهٔ انتخاباتی است بدون نام نویسنده در سایت تابناک در تاریخ مذکور منتشر شده بود.

کتاب دوم انقلاب را عملی سازد. از این روی، با یک جمع بندی جامع، خود را برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری نهم آماده کردم که دو روز پیش از انتخابات به دو علت از صحنه کنار رفتم؛ نخست اینکه برداشت کردم از حمایت گسترده‌ای برای تحقق ایده‌ها و تغییرات مورد نظر برخوردار نیستم و دوم، اعتراض به نحوهٔ برگزاری انتخابات.

از آن زمان به این سو تلاش کردم که برای کارآمدتر کردن مردمسالاری، انتخابات و مدیریت دولت، به رایزنی‌ها و مشورت با دلسوزان نظام و مردم بپردازم. به باور اینجانب ماحصل این مطالعات تغییری است که باید در ادارهٔ کشور با تشکیل دولت‌های ائتلافی به جای دولت‌های فرد گرا تحقق یابد. به عبارت دیگر «برنامه محوری» جایگزین اعمال سلیقه فردی، تک اندیشی و یکسونگری شود.

امید می‌رفت برای تحقق ایدهٔ مذکور یکی دیگر از دوستان که نظریهٔ دولت ائتلافی را پذیرفته و متعهد به برنامه‌های آن بود، قدم به عرصهٔ انتخابات گذارده و اینجانب به همراهی سایرین، وی رادر انجام وظیفه کمک نماییم تا دولتی کارآمد و متعهد و برخاسته از آرای مردم مسند اجرا را عهده‌دار شود.

در این حال، انتظار داشتم که گفتمان، اهداف و برنامه‌های نامزدهایی که به صحنه می‌آیند، کشور را از حضور اینجانب در صحنهٔ انتخابات بی نیاز سازد، ولی تلاش های فراوان همراه با صبر و انتظار، بی نتیجه ماند و به دلایل زیر و پس از اینکه مدتی که دیگر نامزدهای انتخاباتی بخش زیادی از راه را طی کرده‌اند، تصمیم گرفتم به صحنه انتخابات وارد شوم. لازم است پیشاپیش تصریح کنم که انجام تکلیف در شرایط حساس کشور مقدم بر هر نتیجه دیگری است؛ هرچند می‌دانم ملت بزرگ ایران، خالق حوادث بزرگ اند و فرزندان و خدمتگزاران خود را تنها رها نمی کنند.

ـ اما چرا احساس تکلیف؟

انتخابات ریاست جمهوری، میدان شکل گیری معرفت جمعی و اراده و عزم ملی برای دوره‌ای چهارساله است و طرح نشدن مهم‌ترین مسائل جامعه و راه‌حل های برون رفت از آن، ظلم بزرگی به این معرفت و عزم و ارادهٔ ملی است. به نظر می رسد، به رغم آنکه

که بیشتر نامزدهای انتخاباتی از بزرگان و شخصیت های قابل احترام هستند، اما فاقد یک تحلیل راهبردی از شرایط جامعه، کشور و نظام بوده و متأسفانه کمتر توجه و تأکیدی بر مهم‌ترین و اساسی ترین مسائل جامعه در آرا و برنامه‌هایشان لحاظ شده است؛ برای مثال، موضوعی از جانب آنها مطرح می‌شود، اما راه حلی برای برون رفت از آن ارائه نمی شود.

من به ملت عزیز و نخبگان سرافراز ملت ایران ضمن بشارت پایان یافتن توطئه ها و تلاشهای دشمنان در براندازی نظام جمهوری اسلامی، اعلان خطر می‌کنم:

۱. از دست رفتن فرصت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در داخل، منطقه و نظام بین‌الملل برای ایران عزیز.

۲. تهدیدات داخلی از جمله بیکاری، تورم، فقر، مواد مخدر و سایر آسیب های اجتماعی که سبب جاری بودن ده میلیون پروندۀ قضایی در سال، نزدیک صدهزار مجروح و کشته در تصادفات و امثالهم در نتیجه ضعیف شدن نشاط و آرامش در جامعه.

۳. ضعیف شدن اخلاق در عرصۀ سیاست و حکمرانی که تا سطح جامعه دامن گسترده و دولتی شدن از سوی دیگر امر به معروف و نهی از منکر و دور شدن مردم به عنوان بانیان اصلی این امر.

۴. تفرقه افکنی و تشتت بین دولت و اقوام و بین شیعه و سنی افزایش یافته و وحدت که اساس انقلاب و حیات سیاسی ایران است اکنون با تهدید جدی روبه روست.

۵. برخی از دولتمردان و سیاسیون، ناکارآمدی خود و گروهشان را به پای نظام می نویسند و با وجود علاقه و اعتقاد راسخ مردم به رهبری و نظام اسلامی، ممکن است این مهم را متوجه نظام و رهبری کنند.

۶. جبهه بندی های جدید در جهان اسلام علیه ایران اسلامی و اسلام رو به گسترش است.

۷. ایجاد فضای امنیتی به جای گسترش آسایش و آرامش در کشور.

با لحاظ همۀ موارد بالا، ورود من به صحنۀ انتخابات یا موجب کسب مسئولیت ریاست جمهوری و ریاست دولت آینده خواهد شد که در این صورت بر پایۀ برنامه‌های مؤثر و مفیدی که تهیه کرده‌ام، دغدغه های فوق را برطرف خواهم کرد. یا، در غیر این صورت، در شکل گیری

معرفت جمعی و عزم و ارادهٔ ملی تأثیر خواهم گذاشت و خواهم کوشید، دولت آینده به مسیر درست‌تری هدایت شود، امید است با این تدبیر از فرصت‌سوزی‌ها کاسته و نشاط و آرامش در جامعهٔ ما فراگیر و پیشرفت و توسعه، شتاب بیشتری به خود بیابد. هرچند در آینده برنامه‌های خود را توضیح خواهم داد، ولی لازم می‌دانم به چند نکتهٔ مهم اشاره نمایم:

۱. **ضرورت تغییر الگوی مدیریت کشور**: ساختار حکومت ایران در اثر پیروزی انقلاب اسلامی از بُعد سیاسی متحول شده و از نظام سیاسی شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی تغییر یافته است، لیکن در بُعد اداری و مدیریت در سی سال اخیر، تغییر چندانی صورت نگرفته و آن اصلاحات قلیلی که صورت گرفته در این اواخر دچار چالش شده است. علت توفیق نظام در بُعد سیاسی آن است که یک تیم پیشرو به رهبری حضرت امام (ره) تحول سیاسی را در جامعهٔ ایران به وجود آوردند و نهادهای سیاسی از قبیل قانونمندی، آزادی و مردمسالاری، استقلال را بنیان نهاده و جانشین صالح ایشان هم این دستاوردها را تا امروز پاسداری کرده و ایران را به قدرت سیاسی دفاعی منطقه تبدیل کرده‌اند. به همین دلیل، حکومتداری در کشور خوب صورت می‌گیرد، ولی حکمرانی و مدیریت کشور که عمدتاً در اختیار دولت است، از ابتدای انقلاب در بُعد اداری و مدیریتی کمتر، تیم پیشرو و خلاقی به خود دیده است. برای همین، کشتی کهنه‌ای که تعمیرات جزیی در آن انجام شده قادر به حمل جامعه بزرگ ایران نیست. حال اگر کسی پیدا شود که همین تعمیرات جزئی را هم به هر بهانه‌ای خراب کند، ممکن است کشتی را غرق نماید. اکنون کشور به یک تیم پیشرو نیاز دارد که الگوی مدیریتی کشور را تغییر دهد. من و دوستانم برای این کار آمده تا با کمک تجارب چهل سال فعالیت سیاسی و مبارزاتی و علم و دانش ادارهٔ صحنه‌های بزرگ و آنچه آموخته‌ایم و مطالعه‌ای که در دوازده سال اخیر در مجمع تشخیص مصلحت نظام به کمک نخبگان کشور انجام، بانی یک تحول مدیریتی و اداری شده و الگوی مدیریتی کشور را تغییر دهیم. اولویت این اصلاحات ایجاد یک دولت ائتلافی، فراگیر، خدمتگزار و صدیق، متشکل از تمامی نخبگان کشور است.

۲. **ضرورت رعایت و ترویج اخلاق سیاسی در جامعه**: رعایت شفافیت، صداقت، اخلاق

اسلامی و کرامت انسانی در سیاست، اصولی ماندگار و ضروری است، در حالی که امروز دیده می‌شود این امر مهم در حال محو شدن و بازی‌های سیاسی و روانی در حال ظهور است.

۳. ضرورت برنامه محوری به جای فردمحوری: جلوگیری از دوقطبی شدن انتخابات و نهادینه شدن نزاع های سیاسی حاصل از آن، مانع شدن از فردمحوری در رأس قوه مجریه و تثبیت برنامه محوری به جای سلیقه محوری و تشکیل یک دولت ائتلافی کارآمد و متعهد در جهت به کارگیری حداکثر ظرفیت ها و پتانسیل های مدیریتی، از ضروری ترین اصلاحات ساختاری و هدفمند کشور است که می بایست در چهار سال آینده صورت گیرد.

۴. احیای جریانات اصیل خدمتگذار با تکیه بر اصولگرایی انقلابی: با منحصر شدن جریان اصولگرایی و انقلابی به یک مجموعه خاص، نخستین گام در کشاندن کشور به بن بست سیاسی خواهد بود و باید اقدامی جدی در راستای احیای دوباره جریان اصولگرایی انقلابی و ارزشی کرد که دربرگیرندهٔ تمامی نیروهای معتقد، مؤمن، ارزشی و اصلاحگر در روند انقلاب اسلامی و کشور است.

امید فراوانی بود تا فرد دیگری این وظیفهٔ مهم و خطیر را پذیرفته و پرچمداری آن را عهده‌دار شود و حقیر هم به او کمک می‌کردم. اکنون، استوار، مصمم و صادقانه و بر مبنای اصول اخلاقی آمده‌ام و امیدوارم که به پشتوانه ملت شریف و سرافراز و عنایات حضرت ولی عصر(عج) رستگار و پیروز شده و ایران را به جایگاه شایسته تری برسانیم.

محسن رضایی[1]

بیانیه دربارهٔ بازار سرمایه

به نام خدا

۱. دولت من تمامی تلاش خود را برای بالا بردن ارزش خالص دارایی‌های شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق های بازنشستگی و نهادهای عمومی خواهد نمود. افزایش ثروت مردم در بورس در اولویت دولت من قرار دارد.

---

۱. سایت تابناک، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸، ساعت ۱۹:۴۱، کد خبر ۴۵۷۳۸.

۲ . به منظور حفظ تعادل بین بازارهای گوناگون از طریق معاونت اقتصادی خود، شورای اقتصاد و شورای عالی بانک‌ها، حوزه‌ای را طراحی خواهیم کرد که به طور مستمر بازارها را به نحوی مطلوب هدایت نماید تا از این طریق گردش نقدینگی در بازار سرمایه و مسکن که موجب رشد اشتغال‌زایی و رشد و توسعه اقتصاد کشور است به طور بهینه انجام گیرد.

۳ . با ایجاد نظارت و شفافیت در بازار و ایجاد پاسخگویی توسط دستگاه نظارت و شورای بورس، سعی در افزایش E / P بازار ثانویه و همه تلاش خود برای آنکه در بازار ثانویه دارایی کمتر از ارزش جایگزینی خودش معامله نشود را خواهم کرد؛ این وظیفه را زارتخانه‌های صنعتی، کشاورزی و نیرو، از رسالت‌های خود دانسته و نظام تعرفه در حمایت صنایع داخلی عمل خواهد کرد.

۴ . با تقویت بنیهٔ مالی بنگاه‌ها، اصلاح ساختار بنگاه‌ها و مدیریت بنگاه‌ها در بخش دولتی و عمومی، همچنین حذف رانت فروش محصولات این بنگاه‌ها، به طور مثال در صنعت سیمان، اوره و آمونیاک، لبنی و شوینده و حذف موانع صادراتی محصولات آنها، سعی می کنم آمار موجود ۲۰ درصد از سهام شرکت‌های موجود در بازار که زیر قیمت اسمی قرار دارند را به زیر ۲ درصد برسانم.

۵ . اجازه نخواهم داد که دولت، بدهکار شرکت‌های سها میعام متعلق به مردم در زمان طولانی بماند تا این شرکت‌ها مجبور نشوند برای تأمین سرمایه در گردش خود وام‌های گران قیمت بگیرند. مثال‌هایی از این نوع شرکت‌ها در گذشته و حال شرکت تراکتورسازی ایران، کنتورسازی ایران و شرکت‌های تولیدکننده موادشوینده است که در سال‌های گذشته به علت عدم اخذ مطالبات خود از دولت روی به وام‌های گران قیمت آورده‌اند.

۶ . اجازه نخواهم داد در بازار سرمایه کشور افرادی شرکت‌های موجود و شرکت‌های تازه عرضه شده را بخرند و توسط مدیران منصوب شده خود، دارایی‌های آنها را در راستای منافع خودشان بفروشند و پروندهٔ آنها توسط سازمان بورس پیگیری نشود. پیگیری قاطع پرونده این شرکت‌ها را در سازمان بورس به شدت دنبال خواهم نمود.

۷ . عرضهٔ سهام توسط سازمان خصوصی سازی باید به صورت شفاف، اعلام عمومی

زمان عرضه و قیمت های کارشناسی شده توسط شرکت‌های تأمین سرمایه به همهٔ اقشار جامعه، به صورت نقد و نسیه انجام گیرد.

۸. شعار من در خصوصی سازی، عمومی سازی است و مردم باید در مدیریت و مجامع شرکت‌ها حضور واقعی داشته باشند. یک خط اعتباری مناسب در راستای تشویق مردم برای خرید سهم بنگاه ها ایجاد خواهم کرد.

۹. با پاداش چند میلیونی و حق حضورهای میلیون تومانی در شرکت‌ها مبارزه خواهم کرد.

۱۰. اجازه نخواهم داد در شرکت‌های سهامی عام، کمک های بلاعوض انجام گیرد و از دارایی‌های آنها در نهادهای دولتی بهره برده شود، مگر با موافقت ۱۰۰ درصد صاحبان سهام.

۱۱. نظارت بر شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به عنوان متولی سهام عدالت در جهت گزینش مدیران مناسب و حقوق سهامداران جزء در مجامع آنها را ارتقا خواهم داد و در راستای عقد قانونی و شرعی سهام عدالت برای پرداخت سود شرکت‌ها به مردم و اقساط خرید آنها به دولت تلاش خواهم نمود.

۱۲. تمام کالاها با سهم بالاتر از یک درصد تولید ناخالص داخلی را به بورس کالا هدایت می کنم تا از این طریق، تعیین قیمت این کالاها در اقتصاد، پیرو قیمت گذاری منطقی و رقابتی باشد.

۱۳. سعی در ایجاد و تشویق ورود شرکت‌ها به بورس و بازار فرابورس خواهم کرد تا معاملات این شرکت‌ها در دسترس همگان قرار گیرد.

۱۴. از تفسیر موارد مالیاتی برای افزایش درآمدهای مالیاتی دولت پرهیز خواهم کرد و به قوانین برنامه پنج سالهٔ توسعه ای و سالیانه وفادار خواهم بود و در صورت لزوم تغییرات موردی در این قوانین تعهد می کنم به خاطر شفافیت در بازار، دست کم یک ماه پیش از تقدیم لایحه به مجلس مراتب را به بازار سرمایه اطلاع دهم. در دولت من تصمیمات شبانه از قبیل تعیین تعرفه ۱۰۰ درصدی برای صادرات سیمان و ۶۰ درصدی برای واردات موبایل وجود نخواهد داشت.

۱۵. از کانون‌های سرمایه‌گذاری حقیقی و حقوقی و کانون کارگزاران بورس اوراق

بهادار، انجمن حسابداران رسمی و... برای رشد و توسعه بازار و ایجاد استانداردها و رویه های مناسب در بازار حمایت کرده و مشورت های لازم را از این نهادها در راستای اصلاح بخشی از قانون تجارت، قانون مالیات‌ها، قانون بازار سرمایه خواهم گرفت.

۱۶. شرایط ورود شرکت‌های موجود در بازار سرمایه را به سایر بورس های کشورهای دیگر و بالعکس فراهم خواهم آورد.

۱۷. اجازه نخواهم داد با بالا بردن ح/ث بازار دارایی‌های دولت به مثابهٔ دو بانک اخیر در قیمت حدود ۱۰۰۰ ریال به مردم عرضه شود و در این قیمت‌ها نیز ثابت بماند. سهام این بانک‌ها که ثروت مردم در آنها حفظ و نگهداری می شود باید از پویایی لازم برخوردار باشند.

۱۸. هیچ شرکتی را اجازه پذیرش در بورس نخواهم داد، مگر آنکه محصولات آن شرکت در مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین قیمت شود و اگر در شرایط بسیار خاص مجبور به تعیین قیمت یک کالا گردم، بر اساس قانون اصل ۴۴ زیان سهامداران را در بودجه از قبل پیش‌بینی خواهم نمود و خسارت سهامداران را به آنها بازخواهم گرداند و مسائل همچون صنعت سیمان، شوینده، اوره و آمونیاک، دیگر در تاریخ بازار سرمایه تکرار نخواهد شد و در لقای شعار ایجاد رضایت برای مردم سرمایه‌گذارانی را که مالیات دهنده و ایجاد کنندهٔ اشتغال برای مردم هستند را متضرر نمی کنم.

۱۹. با توجه به خصوصی شدن شرکت‌های بزرگ مشمول اصل ۴۴ تلاش خواهم نمود که صنایع فولاد، مس، آلو می نیوم، خودروسازی، بانک‌ها، بیمه‌ها، پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها در اتاق بازرگانی فعالیت گسترده‌تری را انجام داده و نقش واقعی را ایفا نمایند.[1]

بیانیه در مورد زنان

به نام خدا

هیچ نهضتی را سراغ ندارم که زن و یا زنانی در آن نقش اساسی نداشته باشند. هیچ قهرمان ملی، دانشمند و یا سیاستمداری بزرگ را نمی شناسم که از تربیت در دامان مادری فرهیخته

---

۱. سایت تابناک، تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۴:۰۲ کد خبر ۵۱۱۲۴.

کمال نیافته باشد و یا از همراهی همسری وفادار بی بهره باشد. تاریخ، گواهی صادق بر این مدعاست. دریغ آن که این حماسه آفرینان همواره گمنام مانده اند.

طی سال‌های اخیر ده ها هزار دختر جوان ایرانی به سطوح عالیهٔ علمی دست یافته است. چرا نباید از این سرمایهٔ عظیم انسانی، عاطفی، علمی در توسعهٔ ملی استفاده کرد؟

به نظر من، زن نقش مؤثر در توسعهٔ فرهنگی و اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی و سیاسی دارد که در این میان، محوریت او در توسعهٔ فرهنگی آشکار است.

زنان ما باید با حفظ ارزش‌های ایرانی و اسلامی در تمامی سطوح ادارهٔ کشور و زندگی و جامعه، نقش ایفا کنند. زنان ما، در مجامع بین المللی از دیگران برترند و نه تنها در ورزش بلکه در بقیه امور می‌توانند گوی سبقت را بربایند.

من در دولت خود نه تنها پست کلیدی به زنان کشور خواهم داد بلکه در ادارهٔ امور کشور، از زنان توانمند در تما میمشاغل و مدیریت آن مراکز استفاده خواهم کرد. اگر بیمهٔ بیکاری مهم است، بیمهٔ زنان خانه‌دار مهم‌تر است. به لحاظ اقتصادی، سهم کار زنان خانه‌دار در تولید ناخالص ملی، چشمگیر و قابل محاسبه است. از این رو، شغل خانه‌داری را تصویب و «حقوق خانه‌داری» به زنان خانه‌دار پرداخت خواهد شد که در برنامه اعلام خواهم کرد.

از اولویت های دولت من رفع محرومیت و فقرزدایی از اقشار مختلف از جمله زنان سرپرست خانواده و زنان آسیب دیده است.

اولین قدم، آماده سازی و توانمند کردن زنان در امور زیر می باشد:

۱. مهارت‌های زندگی

۲. فرهنگ سازی و تربیت فرزندان

۳. مشارکت‌ها و مدیریت های اجتماعی و سیاسی

خط مشی ما در امور بانوان برای ساختن یک جامعه انسانی و توحیدی که ابراهیم و هاجر محور آن هستند، عبارت اند از:

۱. تناسب در حقوق و وظایف زن و مرد در خانواده و برابری حقوق زن و مرد در اجتماع

۲. ارتقای تشکیلات مربوط به زنان

۳. توزیع عادلانه و بدون تبعیض امکانات و فرصت ها در همه امور ورزشی، تحصیلی، شغلی، بهداشتی و سلامت، تولیدی و تجاری برای زنان کشور.

بیانیه در آستانهٔ انتخابات (۱۹ خرداد ۱۳۸۸)

به نام خدا

ملت شریف، غیور و فهیم ایران!

اینک در آستانهٔ انتخاباتی بزرگ هستیم؛ انتخابی که به حول و قوهٔ الهی، در گسترده‌ترین حضور مردم رقم خواهد خورد و دیگر بار، عظمت نظام مقدس اسلامی (این میراث گران بهای امام و شهیدان) را به رخ دنیا خواهد کشید.

۱. همان گونه که پیش تر اعلام کرده بودم، بنا داشتم پیش از روز رأی گیری، چند تن از همکاران خود را در دولت ائتلافی معرفی کنم، لیکن

۲. موج گستردهٔ حمایت علما، برجستگان، اندیشمندان، هنرمندان و اقشار گوناگون مردم در چند روز اخیر، من را بر آن داشت تا با تأملی بیشتر و مشورت با این مجموعه های گران قدر و همچنین نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، نسبت به این مهم اقدام کنیم. البته باید یادآور شوم که اینجانب از همه کسانی که پیش تر نام آنها را برده ام، در ادارهٔ کشور استفاده خواهم نمود، ولی به طور کلی معیارهای انتخاب همکاران من عبارت است از: کارآمدی، تعهد، تخصص، مردمی بودن، ساده زیستی، صداقت و پایبندی به اصول و ارزش‌ها و نیز تصریح کنم که از نخبگان و اقوام به نحو شایسته ای بهره خواهم جست.

۳. شرایط خاص کشور ایجاب می کند که با تمسک به آیهٔ شریفهٔ «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»، بار دیگر همچون سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی و دوران پر افتخار دفاع مقدس، دست در دست هم دهیم و با همدلی و وحدت به سوی تعالی و پیشرفت کشور گام برداریم.

این جانب دست همهٔ دلسوزان نظام را به گرمی می فشارم و عاجزانه استدعا دارم که برای تحقق این امر خطیر، صمیمانه کمر همت ببندند. مطمئناً روح امام و شهیدان از این

اقدام خداپسندانه شادمان خواهد شد.

فرزند کوچک و خادم ملت ایران

محسن رضایی[1]

آخرین بیانیه قبل از انتخابات (۲۰ خرداد ۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انا نرغب الیک فی دولهٔ کریمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله

ملت شریف، غیور و آگاه ایران

اینک که به حول و قوهٔ الهی آماده می‌شوید تا در آزمونی بزرگ بار دیگر عظمت اسلام و ایران را به رخ جهانیان بکشید و در شرایطی که چشم تحلیلگران جهان متوجه رویداد تاریخی ۲۲ خرداد است، نکاتی چند را خدمتتان تقدیم می‌کنم:

۱. حقیر به عنوان یک خادم آماده و بی ادعا و سرباز ملت ایران که هشت سال غربت و پایداری شما ملت نجیب را با پوست و گوشت و استخوان خود لمس کرده و کوشیده‌ام تا در هیچ شرایطی از خدمت به اسلام و ایران دریغ نورزم، با توکل به خداوند متعال و با رمز یا زهرا(س) و یاد امام(ره) و شهیدان بدین عرصه پا گذاشته‌ام و این ناچیز را به محضر گرانقدر حضرت ولی عصر(عج) و روح بلند امام و شهیدان تقدیم می‌دارم.

۲. مجدانه تلاش کردم تا در تبلیغ، صداقت؛ در مناظره، انصاف و در مواجهه، متانت را پاس بدارم و آنچه می‌گویم صادقانه، صمیمانه و خاضعانه و به دور از هرگونه ریا و افراط و تفریط باشد. از شما می‌خواهم این مهم را در روز اخذ رأی مورد توجه قرار دهید. در همین جا از مردم شریف شهرها و روستاهایی که حتی یک برگ تبلیغاتی مربوط به اینجانب را دریافت نکرده‌اند، پوزش می‌طلبم و امیدوارم مختصر تلاشم در گفتگو و مناظرات، مورد توجه قاطبهٔ مردم قرار گرفته باشد. ضمن اینکه لازم می‌دانم تصریح نمایم که اینجانب همواره با پرهیز از اسراف و مصرف گرایی، تأکید کرده‌ام و کوشیده‌ام حداقل هزینه را برای تبلیغات داشته باشم.

---

۱. سایت تابناک، اول خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۴۸۸۵۳.

۳. در این انتخابات، غوغاسالاری و جریان سالاری به گونه‌ای عجیب ذهن و فکر مردم را به خود مشغول کرده و عناصری با اهداف خاص به این وضعیت دامن می‌زنند تا رأی مردم را از منشأ خرد و تدبیر خارج کرده و به بیراههٔ احساس و عصبیت سوق دهند. اینجانب به عهدی که با خدای خود بسته‌ام وفادار مانده و از شما صمیمانه می‌خواهم تا غوغاسالاران را به کناری زده و عرصه را برای شایستگان فراهم نمایید که رأی به دولت ائتلافی، کارآمد و متعهد، ان شاءالله نقطهٔ پایانی به این ناهنجاری‌ها و آغاز همدلی و تحولات بنیادین در عرصه مدیریت و اقتصاد کشور خواهد بود.

۴. حمایت‌های بی دریغ و صمیمانه، تماس‌ها و ابراز محبت‌های آحاد مردم، اقشار، صنوف و اقوام مختلف علی الخصوص علما، نخبگان و برجستگان ملت به‌ویژه پس از مناظرات، نشان از زنده بودن روح حق مداری در دل قاطبه ملت دارد. اما متأسفانه تلاش وسیعی در جریان است تا به مردم چنین القاء کند که رأی به نامزد برنامه محور در این دوره، در سرنوشت انتخابات بی تأثیر است. شما نیک می‌دانید که انتخابات، سه قطبی شده و با مشارکت حداکثری مردم، هیچ یک از نامزدها در دور اول موفق به کسب بیش از پنجاه درصد آراء نخواهند شد و بالطبع با همت و اراده و رأی شما ملت بزرگ، اینجانب یکی از نامزدهای دور دوم خواهم بود. بنابراین، بی تردید، رأی به اینجانب ـ که رأی به اعتقاد شما خواهد بود ـ در نتیجهٔ انتخابات، تأثیر قطعی خواهد گذاشت.

حقیر بنا به وظیفه به میدان آمدم و از شما نیز انتظار دارم با قاطعیت به ندای وجدان و انتخاب ضمیر روشن و پاک خود پاسخ دهید و غوغاسالاران را به کناری زده، به انتخاب اصلح ـ آنگونه که به تشخیص رسیده اید ـ همت گمارید.

در پایان، اکیداً توصیه می نمایم که قدر رأی خود را دانسته و از آن صیانت نموده و با رمز مقدس یازهرا یازهرا یازهرا (س) به پای صندوق های رأی بروید که «قطره دریاست اگر با دریاست».

وعدهٔ ما ۲۲ خرداد

و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

خادم ملت ایران

محسن رضایی[1]

---

۱. سایت تابناک، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۲۲:۳۳، کد خبر ۵۱۴۹۶.

نامه به ملت ایران در روز قبل از انتخابات

بسم الله الرحمن الرحیم

«یازهرا (س)»

مردم شریف ایران، سلام

نمی‌دانم با چه زبانی از محبت های بی دریغ و صمیمانه شما تشکر کنم، امّا اطمینان دارم شما تصمیمی تاریخی اتخاذ می کنید و به کسی رأی خواهید داد که برای آیندهٔ کشور مفید باشد. انتظار میرفت با توجه به هویت و فرهنگ ایرانی ـ اسلامی و مؤلفه هایی همچون نجابت، شرافت، آزادگی و اخلاق گرایی که همواره مورد تأکید و توصیهٔ اسلام عزیز بوده است، شاهد رعایت این فرامین و آموزه های ارزشمند باشیم.

ـ آیا صرف میلیاردها تومان پول برای تبلیغات انتخاباتی، با ارزش‌های انقلاب اسلامی سازگاری داشته است؟!

ـ چرا باید برای اثبات خویش حتی حرمت شهدا و ایثارگران را مخدوش کنیم؟!

ـ چرا باید برای اثبات خود به باورهای ملی و اسلامی تعرّض شود؟!

از رویدادهای تلخ این دورهٔ انتخابات، ناسپاسی نسبت به بخش قابل توجهی از اقشار جامعه و خدمات دلسوزان و زحمت کشان نظام، به ویژه تلاش نیروهای مسلح در خنثی کردن حملهٔ آمریکا به ایران بود. اگر نبود نامحرمان و دشمنان قسم خوردهٔ نظام اسلامی و ملت بزرگ ایران سفرهٔ دلم را در دفاع از شما باز می کردم تا بسیاری از تبانی های پشت صحنه و تکبّرهای شیطانی برملا شود. به قول مولوی:

زین دو هزاران من و ما ای عجبا من چه منم گوش بنه عربده را دست منه بر دهنم

از سوی دیگر، با اطمینان به شعور سیاسی مردم و امید به آینده نیازی به طرح بیشتر این مسائل نمی بینم، اما برای صیانت از شکوه حضور شما در انتخابات، نکاتی را تأکید می نمایم تا همهٔ ما آنان را سرلوحه رفتار خود قرار دهیم:

۱. همه با هم با عزمی راسخ پای صندوق های رأی حضور یافته و به کاندیدای اصلح رأی دهیم.

۲. تلاش کنیم شایستگی های اخلاقی و معنوی در کنار کارآمدی و داشتن برنامه برای ایرانی سرفراز به پیروزی برسد.

۳. با سه قطبی شدن انتخابات احتمال حضور دو نامزد به دور دوم زیاد شده است، به همین علت هر نامزدی را اصلح می‌دانید انتخاب کنید و مطمئن باشید که پیروزید و به هرگونه ابهام و شایعه برای انحراف آراء از فرد اصلح به غیراصلح، اعتنا نکنید.

۴. از ویژگی‌های بارز این دورهٔ انتخابات حضور گسترده و پرشور بانوان و جوانان است که این جانب به طور حتم با قدرشناسی تمام توان خود را در دفاع از منزلت و حقوق آنان به کار می بندم.

۵. خنثی کردن کج روی ها و سوء استفاده سیاست بازان، به هوشیاری ملت فهیم ایران نیاز دارد. هموطنانم! انتظار دارم هر گونه تخلف را جهت پیگیری به ستادهای این جانب گزارش داده تا با یاری نهادهای ذیربط برای جلوگیری از بروز شائبه ها نسبت به سلامت انتخابات مراقبت شود. از رهبر معظم انقلاب و مراجع عظام در هدایت و ترغیب مردم به حضور هر چه بیشتر در صحنهٔ انتخابات قدردانی نموده و با سپاس به پیشگاه ملت ایران از الطاف و حمایت‌های هواداران و رأی دهندگان به اینجانب صمیمانه تشکر می کنم.

نامزد دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری

فرزند کوچک ملت ایران

محسن رضایی[۱]

موضع گیری محسن رضایی بعد از انتخابات و اعلام نتایج

دکتر رضایی بعد از انتخابات در ابتدا به نحوهٔ شمارش آراء از وزارت کشور انتقاد و شکایت کرد و همزمان با آن مردم را به آرامش و وحدت دعوت کرد. در روز بعد از انتخابات یعنی شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ ستاد مردمی دکتر رضایی بیانیهٔ تشکرآمیزی خطاب به هواداران و شرکت کنندگان در انتخابات صادر کرد. پس از شمارش نهایی آراء آقای رضایی پیامی

---

۱. سایت تابناک، تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۲۲:۵۱، کد خبر ۵۱۵۹۲.

به ملت ایران صادر و اعلام کرد، هر فردی که پس از طی مراحل قانونی و تأیید نهادهای نظارتی و تنفیذ مقام معظم رهبری به عنوان رئیس جمهور اعلام شود، رئیس جمهور همهٔ ملت ایران بوده و برای جلوگیری از هرگونه وقفه در خدمت رسانی به مردم از او حمایت خواهد کرد[۱]. متن پیام محسن رضایی در این خصوص به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت عزیز و بزرگوار ایران!

میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را تهنیت عرض می نمایم. علاقهٔ زایدالوصف شما در تعیین سرنوشت و آینده خود را می ستایم. این جانب، به عنوان فرزند ملت، آفرینش این حماسه را به شما تبریک گفته و به ایرانی بودن خود می بالم.

اکنون که در تعیین سرنوشت خود حماسه و شگفتی دیگری آفریده اید، امیدوارم این حضور پرشور با برخی کج اندیشی ها در کام ملت تلخ نشود.

با آگاهی از اینکه برخی از افراد و جریان ها در این گونه موارد چه اهدافی را دنبال می کنند، شما مردم شریف را به آرامش و وحدت دعوت می نماید، چرا که آرامش و اتحاد مردم بر هر چیزی مقدم است.

از این فرصت استفاده کرده از کلیهٔ کسانی که این جانب را مورد حمایت قرار داده و تلاش نموده اند، قدردانی و از آنان تشکر می‌کنم. بدیهی است فردی که پس از طی مراحل قانونی و تأیید نهادهای نظارتی و تنفیذ مقام معظم رهبری به عنوان رئیس جمهور اعلام شود، رئیس جمهور همه ملت ایران بوده و برای جلوگیری از هرگونه وقفه در خدمت رسانی به مردم، وی را حمایت خواهم نمود.

سرباز کوچک ملت ایران

محسن رضایی[۲]

---

۱. این ادعا را باید به ماهها و چند سال آتی سپرد که آیا رضایی از احمدی‌نژاد حمایت خواهد کرد یا خیر؟
۲. خبرگزاری کار ایران، ایلنا، ۲۳/۳/۱۳۸۸ - ۱۸:۱۱:۲۵ کد خبر: ۵۹۹۶۹.

رضایی بعد از اعلام شدن نتیجهٔ انتخابات و پیام رهبر در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۳ نامه‌ای تشکرآمیز به رهبری نوشته و بیانات و تصمیمات ایشان را در همهٔ امور راهگشا دانستند. متن نامهٔ محسن رضایی به شرح زیر بود:

محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی

با سلام و تحیت

بر خود فرض می‌دانم تا از رهنمودهای راهگشای حضرت عالی در دیدار با نمایندگان ستادهای انتخاباتی، سپاسگزاری نمایم. همواره معتقد بوه و هستم که از کارکردهای مهم رهبری در جمهوری اسلامی ایران، حفظ وحدت جامعه و گره گشایی از بن بست‌های سیاسی در ادارهٔ کشور است و الحمدلله تاکنون چنین بوده است.

امید است شورای محترم نگهبان و وزارت کشور، با الهام از رهنمودهای حضرتعالی گام‌های مؤثرتری در رفع ابهامات انتخابات بردارند.

ملت بزرگوار ایران که جناب عالی را فصل الخطاب خویش در چنین حوادثی می‌دانند، به تأسی از رهنمودهای حضرتعالی در رابطه با حوادث اخیر، هیچ گاه سرنوشت سیاسی خود را با ارادهٔ دشمنان قسم خورده گره نمی‌زند و صف خود را از آشوبگران جدا کرده و می کند.

با احترام مجدد

محسن رضایی[1]

رضایی در روزهای بعد هم به رغم انتقادات خود به همکاری و همراهی با شورای نگهبان ادامه داد. ایشان در شامگاه پنج شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸ به گفتگوی ویژهٔ خبری شبکهٔ دوم سیما رفت و دیدگاه‌های انتقادی و اصلاحی خود را دربارهٔ عملکرد نهادهای رسانه‌ای، اجرایی و نظارتی اعلام کرد. او تنها نامزدی بود که در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ به شورای نگهبان رفت و اعتراضات خود را تقدیم آن شورا نمود. رضایی در روزهای پنجم

۱. پایگاه اینترنتی دکتر محسن رضایی، ۲۸ خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۸۵۲۴.

و ششم تیرماه دو نامه به شورای نگهبان نوشت و دیدگاه‌های خود را دربارهٔ تمدید مهلت رسیدگی به شکایات انتخابات و چگونگی تشکیل و عملکرد هیئت ویژه شورای نگهبان اعلام کرد[۱].

نامزدی کروبی و بیانیه‌هایش

کاندیداتوری کروبی برای اولین بار در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۵ در پایگاه رسمی حزب اعتماد ملی اعلام شد. این پایگاه نوشته بود که در سه جلسه در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۶، که بیش از ۱۰ ساعت طول کشیده، اعضای شورای مرکزی و اتاق فکر حزب اعتماد ملّی، در نهایت کروبی را به اتفاق آرا به عنوان کاندیدای حزب اعتماد ملی معرفی و از ایشان دعوت کرده‌اند که در این عرصه حضور پیدا کند. این اعلام برای سایر اعضای جبهه اصلاحات بسیار غیرمترقبه بود. به گونه‌ای که برخی چهره‌های سرشناس آنها از جمله بهزاد نبوی، محمد سلامتی، مجید انصاری و ابطحی در جواب سؤال خبرنگاران از اظهار نظر دربارهٔ نامزدی کروبی خودداری کردند و برخی هم آن را زودهنگام، موضعی، حزبی یا ناشی از فشار دیگران دانستند. شکوری راد و فاطمه راکعی دو عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت، تصمیم اعضای حزب اعتماد ملی را بی‌تأثیر در تصمیم حزبشان در انتخابات خاتمی به عنوان کاندیدا دانستند[۲].

هدایت‌الله آقایی از حزب کارگزاران، کاندیدای حزب خود را کماکان خاتمی دانست و به صورت ضمنی اظهار امیدواری کرد که نظر خود کروبی غیر از حزبش باشد[۳].

موضع گیری‌های صریح و ضمنی علیه کروبی بعد از تصمیم حزب اعتماد ملی، باعث نیامدن کروبی نشد و در نهایت، نامبرده، آمادگی خود را برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۸۷ در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد. او از این جهت

---

۱. نامهٔ اول در تاریخ ششم تیر با کد خبری ۸۵۲۸ ونامه دوم در تاریخ هفتم تیر با کد خبری ۸۵۲۹ در پایگاه اینترنتی محسن رضایی ثبت شده است.

۲. روزنامهٔ کارگزارن، چهارشنبه ۶ شهریور سال ۱۳۸۷، ص ۳.

۳. همان، پنج شنبه ۷ شهریور ۱۳۸۷، واکنش اصلاح طلبان به کاندیداتوری کروبی، صفحهٔ ۳.

اولین فردی بود که بر خلاف میل برخی دوستان و مخالفانش وارد صحنهٔ نامزدی انتخابات ریاست جمهوری شد و با جملات زیر اعلام کاندیداتوری کرد:

«با اطلاع از نقاط ضعف و قوت و آگاهی از شرایط موجود و با توجه به اینکه چندین سال است در قدرت نبوده ایم، با یاری خدا و به عشق نظام و کشور، منافع ملی و مردم، آمادگی خود را برای حضور در دهمین انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌کنم.»[1]

کروبی، از تاریخ اعلام آمادگی خود تا زمان ثبت نام، توانست چهره های تقریباً شناخته شده‌ای را جذب نماید. البته، بیان دقیق تر این است که کسانی که عمدتاً فضا و شرایطی برای فعالیت سیاسی خود نمی‌دیدند، جذب کروبی و حامی او شدند. غلامحسین کرباسچی که در بیشتر تصاویر تبلیغی و برنامه‌های کروبی در کنار او قرار می گرفت، رئیس ستاد و مشاور اصلی کروبی شد. پس از آن، باید به عباس عبدی، ابطحی، جمیله کدیور و محمدعلی نجفی[2] اشاره کرد که در گروه حامیان کروبی قرار گرفته بودند. احزاب و گروه‌هایی که چهره های ذکرشده به آنها تعلق داشتند، به طور رسمی از میرحسین حمایت کردند و این اتفاق در نوع خود از نظر ادبیات سیاسی توسعه و رفتار گروهی و حزبی کم نظیر بود که حزب و گروهی به طور رسمی از فردی حمایت کند ولی برخی چهره های آن حزب، از کاندیدای دیگری حمایت کنند.

مهم‌ترین محورهای تبلیغی کروبی که توسط ایشان و مشاورانش بیان می شد و یا در بیانیه ها و سخنرانی های آنها آمده بود به قرار زیر بود:

۱. اصلاح قانون اساسی.
۲. احیای نظام برنامه ریزی و جلوگیری از تصمیمات شتاب زده.
۳. آزادی استفاده از ماهواره و لغو انحصار رسانه ای.
۴. به کارگیری زنان در کابینه به عنوان وزیر، معاون و مشاور.
۵. انتقاد از حکم حکومتی و اینکه نمی‌توان با آن کشور را اداره کرد.

---

۱. سایت تابناک، ۲۱ مهر ۱۳۸۷ کد خبر ۲۱۱۰۸.

۲. محمدعلی نجفی به دلیل حمایت همه جانبه حزب کارگزاران از خاتمی و سپس موسوی از این حزب استعفا داد و به جمع حامیان کروبی پیوست.

۶. تأکید بر حقوق شهروندی و حقوق اقلیت ها و قومیت ها.

پایگاه اینترنتی ستاد کروبی (سحام نیوز) در موضوعات و محورهای مختلفی بیانیه و نامه در ایام تبلیغات انتخابات منتشر می‌کرد. با توجه به ادبیات مختلف و نحوهٔ نگارش متفاوت این بیانیه ها، همچنین با توجه به اینکه برخی از این بیانیه ها، از جمله بیانیهٔ شمارهٔ۲ که از طرف کمیته دفاع از حقوق شهروندی منتشر شد، همچنین با توجه به اینکه در پایان این بیانیه ها اسم و عنوانی از آقای کروبی درج نمی شد، به نظر می رسید که این بیانیه ها عمدتاً از طرف گردانندگان ستاد، تهیه، تنظیم و منتشر می شد.

علاوه بر این، پایگاه اینترنتی حامیان کروبی در موضوعات مختلفی همچون ملی کردن درآمدهای نفتی، احیای برنامه ریزی و احترام به خرد جمعی، حقوق شهروندی، حقوق اقلیت ها و قومیت ها، فناوری اطلاعات و حقوق زنان بیانیه صادر کرد که برخی بیانیه های مهم کروبی در اینجا ذکر می‌شود.

اولین بیانیهٔ کروبی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و سرافراز ایران!

این روزها سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را گرا می می‌داریم، انقلابی که با خون شهیدان و فداکاری ملت و پیروی آگاهانه مردم از فقیه نستوه حضرت امام خمینی پیگیری شد. ملت بزرگ ایران در پرتو اندیشه‌های امام برای تحقق آرمان‌های تاریخی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، پیشرفت و عدالت دست به گزینش نظامی زد که امام آن را در یک کلمه جمهوری اسلامی تفسیر کرد و همهٔ آن آرمان‌ها با تحقق قرائت مورد نظر ایشان از جمهوری اسلامی قابل تحقق بود.

اینک می‌رویم که دههٔ چهارم آن را آغاز کنیم تا هدف های محقق نشده و زمین ماندهٔ این انقلاب عظیم و مردمی را دنبال و اجرا کنیم. باید منصف بود و اقرار کرد به رغم دستاوردهای مهم در این سه دهه به دلایل متعددی از جمله جنگ تحمیلی ۸ ساله بخشی از

این اهداف محقق نشده است. متأسفانه طی سال‌های اخیر از آن اهداف دور شده‌ایم و ادامه وضع موجود زمینهٔ یأس و ناامیدی بیشتری نزد آحاد مختلف مردم را فراهم خواهد کرد. در چنین وضعی، وظیفهٔ همهٔ ما در برابر سرنوشت کشور، انقلاب و اسلام بیش از پیش ایجاب می کند در این زمینه کسانی که برای این کشور و انقلاب مبارزه کرده‌اند مسئولیت بیشتری بر دوش داشته باشند. و از این روست که این جانب با توجه به وضعیت خطیر کشور و مشکلاتی که مردم و جامعه ما به دلیل اتخاذ سیاست‌های شتاب‌زده و غیر کارشناسانه در سال‌های اخیر دچار آن شده‌اند، خود را موظف می‌دانم با حضور در انتخابات ریاست جمهوری آینده برای تغییر و بهبود امورگام بردارم و در این راه دست یکایک کسانی که دل در گرو این آب و خاک و انقلاب دارند را می فشارم و کلیت برنامه‌های خود را به صورت شفاف و روشن با مردم ،نخبگان ،اقشار تحصیل کرده و علاقه‌مندان به کشور عزیزمان در میان می گذارم.

در اولین گام، احیای برنامه‌ریزی و احترام به خرد جمعی را به عنوان یکی از شعارهای محوری خود اعلام می‌دارم؛ و در پیشگاه خداوند و مردم خود را متعهد و ملتزم به اجرای این شعار می‌دانم.

موجب تأسف است که وضعیت جامعه و سیاست به حدی پسرفت کرده است که افراد متعهد به سرنوشت کشور چاره‌ای جز انتخاب شعار و هدف به احیای برنامه‌ریزی و احترام به خرد جمعی نداشته باشند، شعاری که هدف آن بازگشت به نظام و فرهنگ مدیریتی و رفتار مبتنی بر برنامه در کشور است که متأسفانه سال‌های پیش کنار گذاشته شد و آثار زیان‌بار آن را بر همگان شاهد هستیم. انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شوراهای عالی در کشور که مرکز تصمیم‌گیری دربارهٔ برنامه‌های کارشناسی شده بود، فقط نمادهایی از حذف برنامه‌ریزی از نظام مدیریتی کشور است، برنامه‌ریزی در دنیایی که هر روز پیچیده‌تر و وابسته‌تر به علم و برنامه‌ریزی می شود، ضرورتی حیاتی است که با هیچ توجیهی نمی‌توان آن را کنار گذاشت، اگر امور کشور برحسب برنامه‌ریزی صورت می گرفت، طبعاً میان ادارهٔ کشور با ۳۰ میلیارد دلار درآمد نفتی سالانه با ۸۰ میلیارد دلار

درآمد نفتی تفاوت می کرد و از این گذر بهرهٔ بیشتری نصیب ملت می‌گردید. برنامه ریزی این نیست که بودجه که مسأله‌ای پیچیده است را در یک دفترچهٔ کوچک جا داد و در جیب هر ایرانی قرار داد، بلکه برنامه ریزی می‌تواند به جای دفترچه بودجه، درآمد و سرمایه را در جیب ملت قرار دهد. قرار نیست که به جای آوردن درآمدهای نفتی قول داده شده در سفره های مردم، کتابچهٔ بودجهٔ سالآنه بر سر سفره مردم گذاشته شود.

متأسفانه حذف برنامه ریزی از نظام مدیریتی دولت، موجب حذف دو پیش شرط دیگر برنامه ریزی، احترام به خرد جمعی و امر کارشناسی و نیز توجه به عقلانیت و علم و دانش در اداره جامعه نیز شده است و به همین دلیل است که کارشناسان ارشد که دانش و تخصص آنان همواره مایهٔ مباهات کشور بوده است و سرمایه‌های عظیم این سرزمین محسوب می گردند در یأس، ناامیدی و انفعال قرار گرفته اند.

به راستی چرا درآمدهای ۲۵۰ میلیارد دلاری دولت جدید گشایشی اساسی در وضعیت اشتغال و رفاه مردم ایجاد نکرد؟ چرا شعارهای تند و تیز عدالت طلبانه نه تنها فاصلهٔ طبقاتی را کم نکرد که به اقرار آمار و اطلاعات رسمی ، این شکاف فزون تر هم شده است؟

فقدان برنامه ریزی نه تنها در حوزهٔ اقتصاد و معیشت مردم که در امر مدیریت سیاسی، سیاست خارجی، امور اجتماعی و فرهنگی نیز مشهود است. فلذا بازگشت به برنامه ریزی و باور علم و دانش، احترام به عالم و دانشمند و ثبات مدیریت امری لازم و ضروری است. تردیدی نیست که نظام برنامه ریزی کشور در گذشته به دلایل متعدد دچار مشکلات و نارسایی هایی بود که باید در مسیر اصلاح قرار می‌گرفت اما این ضعف ها دلیل بر آن نمی شد که برحسب تصورات شخصی، کلیت این نظام را تخریب و کارشناسان آن را پراکنده و برداشت های فردی و شخصی را جانشین نظام برنامه ریزی کرد.

بحث دربارهٔ جزئیات این موضوع فراتر از آن است که در یک بیانیه مجال طرح داشته باشد و کارشناسان و همراهان این‌جانب تاکنون به این مهم پرداخته اند و در آینده نیز خواهند پرداخت، اما علاقه‌مندم که همهٔ نخبگان و کارشناسان و علاقه‌مندان به این کشور را به همراهی در تحقق این هدف و شعار محوری دعوت کنم.

اولین هدف من، که در ذیل شعار احیای برنامه ریزی صورت بندی شده است، درصدد بازسازی تشکیلات و شوراهای برنامه ریزی در ساختار دولت و اعتبار بخشیدن به جایگاه مشاوره، کارشناسی و خرد جمعی و نیز پذیرش دانش، علم، منطق و عقلانیت مبنای این مشارکت و برنامه ریزی است. گسترهٔ این برنامه ریزی تنها در نظام اداری محدود نخواهد شد، بلکه تمهیدات لازم برای مشارکت کلیهٔ نخبگان غیر دولتی را نیز شامل خواهد شد.

به مرور و در بیانیه های تفصیلی آینده محورهای دیگری از برنامه‌های خود را تقدیم کلیهٔ علاقه‌مندان به کشور می کنم. هدف از طرح جداگانه این محورها ایجاد بستر مناسب برای بحث و گفتگو دربارهٔ یکایک آنها است.

رجاء واثق دارم که همهٔ علاقه‌مندان به جامعه در این راه مرا همراهی خواهند کرد.

مهدی کروبی

۱۵ بهمن ۱۳۸۷[۱]

بیانیهٔ احیاء و بسط حقوق شهروندی (شمارهٔ سوم)

با گذشت یکصد سال از انقلاب مشروطیت و سی سال از انقلاب اسلامی، ملت بزرگ ایران بیش از هر زمانی شایستهٔ برخورداری از نظام جامع حقوق شهروندی است.

شعار اساسی و محوری انقلاب مشروطیت ؟؟؟ سال پیش رخ داد، «قانون» بود. پدران ما متوجه این نکتهٔ بدیهی و روشن شده بودند که بدون حاکمیت قانون و داشتن قوانین و مقرراتی متناسب با نیازها و تحولات اجتماعی، امکان تحقق رشد و رفاه و آسایش در جامعه متصور نیست، از این رو برای زائل کردن خودسری ها و تهدید حقوق آحاد مردم و دولت قیام کردند و بنای مشروطیت را برقرار ساختند، اما به دلایل متعدد این بنا قوام و استحکام کافی نیافت و در طی یک قرن بعد از این انقلاب باز هم شاهد خودسری ها و بی قانونی ها و نیز قوانین غیرمتناسب با شرایط بوده‌ایم و پنج دهه فعالیت سیاسی و اجتماعی مستقیم من نیز که نیمی از این دوره ۱۰۰ ساله را شامل می‌شود این تجربه را

---

۱. روزنامهٔ اعتماد ملی، چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۸۷، سال چهارم، شمارهٔ ۸۵۳، صفحهٔ اول.

نشان داده که هرگاه از مدار قانون خارج شده‌ایم و اهتمامی جدی برای تدوین قوانین متناسب با روح زمانه نداشته‌ایم، مشکلات جامعه بیش از پیش شده است و این واقعیت روشن است که یکی از اهداف اصلی اصلاحات همین خواست بود، ولی آنچه مایهٔ تأسف است اینکه طی چند سال اخیر به نحو غیر قابل تصوری از این مسیر بازگشت کرده‌ایم و جریان امور از مجرای رعایت قانون خارج شده است. به طوری که حتی فریاد قانونگذاران و نمایندگان مجلس را هم در آورده است. نمونهٔ روشن آن، نحوهٔ هزینه یا اتلاف بودجهٔ ملت بود و نمونه‌های دیگر هم فراوان است. همچنین طی این سال‌ها روح قانون‌گرایی به شدت خدشه دار شده است. قانون و حاکمیت آن برای خشنودی و بسط آزادی‌های مردم و برقراری روابط عادلانه و مشفقانه میان آنهاست و تعبیر سلطه گرانه و افزایش محدودیت‌ها و نظارت‌ها بر رفتار فردی و اجتماعی از آن ظلم مضاعفی است که طی چند سال اخیر بر قانون و قانون‌گرایی رفته است. اینجانب در این بیانیه سومین قسمت از برنامه خود با عنوان «احیا و بسط حقوق شهروندی» را به مردم عزیز تقدیم می‌کنم، باشد که راهنمای عمل سیاسی و مدیریتی ما باشد.

تحقق این شعار بیش از هر چیز مستلزم حاکمیت قانون است. بهترین قوانین هم اگر اجرا نشوند چیزی بیش از جملات بی روح و بی محتوا نخواهند بود. حاکمیت قانون مستلزم آن است که هیچ اراده‌ای فوق قانون رسمیت نداشته باشد و همه در برابر آن خاضع باشند. تفکیک و استقلال قوا یکی از شرایط لازم تحقق این شعار است، به ویژه استقلال دستگاه قضایی و قاضی، رکن رکین آن است. اما حاکمیت قانون فقط آن نیست که مردم مجبور به اطاعت از قانون و حکومت باشند بلکه حکومت کنندگان بیش از مردم ملزم به رعایت قانون و اطاعت از آن هستند، همان طور که حکومت با قدرت خود می‌تواند جلوی تخطی از قانون را بگیرد، مردم نیز باید بتوانند با اقتدار خود از خلال آزادی‌های بیان، احزاب و اجتماعات و تشکیل نهادهای مدنی و ... مانع از خودسری‌های حکومت کنندگان شوند.

بنابراین، سیاست محوری اینجانب، دفاع از حاکمیت قانون و برابری مردم و مسئولان در برابر این سیاست است و نمی‌پذیرم که قانون فقط برای رعایت مردم و نه مسئولین باشد

و نیز حمایت از تمامی الزامات پیش گفته آن را ضروری می‌دانم. متأسفانه، طی سال‌های گذشته، از حیث حاکمیت قانون روند رو به رشد نداشته‌ایم و هر روز بیش از گذشته شاهد بی قانونی ها از سوی دست اندرکاران امور هستیم. باید قاطعانه مانع ادامه این روند شد و مجدداً مسیر را به سوی حاکمیت قانون تغییر داد و از این حیث حقوق عامه و به ویژه حقوق شهروندی را احیا کرد.

گرچه احیای حاکمیت قانون و حقوق شهروندی گام اول در تحقق این شعار است، اما لزوماً کافی نیست بلکه باید به بسط این حقوق نیز اهتمام ورزید و شیوه های مناسب را برای اجرای آن آزمود. بنابراین، آنچه را در احیا و بسط حقوق شهروندی در نظر دارم در ادامه تقدیم می‌کنم، گرچه تمامی آنها به موارد زیر محدود نخواهد شد.

ـ در زمینهٔ حقوق سیاسی بیش از هر چیز بر مخالفت دیرینهٔ خود بر حذف گرایش های مختلف از حق انتخاب شدن در قالب نظارت استصوابی تأکید خواهم کرد، ادامهٔ این روند برای بقای انقلاب و نظام اسلامی بسیار خطرناک است.کاری که بارها و بارها از سال ۱۳۷۰ تا کنون در نزدیک به دو دهه بر آن تأکید فراوان داشته‌ام. در این زمینه فراهم کردن شرایط برای نظارت مردم بر انتخابات و سلامت آن نیز در دستور قرار خواهد داشت:

ـ حمایت از نهادهای غیرحکومتی، نظارت بر انتخابات و نهادینه کردن اینگونه نهادها جزو سیاست‌های من خواهد بود. سلامت انتخابات و نظارت بر آن باید چندان قوی باشد که کسی از مجریان انتخابات از نظارت های بین المللی بر آن بیمی نداشته باشد.

ـ حقوق سیاسی فقط محدود به انتخاب شدن نیست بلکه دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان نیز جزو لازم و لاینفک این حقوق است. متأسفانه در گذشته در برابر خواست من برای راه اندازی شبکه ای ماهواره ای مخالفت غیرقانونی شد و اینک روشن شده است که مردم را نمی‌توان از دسترسی به این شبکه‌ها محروم کرد و لذا وضعیت جاری به عنوان یک خطر برای سلامت اطلاع رسانی تلقی شده است؛ از این رو، معتقدم که تمامی نیروهایی که در چارچوب قانون فعالیت می کنند و قصد خدمت به جامعه را دارند، باید بتوانند آزادانه به رسانه‌های خاص خود دسترسی داشته باشند و نیز باید شرایط رقابتی را برای رسانه‌های

دیداری، شنیداری و مکتوب فراهم کرد تا با خارج شدن از انحصار موجود، به پویایی و تحرک رسانه‌ای کمک شود. این انحصار، یکی از خطرناک‌ترین عواملی است که ثبات سیاسی کشور را در بلندمدت و در مواقع بحرانی تهدید می کند.

ـ حقوق اقوام و گروه‌های مختلف زبانی و مذهبی باید رعایت گردد کماکان اصل ۱۵ قانون اساسی به اجرا درنیامده است که نه تنها عدم اجرای آن خلاف قانون است، بلکه به معنای دقیق نافی وحدت ملی نیز هست. وحدت ملی از طریق یکسان سازی محقق نمی شود، بلکه از طریق پذیرش و احترام به تفاوت ها در ذیل اشتراکات ملی صورت می گیرد بنابراین اصول معطل مانده قانون اساسی را اجرا خواهیم کرد.

ـ تمرکز اداری در مرکز یکی از موانع اصلی و عمده در راه پیشرفت و توسعه و نیز مشارکت آحاد مردم در سرنوشت و توسعه منطقه و محل سکونت خود بوده است. انتقال بسیاری از وظایف و اختیارات مرکز به مناطق و استان‌ها از طریق احیای شوراهای استانی و تجدیدنظر در اختیارات این شوراها از خلال بازنگری در قانون اساسی جهت گیری مرا در این عرصه از حقوق شهروندی نشان می‌دهد. در همین زمینه سهم اقلیت های مختلف در مدیریت امور را افزایش خواهم داد.

ـ رعایت بسیاری از حقوق بدیهی شهروندان، از جمله حق آموزش برای همه و جلوگیری از محروم کردن جوانان از تحصیل و ستاره دار کردن آنان با توجیهات واهی جزو سیاست‌های قطعی من در احیا و بسط حقوق شهروندی خواهد بود. حذف گزینش و سهمیه بندی‌های ناعادلانه جنسیتی و ۴۰ درصدی و امثالهم در ورود به دانشگاه‌ها و سیاست‌های غلط و ناعادلانه‌ای چون بومی گزینی و نیز بازنشسته کردن اجباری اساتید باتجربه و برچیدن ترس و هراس از حراست ها و دانشگاه‌ها از پایه های عدالت آموزشی در نگاه من است.

ـ درخواست به روز کردن قوانین خانواده، حقوق زنان، قانون مجازات و حتی بخش‌هایی از قانون مدنی از طریق ارائهٔ لایحه و هماهنگی با قوه قضائیه، به نحوی که این قوانین را متناسب با نیازهای رو به رشد جامعه در حال تحول ما نماید، محور بعدی این شعار کلیدی است. نگاه نابرابر نسبت به جایگاه و حقوق زنان و از آن بدتر اجرای ناعادلانه و غیرمتوازن

این حقوق نقیصه جدی است که عموم صاحبنظران به این وضعیت انتقاد دارند.

ـ نقد و مخالفت موثر با رفتارهای غیرقانونی به ویژه در مراحل اولیه دادرسی از قبیل رفتار در بازداشتگاه‌ها، عدم رعایت حقوق زندانیان و متهمان و حتی مجرمان و نیز منع دخالت در زندگی شخصی مردم، بیش از گذشته مورد اهتمام خواهد بود. همچنین بازنگری در قانون مجازات و کاستن از اعدام‌های غیرضرور به ویژه دربارهٔ کودکان را دنبال خواهم کرد.

ـ نگاه جاری به محدود کردن دسترسی آزاد به اطلاعات از طریق اینترنت و محدود نمودن شرایط برای استفاده از آن، (از جمله اعمال محدودیت در سرعت و پهنای باند و نیز انحصار در عرضه آن و در نتیجه افزایش قیمت) مقاومت بیهوده و ضررآفرینی است که در دولت آینده نقشی نخواهد داشت. جامعه ما، جامعه بانشاطی است که بیشترین وبلاگ نویسان را دارد.

این جامعه شایستهٔ آن نیست که با چنین محدودیت‌هایی مواجه گردد. همچنین محدودیت‌های اعمال شده سال‌های اخیر در حوزه چاپ و نشر کتاب هیچ کمکی به بهبود امور نمی‌کند، سهل است که آثار منفی آن بیشتر هم شده است. متأسفانه طی سال‌های اخیر ممیزی نه تنها محدود نشده که به تئاتر، فیلم و دیگر فعالیت‌های هنری و آفرینشی نیز به صورت نامتناسبی سرایت کرده است و از همه بدتر اینکه دستورالعمل‌های فراقانونی برای مطبوعات صادر شده است که باید لغو و متوقف شود.

معتقدم که تقویت نظارت‌های اجتماعی به عنوان یک حق شهروندی در کنار حمایت و تسهیل نظارت دستگاه‌های قضایی و تقنینی بر امور اجرایی کشور راه را بر انواع و اقسام تخلفات و فسادها خواهد بست، لذا در این مسیر تلاش خواهم کرد.

همان‌طور که شخصاً نیز به تأسیس حزب پرداخته‌ام، ایجاد و تقویت این گونه نهادها را به عنوان یک حق شهروندی سرلوحهٔ سیاست‌های خود قرار داده و با حمایت از تکثر و تقویت احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی، کارگری، دانشجویی و... به بسط این حق کمک خواهم کرد. ایجاد تشکل‌های کارگری، کارفرمایی، صنفی و مستقل و نیز تشکیلات پزشکی، وکلا، روزنامه‌نگاران و هنرمندان و حضور آنها در تصمیم‌سازی و

مشارکت آنها در امور مربوط به خود، حق مسلم آحاد مردم است که باید مورد توجه قرار گیرد و موانع پیش روی آنان برداشته شود. باید حق مردم را با انتقال تصمیم سازی به آنها از طریق کوچک کردن دولت کاملا رعایت کرد.

بخشی از این اصلاحات حقوقی را می‌توان از طریق مجاری عادی مثل مجلس و دولت انجام داد، اما بخشی نیز از خلال تقاضا برای اصلاح قانون اساسی انجام شدنی است، از جمله افزایش اختیارات شوراها و شوراهای استانی، تغییر در اصل ؟؟، افزایش برخی ایده‌ها و حقوق و تصریح آنها، از جمله در زمینهٔ محیط زیست و برخی تداخل اختیارات و نیز لغو انحصارات مختلف، از جمله انحصار رسانه ای، موضوعاتی است که می‌تواند برای اصلاح قانون اساسی پیشنهاد گردد. قانون اساسی در یک دهه بعد از انقلاب اصلاح شد و امروز با گذشت دو دهه از این اصلاح بیش ازپیش شایسته و ضروری است که برای به روز کردن آن متناسب با نیازهای زمان و نیز رفع نارسایی های آن اقدام شود.

در زمینهٔ حاکمیت قانون باید به دخل و خرج دولت و درآمدهای عمومی، به‌ویژه درآمدهای نفتی و نحوهٔ هزینه کردن آن و حقوق اداری بیش از پیش حساس بود و انضباط لازم را اعمال کرد.

من در تشکیل نهادی برای پیگیری اجرای قانون اساسی براساس وظیفه‌ای که قانون اساسی برای رئیس جمهور قرار داده است تردید نخواهم کرد. همچنین زاویهٔ دید خود را در زمینهٔ حقوق بشر نیز جداگانه تقدیم خواهم کرد.

تصور می‌کنم که با انجام سه شعار محوری بیان شده از سوی اینجانب، شامل «احیای برنامه‌ریزی»، «مردمی‌کردن درآمدهای نفتی» و «احیا و بسط حقوق شهروندی» قادر خواهیم بود آینده‌ای بهتر را برای ایران و ملت عزیز خود رقم بزنیم.[1]

بیانیهٔ کروبی در خصوص حقوق زنان (شمارهٔ پنجم)

اسلام دین رحمت، رأفت و عدالت است و هرکس اسلام را به گونه ای متفاوت تفسیر و

---

۱. سحام نیوز (کمپین حامیان کروبی) تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۳، بخش بیانیه ها.

تأویل کند، جفای بزرگ در حق اسلام کرده است.

یک زن ـ خدیجه (س) ـ اولین لبیک گوی دین محمد (ص) بود و با یک زن ـ فاطمه (س) ـ سرمنشأ خیر کثیر ذریهٔ پیامبر (ص) بود.

اسلام بر آن بود که در فضای جاهلیت عرب، ارزش و منزلت انسانی زنان را به آنها بازگرداند، هرچند که در طول تاریخ اسلام، به دلیل غلبهٔ تفکر جاهلی و اسرائیلیات بر ذهن جامعه، زنان منزلت خود را بازنیافتند.

انقلاب اسلامی ایران براساس پیام رحمت و عدالت دین محمد (ص)، درصدد تحقق تساوی حقوق زنان و مردان بود و این خواسته بارها توسط بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) بیان گردید. در شرایطی که در سال‌های نخست انقلاب، تفکری متحجرانه حضور زنان را در عرصه‌های عمومی بر نمی تابید و به‌دنبال خانه نشین کردن زنان بود، امام خمینی (ره) با توجه به دیدگاه‌های روشنفکرانه و عدالت خواهانهٔ خود، در برابر این نگرش های تنگ نظرانه ایستادگی کرد و با صلابت و اقتدار پشتیبان حضور زنان در عرصه‌های مختلف بود و بارها تأکید کرد که زنان باید در مقدرات اساسی کشور نقش تعیین کننده داشته باشند.

انتخابات یکی از صحنه‌هایی است که زنان همواره به عنوان بازیگران اصلی در آن نقش‌آفرینی کرده‌اند ولی کمتر از نتایج آن به نفع پیشبرد اهداف خود بهره گرفته‌اند.

به عنوان کاندیدای دهمین دورهٔ ریاست جمهوری معتقدم که باید حضور زنان را در جامعه احیا و تقویت کرد و نباید از آنان به عنوان پیاده نظام در عرصه‌های سیاسی ـ اجتماعی بهره جست یا از آنان به عنوان نردبان به قدرت رسیدن مردان سوءاستفاده کرد.

با توجه به اینکه «تغییر» شعار اصلی من در انتخابات ریاست جمهوری است، این تغییر محقق نمی شود مگر آنکه منزلت و کرامت زنان احیا شود و حقوق تضییع شده آنها تأمین گردد. بر این اساس، بازیابی حقوق انسانی زنان و دستیابی به منزلت و جایگاه واقعیشان، اصل بنیادین برنامه‌های انتخاباتی این جانب است.

از آنجا که احیای حاکمیت قانون و حقوق شهروندی که بخش عظیمیاز این حقوق،

حقوق زنان است، از مهم‌ترین دغدغه های فکری‌ام می باشد، معتقدم که باید زنان توانمند و شایسته ایرانی از کلیه حقوق حقه خود در جهت رفع عقب ماندگی های تاریخی برخوردار شوند.

این جانب در گذشته، چه در زمانی که رئیس مجلس بودم و چه قبل و بعد از آن، بارها حمایت خود را از زنان و حقوقشان اعلام کرده‌ام. نه تنها ضرورت ورود زنان به مجلس خبرگان، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را تأکید نموده‌ام، بلکه بارها با دولتمردان بر سر انتخاب زنان در سمت های مدیریتی جدل کرده‌ام یا در برابر انتقاداتی که به زنان وارد شده از آنها دفاع نموده‌ام. حضور زنان را در کابینه در قامت وزیر، معاون و مشاور رئیس جمهور را یک ضرورت میدانم و بارها در سخنانم بر این نکته پای فشرده ام و چنانچه برنامه ریزی بر اساس مدیریت دانش محور استقرار یابد، پرواضح است که با توجه به پیشتازی زنان در عرصهٔ علم و جمعیت برتر دانشگاهی این قشر بخش وسیعی از مدیریت باید به زنان واگذار شود و محیط آزمون و خطای مدیریتی مردانه با محوریت زنان توانا به محیطی دانش محور و انسان مدار تبدیل شود.

تأکید به وزرا بر استفاده از زنان در سطوح معاونت، مشاورت و مدیر کلی وزارتخانه‌ها برای ساختن کادرهای مجرب و متخصص و توصیهٔ آنها به تخصیص سهمیهٔ مشخصی برای زنان مدیر می‌تواند یک راهکار عملی برای ارتقای شغلی زنان در سطح مدیریتی باشد.

اجرای اصول معطل ماندهٔ قانون اساسی که تأمین کننده حقوق زنان هم سطح مردان است یکی دیگر از اولویت های برنامه انتخاباتی من است. ضمن آنکه باید بررسی و بازخوانی بندهایی از قانون اساسی که به ظاهر با برخی حقوق زنان مغایرت دارد، مورد اهتمام نظام هم قرار گیرد.

در حال حاضر بیشترین توجه ما باید ارائهٔ لوایح روزآمدی باشد که حقوق زنان را در سطوح مختلف تأمین می کند. لوایح و مقرراتی که در جهت ایجاد عدالت، به رفع کلیهٔ اشکال تبعیض جنسیتی اهتمام دارد؛ از جمله لوایحی که به ارتقای سطح مشارکت زنان در کلیهٔ عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بین المللی می پردازد.

جایگاه زنان خانه‌دار در تحکیم و آرامش خانواده و ثبات جامعه مهم‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد زنانی که عمر و جوانی خود را برای رفاه و راحتی حال همسر و فرزندان خود فدا می‌کنند، باید نسبت به آیندهٔ خود اطمینان خاطر داشته باشند. حمایت و تقویت نقش و شان این زنان با محاسبه نتیجهٔ اقتصادی کار آنها در خانه، ایجاد صندوق بازنشستگی خاص زنان خانه‌دار و بیمهٔ زنان خانه‌دار از جملهٔ مهم‌ترین اولویت‌های من در دولت آینده خواهد بود.

تأکید می‌کنم که حق آموزش در کلیهٔ سطوح از جملهٔ بدیهی ترین حقوق همهٔ شهروندان است.

سهمیه‌بندی‌ها و بومی گزینی ناعادلانه منجر به تضییع حق بدیهی نیمی از جامعه و جمع کثیری از دختران نخبه می‌شود. به نظرم، مسئولان کشور باید برای بی‌انگیزگی پسران راهکار دیگری بیندیشند و در آینده به جای محروم کردن جمع کثیری از دختران و زنان بااستعداد، در فکر اشتغال خیل زنان تحصیلکرده برآیند.

ضمن ابراز تأثر از دستگیری یا ارعاب فعالان زنان به خاطر دفاع از حقوق خود، معتقدم که زنان از طیف های مختلف فکری باید امکان برگزاری تجمع های قانونی و مسالمت‌آمیز جهت ارائهٔ دیدگاه‌های خود داشته باشند و بتوانند نشریات خاص خود را در چارچوب قانون اساسی منتشر کنند و چنین رخدادی کمک مؤثری به درک بهتر حکومت از مطالبات بانوان خواهد داشت.

هر نوع اهانت، تحقیر یا هتک حرمت زنان چه در خانواده و چه در جامعه از نظر این جانب محکوم است. باید انواع خشونت‌های خانگی و اجتماعی، قتل‌های ناموسی، قتل‌های خانوادگی، فحشا و خودفروشی به طور ریشه‌ای آسیب شناسی و بررسی شود و برای صیانت از زنان و حل این مشکلات برنامه ریزی همه جانبه شود.

برنامه‌ریزی و تلاش جهت حل مشکلات زنان در زمینه‌های بهداشت، ورزش، آموزش، تفریح، حمایت از زنان سرپرست خانواده و بدون سرپرست با ارائهٔ طرح جامع توانمندسازی آنها، تدوین برنامه‌های مناسب برای اشتغالزایی زنان، تهیهٔ طرح‌های حمایتی مناسب جهت حمایت از زنان سالمند، معلول یا مبتلا به بیماری‌های خاص، توانمندسازی و افزایش

بهره وری زنان عشایر و روستایی، ایجاد فرصت های شغلی در بخش کشاورزی، صنعت، خدمات و تقویت مهارت های آنان با انواع آموزش های حرفه ای، از جملهٔ دیگر سرفصل های برنامه‌های من در رابطه با زنان در دوران ریاست جمهوری است.

از مسائل مهمی که در مجلس ششم تصویب ولی در شورای نگهبان رد و فعلا در مجمع تشخیص مصلحت نظام، متوقف مانده است، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است. پذیرش مشروط کنوانسیون با حق تحفظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی در کنار اصلاح قوانین متناسب با شرایط روز جامعه، می‌تواند به اصلاح بسیاری از رویه های جاری کمک کند.

بدون تردید اگر تاکنون حقوق زنان را با ارائه طرح‌ها و لوایح کارآمد تأمین نموده بودیم، چهرهٔ زن ایرانی در دنیا مخدوش ترسیم نمی شد.

به هر تقدیر، ایران به عنوان عضوی از نظام بین المللی، نمی‌تواند و نباید به خاطر برخی سوء تدبیرها، به ویژه در رابطه با مسئلهٔ زنان از جامعه جهانی منزوی باقی بماند.

در پایان، بر این باورم که زن ایرانی شایسته شأن و منزلتی بیش از آن است که تاکنون از آن برخوردار بوده است. علی رغم اینکه مسئلهٔ زنان یکی از سرفصل های ۳۵ گانهٔ برنامه من در ادارهٔ کشور محسوب می شود، که جداگانه تقدیم خواهد شد، اما به لحاظ اهمیت مسئلهٔ زنان، شرح تفصیلی‌تری از نگاه خود را به این موضوع تقدیم به دختران جوان و بانوان محترم داشتم و امیدوارم که در ایضاح مسئله کمک نموده باشد.[۱]

بیانیه های میرحسین و نامه به رهبر معظم انقلاب

بیانیهٔ رسمی برای اعلام نامزدی در انتخابات

بسم الله الرحمن الرحیم

انتخابات ریاست جمهوری که بزرگ ترین جشنوارهٔ جمهوریت در نظام ماست نزدیک

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۲/۲۸، ساعت ۱۵:۱۴، کد خبر ۴۹۳۷۳۹.

می‌شود. در آستانهٔ این رویداد سرنوشت ساز جای آن است که هر جان شیفته عدالت و آزادی و استقلال و توسعه که به تحقق این آرمان‌ها در چارچوب جمهوری اسلامی فکر می کند به وظائف و تعهدات خود از نو بیندیشد و با هدف استقرار یک جامعهٔ ارزشی مبتنی بر آموزه های اسلام ناب محمدی (ص) و متکی بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی مسئولیت خویش را بازشناسی کند.

بر مردم شریف ایران پوشیده نیست که این‌جانب طی ماه‌های گذشته با کمک و همفکری آنان درتکاپوی این جستجو بوده‌ام؛ وضعیت کشور، انتخاب‌های پیش‌رو، حوادث ممکن، ظرفیت‌های موجود و بسیاری نکات خرد و کلان دیگر را مورد دقت قرار دادم و هر چه پیشتر رفتم همان دلایل و عواملی که در وهله‌های گذشته به عدم حضور در صحنهٔ انتخابات فرا می‌خواندند بیشتر مرا متقاعد کردند که این زمان زمانی دیگر است و حضور را ایجاب می کند.

اینک نه از روی خودپسندی تا ارزش‌ها و ارجمندی های همگنان را نادیده بگیرم، و نه از سر تجاهل تا مشکلات پیش رو را ناچیز و بضاعت اندکم را کافی از توکل به خداوند بدانم، بلکه به امید ادای وظیفه قصد خویش را برای نامزد شدن در دورهٔ دهم از انتخابات ریاست جمهوری اعلام می نمایم.

مستضعفان این مطمئن‌ترین پایگاه برای ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی و آماده‌ترین قشر برای اصلاحگری و پایبندترین پشتوانه برای اصول و اصول‌گرایی صبورانه به گوش‌اند که آیا فرزندان مصدرنشین شان همچنان به جایگاه عزیز آنان اقرار می کنند و بر وظایف تخطی ناپذیرشان در حمایت از منافع محرومین اصرار می کنند.

معنای این انتظار را چگونه لمس کرده است کسی که نداند در سفره های کوچک آنان اولی تر از نان اعتنای صادقانه به ارزش‌هایی است که جان جوانانشان را خرج آن کرده‌اند؟ این اولویتی است که چشمه های برکت را از زمین می جوشاند.

تنها نمونه‌ای از این جوشش دست‌آوردهای برگشت ناپذیر جوانان دانشمند ما در زمینهٔ انرژی هسته ای است. اگر سرهای آنان در مقابل اجنبی خم بود و یا احساس می کردند که آزادی گفتن و شنیدن و انتخاب کردن ندارند هرگز چنین جوشش هایی از آنان سر نمی زد.

ما این کامیابی ها را با هزینه کردن بودجه های نجو میبه دست نیاورده ایم، بلکه ارزش‌ها هستند که چنین میوه داده اند و برکت آفریده اند.

به ویژه جا دارد که ارزش آزادی در این عصر مورد توجه چندین باره قرار گیرد. این آرمانی است که خرازی ها و باقری ها و باکری ها در پای آن جان داده اند، زیرا اگر آنان و یارانشان نمی ایستادند از جملهٔ نخستین نعمت هایی که از ما سلب می شد آزادی بود.

ما را چه می‌شود که به کمترین بهانه خانهٔ آرزوهای همت را خراب می‌کنیم تا به جایش برج هایی از جاه‌طلبی خود بسازیم؟ باید بدانیم که گشودگی در مقابل انتظار مستضعفان و بازگشت به ارزشها هرگز کوشش برای یافتن راه حل هایی که به نیرومند شدن اقتصاد کشور بینجامد، فضای کسب و کار را رونق دهد و از نیروهای مولد و تولید ملی حمایت همه جانبه کند از اهمیت نخواهد انداخت.

شاید کسانی تصور کنند عجله برای عملی کردن چنین نیت خیری استفاده از هر شیوه‌ای را مباح می کند، ولو اینکه شامل قانون شکنی های گسترده باشد. این کار صرفاً نقض عهد با ملت نیست بلکه انکار خرد جمعی است. این جانب صراحتاً اعلام خطر می‌کنم که تداوم چنین رویه ای به آشفتگی های لاعلاج در نظام مدیریتی منجر می شود، تا جایی که یک روز در کشور سنگی بر روی سنگ نماند. آیا فرصت هایی که تبعیت از قانون در اختیار قرار می دهد پیش از این مستهلک شده است که دست به این بازی خطرناک می زنیم؟

قانون اساسی ما برای رسیدن به همین اهداف دارای ظرفیت های عظیمی است که همچنان می‌توانند به فعلیت برسند. به ویژه راهبردهای ارزشمندی که اصل های ۴۳ و ۴۴ از این میثاق ملی را شکل داده اند نیاز به توجه بیش از پیش دارند و ما موظفیم منابع کمیاب موجود را با تخصیص حداکثری در جهت تحقق هرچه کامل تر آنها به کار بندیم و از هدر دادن این منابع در خدمت منافع کوتاه مدت و اغراض سیاسی کم بها جلوگیری کنیم.

این جانب ادعا نمی کنم که اهداف پیش رو به صرف انتخاب یک شخص قابل دستیابی است، بلکه خواست عمومی برای تجدید نظر در سیاست‌ها و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و تکیه بر ارزش‌های بنیادین زائیده از آن در سطح عموم است که می‌تواند ضامن

چنین تحولی باشد. حتی در آن صورت نیز نباید منتظر معجزه بود. به یاد داشته باشیم که یک قدم پیشرفت که واقعاً محقق شود بر آرزوهای درازی که جامهٔ عمل نمی پوشند برتری دارد.

به زودی شور مبارزات انتخاباتی فراگیر می شود و درحرارت آن هر شخص و گروه جرعه هایی از آنچه که هست را به مردم می چشاند و نمونه ای از دولتی که برقرار خواهد کرد را در معرض دیدگان بینا قرار می دهد. شاید نتوان یک انتخابات جدی را در فضایی خالی از خرده گیری، به ویژه نسبت به دولتی که حاکم است درنظر آورد. با این همه، لازم است که احترام دولت قانونی جمهوری اسلامی به دقت رعایت شود و انتقادات به صورت روشنگرانه، مستدل، دلسوزانه و نه با قصد فریب ارائه گردد.

در جریان فعالیت‌های انتخاباتی، ستاد این جانب حق چاپ و تکثیر عکس مرا نخواهد داشت و از علاقه‌مندانی که ممکن است به صورت خودجوش وارد صحنهٔ تبلیغات شوند نیز انتظار دارم که به این خواستهٔ خدمتگزار خود توجه کنند. از نظر من نوشتهٔ ساده یک شهروند علاقه‌مند به سرنوشت کشور در پشت شیشهٔ مغازه اش دلنشین ترین و مؤثرترین الگوی تبلیغاتی است.

این نه بدان معناست که استفاده از تصویر را الزاماً مسرفانه و یا فریبکارانه بدانم، بلکه می‌خواهم از کارهایی که شایعهٔ شیوعشان را در فصول انتخابات شنیده‌ام، و امیدوارم هرگز واقع نشده باشند، به اکیدترین وجهی پیشگیری کنم.

هرگونه عمل خلاف اخلاق حضور و نشاط مردم را در صحنهٔ انتخابات خدشه دار می کند. چنانچه نام این جانب در معرض اسائه قرار بگیرد انتظار از علاقه‌مندان و حامیان سکوت است، چه رسد به آنکه خدای ناکرده خود مرتکب هتک حرمت و بی ادبی نسبت به کسی شوند و نوشته یا گفته ناحقی را اشاعه دهند.

علاقه‌مندان مطمئن باشند اگر مواردی رخ دهد که بر حسب موازین اخلاقی و قانونی نیاز به پیگیری داشته باشد ستاد به وظیفهٔ خود در این زمینه عمل می کند. همچنین از همه عزیزان و دوستان تقاضا دارم به هیچ وجه از امکانات و اموال عمومی ، چه به صورت

مستقیم و یا غیر مستقیم، در امور انتخاباتی استفاده نکنند.

و سرانجام، وحدت؛ حل مسائلِ بزرگ نه فقط نیاز به همفکری همهٔ اندیشه‌ها و گفتمان‌ها، که به وحدت و انسجام تمامی نیروهای توانمند کشور نیز نیازمند است. امیدوارم با پختگی و حکمتی که در دلسوزان وجود دارد بتوانیم سرانجام به این هر دو ضرورت پاسخی درخور بدهیم.

برای مردم ایران آرزوی بهروزی می‌کنم و از ایزد منان تقاضا دارم به بهترین وعده هایی که به برترین بندگان خویش داده است در مورد این ملت بزرگوار وفا کند، که پیامبرانش گفته اند: «فمن تبعنی فانه منی.»[1]

بیانیه هنگام ثبت نام در ستاد انتخابات کشور

با عرض سلام به محضر ملت شریف ایران و یکایک حضار گرامی؛ ایام سوگواری حضرت فاطمه اطهر (س) را به شما و همهٔ پیروان و دوستداران اهل بیت پیامبر (ص) تسلیت می گویم.

بجاست از فرصتی که توجه رسانه‌های جمعی و در ورای آن دقت ملت عزیز فراهم آورده است استفاده کنم و کلماتی چند دربارهٔ آنچه این جانب را به حضور در صحنهٔ انتخابات ریاست جمهوری واداشته است بیان کنم و پیمانی را که به امید ادای آن در این راه قدم گذاشته ام، تشریح نمایم.

مردم سربلند ایران، پروردگار شما نعمت را بر این زاد و بوم تمام کرد. آن را به ثروت‌های بسیار تجهیز کرد و به فرهنگ و معنویت آراست. آن را چهار سوی تمدن ها قرار داد، آن را سرزمین میانه و سرپل اتصال ملت ها، آن را پناهگاه آیین های آسمانی و زادگاه مفاخر بشری پسندید تا جایی که امام (ره) ما فرمود، ایران موجودی آسمانی است که هیچ کس نمی‌تواند به آن لطمه بزند.

آنچه اینک مردم ما را از دیگر ملل ممتاز می کند نه خودپسندی و مباهات به گذشته‌ای

---

۱. روزنامهٔ همبستگی، شمارهٔ ۲۳۱۱، چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۸۷، صفحهٔ ۲.

سپری شده بلکه میل به بهترین ها و ظرفیت نیل به آنهاست. این خصوصیتی است که در سرشت ما نهادینه شده است و در تما میرفتارهای شخصی و اجتماعی ما آثار آن را می‌توان جست‌وجو کرد.

آیا ممکن است ملتی وجود داشته باشد که به چیزی کمتر از بهترین قناعت کند یا در محقق کردن چشم‌اندازی از بهروزی که در پیش رویش قرار می گیرد، سستی به خرج دهد؟ شرایطی که امروزه در آن به سر می بریم بی تردید بهترین نیست.

در وضعیتی هستیم که شایسته و شأن ملت و مردم ما نیست. سرمایه‌هایی که حاصل تاریخ پر فراز و نشیب ماست، به ویژه انقلاب عظیم اسلامی و بذل خون های گرامی بوده‌اند، در خطرند. آنچه امروز می بینیم آن چیزی نیست که می‌خواستیم، آن چیزی نیست که می‌تواند باشد.

من میرحسین موسوی، فرزند کوچک انقلاب اسلامی به صحنه آمده‌ام چون روندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود را نگران کننده یافتم.

آمده ام تا کرامت انسان ها را پاس بدارم.

آمده‌ام تا از حق ملت برای اطلاع از امور کشور دفاع کنم و حامی گردش آزادانه و شفاف اطلاعات برای مردم، این ولی نعمتان دولت‌ها باشم.

آمده‌ام تا از آزادی اندیشه و بیان پاسداری کنم و مدافع آزادی‌های مصرح در قانون اساسی باشم.

آمده‌ام تا با دستور کار قرار دادن فرمان هشت ماده‌ای امام خویش، آن را از نو چراغی تابنده در مسیر تحقق حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی قرار دهم.

آمده‌ام تا وسیله‌ای باشم برای بازگرداندن اقتدار، عزت و هویت ایرانی.

آمده‌ام تا با تنش زدایی و تعامل سازنده روابط بهتری میان کشورمان ایران و جهان برقرار کنم تا فضا را برای توسعهٔ کشور بگشایم و احترام به ایرانیان را در جهان تأمین کنم.

آمده‌ام تا راهی و همراهی باشم برای رفتن به سوی ایرانی مستقل، آباد، آزاد، پیشرفته و سربلند.

آمده‌ام درحالی که راهی ساده و یک شبه برای مشکلات اقتصادی کشور و مردم نمی‌شناسم و معضلات امروز را ناشی از چاره جویی های شتاب زده، یک شبه و یک نفره می بینم.

آمده‌ام تا ساختار آسیب خورده اداره کشور را از طریق احیای دستگاه برنامه ریزی و مدیریت، استقرار شوراهای مه میکه نماد خرد جمعی مردم ما بوده اند و تعطیل شدند، ترمیم کنم.

آمده‌ام تا به صورت صریح و روشن از تولید ملی در کشاورزی و صنعت و همه فعالیت‌های مفید اقتصادی پشتیبانی کنم.

آمده‌ام تا حامی مستضعفین باشم. آنانی که فشار تورم قامت شان را خم کرده و سیاست‌های نادرست اقتصادی عزت شان را نشانه رفته است.

آمده‌ام تا اشتغال را دغدغه هر روزه دولت قرار دهم. آمده‌ام تا با گسترش بیمه‌های همگانی قدمی در جهت آزادی اقشار مردم از فقر و رهایی آنها از نیاز بردارم. اقشاری که استقلال کشور و عظمت جمهوری اسلامی مرهون فداکاری و فضیلت های آنهاست و هیچ‌کس نیست که بتواند نقش آنان را در استقرار نظام فراموش کند یا حماسه هایی را که فرزندان مرزدارشان در دفاع مقدس آفریده اند از یاد ببرند.

آمده‌ام تا با تشکیل دولتی فرهنگی مدافع فرهنگ غیردولتی و غیر دستوری باشم و میان دولت و گروه‌های مرجع هنرمندان و روشنفکران، دانشگاهیان، روحانیان و تمامی نخبگان رابطه ای دوستانه و خلاق در جهت اهداف و آرمان‌های کشور برقرار کنم و آمده‌ام تا با الهام از شهیدان در خدمت اعتلای میهن اسلامی باشم.

این جانب آمده‌ام تا با کمک و همراهی همگان در جهت تحقق جامعه‌ای پر از امید و نشاط تلاش کنم. این آرمانی است که همه در برابر آن مسئول اند. شرایط و حوادث، خواستی عمومی و مستقل از تمایلات گروهی و صنفی برای بهبود فراهم آورده است که بزرگ ترین سرمایهٔ ما در مسیر پیش روست. ما نمی‌توانیم این سرمایه بزرگ را نادیده بگیریم و نباید با سرایت دادن تفاوت های خود به متن جامعه آن را از دست بدهیم؛ لذاست که این جانب با اعلام گفتمانی که از همان روز نخست آن را در معرض نگاه ملت شریف قرار داده‌ام و همواره پذیرای اصلاح اصولگرایانه در آن هستم، در عین دوستی با طیف‌های متنوع سیاسی و سپاسگزاری از تمام

احزاب و تشکل‌هایی که به حمایت از پشتیبانی از این خدمتگزار مردم پرداختند، مستقل پا به صحنه می گذارم تا مرزبندی‌های جناحی، این راه روشن را مسدود نکند.

استقلال این جانب نه از سر تک روی یا استغنا که از روی استمداد از تمامی توان‌هایی است که سعادت کشور منوط به همکاری آنان است. امیدوارم نتیجهٔ فعالیت‌های عادی‌ای که به مدد همهٔ شایستگان کشور از زنان و مردان و از تمامی گرایش‌ها، اقشار، اقوام و مذاهب و ادیان حاصل خواهد شد، پاسخی مناسب به اعتماد تمامی کسانی باشد که این جانب را در خور حمایت یافتند. می‌دانم که طی این طریق جز با توکل بر الطاف الهی و همدلی، همفکری و همگامی مردم عزیز و یاری رهبر فرزانه انقلاب میسر نمی شود.

اطمینان دارم که ملت شریف ایران هوشمندانه تحولات کشور را دنبال می کنند و با شرکت مسئولانه در انتخاباتی که آیندهٔ این سرزمین را رقم خواهد زد به وظیفهٔ انسانی، ملی و دینی خود عمل خواهم کرد و راهی را برخواهند گزید که خیر عمومی در آن است. همچنین ایمان دارم که خداوند همهٔ تلاشگران در مسیر حق را که ملت مجاهد ما بی تردید از جمله آنان اند با حمایت‌های خود یاری خواهند فرمود.

و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب[1]

بیانیهٔ حقوق بشر و شهروندی

بسمه تعالی

تضمین حقوق بشر و آزادی یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب مشروطه و انقلاب شکوهمند مردم ایران در سال ۱۳۵۷ بوده است. در طول تاریخ همواره مردمان صالح مُنادی حقوق بشر و آزادی بوده‌اند و سرآمد همهٔ آن صالحان و پاکان که زندگی خود را وقف تضمین آزادی و کرامت بشر کرده‌اند، پیامبران، با قامتی افراشته و ندایی دلنشین و پرطنین، تأثیری

---

۱. اکثر روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها در تاریخ شنبه ۱۳۸۸/۲/۱۹ از جمله روزنامهٔ همشهری، *اعتماد* و خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا).

ماندگار و فراگیر داشته‌اند. انقلاب مردم ایران که مرحله ای مهم از حرکت آزادی خواهانهٔ ساکنان این مرز و بوم کهن است از جم؟ حرکت هایی است که با اتکا به تعالیم معنوی دین راه خود را باز کرد و پیش رفت.

حقوق بشر در ایران مضمون تازه‌ای نیست، اولین اعلامیهٔ حقوق بشر را به کوروش، پادشاه نامدار ایرانی، نسبت می‌دهند که در قرآن ذوالقرنین لقب گرفته است. منشور حقوق بشر کوروش شهرت و اعتبار جهانی دارد. پس از آن، مضامین حقوق بشر، که در متون دینی اسلام انعکاس داشت، ایرانیان را که از ظلم و استبداد ساسانیان به تنگ آمده بودند به خود جلب کرد و به تعالیم اسلام دل سپردند.

ایران معاصر ضمن اینکه با مضامین حقوق بشر به لحاظ تاریخ خود و هم به لحاظ آموزه‌های اسلامی آشناست، منشور ملل متحد، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را نیز رسماً پذیرفته است. انقلاب مردم ایران نه تنها موازین حقوق بشری بین المللی را هرگز مردود نمی‌دانست، استقرار و تضمین آن موازین را به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای بشری و به عنوان حاصل خرد جمعی همهٔ انسان ها در قالب شعار «آزادی» مورد تأکید قرار داد. اکثریت مردم به درستی باور داشتند که حقوق بشر، به همان مفهوم جهانی خود، به هیچ وجهی با خداپرستی و پیروی از تعالیم معنوی اسلام تعارضی ندارد، به همین علت نیز به «جمهوری اسلامی» آری گفتند و در نتیجه، موازین حقوق بشری در کنار موازین اسلامی وارد قانون اساسی ایران شد تا «آزادی»در ایران در پناه» آموزه های معنوی اسلام» و در قالب «جمهوری اسلامی» بیش از هر جای دیگر دنیا مورد تضمین و حمایت قرار گیرد.

حقوق بشر در اسلام به عنوان حقوقی خدادادی شناخته می‌شود، بنابراین هیچ فرمانروا، دولت، مجلس یا قدرتی نمی‌تواند به هیچ طریق حقوق بشر را که از سوی خداوند اعطا گردیده، محدود یا نقض کند و هیچ فردی نمی‌تواند از این حقوق چشم‌پوشی نماید. این عقیده در قرآن، در قالب کلمات ژرف و آسمانی «و لقد کرمنا بنی آدم» انعکاس یافته است.

حقِ «حیات»، «آزادی»، «مالکیت»، «امنیت»، «حقِ پی جویی رشد و سعادت» و «حقِ

ایستادگی در برابر ستم»، حقوق طبیعی و سلب ناشدنی افراداند. دولت وظیفه دارد از طریق ایجاد و گسترش نهادهای لازم، به نحوی سازمان یافته و مؤثر، این حقوق را مورد حمایت و تضمین قرار دهد.

رئیس جمهور، بر اساس سوگندی که یاد می کند، از جمله وظیفه دارد از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت حمایت کند، پاسخ گو باشد و از خودکامگی بپرهیزد و قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به او سپرده، همچون امینی پارسا و فداکار به کار برد. من بر این اساس و بنا بر اختیار و تمایل قلبی خود، پیشاپیش با مردم پیمان می بندم که چنانچه برای تصدی مقام خطیر ریاست جمهوری مورد اعتماد و حمایت اکثریت قرار گیرم، استقرار حکومت قانون را به عنوان شرط لازم تحقق حقوق بشر و حقوق شهروندی، یکی از اهداف اصلی خود قرار دهم و اصلاحات حقوقی لازم را به عمل آورم تا قانون توسط همهٔ مقامات و سازمان‌های حکومتی مورد رعایت قرار گیرد، از قانون استفادهٔ ابزاری نشود و قانون بر اساس تفسیرهایی سازگار با موازین حقوق بشری به اجرا در آید. از طریق ایجاد نهادهای مناسب، شرایطی فراهم آورم تا قانون وسیلهٔ اعمال خشونت‌های ناروا و موهن قرار نگیرد، خشونت و بی عدالتی و تبعیض، قانونی نشود و موازین حقوق بشری و وجدان جمعی جامعه در کنار آموزه‌های معنوی اسلام در وضع مقررات و تهیهٔ لوایح مد نظر قرار گیرد.حریم خصوصی افراد را محترم شمارم، آزادی بیان و اجتماعات را مورد حمایت قرار دهم، از طریق توسعه و تقویت جامعهٔ مدنی و با برگزاری انتخابات رقابتی، آزاد و منصفانه و همچنین با حمایت از مطبوعات و رسانه‌های مستقل و با جلوگیری از سانسور، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق مردم بر تعیین سرنوشت خویش و حق نظارت و مشارکت سیاسی را تضمین کنم.

امنیت تنها امنیتِ دولت نیست، امنیتِ انسانی است. امنیت را برای آحاد مردم برقرار سازم تا آزاد از ترس و رها از نیاز، تحت حمایت قانون زندگی و فعالیت کنند.

در توسعه و تقویت شوراها بکوشم، در امور روستا خود را از روستایی داناتر ندانم و امور شهر را به مردم شهر واگذارم. مدیریت محلی را تقویت کنم.

با اقلیت سیاسی و با رقبا و مخالفان خود منصفانه رفتار کنم و حقوق آنها را برای رقابت

و یا مخالفت محترم شمارم. هیچ فردی را شهروند دست دوم تلقی نکنم.

ممنوعیت اعمال هرگونه شکنجه اعم از روحی و بدنی را به اجرا در آورم.

از حقوق زنان حمایت کنم و از تبعیض جنسیتی جلوگیری نمایم.

فعالیت‌های مستقل دانشجویی و دانش آموزی را مورد حمایت قرار دهم.

با پی ریزی درست نظام اقتصادی، با ایجاد امنیت اقتصادی و با گسترش و تقویت بازار رقابتی، زمینهٔ تأمین نیازهای اساسی: «غذا، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش وپرورش و اشتغال» را فراهم آورم. با فساد اداری و مالی مبارزه کنم.

ناتوانی و نیاز و آسیب پذیریِ هیچ شهروندی را وسیلهٔ سلطه گری و افزون طلبی سیاسی قرار ندهم. از سوءاستفاده از اطلاعات اقتصادی و امکانات عمومی جلوگیری کنم. از استخدام کشوری و سازمان اداری به عنوان وسیله‌ای برای جلب حمایت افراد و یا به عنوان پاداش و امتیاز برای طرفداران خود استفاده نکنم. امکانات عمومی را وسیلهٔ استمرار قدرت خود نسازم.

امنیت شغلی را برای آحاد مردم، به ویژه برای هنرمندان، روزنامه نگارن، فعالان سیاسی، ورزشکاران، معلمان، اساتید دانشگاه و کارگران تأمین کنم.

حمایت‌های تأمین اجتماعی را گسترش داده و تقویت کنم، به نحوی که همهٔ افراد مردم، به ویژه زنان، کودکان، روستائیان، کشاورزان، کارگران و سالمندان را به نحو مطلوب پوشش دهد.

زمینهٔ ابراز شادی در جامعه را فراهم کنم و برای تقویت و ارتقا امید به زندگی و نشاط اجتماعی بکوشم و اخلاق حسنه را محفوظ دارم.

به سنن ملی احترام گذارم و از آثار باستانی و میراث فرهنگی به نحو شایسته محافظت کنم.

از حق برابر آموزش حمایت کنم و در جهت حذف گزینش های عقیدتی و سیاسی ناروا اقدام نمایم.

دانشجویان، معلمان و اساتید دانشگاه را آنچنان که در خور جایگاه بلند آنان است محترم شمارم.

از پدیدآورندگان آثار ادبی، هنری و علمی حمایت کنم، تا بدون ترس از تعقیب و مجازات های ناروا، خلاقیت های خود را پرورش و بروز دهند و آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت جویند.

حقوق اقوام را به رسمیت شناسم و بر اساس الگوی مدیریت غیر متمرکز، اقوام را در ادارهٔ امور خود سهیم کنم.

کرامت انسانی و حقوق شهروندیِ اقلیت های دینی و آزادی عقیده و وجدان را به رسمیت شناسم و تفتیش عقاید و سرزنش و عقاب افراد به دلیل مسائل اعتقادی را ناپسند شمارم و از آن جلوگیری کنم.

برخورداری از محیط زیست سالم را حق بشر و از جم؟ حقوق شهروندی به شمار آورم، روند رو به گسترش تخریب محیط زیست را متوقف سازم و با جلب مشارکت عمومی از محیط زیست حفاظت کنم.

آگاهم که به ثمر رساندن این اهدف، با توجه به امکانات حقوقی و حقیقی موجود، کاری است بس دشوار، اما متعهدم در مقام اجرای اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی، سند چشم انداز و تعهدات حقوق بشری که ایران به موجب کنوانسیون های بین المللی پذیرفته است، با ایجاد معاونت حقوق بشر و حقوق شهروندی ریاست جمهوری، با احیای هیئت پیگیری و نظارت بر قانون اساسی، از طریق تعامل و همکاری سازنده با همهٔ دولت‌ها و نهادهای بین المللیِ فعال در زمینهٔ حقوق بشر، نگرش اسلام ناب محمدی(ص) را به این امر حیاتی و بنیادین که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متجلی شده است تبیین نماییم و با تصویب و اجرای طرح ملی آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی، از طریق انتخاب وزرا و مدیران متخصص، شایسته و مدبر که به حقوق بشر و حقوق شهروندی متعهد باشند و با جلب همکاری سایر قوا، از حداکثر ظرفیت های موجود برای تحقق این اهداف و آرمان‌ها استفاده کنم و در عین حال ظرفیت های فعلی را تا حد ممکن افزایش دهم. صادق باشم و شفاف عمل کنم، مشروعیت خود را در گرو اعتماد و حمایت مردم بدانم، مردم و به ویژه زنان و جوانان، سازمانهای غیر دولتی، شوراها، سندیکاها، اتحادیه‌ها و اصناف و

نهادهای مدنی را در تصمیم سازی ها و اداره و رهبری کشور دخالت دهم، حقوق اقلیت و حق مخالفت را محترم شمارم و زمینهٔ گفت و گوهای عقلانی- انتقادی دربارهٔ مصالح عمومی را فراهم آورم، بکوشم تا دستاوردهای فرهنگ ایران و تعالیم معنوی اسلام در حمایت از کرامت بشر، جایگاه جهانی خود را بیابد و به محافل، اعلامیه ها و میثاق های بین المللی راه یابد. برای گسترش فرهنگ تفاهم و روح بردباری و برای زدودن خشونت، به ویژه خشونت های عقیدتی و سیاسیِ سازمان یافته، تلاش کنم و با توکل به خدا و با استعانت از مردم برای ساختن ایرانی آزاد و آباد بکوشم و نسبت به عهد خود، در برابر خدا و مردم، مسئول و پاسخگو باشم که به گفهٔ پیشوایم حضرت علی (ع) «خدا هر جباری را خوار کند و هر خودکامه ای را پست و بی مقدار سازد.

میرحسین موسوی

[۱]۱۳۸۸/۰۲/۲۷

نامه به رهبر انقلاب در روز قبل از انتخابات

مقام معظم رهبری
حضرت آیت‌الله خامنه ای (مد ظله العالی)
سلامٌ علیکم

احتراماً همان گونه که از طریق رسانه‌ها و گزارش های واصله استحضار یافته اید، شور انتخاباتی گسترده کشور را فرا گرفته است و همهٔ اقشار و اصناف اعم از زن و مرد، پیر و جوان در کوی و برزن به طور شبانه‌روزی فعال عرصهٔ انتخابات هستند و این پدیدهٔ مبارک نویدبخش مشارکت فراگیر مردم در انتخابات و موجب ارتقاء وحدت ملی و عزت و احترام بین المللی کشور خواهد بود.

لکن متأسفانه اخباری واصل می شود که برخی مقامات و دستگاه های رسمی از این حرکت مردمی اصیل استقبال نمی کنند. موارد زیر نمونه ای از آنهاست:

۱ . بعضی از اعضای شورای نگهبان در مرکز و تعدادی از ناظرین در استان‌ها با جانبداری

---

۱ . سایت خبری جام جم آنلاین، یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸، ساعت ۱۷:۱۳، شمارهٔ خبر ۱۰۰۹۰۷۰۰۶۲۴۲.

علنی از رئیس کنونی دولت، رعایت شئون بی طرفی را نمی نمایند.

۲. وزارت محترم کشور و فرمانداران در پذیرش فهرست نمایندگان این جانب در هیئت‌های اجرایی، محل استقرار دستگاه های شمارشگر و شعب اخذ رأی تعلل می نمایند و قانون مصوب ۱۳۷۹/۵/۳۰ به صورت آشکار نقض می شود. آخرین اقدام غیرقانونی آنان جابه جایی نمایندگان معرفی شده از طرف ستاد این جانب در شعب است که به هم ریختگی عجیبی ایجاد خواهد نمود. این عمل کارشکنی آشکار و موجب اختلال در انجام وظیفه آنان می گردد. این در حالی است که ستاد انتخابات کشور ضمن بخشنامهٔ شمارهٔ ۴۵۳۳۳/۴۴ مورخه ۸۸/۳/۹ بر صدور کارت نمایندگان نامزدها برای محلی که معرفی شده اند، تأکید نموده است و این اقدام فرمانداران یا خودسرانه است و یا بخشنامهٔ داخلی دیگری خلاف متن قبلی ابلاغ شده که از آن اطلاعی در دست نیست.

۳. شواهدی از مداخلهٔ تعدادی از فرماندهان و مسئولان سپاه و بسیج در انتخابات واصل گردیده‌است و به نظر میرسد این عمل در صورت صحت خبر علاوه بر نقض قوانین، شکاف بین فرماندهان و مسئولان رسمی و بدنهٔ سالم و صادق نیروهای بسیج و سپاه را دامن می زند. از آنجا که دامنهٔ اقدامات غیرقانونی فوق مشخص نیست و بخشی از اعضای شعب اخذ رأی و ناظران از حا میان نامزد خاص آنان انتخاب شده اند احتمال تصرف در آراء مردم اذهان را می آزارد.

۴. بهره گیری رئیس دولت از امکانات دولتی در تبلیغات و مسافرت های تبلیغاتی مقامات رسمی و وزرا با استفاده از امکانات دولتی و نقض مادهٔ ۶۸ قانون که به وفور خبرهای آن را در رسانه‌ها می‌توان ملاحظه‌کرد از آن جمله است. اینها بخشی از اقداماتی است که نتیجه ای جز سرخوردگی مردم عزیز که با شوری وصف ناپذیر در صحنه تحکیم استوانه‌های نظام جمهوری اسلامی وارد شده اند نخواهد داشت. با اطمینان از اینکه دغدغهٔ اصلی حضرت مستطاب عالی مشارکت هرچه بیشتر و گسترده‌تر مردم در انتخابات و رعایت قانون و بی‌طرفی کامل مسئولان در تمام سطوح و برگزاری انتخابات سالم می باشد امیدوارم با رهنمودها و دخالت حضرتعالی زمینهٔ مساعدی

برای رعایت بی طرفی کامل مقامات، ناظران و مجریان انتخابات و دقت در حفظ آرای مردم فراهم آید.

میرحسین موسوی[۱]

بیانیه های احزاب و گروه‌ها در حمایت از موسوی

حزب کارگزاران سازندگی

به نام خدا

ملت شریف ایران!

نظام جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب علی‌رغم کارشکنی‌های داخلی و خارجی و با وجود تما میمشکلات و نارسائی‌های موجود در حوزه‌های مختلف توانست با بهره‌گیری از توانایی‌ها و رشادت‌های ملت غیور و میهن‌دوست ایران و به برکت خون شهدا و یاری خداوند متعال از جاده‌های صعب‌العبور دهۀ اول انقلاب عبور کرده و در دولت‌های سازندگی و اصلاحات در مسیر توسعه و پیشرفت روزافزون به شایستگی هر چ ه تمام‌تر حرکت کند. اما متأسفانه در آستانۀ دهۀ چهارم انقلاب مجموعۀ شرایط کشور بر خلاف روال گذشته، نامناسب و ناکارآمد به نظر میرسد و لزوم توجه و تلاش در جهت حل معضلات کنونی جامعه که محصول عملکرد نادرست دولت نهم بوده، به شدت احساس می شود. در آستانۀ برگزاری دهمین دورۀ انتخابات ریاست جمهوری، ضمن احترام و پاسداشت حضور همۀ فعالان سیاسی، چهره‌ها و شخصیتهای اصلاح طلب علی الخصوص جناب آقای مهدی کروبی، که در جهت شورآفرینی و مشارکت حداکثری مردم و تبیین مبانی حرکت اصلاح طلبانه در صحنۀ رقابت ها حاضر شده و نقش ایفا می کنند، حزب کارگزاران سازندگی ایران بر اساس مطالعۀ همه‌جانبه و بررسی‌های سیاسی لازم و تأکید بر ضرورت تغییر و واقع نگری با هدف پیروزی در انتخابات، حمایت قاطع و همه‌جانبه خود را از

---

۱. سایت خبری تابناک، ۲۱ خرداد ۱۳۸۸ کد خبر ۵۱۵۲۱.

شخصیت برجسته، چهرهٔ خدوم و مدیر توانای نظام، جناب آقای مهندس میر حسین موسوی، نخست وزیر موفق دوران سخت دفاع مقدس اعلام داشته و در عین حال موارد ذیل را جهت ثبت در تاریخ و حافظهٔ ملت ایران گوشزد می نماید:

۱. توسعهٔ پایدار و همه جانبهٔ کشور عزیزمان ایران در چارچوب دهکدهٔ جهانی زمانی ممکن است که همهٔ مردم با هر طرز تفکر، آئین و قو می تی تنها با در نظر گرفتن اصل حفاظت از منافع ملی و پیروی از ارزش‌های اسلامی بدون تنگ نظری و با محوریت قرار دادن خیر عمومی جامعه و در راستای اجرای سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی به عنوان سند راهبردی توسعه کشور، کمر همت بسته و با ایستادگی در برابر مشکلات، آیندهٔ شکوفا و پر ا می‌دی را برای خود و فرزندانشان رقم زنند.

۲. آنچه مسلم است هیچ نظام سیاسی در جهان نمی‌تواند در طولانی مدت بدون برخورداری از مشروعیت اکثریت مردم به حیات خود ادامه دهد و همچنین بدون گسترش جامعهٔ مدنی و تحقق و تعمیق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود هیچ جامعه ای راه توسعه و پیشرفت را نخواهد پیمود. بر مدیران و دولتمردان نظام جمهوری اسلامی از هر گروه و جناحی واجب است تا با پیروی از فرمودهٔ رهبر فقید انقلاب امام خمینی (ره) که «جمهوری اسلامی ، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» نهال نوپای مردم سالاری دینی را با تأکید بیشتر بر عناصر دموکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آبیاری نموده و با پرهیز از مطرح کردن وعده ها و شعارهای عوام فریبانه، به ویژه در آستانهٔ انتخابات پیش رو، خدمتگذار صدیق ملت باشند.

۳. رفتارها و گفتارهای عجیب و غیر کارشناسی دولت نهم در طول چهار سال گذشته و به طور مشخص در حوزهٔ سیاست خارجی و اقتصاد هزینه های سنگینی را بر کشور تحمیل کرده و روند توسعه و پیشرفت کشور را نه تنها متوقف نموده بلکه به عقب باز گردانده‌است. در چنین شرایط بحرانی و حساسی مسئولیت اجتماعی هر ایرانی این است که با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری که یکی از مهم‌ترین بزنگاه های تاریخی هر ملتی برای تعیین سرنوشت خود است با تغییر وضع موجود، ایران اسلامی را به جایگاه

مطلوب و شایستهٔ آن در همهٔ زمینه‌ها رهنمون سازند. جایگاهی که آرزوی هر ایرانی وطن پرست و آزاده ای است.

۴. جناب آقای میرحسین موسوی کاندیدای ائتلاف اصلاح طلبان و حزب کارگزاران سازندگی ایران در دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری است. نخست وزیر توانای دوران دفاع مقدس که در شرایط خطیر قرار داشتن کشور در محاصرهٔ اقتصادی، نه تنها بدون طرح شعارهای فریبنده و تو خالی معیشت مردم را به گونه ای مطلوب تأمین کرد بلکه با برنامه ریزی و تخصیص دقیق منابع محدود اقتصادی کشور در آن سالها زمینه پیشرفت و تکمیل طرح‌های زیربنایی و صنایع مادر را نیز به خوبی فراهم آورد. یار صدیق امام خمینی (ره) امروز نیز پس از بیست سال به‌عنوان یکی از ذخایر ارزشمند انقلاب و نظام اسلامی با احساس مسئولیت اجتماعی و ملی این بار در قامت نامزد انتخابات ریاست جمهوری دهم به میدان آمده تا هم از ارزش‌های انقلاب، امام و شهدایی دفاع کند که امروز دستاویز قدرت طلبی عده‌ای فرصت طلب کم شمار اما پرنفوذ و فریب کار قرار گرفته است و هم همچون همان سال‌های سخت جنگ و تحریم، کشور را از بحران کنونی نابخردی، شعارزدگی و عوام فریبی برهاند. او آمده است تا افکار پیشرو خود در رابطه با دموکراسی، حقوق شهروندی، اقتصاد آزاد، سیاست خارجی مبتنی بر تنش زدایی و عقلانیت، ادارهٔ خردمندانه کشور بر اساس مدیریت صحیح وحفظ کرامت ایرانیان در داخل و خارج را با هدف ساختن ایرانی توسعه یافته و سر بلند در جهان در معرض انتخاب ملت شریف ایران بگذارد.

ما معتقدیم، مهندس میرحسین موسوی با برخورداری از حمایت گسترده و میلیونی مردم می‌تواند با ویژگی‌های فردی خود یعنی صداقت، پایمردی، تقوا، اخلاق گرایی و بهره گیری از مدیریت توانمند و معتقد به نگاه کارشناسانه، ایران را از درافتادن در سراشیبی سقوط فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی حفظ کند. همچنین بر اساس تجربهٔ تاریخی یادآور می شویم که اگر اکثریت نیرومند و قاطعی از مردم در انتخابات شرکت نکنند، اقلیتی افراطی، تنگ نظر و بی تدبیر بر سرنوشت ایران حاکم می‌شوند و این به نفع جامعه نیست.

۵. در پایان بر نقش خطیر مسئولان برگزاری و نظارت بر انتخابات در حفظ و صیانت

از آراء ملت تأکید کرده و از تمامی رسانه‌های دولتی و به‌ویژه رسانهٔ ملی می‌خواهیم تا به دور از تخریب و یا تبلیغ کاندیدایی خاص با مد نظر قرار دادن منویات مقام معظم رهبری، تلاش خود را در جهت پرشور کردن هرچه بیشتر فضای انتخابات مصروف دارند.

حزب کارگزاران سازندگی ایران[۱]

مجمع روحانیون مبارز

بسم الله الرحمن الرحیم

باز هم نوبتی دیگر و فرصتی تازه فرا رسیده است تا مردم در سرنوشت انقلاب و میهن اثری تعیین کننده داشته باشند. نقش ممتاز مردم در نظام و کشور و مدیریت آن مهم‌ترین دستاورد انقلاب شکوهمند اسلامی است که به برکت آن ملت بر سرنوشت خود حاکم شده است و دفاع از انتخابات آزاد و سالم و پرشور دفاع از یکی از اصلی ترین مبانی انقلاب ماست.

روزنه‌ای روشن به سوی آینده‌ای پدیدار گشته است که در آن شاهد اصلاح و بهبود روندها و رویه‌ها و سیاستهای نادرستی باشیم که در صورت تداوم می‌تواند خدای ناکرده برای کشور و انقلاب و تأمین حقوق مردم زیان‌های غیر قابل جبران داشته باشد.

جمع روحانیون مبارز، در آستانهٔ انتخابات دهم ریاست جمهوری، به حکم احساس وظیفهٔ دینی، انقلابی و ملی خود و در انجام عهدی که با امام و امت داشته است و دارد، همچون همیشه به یاری حضرت حق در عرصه حضور فعال خواهد داشت و لازم می‌داند در این باب نظر خود را به استحضار ملت شریف برساند.

حضور در انتخابات قطعاً باید به انگیزهٔ پیروزی و برای دستیابی به نتیجه‌ای باشد که آن را به مصلحت کشور و مردم و آئین و نظام می‌دانیم و تلاش برای پیروزی دارای موضوعیت است.

در این برههٔ حساس به رغم تلاش و خدمت مسئولان محترم بر این باوریم که سیاست‌ها، رویه‌ها و اقدام‌ها، طی سال‌های گذشته که فرصت‌ها و امکانات فراوان نیز در اختیار ملت و کشور بوده است، متأسفانه نتایج مطلوبی به بار نیاورده است و اصلاح امور و تغییر

---

۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۲/۲۰، ساعت ۱۳:۱۶، شماره خبر ۸۸۰۲۲۰۰۶۸۹.

روندها به نفع آرمان‌های انقلاب و مصالح کشور و مردم امری ضروری به نظر می رسد و آنچه از اولویت و فوریت برخوردار است عبارت است از انتخاب و طی طریقی که توفیق ما را در این تحول بیشتر کند.

ضمن احترام به شخصیت انقلابی، ملی، دینی و سیاسی حضرت حجةالاسلام والمسلمین جناب آقای کروبی که ایشان را از سرمایه‌های انقلاب و کشور می‌دانیم، در مرحلهٔ حساس کنونی معتقدیم که انتخاب شخصیت ارزنده و انقلابی و روشن بین جناب آقای مهندس میرحسین موسوی که سابقهٔ مدیریت موفق در دوران های سخت را در کارنامهٔ خود دارند، ما را به هدف فوری خود نزدیک تر می کند.

بنابراین، مجمع روحانیون مبارز در جمع بندی نهایی خود با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که جناب آقای مهندس موسوی را به عنوان نامزد ریاست جمهوری آینده معرفی کند و از ملت رشید ایران بخواهد که با درک موقعیت خطیر و تهدیدها و نیازهای این مرحله حساس با احساس مسئولیت و با شور و امید در انتخابات آتی حضور چشمگیر داشته باشد تا به یاری خداوند شاهد آینده‌ای مطمئن تر و بهتر برای میهن و ملت باشیم انشاءالله.[۱]

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف ایران!

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بر اساس مصوبهٔ دوازدهمین کنگره در تیر ماه سال گذشته، ضمن دعوت از آقای خاتمی برای حضور در عرصهٔ رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری دهم، ایشان را به عنوان نامزد انتخاباتی خود معرفی کرد. آنچه ما را به تأکید و پافشاری بر این موضع مصمم می‌کرد، نگرانی از روند نامبارکی بود که از سه سال پیش به این سو در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مشکلات و بحران‌های مستمر و فزاینده‌ای را بر کشور تحمل کرده و تداوم آن، بی تردید هزینه ها و لطمات جبران

---

۱. سایت خبری آفتاب نیوز، ۲۴ فروردین ۱۳۸۸، ساعت ۲۱:۲۸، کد مطلب ۸۶۷۷۲.

ناپذیری را برای کشور و ملت ایران در پی خواهد داشت. از این رو آنچنان که در قطعنامهٔ کنگرهٔ مذکور تأکید کرده‌ایم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران انتخابات ریاست جمهوری آینده را به مثابهٔ فرصتی مغتنم و راهکاری قانونی، مدنی، مسالمت‌آمیز و در عین حال کم‌هزینه، فراروی ملت ایران برای پایان دادن به مدیریت ناکارآمد و ضعیف و نجات کشور از وضعیت نابسامان و نگران کننده کنونی و گامی مهم در جهت تحقق استراتژی محدود و پاسخگو کردن قدرت ارزیابی می کند.

بنابراین، شرکت با عزم پیروزی در انتخابات، با هدف تغییر و ممانعت از تداوم و تثبیت روندی که نتیجهٔ آن مطلقیت قدرت و هدم اساس جمهوریت نظام است ازیک سو و تجربهٔ نقض آشکار موازین قانونی و عملکرد غیرمسئولانه در انتخابات اخیر شوراهای شهر و روستا و انتخابات دور هشتم مجلس شورای اسلامی از سویی دیگر، ما را بر آن می‌داشت تا فردی را به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری معرفی کنیم که اولاً از محبوبیت اجتماعی سیاسی گسترده برخوردار باشد، آنچنان که اقبال عمومی نسبت به وی تأثیر اعمال نفوذهای احتمالی بر نتایج انتخابات را منتفی سازد و ثانیاً از ظرفیت و صلاحیت‌های فکری و تجربی کافی برای تغییر وضع موجود و پایان دادن به بحران‌ها و کاهش مشکلات فراروی کشور برخوردار باشد. سازمان ضمن احترام به همهٔ چهره‌ها و شخصیت‌های اصلاح‌طلب، این خصوصیات را بیش از هر کس دیگری در خاتمی متعین می‌دید.

درحالی که همهٔ شواهد و قرائن و به‌ویژه استقبال پرشور وخودانگیخته مردمی از خاتمی در سفر به سه استان فارس، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر نوید تکرار حماسه ای دیگر از جنس دوم خرداد ۷۶ را در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری و تغییر وضع موجود می‌داد، انصراف آقای خاتمی از نامزدی ریاست جمهوری در روزهای پایانی سال گذشته به موج نگرانی و ابهام در مورد آینده سیاسی کشور و احتمال تداوم وضع نگران‌کننده موجود دامن زد. سازمان ضمن ابراز تأسف شدید از انصراف آقای خاتمی، با توجه به حساسیت شرایط و محدودیت زمانی تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، بلافاصله رایزنی‌های فشرده‌ای را در سطح اعضای خود در سراسر کشور به منظور اتخاذ تصمیم و موضع

انتخاباتی مناسب آغاز کرد.

نهایتاً متعاقب اجلاس سراسری یک روزه، متشکل از اعضای شوراهای مرکزی و سیاسی، کمیسیون انتخابات و مسئولان شاخه‌های استانی در سراسر کشور، شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بر اساس مذاکرات و توافقات به عمل آمده در این اجلاس، حمایت سازمان را از نامزدی آقای مهندس میرحسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری دهم به تصویب رساند.

اکنون جهت اطلاع بیشتر شما ملت عزیز از ضرورت‌ها و علل منتهی به این تصمیم، ذکر نکات زیر را لازم می‌دانیم:

۱. آقای موسوی از شخصیت‌های فرهیخته و خوش‌فکر کشور و دارای سوابق روشن در سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که مدیریت موفق ایشان در ادارهٔ کشور طی سال‌های دفاع مقدس در خاطره‌ها باقی است. سلامت شخصی، تجربهٔ ادارهٔ کشور در شرایط بحرانی و اعتقاد و التزام ایشان به آرمان‌های راستین ملت ایران در انقلاب اسلامی، از ایشان چهره‌ای محترم در نزد جامعه و فعالان سیاسی تصویر کرده است. این سابقه و احترام موجب بالابودن ذهنیت مثبت و ظرفیت بالقوهٔ اجتماعی در میان اقشار مختلف، نسبت به آقای موسوی است.

۲. به رسمیت شناخته شدن حقوق اساسی مصرح در قانون اساسی، به ویژه حق حاکمیت ملت بر سرنوشت و مشارکت در ادارهٔ امور خویش، که بارزترین تجلی آن انتخابات سالم، عادلانه و قانونی است، همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های عرصهٔ سیاسی کشور طی سال‌های اخیر بوده است. با کمال تأسف، طی چهار سال اخیر، پس از به قدرت رسیدن جریان حاکم کنونی و در نتیجهٔ هماهنگ شدن بخش‌های نظارت و اجرا در انتخابات، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ملت بیش از هر زمان دیگری مورد تهدید و تجدید قرار گرفته و سلامت انتخابات به شدت به مخاطره افتاده است، به طوری که دیگر تقریباً اعتمادی به آمارهای انتخابات از جمعیت واجد حق رأی گرفته تا آراء شرکت کنندگان و تا آراء کاندیداها وجود ندارد.

اعتقاد آقای موسوی به حقوق اساسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و تأکید ایشان بر میزان بودن رأی ملت و احترام به خواست و ارادهٔ مردم، این امید و انتظار را قوت می بخشد که در صورت احراز پست ریاست جمهوری، همانند دوران اصلاحات شاهد التزام دولت به سلامت انتخابات و تلاش برای صیانت آراء مردم باشیم.

۳. آزادی مطبوعات و چرخهٔ آزاد اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان و شروط دموکراسی طی سال‌های گذشته، کانون منازعات سیاسی میان اصلاح طلبان و کانون‌های قدرت ضداصلاحات در سطح حاکمیت بوده است. به رغم برخوردهای خشن و محدودیت های جانکاه از سوی کانون‌های مذکور علیه مطبوعات در دوران اصلاحات، با حمایت دولت و مجلس اصلاحات، حداقلی از شرایط برای ادامهٔ حیات مطبوعات و رسانه‌های مستقل تضمین شده بود.

با به قدرت رسیدن حاکمان کنونی این حداقل نیز از بین رفت، به طوری که احتمال انتشار روزنامه از سوی جریان های مستقل و یا منتقد دولت کاملاً منتفی شد. طی سه سال گذشته تنها سه روزنامه که همگی وابسته به دولت و یا افراد و کانون‌های حامی دولت هستند اجازه انتشار یافته اند. نیروها و احزاب مستقل و منتقد دولت در داخل کشور حتی در بهره‌مندی از پایگاه های خبری اینترنتی نیز با شدیدترین انواع فیلترینگ مواجه هستند.

سابقهٔ فعالیت مطبوعاتی و مواضع روشن و صریح آقای موسوی دربارهٔ آزادی مطبوعات و اعتقاد ایشان به آزادی جریان اطلاعات و مخالفت با انحصار رسانه صوتی و تصویری در دست دولت، این امید و انتظار را قوت می بخشد که در صورت پیروزی ایشان در انتخابات، وضعیت نامطلوب و تأسف بار کنونی در عرصهٔ آزادی‌های مطبوعاتی، قلم و بیان، پایان یافته و جامعه مطبوعاتی و فرهنگی ما شاهد بهبود نسبی در این حوزه باشد.

۴. تقویت نظام حزبی و التزام حاکمیت به آزادی فعالیت احزاب و نهادهای مدنی در کنار آزادی انتخابات، همواره از اصول ثابت مورد تأکید اصلاح طلبان بوده است.

طی چهار سال اخیر حذف نقش احزاب و نهادهای مدنی از فرایندهای تصمیم سازی به شدت به مخاطره افتاده است.

آقای موسوی فعالیت حزبی حرفه‌ای روشنی را در کارنامه خود دارد و به تحزب و ضرورت آن برای دموکراسی و تحقق اصل حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود معتقد است. اعتقاد اصولی آقای موسوی به آزادی احزاب از جملهٔ معیارهای مهم سازمان در حمایت از نامزدی ایشان به شمار می‌رود. از این رو، در صورت پیروزی در انتخابات، می‌توان به پایان یافتن نگرانی‌ها و رویکردهای ضد تحزب و محدودیت‌آفرین کنونی علیه فعالیت‌های حزبی امیدوار بود.

۵. آقای موسوی علاوه بر برخورداری از تجربه و آگاهی‌های سیاسی، چهره‌ای فرهنگی و خود یک هنرمند است و درک و شناخت واقع بینانه و مثبتی به مقولهٔ فرهنگ و هنر کشور و مشکلات و محدودیت های فعالان در این عرصه دارد. بنابراین، جامعهٔ فرهنگی وهنری کشور در صورت حضور ایشان در سطح مدیریت عالی کشور می‌تواند به پایان یافتن دوران رکود و رخوتی که مدیریت نظامی و رویکردهای امنیتی بر حوزه فرهنگ و ادب و هنر تحمیل کرده و بهبود نسبی این حوزه امیدوار باشد.

۶. در سال‌های اخیر، دانشگاه و دانشگاهیان یکی از سخت‌ترین دوره‌های حیات خود را شاهد بوده‌اند. محروم ساختن فعالان دانشجویی منتقد از ادامه تحصیلات عالی، موج احکام تعلیق و اخراج و محرومیت از تحصیل علیه دانشجویان، انحلال انجمن‌های اسلامی و تشکل‌های دانشجویی مستقل در دانشگاه‌ها، تلاش برای تغییر بافت دانشگاه‌ها، صدور احکام حبس و بازداشت علیه فعالان دانشجویی منتقد، تصفیهٔ گسترده در سطح اساتید دانشگاه از طریق موج بازنشستگی و اخراج و نهایتاً از بین بردن استقلال دانشگاه و دانشگاهیان تحمیل رؤسای فرمایشی بر دانشگاه‌ها، برخی از شاخص‌ها و نشانه‌های وضعیت نامبارک حاکم بر دانشگاه‌های کشور است.

آقای موسوی خود چهره‌ای دانشگاهی است، با توجه به دیدگاه‌های صریح ایشان دربارهٔ ضرورت استقلال دانشگاه‌ها می‌توان امیدوار بود که در صورت پیروزی، این دورهٔ پرمحنت پایان یافته و شرایط بهتری بر دانشگاه‌های کشور حاکم شود.

۷. به رغم شعار مبارزه با فساد، به علت تمرکز قدرت و تخریب ساخت‌های دموکراتیک

و تضعیف بخش‌های نظارت و کنترل در ساختار قدرت، فساد چه در سطوح اداری و چه در بخش مالی، گستردگی بیشتری یافته است تا آنجا که بنا بر آمارهای معتبر، کشور ما در جدول کشورهای گرفتار فساد حدود پنجاه رتبه سقوط کرده، به طوری که امروز باید در پایین این جدول به دنبال نام ایران گشت. برخلاف چهار سال پیش، دیگر سخنی از ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی به گوش نمی‌رسد و از نشست سران قوا در رسیدگی به این معضل خبری نیست. بی انضباطی مالی و به هم ریختگی بخش‌های نظارتی به گونه ای است که بیش از یک میلیارد دلار در چرخهٔ مالی کشور مفقود می‌شود و از سرنوشت بیش از ۶۰ میلیارد دلار ناشی از تفاوت میزان درآمدها و هزینه های ارزی پیش‌بینی شده در قوانین بودجهٔ کشور خبری نیست.

با توجه به سلامت و پاکی آقای موسوی و دقت و حساسیتی که در نظارت بر نحوهٔ هزینه‌کرد درآمدها در دروهٔ مدیریت از خود نشان داده است، در صورت پیروزی در انتخابات، این انتظار که ایشان با احیا و ترمیم ساختارهای تصمیم‌گیری و نظارتی تخریب شده و اتکا به مشارکت و عقل جمعی در تصمیم‌گیری‌ها از طریق احیای مجدد شوراهای عالی و نیز سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، انضباط مالی را حاکم ساخته و به انسداد زمینه‌های سوء استفاده های مالی و حیف و میل بودجهٔ بیت المال اهتمام ورزد، انتظار به حقی خواهد بود.

۸. توزیع قدرت یکی از اصولی ترین گام ها در جهت محدود و پاسخگو کردن قدرت و همچنین دموکراتیزه کردن ساخت آن است. از جملهٔ راه‌ها و تمهیدات دراین زمینه، افزایش اختیارات شوراهای شهر و روستا و سپردن بخشی از مسئولیت‌های حکومت به جامعه از طریق شوراهای شهر و روستا است. با توجه به اعتقاد آقای موسوی به شوراها و تأکید صریح ایشان بر ضرورت افزایش اختیارات شوراهای شهر و روستا می‌توان از ایشان انتظار داشت در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در جهت تحقق این عقیده که نتیجهٔ آن تقویت بنیاد نهادهای مدنی است، حرکت کند.

۹. حفظ همبستگی و ارتقای ضریب انسجام ملی در چارچوب تمامیت ارضی و وحدت

سرزمینی، به ویژه در عصر حاضر، در گرو تأمین حقوق مشروع و قانونی گروه‌های اجتماعی و رفع تبعیض و تمهید شرایط مناسب برای مشارکت ایشان در قدرت و نقش‌آفرینی مؤثر در فرایندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری در سطح ملی است. متأسفانه، بی تفاوتی گاه عامدانه به این امر، به ویژه در سطح اقوام و مذاهب و خطای فاحش معرفت شناختی و نیز عملی در مسئله یابی و درک واقعیات و مشکلات اقشار مختلف اجتماعی، از جمله زنان و جوانان و اتخاذ رویکردها و روش‌های امنیتی و اطلاعاتی و خشونت‌آمیز در برخورد با اقشار مذکور طی سال‌های اخیر، هزینه های سنگین و لطمات قابل توجهی را به همبستگی ملی و انسجام اجتماعی وارد ساخته است. آثار و نتایج رویکردها و تصمیمات غلط در این زمینه در مناطق مختلف کشور و واگرایی های اجتماعی و فرهنگ در سطح زنان و جوانان کاملاً مشهود است. حضور آقای مهندس موسوی به عنوان فردی دارای گرایش و دغدغه های فرهنگی و اجتماعی و حساسیت ها و آگاهی‌های ملی و تاریخی نسبت به مقوله اقوام و مذاهب در سطح مدیریت عالی کشور می‌تواند موجب توقف رویکردهای امنیتی اطلاعاتی و انتظامی کنونی و احیای رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دورده اصلاحات نسبت به این مقولات شود.

۱۰. تحجر و قشری گری و ترویج بدعت و خرافه و رویکردهای فرقه ای به نام دین و معنویت در سال‌های اخیر، دین و اندیشه و فرهنگ و اخلاف جامعه را به چالش کشیده است. جریان حاکم برای پنهان ساختن ضعف و ناکارآمدی خود در ادارهٔ امور کشور، نه تنها حساسیتی در این زمینه نشان نمی‌دهد، بلکه خود به ترویج جمود و تحجر و فرقه گرایی افراطی و منحط به نام دین و دینداری اهتمام می ورزد. با توجه به اعتقاد پایبندی آقای موسوی به اندیشه‌های حضرت امام که حساسیت منفی ایشان نسبت به جمود و تحجر و عوام‌زدگی زبانزد خاص و عام بود و همچنین شخصیت فرهنگی و منش فکری آقای موسوی از سویی دیگر می‌توان امید داشت که در صورت پیروزی در انتخابات، آنچنان که در سخنان اخیر خود اظهار داشته‌اند، سیمای دین و دینداری و فکر و فرهنگ را در کشور این گونه زشت و مخدوش نبینیم.

۱۱ . شرط توسعهٔ پایدار همه جانبه، از جمله توسعهٔ اقتصادی و سیاسی، برخورداری جامعه از قدرت اقتصادی و سیاسی بر بستری از مناسبات عادلانه است. وجود بخش خصوصی فعال در چنین فضایی می‌تواند ضامن توسعه و شکوفایی اقتصادی کشور باشد. طی سال‌های اخیر شاهد روند سازمان یافته حاکمیت نظامیان بر عرصه اقتصاد کشور بوده ایم. ارجاع پروژه‌های عظیم ملی با ترک تشریفات مناقصه به شرکت‌های وابسته به نهادهای نظامی و تعدادی از شرکت‌های مورد عنایت که باید آنها را بخش خصوصی کشور در مسیر توسعهٔ همه جانبه و پایدار کشور را فراهم آورد.

۱۲ . چنانچه به مناسبت‌های دیگر تأکید کرده‌ایم نتایج رویکرد ستیزه‌جویانه و هماوردطلبانه در عرصهٔ سیاست خارجی طی سه سال گذشته به دستاوردها و آثار مستقیمی نظیر ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و اعمال تحریم های بین المللی علیه ایران محدود نمی شود. حجم خسارت های غیرمستقیم ناشی از توقف همکاری های اقتصادی، کاهش چشمگیر روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تنزل چشمگیر جایگاه جهانی ایران و کاهش توان تأثیرگذاری رسمی ایران به ویژه بر تحولات منطقه، از نظر مادی به هیچ وجه با حجم خسارت های مستقیم چند میلیارد دلاری ناشی از تحریم رسمی کشور قابل مقایسه نیست. بر این موارد باید بذل و بخشش های سخاوتمندانه و دادن امتیازات چشمگیر و جذاب از جیب منابع ملی به منظور تشویق طرف های خارجی به همکاری اقتصادی با ایران در شرایط تحریم رسمی و غیررسمی را افزود.

اعتقاد آقای میرحسین موسوی به سیاست تنش‌زدایی در عرصهٔ سیاست خارج و برقراری روابط دوستانه با کشورهای جهان و انتقاد صریح ایشان از رفتارهای ماجراجویانه در عرصهٔ دیپلماسی، می‌تواند در صورت پیروزی در انتخابات، چشم انداز مثبتی از روابط دیپلماتیک ایران و در نتیجه آغاز مجدد همکاری های اقتصادی و فنی با کشورهای جهان ترسیم کند.

۱۳ . امروز با آشکار شدن تدریجی آثار خسارت بار سیاست‌ها و تصمیمات دولت نهم در عرصه‌های مختلف و اجماع صاحب نظران دربارهٔ افزایش تورم، کسر بودجه هنگفت،

افزایش بیکاری، فقیرتر شدن اقشار محروم، افزایش اختلاف طبقاتی (برخلاف تبلیغات کاذب جاری) و... نسبت به امکان فائق آمدن مدیران آینده بر مشکلات و بحران‌های پیش رو،تردیدهای جدی وجود دارد. به گمان ما فائق آمدن بر این مشکلات و مهار آن جز در سایه مدیریتی باتجربه و منضبط ممکن نیست. آقای موسوی با اداره موفق کشور در دوره دشوار و بحرانی جنگ تحمیلی نشان داده است از تجربه و توان تحسین برانگیزی در مدیریت بحران برخوردار است. اداره کشور با درآمد سالآنه بین هفت تا ده میلیارد دلار در سال‌های ۶۵ تا ۶۷ و همچنین دستیابی به بهترین شاخص‌های اقتصادی در طول سال‌های پس از انقلاب در سال‌های ۶۳ و ۶۴، علی رغم تداوم جنگ پرهزینه طی تمامی این سال‌ها و مقایسهٔ این دستاورد با کارنامه خسارت بار دولت نهم طی سه سال و نیم اخیر با درآمد حدود ۲۷۰ میلیارد دلار مبنای روشنی برای قضاوت دربارهٔ توان مهندس موسوی در مهار بحرانی است که صاحب نظران اقتصادی برای کشور پیش‌بینی می کنند.

با توجه به ملاحظات و ویژگی‌های فوق، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، ضمن احترام به دیگر نامزدهای اصلاح طلب، در شرایط کنونی آقای مهندس میرحسین موسوی را دارای جامعیت و صلاحیت های فکری، تجربی و مدیریتی بیشتری برای نجات کشور و بازگرداندن اداره کشور به مسیر عقلانیت و اهداف و آرمان‌های راستین ملت ایران در انقلاب اسلامی ارزیابی کرده و به منظور پایان دادن به مدیریت ناکارآمدی که در چهار سال گذشته جز بحران و تشدید معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تنزل جایگاه کشور در عرصهٔ جهانی دستاوردی برای ملت ایران نداشته است، رسماً از کاندیداتوری ایشان در انتخابات ریاست جمهوری دهم حمایت می کند و تمام توان و امکانات خود را برای پیروزی ایشان در انتخابات به کار خواهد گرفت. سازمان در این حمایت و تلاش هیچ گونه انتظار و چشمداشتی جز التزام ووفاداری آقای موسوی به نکات و ملاحظات فوق که تماماً از بیانات و مواضع اخیر خود ایشان استخراج شده است، ندارد. همچنین یادآوری این نکته را ضروری می‌دانیم که سازمان از آغاز ضمن استقبال از تکثر کاندیداها

در میان اصلاح طلبان و به رسمین شناختن حق گروه‌های اصلاح طلب در معرفی و در مراحل نهایی پیش از برگزاری انتخابات تأکید داشته و به رغم حمایت از کاندیداتوری آقای خاتمی، بر توافق اصلاح طلبان در مورد چنین سازوکاری تأکید کرده است. اکنون نیز ضمن حمایت از کاندیداتوری آقای میرحسین موسوی مجدداً بر سازوکار مذکور تأکید کرده و از نامزدهای انتخاباتی مطرح در میان اصلاح طلبان می‌خواهیم که نهایتاً بر اساس نتایج نظرسنجی علمی و معتبری که از سوی مرجعی مورد توافق انجام خواهد شد به نفع کاندیدای دارای آراء بیشتر از صحنهٔ رقابت کنار روند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران

۱۳۸۸/۱/۲۱[1]

جبههٔ مشارکت ایران اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد. انقلابی که اساس آن مردم سالاری سازگار با دین رحمانی و مقابله با استبداد و استعمار بود. انقلابی که در پی رهائی انسان ها از هر قید و بندی جز عبودیت الهی بود و آینده ای ممزوج از رفاه و معنویت را نوید می‌داد. ملت بزرگ ایران به ندای حق طلبانه و آزادی خواهانهٔ امام عظیم الشأن خود پاسخ گفت و با تمام وجود نه فقط در خلق بزرگ ترین انقلاب مرد میتوفیق یافت، بلکه برای حفظ آن در برابر تما میتوطئه ها و دسیسه های دشمنان آن ایستاد و حماسه های بزرگ ایثار و فداکاری را آفرید بدان امید که ایران اسلامی سرآمد انسانیت و مروت، انصاف و عدالت، پیشرفت و کارآمدی در منطقهٔ خود و الگویی برای انسان‌های به جان آمده از مادیت بی‌روح در سرتاسر جهان باشد.

اینک نسل اول انقلاب و نسل های بعدی با چشمانی نگران ولی دل هایی امیدوار به افقی می نگرند که اگرچه روشن است اما سختی و موانع فراوانی در راه آن وجود دارد که جز

---

۱. سایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۱/۲۱، ساعت ۱۳:۲۳، کد خبر ۱۴۱۵.

با همت بلند تک تک ایرانیان و با ارادهٔ مصمم مردان و زنان پیشتاز مخلصی که سربلندی ایران از هر چیز برای آنها مهم‌تر است تحقق آن آرمان‌های بلند محال می نماید.

تأسف از این بالاتر نیست که امروز به سبب سوء مدیریت دولت نهم پایه‌های توسعهٔ کشور که علی‌رغم کاستی‌ها و دشواری‌های فراوان در مدت ربع قرن استوار شده بود آسیب جدی دیده است و به دلیل سوء استفاده از ارزش‌های دینی و شعارهای انقلابی، ذهن نسل جوان کشور را نسبت به شعارها و آرمان‌های انقلاب مغشوش کرده است.

امروز در عرصهٔ فرهنگ آنچه بارز است تلاش برای حاکمیت انحصاری یک گفتمان فرهنگی خاص و نادیده گرفتن خلاقیت‌های فرهنگی و هنری و اعمال سانسور و فشار روزافزون همه جانبه بر صاحبان اندیشه و فرهنگ و هنر است که نتیجهٔ آن فقر شدید در عرصهٔ تولید فکر و تألیف کتاب و نشر، کاهش چشمگیر مؤسسات مولد فرهنگی غیر وابسته، توقیف پی در پی آثار سینمایی، کتب و نشریات و نیمه جان شدن رسانه‌های آزاد و مستقلی است که به نوبت در برابر تحمیل‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی به نابودی میرسند. دانشگاه‌ها به عنوان مظهر توسعهٔ کشور آنچنان گرفتار مشکلات گوناگون شده‌اند که علی‌رغم تبلیغات فراوان در بارهٔ رشد و توسعهٔ علمی و مصادرهٔ همهٔ پیشرفت‌های زمان‌های گذشته به نام خود حتی برخی مسئولان فعلی دانشگاه‌ها را به فغان در آورده است.

در عرصهٔ اجتماع، اعمال محدودیت و سرکوب شدید نهادهای مدنی، نادیده گرفتن اولیه‌ترین حقوق شهروندان حتی در حوزهٔ زندگی خصوصی، فشار روزافزون و بهانه جویی‌های عجیب و غریب نسبت به نسل جوان، به‌خصوص دختران و زنان، نابرابری حقوقی بین شهروندان ایرانی و نادیده گرفتن حقوق مسلم و قانونی ایرانی و بی توجهی به مطالبات قانونی اقلیت‌های مذهبی و قومی، نادیده انگاشتن تنوع فرهنگی و نقش فرهنگ‌های بومی در آفرینندگی پر بار و مولد ایرانی و از همه مهم‌تر حاکمیت تحجر و توهم و واپس‌گرایی و عوام‌فریبی، از جملهٔ مشکلاتی است که در سال‌های اخیر بروز و ظهور فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. و این همه سبب بروز ناهنجاری‌های هولناک فرهنگی و

اجتماعی شده است که ما هر روز در عرصه‌های عمومی و خصوصی و در رسانه‌ها و شبکه‌های مختلف اطلاع رسانی با آن مواجه بوده‌ایم.

در عرصهٔ سیاست داخلی، از دولتی که اصولاً اعتقادی به دموکراسی ندارد و در بیان و رفتار خود مردمسالاری را به سخره می گیرد جز این انتظار نیست که همهٔ مظاهر مردم سالاری از قبیل رسانه‌های آزاد، تحزب، تشکل‌یابی مردم، انتخابات آزاد، آزادی‌های مشروع مانند آزادی بیان، آزادی اجتماعات و حتی آزادی عقیده به شدت مورد تهدید قرار گیرد. برخورد با دانشجویان و دانشگاهیان، زنان و کارگران و اساساً فعالان حوزهٔ مدنی، از جملهٔ تبعات این دیدگاه دموکراسی ستیز در دولت نهم است. تعطیلی و فشار بر روزنامه های مستقل که مستقیماً توسط وزارت ارشاد و بدون هیچ ظاهرسازی قانونی صورت می گیرد و نیز بستن و اعمال محدودیت های مختلف نسبت به سایت های رسمی و غیررسمی اطلاع رسانی از نگران کننده‌ترین حرکات آزادی ستیزی است که متأسفانه امروز به یک رویه تبدیل شده است.

در عرصهٔ سیاست خارجی نیز انزوای کم‌نظیر ایران، که در هیچ دوره‌ای از تاریخ پس از انقلاب سابقه نداشته است حاصل بی‌تدبیری، خام‌اندیشی، گفتار و کردارهای غیر منطقی و بر خلاف منافع ملی بوده و سبب شده است فشار مضاعفی بر ملت ایران، چه از نظر وجههٔ بین‌المللی و چه از نظر تضییقات اقتصادی و معیشتی، تحمیل شود.

در عرصهٔ مدیریت اجرایی، شخصی کردن امر مدیریت و سیاست از سوی رئیس دولت و عبور بی محابا از همهٔ حدود قانونی و امتیازدهی های بی حساب و کتاب سیاسی و جناحی، حذف و انحلال نهادهای تصمیم ساز و برنامه ریز و از میان بردن سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و بی‌توجهی به امر برنامه‌ریزی در توسعه، کارشناسی، تخصص و تجربه، که گرانبهاترین دستاوردها و سرمایه‌های اداره کشور در دهه های گذشته بوده‌است، همهٔ آنانی را که به سرنوشت ایران میاندیشند، به طور جدی نگران کرده است.

شاید بسیاری از مسائل فوق از دیدگاه صاحب نظرانی که چهار سال پیش مردم را از رأی دادن به رئیس دولت نهم بر حذر داشتند قابل پیش‌بینی بود، اما آنچه امروز ما در عرصهٔ

اقتصاد کشور شاهد هستیم به‌راستی غیر قابل باور است. دولتی که براساس تخریب دستاوردهای گذشتگان و متهم کردن زمین و زمان به فساد و ناکارآمدی و گذراندن وقت به دعواهای سیاسی و حزبی و چشم‌پوشی بر مشکلات معیشتی مردم روی کار آمد، امروز به گونه‌ای عمل کرده است که کمتر حامی و مدافعی برای سیاست‌های اقتصادی خود باقی گذاشته است و برای سرپوش گذاشتن بر بی‌کفایتی خود حتی بر چهرهٔ متحدان دمی‌روز خود نیز چنگ می‌اندازد و در صدد است به مدد امکانات تبلیغی کم‌نظیری که از بیت المال در اختیار گرفته است (اعم از صدا و سیما و روزنامه‌های پرهزینه و تریبون‌های مختلف) شکست فاحش خود در این عرصه را به خاطر کارشکنی و عدم همراهی دوستان متحد دمی‌روز خود در باور مردم بنشاند و با توزیع مستقیم پول در بین بخش‌هایی از مردم پرهزینه‌ترین ستاد انتخاباتی را نه فقط در کشور ما بلکه در سرتاسر منطقه به راه بیندازد.

تأملی در زندگی روزمرهٔ مردم و بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی بیانگر آن است که دولت نهم، هر چند تا پایان سال ۱۳۸۷ بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار (نزدیک به ۱/۵ برابر کل دوران دولت اصلاحات) از منابع ارزی کشور را به مصرف رسانده است، اما نه تنها پول نفت بر سر سفره‌های مردم آورده نشده بلکه سفره‌های آنان نیز با تهدید جدی تورم و کمبود روبه‌رو بوده است. سیاستهای غیر علمی و غیر کارشناسانه و تبلیغاتی رئیس دولت مدعی مبارزه با مافیای اقتصادی بیشترین رانت‌های اقتصادی را نصیب برخی باندها و گروه‌های ویژه کرده است.

کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و همچنین روند رو به کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در داخل کشور، گسترش حضور نهادهای نظامی و امنیتی در حوزه‌های سودآور اقتصادی و محدود کردن دامنهٔ فعالیت‌های بخش خصوصی، کاهش چشم گیر رشد بخش صنعت و افزایش بی‌رویهٔ نقدینگی کشور نمونه‌های بارزی از ناکارکردی بخش اقتصادی است که به صورت تورم لگام گسیخته و رو به رشد زندگی روزمرهٔ مردم کشور را با مشکلات و نگرانی‌های فراوان روبه‌رو کرده است.

آری، آنچه را که حاصل عملکرد چهارسالهٔ دولت نهم است در یک کلمه می‌توان

تخریب بسیاری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ، اعم از مادی و معنوی دانست که ترمیم آن بی شک کار آسانی نخواهد بود. شرایط موجود کشور آنقدر نگران کننده است که دیگر جز عدهٔ معدودی از اقتدارگرایان جناح محافظه کار هیچ کس مدافع وضع موجود نیست، وحتی برخی از متحدان سابق دولت نهم قبل از هر کس دیگری علم لزوم تغییر و ضرورت تشکیل دولت نجات ملی را برافراشتند که به خاطر ساختار خاص تصمیم‌گیری درون این جناح در نطفه خفه شد.

اما اصلاح طلبان در این میان با تجربهٔ سیاسی عظیمیکه از روند اوضاع پس از دولت اصلاحات کسب کرده اند، با ترمیم نقاط ضعف و تقویت پایگاه های اجتماعی خود به مدد اقبال خوب قشرهای مختلف مردم در جای جای کشور برای ایفای نقش تاریخی نجات کشور از سراشیب سقوط وارد این میدان شدند تا به مدد همت بلند و برنامه‌ای کارآمد و واقع گرا بتوانند به این مهم نائل آیند و حتی بر تخلفات قابل پیش‌بینی و قابل انتظار انتخابات فائق آیند.

حضور حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی در روند انتخابات ریاست جمهوری نویدبخش احیای جنبشی بود که گمان میرفت گسترده‌تر از دوم خرداد ۷۶ باشد. استقبال کم نظیر همهٔ طبقات مردم از روشنفکران و نخبگان گرفته تا مردم دورترین مناطق کشور که به انحای گوناگون به نمایش درآمد آنچنان تأثیرگذار بود که مخالفان اصلاحات را بهت زده کرد و شکست محتوم آنها را در انتخابات پیش رو به نمایش گذاشت. اما جناب آقای خاتمی به دلایلی که بیان کرده‌اند انصراف خود را با هدف وحدت و اجماع جریان اصلاحات اعلام داشتند و با بیان اینکه دستیابی به «تغییر» در شرایط جدید امکان پذیر است، خود با انصراف از نامزدی، پذیرای نقشی شدند که در آینده ان شاءالله ثمرات پربارتری برای ایران خواهد داشت.

ما هر چند نمی‌توانیم تأسف خود را از این کناره گیری مکتوم کنیم اما خوشحالیم که جناب آقای خاتمی از این پس خواهند توانست در موقعیتی بالاتر از کاندیدای ریاست جمهوری نقش تعیین کننده ای در هدایت و رهبری اصلاحات داشته باشند. و از سوی‌دیگر

خوشبختانه با وجود کاندیداهای اصلاح طلب حصول به هدف «تغییرسازنده» کاملاً امکان پذیر است.

ما امید آن داریم که کاندیداهای اصلاح طلب حاضر در رقابت ها با تدبیر و دوراندیشی به گونه ای عمل کنند که رقابت اصلی آنها در انتخابات تنها با جناح اقتدارگرا و با هدف پیروزی باشد. و بر این اساس از آنان می‌خواهیم با تکیه بر نقد وضع موجود و تلاش برای افزایش سطح مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی و با حساسیت لازم نسبت به برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی مبنا را تغییر سازندهٔ وضعیت کنونی و فراهم ساختن زمینه‌های هر چه بیشتر فعالیت‌های مدنی و پیشبرد اصلاحات همه جانبه قرار دهند و به اتکای خواسته‌های عمومی و ساز و کارهای علمی مانع از تکرار تجربهٔ انتخابات دور پیشین ریاست جمهوری شوند.

در این روند، جبههٔ مشارکت ایران اسلامی بر اساس تحلیل همه جانبه شرایط جدید، شناخت تاریخی، مذاکرات متعدد، رایزنی‌های فشرده و مواضع اعلام شدهٔ نامزدها و پس از کسب نظر از اعضای جبههٔ مشارکت در سراسر کشور، ضمن احترام به همهٔ نامزدهای محترم جبههٔ اصلاحات و با قدردانی از احساس مسئولیت آنها، به این جمع بندی نایل آمدیم که نامزد اصلاح طلبی که در شرایط فعلی بیش از هر کس توان «تغییر» در وضع موجود و قرابت و نزدیکی بیشتری با دیدگاه‌ها و برنامه‌های حزب دارد جناب آقای مهندس میرحسین موسوی است که دورنمای پیروزی ایشان در انتخابات آینده قابل تصور است.

ما بر این باور هستیم که آقای مهندس موسوی با کوله باری از تجربهٔ مدیریت دوران های سخت در دههٔ اول انقلاب و با تکیه بر اصول علمی مدیریت می‌توانند کشور را از وضع بحرانی فعلی رهایی بخشند و زمینه را برای حضور پر نشاط و مؤثر همهٔ دلسوزان کشور فراهم کنند.

ما بر این اعتقاد هستیم که آقای موسوی مدافع جدی حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی هستند، از تحزب و تشکل یابی مردم در نهادهای مدنی دفاع می کنند. رأی ملت را میزان می‌دانند و انتخابات آزاد را با جدیت پیگیری می کنند، و از ایجاد و توسعهٔ رسانه‌های آزاد

و مستقل استقبال خواهند کرد.

ما بر این گمان هستیم که در دولت آقای موسوی حقوق شهروندان در همهٔ زمینه‌ها محترم شمرده و با ناقضان آن برخورد خواهد شد.

ما معتقدیم مهندس موسوی از حقوق برابر تمام ایرانیان دفاع خواهد کرد و مذهب، قومیت، نژاد و زبان و جنسیت سبب امتیاز یک ایرانی بر دیگری نخواهد بود.

ما مطمئن هستیم در سایهٔ سیاست‌های دموکراتیک داخلی و تضمین حقوق همهٔ شهروندان ایرانی شاهد آن خواهیم بود تا امنیت بیشتری در مرزهای کشور داشته باشیم و به تبع آن شاهد رفاه و آبادانی بیشتر مناطق پیرامونی باشیم.

ما بر این باور هستیم که در دولت مهندس موسوی نشاط سیاسی و تحرک علمی بار دیگر در دانشگاه‌ها دیده خواهد شد و به جای سرکوب و اعمال محدودیت برای دانشجویان و جنبش دانشجوئی، حمایت از آزادی اندیشه، آزادی‌های آکادمیک و فعالیت‌های سیاسی قانونی در دستورکار قرار خواهد گرفت.

ما بر این اعتقاد هستیم که زنان بلندهمت ایرانی که بی وقفه پی گیر مطالبات بر حق خود در حقوق مدنی و سیاسی بوده‌اند در دولت مهندس موسوی از فرصتی مناسب برای تحقق خواسته‌های تاریخی آنها که در دولت فعلی به عمد نادیده گرفته می شود برخوردار خواهند شد.

ما بر این باور هستیم که در دولت آینده، در کنار تلاش برای ارتقای سطح معیشت محرومان، فعالیت‌های اقتصادی و تولید رونق خواهد یافت. احترام به مالکیت و تضمین سرمایه و سود حاصل از آن، کوچک کردن دولت و عدم دخالت در امور بخش خصوصی و احترام به بازار آزاد سرلوحهٔ فعالیت‌های اقتصادی دولت خواهد بود. در عین حال، دولت ایشان برای پر کردن شکاف های عمیق و نابرابری های اقتصادی بادیدگاه عدالت طلبانه و با روش‌های کارآمد تمام همت خود را به‌کارخواهد بست تا شاهد حرکت به سوی ریشه‌کن شدن ریشه های استضعاف و فقر در کشور باشیم.

ما مطمئن هستیم نظامی گری در عرصهٔ اقتصاد، که امروز اقتصاد کشور را از مسیر صحیح

خود خارج کرده است، متوقف خواهد شد.

ما یقین داریم سیاست تنش زدایی و رفع بحران‌های ایجادشده در دولت فعلی سرلوحهٔ سیاست خارجی دولت موسوی است و تنها معیار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی منافع ملی و رفاه ملت ایران خواهد بود و بازسازی اعتماد و حل مشکلات از طریق روش‌های دیپلماتیک و گفتگو با پافشاری بر اصول و حقوق ملی وجهه همت قرار خواهد گرفت.

ما بر این باور هستیم، همان گونه که قانون اساسی مقرر می‌دارد، شأن رئیس جمهور برتر از تنها ریاست بر قوهٔ مجریه است و وی مسئولیت مهم نظارت بر اجرای قانون اساسی توسط همهٔ ارکان نظام را نیز بر عهده دارد. مسئولیتی که متأسفانه تنها در دوران کوتاهی از عمر جمهوری اسلامی مد نظر قرار گرفت و شاید بسیاری از انحرافات ناشی از همین قانون گریزی و قانون ستیزی است که بحق جناب آقای موسوی در بیانات خود به کرات به آن اشاره کرده‌اند و این مایهٔ دلگرمی فراوان همهٔ کسانی است که بازگشت به قانون و رعایت همهٔ اصول قانون اساسی را نقطهٔ عطف بازسازی و نوسازی کشور می‌دانند. امروز متأسفانه به بسیاری از اصول قانون اساسی بی توجهی می شود. اصول فراوانی را در قانون اساسی می‌توان یافت که متأسفانه مغفول مانده یا به نحو درستی به آنها توجه نشده و شیوهٔ ادارهٔ کشور در جهتی مغایر با اصول دوم، سوم، ششم، هشتم، نهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی است که متضمن جامعه‌ای عدل بنیاد و مستقل و آزاد است. دردناک‌تر اینکه ما امروز متأسفانه شاهد تعطیلی تقریباً کامل فصل سوم قانون اساسی، «حقوق ملت»، هستیم که اساس مردمسالاری و حاکمیت ملی و نیز مبنای استوار حقوقی حرمت و کرامت مادی و معنوی انسان در جمهوری اسلامی است و قانون اساسی ما را در ردیف قوانین اساسی مترقی جهان قرار داده است. اصولی که سبب اعتلای نام کشور،وحدت و همبستگی ملی و برخورداری همهٔ ایرانیان از امکانات عمومی جهت رشد مادی و معنوی می‌شود و بدون رعایت این فصل اصولاً «مردمسالاری» جز شعاری بی محتوا بیش نیست.

ما مطمئن هستیم، همان گونه که در سوگند رئیس جمهور آمده است که رئیس جمهور باید پاسدار قانون اساسی باشد و «خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازد و از هر گونه خودکامگی بپرهیزد و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته‌است حمایت کند» جناب آقای مهندس موسوی تلاش خستگی ناپذیر خود را معطوف به رعایت و اجرای همه اصول قانون اساسی، به خصوص اصول به فراموشی سپرده شدهٔ آن خواهند کرد و همان گونه که وعده داده اند دولت ایشان قانون شکنی از سوی هرفرد یا نهادی را تحمل نخواهد کرد.

شناخت ما از مهندس میرحسین موسوی این گونه است و ایمان داریم که با پیروزی ایشان، شاهد «تغییرات سازنده» در کشور خواهیم بود. نه ما و نه هیچ انسان واقع بین دیگری انتظار ندارد خرابی های موجود را بتوان در عرض مدت کوتاهی اصلاح کرد، اما آنچه مهم است تغییر سمت و سوی اداره کشور به مسیری عقلانی است تا بتوان با ایجاد فضای جدید، از ظرفیت های فراوان و معطل ماندهٔ ملی درجهت نیل به چشم انداز بیست سالهٔ کشور بهره جست. این تغییر مسیر سبب خواهد شد تا عنصری که این روزها در عرصهٔ حکمرانی نایاب شده است، یعنی اعتماد بین دولت و ملت، دوباره بازسازی شود و با برخوردار شدن از دولتی به واقع مردمی و در خدمت آرمان‌های ملی، ایران جایگاه رفیع خود را دوباره در جهان به دست آورد.

بر این اساس، جبههٔ مشارکت ایران اسلامی با حمایت از جناب آقای مهندس موسوی به عنوان نامزد ریاست جمهوری اسلامی ایران در دور دهم امیدوار است بتواند به آرمان‌های اساسی خود که در دو شعار ه می‌شود جاوید «معنویت، عدالت، آزادی» و «ایران برای همه ایرانیان» تبلور یافته است جامه عمل بپوشاند.

ما مطمئن هستیم راه آینده راهی سخت و طولانی است. باید با تکیه بر اصول اصلاحات و آرمان‌های غیرقابل چشم‌پوشی آن این مسیر ناهموار را طی کرد و از انتظارات و توقعات خرد چشم پوشید. باید همه ملت را به حضور پرشور و باشعور در انتخابات

دهم ریاست جمهوری دعوت و ترغیب کرد. تغییر در شرایط موجود امکان پذیر نیست مگر با مشارکت وسیع مردم که امروز سیاست‌های تحقیرآمیز رنج مشکلات مادی و معیشتی آنها را دو چندان کرده است.

ما ایمان داریم که با حضور مهندس موسوی و با همدلی و همراهی همهٔ دلسوزان کشور و با مشارکت آگاهانهٔ آحاد ملت این مهم شدنی است. برای نیل به این مهم، جبههٔ مشارکت ایران اسلامی از تمامی اعضا و هواداران خود و آحاد ایرانیانی که دل در گرو ایران دارند و نگران سرنوشت کشور هستند می‌خواهد که با استفادهٔ حداکثری از حق خود در تعیین سرنوشت با مشارکت فعال و مؤثر در عرصهٔ انتخابات و حمایت تام و تمام از جناب آقای مهندس موسوی، پیروزی معنادار و ثمربخش ایشان در دورهٔ دهم ریاست جمهوری در انتخابات بیست و دوم خرداد را رقم بزنند.

به امید فردایی بهتر

جبههٔ مشارکت ایران اسلامی

[۱]۱۳۸۸/۱/۲۱

ملی ـ مذهبی ها

به نام خداوند جان و خرد

مشارکت برای دفاع از منافع ملی

۱. شورای فعالان ملی ـ مذهبی از دی ماه ۱۳۸۷ با شعار «رفع تبعیض در همه جا، از همه کس» و با رویکردی مطالبه محور وارد فرایند انتخابات شد. این رویکرد که حاصل مبارزات مدنی و سیاسی سال‌های اخیر است در فرایند انتخابات ریاست جمهوری بسط اجتماعی مناسبی یافت.

۲. علیرغم نفوذ گستردهٔ قدرت های پنهان و نیز ساخت نامتوازن قدرت و مسئلهٔ نظارت استصوابی (رد صلاحیت زنان و افراد باسابقهٔ نمایندگی مجلس) و محدودیت اختیارات ریاست جمهوری در نظام سیاسی ایران؛ رئیس قوهٔ مجریه درهمین حد و چارچوب نیز

---

۱. سایت خبری نوروز، ۱۳۸۸/۱/۲۲، کد خبر ۲۱۵۵۴.

دارای نقش و تأثیر فراوانی در روند جاری امور کشور، زندگی روزمره و معیشت و رفاه مردم، فضای سیاسی و مدنی، سیاست خارجی و... می باشد.

۳. سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در چهارسالهٔ اخیر، هر روز عرصه را بر زندگی و معیشت مردم تنگ تر کرده، منافع ملی را در معرض تهدید قرار داده و فشار امنیتی را بر فعالان سیاسی، اجتماعی و حقوق بشری (دانشجویان، زنان، معلمان، کارگران و...) تشدید کرده است.

۴. شورای فعالان ملی ـ مذهبی؛

ـ با توجه به زندگی سخت روزمرهٔ شهروندان، آن هم در شرایطی که بالاترین درآمد نفتی نصیب کشور شده،

ـ با تأکید بر نیاز به فضای تنفسی برای فعالان سیاسی و مدنی،

ـ و با وقوف بر این تجربهٔ استراتژیک که کسب مطالبات مرتبط با زندگی عینی شهروندان و فعالان صنفی و مدنی لزوماً نباید موکول به گذار کامل به دموکراسی شود،

بر ضرورت برخورد فعال با فضا و فرایند انتخابات و مشارکت گسترده در آن تأکید نموده و این مشارکت را در ارتباط با سرنوشت ملی بسیار حیاتی ارزیابی می کند.

۵. بر این اساس، شورای فعالان ملی ـ مذهبی در آخرین نشست خود بر شرکت فعال در انتخابات با مضمون «تغییر قوهٔ مجریه» («نه» به احمدی‌نژاد و حمایت از دو نامزد اصلاح طلب) تأکید نمود و اعضا نظر خود را مبنی بر حمایت از آقایان موسوی(۴۵/۵ درصد)، کروبی (۳۰/۸درصد) و هریک از دو نامزد اصلاح طلب بدون تأکید بر هیچ یک (۲۰/۵درصد) اعلام کردند.

۶. شورای فعالان ملی ـ مذهبی ضمن توصیه به هواداران هر دو نامزد اصلاح طلب به همسویی در برابر رقیب مشترک و تسامح و عدم تخریب یکدیگر؛ همگان را به حضور فعال در انتخابات و اعلام «نه» به وضع موجود و «آری» به تغییر، با حمایت از دو نامزد اصلاح طلب، دعوت می نماید. ما ضمن فاصلهٔ فکری ـ سیاسی که با هر یک از دو شخصیت اصلاح طلب داریم، برای هر دو احترام قائلیم و در شرایط موجود آنها را واجد

نمایندگی حداقلی از مطالبات خود می‌دانیم.

۷. ما تلاش همه جانبه برای دفاع از سلامت انتخابات را از وظایف مشترک همهٔ افراد و نیروهای اصلاح طلب و تحول خواه، به ویژه ستادهای دو نامزد فوق، می‌دانیم.

شورای فعالان ملی ـ منهبی[۱]

۵ خرداد ۱۳۸۸

جدا از بیانیهٔ ذکرشده، به طور مشخص آقایان عزت‌الله سحابی و حبیب‌الله پیمان در موارد متعدد با صراحت اعلام کردند که از میرحسین حمایت می کنند.[۲]

---

۱. سایت آفتاب نیوز، ۵ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۶:۰۵ کد مطلب ۸۹۶۳۳.

۲. رجوع به سایت امروز، ۸۸/۳/۱۰ کد خبر ۲۲۸۸۰.

بخش دوم

مستندهای تبلیغاتی و مناظره‌ها

جدول کامل برنامه‌های تبلیغی در شبکه‌های صدا و سیما

بنا بر اعلام سازمان صدا و سیما، کاندیداها به صورت روزانه در شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی در طول ۲۰ روز فرصت تبلیغاتی خود از شبکه‌های متعدد برنامه داشتند. برنامهٔ آنها به شرح زیر بود.

- جمعه ۱ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۴۵ دقیقه‌ای با دوربین شبکهٔ یک سیما، میرحسین موسوی.

- شنبه ۲ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۴۵ دقیقه‌ای با دوربین شبکهٔ یک سیما، محسن رضایی.

- یک شنبه ۳ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۴۵ دقیقه‌ای با دوربین شبکهٔ یک سیما، مهدی کروبی.

- دوشنبه ۴ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامه ۴۵ دقیقه‌ای با دوربین شبکهٔ یک سیما، محمود احمدی‌نژاد.

پاسخ به پرسش ایرانیان خارج از کشور از شبکهٔ جام جم به مدت ۶۰دقیقه، میرحسین موسوی.

- سه شنبه ۵ خردادماه

ساعت ۱۸:۳۰ برنامهٔ ۶۰ دقیقه‌ای شبکهٔ ۴ سیما، پاسخ به پرسش کارشناسان مهدی کروبی.

- چهارشنبه ۶ خردادماه

ساعت ۱۹:۳۰ برنامهٔ ۳۰ دقیقه ای گفتگو از شبکهٔ خبر، محسن رضایی.

پاسخ به پرسش ایرانیان خارج از کشور از شبکهٔ جام جم به مدت ۶۰دقیقه، محمود احمدی‌نژاد.

● پنج شنبه ۷ خردادماه

ساعت ۲۲:۴۵ برنامهٔ گفتگوی ویژهٔ خبری، ۴۵ دقیقه، از شبکهٔ دو سیما، مهدی کروبی.

● جمعه ۸ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه ای مستند یک از شبکهٔ اول سیما، محمود احمدی‌نژاد.

پاسخ به پرسش ایرانیان خارج از کشور از شبکهٔ جام جم به مدت ۶۰دقیقه، محسن رضایی.

● شنبه ۹ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه ای مستند یک از شبکهٔ اول سیما، میرحسین موسوی.

● یک شنبه ۱۰ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه ای مستند یک از شبکهٔ اول سیما، محسن رضایی.

ساعت ۱۹:۳۰ برنامهٔ ۳۰ دقیقه ای گفتگو از شبکهٔ خبر، محمود احمدی‌نژاد.

پاسخ به پرسش ایرانیان خارج از کشور از شبکهٔ جام جم به مدت ۶۰دقیقه، مهدی کروبی.

● دوشنبه ۱۱ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه ای مستند یک از شبکهٔ اول سیما، مهدی کروبی.

ساعت ۲۲:۴۵ برنامهٔ گفتگوی ویژهٔ خبری، ۴۵ دقیقه از شبکهٔ دو سیما، محسن رضایی.

● سه شنبه ۱۲ خردادماه

ساعت ۲۲:۳۰ برنامهٔ ۹۰ دقیقه ای مناظره شبکهٔ سوم سیما میان مهدی کروبی و محسن رضایی.

ساعت ۱۸:۳۰ برنامهٔ ۶۰ دقیقه‌ای شبکهٔ ۴ سیما، پاسخ به پرسش کارشناسان، میرحسین موسوی.

مستند ۳۰ دقیقه‌ای شبکهٔ جهانی جام‌جم، محسن رضایی.

● چهارشنبه ۱۳ خردادماه

ساعت ۲۲:۳۰ برنامهٔ ۹۰ دقیقه‌ای مناظره شبکهٔ سوم سیما میان محمود احمدی‌نژاد و میرحسین موسوی.

● پنج شنبه ۱۴ خردادماه

ساعت ۲۲:۳۰ برنامهٔ ۹۰ دقیقه‌ای مناظره شبکهٔ سوم سیما میان محسن رضایی و میرحسین موسوی.

مستند ۳۰ دقیقه‌ای شبکهٔ جهانی جام‌جم، محمود احمدی‌نژاد.

● جمعه ۱۵ خردادماه

ساعت ۲۲:۴۵ برنامهٔ گفتگوی ویژهٔ خبری، ۴۵ دقیقه، از شبکهٔ دو سیما، محمود احمدی‌نژاد.

ساعت ۱۸:۳۰ برنامهٔ ۶۰ دقیقه‌ای شبکهٔ ۴ سیما، پاسخ به پرسش کارشناسان، محسن رضایی.

ساعت ۱۹:۳۰ برنامهٔ ۳۰ دقیقه‌ای گفتگو از شبکهٔ خبر، میرحسین موسوی.

● شنبه ۱۶ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه‌ای مستند دو از شبکهٔ یک سیما، مهدی کروبی.

ساعت ۲۲:۳۰ برنامهٔ ۹۰ دقیقه‌ای مناظرهٔ شبکهٔ سوم سیما میان محمود احمدی‌نژاد و مهدی کروبی.

مستند ۳۰ دقیقه‌ای شبکهٔ جهانی جام‌جم، میرحسین موسوی.

● یک شنبه ۱۷ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه‌ای مستند ۲ از شبکه یک سیما، محمود احمدی‌نژاد.

ساعت ۲۲:۳۰ برنامهٔ ۹۰ دقیقه‌ای مناظرهٔ شبکهٔ سوم سیما، میان میرحسین موسوی و

مهدی کروبی.

● دوشنبه ۱۸ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه‌ای مستند ۲ از شبکهٔ یک سیما، میرحسین موسوی.

ساعت ۲۲:۳۰ برنامهٔ ۹۰ دقیقه‌ای مناظرهٔ شبکهٔ سوم سیما، میان احمدی‌نژاد و محسن رضایی.

مستند ۳۰ دقیقه‌ای شبکهٔ جهانی جام جم، مهدی کروبی.

● سه شنبه ۱۹ خردادماه

ساعت ۲۱:۴۵ برنامهٔ ۳۰ دقیقه‌ای مستند ۲ از شبکهٔ یک سیما، محسن رضایی.

ساعت ۲۲:۴۵ برنامهٔ گفتگوی ویژهٔ خبری ۴۵ دقیقه از شبکهٔ دو سیما، میرحسین موسوی.

ساعت ۱۸:۳۰ برنامهٔ ۶۰ دقیقه‌ای شبکهٔ ۴ سیما، پاسخ به پرسش کارشناسان، محمود احمدی‌نژاد.

ساعت ۱۹:۳۰ برنامهٔ ۳۰ دقیقه‌ای گفتگو از شبکهٔ خبر، مهدی کروبی.

این برنامه‌ها با حضور نمایندگان کاندیداها قرعه کشی و به آنها اعلام شده است.[1]

نگاهی به مستندهای تبلیغاتی

محمود احمدی‌نژاد

قسمت اول فیلم تبلیغاتی احمدی‌نژاد از میان ۴ نامزد انتخابات اولین قسمتی بود که در روز جمعه ۸ خرداد ۱۳۸۸ پخش شد. عنوانی که برای فیلم انتخاب شده بود، دولت یار بود. کارگردان وسازندهٔ فیلم، آقای شمقدری، به دنبال فیلمی هنرمندانه و ماندگار نبود بلکه بیشتر می‌خواست با بیانی ساده، طبقات مختلف مردمی به ویژه محرومان و روستاییان را مدّ نظر قرار دهد و از این جهت تقریباً موفق بود، چون بیشتر طبقات پایین جامعه و روستاییان به آقای

۱. خبرگزاری فارس، ۸۸/۲/۳۱، شماره خبر ۸۸۰۲۳۱۰۳۴۵.

احمدی‌نژاد رأی دادند. احمدی‌نژاد در هر دو فیلمش بر خلاف ۳ کاندیدای دیگر از حامیان و چهره های سرشناس طرفدارش استفاده نکرده بود، بلکه بیشتر به اقدامات خود در چهار سال دورهٔ ریاست جمهوریش پرداخته بود. موسیقی فیلم تمی غمگین داشت که همراه با سرودی از حمید حامی در بخشی از فیلم اولش پخش شد. به نظر می رسید مخاطب با فیلم‌های احمدی‌نژاد احساس نزدیکی بیشتری می‌کرد و احمدی‌نژاد همان بود که در فیلمش معرفی شد. او به مناطق محروم می رفت و به گفتگو با فقرا و پیرزنان می پرداخت و البته در فیلم از چهرهٔ علمی، فن‌مدار و نیز حضور وی در تأسیسات هسته‌ای و موشکی غفلت نشده بود.

مستند اول

ـ سخنرانی احمدی‌نژاد در میان مردم و نگاه مخاطبان و نقد اشرافیت حاکمان به‌ویژه در جمهوری اسلامی، تأکید بر عدالت اجتماعی و اینکه اشرافیت مسئولان بر مبنای اسلام نیست.

ـ برخورد محترمانه با یک مسئول و خواندن بیت شعری از حافظ که اشاره به عنوان فیلم داشت:

باورم نیست ز بدعهدی ایام هنوز　　　قصهٔ غصه که در دولت یار آخر شد

ـ دیدار با مردم بندرعباس در سفر استانی و صحبت دربارهٔ جوانی که گریه می‌کرد و بیان اینکه مرد نباید گریه کند.

ـ پخش مصاحبه‌هایی از مردم و نکته‌هایی از احمدی‌نژاد، همراه با موزیک به‌عنوان زیرصدا که گاهی اوقات بر صدای متن و مصاحبه مردم غلبه می‌کرد.

ـ سرکشی به مناطق محروم قشم و ایلام و افتتاح طرح‌های عمرانی روستایی و گفتگو با مردم عادی که در طول عمرشان رئیس جمهور را نمی‌توانستند از نزدیک ببینند.

ـ پاسخ به برخی شبهات دربارهٔ موضوع هسته‌ای و شرح مختصری از اقداماتش در این موضوع، همراه با پخش تصاویری از نطنز و بوشهر.

ـ پرداختن به دستگیری ملوانان انگلیسی و تصاویر آزادی آنها به عنوان یک اقدام مثبت دولت که از حقوق و مرزهای ایران دفاع کرده است.

ـ بیان آمار و ارقام دربارهٔ عملکرد دولت وپروژه‌هایی که اجرا کرده است، با نشان دادن نمودار.

ـ حضور احمدی‌نژاد در مناطق محروم و محله‌های فقیرنشین به همراه برخی اظهارنظرهای مردمی در حمایت از احمدی‌نژاد و اقدامات دولت او.

ـ سخنرانی در اجلاس دوربان و سخنرانی ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی احمدی‌نژاد به همراه تصاویری از کف زدن حضار برای او.

سخنرانی در آمریکا و اینکه دورهٔ ابرقدرتی آمریکا به سر آمده است.

ـ اظهارنظر یک خبرنگار آمریکایی دربارهٔ احمدی‌نژاد و اینکه او مردی باتجربه و آگاه است.

ـ نشان دادن استقبال از احمدی‌نژاد در برخی کشورهای خارجی.

ـ بخشی از گفتگوی احمدی‌نژاد با لاری کینگ، مصاحبه گر معروف CNN.

ـ دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا و برخی اظهارنظرهای آنها به همراه ابراز احساسات.

مستند دوم

فیلم دوم آقای احمدی‌نژاد با برخی تخریب‌ها که علیه او صورت گرفته بود شروع شد. مهم‌ترین بخش‌های این فیلم به ترتیب زیر بود:

ـ آتش زدن عکس احمدی‌نژاد و اعتراض دانشجویان به او در سال ۱۳۸۵.

ـ سخنرانی لیونی وزیر خارجهٔ وقت رژیم صهیونیستی علیه احمدی‌نژاد در سازمان ملل.

ـ بخشی از سخنرانی فائزه هاشمی علیه احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه اگر او رأی بیاورد، امر بر او مشتبه می‌شود و ادعای امام‌زمانی می کند.

ـ سخنرانی علیه احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا.

ـ سؤال مجری (آقای شمقدری) که چرا اینقدر با او مخالفت می‌شود و جواب او مبنی بر اینکه او وارد محدودهٔ ممنوعه شده است.

ـ حرکت خودروی حامل احمدی‌نژاد و سؤال از او که چرا از خط ویژه حرکت نمی کند، به همراه توضیح او که خط ویژه مال رئیس و رؤساست و او خادم ملت است.

ـ تأکید احمدی‌نژاد مبنی بر حضور قدرتمندانه در عرصه‌های جهانی و پس از آن جواب این شبهه که چرا دربارهٔ هولوکاست موضع می‌گیرد.

ـ پخش تصاویری از عراق اشغال شده و اینکه اگر ما با قدرتمندان کاری نداشته باشیم، آنها ما را رها نخواهند کرد.

ـ توضیح موضع دولت در موضوع هسته ای و اینکه آنها می‌خواستند تمامی قسمت‌های حساس کشور ما را مورد بازرسی قرار دهند و ما موافقت نکردیم.

ـ سخنرانی در دانشگاه کلمبیا علیه آمریکا مبنی بر اینکه چرا در حالی که آنها نسل جدید بمب‌های اتمی را می سازند، به انرژی صلح آمیز ایران اتهام می‌زنند.

ـ پخش تصاویری از اجلاس سران کشورهای حاشیهٔ خزر.

ـ پخش بخش‌هایی از همایش ایرانیان خارج از کشور در فروردین ۱۳۸۸ و اظهارنظر برخی از آنها مبنی بر اینکه از کشوری دیگر به آمریکا آمده‌اند.

ـ سرود «وطنم وطنم» به همراه تصاویر حاضران در همایش و گریه برخی از آنها. بخش‌هایی از صحبت‌های احمدی‌نژاد که دارای ویژگی ملی گرایانه بود، از همایش ذکرشده در فیلم آمده بود. احمدی‌نژاد به فردوسی، حافظ و موسیقی ایرانی اشاره می کند و تصاویری از کف زدن های ایرانیان حاضر در فواصل صحبت‌های او گنجانده شده بود.

ـ صحبت‌هایی از یک خانم مقیم خارج از کشور، مبنی بر اینکه راه احمدی‌نژاد راه همسر شهیدش است.

ـ مصاحبه با برخی اقلیت های مذهبی و سؤال از آنها دربارهٔ احمدی‌نژاد و اینکه آنها از احمدی‌نژاد راضی هستند و حمایت می کنند.

ـ تصاویری از یک فریبکاری در جلسهٔ اعتراض به احمدی‌نژاد. فردی که خود را به غش و احیاناً فوت زده بود، هنگام انتقال عینک خود را در کمال آرامش و حضور ذهن برمی‌دارد و نشان می‌دهد که صحنه ساختگی بوده است.

ـ صحبت احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه چرا این قدر با او مخالفت می‌شود. احمدی‌نژاد در پاسخ مجری در داخل استودیو توضیح می‌دهد که یک باندی از ثروت و قدرت شکل گرفته و او در

مقابلشان ایستاده است. شبیه این کار مورد در مستند اول احمدی‌نژاد هم وجود داشت.

ـ صحبت یک پیرزن شهرکردی از یک منطقهٔ محروم در حمایت از احمدی‌نژاد و دیدار احمدی‌نژاد با مردم.

ـ صحبت احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه یکی از معاونان وزارت نفت با یک آقازاده تبانی داشته و وقتی او را برکنار می کنند، علیه او و سیاست‌های اقتصادیش انتقاد می کند.

ـ تصویر احمدی‌نژاد با لباس معمولی در باغچهٔ منزلش، هنگام آب دادن و وجین کردن سبزی‌ها به همراه صدای پرنده‌ای که مرتب به گوش می رسد. کارگردان از این وجین کردن می‌خواهد نکته ای مهم به مخاطبش بگوید که آن را در پایان فیلم به صورتی ضمنی بیان می کند.

ـ خواندن بخشی از حیدربابا به زبان ترکی (مشابه این در فیلم آقای موسوی هم بود)

ـ آهنگ و سرود «ما می‌توانیم» و ترکیب آن با تصاویر جمعیت در مناطق مختلف با حضور احمدی‌نژاد ـ در سرود به مضامین ملی و برخی اسامی همچون آرش، فرهاد و تخت جمشید اشاره شده بود.

ـ سخنرانی در جمع مدیران کرمانشاهی در آذر ۱۳۸۵ مبنی بر اینکه مدیریت و مدیر کلی خدمت به مردم است.

ـ گفتگو با دختر شهیدی به نام شیرین و خواندن متن نامهٔ احمدی‌نژاد به او با قرائت یک کودک و اینکه راه احمدی‌نژاد راه پدر شهیدش است. هدف او عدالت اجتماعی است و او را به اندازهٔ پدرش دوست دارد.

ـ استقبال از احمدی‌نژاد در مناطق محروم و صحبت برخی کودکان در حمایت از او.

ـ سخنان احمدی‌نژاد در اصفهان و شعارهای مردم در حمایت از او.

ـ نشان دادن مجدد صحنه وجین کردن و بیان اینکه علف های هرز خودشان را به شکل سبزی های واقعی درمی آورند و تشخیص آنها سخت است، اما باید آنها را شناخت و بیرون انداخت. کارگردان در این قسمت علف های هرز دورانداخته شده را در تصویر نشان می‌دهد و به مخاطبش می فهماند که احمدی‌نژاد به مقابله با علف های هرز پرداخته است.

ـ سخن پایانی فیلم از آقای احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه ایران باید شایستهٔ نام ایرانی ساخته شود و در نهایت ثابت شدن تصویر بر روی گل های بزرگی به رنگ بنفش.

میرحسین موسوی

فیلم‌های مستند موسوی را مجید مجیدی (قسمت اول) و احمدرضا درویش (قسمت دوم) ساخته‌بودند و برخی افراد دیگر به آنها کمک و مشاوره داده بودند. به صورت کلی، سازندگان دو قسمت مستند موسوی می‌خواستند موج سبز و طرفداران سبزپوش موسوی را در همه جای ایران فراگیر نشان دهند. آنها موسوی را فردی اصول‌گرا، مردمی، ارزش‌مدار و پیرو خط امام(ره) و معصومین معرفی می‌کردند. علاوه بر این، در فیلم‌ها انتقادهای تندی متوجه احمدی‌نژاد، دولت او و اقداماتش (به‌ویژه در فیلم دوم) شده بود. از خلال سفرهای استانی موسوی، مشکلات مختلف مردم روایت می شد، به تنوع قومی و فرهنگی توجه می شد و ساده‌زیستی، عکس‌های یادگاری موسوی با حضرت امام(ره) و پرهیز از ادبیات اصلاح طلبانه در فیلم برجسته شده بود.

مستند اول

ـ صحنهٔ احساسی حرکت میرحسین در بیمارستان و بازدید از یک بیمار (احمد عزیزی) که تقریباً بیهوش است.

ـ معرفی میرحسین از زبان خودش، پخش عکس‌هایی از دوران کودکی.

ـ استقبال از میرحسین با پرچم های سبز.

ـ آمدن امام به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و خاطراتی از زبان میرحسین و اینکه کی حضرت امام را دیده‌اند و پخش تصاویری از امام(ره) بر روی صدا و تصویر میرحسین.

ـ سخنرانی میرحسین در اوایل انقلاب در مجلس شورای اسلامی.

ـ سخنرانی خواهر ۳ شهید دربارهٔ اینکه مردم دنبال شرافت انسانی هستند و موسوی می‌خواهد این شرافت را به آنها بدهد.

ـ خاطراتی از جنگ با زیرصدای تیراندازی و فضای جنگ و جبهه.

ـ سخنرانی دوبارهٔ میرحسین و پخش تصاویری از میرحسین همراه با تسبیح و انداختن شال سبز و اینکه این، شال اهل بیت است.

ـ شعرخوانی احمد عزیزی دربارهٔ حضرت فاطمه و بازگشت به قسمت اول فیلم و دیدار از احمد عزیزی در بیمارستان که بیهوش بر روی تخت دراز کشیده بود.

ـ نقد دولت حاضر که نباید به مردم دروغ گفت.

ـ حرکت یک موتورسوار با بچه‌اش و طرح مشکل با آمدن او در داخل اتوبوس حامل موسوی و اینکه فکری برای مردم بکنید و ما عاشق شما هستیم.

ـ حرکت ماشینی که حامل میرحسین است و صحبت در داخل استودیو.

ـ استقبال مردم از میرحسین و صحبت مادری که بچه‌اش معتاد شده است و امنیت ندارد. (ظاهراً خانمی که صحبت می‌کرده بازیگر تئاتر بوده و صحنه هم مستند نبوده است.)

ـ نقد دروغ و خرافه با صحبت در استودیو.

ـ ناهار خوردن در یک فضای باز، که سادگی میرحسین را نشان می‌داد.

ـ سخنرانی میرحسین و اینکه دولت باید دنبال عقلانیت جمعی و فضای ارزشی اول انقلاب باشد.

ـ سخنرانی یک رزمندهٔ دوران دفاع مقدس که میرحسین در زمان جنگ کفشش را به او داده است.

ـ خاطراتی از دوران کودکی و اینکه قدرتمندان باید به خدا پناه ببرند.

ـ سخنرانی یک خانم دربارهٔ آوردن کارگرهای چینی به ایران در حالی که خود مردم ایران بیکار هستند.

ـ سخنرانی میرحسین در نقد طرح‌های دولت فعلی که چند نفر تصمیم می‌گیرند، همراه با تشویق‌های مردم...

ـ صحبت یک جوان اهوازی و بیان مشکلات مناطق محروم اهواز، سخنرانی پدر شهید جهان‌آراء در خرمشهر.

ـ سخنرانی مبنی بر تأکید اسلام بر کرامت انسانی و نفی قانون‌گریزی و تأکید بر قانون‌گرایی.

ـ بازدید از یک منطقهٔ کشاورزی و مزرعهٔ چای و توضیح دربارهٔ سیاست‌های اقتصادی و حمایت از مستضعفین.

ـ سخنرانی در جمع معلمان به همراه تصاویری که پارچه سبز به گردن انداخته‌اند.

ـ دیدار میرحسین با علماء از جمله آیت‌الله موسوی اردبیلی، صانعی، صافی، جوادی آملی و نوری همدانی.

ـ شعار مردم آذربایجان در حمایت از میرحسین و حیدربابا‌خوانی او به زبان ترکی. (آقای احمدی‌نژاد هم قسمتی از حیدربابا را به ترکی در جمع مردم خوانده و در فیلمش آمده بود.)

ـ سخنرانی به زبان آذری.

ـ سرود «ای ایران ای مرز پرگهر»، همراه با تصاویر پرچم و دست تکان دادن میرحسین برای جمعیت.

ـ عکس با امام و نشان دادن مسئولان دولت میرحسین در زمان نخست وزیری او.

ـ سرود «وطنم وطنم» با تصاویر ترکیب شدهٔ میرحسین با جمعیت و استقبال کنندگان از او در مناطق مختلف با غلبهٔ رنگ سبز و شعار دادن مردم.

مستند دوم

ـ شروع با تایتل موج سبز.

ـ میرحسین از زبان خود دربارهٔ اهدافش از آمدنش می‌گوید. ظاهراً متن بیانیهٔ کوتاه او هنگام ثبت نام در مقابل خبرنگاران در وزارت کشور است.

ـ تصاویر و عکس‌های مردم که ظاهراً به صدای میرحسین گوش می‌دهند.

ـ امضای میرحسین روی پرچم ایران.

ـ سخنرانی خاتمی خطاب به مردم که اینک میرحسین با عزم استوار به صحنه آمده است.

ـ حرکت میرحسین در میان مردم و استقبال از او، همراه با موزیک و سرود.

ـ نشان دادن صحنه‌های هیجانی و گرفتن عکس از آنها و سپس ثابت کردن تصویر با صدای دوربین عکاسی.

ـ سخنرانی در نقد دولت با همهمه و تشویق مردم در میان جملات موسوی. موسوی سیاست دولت احمدی‌نژاد را سیاست‌های یک شبه معرفی کرد و گفت: سرافکندگی ایران در جهان! با صرف ۳۰۰ میلیارد دلار چه کار بزرگی کرده‌اید؟ اقتصاد صدقه ای، انتخابات آزاد حق مردم است، چرا شب انتخابات حقوق بازنشستگان و معلمان زیاد شده است، دولت رمالی و کف بینی برنامه ای ندارد، چرا چشم بچه های ما به خارج است؟ کلنگ زدن آسان است، به انجام رساندن مهم است، هیچ نابغه ای نباید خود را به جای ملت بگذارد و تصمیم بگیرد، حیثیت جمهوری اسلامی به خطر افتاده است.

ـ سؤال آقای احمدی‌نژاد دربارهٔ پروندهٔ خانم موسوی در جلسهٔ مناظره با هم.

ـ پخش بخش‌هایی از مناظره میرحسین در جواب احمدی‌نژاد.

ـ نشان دادن بخشی از مناظره با آقای احمدی‌نژاد که در مورد پروندهٔ خانم موسوی بحث می کنند.

ـ توضیح میرحسین دربارهٔ سوابق علمی خانمش.

ـ دیدار و گفتگوی فاطمه معتمدآریا و خانم ابتکار با خانم میرحسین و صحبت با او. مهم‌ترین موضوعات این گفتگو: ۱. حضور زنان در مدیریت کشور. ۲. امنیت زنان. ۳. عدالت جنسیتی. ۴. رفع تبعیض علیه زنان. ۵. اشاره به مواردی از تبعیض علیه زنان.

ـ پخش اظهارنظرهای مردم مبتنی بر اینکه کار احمدی‌نژاد در نشان دادن پروندهٔ خانم میرحسین درست نبوده است.

ـ سخنان میرحسین مبنی بر اینکه روحیهٔ احمدی‌نژاد در مناظره با او طبیعی نبوده است.

ـ سخنان میرحسین دربارهٔ معامله با خدا و اخلاص و اشاره به شرایط اول انقلاب.

ـ نشان دادن تصویر خاتمی، آماده شدن او برای سخنرانی و خطاب او به جوانان و ملت و توضیح او دربارهٔ انتخابات، معنای انتخابات و اینکه اکثریت باید شرکت کنند و توصیه

خاتمی برای حضور حداکثری.

ـ سخنان خاتمی مبنی بر اینکه رئیس جمهور نباید دروغ بگوید، نباید اطلاعات نادرست بدهد. خاتمی با کنایه، شرایط دولت را نامناسب معرفی می کند و از مردم می‌خواهد با حضور خود در جهت تغییر و امید به آینده گام بردارند.

ـ حضور میرحسین در میان تجمع مردم در استادیوم ورزشی کرج و سخنرانی با بلندگوی دستی و اینکه بلندگوها درست نمی شوند.

ـ تأکید موسوی مبنی بر اینکه من مستقل به میدان آمده‌ام.

ـ پخش بخشی از مناظرهٔ میرحسین با کروبی و برخورد او با مجری که به شدت از احمدی‌نژاد انتقاد می‌کند. موسوی در این بخش می‌گوید: ایشان خجالت نمی‌کشد که به‌صورت بازی، هی عکس زن مرا جلوی من گرفته و نشان می‌دهد.

ـ سخنرانی در جمع مردم و انتقاد از دولت و اینکه از دروغ خسته شده‌ایم، میلیاردها ریال پول دولت کجا رفته؟ خوب نیست که شما در امور داخلی مردم تجسس کنید.

ـ انتقاد از شعار احمدی‌نژاد در مدیریت جهان، معرفی دولت به عنوان دیکتاتور، مقابله با تحجّر و اینکه موج سبز را به کشور گسترش می‌دهیم (در فواصل سخنرانی های موسوی تشویق و همهمه گذاشته شده بود).

ـ مجدداً گرفتن عکس از صحنه‌های جذاب تصویری، سرود «ای ایران» به سبکی دیگر، تصاویر هیجانی مردم با نشان تصاویری از ایران.

ـ مجدداً سخنرانی خاتمی برای به پا خاستن و کوشیدن و رأی به موسوی دادن.

ـ حرکت میرحسین در داخل ماشین و جمعیت و پایان فیلم بر فلش دوربین و فیکس شدن تصویر میرحسین بر صحنهٔ تلویزیون.

محسن رضایی

فیلم اول محسن رضایی توسط محمدعلی فارسی و فیلم دوم توسط علی رویین تن ساخته شده بود. فیلم اول در دهم خرداد و فیلم دوم در ۱۹ خرداد پخش شد. فیلم اول شروعی

ایلیاتی که مربوط به دوران کودکی محسن رضایی بود، داشت. کارگردان روایتی داستانی از زندگی رضایی را به تصویر کشیده بود که داوود نماینده و ناصر طهماسب متن‌های آن را می‌خواندند و در برخی مواقع آقای رضایی خود به بیان توضیحات تکمیلی می پرداخت. این قسمت فیلم رضایی را باید مستندترین قسمت از میان همهٔ قسمت‌های فیلم‌های تبلیغاتی نامزدها دانست و البته کمتر از سایر فیلم‌ها از هیجان و ابراز احساسات بهره برده بود. فیلم دوم محسن رضایی همانند سایر قسمت‌های نامزدها، به جای مستند، فیلمی ترکیبی، کارشناسی و تهییجی بود. سازندهٔ فیلم در این قسمت از دیدگاه‌های کارشناسی حامیان اصلی و چهره‌های سرشناس تیم محسن رضایی بهره برده بود و آن را با صحنه‌هایی از سخنان آقای رضایی، تصاویری از استقبال از ایشان و تصاویری از دوران دفاع مقدس ترکیب کرده بود.

مستند اول

ـ نشان دادن منطقه‌ای چادرنشین و ایلیاتی همراه با موزیک و معرفی خانوادهٔ محسن رضایی و چگونگی به دنیا آمدن.

ـ نامگذاری وی به «سبزوار» به برکت باران (مقصود محسن رضایی است).

ـ نشان دادن عکس‌هایی از دوران کودکی و پخش موسیقی عشایری.

ـ اشاره به وضعیت شهر در دوران کودکی و اینکه پدرش چوپان و روزمزد بوده و گاهی او (رضایی) گله را به صحرا می‌برده است.

ـ سبزوار ۸ ساله بوده که ماشینی کنار او توقف می کند. از این قسمت فیلم به صورت ترکیبی، آقای رضایی خاطرات خود را با صدا و تصویر خودش بیان می کند که او را به مدرسه دعوت می کنند.

ـ تصویر منزل و پدر و مادر ایلیاتی سبزوار کنار هم.

ـ رفتن سبزوار به دانشگاه نفت و آگاه شدن او نسبت به مسائل روز.

ـ تصاویر زندانی شدن سبزوار به اتهام فعالیت علیه رژیم.

ـ مجدداً توضیح خود آقای رضایی که او را کنار یک قاچاقچی زندانی کردند.
ـ ورود به دانشگاه تهران به عنوان دانشجوی مکانیک و ورود به عرصهٔ مبارزات سیاسی.
ـ توضیح بخش‌هایی از شرایط مبارزه کردن علیه رژیم شاه و رها کردن دانشجویی و رفتن به قم.
ـ نوشتن شعار مرگ بر شاه و شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی به همراه تصاویر پیروزی انقلاب.
ـ تصاویر دیدار با امام.
ـ بیان شرایط پیروزی انقلاب و بیان شرایط بعد از آن و اینکه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را در مقابل منافقین درست کردند و از این تاریخ سبزوار با محسن شناخته می‌شود.
ـ شروع جنگ تحمیلی، تشکیل سپاه و ورود برادر محسن به سپاه.
ـ حکم فرماندهی سپاه برای محسن.
ـ تصاویری از محسن رضایی با شهید صیاد شیرازی و سایر سرداران شهید.
ـ تصاویری از جنگ و مسجد خرمشهر و بیان خاطره با شهید صیاد شیرازی در عملیات فتح المبین و بیت المقدس.
ـ در سفرهای خارجی از فرمانده سپاه همچون مقامات اول کشور با او دیدار می‌کردند.
ـ حمایت او از میرحسین در دوران حضرت امام(ره).
ـ چگونگی بیرون آمدن از سپاه و اینکه او تجربهٔ فراوانی با جوانان دارد.
ـ شات نزدیک از رضایی و توضیح دربارهٔ شروع تحصیل در رشته اقتصاد با تغییر رشتهٔ مکانیک.
ـ توضیحی دربارهٔ سند چشم انداز و اینکه بعد از قانون اساسی دومین سند کشور است.
ـ توضیح مکتوب و صحبت خود رضایی دربارهٔ علت حضورش در انتخابات.
ـ تصاویر آرشیوی و سؤال جوانان از رضایی که چرا در دور؟ قبل، چند ساعت مانده به رأی گیری خود را کنار کشید.

ـ توضیح رضایی مبنی بر اینکه او با آبرویش در انتخابات شرکت کرده است.

ـ برخی تأکیدات در قسمت‌های پایانی مستند رضایی.

ـ توجه به ملّی گرایی و خلیج فارس و دریای خزر، توجه به فرهنگ، اخلاق، اشتغال، هویت ایرانی، انقلاب اقتصادی، رسیدن به آرمان‌های انقلاب و اقتصاد، توجه به جوانان به همراه تشویق حضار.

ـ اظهار تأسف از اینکه چرا همت‌ها و باکری‌ها در اقتصاد درست نشده‌اند.

ـ تأکید بر اینکه باندبازی و یک سری موانع، حرکت ایران را کند کرده است (ترکیب سخنان آقای رضایی با جمعیت).

مستند دوم

ـ استقبال از محسن رضایی همراه با سرودی دربارهٔ ایران و پس از آن طرح سؤال.

ـ اظهارنظر یک پیشگوی غربی دربارهٔ آینده جهان که اقتصاد و سیاست جهان دچار تحول می‌شود و برگ برنده هر کشور تولید و روحیهٔ تولیدی آن کشور خواهد بود.

ـ ذکر آمار و ارقامی از وضعیت کنونی اقتصاد کشور با توجه به درآمد نفت.

ـ صحبت آقای دانش جعفری دربارهٔ اقتصاد و سرمایه‌گذاری و جواب این سؤال که چرا سرمایه‌گذاری کم شده است.

ـ صحبت محسن رضایی که باید فکری اساسی و ریشه‌ای کرد و نشان دادن مخاطبانی که سخنانش را گوش می‌دهند و او جوانان را تنها راه رهایی می‌داند.

ـ نشان دادن صحنه‌هایی از جنگ و اینکه ما در محاصره و زمان جنگ بر مبنای خودباوری جوانان به نتیجه می‌رسیدیم.

ـ مجدداً توضیح آقای دانش جعفری دربارهٔ افزایش هزینه‌های تولید.

ـ انتقاد از اینکه چرا جوانان را به صحنه نمی‌آورید و چرا وقت مردم را می‌گیرید.

ـ مصاحبه مردمی مبنی بر اینکه جوانان بیکارند.

ـ نشان دادن استقبال مردمی از محسن رضایی.

ـ راهکار دانش جعفری مبنی بر اینکه درآمدهای نفت را شرکت‌های خصوصی سرمایه‌گذاری کنند، به عبارتی، نفت تبدیل به سرمایه‌گذاری شود.

ـ سرود و آهنگی دربارهٔ وطن، همراه با تصاویر جنگ، شهدا و محسن رضایی.

ـ توضیح صادق طباطبایی دربارهٔ محسن رضایی که او فردی سیاسی و کاربلد است و اینکه، برخی از معروف‌ترین چهره‌های سیاسی مثل دوگل نظامی بوده‌اند. در خلال سخنان طباطبایی صحنه‌ای از جبهه نشان داده شد که در آن محسن رضایی با حضور رهبر انقلاب در حال توضیح برخی موارد میدانی است. در پایان سخنان طباطبایی مجدداً صحنهٔ جنگی در داخل یک اتاق، مشابه صحنهٔ قبلی تکرار شد.

ـ دیدار محسن رضایی با آیت‌الله نوری همدانی و قرائت شعر ایشان. ظاهراً اشعار دربارهٔ رضایی بوده است.

ـ صحبت‌های دکتر عماد افروغ در ضرورت داشتن برنامه و برنامه‌ریزی.

ـ سخنان آرش میراسماعیلی، قهرمان جودو، مبنی بر اینکه کار ورزش را باید به کارشناسان سپرد. وی برنامهٔ رضایی را در امور ورزش مناسب‌تر می‌داند و به صورت ضمنی برخی تصمیمات دولت را نقد می‌کند.

ـ تصاویر مردم همراه با موزیک و توضیح یک خانم دربارهٔ بیمهٔ زنان خانه‌دار و پس از آن محبوبه علیمراد کارشناس امور زنان که حامی محسن رضایی است، دربارهٔ لزوم برخی برنامه‌ها برای زنان که هویت زنان فقط در خانه‌داری نیست، سخن می‌گوید.

ـ توضیح خانم علیمراد مبنی بر اینکه محسن رضایی می‌خواهد لایحه‌ای برای سهم زنان از اموال شوهرانشان به مجلس ببرد و خواهان حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف است (بخش سخنان خانم علیمراد کمی طولانی بود).

ـ توضیح دکتر افروغ دربارهٔ دولت ائتلافی مدنظر رضایی.

ـ ولهٔ کوتاه سرود ایران با تصاویر مختلف رضایی و حضورش در میان مردم و پس از آن ضرورت توجه به معاش و اقتصاد مردم از زبان رضایی.

ـ در ادامه با جداکننده‌ای با عنوان «سیاست خارجی» مشخص می‌شود که قسمت بعدی

به سیاست خارجی اختصاص دارد، پس از آن طباطبایی به بیان سیاست خارجی احتمالی مدنظر رضایی می پردازد.

ـ مجدداً ولهٔ کوتاه سرود ایران با تصاویر رضایی تکرار می‌شود و پس از آن سخن رضایی در مورد اینکه ما نیاز به انقلاب در اقتصاد، علم، فنّاوری، فرهنگ، اخلاق و غیره داریم.

ـ دیدار رضایی با آیات عظام جوادی آملی، اردبیلی و توضیح مکتوب آیت‌الله کاشانی، طاهری خرم‌آبادی و موحدی کرمانی دربارهٔ رضایی.

ـ صحبت دکتر افروغ دربارهٔ ارزش اخلاقی و اینکه مدینهٔ فاضلهٔ ما صفات خاصی دارد و اخلاق بر آن برتری دارد، سخنان افروغ به صورت ضمنی نقد دولت بود و تقبیح دروغ.

ـ سخنان رضایی در مورد نقد عوام‌فریبی و شعار دادن و سپس گفتن اینکه نگذاشتند کار کنیم. نیاز به وحدت و رسیدن به قدرت بزرگ اقتصادی بخش دیگری از سخنان رضایی بود.

ـ نماهنگ وطن بر روی متن تقدیری از حضرت امام(ره) دربارهٔ محسن رضایی که جملهٔ «آقای رضایی مورد علاقه و تأیید این جانب است» برجسته نمایی می‌شود.

ـ توضیح رضایی مبنی بر اینکه زندگی کنونی شایستهٔ ملت ایران نیست و باید به اقتصاد، اخلاق، فرهنگ مردم توجه شود.

ـ انقلاب اقتصادی، تحول فرهنگی و اصلاح سیاسی، سه محور اساسی برنامه‌های رضایی است که به نظر ایشان می‌تواند ایران را به پیشرفت برساند.

ـ شعار برخی از طرفداران رضایی مبنی بر حمایت از ایشان که با سرود ترکیب شده است و تصاویر دیگری از حمایت بر روی آن گذاشته شده است و در پایان، جملهٔ «به ایران اسلامی دوباره سلام خواهیم داد» روی برگهٔ تقویم رومیزی در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ نقش بسته است.

مهدی کروبی

اولین مستند مهدی کروبی دوشنبه ۱۱ خرداد و دومین مستندش شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۸

پخش شد. هر دو مستند را ضیاءالدین دری با همکاری بهروز افخمی و علی معلم ساخته‌بودند. در فیلم اول متن هایی با صدای مرجان شیرمحمدی روی تصاویر صداگذاری شده بود که زندگی، اخلاق و برخی اقدامات کروبی را در گذشته یادآوری می‌کرد. کروبی بر خلاف احمدی‌نژاد در فیلم هایش از دوستان و حامیان سرشناسش استفاده کرده بود. وی تغییرات عمده‌ای در فیلم هایش داده بود، از جمله اینکه برخی خط قرمزها را نادیده گرفته بود. موضوع رابطه با آمریکا، اصلاح قانون اساسی موضوع حجاب اجباری را می‌توان از این دست تغییرات دانست. به صورت کلی این مستند، عمدتاً شخصیت محور و برنامه‌ای برای تغییر بود تا مستندی دربارهٔ کروبی و معرفی او به مخاطبانش.

مستند اول

ـ باز شدن درهای یک ماشین لوکس و پیاده شدن دوستان و همراهان کروبی، ازجمله کرباسچی، ابطحی و عبدی از آن.

ـ طرح سؤال؛ چرا کروبی نامزد انتخابات شده است و چرا باید از او حمایت کرد؟ (این سؤال در اواسط و اواخر این مستند تکرار شده است).

ـ معرفی کروبی و خستگی ناپذیری او و اشاره به سوابق خانوادگی و مبارزاتی و ویژگی‌های شخصیتی وی.

ـ حرکت ماشینی که کروبی در آن است، نشان دادن تصاویری در استقبال از او در مناطق مختلف.

ـ توضیحاتی دربارهٔ کروبی، از جمله اینکه او همهٔ مسئولان سابق و فعلی را می شناسد و همهٔ حرف‌ها و نکته ها را می شنود.

ـ نشان دادن خوش اخلاقی کروبی، بغل کردن یک بچه و بوسیدن او.

ـ معرفی کرباسچی که می‌خواهد در دولت کروبی کار کند.

ـ سؤال‌های کرباسچی از کروبی در موضوعات چگونگی برخورد با مدیران متخلف

ـ دفاع از مدیران و نمایندگانی مثل لقمانیان.

ـ سؤال جمیله کدیور دربارهٔ حجاب اجباری، تعدد زوجات و پاسخ های کروبی.

ـ سؤال محمدعلی نجفی دربارهٔ تحصیل دانشجویان و هزینهٔ آنها.

ـ سؤال الویری دربارهٔ اینکه چگونه اقتصاد را به حرکت در می آورید.

ـ سؤال ابطحی دربارهٔ اطلاع رسانی آزاد و اینکه اطلاع رسانی ما از افغانستان هم کمتر است.

ـ مجدداً گفتگوی آقای کرباسچی دربارهٔ فقرا و اشک او برای فقرا و مستضعفین و جواب‌های کروبی.

ـ توضیح کروبی دربارهٔ اینکه او قهرمان نیست ولی با تمام قوا برای مردم کار می کند.

ـ سؤال کرباسچی مبنی بر چگونگی داشتن رابطه با آمریکا و پاسخ کروبی مبنی بر اینکه عزت ملت را بر ذلت آن در هر شرایطی ترجیح می‌دهد.

ـ تأکید کروبی بر گفتگو با همه و تلاش برای رفع گرفتاری ها و مشکلات مردم.

ـ سؤال ابطحی؛ اگر دولت شما دچار بحران شود از دین استفاده می کنید، آیا در سخنرانی‌هایتان هالهٔ نوری می بینید؟

ـ توضیح کروبی مبنی بر اینکه او معنویت دیدن هالهٔ نور را ندارد (تخریب و طعنه زدن به احمدی‌نژاد).

ـ سؤال گرامی مقدم دربارهٔ طرح ۵۰ هزار تومانی دورهٔ قبل و اینکه طرح او چگونه تکمیل شده است؟

ـ توضیح گوینده دربارهٔ طرح آقای کروبی و این که هر ایرانی بالای ۱۸ سال، ماهیانه ۷۰ هزار تومان حق فروش نفت دریافت می کند و اگر قیمت نفت بالا برود، سهم دریافتی هم بالا می‌رود.

ـ خواندن متن درباره دولت کروبی و این که او دنبال تفتیش عقاید نیست، به همراه تصاویر دیدار او از مناطق مختلف و استقبال مردم از او.

ـ توضیحات گوینده دربارهٔ برنامه‌های مختلف کروبی، از جمله برنامه‌های اقتصادی او، معافیت ها و تسهیلات مالیاتی.

ـ مجدداً گوینده برای بار سوم «سؤال چرا کروبی می‌خواهد رئیس جمهور شود» را مطرح می کند و توضیحات مفصلی دربارهٔ دولت مد نظر او می‌دهد.

ـ ویژگی‌های دولت کروبی از زبان گویندهٔ متن، رعایت حقوق بشر، لغو سانسور کتاب و فیلم، ایجاد برخی تغییرات در قانون اساسی، تأسیس تلویزیون های خصوصی، آزادی تولید در زمینهٔ فرهنگ و هنر، توجه به حقوق اقوام و اقلیت ها، افزایش نقش شوراها در استان‌ها، حل مسائل زنان و تلاش برای اجرای کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، استقبال از کروبی، دادن گل به دانشجویان و دست تکان دادن برای آنها.

ـ کروبی کم حرف می‌زند و بیشتر برنامه دارد و برای تغییر آمده است و نشان داده است که می‌تواند.

ـ قسمت اول فیلم کروبی با تغییر برای ایرانیان، که روی صفحهٔ تلویزیون ثبت می‌شود، پایان می یابد.

مستند دوم

ـ شروع با بخشی از فیلم کمال الملک و اینکه کمال الملک به شاه توصیه می کند که سلطنت بر کشور پهناوری مثل ایران بسیار مهم‌تر از حکومت کردن بر قلوب درباریان است.

ـ اشاره به برخی اقدامات دولت احمدی‌نژاد و نقد آنها که ما سفرهای استانی زیادی داشته‌ایم و دولت به جای نظام مدیریتی و اداری خودش دست به کار شده و در مسائل کوچک و بزرگ دخالت می کند. نقد سخنرانی های احمدی‌نژاد در شهرستان‌های مختلف و اینکه دلیل این سخنرانی ها حکومت بر قلوب درباریان است که هالهٔ نور می بینند.

ـ دولت باید برای کردستان یک کرد دلسوز، برای لرستانی ها یک لر دلسوز و اینکه برای هر استانی نمایندگانی از آن استان انتخاب کند.

ـ پخش قسمتی دیگر از فیلم کمال الملک که گویی شرایط آب و هوا بر رفتار شاه تأثیر گذاشته و او را خیالاتی کرده است. به نظر می رسد، منظور از شاه در فیلم احمدی‌نژاد بوده است.

ـ بوسهٔ کروبی بر قرآن کریم با این معنا که گویی قصد کار بزرگی دارد.

ـ سؤال آقای کرباسچی از کروبی دربارهٔ سن او و اینکه می‌خواهد چه کار کند. کرباسچی صداقت کروبی را برجسته می کند. خانم کدیور از شجاعت، جرئت و جسارتش می گوید و ابطحی او را کسی می‌داند که آمده است تا سیستم را مترقی و از تحریف دین جلوگیری کند.

ـ اولین سخن کروبی در این فیلم آن است که ما انتخاباتی بدون نیروهای مسلح و بسیج و نیروهای خودسر می‌خواهیم. اشاره به این که انتخابات قبلی اینگونه بوده است و احتمال دارد این انتخابات هم این گونه باشد.

ـ بحث ضیاءالدین دری با کرباسچی، نشان دادن منزل آقای کروبی و اعضای خانواده او و دختری که حدوداً بین ۸ تا ۱۰ سال سن دارد و بدون حجاب است.

ـ حمایت دانشجویان امیرکبیر از کروبی و شعارهای آنها و صحبت‌های کروبی از برخوردهای دوگانه دولت ـ اشاره به یک دانشجوی زندانی و اینکه بعد از سخنان کروبی در روز ۱۲ خرداد از زندان آزاد می‌شود.

ـ اشاره به واقعهٔ دانشگاه زنجان و اینکه بیش از دانشجویان اخلاق باید مدنظر استادان و مدیران دانشگاه باشد.

ـ اشاره به دانشجویان ستاره دار، نشنیدن حقایق و بیان نوعی دیکتاتوری و اینکه برخی افراد را به دلیل انتقاد به حبس محکوم کرده‌اند.

ـ ورود عباس عبدی به صحنه و اینکه تعلق خاطرش به جمهوری اسلامی را از دست داده و از مشکلات دانشجویان ستاره دار و مسائل آنها سخن می گوید.

ـ نشان دادن دانشجویانی که ظاهراً به علت ستاره دار شدن از تحصیل محروم شده اند.

ـ سخنان عمادالدین باقی از حقوق بشر و حقوق شهروندی و پیشتازی کروبی در این موضوعات.

ـ سخنان الویری و اینکه چرا از کروبی حمایت می کند. الویری دلایلی برای حمایت خود بیان می‌آورد که مهم‌ترین آنها داشتن برنامه، تیم قوی و قاطعیت است. در حین سخنان الویری سایر اعضای تیم کروبی، از جمله قوچانی و نوروززاده نشان داده می‌شوند.

ـ سخنان محمدعلی نجفی و اینکه اگر کروبی رئیس جمهور شود، ده اقدام نخست او کدام است؟ تشکیل کمیته های کارشناسی، واگذاری سهام نفت، احیای برنامه ریزی، رفع تهدیدها، رفع مشکلات معیشتی و حل مشکلات دانشجویان و ایفای حقوق شهروندها و اقلیت ها از جملهٔ ده اقدام کروبی است که گروه همراه وی آنها را مطرح می کنند.

ـ نشان دادن گل های شقایق به همراه موسیقی و ترکیب آن با استقبال از کروبی و دویدن مردم به سمت خودروهای حامل کروبی و دوستانش و شعار مردم در حمایت از او و تقدیم کردن بوسه ای نثار مردم از سوی کروبی.

ـ سخن علی معلم با کروبی و صحبت دربارهٔ اوضاع کشاورزی و اینکه ایران فقط تهران نیست و همه چیز نباید برای آنها باشد و بیان کروبی مبنی بر اینکه برای همهٔ این مشکلات برنامه دارد.

ـ علی معلم به پایین آمدن اعتبار پاسپورت ایرانی ها، اخراج و بازنشستگی استادان اشاره می کند و بیان کروبی که اهل فرهنگ باید خودشان مدیریت بکنند.

ـ سؤال معلم از آقای کروبی دربارهٔ نقدپذیری و توضیح کروبی که باید فضای نقد ایجاد شود.

ـ اشاره به برخی عنوان های روزنامه ها در حمایت از کروبی و نقد برنامه‌های احمدی‌نژاد و اینکه نباید نسنجیده حرف بزنند.

ـ صحبت مهاجرانی، همسر خانم کدیور، که از کروبی حمایت می کند.

ـ سؤال دربارهٔ گریهٔ سیاستمداران و توضیح آن از زبان مردم و دختر و پسرها و توضیح کروبی که در هیچ جا گریه نکرده است.

ـ سؤال ضیاءالدین دری دربارهٔ زنان و جواب او که اول زنان، مردان را باور کنند و سپس وارد صحنه شوند.

ـ طرح موضوع حقوق شهروندان از سوی باقی و تکمیل آن از زبان سایر دوستان کروبی از جمله جمیله کدیور و کرباسچی.

ـ پرداختن به موضوع اعدام و اینکه کروبی با وساطت خود باعث نجات یک اعدامی

شده است.

ـ مجدداً نشان دادن منزل کروبی و ادامهٔ ماجرای بخشیدن قاتل و گریهٔ کروبی.

ـ خواندن شعری از حافظ بااجرای ضیاءالدین دری.

زان یار دلنوازم شکری است با شکایت   گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت

ـ سؤال از کرباسچی دربارهٔ شعری که خواند.

ـ سؤال علی معلم از کروبی که آیا شما سیاستمداری نیستید که فرار را بر قرار ترجیح دهید و او پاسخ می‌دهد که اهل ایستادگی و قرار است.

ـ قرار گرفتن کرباسچی در کنار کروبی و در پایان نشان دادن جوانانی که پلاکاردهایی با عنوان تغییر بالای دست گرفته اند.

مناظره‌های تبلیغاتی نامزدها

از میان برنامه‌های تبلیغاتی نامزدهای دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری، مناظره‌های تلویزیونی مخصوصاً مواردی که مربوط به آقای احمدی‌نژاد با سایرین بود، بیشترین تأثیر را بر مخاطبان گذاشت. ساعت‌ها و روزهای مناظره نامزدها با سایر برنامه‌های آنها در صدا و سیما با رنگ‌های مختلف از قبل مشخص شده بود و برای اینکه چه رنگی به کدام نامزد بیفتد، قرعه‌کشی صورت گرفت که لحظات قرعه‌کشی به صورت زنده و غیرزنده بارها از تلویزیون پخش شد. علاوه بر این، برای شروع مناظره و اینکه چه کسی باید در ابتدا و چه کسی در انتها حرف بزند قبل از شروع مناظره، قرعه‌کشی صورت می‌گرفت. نکتهٔ دیگر آنکه شروط مناظره و اینکه نباید از کاندیدای سومی سخن به میان آید والا فرصت پاسخگویی در اختیار او قرار می‌گیرد، به اطلاع نامزدها و امضاء نمایندگان آنها رسیده بود و در ابتدای هر مناظره این موضوع مجدداً گوشزد می‌شد.

برنامهٔ مناظره‌ها به دلیل آنکه برای اولین بار از صدا و سیما پخش می‌شد، مورد توجه ویژه مخاطبان بود. در طول مناظره‌ها اکثر خیابان‌های شهر خلوت و بیشتر مردم پای تلویزیون بودند. بعد از برگزاری مناظره گروه‌های طرفدار دو نامزد اصلی در برخی خیابان‌ها، به‌ویژه خیابان ولی‌عصر، حضور یافته و تا چند ساعت بعد از نیمه‌شب به نفع نامزد خود و علیه نامزد رقیب شعار می‌دادند. برخی طرفداران نامزدها در محیط‌های باز، به صورت دسته‌جمعی به تماشای مناظره‌ها می‌نشستند. رسانه‌های مختلف گزارش‌های مفصل و مکرری از مناظره‌ها را به اطلاع مخاطبان خود می‌رساندند. هزاران کاربر اینترنتی در

سایت ها و وبلاگ های خود، نکته های مثبت و منفی هر مناظره را درج می‌کردند و بیشتر شعرها و شعارها و طنزهای انتخاباتی هم از مناظره ها الهام گرفته می شد.

همان گونه که از متن مناظره‌ها پیداست برخی مناظره‌ها بدون هیچ بحث و اختلاف قابل توجهی برگزار می شد و تنها مناظره های احمدی‌نژاد با سایرین حالت و شکل مناظره داشت. به عبارت دیگر، هر سه نامزد دیگر، تنها با احمدی‌نژاد مناظره کردند و با همدیگر مصاحبه و بحث کارشناسی کردند. یکی از عوامل جهش رأی احمدی‌نژاد هم مناظره های ایشان بود. براساس نظرسنجی‌ها، بلافاصله بعد از مناظرهٔ احمدی‌نژاد با موسوی، آراء احمدی‌نژاد ۱۳ درصد رشد و آراء موسوی ۱۰ درصد افت پیدا کرد.[۱]

۱. علیرضا پویا، «تبیین نظرسنجی‌های انتخاباتی»، *پیام پژوهش*، شمارهٔ ۹۳ خردادماه ۱۳۸۸، صفحهٔ ۷۶.

مناظرهٔ کروبی و رضایی

مجری (پورحسین)[1]: بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می‌کنم خدمت شما هموطنان عزیز، بینندگان محترم سیمای جمهوری اسلامی ایران. شما تا دقایقی دیگر شاهد برگزاری اولین مناظرهٔ کاندیداهای محترم ریاست جمهوری هستید. برگزاری مناظره های انتخاباتی در سطح نامزدهای ریاست جمهوری برای اولین بار که درکشور انجام می شود. جا دارد همین جا از کاندیداهای محترمی که توافق کردند و این پیشنهاد را قبول کردند صمیمانه تشکر کنم. ما فکر می‌کنیم که مناظره های انتخاباتی علاوه بر اینکه یک کلاس و کارگاه آموزشی برای تعاطی افکار و گفت وگوهای متین در فضای دوستانه است، یک فرصت مناسبی برای گسترش نهضت آزاداندیشی و تعمیق بینش سیاسی و اجتماعی نیز هست. خوشبختانه، چهار نامزدی که حضور خواهند داشت، همگی از شخصیتهای صالح انقلابی هستند و سابقهٔ کارهای اجرایی و مدیریت‌های عالی درکشور داشته‌اند و همان طور که خودشان را آماده می کنند تا به عنوان شخص دوم کشور مطرح شوند، قاعدتاً بهترین نفراتی هستند که می‌توانند الگوی مناظره های انتخاباتی را بسط و تعمیق دهند. قاعدتاً در مناظره ها نقد، نقد دو نفر و دو دیدگاه، توسط طرفین انجام می شود و این مردم هستند که صحبت‌ها را می شنوند و بهترینش را انتخاب می کنند. همیشه مردم بهترین داور بوده اند و رسانهٔ ملی صرفاً نقش انتقال دیدگاه‌ها، نظرات و آرا را در این زمینه خواهد داشت. با ما همراه باشید.

---

۱. رضا پورحسین، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دارای دکترای تخصصی در رشتهٔ روانشناسی، مدیر شبکهٔ چهار سیما و رئیس ستاد چهره های ماندگار.

تا دقایقی دیگر، میهمانان این جلسهٔ مناظره را خدمت شما معرفی خواهم کرد.

مجری: خُب، در این نوبت در خدمت دوتن از کاندیداهای محترم دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری هستیم: حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای کروبی و جناب آقای دکتر محسن رضایی. من به هر دو بزرگوار خیرمقدم عرض می‌کنم، خوشامد می‌گویم و خسته نباشید عرض می‌کنم. اگر سلام‌وعلیکی با بینندگان عزیز دارید، بفرمایید. جناب آقای کروبی، بفرمایید.

کروبی: اجازه می فرمایید.

رضایی: بفرمایید.

کروبی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم به جناب عالی و به همهٔ همکارانتان سلام عرض می‌کنم و خداقوت می‌گویم که روزهای پرکاری هم دارید و همین طور عرض سلام می کنم به مردم شریف و بزرگوارمان که قطعاً مصمم‌اند نقطه نظرهای داوطلب‌ها را بشنوند و انتخاب کنند، وسلام عرض می کنم به جناب آقای دکتر رضایی، برادر بسیار ارزشمند و بزرگوارمان، که این را هم ما به فال نیک می گیریم که اولین برنامهٔ مناظرهٔ ما با ایشان است. این را به فال نیک می گیریم.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای دکتر رضایی.

رضایی: بسم الله الرحمن الرحیم. من هم از این فرصت استفاده می‌کنم، ارادت و سلام خود را خدمت ملت شریف ایران، که متولیان اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند، از همین جا میرسانم و خدمت جناب‌عالی و دوستان صداوسیما که زحمت کشیدند، به این پیشنهاد ما بالاخره پاسخ دادند و چند روز بعد از نامه‌ای که من نوشتم، جناب آقای ضرغامی اعلام کردند که مناظره هست و ممکن هم هست فشارهایی روی صداوسیما بوده که این کار نشود، ولی لازم است من تشکر کنم و همچنین خدمت برادر عزیز و ارجمندم که از سابقین انقلاب اسلامی هستند و همراه امام بوده‌اند، عرض ارادت خودم را بیان می‌کنم و خوشحالم که اولین مناظره بین من و ایشان صورت گرفت تا بحث‌هایی که داریم در رابطه با ادارهٔ بهتر کشور، ان شاء الله با مردم در میان بگذاریم.

مجری: خیلی متشکرم. من قبل از اینکه مسائل را مطرح کنم چند موضوع را برای بحث مطرح کنم. چند تا نکتهٔ اجرایی را خدمت حضرات عرض بکنم. این مناظره است. در مناظره قاعدتاً دو نظر، دو دیدگاه در تعاطی و تضارب با هم قرار می گیرند و بر اساس قانون سخن از نقد طرفین است. در این جلسه قاعدتاً مطلوب این است که از نقد نظرهای دیگر، یا به اصطلاح نظرهای کاندیداهای غایب در این جلسه خودداری شود. من این را خدمتتان عرض کردم. ابتدا سؤالی را از جناب آقای کروبی مطرح خواهم کرد. دوستان عزیز بیننده بدانند که ما برای اینکه شروع کننده را مشخص کنیم، با توافق دوستان قرعه‌کشی کردیم و قرعه به نام جناب آقای کروبی افتاد. در ابتدا هر یک از دوستان دو تا ۱۰ دقیقه برای صحبت وقت خواهند داشت. هریک از دوستان و بعد نوبت های بعدی و صحبت‌های بعدی هریک از حضرات هم حدود ۴۰-۴۱ دقیقه فرصت دارند. اینجا تایمر هم هست و من وقت را تنظیم می‌کنم، منتها خواهش می‌کنم که خود دوستان هم قبل از اینکه من اعلام بکنم خودشان وقت را تنظیم بکنند. جناب آقای کروبی، خیلی از نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های میدانی و همچنین مشاهدات کیفی ما و خود حضرت عالی و دیگران نشان می‌دهد که دغدغه های زیادی در ذهن و فکر مردم هست. به تعبیری، دستور کار ذهنی آنهاست، بحث بیکاری است، بحث گرانی هست، تورم هست، اعتیاد هست، بحث سلامت روان هست، مسئلهٔ تأمین اجتماعی، کسب و کار و از این قبیل تا دغدغه های دیگر. من ازشما سؤال می‌کنم که مهم‌ترین اولویت کاری شما پس از انتخاب چیست. آیا در حوزهٔ همین مسائل می چرخد یا شما دغدغهٔ دیگری را دارای تشخیص می دهید؟

کروبی: عرض می‌کنم قبل از اینکه به بحثی که حضرت عالی فرمودید وارد شویم، که اساس بحث است، چون مناظره و گفت‌وگوست و برادری، باز از همکاران جناب عالی فرمودند که بین این دو نفری که هستند بحث شود یا نقطه نظر یا نقد، با رعایت همهٔ جوانب، و چنانچه افرادی که تشریف فرما نیستند، بحث آنها مطرح شود، حق این است که در این بخش از آنها دفاع شود. بنابراین، طبیعی است که مطلب پسندیده‌ای هم هست، ما وارد بحث دیگران خیلی مستقیم نمی شویم. و از طرف دیگر، جناب آقای دکتر رضایی

که هم دوستی و رفاقت و حتی رفت وآمد خانوادگی داریم، اما در عین حال چون بحث انتخاب است، طبیعی است که هریک باید حرف خودمان را بزنیم و صحبت خودمان را بکنیم. لذا از ابتدا پوزش می طلبم و عذرخواهی می‌کنم و چون هر یک حرف خودمان را می زنیم معنایش این نیست که این خصوصیاتی که در بنده مثلاً هست و در دیگران نیست، ممکن است تشخیص من این جور باشد که این خصوصیاتی که در من هست، در این سطح ممکن است در نفر دیگر نباشد، اما این باز معنا و مفهومش این نیست که واقعیت و حقیقت آن است که من می گویم. نه، ممکن است من نظرخودم را می‌گویم، آقای دکتر هم نظر خودش را می‌گوید. مردم‌اند که می‌خواهند رأی بدهند و داوری بکنند که کدام نظر یا از خطا مصون است یا خطایش کمتر است. لذا از این جهت من عذرخواهی می‌کنم که طبیعی است که در بحث را به این صورت باید وارد شویم؛ چه آقای دکتر، که تشریف فرما هستند، چه دیگرانی که تأیید شدند، مسلماً در سطح بالا صلاحیت و شایستگی برای ادارهٔ کشور دارند. و نقطه قوت های فراوانی دارند. و اما من مقدمتاً این را عرض می‌کنم و در بخش بعد وارد آن نکاتی که ذکر کردم، می شوم.

من فکر می‌کنم بین این بزرگوارها، که همه بسیار عزیز و معزز هستند، اما خصوصیاتی در من هست که این خصوصیات برای ادارهٔ کشور و شرایط فعلی اولی است و مقدم است. باز هم تأکید می‌کنم نظر خود من است، داوری با دیگران است. چون ما معتقدیم که مدیر اجرایی کشور، نفر دوم کشور است و وقتی که می‌خواهد کشور را اداره کند، خصوصیات و جهات فراوانی در او باید باشد تا بتواند کشور را اداره کند. اولین مسئله عقبه و سوابق کار طرف است. من احساس می‌کنم که سوابق طولانی کاری دارم و نشیب وفرازهای مختلف دیده‌ام، غیر از مسائل مبارزاتی و ۱۵ سال که دیگران از این سوابق درخشان هم دارند. از آغاز پیروزی انقلاب مسئولیت‌های سنگینی بر دوش من گذاشته شد و من به لطف و عنایت پروردگار توانستم طوری عمل کنم که مورد تقدیر و تحسین قرار گرفتم. انقلاب پیروز شده و وضع سازمان‌ها و ادارات همه به هم خورده و نهادهایی به وجود آمده بود: کمیتهٔ انقلاب، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و دادگاه‌ها. یکی از نهادهای را با حکم

امام در اسفند ۵۷ به بنده و اگذار کردند و آن کمیتهٔ امداد بود که ابتدا من کارهایش را انجام می‌دادم. قبل از انقلاب انجام می‌دادم، ولی اسفند به من گفته شد که امام بناست به شما حکم بدهد، منتها آقای عسگراولادی هم باشما باشد و یکی دیگر از دوستان که شما تعیین کنید. اما چون من از همان اول عادت داشتم به قول معروف مشاوره و خردجمعی، نامه هم مخاطبش من بودم و امام به من نوشته بود، به اتفاق آقای عسگراولادی، گفتند یک نفر دیگر هم باید با شما نفر سوم باشد، من عرض کردم آقای رحمت‌الله علی‌اکبر استاد که از فدائیان اسلام بود و با هم زندان بودیم و از خود مؤتلفه هم بود. آقای عسگراولادی فرمودند نه، آقای حبیب‌الله شفیق، که او هم خدا رحمتش کند، هر دو از دنیا رفته‌اند. من فوراً گفتم باشد... اگر بنده مثلاً یک ذره پافشاری می کردم، من مورد توجه بودم و از دوستان آنها بود. اگر من یک روحانی را می گفتم، خب می گفتند از روحانی‌هاست، هر دو هم عضو مؤتلفه بودند. اما ایشان گفتند من حبیب‌الله شفیق را مناسب‌تر می بینم؛ چون بنا بر خرد جمعی بود، فوراً گفتم باشد. و با هم در کمیتهٔ امداد امام کار می کردیم. با سرعت عرض می‌کنم.

یک سال طول کشید که بالأخره بین ما سه نفر امام تشخیص داد که یک حکم جدا از این عزیزان در رابطه با بنیاد شهید به بنده بدهد. چون کمیتهٔ امداد اقشار آسیب‌پذیر را اداره می کرد، از جمله مجروحین و خانواده‌های شهدا، امام به این نقطه رسید که باید بنیاد شهید از کمیتهٔ امداد بیرون بیاید. کمیته‌ها باشند، کارشان هم انجام شود، اما اینجا دیگر امام گفت من می‌خواهم برای شما تنها حکم بدهم، و یک حکم قرص و محکمی، آن هم در آن شرایط خاص، برای من صادر کردند به عنوان خانواده‌های شهید که عبارتی در آن بود که عبارت عجیبی بود. بعد از اینکه ده‌تا بند تعیین کردند که اینها را برای خانواده‌های شهدا شما اجرا کن، پایانش نوشت: اگر چنانچه به مشکلی برخوردید، مقتضی است مستقیماً به این جانب مراجعه کنید تا حل مشکل بشود، که دیگر معروف شده بود. خود آقای رضایی و دیگران آنجا رفت وآمد داشتند. معروف شده بود که من هر وقت می‌خواستم میرفتم ملاقات. امام گفته بود فلانی هر وقت می‌خواهد، بیاید ملاقات، چون در رابطه

با حل مشکل خانواده‌هاست. به هر جهت، من طوری در آنجا کار کردم که تقدیرها و تحسین‌ها پشت سرمن بود. دیگر اینجا کوتاه می‌کنم. حالا اگر وارد حج و مجلس شوم، طول می کشد. من در کارهایم خیلی مقید بودم که ارتباطم با مردم محفوظ بماند. سعهٔ صدر حکومتی می‌خواهد. به‌هرجهت، در این نهادها من طوری کار کردم که تحمل ارتباط با مردم و حرمت مردم را نگه داشتم، مردم را تحقیر نکردم، مردم را صاحب کشور و صاحب انقلاب دانستم، که بارها هم از من تقدیر و تشکر شد. و هم اینکه احکام متعدد دیگری صادر می شد. من فکر می‌کنم که یک مسئول کشوری گذشته از اینکه محبت با مردم و رأفت با مردم دارد، از حذف و تحقیر باید پرهیز کند. باید ارتباطش با اقشار مختلف کشور ما، که یک کشور وسیعی است، اقوام مختلف وجود دارد، مذاهب مختلف وجود دارد. من همزمان با این مسئولیت‌ها وارد مجلس هم شدم. می‌دانید با ویژگی‌هایی که مجلس دارد، با نشیب وفرازهایی که مجلس دارد، آن هم آن مجلس و با آن خصوصیاتی که مجلس اول و دوم و سوم داشتند. لذا توانستیم آنجا طوری رابطه هایمان را تنظیم کنیم و برقرار کنیم. خدمت شما عرض کنم، هنوز من با برخی برادران اهل سنت، که در مجلس اول و دوم بودند، ارتباط خوب و تنگاتنگی دارم.

مجری: خیلی متشکرم، آقای کروبی.

کروبی: یا از اقوام مختلف و همین طور برنامه‌های دیگر که داشتیم با دید حکومتی به قضایا می نگریستم و مقید بودم که ما باید طوری عمل کنیم که بتوانیم با مردم برخورد زیبا و پسندیده‌ای داشته باشیم و من معتقدم اگر با این دید به حکومت می نگریستیم، بسیاری از مشکلاتی که برایمان پیش آمده، برای ما پیش نمی آمد؛ چون یا آدم خودش یک دیدگاهی دارد، این یک بحث است؛ خانواده‌اش یک دیدگاه دارد، این یک بحث است. اما وقتی حکومت شد، نمی‌تواند بگوید همه بیایید در قالب من فکر کنید و مثل من عمل کنید. بسیاری از مشکلاتی که برای ما به وجود آمده از همین است که نتوانستیم جامع نگری کنیم. من می‌توانم یک جوری اجرایی عمل کنم در این شرایط دشوار و حساس که هم کارهایم را انجام بدهم و هم از همهٔ نیروها استفاده کنم. بسیاری از نیروها می‌توانند با من

کار کنند. من می‌توانم با آنها کار کنم، ولو سلیقه‌ام متفاوت و مختلف با آنها باشد.

مجری: خیلی متشکرم، آقای کروبی. چون ده دقیقهٔ اول تمام شد، حالا ادامهٔ بحث را...

کروبی: بسیار کار خوبی کردید.

مجری: متشکرم.

کروبی: چون ما روحانی هم هستیم، صحبت می‌کنیم و اگر نشانه به ما ندهید، ما فکر می‌کنیم به قول ـ خدا رحمتش کند ـ یک منبری می گفت ما یک ربعمان نیم ساعت است، آنوقت نیم ساعت هم یک ساعت می‌شود. لذا علامت بدهید. من تشکر می‌کنم از حضرت عالی.

مجری: تشکر، خیلی متشکرم. آقای دکتر، من صحبت از اولویت کاری کردم و چند بحث را چون منبعث از نظرسنجی‌ها و اینها بود، آقای کروبی ترجیح دادند در سوابق ویژگی‌های شخصیتی خودشان و ویژگی‌های انقلابی و اجرایی‌شان صحبت کنند. شما قاعدتاً پاسخی خواهید داشت یا نه، بحث خودتان را شروع می کنید.

رضایی: بله، اجازه بفرمایید. من هم پاسخی دارم. من هم بحث جناب آقای کروبی را تأیید می‌کنم که ارتباط با مردم خیلی مهم است، ولی با عرض معذرت می‌خواهم بگویم که این کافی نیست. دلیلش این است که فکر می‌کنم من اولین کسی باشم در کشور که مردمی کردن دولت را شروع کردم، آن هم در یک بحث تخصصی خیلی سخت مثل جنگ که توپ و تانک و اینها بود. حالا ما چون کشورمان اشغال شده بود و دولت ایران با نیروهای کلاسیک هم یک سال جنگیده بود و نتوانسته بودند حتی یک تپه را آزاد کنند، خُب، ناچار بودیم از مردم استفاده کنیم، حالا مردمی که اکثراً دانشجو و کارگر و کشاورز بودند، مثلاً آقای مهدی باکری دانشجو بوده، آقای دقابقی دانشجو بوده، همت، متوسلیان، زین الدین، اینها، آقای باقری، بقایی. اگر من بخواهم اسم ببرم، خیلی زیادند. بعداً خانواده‌های شهدا می‌گویند شما چرا اسم دو سه تا را می‌آورید، بقیه را نمی‌آورید. من عذرخواهی می‌کنم. آنجا بود که انسان می‌توانست به عظمت نیروی نهفته در دل مردم پی ببرد. لذا ارتباط کاملاً درست است، منتها این ارتباط باید عملیاتی شود. باید تبدیل به بروز و ظهور انرژی ها و استعدادها و فضائل درونی مردم شود، وگرنه همین الآن هم ما

شاهد هستیم که دولت ارتباطات خیلی گسترده ای با جامعه و مردم دارد که نمی‌خواهم وارد محاسن و معایب این بشوم.

اما در رابطه با اولویت ها، بله، من اولویت اولم اقتصاد است. من به دنبال یک انقلاب اقتصادی هستم. من معتقدم که جمهوری اسلامی گام‌های بسیار بلند و افتخارآمیزی برداشته. آنقدر اینها افتخارآمیز است که برخی از اینها چیزی شبیه رؤیا است. مثلاً صد سال ملت ایران برای آزادی می جنگید، برای استقلال مبارزه می‌کرد. برای دستیابی به دخالت در سرنوشت خودش مبارزه می‌کرد. هر بار هم فعالیت می‌کرد و مقداری هم موفق می شد، ولی با یک کودتا این را از دستش می گرفتند. اما در انقلابی که امام انجام داد، همهٔ مشروطه و ۱۵ خرداد را، ملی شدن نفت به علاوهٔ چیزهای دیگری را در یک انقلاب به دست آورد. اما از آن موقع تا الآن اینها تثبیت شده، ولی بحث ما این نیست. اگر ما روی این بحث بایستیم، مثل این است که می‌خواهیم درحقیقت افراد را تغییر بدهیم، یعنی یک صندلی هست برای چند نفر، بیایند بنشینند و مدتی باشند و دوباره اینها کنار بروند و چند نفر دیگر بیایند. من بحثم اصلاً اینها نیست. من می گویم یک صندلی دیگری باید کنار این دولت درست شود. یعنی تحولاتی که در این زمینه‌ها انجام شده، در اقتصاد صورت نگرفته و اگر اقتصاد متحول نشود، نه زندگی مردم را می‌توانیم اداره کنیم، نه می‌توانیم تبدیل به یک فرهنگ و تمدن تأثیر گذار در روابط بین‌الملل شویم، چون با صرف موضع گیری و سخنرانی و خطابه نمی‌توانیم در روابط بین الملل اثر بگذاریم. بسیاری دوستان و دولتمردانی آمدند و رفتند. خطیب های خیلی بزرگواری بودند و رفتند، در صحنه‌های بین‌المللی هم دخالت کردند، بودند و حضور داشتند، آنها را تحت تأثیر خود قرار دادند. ولی ما هنوز می‌بینیم که یک سری مسائل اولیه روی زمین داریم. بنابراین، من اولویت اولم اقتصاد است و حالا در ادامه بحث لازم شد من اینها را باز کنم و برای اینکه از وقتم بیشتر بتوانم استفاده بکنم، همین جا اکتفا می‌کنم؛ چون سؤال شما این بود. البته وقتی صحبت از اقتصاد می‌کنیم، در دو عرصه منظورم هست، یکی در مدیریت اقتصادی است، یکی در رابطه با تأثیری که درزندگی مردم دارد و یک زندگی شایسته که در شأن جمهوری

اسلامی و ملت ایران باشد، برای آنها درست کنیم. من واقعاً زندگی ای را که مردم امروز دارند، این را شایستهٔ جمهوری اسلامی نمی‌دانم. باید تغییرات اساسی درآن به وجود آید. هم با راهکارهای پایدار، هم با راهکارهای جدی و اساسی.

مجری: آقای دکتر، اگر بخواهید از وقتتان استفاده کنید، می‌توانم بپرسم که این انقلاب اقتصادی چه مؤلفه هایی دارد؟

رضایی: اولین مؤلفه اش این است که کل زیرساخت‌ها، مسیرهای کارکردهای اقتصاد باید از یک وضعیت قدیمی، که ما اسمش را می گذرایم دولت رانتی، سنتی و غیر کارآمد، باید کلاً بیاید در وضعیت و ساختارهای جدید که بهره وری اش بالا باشد، غیردولتی و رقابتی باشد. انتقال از چنین وضعیتی مثل انتقال از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی است. حالا ممکن است این حرف، کمی تند باشد، ولی خیلی تغییر و تحول اساسی به مناسب انقلاب، در اقتصاد ما وارد نشده. ما همان تحول بزرگ را که در سیاست صورت گرفته، باید در امر اقتصاد به وجود بیاوریم. البته راهکارش رو هم من تعریف خواهم کرد.

مجری: بله.

رضایی: حالا اگر برگشتیم، من می‌گویم که چگونه ما به این انقلاب اقتصادی دسترسی پیدا می‌کنیم.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای کروبی.

رضایی: البته حالا این مصاحبه ای شد، یعنی ما با شما داریم مصاحبه می‌کنیم. همین طور خوب است؟ باید بحث همین طور پیش برود؟

مجری: تعیین آن به عهدهٔ خود حضرات است. به همین دلیل من می‌خواهم از جناب آقای کروبی صحبت‌هایی را بپرسم که آقای دکتر رضایی با عنوان ارتباط عملیاتی از آن یاد کردند. یعنی، به عبارتی، شاید تعریض به این داشتند که صرف سوابق نمی‌تواند مشکل گشا برای کشور باشد. ما باید هر نظری داریم، آن نظر را اگر ارتباطی با مردم داریم، به عنوان یک ارتباط عملیاتی تعریف کنیم، تا به ثمر بنشیند و مردمی ترین دولت را به عبارتی خودشان شروع کردند و بحث انقلاب اقتصادی و اینکه ما باید صندلی جدیدی را در اینجا قرار

بدهیم، نه دیگران بیایند جای خود را در صندلی های موجود تغییر بدهند. در این مورد شما صحبتی دارید؟

کروبی: اولاً آقای رضایی نکات بسیار خوبی فرمودند، اما من می‌خواستم یک مقدمه عرض کنم که حاکم باید روحیات مردمی و ارتباط با مردم و دردهای مردم داشته باشه و بهای لازم را به مردم بدهد فکر نکند ولی نعمت مردم است، فکر کند واقعاً خدمتگزار مردم است. می‌خواستم بگویم یک روحیهٔ این جوری هیچ هم باز نمی گویم من که این را می‌گویم، این نفی دیگران است، ایده را عرض کردم، والا منظورم این نبود که الآن مثلاً یک حکومت بولدوزری بیاید کارکند. کامپیوتر که یک دستگاه کوچولوی یک ذره‌ای است، آن قدر قدرت دارد که بولدزر را می‌تواند بیرون کند و خراب کند. مدیریت باشد و نگاه مدیریت باید داشته باشد بر کارها، همراه با همین عواطف و احساس و درک خواسته‌های مردم و اینکه مردم احساس تحقیر نکنند. این را می‌خواهم عرض کنم، والا این طبیعی است که همین طور باید برنامه داشته باشه و برنامه ریزی باید داشته باشد و این همه تنها خودش برای اینکه تنها خودش باشد اگر متخصص هم باشد، بتواند یک بخش را خودش اداره کند. باید مجموعه ای بتواند کار کشور را بگرداند. کاملاً صحیح می فرمایید. بنده از مدتها قبل برای این قضیه کار کردم که حالا یک بخش آن را عرض می‌کنم و همین طور به نوبه آمدیم برنامه ریزی کردیم.

گذشته از سوابق عملیاتی خود من که ۱۶ سال در مجلس بودم ۱۶ بودجه تصویب کردم، از برنامه‌های ۱۶ بودجهٔ سالآنهٔ برنامهٔ اول و برنامهٔ چهارم حذف کردند. آقای دکتر خودشان مجمع تشخیص مصلحت هستند و به خوبی از وضع واقف هستند، غیر از این حدی که ارتباط داشتم و واردم. اما نیامدم بگویم من یکه و تنها می‌خواهم کارکنم. آمدم یک تیم تشکیل دادم، یک تیم نیرومند قوی تشکیل دادم. ماهها اینها روی مسئله کار کردند و نظریات مختلفی برای ادارهٔ کشور دادند، ۳۷ فصل را وضع کردند که من ده تا از آنها را اینجا یادداشت کرده‌ام و راهبردها را که به شما یک به یک می‌گویم. یک مقدارکه توضیح دادم، اشاره کنید تا خیلی وقتم گرفته نشود. اولی اش تکمیل نهضت ملی کردن نفت است.

با واگذاری سهام شرکت های نفتی به مردم، دولت آمده و پول نفت را در اختیار گرفته. پنجاه و چند سال پیش پدران و مادران ما این نهضت ملی را به وجود آوردند و در اختیار گرفتند و هر جور هم دلشان می‌خواهد خرج می کنند. خودش هم آقابالاسر مردم شده. کارشناس ها و اقتصاددان های مهم نظر دادند که پول را باید بگذاریم در اختیار مردم، دولت باید محتاج مردم باشد. گام اولمان هم این جوری است. ما می گوییم آنچه صادرات می‌شود، فعلاً دولت با آن کارهای زیر بنایی اش را بکند، اما یک بخش آن را ما می‌خواهیم بگیریم و باید صندوقی بگذاریم ،تصویب هم بکنیم که این را در اختیار مردم قرار بدهیم. یعنی این نفت ۵ دلار هزینهٔ استخراجش می‌شود، بر اساس این ۵ دلار، هرچه قیمت روز نفت است، همان مازادش را به صورت پول ماهانه به حساب مردم واریز می‌کنیم که همین الآن محاسبه کردند، ۶ دلار کمتر از قیمت روز، کردن به طرف ۷۰ هزار تومان هر ماه، سه ماه یک مرتبه به حسابش واریز می‌شود و حق خودش است ومالیات هم از آنجا...

مجری: بالاتر از ۱۸ سال؟

کروبی: بالاتر از ۱۸ سال. خیلی تشکر می‌کنم که فرمودید بالاتر از ۱۸ سال. این قیمت دقیقاً تنظیم شده و مسلماً پرداخت می‌شود. یک نمونه‌اش حالا اگر بخواهید توضیح می‌دهیم. معیشت مردم طوری که شما فرمودید که به دیگران برنخورد، درست است، ولی این یک واقعیتی است که دولت فعلی باید جواب بدهد. یک کلمه اش هم اشکال ندارد، جواب بدهد. یازده و خرده ای تورم تحویل گرفته، الآن ۲۶ درصد است. خُب، اشتغال، بیکاری همه اینها واقعیت هایی است که وجود دارد. معلوم است. درست است، الآن هر دولتی بیاید، اول برایش معیشت و اقتصاد مردم است، اما باید حتماً دکتر هم این جور است، ضمن اینکه خودش اقتصاددان است، حتماً یک مجموعه ای دارد کار می کند.

من یک مجموعهٔ خوبی تشکیل دادم با نام و نشان و شهرت، لذا من دمی‌روز هم مازندارانِ از صداوسیما و همین برنامه‌ها تجلیل کردم و گفتم این روزها ما میرویم و می آییم آنجا می‌بینیم که بچه ها چقدر کار می کنند. در آنجا جریان نقد را هم گفتم. گفتم، درعین حال که ما میرویم و مناظره خیلی خوب است. اما باز هم می گویم کارشناس ها باید بیایند، یعنی

آقای دکتر دانش جعفری می آمدند اینجا و با آقای نجفی بحث می کردند و می آمدند با دیگران بحث می‌کردند. من از اینها اسم می‌برم که مارا... نمی‌دانم کی بنا بوده بیاید. مثلاً از طرف دولت فعلی می آمدند، از طرف نفر چهارم، جناب آقای مهندس موسوی می آمدند اینجا، می نشستند با آقای نجفی بحث می‌کردند، با دکتر اسلامی بحث می کردند، با آقای دانش جعفری و افراد دیگر. بنابراین، این تیم ها هستند و کارهایشان را حتماً انجام می‌دهند. یا حقوق شهروندی چیز مهمی است، اما حکومت حقوق شهروندی را رعایت نمی کند. اگر حقوق شهروندی رعایت شود، این قدر حوادث به وجود نمی آید. میرویم بین عرب های عزیزمان، می‌گویند ما چون عربیم به ما اعتنا نمی کنید، مناطق جنگی تان این جور است. میرویم بین کردها، می‌گویند وضع ما این چنین است، به ما توجه نمی کنید، چون سنی هستیم. می‌گویم بیا این برادران شیعه مان آنجا این وضعیت شان است. خُب، اینها باید به مناطق برسد، یعنی این واقعاً حقوق شهروندی است. وقتی که می‌گوییم هم مشکلات اقتصادی هم بها دادن که احساس نکند شهروند درجهٔ دوم است.

مجری: من می‌توانم یک سؤالی...

کروبی: همین یکی را می‌گویم. اینجا کوتاه می‌کنم. مسائل آموزشی. چرا معلم‌های ما این جوری می‌شوند؟ چرا این برخوردها با آنها می‌شود؟ چرا زندگی معلمان اینجوری است و این حوادث تلخ هم پیش می‌آید؟ هم می‌گوید توی سر ما زدید، التفاتی به ما ندارید شخصیتمان را حفظ نکردید. یک نظام هماهنگ که تصویب کردید، به ما ندادید، تازه دعوایمان هم می‌کنید، زندان هم می‌کنید، تبعیدمان هم می‌کنید. بنابراین، اینها یک به‌یک، ۱۰ تایش را من اینجا دارم، هر کدوم یک مشکل جدی است که اینها باید روشن بحث شود.

مجری: جناب آقای کروبی، شما صحبت از برنامه‌ریزی و نگاه برنامه‌ریز زیاد کردید. در برنامه‌های مختلف من شنیدم، اینجا هم تأکید داشتید. آیا با این طراحی که در بحث اقتصاد کردید و ادامهٔ صنعتی شدن نفت را هم مطرح فرمودید، شما هم معتقد هستید که یک انقلاب اقتصادی می‌خواهید بکنید، آیا می‌توانید؟

کروبی: من تعبیر»انقلاب اقتصادی» نداشتم، ولی این شیوهٔ فعلی را قبول نداشتیم. ضایعاتش هم همین است که می بینید. ولی برای تحول، برای دگرگونی، ما برنامه داریم. «انقلاب، من نمی گویم؛ چون نمی‌دانم که الآن ما انقلابی بتوانیم بکنیم. حتماً دکتر اینا نشسته اند و برنامه ریزی کرده‌اند و دارند، اما ما می‌توانیم یک دگرگونی مهمی به وجود بیاوریم. این این جور نیست که به فرمایش ایشان مهدی کروبی فرزند احمد بیاد و مثلاً آقای محمود احمدی‌نژاد برود. اینکه کار هنری نمی شود. با دید دیگری ما می آییم و حتی با دولت‌های غربی و معتقدم، آقای رضایی هم فرمودند، حتی با دولت‌های اسبق هم با دید دیگری می آییم همین واقع برادرمان خیلی هم احترام می گذاریم و ما معتقدیم که اگر آن فرد جناحی که گفته شده بود یا از همهٔ نیروها استفاده باید کرد. اگر حداقل جناحی اش هم استفاده شود کارمان به اینجا نمی‌رسید. فرد جناحی اینجا پیشکش یا خیلی هی آمدیم تنگش کردیم، خیلی محدودش کردیم، روزبه روز و این اوضاع برایمان بود، والا چه انقلاب فرهنگی مان، دکتر می‌خواهد انقلاب اقتصادی بکند، من می گویم این تحول است. از آسمان نمی آید، ایشان نیرو می آورد، از زمین هم می جوشد. همین اندیشه اش را باید با این نیروها بکند، منتها میرود یک جوری جامع به آن نگاه می کند که ایشان به آن می گوید انقلاب. حقش است. من هم می‌گویم یک تحول است. این جور نیست که میزها عوض شود، نه. بیایند و عملکرد را ببینند و فضایی را باید به وجود بیاوریم که افراد حرفشان را بزنند، نه اینکه هرکه حرف زد، یا انگش بزنیم یا توی سرش بزنیم یا زیبا برایش صحبت بکنیم، ولیکن عملاً یک جور دیگر بگوییم یا بیاییم بگوییم، تو بی دینی و به او بگوییم تو ارزشها را نداری، اینها نمی شود.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای رضایی، شما دراین باره به خصوص بحث انقلاب اقتصادی و برنامه ریزی را بفرمایید.

رضایی: بله، اجازه بدهید من همان بحث را ادامه بدهم که خُب من معتقد به انقلاب اقتصادی هستم. اتفاقاً یکی از تفاوت های نظر من با حاج آقای کروبی شاید در همین باشد که الآن حاج آقای کروبی اولین کسی بود که این بحث پرداخت حقوق نفت را مطرح کرد.

ابتکار از ایشان بود و دولت فعلی هم تقریباً همین را عمل کرد. حالا بگذاریم که هفتاد هزار تومان الآن به‌خاطر اینکه قیمت ها دو برابر شده، قاعدتاً نصف گذشته است، ولی محاسبات آقایان قاعدتاً بر اساس آن فرمولشان همین در می آید. اتفاقاً خود...

مجری: یعنی شما چنین مسیری را نرفته اید؟

رضایی: نه، من نمی‌روم. من اعتقادی به این مسیر ندارم، اگر چه به این ایده احترام می گذارم؛ چون این ایده برای دلسوزی برای مردم است، مردمی که روی چاه های نفت خوابیده اند، بالأخره اینها باید بهره‌ای داشته باشند. فقط تفاوت در این است که ما این بهره را چگونه به دست مردم درحقیقت برسانیم. دیدگاه من دیدگاه تولید و اشتغال است، یعنی به جای اینکه ما بیاییم در حقیقت پول به مردم بدهیم، شغل و درآمد درست بکنیم و در عین حال پول را هم به آنها بدهیم، اما بعد از اینکه شغل و درآمد درست کردیم. لذا طرح من همان سهام صندوق توسعهٔ ملی است، یعنی من سهام نفت را با یک واسطهٔ سرمایه‌گذاری به مردم می‌دهم.

مجری: یعنی پرداخت مستقیم نداریم؟

رضایی: چرا پرداخت مستقیم هست، بعد از اینکه یک بار درآمدهای نفت میرود درتولید و سرمایه‌گذاری اثرات خودش را می گذارد، بعد از سود حاصل از آنها و همچنین اصل آن صندوق توسعهٔ ملی ما سهام می‌دهیم. ما تصویب کردیم یک صندوق توسعهٔ ملی درست کنیم که دولت موظف باشد هزینه های جاری‌اش را به صفر برساند. از ناحیهٔ نفت، کل این پول ها میرود توی صندوق توسعهٔ ملی و این به‌عنوان یک پس‌انداز درکنار پس‌انداز فعلی کشور، که ما الآن نقص داریم، یعنی ما الآن پس‌انداز ملی‌مان کافی نیست. ما یک صندوق توسعهٔ ملی درست می‌کنیم. بعد این پول مازاد نفت می‌رود در آنجا و این دیگر انباشت می‌شود، می ماند. اگر از اول انقلاب ما این کار را کرده بودیم، مردم دویست میلیارد دلار پول داشتند و از ناحیهٔ این دویست میلیارد دلار چیزی بیش از ۷۰ هزار تومان در ماه گیرشان می آمد، یعنی چیزی نزدیک به صدهزارتومان، حالا یک مقدار کم و زیاد، با توجه به ارزش حال و همهٔ اینها را که با هم مقایسه کنیم، ۱۰۰ هزار تومان پول گیرش

می‌آمد. از طرفی دیگر ۲۰۰ میلیارد پول هم بود. یعنی ببینید، شما دویست میلیارد پول داشتید، ماهانه هم ۱۰۰ هزار تومان به مردم می‌دادید. علاوه بر این دویست میلیارد هم رفته بود به صدها کارخانه تبدیل شده بود.

پس من هم دلسوزی حاج‌آقا کروبی را تأیید می‌کنم، اما روش من روش تولید و سرمایه‌گذاری است و من هم معتقد به سهام هستم، اما سهامی که من می‌دهم یک سهام پایدار و رو به رشد است. دلیلش این است که شما الآن اگر مثلاً هفتادهزارتومان که بدهید این ۳۵ هزار تومان ۴ سال پیش همین هفتاد هزار تومان تا پایان سال چهارم که دولت در اختیارمان باشد، این تقریباً نصف می‌شود، یعنی۱۵ هزارتومان قبل خواهد بود. این روزبه‌روز آب میرود؛ چون ارزش پول کشور کم است. اما وقتی میرود توی صندوق توسعهٔ ملی کشور، نه. پس این یک دید. اینکه من می‌گویم انقلاب اقتصادی، من در همهٔ شیوه‌ها تغییر وضعیت موجود می‌دهم. اصلاً نظام یارانه‌ها را به کلی عوض خواهم کرد. خُب اما اگر ما بخواهیم چنین کاری بکنیم، آیا می‌شود با مدیریت فعلی، یعنی درحقیقت الگوی فعلی مدیریت کشور می‌توانیم چنین انقلابی انجام بدهیم؟ اصلاً شدنی نیست. ما الگوی مدیریت را باید عوض بکنیم.

مجری: به چه صورتی؟

رضایی: من معتقدم از بالا شروع کنیم، یعنی اگر مردم عزیز ما سکان دولت را به دست من بدهند، من واقعاً خودم رئیس جمهور خواهم بود. من رئیس جمهور خودم خواهم بود، اما نه رئیس جمهوری که یک دولت یک نفره درست کند. نه، من دولت ائتلافی درست می‌کنم و همهٔ توانایی‌های کشور را در دولت ائتلافی شرکت می‌دهم و این ظرفیت را هم دارم که هم با همهٔ جناحها کار بکنم هم با همهٔ آدمهای کارآمد کار بکنم. البته همهٔ جناح‌ها منظورم آدم‌های افراط گر دوطرف نیست. روحیهٔ ما روحیهٔ کار با آدم‌هایی است که آدمهای متعادلی باشند و ارزشی هم باشند. درهمهٔ نیروهای ما نیروهای ارزشی وجود دارد. پس ما دولتمان یک دولت جمعی است، ولی رئیس جمهور من خودم خواهم بود. یک وقتی ممکن است دولتی ائتلافی درست شود، ولی فردی که باید اینها را اداره کند، یک وقتی

طرف می‌خواست خودش رئیس جمهور باشد، اما نهایتاً آدم‌هایی که با سلیقهٔ خودش جور باشد، یا حالا من نمی‌خواهم خدای ناکرده چیزی بگویم، تعابیر دیگری بگویم که مردم این تعابیر را می‌گویند، تیمی درست شود که درحقیقت بیشتر خود رئیس جمهور را می‌خواهند اداره کنند تا کشور را اداره کنند. نه، من معتقدم که رئیس جمهور باید رئیس جمهور باشد، ولی دولتش نباید دولت یک نفره باشد، یک دولت جمعی و ائتلافی باشد. خُب، از اینجا باید کار را شروع کرد، ولی نباید به این اکتفا کرد. این دولت باید کارآفرین باشد، یعنی به طور مداوم کار تولید کند. مثلاً ما به دنبال این هستیم که مزیت نسبی مان را از نفت و گاز حداقل به هفت ـ هشت تا مزیت نسبی دیگر تبدیل کنیم. از نظر من تجارت کمتر از نفت و گاز درآمد ندارد. تجارت درآمد خیلی فوق العاده‌ای در ایران دارد. حمل ونقل، حمل ونقل زمینی و هوایی، دریایی، با این راننده‌های خوبی که ما داریم، با این خلبانان باهوش که ایران دارد که حتی در بسیاری از کشورهای اروپایی از خلبانان ایرانی هم قبل از انقلاب هم الآن دارند استفاده می‌کنند. کشتی رانهای ما و بنادر ما و امکانات موقعیت جغرافیایی ما ـ اصلاً خود حمل ونقل که ایران مرکز ۵۰۰ میلیون جمعیت است و می‌تواند مؤثر باشد. مسئله ایران گردی و جهان گردی، ایران گردی سلامت که من چند وقت پیش توضیح دادم، به این صورت است که ما در چند تا از مناطق ایران می‌توانیم در حقیقت بیمارستان‌های خیلی مدرنی در ایران درست کنیم، در چند نقطه من در نظر گرفتم و پزشکان حاذق ایرانی را در آنجا سامان دهی می‌کنیم، تجهیزات پزشکی خوبی را هم وارد می‌کنیم، درعین حال، در مناطق خوش آب وهوای ایران باشند. خُب این خود سلامت یک مزیت نسبی است؛ چون تجربهٔ ما در این ۳۰ سال گذشته نشان داد که ما منابع انسانی فوق العاده‌ای در مسائل بیمارستانی داریم که می‌توانیم از اینها استفاده بکنیم. کلاً من حدود ۸ الی ۹ تا مزیت نسبی در کنار نفت و گاز خلق می‌کنم. این یعنی یک انقلاب خوب. این هم به مدیریت بستگی دارد که مدیریت توانمند باشد، ولی مهم‌تر از همهٔ اینها که می‌خواهم تأکید کنم این است که اگر انقلاب اسلامی را امام با یک تیم پیشرو، مثل مقام معظم رهبری، آقای هاشمی، آیت...طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی، یک تیم بیشتر و پشت سر امام

حرکت کردند تا این انقلاب به نتیجه رسید. ما از اول انقلاب تاکنون فاقد یک تیم پیشترو اقتصادی بودیم که بتوانیم این انقلاب اقتصادی را درست کنیم. ما ان شاءالله این تیم پیشرو را شناسایی کردیم و مستقر خواهیم کرد و کلیهٔ واگنهای اقتصاد را به آنها وصل می‌کنیم که اینها بتوانند این کار را بکنند، مثل تیم شانگهای که اصلاً تمام توسعهٔ چین متناسب با تیم شانگهای بودیا تیمی که با ژنرال های کرهٔ جنوبی کار کردند، یا تیمی که با مهاتیر محمد کار کردند. پس وقتی ما از انقلاب اقتصادی صحبت می‌کنیم منظورمان واقعاً یک تحول اساسی در زیرساخت‌ها، روش‌هاست. یارانه ها را عوض می‌کنیم. بسیاری از مسائل را باید تغییر بدهیم، تا اینکه انقلاب ما مثل یک ماشین که از یک جادهٔ خاکی همراه با دست انداز بگذاریمش در یک اتوبانی که با سرعت تمام بتواند خیلی از این کشورهایی را که از ما جلو افتاده اند پشت سر بگذارد.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای کروبی، آقای دکتر رضایی صحبت از صندوق توسعهٔ ملی کردند و به نوعی با روش هزینه کرد شما در مورد نفت موافقت نداشتند. ایشان فکر کرده‌اند که اگر ما صندوق توسعهٔ ملی درست کنیم و سهام به مردم بدهیم هم کارآفرینی اتفاق می‌افتد، هم رشد سرمایه اتفاق می‌افتد و بعد صحبت از مزیت های نسبی به‌جای نفت و گاز کردند که مؤلفه های شماست. در مورد طرح خودتان چه دفاعی دارید؟

کروبی: من با احترام به جناب آقای رضایی، که نظر خوبی داشتند، احساس می‌کنم الفاظش فرق دارد. ایشان نام انقلاب را بر آن گذاشته اند، همین طرح را ما می‌گوییم. اصلاً طرح ما همین است، بدین معنا که ما هم تنها می‌گوییم نفت در اختیار دولت نباشد. ما می‌گوییم تا وقتی نفت به این صورت در اختیار دولت است، تورم و بیکاری همین است. لذا هر وقت می‌بینیم پول نفت بیشتر می‌شود، معذرت می‌خواهم، هزینه‌ها بیشتر می‌شود. چیزی هم نمی‌شود والا حالا خوب است غوغا شده باشد، چون حرف‌های شما به‌جاست که ما هیچ چیز نگوییم بگذاریم برای بعد، والا نفت ۲۰ دلار یا ۴۰ دلار تبدیل شود به نفت ۱۰۰ دلار، ۱۲۰ دلار، باید چه تحولی بشود؟ پس چرا این پول ها که همه‌اش در اختیار دولت بوده، اوضاع این جوری شده؟ ما همین را می‌گوییم. ما می‌گوییم عین همان

است. ما می‌گوییم این نفت را باید یک مقدار گام به گام بعد هم میرویم دنبال آن. ما بقیه اش دراختیار مردم قرار می‌دهیم. حتماً باید قانون بیریم و تصویب بکنیم و حتماً برای آن صندوق تنظیم کنیم. حتماً باید کاری بکنیم که اگر فردا بنده نبودم، دیگر تثبیت شده باشد. قاعدتاً آقای رضایی هم باید این کار را بکند والا دوباره در اختیار دولت می ماند، بعد آن را برمی‌دارد و خرج می کند. حالا چه کار کنیم تا خرجش نکند؟ ما می‌خواهیم کاری بکنیم که حق نداشته باشیم آن را برداریم و بدانیم که مال مردم است و اتفاقاً همین را هم به بچه ها بگوییم. بگوییم آقا آن که نیاز دارد و محتاج است دو تا دانشجویند و دارند درس می‌خوانند و تحصیلشان قطع بوده و پدر و مادرهایشان نمی‌توانند این به قول آقا دوتا هفتاد تومن. حالا که من معتقدم که اگر وضع ما و سیاست ما تغییر کند، اوضاعمان دگرگون شود، روابطمان با دنیا عادی شود، با اوپک و برای اوپک، و بتوانیم کارکنیم، نفت بالا میرود. حالا هر چه می‌شود، آن دیگر هرچه شد، دیگر تابع نفت است. اتفاقاً این مال مردم است. من که نیاز دارم می‌روم می گیرم. حضرت عالی با فرزندانت نیاز نداری، همان جا هست، ذخیره می‌شود. همان جا هم برایش به کار می‌اندازیم برایش کار می‌کنیم.

ما بیمهٔ تحصیلی مان هم همین جور است. همین جناب آقای نجفی که این قدر زحمت کشیدند با همهٔ خصوصیات بیمهٔ تحصیلی می‌گوییم. به دبیرستان که وارد شدید، یک سهمی تعیین می‌کنیم، می‌گوییم شما بدهید، دو برابر هم ما به شما می‌دهیم. منابعش را هم تأمین کرده‌ایم. بنابراین، چهار سال بعد که تو تحصیلت تمام شد، اگر رفتی ادامه تحصیل دادی، این را اینجا داری. در آن صورت این قدر ترک تحصیل نمی‌شود یا مشکلات به وجود نمی آید. اگرخواستی، می ماند، سرمایه برای شما کار می کند. بنابراین ما خیلی عریضمان منافاتی با فرمایش ایشان ندارد و ما هم به همان صورت می‌کنیم. به قول معروف، ما که نمی‌خواهیم گداپروری کنیم. آنکه نیازمند است می آید می گیرد، آنکه نیازمند نیست، برایش سرمایه می ماند. این می‌شود و قانونی هم هست و تنظیم شده است و صندوق هم هست، تنها فرقش این است که باید حتماً چه من باشم، چه آقای رضایی باشد، چه نفر سوم و نفر چهارم، ما پیش‌بینی کرده‌ایم که اگر من مدیر شدم، از روز اول کار

را شروع کنم و آنی هم آن را به مجلس ببرم. و باز یکی از خصوصیاتی که من دارم این است که همین مجلس مسئول اصول‌گرا بهترین وضع را خواهم داشت، در کارکردن، نه اینکه مشکلات نداریم، با اینکه الآن فکر می‌کنیم چون من اصلاحاتی هستم، بالاخره اصلاحاتی وابسته به امام، ممکن است بگویند آقا شما با مجلس این جوری چطور کار می‌کنید اتفاقاً با همین مجلس تعامل می‌کنم، کار می‌کنم. همین مصوبه را می‌گیرم و کارهایمان را انجام می‌دهیم. خیلی عرض بنده با فرمایش های ایشان به هیچ وجه منافات ندارد، منتها یک چیز دیگر هم بگوییم. باز جزو مشکلات جامعهٔ ما سهمیه بندی جنسی در تحصیل است. ۶۰ درصد خانم‌های ما الآن قبول می‌شوند، خُب، شما ببینید، در تحصیل چه محدودیت هایی برایشان قائل می‌شوند. اصلاً یک سری رشته ها نباشد، یک سری شهرها نباید بیایند. خُب، اینها یعنی چه؟ اصلاً خُب معلوم است که حوزهٔ علمیهٔ قم با حوزهٔ علمیهٔ یک شهر دیگر مثلاً خرم‌آباد که خود ماییم، خیلی فرقه دارد. یا بگوییم کسی که در دانشگاه یاسوج درس می‌خواند نباید تهران درس بخواند. تمام اینها را باید به هم بزنیم. من می‌گویم که این تغییر یعنی همین که بتوانند رشته هایی که می‌خوانند و تحصیلاتی که می‌توانند انجام بدهند.

بفرما که بنده چقدر وقت صرف کردم و بعد آقای دکتر رضایی چقدر وقت صرف کردند تا حواس خودم را جمع کنم.

مجری: من از دوستان می‌خواهم که وقت را به من بدهند.

رضایی: در مورد بحث صندوق توسعهٔ ملی ما درسیاست‌های کلی تصویب کردیم که‌در صندوق توسعهٔ ملی باید به تصویب مجلس برسد و اساسنامه اش را باید بنویسند. یک هیئت مدیره خواهد داشت، مدیر عامل خواهد داشت و چون یک بار دیگر به تصویب مجلس می‌رسد، قاعدتاً اساسنامه اش هم آنجا تصویب می‌شود، دیگر تغییرش خیلی کار سختی است. البته، روش یک مقدار تفاوت دارد. نیت قطعاً همین طور است. همان طور که حاج آقا گفتند، نیت همین طور است که در این ما مشترکیم. آنچه من با حاج آقای کروبی مشترکم، این است که مردم باید صاحب نفت باشند. البته الآن دولت به نیابت مردم

هر کاری دربارهٔ نفت بخواهد، خودش می کند. با این طرح من، این اختیار از دولت گرفته می‌شود، یعنی دو قسمت می‌شود، یک بخشش، که مربوط به سرمایه‌گذاری است، در اختیار همهٔ مردم قرار می‌گیرد. این را مجلس تعیین می کند. آن مقدار که دیگر مربوط به سرمایه‌گذاری دولتی و عمرانی نیست، این می‌رود توی آن صندوق توسعهٔ ملی. صندوق توسعهٔ ملی این را تبدیل به شغل می کند، تبدیل به تولید می کند. یعنی ما به جای اینکه به مردم میوه بدهیم، درخت می‌دهیم، یا به جای اینکه ماهی بدهیم، هم ماهیگیری یادشان می‌دهیم، هم قلاب به آنها می‌دهیم، که هر چند بار بروند خودشان ماهی بگیرند. یعنی یک بار ما خرجی برای اینها می‌کنیم، حالا آنها همیشه می‌توانند ماهی بگیرند. حالا بحث طول می کشد و ما بحث‌های مهم‌تری هم داریم. من فکر می‌کنم ما وارد آنها در حقیقت بشویم بهتر است. من دلم می‌خواهد که همراه با آقای کروبی با همدیگر پیش برویم. ایشان دو نکته گفتند. من هم نظراتم را بگویم، یکی در رابطه با حقوق شهروندی که ایشان به حق اشاره کردند، یکی دیگر مسئلهٔ بانوان. در حقوق شهروندی، من برنامه ام این است که این بحث را از شعار دادن بیرون بیاورم؛ چون دولت‌های گذشته هم شعار داده‌اند، در این دولت هم بحث‌هایی شده. حالا من یک فرایند سه مرحله ای را تدوین کرده‌ام و در تمام دنیا هم رمز موفقیتشان این طور بوده. من مطالعات زیادی در این دوازده سالی که در مجمع تشخیص بوده ام، انجام داده ام حتی مطالعات تطبیقی. بعد هم با پژوهشگران خیلی زیادی که در مجمع بودند، اینها به نتیجه رسیدند که حقوق شهروندی که اصلاً یکی از مبانی توسعه است و تا تحقق پیدا نکند، توسعه تحقق پیدا نمی کند، این نیاز به چند کار اساسی دارد. اول اینکه این حقوق شهروندی که مفصل هم هست و آزادی‌های مدنی، تبدیل به قانون بشود. ما حساب کردیم، چیزی نزدیک به ۵۰۰ ماده را شامل می‌شود. در مرحلهٔ دوم، بعد از اینکه این قانون شد، دو گروه باید آموزش ببینند، یکی مأموران دولت، مثل پلیس، نیروی انتظامی، درحقیقت قوهٔ قضائیه، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، یکی هم خود مردم.

مجری: یعنی اینها احتساب شده، آقای دکتر؟

رضایی: بله، اینها احتساب شده. مثلاً ما دیگر باید کار را از دبیرستان شروع کنیم. البته در دورهٔ اول به صورت عمومی مثلاً از رسانهٔ ملی استفاده خواهیم کرد، ولی برای طرح درازمدت در حقیقت به دروس دبیرستانی تبدیل شود که اصلاً از دبیرستان به این طرف همه بدانند که این بستهٔ حقوقی شان چیست و اصلاً حفظ شود، مثل یک راننده که چطور وقتی که رانندگی می کند، قوانین رانندگی را می‌داند، مردم هم که می‌خواهند از خیابانها عبور کنند، همهٔ علائم را می‌دانند، مثلاً چراغ قرمز است یا سبز است همه اینها را می بینند. ما باید حقوق شهروندی را آن قدر عادی و طبیعی کنیم که همه نسبت به آن، حتی در آموزش و تعلیم، حساس باشند. سوم نظارت است کمیتهٔ نظارتی خیلی قوی خود رئیس جمهور تا مدتها درست بکند. من این کار را خواهم کرد و حتی کوچک‌ترین تجاوزی به حق یک شهروند بشود، خودم باید بلند شوم و بروم در همان محل با آن برخورد بکنم. چهار پنج تا برخورد که ما بکنیم، این مسیر طبیعی خودش را پیدا می کند. البته من از جناب آقای شاهرودی تشکر می‌کنم. ایشان اخیراً ابلاغی را در رابطه با حقوق شهروندی، که مربوط به قضا می‌شود، انجام دادند تبدیل به یک قانون شد، ولی این خیلی کم است. ما باید این را گسترش دهیم. حریم خصوصی را باید شامل بکنیم و در حقیقت آزادی‌های بیان هست، فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها هست. همین که می‌گویند دانشجویی ستاره داره و غیرستاره دار است، مال همین فقر قوانین و عدم انضباط کامل است. و اما در مورد بانوان هم همین‌طور. بینید، بانوان ما انصافاً قانع ترین زنان دنیا هستند و امروز با تحصیلات وسیعی که پیدا کرده‌اند، یک پتانسیل بسیار قوی برای توسعهٔ ملی ما هستند. ما نشستیم برنامه‌ریزی کردیم برای اینکه در ادارهٔ کشور به طور جدی از بانوان استفاده کنیم، آن هم نه در مشاغل دست چندم، درمشاغل کلیدی دولت استفاده کنیم.

ازطرف دیگر، در بعد اقتصادی و اجتماعی فرصت های خوبی برای آنها فراهم کنیم، به بانوانمان میدان بدهیم. حتی در مسئلهٔ خانه داری که یک بخشی از مسئله است، ما نشسته ایم فکر کرده‌ایم که خانه‌داری تبدیل به یک شغل بکنیم، مخصوصاً برای بخش‌هایی از کشور مثل روستاها. آقای کروبی هم اطلاع دارند، چه زحمات طاقت فرسایی بانوان ایرانی

که نمی کشند و مثلاً ما خُب خودمان متعلق به همان منطقهٔ زاگرس مرکزی هستیم، از ایلام و کرمانشاه گرفته تا همدان و لرستان و چهارمحال بختیاری، تا سمت فارس، خوزستان، ایلام، در این مناطق واقعاً بانوان کار فوق العاده ای می کنند، حتی در خانه سازی فعالیت می کنند. بنابراین ما این را هم باید تبدیل به یک شغل بکنیم. این را هم محاسبه کرده‌ایم که چطور انجام بدهیم که در حقیقت دولت بتواند این را تأمین کند.

مجری: خیلی متشکرم. اعلام بکنم خدمت بیندگان عزیز که جناب آقای کروبی تا به حال ۲۶ دقیقه صحبت فرموده اند.

کروبی: یعنی ۱۴ دقیقه.

مجری: ۱۴ دقیقه. خُب، جناب آقای رضایی هم حدود ۲۱ دقیقه.

کروبی: خُب، خیلی فاصله ای نیست. خائف بودم فاصله بیشتر باشد (خندهٔ مجری و آقای رضایی) چون ایشان با صرفه جویی صحبت کردند.

مجری: من مایل هستم که مسئلهٔ دیگری را در مورد اصل ۴۴ مطرح کنم.

کروبی: نه، در این مورد اصلاً من نکته ای را باید بگویم.

مجری: بفرمایید، آقای کروبی.

کروبی: ببینید، این فرمایشاتی که آقای رضایی گفتند، در ضمن اینکه به حق است، بنویسند ۵۰۰ تا قانون است. جناب آقای رضایی عزیز، چون شما سال‌هاست در مجمع دارید کار می کنید، به همین قوانین که داریم، عمل نمی شود. باید فکری برای این بکنیم. اینکه ما یک جاهایی قانون نداریم، یک بحث است. آیا ستاره دار شدن این قانون بوده؟ نشستند بچه های مردم را کردند ستاره دار. آخر اینکه یک مرتبه طرف را از تحصیل که حیات و زندگی اش است، محروم کنید که من در چندتا مصاحبه تاحالا گفتم؛ چون من به گنبد کاووس تبعید شدم، دانشجو بودم، برگشتم از آنجا امام نامه ای سرگشاده به امیرعباس هویدا نوشت. همان نامه را دوباره توزیع کردیم. چندی بعدش ما گرفتار شدیم. گرفتند محکوممان کردند. زندان کشیدیم. بعد آمدیم رفتیم درس خواندیم. حالا دو تا شعار داده، شعار بد هم داده. خوب است، دیگر بیشتر از این نیست. دیگر نباید از تحصیل محروم شود.

نظارت استصوابی شورای نگهبان یک نظارت است دیگر، این همه انسان را محروم می کند از حقوق اولیه شان که نمی‌توانند ثبت نام کنند. خانم آقای شهید باکری محروم می‌شود. از چه؟ از شرکت کردن در انتخابات. و ده ها انسان دیگر این را ما فکری برایش کنیم. حالا این قانون‌ها را ما می‌خواهیم چه کار کنیم؟ اول این ظرفیتی که قانون اساسی ما دارد که به حق می فرمایید و این قوانین را که داریم، اجرا و عمل کنیم، من می گویم باید این کار را بکنیم و دنبالش برویم و آقای رضایی هم همان طور همین را که می فرمائید.

رضایی: البته حاج آقا، من... من...

کروبی: بتوانند یک دگرگونی به وجود بیاورند. نه، مخصوصاً آقای رضایی از آنهایی است که...

رضایی: قوانین خودش ناقص است.

کروبی: خودش برای صلاحیت دیگران خیلی تلاش کرده و بارها من تقدیر هم از او کرده‌ام و کمک هم همیشه می‌داده. ما اول هم این اختیار را داریم. همان که فرمودید حریم خصوصی، ما برای این حریم خصوصی قانون نداریم. این همه مزاحمت از مردم می‌شود. با حادثهٔ اندکی گاهی حکومت از مردم، به معنی گوشه و کنار و بدنه، انتقام می گیرد. نکتهٔ خوبی فرمودید که باید رفت بالاسری. باید ببینیم چه شده تا به حال. نکتهٔ خیلی عالی فرمودند که رئیس جمهور باشد، ولی یک دفعه کسی حادثه ای به وجود بیاورد، چند نفر کشته بشوند، یک ماجرای تبلیغی برای حادثه ای شود که یک گوشهٔ کشور در این شرایط که الآن انتخابات در پیش است، یک دفعه می‌بینیم در زاهدان یک اتفاقی رخ می‌دهد.

من می‌خواهم بگویم که آقای رضایی کاملاً صحیح می فرمایند. یک جاهایی نواقص قانونی داریم، یا همان تحولی که می‌خواهند به وجود بیاورند، بسیار زیبا و مبارک است و انتخاب هم با مردم است. اما من می گویم آنچه که الآن اشکال داریم، خودکامگی، خودسری، سلیقه ای، تنگ نظری است، تنگ نظری نه اینکه این وری از این، آن وری یا آن وری، یا بنده اصلاحاتی ام از همین ور تنگ نظری بوده، مهم از آن ورتنگ نظری بوده. اینها را باید کاری بکنیم که اجرا و عمل شود و برویم به دنبالش، حالا چه بنده بودم، چه

آقای رضایی، یکی از این دوتا بالأخره، یکی از ما چهار نفر باشد، بیایم.

مجری: بله، اینکه مسلم است (خندهٔ آقای رضایی).

کروبی: پایش بیفتد، هرکس هم مسئول شد، بقیه بیایند گریبانش را بگیرند و بگویند از شعار بیرون نرفتی، بیا و شروع کن، چه کار کردی؟ و اول هم مسئولیتش با شماست که گریبان ما را بگیرید، هر کدام از ما که شدیم.

رضایی: اجازه بدهید من هم همهٔ اینها را تأیید می‌کنم. حرف‌های حاج آقا را تأیید می کنم، منتها ببینید، من خودم دانشجوی ستاره‌دار قبل از انقلاب بودم.

کروبی: ستاره‌دار است.

رضایی: من دانشجوی مکانیک علم و صنعت بودم. آمدند تا بار دوم مرا دستگیر کنند، من فرار کردم و بار اول هم که مرا دستگیر کنند، محاکمات را که من رفتم، من از آن موقع تا الآن که مراحل مختلفی در زندگی‌ام طی شده، کاملاً به این نتیجه رسیده‌ام که اگر این دلسوزی‌های واقعاً انسانی و این فعالیت‌هایی که برای مردم می‌شود، اگر این در چارچوب‌های محکم و متقن قرار نگیرد و بعد هم یک توان اجرایی شجاعانه‌ای پشت سر کار راه نیفتد، همین طور که حاج آقا گفتند، همین طور می‌شود.

کروبی: اصلاً یک ...

رضایی: لذا قوانینی هست، اما نه اینکه قوانینی نیست. من گفتم، از آقای شاهرودی هم من تشکر کردم.

کروبی: من هم تشکر می‌کنم.

رضایی: بله، این در حقیقت...

کروبی: و واقعاً در همهٔ مراحل خیلی کمک دادند.

رضایی: بله، من کاملاً قوانین را می‌دانم. اینکه من می‌گویم ۵۰۰ ماده، به همین دلیل است.

مجری: باید یک بستهٔ مشخص دقیق و....

رضایی: و وسیع‌تر، فراگیرتر، یعنی قوانین ضعف دارد. علت اینکه افراد بر اساس سلیقه‌شان

عمل می کنند، این است که قانونی نیست که مانعشان بشود، یعنی قوانین دوتا حُسن دارد. قوانین می گوید که بشود یا نشود. ما هر دو را می خواهیم. یعنی اگر معلوم باشد که این برخوردی که مأمور با این فرد می کند که این تخلف است، او نمی‌تواند این کار را بکند؛ چون می‌شود بر اساس همان طرف وکیل خصوصی بگیرد و البته جناب آقای کروبی هم این را می‌داند. ما واقعاً، مأمورین ما، نیروهای مسلح ما، نیروهای اطلاعاتی ما آدم‌های بسیار دلسوز و شایسته ای هستند، خیلی‌هایشان به خاطر نبود همین قوانین است که دست به کارهایی می‌زنند که بعد موجب ناراحتی همه می‌شود، مردم ناراحت می‌شوند، خود مسئولان هم ناراحت می‌شوند. من اتفاقاً می خواهم طرح کنم که یک قانون جامع روشن آزادی‌های مدنی و البته اضافه بکنم، حاج آقای کروبی، خُب، مدیریت خیلی مهم است، همین بحث شما که اشاره کردید، ما الآن از نظر سازمان اطلاعاتی ایران قوی ترین سازمان اطلاعاتی را در منطقه داریم، قوی ترین نیروهای مسلح را در منطقه داریم، قوی‌ترین پلیس را داریم. ولی وقتی که او مدیریتی که مربوط به شورای امنیت ملی و شورای امنیت کشور می‌شود و اینها هر دو در اختیار دولتند، وقتی اینها خوب نمی‌توانند رویش کار انجام بدهند، لذا می‌بینیم با وجود مجموعهٔ عظیم کارآمد و شایسته ای که ما داریم، از توانایی ها واقعاً استفاده نمی کنیم. پس مسئلهٔ مدیریت هم که من تأکید کردم، به عنوان فرایند سوم، درحقیقت این می‌تواند مؤثر باشد، یعنی قانون جامع آموزش ومدیریت. این سه تا اگر با هم ترکیب شود، یک بار برای همیشه ما ان شاءالله حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی را آن قدر در کشور نهادینه می‌کنیم که دیگر هرکسی کار خودش را می‌داند که چه کار باید بکند.

مجری: جناب آقای رضایی، شما در مورد اصل ۴۴ و ابلاغ سیاست‌های کلان نظام از آن به عنوان نقشهٔ راه آینده و کتاب دوم انقلاب یاد کردید و خودتان هم در تدوین این کتاب دوم در مجمع تشخیص مصلحت نظام بودید. اما جناب آقای کروبی در مورد اصل ۴۴ قائل به اصلاحاتی هستند. در این مورد چه نظری دارید؟

رضایی: سیاست‌های اصل ۴۴ و چشم انداز ایران ۱۴۰۴ و سیاست‌های مکملی که تنظیم شده، مجموعهٔ اینها را من می گویم کتاب دوم انقلاب و اتفاقاً این انقلاب اقتصادی که من

دنبالش هستم، در چارچوب این نقشهٔ راه صورت می گیرد.

مجری: یعنی پیرو نقشهٔ راه.

رضایی: پیرو نقشهٔ راه، یعنی ما نقشهٔ راه این انقلاب را داریم و این هم خیلی رویش کار شده. ما نظرات حداقل دو مجلس را داریم، نظرات حداقل یک دولت را داریم، زمان آقای خاتمی که اینها بحث شده، بعد نظرات کارشناسان کشور را داریم، از آن موقع تا الآن هم که این سیاست‌ها ابلاغ شده، ما کارگاه‌های آموزش وسیع و سمینارها و همایش‌های وسیعی گذاشتیم، حدود هزار مقاله الآن در ارتباط با سیاست‌های اصل ۴۴ برای ما رسیده و همین حدود هم در ارتباط با چشم‌انداز ۱۴۰۴ رسیده. همه چیز نشان می‌دهد که این نقشهٔ راه نقشهٔ درست و مهمی است و آینده ایران را رقم خواهد زد. حتی بعضی‌ها به ما می گویند که شما یک کمی رویایی اینها را نوشتی. اینها اصلاً قابل عمل هست یا نه؟ ما ثابت کردیم برای آنها منابع و ظرفیت هایی که ما در ایران داریم، اینها قابل عمل هست و خُب حالا این نقشهٔ راه را ما داریم، چه کار بکنیم تا این نقشهٔ راه پیاده شود. مشکلی که ما الآن در رابطه با این سال‌های اخیر داشتیم، این بوده که دوستان ما کارهایی بکند، خط مش هایی ارائه کنند، برنامه‌هایی را بدهند که این در حقیقت تحقق پیدا کند. اگر این می شد که من به صحنه نمی‌آمدم. برای چه به صحنه آمدم؟ من دیدم یک زحمت فوق العاده‌ای نخبگان کشورکشیدند. بزرگان انقلاب هم روی این توافق دارند و این می‌تواند تبدیل به یک معجزهٔ دیگری در کنار انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن و نظام جمهوری اسلامی بشود. ولی همین طوری روی زمین مانده و یا به آن بی توجهی می‌شود، یا درحاشیه در حقیقت قرار می گیرد.

مجری: خیلی متشکر، جناب آقای کروبی، شما در مورد اصل ۴۴ و نقش آن »بفرمایید« .

کروبی: عرض می‌کنم. من فرمایش ایشان را قبول دارم، منتها توضیح بدهند که یکی از حرف‌های ما در حقوق شهروندی این بود که ما قانون اساسی را باید به طور کامل اجرا کنیم که قانون جامع الاطرافی ست. غیر از کتاب خدا هر قانونی هم نقیصه‌ای دارد، همان جور که ۱۰ سال بعد هم امام دستور داد قانون اساسی را اصلاح کنند. عرض هم کردم پیشنهاد طرف به رئیس جمهور می‌دهد، آنکه می پذیرد، رهبری است و مسیرش هم

مشخص است. برای اینکه مثال‌هایی بزنند یک وقت سوء استفاده نشود، گفتم یک سری اصول تغییرپذیر نیست، مثل اسلامیت، جمهوریت، اصل نظام دینی.

مجری: که در قانون اساسی هم...

کروبی: اینها را مثال زدم و گفتم شوراها ابهام دارد. مثال زدم و گفتم که آقا، نظارت را بنده قبول دارم، اما به این صورتی که هر روز هرگونه از آن استفاده بکنند، بعد، من جمله مثال‌هایی که زدم، اصل ۴۴ را زدم که گفتم اینها مثلاً قابل چه بوده، اما من کار مجمع تشخیص مصلحت را همین‌طور که می‌فرمایید تقدیس کردم، و چشم‌انداز بیست ساله هم گفتم درست است، حتی اشاره هم کردم که بزرگان نظام هم تأیید کردند که چرا اجرا و عمل می‌شود. گفتم این جور موارد متعددی دارم که حتی ریاست جمهوری را هم مثال زدم که معلوم بشود یک وقت من منظورم نیست یا دیگران سوءاستفاده نکنند گفتم در فرانسه جمهوریت اصلاً تغییرپذیر نیست، در ایران اسلامیت و جمهوریت تغییرپذیر نیست. من آن مطالبی که ایشان می‌گویند کاملاً قبول دارم. اما اینها می‌گویند باید قانون اساسی را اصلاح کنیم. لذا الآن جناب آقای رضایی می‌فرمایند و درست هم می‌گویند دیگر عمل نکردند. خُب، مجمع تشخیص مصلحت چه‌کار می‌تواند بکند؟ حداقل اگر مجلس که این را تصویب کرد، بنده یا آقای قانون اساسی را تغییر داد، اقلاً مجلس می‌تواند وزیر من را استیضاح کند، می‌تواند وزیر آقای رضایی یا وزیر آقای احمدی‌نژاد را استیضاح کند. اقلاً می‌بینیم اینها باهم دعوا دارند، ولی وقتی یک جایی تصویب می‌کند آن‌جور کار نمی‌کند، آن کار را نمی‌کند، شما هم که گفتید از اول چیزی نگو. ما هم که هر حرفی می‌خواهیم بزنیم، خودبه‌خود موجب می‌شود که هیچ چیز نگوییم. اما من این منظورم بود که یک جاهایی را باید اصلاح کنیم تا میدان شوراها، ببریم، مجالس محلی داشته باشند، کارشان را انجام بدهند که هر روز دارند بین شهردارها و شوراها دعوا؟ و هیچ کاری هم نمی‌کنند، یعنی نه که هیچ کاری نمی‌کنند، اختلاف دارند. باید از ابهام بیرونش بیاوریم.

مجری: خیلی متشکرم. من باز هم از همکاران درخواست می‌کنم وقت را دوباره به ما بدهند. ما ظاهراً دوتا ده دقیقه وقت داریم.

کروبی: الآن چقدر وقت داریم؟

مجری: دو تا ده دقیقه، ۱۷ دقیقه وقت داریم.

کروبی: از من چقدر است؟

مجری: این را بنویسید برای من بیاورید که وقت جناب آقای کروبی و جناب آقای رضایی مشخص بشود.

کروبی: ظاهراً ده دقیقه اش مال من است و هفت دقیقه اش مال آقای رضایی.

«صدای پشت صحنه»: آقای کروبی ۳۳ دقیقه، آقای رضایی ۳۰ دقیقه.

مجری: جناب اقای کروبی ۳۳ دقیقه، جناب آقای رضایی ۳۰ دقیقه.

رضایی: من به این نکته اشاره بکنم که خُب حالا بحث‌های ما همه‌اش بحث‌های اقتصادی و اینها شد.

کروبی: این را هم شده خودم بگویم.

رضایی: من فکر می‌کنم که ما باید به هویت توجه خیلی جدی بکنیم. ببینید در جامعهٔ ما طی سی سال گذشته تغییر و تحولات خیلی زیادی صورت گرفته، مسئلهٔ جهانی سازی و جهانی شدن مطرح شده، نسل های انقلاب جدیدی از انقلاب وارد صحنه شده، بعد موضوع مسائل مهم جامعه از مسائل سیاسی امنیتی به مسائل فرهنگی و اقتصادی کشیده شده. خُب، در اینجا ما باید هویت ملی مان را بازیابی کنیم. من طرحی برای بازیابی هویت ملی تعیین کردم که مثل همان دههٔ اول انقلاب که جوان‌های ما با نشاط، با معنویت و با حضور فعالأنه می‌آمدند، حتی حاضر بودند جانشان را هم برای کشورشان، ملتشان، دینشان، انقلابشان، و امامشان بدهند. ما باید دوباره یک چنین جوششی در جامعهٔمان به وجود بیاوریم. اینکه من می گویم جوانان فرشتگان نجات ملت ایران هستند، برنامهٔ ما این است که جوانان را در این انقلاب اقتصادی باتمام ظرفیت وارد کنیم.

مجری: شما نسل سی ساله ها را ظاهراً می خواهید بگویید.

رضایی: بله و به همین دلیل نظرم این است که کم کم باید ما قدرت را از نسل اولی ها آرام آرام به نسل دوم و سوم منتقل کنیم، اما نه به صورت کاغذی، بلکه بر اثر تحول اساسی

یک انقلاب که همان انقلاب اقتصادی است. منتها این انقلاب اقتصادی باید همراه با یک تحول فرهنگی هم باشد و مهم‌ترین نکتهٔ این تحول فرهنگی هویت سازی مجدد برای جامعهٔ ماست که در این رابطه ما نشسته ایم مطالعه کرده‌ایم که چه کار بکنیم که یک بازیابی هویت انجام شود. به این نتیجه رسیدیم که ما به ارزشهای ایرانی را در کنار ارزش‌های اسلامی تقویت کنیم. یعنی مسألهٔ این مدت کم بها دادیم ما دوباره باید ارزش‌های ایرانی رو در کنار ارزش‌های اسلامی تقویت کنیم یعنی مسئلهٔ خلیج فارس و دریای خزر که واقعاً من به آن عشق می ورزم، این می‌تواند یک نماد ارزش زای جدید باشد که جوانان ما را مقاوم کند، هم در مقابل هجمه های بیرونی، هم در انسجام و پیوستگی فرهنگی خودشان با همدیگر.

مجری: می‌شود به عنوان هویت ایرانی ـ اسلامی را نام گذاشت.

رضایی: بله که هویت ایرانی ـ اسلامی می‌شود. پس یکی مسئلهٔ ارزش‌های ایرانی، مسألهٔ بعدی قومی است، ارزشهای قومی هم درچارچوب خودش و درچارچوب ارزش‌های ایرانی و اسلامی اینها می‌توانند احیا بشوند. تجربه نشان داده که مهم خیلی از قومیت های تمدن های بزرگ بوده اند. مثلاً تمدن های بزرگ در خیلی از شهرستان‌ها و استان‌های بزرگ جوشیده و بیرون آمده. خُب فرهنگ قومی هم می‌تواند مقوم هویت شود و در کنار این سه بازخوانی گذشته و ایجاد نشاط و امید به آینده، اینها می‌تواند در نسل جوان ما مؤثر باشد. پس من که می گویم انقلاب اقتصادی و در کنارش می گویم تحول مدیریتی و تحول فرهنگی به این دلیل است که ما در برنامه مان هست که یک بازیابی جدی در هویت ملیمان به وجود بیاوریم.

مجری: جناب آقای کروبی، آقای رضایی به یک بنیان فرهنگی و هویتی برای مسائل اقتصادی قائل شده اند، در به خصوص از جوانان هم یاد کردند.

کروبی: بله.

مجری: همچنین مشخصه ای.

کروبی: من فکر می‌کنم، آقای رضایی بحث می فرمایند بحث‌های خوبی می فرمایند،

استفاده هم می‌کنیم. من فکر می‌کنم و باز هم می‌گویم، این همان است که ما داریم می‌گوییم، منتها تعبیر به انقلاب دارند، شاید حتماً تفاوت هایی هم دارد. همهٔ این مطالب صحیح است، یعنی مثلاً قومیت ها، خُب در مورد قومیت ها باید عملاً ما برویم و جوری عمل کنیم که آنها احساس کنند شهروند درجهٔ اول اند، نه اینکه من می‌گویم ارتباطات را باید با مردم قوی کنیم، میدان بدهیم، حرفشان را بزنیم، برای همین هویتشان است. ما می‌گوییم هویت که جمهوری اسلامی داده، ما داریم محدودش می‌کنیم. اسلام، جمهوریت، ایرانیت، این سه کلمه یعنی همین بیاییم بگوییم آقا نظام تو جمهوری شد، دیگر شاه ماه نداریم. خوب این است و گفت میزان هم رأی مردم است. پس تفکری که می‌گوید رأی مشاوره‌ای آن چیز نیست، مطلوب شما نیست. این از نظر جمهوریت، اسلامیت هم که ملت افتخار می‌کند به اسلام و عملاً هم نشان داده و تمام این جوانان نشان داده اند و می‌بینیم روز عاشورا چه کار می‌کنند. خُب، این هم که این. ایرانیتش همان که گفتم خلیج فارسش با این اوضاعی که داریم که این قدر... اینها کاملاً مطالب صحیحی است. ما می‌گوییم اینها را داریم. آقای رضایی هم بروند تکمیلش کنند. بسیار خُب، اما بیاییم یک کاری کنیم، به این حقوق شهروندی عمل کنیم، اجرایش کنیم. گریبان خودمان را بگیریم، یا آنهایی را بگیریم که اجرا و عمل نمی‌کنند. ما همین را می‌گوییم. این کارها را انجام بدهیم، همان می‌شود. شما فرض کنید، من برایتان بچه را یک مثال بزنم چقدر به ورزش علاقه دارند و چقدر می‌شود خانواده‌ها را در درون ورزش برد و علاقه‌مند کرد. خُب این ورزش را سیاست را از ورزش جدا کنیم، هرجا آمدیم سیاست، هی می‌خواهیم دست بیندازیم در هر چیزی و خرابش می‌کنیم. ورزش باید دست آنهایی باشد که کارشان است و می‌توانند و این را از شکست ها هم نیاوریم و هی این ملت را تحقیر نکنیم. اینها هویتش می‌شود. اینها غرورش می‌شود. آقا فرهنگ گذشته فرهنگی است. بسیار عظیم و بزرگ، نقایص هم داشته، اسلام آمد و به ایران باستان عظمت داد. روزی که آمدند، هیچ بحثی نداریم. منتها من می‌گویم اینها را باید عملی کرد. آقا هم همین جور است و اهل عمل است، دیگران هم اهل عملند. آن دو بزرگوار هم اهل عمل اند. اما من می‌گویم این

را باید جدی گرفت و دنبال رفت و اینجا عقب است. معلوم می‌شود کی اهل عمل است، کی می‌تواند برود، کی می‌تواند پنجه در پنجهٔ این جور مسائل بیندازد و برود دنبال حقوق مردم. خُب روزی که مگر من با همهٔ مردم که ملاقات می‌کنم با همهٔ مردم از حقوقشان دفاع می‌کنم، سلیقه ام یکی است. خُب، من یک چارچوب دارم، سلیقه دارم، اما احساس می‌کنم یک حقوق شهروندی دارم، یک هویت دارم. این یک ایرانی این جوری نیست که من یک فرشته باشم.

دو کلمه می‌گویم وقت من هم تمام شده. امیرالمؤمنین وقتی توصیه می‌کند به مالک اشتر، نمی گوید شما وظیفه ات این است که این کارها را انجام بدهی، می‌گوید دلت را پر کن، مملو کن از محبت مردم. یا این را من یک دفعهٔ دیگر راجع به امام گفتم، اینجا هم می‌گویم. وقتی امام نامه می نویسد، نامه بعد از رحلتش در می‌آید، نمی گوید حزب اللهی ها، نمی گوید کروبی، نمی گوید محسن رضایی، که ما همه می‌دانیم، من نماینده اش بودم، ایشان نماینده اش بودند. می‌گوید ملت ایران، که جان من فدای تک تک آنها باد، یعنی عموم مردم، ما با این مردم به این نحو حرف بزنیم، به این نحو هم عمل کنیم تا کارها درست شود و مردم خودشان بلندند چه کار کنند. مراسم امام حسین شان را وقتی عید می‌شود، می گیرند، قشنگ عاشورایشان را نگاه می‌دارند، خوب هم بلدند، از مراسم عزاداری می کنند و بعد هم عید می گیرند، خُوب هم بلدند، عشق هم می ورزند.

مجری: جناب آقای رضایی، شما...

کروبی: چند سال پیش شده بوده...

مجری: بله، بله.

کروبی: که من از مجلس هم تقدیر کردم.

مجری: از صداوسیما دیگر، آقای....

رضایی: من یک نکته ای عرض بکنم.

کروبی: بله دیگر، بلندگوی ما صداوسیماست دیگر. رسانهٔ ملی، منتها مناظرهٔ کارشناس‌ها را هم بگذارند.

رضایی: من طرح‌های عملی‌ام برای نکاتی که حاج آقا هم گفت خیلی روشن است. من وقتی می‌گویم دولت ائتلافی منظورم همین است، یعنی ما باید از همهٔ اقوام استفاده کنیم؛ چون خیلی شعار در مورد اقوام داده‌اند، ولی آیا توانسته‌ایم برای همهٔ اقوام عدالت سیاسی را تحقق بدهیم؟ خیلی از عدالت اقتصادی با اقوام صحبت شده، ولی من عدالت سیاسی را مقدم می‌دانم بر عدالت اقتصادی، لذا دولت ائتلافی راه‌حل است. دولت ائتلافی که من می‌گویم یعنی نخبگان اقوام را بیاوریم اینجا، چه کار کنیم.

مجری: یعنی دولت در سایه منظورتان است، تعبیری که خودتان فرمودید؟

رضایی: دولت در سایه مکمل دولت ائتلافی است یعنی ما در دولت در حقیقت ائتلافی که همان دولت رسمی کابینه است، یک دولت در سایه درست می‌کنیم، از نخبگان کشور که هر وزارتخانه‌ای یک وزارتخانهٔ درسایه دارد و من حتی منتقدین خودم را می‌آورم در آن دولت. درحقیقت یک ترکیبی می‌شود از طرفدارانی که اعتقاد دارند من می‌توانم کشور را اداره کنم و همچنین منتقدین من که فکر می‌کنند من و وزاری من اشکالاتی دارند. کار این دولت در سایهٔ این است که اینها می نشینند، مشاوره می‌دهند، نظارت می کنند و رصد می کنند. شما دیدید، در طی این بیست سال اخیر یا حتی شاید در سی سال اخیر دیدیم که بارها دولت غافلگیر شد، در مقابل مثلاً خشکسالی غافلگیر شده، یا درمقابل یک حادثه یا تهدیدی غافلگیر شده، یا قطعنامه‌ای را نتوانسته پیش‌بینی بکند، یا از فرصتی نتوانسته استفاده بکند. این مشکلات دولت فعلی این است که چون از صبح تا شب به دنبال مسائل روزمره می‌گردد، قدرت پیش‌بینی ندارد. دولت در سایه کارش هم مشاوره دادن است، هم رصد کردن است، هم در حقیقت نظارت کردن است، آن هم البته دولت بسیار جمع وجور؛ چون عالی‌ترین نخبگان کشور در هر وزارتخانه‌ای، عالی‌ترین نخبگان کشور در آنجا جمع می‌شوند و این کار را انجام می‌دهند. در بعد ورزش کاملاً تأیید می‌کنم. من در صحبت قبلی‌ام هم گفتم ما باید مسائل سیاسی را از ورزش بیرون کنیم، اما لازمهٔ این کار این است که ما ورزش را وزارتخانه بکنیم. وقتی ورزش وزارتخانه می‌شود، وزیر در مقابل مجلس پاسخگوست و دخالت دولت کمتر خواهد شد. اما باز این مسئله را حل

نمی‌کند. طرح بعدی ما این است که پست‌های سیاسی را از پست‌های تخصصی جدا می‌کنیم. دو تا قانون می نویسم. عزل و نصب پست‌های سیاسی را، دست رئیس جمهور را باز می گذاریم، ولی عزل و نصب پست‌های تخصصی را دست رئیس جمهور را، یعنی دست خود من را محدود می‌کنیم؛ چون یک بار باید از یک نقطه‌ای شروع شود که کسی که میلیاردها خرجش شده تا تجربه به دست آورده و تخصصی را فراگرفته، به خاطر اینکه آقای رئیس جمهور از قیافه اش خوشش نمی‌آید یا بلند شده توی جلسه‌ای فرد را نقد کرده، فردا این را عزلش نکنند، فردا این را در حقیقت کنار نزنند و مسئله واقعاً هم همین طور است. اصلاً کشور ما را مردم اداره می کنند. ملت صاحب این انقلاب هستند. منتها ما وقتی صحبت از ملت و مردم می‌کنیم جنبهٔ روشنفکری دولت را من قبول دارم، یعنی رئیس جمهور اشکال ندارد سخنرانی کند، مقاله بنویسد، حتی در دانشگاه‌های خارج برود، اما بیشتر از این موظف است که با طرح و برنامه و یک تیم اجرایی قوی این منویاتش را عملیاتی کند و در کشور تحقق بدهد.

مجری: جناب آقای رضایی چون جناب آقای کروبی شروع کردند، این حق برای شما هست که آخرین نفر باشید. الآن هم وقت اندک است.

رضایی: چقدر وقت دارم؟

مجری: شما یک دور دیگر برای صحبت وقت دارید.

رضایی: من چقدر وقت دارم؟

مجری: همکاران، وقت را دقیق اعلام بکنید. «صدای پشت صحنه»: سه دقیقه تا پایان هست.

مجری: تا پایان سه دقیقه و دو دقیقه هم برای آقای کروبی.

رضایی: پس آقای کروبی دو دقیقه شان را بفرمایند.

مجری: بله. جناب آقای کروبی، شما بفرمایید ادامهٔ بحثتان را.

کروبی: من ادامهٔ بحثم همان نکته‌ای است که به محضرتان عرض کردم. من می‌گویم که مطالبی هم که آقای رضایی می فرمایند، حالا در همان قالب هایی که می فرمایند، با مطالبی

که بنده می‌گویم خیلی اختلاف ندارد. آنچه مسلم است، باید برویم دنبال عمل و دنبال اجرایی کردن اینها در بحث جوانان مثلاً. خُب، یک جوان یک فرصت برای کشور است. اگر ما خوب وارد شدیم با اینها، این بهترین فرصت است. اگر استفاده نکردیم، تهدید است. منتها در رابطه با قانون و در رابطه با عملیات این نکته را من باید خدمت آقای رضایی عرض کنم که ما هر کدام رئیس جمهور شویم، یک بخش اختیارات داریم، یک مجلسی داریم که مستقل است، یک قوهٔ قضائیه داریم که مستقل است، خیلی اختیارات هم مال آنهاست، لذا باید برویم دنبال حل که ببینیم چه کار می‌توانیم بکنیم. من عرضم این است که در این شرایط اگر چنانچه ما بتوانیم همان طور که ان شاءالله مردم مصمم اند، یک انتخابات خوبی داشته باشیم، هریک از عزیزان انتخاب شدند، فضایی را به وجود بیاوریم که به قول آقای رضایی جلویش گرفته نشود و بتواند از اختیاراتش که استفاده بکند، از دیگران هم کمک بگیرد و از طرف دیگر به دیگران هم میدان بدهد که نقد کنند و حرفهایشان را بزنند، صحبت کنند. قضیه حل است، ان شاءالله امیدواریم که مشکلی نداشته باشند.

مجری: جناب آقای کروبی، خیلی متشکرم. در یک دقیقه، شما دولت خودتان را چه می نامید؟

کروبی: دولت تغییر گفتم. من چون دولت تغییر گفتم، دیگر نمی‌خواهم تغییرش بدهم، یعنی قوهٔ اجرائیه را می‌خواهم کاملاً تغییر بدهم، یعنی تغییر بدهم، به قول آقا، نه اینکه چهره های جدید بیاوریم، از چهره‌های جدید استفاده کنیم. الآن آقای رضایی فرمود، یک ذره وقت داریم. نکتهٔ بسیار خوبی فرمودند. من هم به صورت دیگر در ذهنم هست. ایشان می‌گویند دولت سایه، من نه با آن اختیاراتی که داریم و ریاست جمهوری و وزرا میزان کار داشته باشند، من بنا دارم با کل استاندارهای اول انقلاب تا حالا با کل وزرا اول انقلاب تا حالا، از کل معاونین ارتباط داشته باشم برای کابینه که معلوم است چند نفرند، استاندار هم چند نفر است. ما این همه نیرو داریم، این همه تجربه داریم، اصلاً از آنها استفاده نمی شود. رهایشان کرده‌ایم. همین طور رفته اند و واقعاً این کار را من در طی این چهار ساله می‌کردم. با اینکه کنار بودم، بنا دارم از همهٔ آنها مشاوره بگیرم و جلسات داشته

باشم، ارتباط داشته باشم، حضور داشته باشم، و بیش از خودم هم پیگیر باشند، بیش از دیگران طولانی حرف زدم، ببخشید.

مجری: خواهش می‌کنم. متشکر، جناب آقای رضایی.

رضایی: بله، من این را عرض بکنم که در حقیقت دولت ائتلافی که ما تشکیل می‌دهیم و دولت در سایه اینها مکمل همدیگر هستند، ما از بزرگان انقلاب برای مشاوره و هدایت استفاده خواهیم کرد، ولی کارهای اجرایی را می‌خواهیم به دست جوانها بدهیم و اینها را آماده بکنیم که آرام‌آرام بیایند، به طوری که در دولت‌های آینده بتوانند آینده کشور را در حقیقت به دست بگیرند. اما در مسئلهٔ اقتصاد من لازم می‌دانم این نکته را دوباره تأکید کنم که من به دنبال گداپروری نخواهم بود، من به دنبال این خواهم بود، یعنی شغلی که بتواند به صورت مستمر و مکرر برای مردم در حقیقت درآمد درست کند. شما الآن اگر پول به مردم بدهید و این موجب شود که تورم به وجود بیاید، خُب، شما مثل این است که توی جیب مردم پول می گذارید و از جیب دیگرشان پول خارج می کنید. اما اگر این پول بیاید وارد تولید شود، چرخهٔ تولید را انجام بدهد و به طور مستمر درآمد داشته باشد، این خنثی کننده است. پس می‌خواهم بگویم روی این تأکید می‌خواهم بکنم که مسئله اصلی طرح اقتصادی من ایجاد شغل و درآمد و بالا بردن قدرت خرید مردم است که زندگی مردم یک زندگی در حقیقت کافی باشد، یا همان معاش کافی، در حقیقت، که ما معاش کافی در اسلام هم بارها تأکید کردیم و درکنار این مسئله مسئلهٔ مدیریت و حکمرانی برای من خیلی مهم است یعنی ما باید الگوی مدیریتی را تغییر کنیم، مشورت کردن، کار جمعی کردن، استفاده از همهٔ ظرفیت ها، یعنی فکر نکنیم من که الآن رئیس جمهور شدم، من یک چیز جدابافته ای هستم، باید بروم روی جاهای عجیب و غریبی و دچار توهم شوم. من عادت کردم که همیشه حواسم را جمع بکنم. این موقعیتی که امروز هست، معلوم نیست فردا باشد، اگر می‌خواهم فردا باشد، من به تنهایی نمی‌توانم این کار را بکنم. من خودم باید تصمیم بگیرم، اما جمع را باید با خودم همراه بکنم. اینکه واقعاً من می گویم دست بزرگان انقلاب را می بوسم و از توانایی هایشان در حل و فصل مسائل استفاده می کنم. خب،

چرا استفاده نکنیم؟ من عرض کردم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی، این می‌تواند بخش مهمی از مشکلات دولت ما را با جهان اسلام و مثلاً کشورهای عربی حل کند، یا جناب آقای خاتمی، یا جناب آقای ناطق نوری، یا آقای ولایتی، یا آقای روحانی. اما اینها بحث همان شورای توسعهٔ ملی ما را شکل می‌دهد، ولی ما جوان ها را بیاوریم در کار اجرایی، مثلاً جوان هایی ما داریم از لیسانس به بالا که فوق العاده آدم های با استعدادی اند. من خیلی از اینها را شناسایی کرده‌ام در همین دوازده سال گذشته که در اکثر دانشگاه‌ها رفتم. خب، خیلی از فرمانداری ها را، خیلی از بخشداری ها را می‌توانیم به جوانان از لیسانس به بالا بدهیم. بعد از یک سال او تجربه ای که من در کار با جوان ها دارم و اصلاً یکی از تخصص های شاید برجستهٔ من این است که شاید جوان را به خوبی می شناسم. مهارت این را هم دارم که کار بدهم به دستش و بعد هم شناسایی اش کنم از بین هزار نفر که من در نظر گرفتم که ما بگذاریم در پست های اجرایی بعد از مدتی چهل نفر به راحتی می‌شود استاندار از بین اینها بیرون آورد. بعد از دو سال می‌شود از بین اینها هفت الی هشت نفر وزیر بیرون آورد، به طوری که ما ان شاءالله بعد از چهار سال حداقل هفت الی هشت نفر در حد ریاست جمهوری از نسل سومی ها می‌توانیم داشته باشیم. این بزرگترین کاری ست که می‌تواند خلأ این انتقال قدرت را در این مدت درحقیقت جبران کند، یا در رابطه با مسائل دیگری که عرض کردم ما برنامه‌های اینها را طوری تنظیم کردیم که وقتی که دولت را به دست می‌گیریم، دیگر من نمی گذارم یک گروهی حالا بخواهند بروند تحقیق کنند. همان روز اول ما شروع می‌کنیم به اجرا کردن برنامه‌هایمان و در پایان به ملت پر افتخار ایران می‌خواهم این را با اطمینان بگویم که همین طور که تاکنون جمهوری اسلامی افتخارات بزرگی آفریده، شک نکنید که اگر ان شاءالله شما ما را قابل دانستید و لایق دانستید دولت را به دست ما بدهید، ما با کمک خود شما، با کمک جوانان شما ان شاءالله کاری خواهم کرد که یک زندگی مطلوب در کنار این افتخارات هم به وجود بیاید که بتوانیم طعم شیرین انقلاب اسلامی را در همهٔ ابعاد بچشیم. و در پایان هم یادی بکنیم از امام بزرگوارکه به سالروز رحلت ایشان داریم نزدیک می‌شویم.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای رضایی، خیلی متشکرم. جناب آقای کروبی، متشکرم. بینندگان زیادی تماس داشتند و تشکر کردند. البته مطلبی هم گفتند که ما انتظار داشتیم مناظره‌ای یک مقدار پرحرارت‌تر از این می‌شد، بالاخره این هم یک نوع مناظره است. ان‌شاءالله درشب‌های بعدی حرارت بیشتری را از مناظره ها خواهید دید. بله من تشکر می‌کنم از هر دو بزرگوار. تا مناظرهٔ دیگر در فردا شب، همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

کروبی: ان شاءالله مؤید و موفق باشید. از شما تشکر می‌کنیم، از آقای رضایی عزیز...

مناظرهٔ موسوی و احمدی‌نژاد

مجری (پورحسین): بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می‌کنم خدمت بیندگان عزیز و مردم خوب کشورمان. در آستانهٔ سالگرد ارتحال مرد بزرگ تاریخ ایران، حضرت امام خمینی، رضوان الله تعالی علیه، هستیم. جا دارد از همین جا رحلت جانگذاز امام راحل را خدمت مردم خوب کشور تسلیت عرض کنم.

مجری: خُب، بینندگان عزیز سیمای جمهوری اسلامی ایران، امشب شما شاهد دومین مناظره بین کاندیداهای محترم دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری هستید. امشب درخدمت دو تن از کاندیداهای محترم هستیم: جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد و جناب آقای مهندس میرحسین موسوی. من خدمت هر دو بزرگوار سلام و خیرمقدم عرض می کنم و خسته نباشید می‌گویم. اگر گفت و شنودی و سلام علیکی با بینندگان دارید بفرمایید، بعد من درخدمتتان هستم. آقای محمود احمدی‌نژاد بفرمایید.

احمدی‌نژاد: یعنی نوبت دادید صحبت کنیم یا اینکه...

مجری: الآن یک سلام علیکی با بیندگان بکنید، بعد من توضیحات دیگری را عرض خواهم کرد.

احمدی‌نژاد: سلام عرض می‌کنم خدمت ملت بزرگ و سرافراز ایران، ایام رحلت امام راحل را تسلیت عرض می کنم و برای همهٔ مردم سربلندی سلامت و عزت روزافزون مسئلت می‌دارم.

مجری: خیلی متشکر. آقای موسوی.

موسوی: من هم سلام عرض می کنم خدمت شما هموطنان عزیز و خوشحالم که باز از طریق رسانه در میان شما هستیم. وفات حضرت امام را که همهٔ هویتمان و عزتمان از وجود مبارک ایشان است، به همهٔ شما تسلیت عرض می کنم. ان شاءالله پیروز باشید.

مجری: خیلی متشکر. من قبل از اینکه طرح مسئله بکنم یک توضیح خدمت دوستان عرض بکنم که در ابتدا هر یک از بزرگواران در حدود ده دقیقه صحبت می فرمایید، بعد ما بقیهٔ صحبت‌ها را به فراخور... من وقت را دارم. قاعدتاً اگر برادران هم کمک کنند در تنظیم وقت، من تشکر می‌کنم. حدود ۴۲ دقیقه وقت برای هریک از دوستان هست. بر اساس قرعه کشی ای که انجام شد، آقای احمدی‌نژاد شروع کنندهٔ بحث هستند و آقای موسوی پایان دهندهٔ بحث‌ها. آقای احمدی‌نژاد، قاعدتاً هرکسی دارای دغدغه هایی است. مهم‌ترین دغدغه هایی که باعث شده شما در صحنه باشید چیست؟

احمدی‌نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم عجل لولیک الفرج و العافیهٔ و النصر و اجعلنا من خیر انصاره و اعوانه والمستشهدین بین یدیه. من ابتدا خدای بزرگ را شاکرم که فرصت داد تا یک دوره در خدمت ملت عزیز ایران باشم و از مردم خوبمان به خاطر همهٔ حمایت‌ها و بزرگواری ها و همراهیشان تشکر می کنم. آرزو می کنم که ملت ایران همواره سربلند باشد. یاد امام عزیز، شهدای بزرگوار، ایثارگران، جانبازان و آزادگان را گرامی می‌داریم که راه سربلندی را در برابر ما قرار دادند و امروز هرچه داریم از آنهاست.

انتخابات، عرصهٔ بسیار مهم سرنوشت است. انتخابات در کشور ما فقط انتخاب یک فرد نیست، بلکه انرژی گرفتن ملت برای پرش های بلند به سمت قله‌های عزت و پیشرفت است. فضای انتخابات باید فضای پرشور و نشاط باشد فضای انتخابات باید سرشار از منطق، دوستی ها، هم افزایی ها و برادری ها باشد. من می‌خواهم در ابتدای عرایضم گله بکنم از برخوردهای بسیار غیرمنصفانه و ظالمانه، بلکه دروغ پردازی های بزرگ و تخریب بی سابقه ای که علیه یک دولت انجام شده است و در طول تاریخ بعد از انقلاب، چه در طول دوران یک دولت، چه در ایام انتخابات این قدر هجمهٔ سنگین علیه دولت نداشته‌ایم. به نظرم، علت آن این است که دوستانی که تصمیم گرفتند وارد عرصه شوند،

احساس کردند که در هیچ‌یک از عرصه‌های مثبت و سازنده قدرت رقابت با این دولت را ندارند؛ به‌خصوص در عرصهٔ خدمات گستردهٔ دولت که بی‌نظیر بود. درهر بخشی که ما وارد می‌شویم، در مقایسه با دولت‌های قبل، گرچه آنها هم خدمات ارزشمندی را داشته‌اند، کار دولت به اندازهٔ چند دولت بوده است، به‌خصوص در عرصه بین‌الملل متأسفانه پیروزی‌های بزرگ ملت را هم انکار کردند. خدمات دولت را به طور مطلق منکر شدند. ای کاش به جای این‌همه تخریب و این تبلیغات سنگین و بی‌سابقه یک برنامه‌ای ارائه می‌شد. متأسفانه در تبلیغات انتخاباتی به ملت بزرگ ایران توهین شد که من بسیار متأثر شدم. ما چرا باید مردم را از خودمان ناامید کنیم؟ چرا باید آن قدر خودمان را شیفتهٔ قدرت نشان بدهیم؟ من شخصاً علاقه‌مند به ورود به این بحث‌ها نبودم. چهار سال تحمل کردم و از همهٔ توهین‌ها و افترائاتی که به خود من شد و نسبت داده شد، گذشت کردم. الآن هم می‌گذرم. بارها اعلام کرده‌ام که من همه را بخشیده‌ام، اما از توهین به مردم و توهین به انتخابات مردم، از توهین به فهم و شعور مردم و منافع مردم نمی‌توانم بگذارم. اجازه ندارم و مردم این اجازه را نمی‌دهند که وقتی که حیثت آنها مورد هجوم قرار می‌گیرد، یک خادم آنها گذشت کند. در دیدارهایی که من با مردم دارم، در شهرهای گوناگون اقشار گوناگون به طورگسترده از من می‌خواهند که از حق آنها دفاع کنم، از موضع آنها دفاع کنم، من باید ریشهٔ این بداخلاقی‌ها، این جفاها، این فریب‌ها را به مردم بگویم، قبلاً هم وعده کرده بودم که بگویم. باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست، تنها آقای موسوی نیست، بلکه سه دولت پی‌درپی در برابر بنده قرار گرفته‌اند، هم آقای موسوی است، هم آقای هاشمی است، هم آقای خاتمی که این سه درگذشته باهم بودند. در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی از آقای هاشمی حمایت کرد. در واقع اینها همه با هم بودند.

از روز اولی که این دولت تشکیل شد، هجوم‌ها بود برای ضربه زدن. البته مردم اینها را می‌دانند، اما باید جوان‌ها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم، در برابر یک مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و آقای خاتمی

علیه بنده حرکت کردند. علت این فشار سنگین به بنده در طول چهار سال و فشارهای سنگین‌تر در ایام انتخابات به نظر من به یک مسئله برمی گردد به اینکه در این سه دوره یک ساختار اداری و حلقه‌های مدیریتی شکل گرفت که از مسیر انقلاب و ارزش‌های انقلاب فاصله گرفت. نه اینکه در این سه دوره خدماتی نشده، چرا شده، اما آرام آرام یک جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملت، مالک انقلاب حاکم بر مردم می‌دانست و دست خودش را در بیت المال و مسائل کشور بازمی دید. آنها در انتخابات قبل صف آرایی کردند اما ملت بر آنها غلبه کرد. در طول این چهار سال تلاش کردند که دولت را ناموفق کنند و ناموفق جلوه بدهند و بشکنند، اما خدای متعال عنایت کرد و با حمایت مردم تا اینجا آمدیم. در انتخابات قبل از داخل و خارج از رقیب من پشتیبانی و به او کمک شد.

در همان اوایل این دولت آقای هاشمی پیغامی برای یکی از این پادشاهان حاشیهٔ خلیج فارس فرستاد که شما نگران نباشید، ظرف شش ماه این دولت ساقط می شود که بعداً افرادی رفتند توضیح دادند و مسئله تا حدودی حل شد. معنای این حرف به روشنی طراحی های گسترده علیه این دولت را میرساند، در حالی که این دولت در خدمت مردم در مدت کوتاه چهار سال به افتخارات بزرگ در عرصه‌های داخلی و جهانی به وجود آورده که البته کار ملت است. می بینید امروز ملت بانشاط است. ظرفیت های ملت در حال شکوفایی است در عرصه‌های علمی، در عرصه‌های فناوری در عرصه‌های سیاسی و به خصوص در سیاست خارجی، امروز ملت ایران عزیز است و عزیزترین ملت هاست، اما همه اینها نادیده گرفته می شود و سنگین ترین دروغ ها و تهمت ها در طول چهار سال، به خصوص در سه ماههٔ اخیر، من البته آقای موسوی را دوست دارم و همیشه هم به ایشان احترام گذاشته ام، اما این اتفاقی که در این سه ماه افتاده، برای من قابل توجیه نیست.

جناب آقای موسوی، برای اینکه متوجه شویم در کشور مشکل هست و اعتیاد هست، ما نیاز نداریم که برویم یک بازیگر را بیاوریم در اتوبوس تا بفهمیم اعتیاد هست. شما چند تا سفر کردید تا متوجه شدید که در کشور مشکلات هست؟ آیا این مشکلات در آن چهار سال ایجاد شده است؟ پس ۲۴ سال چی؟ یعنی یک گلستانی را دوستان جناب عالی و متحدان

جناب عالی به بنده تحویل داده‌اند و بنده این را تبدیل کرده‌ام به یک خرابه و هیچ اتفاق مثبتی هم نیفتاده است؟ تازه معلوم شده که بنگاه‌ها مشکل دارند؟ تازه معلوم شده که بیکاری هست؟ شما چهارتا شهرستان، شما چهار تا استان رفته‌اید، بنده همهٔ ایران را دیده‌ام. اگر بنا باشد از مشکلاتی که مردم دارند، صحبت کنند، اگر تمام وقت این مناظره را هم اختصاص بدهیم، باز وقت کم می‌آوریم، تازه معلوم شده است؟ در گذشته ما بیکاری نداشتم؟ اعتیاد نداشتیم؟ کارگاه‌ها مشکل نداشته‌اند؟ مشکلات اقتصادی نبود؟ مشکلات کشاورزی نبود؟ مشکل صنعت نبود؟ همهٔ اینها در این دوره به وجود آمده است؟ ای کاش شما برنامه‌ای ارائه می‌دادید.

مجری: آقای احمدی‌نژاد...

احمدی‌نژاد: یک جمله تمام.

مجری: بله.

احمدی‌نژاد: من به شوخی در یک جایی گفتم که خوب شد که من هم داوطلبم، والا این سه عزیزی که امروز کاندیدا هستند، چی می‌خواستند به مردم بگویند. این جمله را هم بگویم که در همین عرصهٔ رقابت هم رقابتی بین چهار نفر نیست، سه نفر علیه یک نفرند. همهٔ حرف‌ها، حتی مناظرهٔ دیشب، مناظره نبود، علیه یک نفر بود. به نظرم این فاقد منطق است.

مجری: آقای احمدی‌نژاد، اگر ...

احمدی‌نژاد: ما باید بیاییم بر مبنای عدالت و منطق کار کنیم.

مجری: متشکرم. آقای موسوی بفرمایید.

موسوی: بسم الله الرحمن الرحیم. من از همهٔ بیننده‌ها و تماشا کننده‌ها تشکر می کنم و صحبت‌های خوبی هم مطرح شد که بنده به صورت روشمند می‌خواهم با آنها برخورد کنم. اولاً بنده دوست داشتم که آقای احمدی‌نژاد موفق باشند در کارشان و بنده وارد این عرصه نشوم و اگر چنین اعتقادی پیدا می کردم، قطعاً برخودم لازم می دیدم که درآن کاری که هستم، باشم و وارد این عرصه نشوم. دو سه تا نکته می‌گویم و به اصل قضیه می پردازم. آقای هاشمی و آقای خاتمی اشخاص بزرگی هستند که خودشان با آقای دکتر باید مناظره

کنند و جواب هایشان را بدهند و بنده طی مشکلاتی که با دولت دارم و به خاطر خطری وارد این صحنه شدم که در مورد آنها صحبت خواهم کرد و وارد دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی نخواهم شد. چهار سال از این مدتی که ایشان می فرمایند مربوط به دورهٔ بنده است و دورهٔ حضرت امام که راجع به آنها، اگر لازم باشد، توضیح خواهم داد. کلاً من همیشه ایران را دوست داشتم و این عشق فکر می کنم که با همهٔ ما قرین است. من فکر نمی کنم که هیچ ایرانی به ایرانیت خودش افتخار نکند و نگران آیندهٔ ایران نباشد و نگران به اصطلاح مشکلاتش نباشد. همه دلشان می‌خواهد ایران را بزرگ و سرافراز بینند. ما دوست داشتیم که ایران نقشی داشته باشد به عنوان قدرت اول منطقه در همهٔ شئون علمی و اقتصادی آبرویی داشته باشد و برای همهٔ جهان الگویی باشد. اصلاً برای همین قضیه انقلاب کردیم، برای اینکه ایران اسلامی بزرگ و تأثیرگذار باشد و بتواند به اصطلاح در جهان اثرگذار باشد و پیام خود را به همهٔ جهان برساند. منتهی در برخورد با حل مسائل کشور برای اینکه ما ایران را به جایگاه واقعی خودش برسانیم من احساس می کنم که دو نوع می شود روبه رو شد و دو نوع مدیریت می‌توان داشت یک مدیریتی هست که بر اساس ماجراجویی یا بی ثباتی است، رفتارهای نمایشی و قهرمان نمایی و شعاری است، خیال بافی و خرافه گرایی، و خلاف گویی و پنهان کاری است، خودمحوری و قانون گریزی، سطحی نگری و روزمر گی و افراط و تفریط است. من بقیهٔ بحث‌هایم را در این چارچوب پیش خواهم برد. موردی هم هست که بر اساس متانت و رفتارهای منطقی و کارشناسی شده، واقع بینی و خرافه ستیزی، شفافیت، صداقت، قانون‌گرایی و اتکا به خرد جمعی، دوراندیشی و آینده نگری و اعتدال و میانه روی کار کنیم. ما اگر می‌خواهیم ایران نیرومند داشته باشیم، من فکر می کنم که رفتار دوم متناسب تر است، یعنی ما براساس آن عمل باید بکنیم. خب، در اینجا بحث است به اصطلاح که برنامه شد که حالا برنامه نوشتم و ادامه دادم و فکر می کنم که بنده سه تا به اصطلاح برنامهٔ مناظره دارم که مورد علاقهٔ مردم است و اینها را مکمل همدیگر می‌دانم. برعکس آقای احمدی‌نژاد، فکر می کنم که اینها برای ما می‌تواند فرصتی باشد که به تدریج هم برنامه‌هایم را بگویم، هم نقطه نظرهایم را.

آن چیزی که در این جلسه مهم است بگویم، انگیزهٔ اصلی بنده است که برای چه آمدم به صحنه. حقیقتش این است که بنده درمورد آیندهٔ کشور احساس خطر کردم، با این مدیریتی که حاکم است؛ و چون بحث از سیاست خارجی شروع شد، من مستقیم به سیاست خارجی می پردازم، بعد به مسائل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می پردازم. من موردی هم صحبت خواهم کرد، مورد به مورد به قول معروف که قابل لمس برای همهٔ مردم ما باشد و کلی صحبت نخواهم کرد. نمونه نشان خواهم داد.

یکی از مشکلات ما عدم تناسب شعارهایی است که داده می شود، با عمل، شعارها بیشتر جنبهٔ اسطوره پردازی دارد و به نظر من به مقدار زیادی خیال پردازی در مورد آیندهٔ جهان است، مثل اینکه آیندهٔ کشورهایی در حال فرو ریختن است، تمدن دارد از بین می‌رود و یا اینکه ما جهان را مدیریت می‌کنیم و امثال اینها، پشتوانهٔ عملی اش به نظر من هیچ چیز نیست. مثال می زنم، چهار پنج تا مثال می زنم: مسئلهٔ آزادی ملوان های انگلیسی، ملوانان انگلیسی به حوزهٔ ما تجاوز کردند. نیروهای ما سررسیدند. آنها را دستگیر کردند. کار افتخارآمیزی کردند و باید مورد تأیید قرار می گرفتند و بعد بلافاصله بر اساس همین چارچوبی که اشاره کردم، ما اول گفتیم که اینها باید اعدام شوند که چرا آمده‌اند در سرزمین ما و یک بحران بزرگ جهانی ایجاد کردیم. بعداً هم تصمیمم گرفتیم که به تنشان کت و شلوار بپوشانیم. بعد رئیس جمهور ما که مسئولیتش و موقعیتش و منزلتش متعلق به خودش نیست و متعلق به مردم است، متعلق به شماست، آمد از آنها خداحافظی کرد و به اصطلاح با یک مراسم که برای سران کشورهای دیگر انجام می دهیم، آنها را راه انداختند و رفتند، بعد از نهیبی که ما از انگلستان داشتیم. آیا این عزت ملت ما را حفظ کرد؟ من فکر می کنم، نه. این جور چیزها هم خسارت می‌آورد، هم از نظر امنیت ذهنی مردم ما، هم از نظر عزت آنها، مردم را مغبون می کند و همین که سیاست خارجی ما را دچار یک فراز و نشینی می کند که نمی‌توانیم با هزینه هایی که می پردازیم، مشکلاتمان را حل بکنیم. بعد یک مسافرتی رئیس کشورمان داشتند به عراق، بدون اینکه معلوم شود از کجا وچگونه ایشان مطرح کردند که مرا می‌خواهند بربایند، مرا می‌خوا هند بگیرند. این هزینه ایجاد می کند. چطور

آمریکایی‌هایی که باید میربایندند، همان آمریکایی‌ها بنزین هواپیمای دولتی ما را در آنجا ـ به اصطلاح تأمین کردند و بعد ما در عراق رفتیم در منطقهٔ خضرا، منطقه‌ای که تحت تسلط آمریکایی‌هاست، آنجا ملاقاتمان را کردیم، بعد هم با سربازان آمریکایی هم عکس گرفتیم و برگشتیم. همین مسئله در ایتالیا هم چیز شد، باز هم گفتیم که ما را می‌خواهند بربایند. من می‌گویم که آیا ما باید تصورات خودمان را این قدر گسترش بدهیم که در حوزهٔ سیاست خارجی ما که مربوط به صحنهٔ منافع ملی ماست، این را گسترش بدهیم که آیا می‌تواند مشکلاتمان را حل بکند یا مشکل ایجاد می کند یا برای ما هزینه های گزافی را به بار می‌آورد. بعد مسئلهٔ عربستان پیش می آید، آن طوری که بارها گفتند و بنده باواسطه هم شنیده‌ام و آنقدر هم گفته شد که از آنجا من قدیم هم بالاخره مسئولیت داشتیم ـ خیلی مهم است که چگونه از آدم دعوت بکنند و چگونه به یک مسافرتی برود و ما از این طرف پیغام دادیم که ما را بخواهید، ما را دعوت کنید، ما فلان بکنیم و همهٔ دوستانی که در وزارت خارجه و در جاهای دیگر هستند و از ملک عبدالله هم بنده نقل قول به واسطه دارم در مورد همین خواست ما که از ما دعوت شود که آنجا برویم و وقتی که ما می‌رویم آنجا، حالا نتایجش گرد شده، باید نتیجه ای بدهد. برای یک مسافرتی که چند دفعه رفتیم آنجا و برگشتم، یک نتیجه باید بگیریم که این وضعیت زوار ماست که آیا رابطهٔ ما با عربستان بهتر شده یا بدتر شده. بعداً آمدیم از قول رئیس آن کشور بر علیه وزیر امور خارجه اش یک صحبتی کردیم که با بخش قابل توجهی از آن خاندان و آن وضعیتی که در عربستان هست، برای کشور خودمان مشکل ایجاد کردیم. ما می گوییم چرا این هزینه ها را ما ایجاد می‌کنیم، به حساب کسی این کار را ما می‌کنیم که آیا این اثرش کم زیاد است. به نظر من این به اصطلاح چیز است. بعداً ما بارها شنیدیم که معتقد هستیم که آمریکا شکست می‌خورد، دارد از بین میرود. خُب، اگر اینجوری است، چرا چهار مرتبه مسافرت کردید به آنجا؟ چرا دو تا نامه نوشتید به آنجا؟ چرا دائم مثلاً به دنبال این هستید که به شکل خاصی، مثلاً با آن رئیس جمهور سوئیس رفته صحبت کرده در مجلسش و فکر نمی کنم که یک کسی این چنین ریسک کند و دروغ بگوید که گفته شد از ما خواسته شده که به اوباما گفته شود

که قبل از انتخابات با ما صحبت شود و مسئلهٔ رابطهٔ آمریکا و ایران به نوعی مشکلاتش حل شود یا گفتگو شروع شود. خُب، آیا این به نفع کشور ماست؟ آیا به نفع ماست؟ من تندتند می گویم، برای اینکه یک سرفصل هایی بدهم. ایشان صحبت از سیاست خارجی‌شان شد. اتفاقاً ما در زمینهٔ سیاست خارجی هم عزت ملت خودمان را مخدوش کردیم و به آن لطمه زدیم، آبروی کشور خودمان را بردیم و به آن لطمه زده، توسعهٔ داخلی کشور خودمان را دچار مشکل کردیم. تنش وسیع با کشورهای دیگر ایجاد کردیم.

مجری: آقای موسوی، اگر...

موسوی: بله، یک دقیقهٔ دیگر می گویم و از حساب من کم می کنید دیگه ظاهراً دیشب هم همین کار را می کردید.

مجری: دور اول قرار شد، فقط دو تا ۱۰ دقیقه بشود، اگر کوتاه‌تر، ممنون می شوم. مسئلهٔ هولوکاست، هولوکاست را ما آمدیم مطرح کردیم، و دوباره در بعد از اینکه خسارت هایی دیدیم، ازمجمع عمومی مصوبه گذراندند که دیگر این مسئله جرم شد که کسی راجع به هولوکاست صحبت کند. از شورای امنیت چیزی گرفتیم. و اخیراً در مسئلهٔ سوئیس که آن ماجرا پیش آمده. واقعاً اگر تصویرش را اگر نمی دیدم، باورم نمی شد که تا این اندازه به رئیس جمهور ما اهانت شود. رئیس جمهور ما مظهر ملت ماست، مظهر کشور ماست. ایشان نباید راضی باشد. من در بندهای بعدی صحبتم و خاطره هایی از حضرت امام ذکر می کنم که چقدر به این حیثیت جمهوری اسلامی در این زمینه‌ها حساس بوده. بعداً آمدیم آن را به عنوان حماسه مطرح کردیم. چرا؟ چه حماسه ای؟ جز اینکه یک مصوبهٔ دیگر برای هولوکاست آنجا دادند، جز اینکه به اصطلاح یک کم اروپا رابطه اش با اسرائیل بد شده بود، به خاطر جنایات غزه، به دلیل این صحبت‌ها آمده پشت سر اسرائیل قرار گرفت؟ ما کجا توانستیم تأمین منافع خودمان را در سطح جهان داشته باشیم؟

مجری: بله...

موسوی: و حالا شما می گویید ده دقیقه تمام شده.

مجری: متشکرم. الآن دیگر یازده دقیقه.

موسوی: بنده بقیهٔ بحثم را که طولانی است باز هم ادامه می دهم.

مجری: خیلی متشکرم. آقای احمدی‌نژاد.

احمدی‌نژاد: خیلی متشکرم. آقای موسوی، فکر می کنم اگر تمام قضاوت‌های شما براساس این استنادات باشد، باید یک تجدیدنظر جدی بکنید. من دوستانه به شما می‌گویم، به شما علاقه‌مند هستم. این جور قضاوت بر اساس اطلاعات غلط، این خُب خیلی بد است. ملوانان انگلیسی دستگیر شدند. خُب ماجرا اوج گرفت. آقای بلر کتباً نامه داد و عذرخواهی کرد و گفت ما سیاست‌هایمان را در رابطه با ایران عوض خواهیم کرد. این سند الآن در وزارت خارجه موجود است. بعد هم ما تفکیک کردیم. به نظر من یکی از زیباترین کارهای جمهوری اسلامی برخورد با ملوان ها بود. آنها بیست و هفت ـ هشت سال بود، از جمله در دورهٔ خود آقای موسوی، ما را ضد انسان، ضد حقوق بشر، خشن، گروگان گیر معرفی می کردند. آنجا ما آمدیم مردم انگلیس را از دولت انگلیس جدا کردیم. این کار به نظر من بهترین کار بود. در موضوع عربستان برخلاف حرف آقای موسوی که من نمی دانم از کجا این اطلاعات را می آورد، در نشست اوپک که ما رفته بودیم، آقای ملک عبدالله ابتدا به ساکن قبلاً به من گفته بود ـ در سال قبل گفته بود که بیایید مکه، من دعوت می کنم بیایید. در نشست سران اسلامی من گفتم نه من الآن اینجا آمده‌ام و فرصت ندارم، اول دولت است. در اوپک ایشان به من گفت اگر دعوت بکنم، می آیی مکه، گفتم بله، اگر شما دعوت بکنید من می‌آیم و دعوت هم فقط برای حج بود، نه سفر سیاسی آن چنانی که انتظار داشته باشیم. ضمن اینکه خوب بود آقای موسوی تصاویر را ببینند که وقتی ما وارد مطاف شدیم، چه موجی در کل مسلمان‌ها درست شد، چه سخنرانی ها، تظاهرات‌ها و فریادها و اظهار محبت‌ها به ملت ایران کردند. در موضوع هولوکاست خیلی جالب است، همین عربستان رابطهٔ ما الآن چه جوری است و رابطهٔ آقای موسوی چطور بود. من نمی خواهم بگویم. در دورهٔ جناب آقای موسوی از گذرنامه و فرودگاه ایشان چه بردند آنجا و دستگیر شد؛ و چه بساطی علیه کشور راه افتاد. اما همین مقدار می‌گویم که رابطه ما با آنها قطع شد. یعنی در دورهٔ آقای موسوی جوری عمل کردند که رابطه با عربستان از

اساس قطع شد من تعجب می کنم، حالا ایشان نگران رابطه با عربستان هستند. بله، ما هم نگران هستیم. کی دائماً مقاله می نوشت و برخوردهای تند می کرد؟ جمعی از دوستانی که الآن در مشارکت اند و الآن در ستاد جناب آقای موسوی فعالیت می کنند. اینها اصلاً اعتقاد نداشتند.

در موضوع فلسطین اشغالی خوب است که آقای موسوی ذهنشان را ببرند و مواضعشان را مرور کنند. جناب آقای موسوی صریحاً اعلام کردند که ما نیروی نظامی می فرستیم تا در کنار مقاومت فلسطین علیه اشغالگران بجنگند. ایشان اعلان کردند که باید رژیم صهیونیستی محو بشوند. اما آقای موسوی، اگر ما بخواهیم وارد این جزئیات بشویم، از مسیر منحرف می شویم. دیپلماسی عمومی امروز پیشرفته ترین و علمی ترین کار دیپلماسی است. وقتی دشمن مواضع اصلی دنیا را گرفته، ما اگر بخواهیم برویم در میدان آن بازی کنیم، که حتماً شکست خورده‌ایم. همین کاری که در دورهٔ هاشمی اتفاق افتاد و شما حمایت کردید و دورهٔ آقای خاتمی اتفاق افتاد حمایت کردید. ما آمدیم خارج از فرمولی که قدرت های بزرگ طراحی کردند، وارد شدیم، و این آموزهٔ امام است امام هیچ گاه قبول نکرد. فرمول های آنها را، اگر می پذیرفتیم، نباید انقلاب می کردیم. در موضوع هسته‌ای حتماً شما اطلاع دارید، روشی که در دولت قبل به نام تنش‌زدایی در پیش گرفته شد، به جایی رسید که تمام تأسیسات هسته‌ای ما به‌طور کامل تعطیل شد و دوتا قرارداد به ملت ما تحمیل شد، یکی پروتکل الحاقی، بدون مصوبهٔ مجلس و بر خلاف قانون اساسی و در ترتیبات اجرایی در پروتکل الحاقی مأمورین آژانس آزادند هر لحظه‌ای از هر نقطهٔ ایران بازدید کنند. هدف چیست؟ هدف این است که قدرت دفاعی ما را کشف کنند و بدهند به دست دشمن و در ترتیبات اجرایی یک بندی آوردند که هر اندیشه‌ای و هر طرحی که در ذهن دانشمندان ما در موضوع هسته‌ای می گیرد و قبل از هر اقدام باید مأمورین آژانس را مطلع کنند. سنگین‌تر از این تحمیل بر ملت نمی‌تواند باشد، در حالی که طبق NPT ما می‌توانیم هر فعالیتی بکنیم. ۱۸۰ روز قبل از غنی سازی باید اطلاع بدهیم. تأسیسات تعطیل شد. همهٔ تأسیسات پلمپ شد. دو قرارداد پذیرفته شد. در همان فاصله جناب

آقای موسوی، جهت اطلاع حضرت عالی می گوییم، هفت قطعنامهٔ شورای حکام علیه ما صادر شد، در حالی که عقب نشینی مطلق بود قطعنامه شورای حکام به لحاظ حقوقی بسیار مهم‌تر از قطعنامهٔ شورای امنیت است. قطعنامهٔ شورای امنیت سیاسی است و اعتبار حقوقی ندارد اما قطعنامهٔ شورای حکام حقوقی است و ما را ملزم می کند که کارهایی را انجام بدهیم.

تمام ادعاهای آژانس در شش سر فصل در دورهٔ این دولت حل و فصل شد و ما نامه‌اش را از آژانس داریم که گفتند آقا مسائل اساسی ما حل شده است. در وسط این بحثها آمریکایی‌ها یک ادعایی کردند. آنها دارند این را دنبال می کنند که ما هیچ‌وقت آن را به رسمیت نشناختیم. در سعدآباد، در بروکسل، در پاریس چه گذشت؟ جناب آقای موسوی، امروز ما هفتگی شدیم برای سه سانتریفیوژ. شما صورت مذکرات را بخوانید. چقدر از این ور خواهش می شود؟ امروز بیش از هفت هزار سانتریفیوژ دارد می چرخد. آقای بوش بعد از این همه همکاری در افغانستان و هسته ای اعلام کرد ایران محور شرارت است. توجه می کنید؟ آنجا آبروی ایران نرفت؟ ایران را تهدید کرد به حملهٔ نظامی، اما امروز چه؟ همان آقای بوش در اواخر عمر حکومتی اش اعلام کرد ما به دنبال براندازی ایران نیستیم و آقای اوباما به صراحت اعلام کرد ۲۷ سال در دورهٔ جناب عالی، جناب آقای هاشمی و جناب آقای خاتمی، آمریکا به دنبال براندازی بود. امروز رسماً اعلام می کند ما دنبال براندازی نیستیم. و کدام سیاست خارجی موفق بود و کدام ذلت آفریده؟ کدام سیاست خارجی استقلال ما را حفظ کرده و کدام بیشتر امتیاز داده و دستاوردی نداشته است؟ ۱۵ سال اروپایی‌ها می گفتند می‌خواهیم با ایران گفتگوی انتقادی کنیم هر روز می آمدند می گذاشتند وسط میز که آقا ایران حقوق بشر را رعایت نمی کند. بنده دو تا سؤال کردم راجع به هولوکاست. با دو تا سؤال تمام نظام حقوق بشری نظام غرب زیر سؤال رفته، آنها دارند فریاد می زنند. من تعجب می کنم اسرائیلی ها فریاد می زنند، غربی‌ها هم فریاد می زنند، بعضی دوستان هم می‌گویند آبروی ایران رفت. چطور آبروی ایران رفت؟ ما نباید بنشینیم دشمن بیاید در خانهٔ ما، بعد شروع کنیم با او مواجهه کنیم و مواجه شویم.

امروز تهدید برای همیشه از ایران برطرف شده است. البته همهٔ اینها به همت ملت بزرگ، ایستادگی ملت بزرگ، فداکاری ملت بزرگ، رهبری عزیز و عنایات حضرت ولی عصر(ع) بوده است. من تعجب می کنم. آقای موسوی یک سفر خارج از کشور بروند بینند دولت‌ها و ملت ها چه جوری از ایشان استقبال می کنند. در دورهٔ خود ایشان، ایشان چندتا مسافرت خارج از کشور رفت؟ آن موقع ایران سرافکنده بود. نمی خواهم بگویم ایران سرافکنده بود. آن موقع هم ما عزیز بودیم، اما از دید قدرت های بزرگ، نه. اگر نگاه جناب عالی، آقای موسوی، این است که ما باید سعی کنیم چهارتا قدرت بزرگ را راضی کنیم، این برخلاف نظر امام و خلاف منطق ایران و استقلال ما است؛ اگر نه ما باید با توده‌های وسیع ملت ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشیم، در چهار سال بیش از ۶۰ رئیس دولت به ایران سفر کرده‌اند. در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته. ما عزیز نیستم؟ همه آمده‌اند از ایران حمایت کرده‌اند. ۱۱۸ عضو جنبش عدم تعهد از هسته‌ای ما حمایت کرده‌اند.

مجری: آقای احمدی‌نژاد ۱۰ دقیقه اگر...

احمدی‌نژاد: اجازه بدهید من دوسه دقیقه از وقت من کم کنید.

مجری: خواهش می کنم.

احمدی‌نژاد: من حالا اینجا می‌خواهم بگویم، جناب آقای موسوی، بنده به شما علاقه‌مندم، ولی شما می‌گویید نگران هستید. من از شما سؤال می کنم: در زمان آقای هاشمی تورم ۴۹/۵ درصد شد؛ ۴۹ میلیارد دلار استقراض خارجی کردیم؛ بحران‌های اجتماعی بسیاری از شهرهای بزرگ ما را دربرگرفت؛ عدهٔ زیادی کشته شدند؛ شما احساس نگرانی نکردید؟ وقتی که تحریم شد، آقای کلینتون ۲۰ میلیون دلار گذاشت هر شرکتی بالای ۲۰ میلیون دلار با ایران قرارداد نفتی ببندد، تحریم می شود؛ تورم ۴۹/۵ درصد شد، شما نگران نشدید؟ وقتی در۱۸ تیر جریان برانداز شروع کرد و می‌خواست تهران را بگیرد وحرکت کند به سمت مرکز حکومت، علناً اطلاعیه دادند و از بیرون کشور هم حمایت شدند، به قول خودشان می‌خواستند انقلاب مخملی راه بیندازند، شما نگران نشدید؟ وقتی که در مجلس شورای اسلامی، در مجلس ششم تحصن کردند، از همان جا

با کنگرهٔ آمریکا تماس گرفتند که آقا بیایید کمک کنید، شما نگران کشور نشدید؟

مجری: آقای احمدی‌نژاد، اگر کوتاه...

احمدی‌نژاد: امروز از وقتم بگذارید، بالاخره ۴۵ دقیقه باید صحبت کنم. عیب ندارد، بالاخره حالا ۲ دقیقه بالاتر... شما نگران نشدید؟ امروز می گویید چرا گفتیدهولوکاست. من از شما سؤال می کنم که چرا نباید بگوییم هولوکاست. ما باید بنشینیم اروپایی‌ها بیایند راجع به حقوق بشر ما حرف بزنند یا ما باید بگوییم شما آزادی ندارید، استعمار دارید می کنید، ملت ها را دارید خفه می کنید. سیاست خارجی این دولت سیاست برآمده از متن مردم، متن خط امام و عزت آفرین است. می بینید دنیا الآن به نفع ایران است. چطور شد که عقب نشینی کردند؟ امروز مسئلهٔ هسته‌ای ایران را نگاه کنید. در دنیا، درحالی که یک روزی اینجا به ما می گفتند خط قرمزتان را بگذارید شورای امنیت. شورای امنیت هم رفت. چه کار کردند؟ تحریم کردند. الآن چه‌کار می‌توانند بکنند. اصلاً مگه می شود از موضوع نرمش در برابر مستکبرین حرف زد. در همین تهران، آقای موسوی، مقاله نوشتند که دوران امام تمام شده است. شما اعلام کرده‌اید شما سکوت کردید، دولت وقت از آن مقاله‌نویس حمایت کرد، شما سکوت کردید و امروز می‌گویید که از مسیر امام انحراف اتفاق افتاده و نگران شده اید.

مجری: آقای احمدی‌نژاد ...

احمدی‌نژاد: من به شما علاقه‌مندم، حال نمی‌توانم از اتهامات بی‌اساس که به ملت زده می شود، ازتوهین هایی که به یک ملت می شود، بگذرم.

مجری: متشکرم. آقای موسوی بفرمایید.

موسوی: صحبت خط امام شد. من یک خاطره ای از حضرت امام نقل می کنم. یک موقعی اسرائیلی ها آمدند و به جنوب لبنان حمله کردند و در داخل کشور همه به این اتفاق رسیدند که ما باید نیرو بفرستیم و به اصطلاح اسرائیلی ها را بیرون کنیم و کنار لبنانی ها بجنگیم، اتفاق کامل. شهید همت هم قرار شد که رئیس لشکرهایی باشه که بفرستند. نیروهای پیشی هم فرستادند که لبنان بررسی کند که این نیروهای ما کجا مستقر شوند. شبی که قرار بود

فردایش این نیروها فرستاده شوند، من یادم است که جلسهٔ رؤسای سه قوه بود و شهید همت هم آمده بود. مرحوم حاج احمدآقا آمدند و یک سری از بحث‌ها را شنیدند. فرمودند که امام فرموده اند راه قدس از کربلا می گذرد؛ یعنی شما بپردازید به جنگتان، چه کار دارید به لبنان که نیرو بفرستید به آنجا. راه قدس از کربلا می گذرد. ما بحثمان با دولت سر همین قضیه است. ما می‌گوییم که نظام تصمیم گرفت که بگوید برای اینکه با هنجارهای بین المللی سازگار باشد، ولی هدف خودش را هم دنبال بکند، در مورد اسرائیل فقط این گفته شود که ما موافق این هستیم که همهٔ مردم به اسرائیل، فلسطین جمع شوند، حتی آنهایی که بیرون از کشور مهاجرت کرده یا رانده شده اند، اینها هر کس یک رأی از یهودی، مسیحی، مسلمان رأی بدهند و سرنوشت خودشان را تعیین بکنند. این کاملاً با هنجارهای بین المللی هم سازگار است، جاهای دیگر هم عمل شد.

بعد از جنگ های استعماری زیاد این کار عمل شد و اصلاً ماهیت حکومت عوض شد، دگرگون شد، ما وقتی که به اجتهاد خودمان بنا بر تندروی خودمان افراط گری خودمان از این فراتر می‌رویم.

در موقعیتی که بیست سال این شعار به همین شکل داده می شود ما می آییم از این فراتر می‌رویم. همین جاست که مصیبت ایجاد می شود، یعنی موضعی می گیریم که عوض اینکه اسرائیل را منزوی کنیم، بیشتر او را در معرض مظلومیت قرار می دهیم. در همین دوربان سوئیس مسئله‌ای که ایجاد شد، اروپایی‌ها بعد از کشتار غزه در مقابل اسرائیل بودند و داشتند قطعنامه صادر می کردند و موضع داشتند، به خاطر موضع گیری ما، به دلیل استفادهٔ ما در آن چیز که... لطماتی به ما خورد و حیثیت ما لطمه خورد. همه شان پشت اسرائیل جمع شدند. ای پک که بزرگ ترین نهاد صهیونیستی در آمریکاست، وجود این سیاست را برای خودش نعمتی می شمرد. ما داریم همین را می‌گوییم. بر اساس همین چیزی که می‌گویند نباید خیالبافی بکنید. در مورد مسائل ایران نباید خیالبافی بکنیم. واقع بینانه باید عمل بکنیم. با تدبیر باید عمل بکنیم. مشکلی که بنده دارم، سر یک چیزهای درازمدت نیست، سر یک روش‌های اجرایی معمول است. ببینید آیا وزارت خارجه آیا

مأمورین حساس ما و آنهایی که کارشناس اند، این روش را تأیید می کنند یا نمی کنند. بنده یقین دارم که را آنهایی که آگاه هستند، نیروهای متفکر ما چه در دانشگاه‌ها و چه در وزارت امور خارجه این مسئله را تأیید نمی کنند. ما نظیر این یکی دوتا نداریم. بنده یک بحثی کردم در همین چیزهای انتخاباتی هم گفتم ما در هر روش یا زمینهٔ افراط داشته باشیم، به دنبالش تفریط هم خواهیم داشت. ما می آییم این صحبت تند را راجع به اسرائیل می‌کنیم، هولوکاست را مطرح می‌کنیم، بدون اینکه به فایده و هزینهٔ آخرش بیندیشیم که آیا ما را به نتایج خودمان می‌تواند نزدیک تر کند یا نه. نتیجه اش این می شود که وقتی اوضاع بد شد، معاون ما می آید و می گوید ما دوست مردم اسرائیل هستیم. آن در مقابل این است. آن افراط این تفریط را هم می آورد که او تصورکند که ما دوست هستیم. از این موضوع هم دست بر نمی دارد، مگر اینکه یک تشری به او آمده باشد که ایشان عقب نشینی بکند و باز ما این فرد را حفظ می‌کنیم. آیا چگونه مردمی که غاصب هستند و تمام سرزمین های فلسطینی را گرفته اند، ما یک دفعه دوست آنها می شویم؟ من می‌گویم که این اظهارنظر در مقابل تفریطی است که ما آنجا کردیم.

شبیه این را گفتم. ما در مسائل سیاسی و اقتصادی داریم که کم نیست و نمونه‌های دیگر هست. خُب، مثلاً، حالا من نمی خواهم راجع به خلیج فارس، قطررفتن، کشورهای امارات رفتن صحبت کنم، که هرکدام از آنها برای ما هزینه های سنگین را بار کرده؛ صرف اینکه ما صحبت کنیم و بگوییم که اینها اثری نداشته که مسائل را حل نمی کند. مردم ما اثرات این سیاست‌ها را می کشند، در عدم امنیت ذهنی خودشان در اقتصادشان در قطعاتی که برای صنعتشان نیاز دارند، در مبادله ای که در جهان دارند در بی‌اعتبار شدن گذرنامه هایشان، در سطح بین‌الملل، در تحقیرشدن ایرانی ها در سراسر کشور. آیا یک دولت در مقابل این مسئلهٔ ایرانیت برای خودش یک مسئولیتی دارد یا ندارد من می گویم در این زمینه دولت بسیار بی اعتنا به این نوع مسائلی است که مربوط به رنج و درد و مشکل مردم است. واقعاً من دلم برای این مردم می سوزد، با این سیاست‌هایی که ما داریم، این بلاهایی که داریم سرشان می آوریم؛ افراط کاری هایی که ما داریم که اینجا را من برمی گردم به آن دید

اول که متأسفانه در سیاست خارجی ما هست. و مسائل دیگری که مطرح شد که گفتند آقای هاشمی مرد بزرگی است که امام نیز خیلی راجع بهش صحبت کرده. ایشان دربارهٔ نقاط ضعف قدرت می‌تواند صحبت کند، ولی به اصطلاح یک کم سن من هم زیاد است، یعنی بالاخره در سیاست قبل از انقلاب هم بوده‌ام، بعد از انقلاب هم بوده‌ام مردم یه کمی چیز دارند، فکر دارند. ما برای اینکه بگوییم که خیلی تنها ماندیم، دو سه تا دوره را به هم پیوند می‌دهیم که سه طرز فکر است که بگویند ما در مقابل این سه طرز فکر هستیم. خُب، مردم کی این را می پذیرد؟ چرا اصلاً این بحث را می‌کنیم؟ خُب، آقای خاتمی آدمی است، یک آدم کمی هم نیست، آدمی که در سطح جهان مطرح است، در سطح کشور مطرح بوده، هشت سال هم رئیس جمهور بود. آقای هاشمی هم همین بود. خُب، ایشان مجال صحبت و گفتگو به آنها دادند. ماشاءالله صدا و سیما که در اختیار دوستان است به طور ظاهر می‌تواند دعوت کنند در یک میزگردی با آنها صحبت کنند و مسائلشان را حل کنند. چه ربطی به بنده عقاید بنده دارد؟ بنده می گویم این سیاست خارجی شما باعث شده که کشور لطمه ببیند، حیثیت ما لطمه ببیند و این شیر به اصطلاح غران ایرانی را در بند کند... هم سیاست‌های اقتصادی شما و هم سیاست خارجی شما. برمی گردم به یک مسئلهٔ دیگر در رابطه با همبستگی ملی. ما چه کار داریم می‌کنیم و چه بلایی سر دانشگاه‌هایمان سر محیط‌های جوانانمان، سر مردممان آوردیم که بنده، هر جا می‌روم، اعتراض است. هرجا میروم، اعتراض؛ هرجا می‌روم، می گویند که به ما اهانت شده. این دانشجوی ستاره دار این کار را کرده، آن یکی را دستگیر کردیم، آن یکی را از دانشگاه بیرون کردیم. خُب، اینها همه‌اش برمی گردد. بنده یک روشنفکر هم هستم و در فرهنگستان هنر هم هستم. فردی می آید پانزده بار کتابش چاپ شده و مجوز از همین دولت گرفته، در چاپ شانزدهم جلویش را می گیرند. آخر دولت حیثیتی دارد، نظام ما حیثیتی دارد. هر دولت باید مقید باشد به امضاهایی که می کند و حرفهایی که می زند سر حرفش باید بایستد. الآن شما خود مردم و خود انتشاراتی ها می‌دانند که چند تا از این انتشاراتی‌ها چند تا بودند و به چند تا رسیده‌اند، چند هزار تا کم شده. چه مشکلاتی دارند. ببینید، یک کارهای می کنند و یک

کارهایی می شود که واقعاً دردناک است و واقعاً آدم را اذیت می کند. بالاخره همهٔ ما یک هویت اسلامی و ایرانی داریم، هویت انسانی هم داریم. شما فکر کنید که یک کتاب فروش بدبخت بیچاره‌ای که با زور بیست سی جلد کتاب چاپ کرده، کافی است که وزارت ارشاد چهار پنج تا از این کتاب ها را در حبس نگه دارد. در چاپ دوم و سومش او ورشکست می شود؛ همین طور که دارند ورشکست می شوند. خُب، این در مقابل نظام قرار می گیرد. علت اینکه این همه هنرمند در مقابل دولت هستند، برای چیست؟ بیاییم بشماریم. بنده اعتقاد دارم که هنرمندان خیلی سیاسی نیستند و در سیاست روز اصلاً وارد نمی شوند، به تنگ آمده‌اند، یعنی در سطح ملی مشکل پیدا کرده‌اند، به دلیل همین سیاست‌ها. و حالا خود روحانیت هم از یک طرف دیگر، رابطه دولت با روحانیت به چه شکل است و مرجعیت چگونه با دولت روبه‌رو می شود، یا مثلاً توهین‌هایی که در آموزش و پرورش به پیامبر اسلام (ص) شد و ما چه واکنشی انجام دادیم و چه کار کردیم. تمام اینها یک نوع بدبینی نسبت به نظام، به دولت ایجاد کرده، به نظام که هیچ کس بدبین نمی شود. خُب، من می‌گویم که آیا دولت نشسته فکر کرده که چرا رابطه اش با روحانیت خراب شده، چرا رابطه اش با روشنفکرها از بین رفته، چرا با جوانان ارتباط خود را از دست داده. بنده هر جا که میروم یک پنج شش نفر هستند که شعار می دهند و جلسه را به هم می زنند و به سر و کلهٔ آنهای دیگر می پرند و تحریک می کنند. بقیه شعار بر علیه این نوع سیاست‌ها می دهند. حالا در رابطه با سیاست داخلی بنده این را یک کمی بازتر خواهم کرد که یکی از کارهایی که دولت می کند، به نظر من بر خلاف نص صریح ماده ۸ است. حضرت امام است که مردم را خودی و غیرخودی می کند، این یکی را خودش جذب می کند، آن یکی را خلاف سلیقهٔ خودش می‌داند، آن را از این جدا می کند؟

مجری: عذرخواهی می کنم. آقای موسوی، ده دقیقه تان تمام شد.

موسوی: بسیار خُب، من صحبتم تمام است.

مجری: من اعلام بکنم خدمت بیندگان عزیز که آقای موسوی تا به حال ۲۱ دقیقه حدوداً صحبت کرده‌اند و آقای احمدی‌نژاد ۲۳ دقیقه. آقای احمدی‌نژاد بفرمائید.

احمدی‌نژاد: خُب، خیلی ممنونم از آقای موسوی. اجازه بدهید باز آن حرفم را تکرار کنم. آقای موسوی، من واقعاً بعضی وقت ها دلم می سوزد که شما اطلاعاتی راجع به ما مطرح می کنید که می‌دانم از روی بی اطلاعی است. من یک موردش را باز می کنم که معلوم شود اطلاعات شما از کجاست. دانشجویان ستاره دار، این ستاره دار از کجا در آمد که آقای موسوی امروز می کوبد تو کلهٔ این دولت و استنادش هم به حرف یک عده‌ای است که من نمی دانم که آن یک عده کی هستند. موضوع ستاره دار در زمان آقای معین درست شد، سال ۸۰، یعنی زمان دوست جناب آقای موسوی که امروز هم از جناب آقای موسوی حمایت می کند. آنها آمدند در دورهٔ کارشناسی ارشد در برابر قبولی ها یک ستاره یا دو ستاره می زدند. یک ستاره یعنی شما در آموزش مشکل دارید، پرونده‌ات کم است، نقص دارد، اشکال دارد، برو بر طرف کن. دو ستاره یعنی شما یک مشکلی در کمیتهٔ انضباطی داشتید، تخلفی کردید، چیزی محکوم شدید، مراعات کنید. این در زمان جناب آقای معین وضع شد و در همان سال اول این دولت منتفی شد و ما نفی اش کردیم و گفتیم آقا این توهین به دانشجو است. و وزیر علوم ما این را برداشت و جالب است که آقای موسوی به‌جای اینکه به دوستانش انتقاد کند، به ما انتقاد می کند. من واقعاً متأسفم. شما چطور این جور قاطع قضاوت می کنید؟ شما میروید، یک عده دور شما جمع می شوند. ما هم می‌ریم، مردم جمع می شوند. دمی‌روز بنده در مشهد بودم. این چند صد هزار آدم اینها مردم این ممکلت نیستند؟ چرا شما خیال می کنید فقط آنهایی که برای شما جمع می شوند، آدم‌اند و مردم ایران‌اند؟ اتفاقاً شما دارید مردم را جداجدا می کنید. اینها را نگاه کنید. من اینها را اینجا آوردم برای اینکه مشاهده کنید. شما فرمودید کتاب؛ بله، بنده با شما هم‌نظرم. نامه هم نوشتم به وزیر ارشاد و تذکر هم دادم. آمارهای ما هم نشان می دهد که نسبت به دوره های آقای هاشمی و خاتمی ما از نظر کنترل کمترین میزان را داشتیم. من آن را هم قبول ندارم. البته آن را هم قبول ندارم. نامهٔ مکتوب من خطاب به وزیر ارشاد هست. اما جناب آقای موسوی، جناب عالی هشت سال نخست وزیر بوده‌اید و تنها یک روزنامهٔ منتقد وجود داشت که آن هم از سال ۶۳-۶۴ راه افتاد، یک روزنامه که هفته‌ای یک یا دو نقد اقتصادی بر شما می نوشت که آمار و ارقامی که من اینجا

دارم الآن آن نقدها را تأیید می کند که خواهم گفت چه فضایی شما برایش درست کردید. خود جناب عالی چند بار علیه آن یک روزنامه صحبت کردید. من متن سخنرانیتان را دارم. خواهش می کنم مراجعه کنید. حافظهٔ تاریخی نباید از دست برود که جناب عالی گفتید که شما در خط دشمنید، شما دارید ضد انقلاب عمل می کنید، شما دارید ضربه به کشور می زنید؛ در حالی که آن گزارشی که آن روزنامه نقد کرده بود، گزارشی بود از برنامه و بودجهٔ خود جناب عالی آمده بود رفته بود در کمیسیون کشاورزی مجلس، یکی از افرادی هم که مرتبط بود، آن را گرفته بود و یک نقدی بر آن نوشته بود. آن قدر فشار آورید که بخشی از آن نقدها تعطیل شد. اما اینها را ببینید. اینها چهار سال این همه تیتر و توهین هایی است که به من و دولت شده است. تهمت ها بنده اینها را تحمل کردم. شما در سخنرانی هایتان بنده را به دیکتاتوری متهم کردید. این دیکتاتوری است؟ کدام دیکتاتوری است؟ زمان آقای هاشمی هم همین طور بود. اینجا شما می گویید با هم مقایسه کنید. اتفاقاً باید مقایسه کنیم. زمان آقای هاشمی یک روزنامه منتقد بود. من کاری به مواضع آن روزنامه ها ندارم. شخص رئیس دولت بارها علیه آن روزنامه موضع گیری کرد، تا بالاخره صدایش را انداخت. در زمان آقای خاتمی هم که معلوم بود. کسی مگر می توانست یک کلمه انتقاد کند؟ همان علمایی که جناب عالی می فرمایید یکی شان یک اظهارنظر می کرد، کاریکاتورش را می کشیدند. که ما بعد از ملی شدن نفت دیگر نداشتیم که علیه علما کسی کاریکاتور بکشد. چقدر یکهو سی تا تیر، آقا توطئه علیه دولت، پیام دوم خرداد را نفهمیدند! می دید ای وای خیانت شد ضد رئیس جمهور! بالاخره خفه اش می کردید. باز برای اینکه جناب عالی بدانید، در دانشگاه که هیچ وقت سابقه نداشته است، یک دانشیار دانشگاه ما، پژوهشگر نمونهٔ کشور علیه سیاست های پژوهشی یک مقاله نوشت، آن چنان مدیریت دانشگاه او را له کرد، توهین کرد، یک عده ای راه انداخت، مرگ بر او مرگ بر او. اطلاعیه دادند. نباید یادمان برود. اینکه من می گویم آقای موسوی، آقای هاشمی، آقای خاتمی، حرف درستی است. سخنرانی دختر آقای هاشمی در جلسه ای که همسر شما و جناب آقای خاتمی هم حضور دارند، ایشان قشنگ تشریح می کند، می گوید دورهٔ اصلاحات ادامهٔ راه سازندگی است. در این دولت آسیب دیده

ما آقای موسوی را می‌خواهیم؛ برای اینکه استمرار همان راه است، یعنی اشرافیتی که جناب آقای هاشمی در این کشور پایه گذاری کرد قرار است ادامه پیدا کند. الآن نگرانی‌های ما سر این است. مردم هم می‌دانند. جناب عالی فرمودید، افتخار می کنید به حمایت آقای هاشمی. معنایش چیست؟ بالاخره یک معنایی دارد. باور ما این است که صحنه گردان اصلی اصلاً آقای هاشمی است. بالاخره ما می بینیم که رئیس ستاد انتخاباتی چه کسی است و اینها از کجا می‌روند جلسه می گذارند، ارتباطاتشان را برقرار می کند. شما نفرمایید که ارتباطی نیست، اتفاقاً ارتباط هست. مگر ما می‌توانیم چشممان را ببندیم؟ مگر ملت می‌تواند چشمش را ببندد؟ این حلقه ها چه شده است؟ من دو سه تا مثال بزنم. یکی را الآن زدم برایتان تحمل مخالف. در این دولت چه خبر است؟ اینها فقط تیترهاست: ۳۲۰ هزار تیتر توهین آمیز علیه دولت ما. نه یک روزنامه را بستیم، نه تهدید کردیم، نه فشار آوردیم، هنوز هم دارند می نویسند و به حمایت از شما علیه ما بدتر دارند می نویسند: شما علیه این دولت بحث‌های فراوانی کردید. من می‌خواهم یک مقایسه کنم. یادمان نرود چه بود در سه دولت و امروز چه شده است. شما فرمودید رابطه با روحانیت. بالاخره شما هشت سال نخست وزیر بودید. چند بار رفتید پیش مراجع؟ بگویید عددش را بگویید، بنده و مردم هم بدانیم. رابطهٔ این دولت با علما رابطهٔ بسیار خوبی است. چه ادعایی می کنید؟ معنایش حریت نیست. نقض حریت نیست؟ رابطه، رابطهٔ بسیار خوبی است. ولی من تعجب می کنم که کسانی که نگاه شان نظر شان، را نسبت به مسائل اصلی و فکری بیان نکرده اند، چطور می‌روند روی این مسائل جزئی انگشت می گذارند و می خواهند نتیجهٔ کلی بگیرند. شما دولت را متهم کردید به بی قانونی و متهم کردید به دیکتاتوری. دورهٔ خودتان یادتان هست، جناب آقای موسوی؟ بر خلاف قانون اساسی آن حداقل اختیارات رئیس جمهور را با فضاسازی سیاسی از او گرفتید. شما باید وزرایتان را می بردید تا رئیس جمهور تأکید کند، برای اینکه اختلاف نظر داشتید، کاری کردید که امام وارد شد و امام یک گروهی را گذاشت برای اینکه وزرا تعیین شوند. یعنی اینکه عملاً اختیار رئیس جمهور از دست رفت. در نمایندگان مجلس کسی جرئت داشت علیه شما حرفی بزند؟ یادتان هست دوستانتان چه کردند؟ یک بار یک عده‌ای از نمایندگان

به شما رأی منفی دادند، رأی هم مخفی بود. اسامی اینها را رفتند استخراج کردند و اعلام کردند. این قدر علیه اینها اسلام آمریکایی، اسلام آمریکایی گفتند که بعضی از آنها خانه نشین شدند. این فضای تحمل است، دولت بعدی هم همان است. من نمی خواستم واقعاً بعضی از این مسائل را بگویم اما مجبورم؛ چون می بینم یک حرفهایی زده می شود که اینها چون یک وقت نظر نظام آن بوده. خُب، الآن نظر نظام این است. شما چرا خودتان را جای نظام می نشانید؟ بنده علیه ماجرای هولوکاست موضعگیری کردم ماجرای رهبری هم تأیید کرد. ملت هم تأیید کردند. کسی هست اینجا در نظام که می گویید نظام تصمیم دیگری گرفته است؟ اگر از دید مردم صحبت می کنید، بالاخره مردم در شرایط مختلف مواضعشان را اعلام کردند. شما دولت را به بی قانونی متهم کردید، من نمی خواهم وارد این بشوم. نودوپنج میلیارد تومان از حساب بانک مرکزی در دولت شما بدون مصوبهٔ مجلس برداشته شد. در تعطیلات تابستان وقتی مجلس آمد، یک دعوایی در کشور درست شد...

مجری: آقای احمدی‌نژاد ۱۰ دقیقه تمام است.

احمدی‌نژاد: یک جمله هم اجازه می دهید بگویم؟ من می‌خواهم یک مقدار راجع به این مدارک دانشگاهی صحبت کنم. جناب آقای موسوی، شما آقای خاتمی را دکتر خطاب کردید. می‌دانید طبق مقررات ما کسی می‌تواند دکتر خطاب شود که دکترای قطعی دانشگاهی داشته باشد، یا حداقل امتحان جامع را گذرانده باشد. ایشان لیسانس فلسفه‌اند، محترم اند، من نمی خواهم بگویم دکترا برای کسی عزت می آورد، اما بالاخره شما بیان کردید. من می‌توانم راجع به پروندهٔ یک خانمی با شما صحبت کنم، پروندهٔ آموزشی یک خانم؟ پروندهٔ یک خانم، بگویم؟ بگویم؟ **موسوی:** بله، بگو. بله، بگو.

مجری: در دور بعدی. خیلی متشکرم.

مجری: آقای موسوی!

موسوی: خب، بنده یکی از مسائلی که دارم و یکی از مشکلات کشور ماست، همین روشی است که الآن در این صحنه روبه‌رو هستم پرونده سازی، دنبال واژه هایی گشتن. این در حالی است که ما اصلاً مسائلی مثل وزیر کشور دولت را داریم که اگر رئیس دولت

نمی‌دانسته که این فوق دیپلم است و خودش را دکتر جا زده، نشان می‌دهد که ضعف اطلاعات داشته و اگر فکر می کرده که ندارد و خُب، این یک معنای دیگر دارد که خدای نکرده من اصلاً ذهنم به آنجا نمی‌خواهد برود. و بعد ما می‌آییم بر اساس این هم در مقابل مجلس قرار می گیریم. هم در مقابل مردم قرار می گیریم. و پایان نامه ها را چیزهای دانشگاه را به‌عنوان ورق‌پاره قلمداد می‌کنیم. بعد همین فرد را آن‌قدر مورد اعتماد خودمان قرار می دهیم که برخلاف قانون یک معاملهٔ چند ده میلیارد دلاری، موقعی که ایشان وزیر کشور است، در دفتر ایشان مشغول مذاکره و گفتگو می شود که مسائلش در روزنامه ها مطرح شد. آن هم جزو ایرادهایی است که ما به این مسئله داریم. بعداً یک معاون دیگر ایشان می گوید که من از وزارتخانه رد می شدم، رفتم دوستم را ببینیم، دیدم که اینها مشغول مذاکره بار رئیس فلان کمپانی خارجی هستند که من هم وارد بحث شدم. خُب، اینها همه‌اش مسائل خیلی بدی را در جامعه ایجاد می کند که خیلی ناراحت کننده است و یکی از دلایل مشکلاتی که دولت پیدا کرده، این نوع رفتارهاست. وقتی مقاومت هم نمی‌تواند، بشود، بعد آن وزیر برداشته می شود و یک وزیر دیگر که باز آن مشکلات دیگری دارد، هنوز پرونده‌ای دارد، در رابطه با اردبیل پرونده‌ای دارد، خودش محل سؤال است، این ثروت چند صد میلیارد تومانی. خودش در حساس ترین پست گذاشته می شود برخلاف خط و روشی که حضرت امام ترسیم کرده بود که وزرا از چه کسانی انتخاب کنیم و خُب، اینها همه‌اش برای ما هم سؤال است. آن نامه هایی که برای به اصطلاح ترانزیت نفت، از این حرفها برای ایشان هست و اینها من نمی خواهم خیلی وارد بشوم. من خیلی صریح برمی گردم به همین چیزی که ایشان قانون گریزی اشاره کردند. بنده یکی از دلایل اصلی ام برای همین است. بنده معتقدم استبداد صغیر به دلیل پشت کردن به قانون پیش آمد. و عادت دادن مردم مقدمه اش این جوری شد که می شود قانون را شکست. رضاخان موقعی روی کار آمد که به تدریج مردم عادت دادند که قوانینی که مجلس می گذراند که بر اساس هر چیزی به اصطلاح حالا حقوق بشر بگیریم، قوانین را یکی بزرگ بگیریم، پشت سر گذاشته شد. من اینجا موارد بسیار سنگین و زیادی دارم که دولت نه یک مورد، نه دو

مورد، به طور علنی در مقابل قوانین ایستاده. من واقعاً احساس خوف کردم. بنده نمی خواهم بگویم که ایشان خدای ناکرده می‌خواهد خودش دیکتاتور شود، ولی فرض کن که هشت سال یک دولتی بیاید این قانون را رد کند و بگوید خوشم نمی آید، یک خودمحوری در اینجا هست، از همان که در چارچوب اولیه بود. آن یکی را دوست ندارم، آن یکی به نفع کشور نیست، آن یکی اختیارات من را محدود می کند. خُب چه در کشور باقی می ماند؟ اگر همهٔ مردم کرخت شوند و عادت کنند که برای مدت هشت سال قانون اداره و اجرا نشود و به مردم بگوییم هشت سال ما در کشور طوری عمل کنیم که رئیس دولت و دولت قوانین را پشت سرشان بیندازند، خُب، بعد از هشت سال من نمی گویم یک فرازونشیبی بشود، یک کسی در صحنه بیاید که از همین حس استفاده کند برای به‌دست درآوردن کشورما. بنده اینجا خودداری می کنم، از اجرای برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی و یک بحث‌هایی عجیب و غریبی هم راجع به اینکه این چه هست و از این حرفها کردند و بنده نمی دانم که دولت می‌تواند که نسبت به قانونی این جوری رفتارکند. خُب یک قانون مخالف یک قانون دیگری را باید جانشین کند و ببرد مجلس تصویب کند و بتواند از آن بگذرد. من از محتوایش، به دلیل اینکه از وقتم می‌خواهم استفاده کنم، می گذرم و اگر لازم باشد آنها را می‌خوانم که ببینم چیست: انحلال غیرقانونی شوراهای عالی، خودداری از اجرای مصوبهٔ مجلس و همچنین مصوبهٔ مجمع تشخیص مصلحت. دولت پایش را توی یک کفش کرده که من اجرا نمی کنم، دوست ندارم. حالا هزار جور بهانه می آورد. من فکر نمی کنم که از مجمع تشخیص مصلحت مرجع بالاتری داشته باشیم که به اصطلاح رأی رهبر انقلاب هم پشتش هست و می‌تواند حتی آن قدر مهم است که براساس مصلحت می‌تواند از مشکلاتی که شرعی داریم فراتر برود. هر دو خُب آنجا هم تصویب کردند. آنجا صحبت شد و آنجا مصوب شد که ۱۸ تا از این شوراها که دولت به اصطلاح منحل کرده، به چیز اساسی خودش برگردد و دولت هنوز هم که هنوز است، اینها را اجرا نکرده است که یکی شورای پول و اعتبار بنده به مردم می کنم که این تورم ۲۵ درصدی همین عدم تصویب شورای پول و اعتبار است. یک دلیلش این

است که دولت می‌خواهد تمام این اختیارات بانکها و مؤسسات زیر دست خودش باشد و کسی دخالت نکند، نمایندهٔ دادستانی نباشد، نمایندهٔ بخش‌های مختلف نباشد، نمایندهٔ بخش خصوصی نباشد، نتیجه‌اش همین می‌شود، همین تورم می شود و این وضعیت اقتصادی می شود که همه دادشان بالاست، صنعت درحال خوابیدن، تورم ۲۵ درصد، همه دادشان بالا. خُب، نتیجه همین چیزهاست. نقدینگی ۲/۵ برابر وضعیتی است که دوستان دولت را در اختیار گرفتند. هزینه کردن غیرقانونی از بودجهٔ عمومی که به اصطلاح بنده نمی خواهم این مسئله را بگویم که به صورت جلسات مجلس نگاه کنیم و گزارشات دیوان محاسبات عمومی که یکی از مهم‌ترین سازمان‌های نظارتی کشور ماست، انحلال سازمان برنامه‌وبودجه که بنده اینجا مستندات قانونی‌اش که نمی‌تواند این کار را بکند... بنده در این زمینه حساسیت دارم. دلیلش این است که من حسی داشتم زمان مسئولیت خودم که یک عده‌ای ممکن است با برنامه مخالف باشند. یک عده‌ای از ابتدای انقلاب با برنامه مخالف بودند. می‌خواستن شما به خدا توکل کنید. خدا نعمت از آن بالا میریزد سرشان، یا اصلاً به خودشان نمی آمدند. به همین دلیل احساس خطر، بنده در مجلس بازبینی قانون اساسی سخنگوی بخش اجرایی کمیسیون بودم. مسئلهٔ امور استخدامی و برنامه‌وبودجه مخصوصاً پیشنهاد بنده است و جالب اینجاست که تنها سازمانی است که در قانون اساسی آمده. دوستان آمدند این را منحل کردند و تبدیل کردند به یک معاونتی که یقیناً هیچ نوع اختیاراتی نمی‌تواند داشته باشد: زیر پا گذاشتن قانون مالیات مستقیم، اگر لازم باشد، جزئیاتش را بنده بخوانم؛ و دستور توقف اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده که اصلاً در اختیارات دولت نیست که چنین کاری انجام بدهد؛ عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری. من همین جور لیستی می‌خوانم و مراحل بعدی ممکن است دانه به دانه آنها را شرح بدهم: الحاق غیرقانونی سازمان حج و زیارت به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری که وقتی رهبری دخالت کردند، مسئله برگشت، آن هم به صورت سریع؛ در صورتی که مشخص بود این کار، کاری غیرقانونی است و نمی بایست صورت بگیرد و بی‌اعتنایی آشکار به احکام قانون دادگاههاست. بنده یک موردی دارم که به‌اصطلاح

وزیر علوم در مقابل دیوان عدالت اداری که حکم داده و صریح می‌گوید این کار را نکنید، یعنی حتی اگر حکم هم داده شود، افتخار می کند می‌گوید که من به این رئیس دانشگاه که فردی انقلابی و جانباز بود، گفتم که در صورت اخراج نیز با ورود این متخلف به دانشگاه مخالفت کند و در مورد این موضوع نیز رسانه‌ها به حمایت از رئیس دانشگاه یزد نپرداختند. بعد اینجا گفته شده چطور شد چند بار گفته شد که وضعیت این استاد چیست و ایشان سریع این نامه را نوشته. خُب، ایشان ممکن است با این فرد مخالف باشد، برود از راه‌های قانونی راه حل پیدا کند که او نباشد در آنجا. ولی بی اعتنایی آشکار به مدرک جعلی آقای کردان، حمایت و نقض آشکار قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل. من فکر می کنم که دوستان عوض اینکه بروند پرونده سازی کنند و چیزهایی که جواب دارد، به اصطلاح دنبال این مسائل بروند، بهتر است که بروند دنبال حل مسائلی که مشکلات کشور را حل کند، کشور را از بحران‌هایی که هست، نجات بدهد. بنده واقعاً صادقانه و بدون هیچ نوع شیله پیله ای یکی از دلایل اصلی، یکی از مهم‌ترین انگیزه های ما برای ورود به صحنهٔ انتخابات همین مسئلهٔ گریز از قانون بوده، می‌خواهم به مردم این را بگویم که اگر دولت صریح چند بار، نه یک بار، دو بار، سه بار، ولی دائم این روش بکند که در جایی که با سلیقه اش مخالف است، در مقابل قانونی که مجلس تصویب کرده، آن مجلس هم تا اندازهٔ زیادی با این رئیس جمهور به اصطلاح کاملاً همسوست، بایستد، بعد از یک مدتی مردم به این مسئله حساسیت خودشان را از دست بدهند، آیا احساس خطر برای کشور نمی کنند؟ آیا کشور روی پای خودش می ماند؟ حال من اگر وقتی دارم، به مضمون اینها بپردازم.

مجری: ده دقیقه تمام شد.

موسوی: بسیار خُب.

مجری: من خدمت بینندگان عزیز عرض کنم که آقای موسوی ۳۰ دقیقه و ۵۱ ثانیه صحبت کردند و آقای احمدی‌نژاد ۳۴ دقیقه و ۱۷ ثانیه.

مجری: آقای احمدی‌نژاد.

احمدی‌نژاد: من باید دوباره آن جملهٔ قبلی را دربارهٔ قضاوت های جناب آقای موسوی تکرار کنم. این دولت قانون را زیر پا گذاشته؟ شما استنادتان فقط به یک مصوبهٔ مجلس است، آن هم قانون شوراهاست. شورای نگهبان می گوید این خلاف قانون اساسی است و مجمع تشخیص می پذیرد. اگر شما می‌خواهید قانون را اجرا کنید و واقعاً معترضید، شما دو خط بنویسید به دیوان عدالت اداری. ما قانون داریم که اگر دولت برخلاف قانون عمل کرد، می‌آید باطلش می کند. بگذارید دوتا عدد به شما بدهم.

مجری: آقای احمدی‌نژاد، من یک نکته‌ای را عرض کنم. شما ۸ دقیقه بیشتر فرصت ندارید.

احمدی‌نژاد: ۴۵ دقیقه وقت دارم.

مجری: ۴۲ دقیقه. بازهم اگر وقت بود، تقسیم می‌کنم.

احمدی‌نژاد: من فکر می کنم به این روش ادامه بدهید و سه ساعت، چهار ساعت بگذارید. بالاخره سه ماه است آقایان دارند همه با هم حمله می کنند و می زنند. ۴۵ دقیقه فرصت می دهید؟ سه نفر در برابر یک نفر اشکال ندارد. طبق اسنادی که ما داریم، در دولت قبل تعداد مصوبات دولت که باطل شده است، ۳۰۳ تاست، در دولت ما ۱۵۷ تا. مصوباتی که از ما توسط دیوان عدالت اداری باطل شده، ۳/۲ درصد، از دولت قبل ۶/۵ درصد. کی بیشتر تابع قانون است؟ در این رابطه مجلس بیشتر تابع قانون است و اصلاحاتی که ما انجام دادیم، در این رابطه مجلس بیشترین است. اتفاقاً ما داریم، عین آن قانون مصوبهٔ مجلس بیشترین است. اتفاقاً ما داریم عین آن قانون مصوبهٔ مجمع را اجرا می‌کنیم. شما با دو تا حقوقدان صحبت کنید. شما را توجیه می کنند. شما را اگرهم فکر می کنید واقعاً ما داریم نقض قانون می‌کنیم، یک یادداشت می دهید به دیوان عدالت اداری. این قانون اساسی ماست. هرکس هر جایی بود، این می آید باطل می کند، ولو اینکه هی در فلان جا یک اتفاقی افتاده، در فلان جا یک اتفاقی می افتد. ایران کشور بزرگی است. در دورهٔ شما مگر کم از این اتفاقات افتاد؟ ما دنبال پرونده سازی هستیم؟ ماجرای کردان به این ترتیبی که در دههٔ ۸۰، یعنی ازسال ۷۰ به بعد اتفاقاً در دورهٔ آقای هاشمی که حامی جناب

آقای موسوی است، یک موجی در مدیران درست شد که همه می‌خواستند دکترا بگیرند. دانشگاه آزاد هم پشت قضیه. پشت سر هم دکترا صادر کرد. یک موج درست شد. کردان هم یکی مثل همان ها. من در مجلس گفتم من برای این جور مدارک ارزشی قائل نیستم. استاد دانشگاه و دکتر باید کسی باشد که شب نخوابی کشیده باشد، زحمت کشیده باشد، این همه افراد در کشور دارند برای درس زحمت می کشند. من گفتم هیچ کدام از آنها را قبول ندارم. می شود فهرست بیاوریم که چقدر از آدم های دور آقای هاشمی و دور موسوی همین جوری رفتند دکترای قلابی گرفتند. آقای کردان هم یکیش. حالا یک دانه را رویش انگشت گذاشته اند. من در مجلس گفتم این را من قبول ندارم. اصلاً مدرک را بگذارید کنار. عملکرد ایشان را بیاورید.

راجع به کسی دیگر که می‌گویند صدها میلیارد، من نمی دانم واقعاً یک کسی که فرمانده لشکر بوده، بعد در دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی رفته در کار اقتصادی، پولدار شده، زمانی که پولدار بود، من به او گفتم: بگذار کنار، بیا در دولت. آمد اما جناب آقای موسوی، بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی دست خالی آمدند و با یک امتیاز دلار ۷ تومانی یا واردات و صادرات میلیاردر شدند. آقای صفائی فراهانی مدیر دولت شماست. از دولت شما پولدار شده. فهرست بلندی است. من نمی خواهم اینجا اسم ببرم. شما می‌گویید میلیاردر شده‌اند. پسرهای آقای هاشمی در کشور چه کار می کنند؟ کدام یک از وزاری بنده در دورهٔ وزارتشان میلیاردر شدند یا رانتی را خوردند یا ملکی را گرفتند؟ من فهرستی دارم از زمین هایی که مدیران گرفتند. برایتان بخوانم؟ ۴۰ هکتار، ۵۰ هتکار، ۸۰ هکتار، ۴۰۰ هکتار. در دورهٔ واگذاری بیشترین مشکلات ما در کارگاه ها مال واگذاری‌های دورهٔ قبل از این دولت است. چه کسانی گرفتند؟ کسانی که الآن دارند از جناب عالی حمایت می کنند. این هزینهٔ سنگین تبلیغاتی شما از کجا می آید؟ آقای موسوی، من شما را دوست دارم. این چه نحوهٔ هزینه کردن است؟ از کجا می آید؟ یک مورد رشت الکتریک است که بدون هیچ مزایده ای دادند به دوستان آقای کرباسچی، همسر آقای کرباسچی، همسر آقای قبه. کارخانه را از بیخ تراشیدند تا زمینش را بفروشند. و دهها مورد این طور. ۴۰۰ هکتار

زمین در هرمزگان گرفتند. مردم برای دو هکتار زمین که چهار تا جوان بروند سرکار، لنگ‌اند. بی‌قانونی اینهاست جناب آقای موسوی. بی‌قانونی این است که طرف می‌آید اینجا محاکمه می‌شود، محکوم می‌شود، از زندان فراری داده می‌شود و می‌رود خارج و ته آن پسر آقای هاشمی است. بی‌قانونی در پسران بعضی از همین آقایانی است که امروز از شما حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق چه جوری میلیاردر شد؟ خود آقای ناطق چه جوری دارد زندگی می‌کند؟ اینها حامیان شما هستند. بی‌قانونی آنهاست جناب آقای موسوی، نه‌اینکه کسی یک جایی... کجا این دولت اعلام کرده که ما قانون را نمی‌پذیریم؟ شما یک مورد هم نمی‌توانید بیاورید.

مجری: آقای احمدی‌نژاد وقت شما تمام است.

احمدی‌نژاد: یک جمله می‌گویم، تمام. من اینجا پرونده‌ای دارم مال یک خانمی که شما می‌شناسیدش و در تبلیغات انتخاباتی کنارش می‌نشیند. برخلاف همهٔ قوانین کشور هم‌زمان که کارمند بوده، دو رشتهٔ فوق‌لیسانس خوانده، یکی در دانشگاه آزاد دکترا گرفته، بدون کنکور، و بعد در رشتهٔ غیرمرتبط دانشیار شده، استادیار شده، بدون اینکه شرایطش را داشته باشد رئیس دانشگاه شده. اینها بی‌قانونی است. من با اینها مخالفم. من می‌گویم با رانت‌بازی و باندبازی و اینجور چیزهاست که یک عده ببرند و بقیه محروم باشند، من با اینها مخالفم، جناب آقای موسوی، نه با قانون. بنده تابع قانونم. دولت ما قانون‌مدارترین است. اجازه بدهید جملهٔ آخر را عرض بکنم: من وارد آمار نشدم؛ برای اینکه بدانید در همین دوره‌ای که جناب‌عالی می‌گویید اقتصاد ضربه خورده، بهترین وضعیت اقتصاد نسبت به قبل، نسبت به دورهٔ شما که عالی است، نسبت به قبلی‌ها هم ما اینجا گزارش دقیق آماری هست که منتشر شده است. اما من سؤال می‌کنم که گزینش‌ها را امام در زمان کی منحل کرد، در زمان ما یازمان شما؟ یک خاطره، عرضم تمام. بنده رفتم به عنوان بعد از انحلال دعوت کرد آقای مهندس نقره‌کار، باجناق جناب‌عالی، رفتیم جزو تجدیدنظر گزینش پرونده‌هایی را می‌دادند به ما. یک دختر خانمی آمده به او می‌گویند که فلان سؤال را جواب بده. اگر جواب می‌داد، می‌گفتند: این خیلی مسلط بود. اگر جواب نمی‌داد،

می نوشتند: باطل. اینها را من با چشم خودم دیدم. فرمان هشت ماده‌ای برای جناب عالی صادر شد، نه برای این دولت.

مجری: آقای احمدی‌نژاد...

احمدی‌نژاد: شما چقدر آن را اجرا کردید؟

مجری: متشکرم. آقای موسوی، بفرمایید.

موسوی: چقدر وقت دارم؟

مجری: شما حدواً ۱۲ دقیقه وقت دارید.

موسوی: ۱۲ دقیقه؟ خُب. صحبت‌های مختلفی که من...

مجری: عذر می‌خواهم. من از همکارانم می‌خواهم که وقت دقیق را هم به من اعلام کنند. من خودم وقت را دارم. منتهی دوستان هم وقت را اعلام کنند. (پشت صحنه ۱۲ دقیقه صحبت کردید.) شما صحبت پایانی را بفرمایید.

موسوی: عیب ندارد. صحبت‌های خاصی می کنند که واقعاً من نمی دانم چه ریختی باید جمع آوری کرد. مشکلاتی که آقای احمدی‌نژاد صحبت کردند یک چیزایی هست که یک کمی غیرعادی است. ایشان می‌گوید شما به دیوان عدالت اداری نامه بنویسد که آنها چیز را به اصطلاح لغو کنند.

احمدی‌نژاد: شما ادعا می کنید که آنها قانونی بوده...

موسوی: شما در وقت من نباید وارد شوید. ببینید، همین به اصطلاح روحیهٔ شما که الآن درخود صدا وسیما ما می‌دانیم چه کسانی هستند، در رجانیوز و در اینجا هستند. ما می‌دانیم که چه جوری اینجا عمل می کنند. وقت من را نگیر. و بعد می‌گوید که مثلاً یک چیز بنویس به دیوان عدالت اداری که این آیا برخورد با مجلس است و برخورد با مجمع تشخیص مصلحت است جایی که ریش سفیدهای نظام آنجا نشسته‌اند، جایی که آنجا مشروعیتش را از کل قانون اساسی و رهبری می گیرد، آیا به این ترتیب مسئلهٔ کشور را می شود اداره کرد. بنده اصلاً مشکلم سر همین قضایاست. در یک چیزهایی که بیّن است، ما طوری عمل کنیم و طوری حرف بزنیم که عوض اینکه برویم به سمت اینکه بگوییم اشتباه کردیم اینجا

مثلاً و بخواهیم آن را اصلاح بکنیم، خُب همین‌هاست که منجر به دیکتاتوری می شود. ایشان می‌گوید چرا می‌گویند من دیکتاتور هستم. من نگفتم شما دیکتاتور هستید. ولی این روش قطعاً به دیکتاتوری به اصطلاح می‌انجامد که شما رأی خودتان را بر رأی یک جمع، مجمع تشخیص مصلحت، بتوانید ارجحیت بدهید و از رأی مجلس هم بالاتر بدانید. بحث اسامی را نام بردن: من فکر می کنم واقعاً شایسته یک مسئول دولت نیست که کسانی را که در قوهٔ قضائیه محکوم نشده‌اند، به اصطلاح مطرح شدن نام آنها جرم است؛ ما اینها را نام ببریم، بدون اینکه قدرت دفاع از خودشان را داشته باشند. شما افرادی را دارید مورد حمله قرار می دهید، مورد هجوم قرار می دهید که در این صحنه حضور ندارند و آن را قاطی سرنوشت بنده می کنید که ظاهراً چیزی از بنده نداشتید که آمدید حالا من را وصل کردید به دو تا دورهٔ قبلی دولت. خیلی خوب، من بدون اینکه بخواهم از آنها دفاع کنم، واقعاً به آنها حق می دهم که از دست شما عصبانی باشند. مردمی که این صحنه را نگاه می کنند، این را بپذیرند از رئیس جمهورشان که یک شهروند اگر شما فکر نمی کنید آقای هاشمی چه کار کرده در این مملکت یا آقای خاتمی چه کار کرده رئیس جمهور بودند؛ کی بودند؟ چه بودند؟ ولی شما به عنوان یک شهروند باید به ایشان حق بدهید در جایی که نمی‌تواند از خودش دفاع کند، در یک جمع ۵۰میلیونی که حداقل امروز مردم دارند این صحنه را نگاه می کنند شما متهم می کنید، اسم خانواده‌اش را می برید، بچه‌هایشان را می برید، کسانی دیگر را می برید. بنده می‌گویم قوهٔ قضائیه حکمتش این است. به آقای احمدی‌نژاد هم این را می‌گویم. بدانید که قوهٔ قضائیه در جهان معنایش این است که وقتی کسی را محکوم می کنید، یعنی بقیهٔ ملت بری هستند. این یک اصل اسلامی است. شما از اول کارتان شروع کردید گفتید که هزاران مفسد در این کشور هستند که پرونده‌شان را می‌خواهم باز کنم. اسامی شان را می‌خواهم نام ببرم. رئیس بانک پارسیان را برداشتید آن جوری لجن‌مالش کردید، بعد مشاور خودتان کردید و دیگران نیز همین‌جور. خُب، اینها گناه دارد. ما مسلمان هستیم ما متدین هستیم. ما به خدا اعتقاد داریم. نمی‌توانیم افراد را همین جور نام ببریم، متهمشان کنیم. در مورد به اصطلاح واگذاری هکتاری زمین، اگر

کردند خیلی کاربدی کردند، خیلی کار غلطی کردند، چه ربطی به من دارد؟ شما می گویید که چرا از بنده حمایت می کنند. بنده گفتم هر شهروند یک ستاد. مثل بعضی دوستان که بنرهایشان همهٔ سطح جهان را پوشانده و از تمام امکانات دولتی استفاده می کنند، از ادارات استفاده می کنند، از خود وزارت کشور استفاده می کنند و از صدا و سیما استفاده می کنند. بنده استفاده نکردم. در آنجا را باز کردیم. ما یک هستهٔ خیلی سالمی داریم که یک نفر راجع به آن هسته نمی‌تواند حرف بزند. افراد بسیار وارسته، بسیار معتقد، بسیار مؤمن در آنجا هستند. اگر بود هم الآن شما نام می‌بردید. شما روحیه تان این جوری است و آنها را محکوم می کردید. ولی نیستند، آنها آدم های به اصطلاح وارسته ای هستند. بعد باز گذاشتم. هر کس از ما حمایت می کند، اشتباه می کند، دلیلی ندارد که اشتباه نکند. ما استقبال می‌کنیم، از همهٔ ملت استقبال می‌کنیم تا از بنده حمایت کنند، تا این رأی را ببریم که این تغییر را ایجاد کنیم. بنده قصدم این است. این را گفتم. الآن هم همین را می گویم به همهٔ مردم می‌گویم. اگر می‌خواهید این فضا عوض شود که این جوری راحت دیگران را محکوم کنید، ایشان جلوی بنده عکس خانم بنده را می گیرد که این جوری کردند، آن جوری کردند. ایشان مهم‌ترین روشنفکر زن کشور است. ده سال برای دکترای علوم سیاسی زحمت کشیده. مدارک و سندهایش هست. سایت های مرتبط به شما برگشتند برعلیه ایشان جوسازی کردند. ایشان قرآن پژوه است. چیز می نویسد. ایشان افتخارش این است که فوق لیسانس رشتهٔ هنر را هم دارد، هم فوق لیسانس علوم سیاسی را دارد، هم دکترای علوم سیاسی دارد، شما بروید آن موقعی که کنکور بوده برای دانشگاه آزاد، بیایید آن را بررسی کنید. یکی از دلایل مشکلات دولت همین است. بنده خبر دارم که متأسفانه عوض اینکه معاون اجرایی رئیس جمهور مشغول حل مشکلات مردم باشد، مشغول رفتن و سرکشی به این پرونده، به آن پرونده به آنجا، به اینجاست که یک چیزی بسازند که به درد امشب بخورد که یکی را بلکه «خر» بگیرند و اذیت بکنند. بنده آمدم که این روحیه را عوض بکنم به مردم می‌گویم که بنده این روحیه را عوض می کنم آن چیزی که در فرمان هشت ماده ای حضرت امام هست، بر خلاف این روحیه است و بنده این حالت پرونده سازی،

سیاه کردن برنامه‌ها و سیاه کردن دانشجوها و امثال اینها را عوض می کنم. ایشان می‌گوید ستاره‌دار کردن را زمان آقای معین گذاشتند. خُب، کاری ندارم. اگر ایشان گذاشته، کار بدی کرده‌اند. ولی فکر نمی کنم آن موقع آدم‌ها را می گرفتند و این جوری می زدند.

احمدی‌نژاد: بس است دیگر، آقای موسوی. ببخشید ها...

موسوی: شما در وقت من نباید دخالت کنید.

مجری: آقای احمدی‌نژاد.

موسوی: ببینید، ما می‌خواهیم عادلانه عمل کنیم.

احمدی‌نژاد: شما من را محکوم...

موسوی: بنده اگر در مورد شما چهارسال صحبت نکردم، وقتی کارد به استخوانم رسید، از نظر وظیفه، بنده اصلاً هیچ انگیزه‌ای نداشتم، دیدم شما کشور را به خطر می‌اندازی. بنده در برنامه‌های دیگر مسائل اقتصادی را مطرح خواهم کرد که با چه روشی شما کشور را دارید اداره می کنید. همین شورای پول و اعتبار عملاً بانک‌ها را به حیاط خلوت شما تبدیل کرده. من می‌گویم این سیاست قجری است. قدیم حکام قجری چه کار می کردند؟ حاج میرزا آقاسی چه کار می کرده؟ یک خزانه داشته، دستش را می کرده توی این، به این تخصیص می‌داده، به آن تخصیص می‌داده. شورای پول و اعتبار برای این است که شما و بنده را محدود کند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای این است که نگذارد هر جور دلت می‌خواهد هزینه کنی، بیاید از شما حساب کشی کند که در نتیجه این چیزی که دیوان محاسباتمان می‌گوید پول های گم شد به خزانه ریخته نشد.چند هزار تخلف شد. اینکه این مسئله پیش نیاد، این به صلاح همهٔ ماست به صلاح شما هم هست، هم به صلاح بنده و هم ملت ماست. شما این کار را نکردید.

ببینید، بحث بنده از روی دلسوزی است. بحث من برای طرح مشکلی است که اگر ادامه پیدا کند که اگر بقیه ابعادش را هم بشکافم، خواهیم دید که همین بحث تورم ناشی از این است. بیکاری و اعتیاد از این است. بد فرهنگی هم نتیجهٔ این سیاست‌هاست. شکست ما در سیاست خارجی هم ناشی از همین مسئله است و اینکه ما در منطقه یک دوست

نزدیک نداریم، باز هم ناشی از همین قضیه است. همه‌اش بر می گردد به این چیزها که من در چارچوب همین طرح که گفتم، دوباره برای شما می‌خوانم، بدون اینکه آیا این مسائل اثر دارد یا ندارد. بنده چهار پنج تا از ویژگی‌هایی که این نوع مدیریت وجود دارد که ما را به این بن بست ها می کشاند، برای شما مطرح کردم. حالا چقدر وقت دارم که ببینم می‌توانم در بیاورم؟

مجری: ۱۵ ... سه دقیقه و خرده ای، حدود چهار دقیقه.

موسوی: چهار دقیقه می ارزد که بنده این را دوباره به عنوان اینکه بحث دارد تمام می شود، متأسفانه دیگر آقای احمدی‌نژاد مسائلی را می‌گوید که ما را مجبور می کند بخواهیم یک چیزهایی بگوییم که خوش نداشتم در اینجا بگویم. به هر حال یک مدیریت هیجانی بی ثبات، نمایشی و شعاری و خیالبافی و خرافه گرایی وجود دارد. ما هی داریم پیش‌بینی می‌کنیم که آمریکا دارد فرو میریزد. بنده چهار سال است که دارم می شنوم که اسرائیل در حال فروپاشی است، فرانسه در حال فروپاشی است، آمریکا در حال فروپاشی است. خُب، براساس اینها ما سیاست خارجی تدوین می‌کنیم. خب، معلوم است که به بیراهه میرویم. معلوم است که اشتباه می‌کنیم. بعد خودمحوری و قانون گریزی. خُب، آدم که خودمحور نباشد، از قانون فرار نمی کند، از قانون استقبال می کند. دوست ندارد، میرود از راه قانونی حلش می کند. و روزمرگی و سطحی نگری و اینها که حالا من بعداً به افراط و تفریط های اشاره می‌کنم. خُب اینها به کشور ما لطمه زده و بنده اعتقاد دارم که خسارت هایی که تو این چهار سال ما دیدیم، خسارت های بسیار سنگینی است و همهٔ اینها توجیه گر حضور من برای انتخابات است و من اصلاً قصد مبارزه به آن طریق را ندارم. من پیام را به مردم می دهم. از مردم بودم، به مردم بر می گردم. مردم قضاوت خواهند کرد. می‌توانند راجع به این دوره هم قضاوت کنند. در این زمینه خودشان ببینند رویه ها چه جوری است، سیاست‌ها چگونه است و می‌توانند در این زمینه واقعاً تصمیم نهایی را بگیرند و من این را برای کشور خطرناک دیدم و از روی وظیفه آمدم. نتیجه دیگر دست خداوند متعال است و اینکه مردم قلبشان را به چه سمتی مایل کنند. بیش از این صحبتی ندارم. مگر وقتی دارم؟

مجری: یک دقیقه وقت دارید.

موسوی: چقدر؟

مجری: یک دقیقه.

موسوی: یک دقیقه؟ من از همهٔ مردم تشکر می کنم و مردم را می‌دانم که همین جور هستند، کمی به عمیق بودن به اصطلاح دعوت می کنم، به ارزش‌ها دعوت می کنم. مردم را خوارکردن، با یک نامه دنبال ماشین خودکشیدن به عنوان اینکه ما سیاست را در رو با مردم داریم، این روش کار نیست. برای مردم باید تولید ایجاد کنیم و کار ایجاد کنیم، تولیدهایمان را تقویت کنیم، صنعت خود را تقویت کنیم، نه اینکه برنج باسماتی رشت را فرا بگیرد. بنده رفتم همدان. خنده دار است محصول آنجا سیر است. سیر چینی آمده و ما دیگر نمی‌توانیم سیر بکاریم. خُب، این جور چیزها را از بین ببریم. یک عرق ایرانی حداقل باید داشته باشیم که حتی از نظر اقتصادی بگوییم که آقا برای ما واقعاً تحقیرآمیز است که این قدر صنعت ما و کشاورزی ما، تولید ما، اقتصاد ما فرهنگ ما در معرض این نوع نابسامانی ها قرار بگیرد و بنده آرزو می کنم که انشاء الله نتیجهٔ این بحثها، گفتگوها و صحبت‌هایی که هست به نفع انقلاب عظیم اسلامی ما تمام شود.

مجری: خیلی متشکرم. من از هردو بزرگوار تشکر می کنم. هر دو به طور برابر وقت صحبت داشتند. البته رسانهٔ ملی علاقه دارد که بحث را ادامه بدهد، ولی خُب، طبق مصوب کمیسیون بررسی تبلیغات این اجازه به ما داده نشده. من تشکر می کنم و همهٔ شما بینندگان عزیز را به خدای بزرگ می سپارم.

احمدی‌نژاد: آقای موسوی اتهام‌ها را در همین داوری ردیف می کند، بعد می‌گوید من نمی خواهم بگذارم. خیلی جالب!

مناظرهٔ موسوی و رضایی

مجری (پورحسین): بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می‌کنم خدمت مردم عزیز و شریف کشورمان و بینندگان سیمای جمهوری اسلامی ایران امروز چهاردهم خردادماه سالگرد ارتحال ملکوتی امام خمینی، رضوان‌الله تعالی علیه، بود. جا دارد که رحلت جانگداز امام راحل را به همهٔ مردم عزیز ایران تسلیت عرض کنم. همچنین فردا پانزدهم خرداد ماه است و یاد و خاطرهٔ شهدای پانزده خرداد را گرامی می‌داریم.

مجری: خُب، امشب شما شاهد سومین مناظره بین کاندیداهای محترم دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری هستید. امشب در خدمت دو تن از کاندیداهای محترم، جناب آقای دکتر محسن رضایی و جناب آقای مهندس میرحسین موسوی هستیم. من به هر دو بزرگوار خیرمقدم و خوشامد و خسته نباشید می گویم.

رضایی: سلامت باشید.

مجری: اگر سلام علیکی با بیندگان دارید، بفرمایید.

رضایی: بسم الله الرحمن الرحیم. من هم از همین فرصت استفاده می‌کنم و سلام و ارادت خودم را به همهٔ بینندگان عزیز صدا و سیما اعلام می‌کنم و امیدوارم که بتوانیم از این فرصتهایی که به دست می آید، در سرنوشت انتخابات دهم نقش مفید و مؤثری که مورد رضای پروردگار متعال هم باشد، ایفا کنم.

مجری: متشکرم. آقای موسوی.

موسوی: من هم خدمت همهٔ هموطنان عزیز سلام عرض می‌کنم. بنده هم امیدوارم که این

نوع جلسات منجر به تعالی اندیشهٔ مردم و آگاهی آنها شود و به همهٔ ملت ما کمک کند که بهترین تصمیمات را بگیرند.

مجری: خیلی متشکرم. من چند نکته را عرض کنم و بعد بحثم را شروع کنم. البته طبق قرعه کشی قرار است که بحث را آقای رضایی شروع کند و آقای موسوی به اتمام برساند. مثل دو شب گذشته که بحث دربارهٔ برنامه‌های طرفین بود، انتظار هست که امشب هم دو کاندیدای محترم دربارهٔ برنامه‌های خود صحبت بفرمایند و من وقت را تنظیم می‌کنم و دوستان هم اگر به من در تنظیم وقت کمک کنند، تشکر کمال را دارم. آقای رضایی، شما در جایی گفتید که من از آقای موسوی می‌خواهم دربارهٔ عقاید اقتصادیشان سؤال کنم. امشب وقتش است که سؤالتان را مطرح بفرمایید.

رضایی: بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه. سالگرد رحلت حضرت امام را به ملت شهیدپرور ایران عزیز تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم که راه پرفروغ امام که باعث شروع دوران جدیدی از تمدن سازی در ایران شده، با قدرت تمام ادامه پیدا کند و همهٔ ما مثل گذشته وفادار به این ارزش‌ها و راه باشیم. اول این را عرض کنم که من خوشحال نیستم که پیش‌بینی یک سال اخیر من دارد تحقق پیدا می کند؛ برای اینکه تفرقه ها و اختلاف ها و نزاع ها و درگیری در کشور در حال تشدید است. من یک سال پیش هم عرض کردم که ما نیاز به وحدت داریم و شاید یکی از دلایل اصلی اینکه من دولت ائتلافی را طرح کردم که از همهٔ نخبگان و سرمایه‌های کشور استفاده شود، احساس یک چنین خطری بود. مناظرهٔ دیشب مناظره نبود، یک مناقشه بود و من هم از خودم و هم از سایر نامزدها تقاضا می‌کنم که بحث‌ها را ما به چارچوب هایی ببریم که ملت ایران به آن نیاز دارد و آن این است که ما برای آینده چه کار می‌خواهیم بکنیم. تأکید بر گذشته ها در همان حدی خوب است که دلیلی باشد که چرا ما می‌خواهیم به آینده برسیم. حالا اگر خود این دلیل همهٔ فضای تبلیغات را بخواهد بگیرد، یا خدای ناکرده ارائهٔ دلایل گذشته منجر به بعضی از مباحثی شود که با اخلاق اسلامی سازگار نباشد، به نظر من درست نیست. من البته الآن نمی خواهم وارد این بحث شوم؛ چرا که اصلاً بحث ما چیز دیگری است. من

فکر می‌کنم که ملت ایران رابطهٔ من را با جناب آقای میرحسین موسوی کاملاً می شناسند. ما دو تا دوست قدیمی هستیم. که از دوران امام با همدیگر بودیم و در صحنه‌های خیلی زیادی هم با هم شرکت داشتیم. ایشان در زمان نخست وزیری مثل یک بسیجی به جبهه ها می آمدند و ما با هم رابطهٔ خوبی تا امروز داشته‌ایم. اما رابطهٔ دوستی به معنای این نیست که ما همهٔ نظرات و افکارمان یکسان است و ما اینجا نیازمند آن هستیم که عقاید خودمان را به صراحت و دقیق برای مردم توضیح بدهیم که مردم تصمیم بگیرند.

من از اینجا می‌خواهم شروع کنم که جناب آقای میرحسین موسوی، فرض کنیم که من یا جناب عالی الآن وارد دورهٔ دولت شدیم و یا شما یا من رئیس جمهور شدیم. سؤال اساسی این است که ما از فردای آن روز چه کار می‌خواهیم بکنیم. بنابراین، من فکر می‌کنم، یک رئیس جمهور واقعی باید اولاً دارای یک نظریه برای ادارهٔ کشور باشد. این نظریه باید بتواند انسجام بدهد به رفتار و گفتار و اعمال رئیس جمهور. اگر نظریه‌ای وجود نداشته باشد، رفتار و گفتار انسجام نخواهد داشت و بعد هم قابل عملیاتی شدن نیست. نکتهٔ دوم این است که ما بعد از نظریه دارای برنامه باشیم. صرف انتقاد از وضعیت موجود یا همدردی کردن با مردم کافی نیست. ما باید بگوییم که چه راه حل هایی داریم، چه راهکارهایی داریم، چگونه می‌توانیم کشور را اداره کنیم. مسئلهٔ سوم که مهم است و کمتر از این دوتا نیست، این است که خُب اگر تئوری باشد و برنامه هم باشد، اما توان اجرایی برای این کار نداشته باشیم، ما نمی‌توانیم دستاورد خوبی بعد از چهار سال داشته باشیم. این توانایی اجرایی یعنی اینکه خود رئیس جمهور یک آدم توانمند و متخصص باشد، تیم او یک تیم عملیاتی باشد، روش‌ها و فرایندها و الگوی مدیریتی که به کار گرفته می شود، این طوری باشد.

من می‌خواهم از نظریهٔ خودم شروع کنم. من دارای چه نظریه ای هستم؟ من معتقدم که ما باید صراط امام را ادامه بدهیم، راه امام را ادامه بدهیم، منتها راه امام دو تصویر دارد: یکی اندیشه است که خُب مکتوب است. دوم مصداق عملی راه امام که به توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. آن را من سیاست‌های اصل ۴۴ و به خصوص و مهم‌تر از آن چشم انداز ایران

۱۴۰۴ می‌دانم. بنابراین، پیمودن این راه به معنای این است که ما در راه امام داریم حرکت می‌کنیم. اما هر رئیس جمهوری هم برای خودش دارای یک راهی است، کما اینکه راه من با راه جناب آقای میرحسین موسوی و آقای احمدی‌نژاد و دوستان دیگر متفاوت است. اما راه من در مسیر راه امام است، شاید این همان تعبیر صراط و سبیل باشد.

راه من این است که من معتقدم که باید یک تحول اساسی در اقتصاد کشور به وجود بیاد و ما فرهنگ را متحول کنیم و سیاست خارجی و در سیاست داخلی‌مان هم یک اصلاحاتی انجام بدهیم. خُب، این راه است. بنابراین، انقلاب در اقتصاد تحول در فرهنگ و اصلاح در سیاست، این خط مشی است. قانون اساسی هم می‌گوید که رئیس جمهور خط مشی خودش را باید به وزرا بدهد. خُب، من این خط مشی را از این طریق عمل می‌کنم که من آزادی اقتصادی و رقابت را می‌خواهم به جای ممنوعیت دولتی و انحصار قرار بدهم و موتور اصلی اقتصاد را می‌خواهم از دولت منتقل کنم به مردم؛ البته نه مردم پوپولیستی، یعنی مردم سازمان یافته‌ای که عمدتاً همان کارآفرینان بخش خصوصی است و بخش‌های غیردولتی دیگر.

از طرف دیگر، هنجارهای فرهنگی را هم ما باید عوض کنیم. با این هنجارهای فرهنگی و این تفاسیری که ما از عدالت و زهد و ثروت داریم، ما به جایی نخواهیم رسید. در بعد فرهنگ، ما باید فرهنگ را به فرهنگیان بسپاریم و از ظرفیت روحانیت و مرجعیت در فرهنگ استفاده کنیم و زیر مجموعه‌های فرهنگی و یا مسائل اجتماعی مثل ورزش را باید غیرسیاسی بکنیم و در بعد سیاست خارجی هم من اصلاً اعتقادی ندارم که ما عزتمان را باید با نان بفروشیم. اصلاً الآن دورهٔ چنین چیزی نیست. امروز ما می‌توانیم در دنیا با عزت باشیم و درعین‌حال تعامل مؤثر و سازنده هم در روابط بین‌الملل داشته باشیم. من اصلاً این حرف را قبول ندارم. اینکه زمانی که یک عده می گفتند رهبری باید جام زهر بنوشد، اصلاً موضوعیتی ندارد. امروز دنیا به ما نیازمند است. من می‌خواهم از نیاز دنیا برای ملتم استفاده کنم. از موضع عزت این کار را بکنم.

در سیاست داخلی همین‌طور. در سیاست داخلی شعارهای بسیار زیادی در رابطه با

آزادی‌ها و حقوق بشر یا در رابطه با حقوق شهروندی یا در رابطه با عدالت داده شده. من فکر می‌کنم زمان آن رسیده که ما در سیاست داخلی به شعارگرایی و شعارزدگی پایان بدهیم و در حقیقت یک طرح عملی برای تحقق این شعارها ما داشته باشیم. در بعد توان اجرایی، توان اجرایی که من فراهم کردم، اولاً این است که ما یک دولت ائتلافی تشکیل می‌دهیم و از همهٔ کارشناسان و نخبگان کشور استفاده می‌کنیم. الگوی مدیریتی کشور را ما تغییر می‌دهیم. زمانی که من به اطلاعات آمدم، از صفر یک سازمان اطلاعاتی بزرگ درست کردیم و وقتی که به سپاه رفتم، از صفر یک نیروی عظیم انقلابی را در جنگ سامان دادیم. سؤال من این است که چطور نمی‌توانیم امروز فقر و بیکاری و گرانی را از صحنه بیرون کنیم. به همین دلیل، من همه جا گفتم که هیچ کدام از این عزیزان ما که نامزد انتخاباتی هستند، رقیب من نیستند. رقیب من فقر و بیکاری و گرانی و عقب ماندگی است و من معتقدم که با یک دولت ائتلافی و استفاده از همهٔ نخبگان کشور می‌توانیم این کار را بکنیم.

حالا سؤال من از برادر عزیزمان، جناب آقای میرحسین موسوی، این است که من در رابطه با دیدگاه‌های اقتصادی ایشان ابهام دارم که این دیدگاه‌های اقتصادی را ایشان برای من توضیح بدهند که آیا سیاست‌های اصل ۴۴ را قبول دارند و آیا معتقد هستند که ما باید وارد یک اقتصاد جدیدی در رابطه با چشم انداز ایران ۱۴۰۴ باشیم.

مجری: خیلی متشکرم. آقای موسوی.

موسوی: بله. من تشکر می‌کنم. همان طور که جناب آقای رضایی گفتند، ما از اول انقلاب با هم دوستیم و ایشان در جبهه بودند و ما در سنگر دولت همکاری می‌کردیم. از همدیگر خاطرات خیلی خوشی هم داشتیم که من همیشه از آن خاطرات برای نیرو گرفتن استفاده‌می‌کنم.

من قبل از اینکه به صحبت جناب آقای رضایی بپردازم، دوست دارم که یک صفحه متنی را که نوشته‌ام، بخوانم، با توجه به اصطلاح مناظرهٔ شب قبل. خطاب به مردم است. اول شروع کردم:

ادب مرد به حفظ دولت اوست. مردم شریف ایران، من به تمنای قدرت نیامده‌ام. من سکوت ۲۰ ساله خود را نشکسته‌ام که با هر ترتیب و با هر روشی رئیس جمهور شوم. من

احساس خطر کردم که کشور دچار بی اخلاقی شده، دچار فقر اخلاقی، فقر مادی شده، دچار مدیریت غیرعقلانی شده است. من برای حفظ کرامت انسان، رعایت ارزش‌های اخلاقی در حکمرانی، توقف رشد خرافات و ارائهٔ آمار کذب، شفافیت فعالیت‌های حکمران‌ها و خلاصه پیشرفت و توسعه پا به این عرصهٔ دشوار نهادم. برای من رئیس جمهور شدن و کسب و حفظ قدرت هدفی نیست که هر وسیله‌ای را توجیه کند. من متأسفم که مناظرهٔ دیشب به من فرصت داد تا اصول اخلاقی نادیده گرفته شود، به کرامت انسانی نادیده گرفته شود و به افرادی که در جلسه حاضر نبودند و امکان هیچ دفاعی از خود را نداشتند، به بدترین وجهی اتهاماتی وارد شود و به جای پاسخگویی مظلوم‌نمایی شود.

من اینجا باید عرض کنم که کسانی که می‌خواهند رئیس جمهور شوند، باید حافظ مال و جان و ناموس مردم باشند. لذا من نمی‌توانم برای دفاع از خودم اسرار کشور را افشا کنم، نام مردم را ببرم و با آبروی مردم بازی کنم.

من با برنامه پا به عرصهٔ انتخابات گذاشتم و سعی می‌کنم شعاری که برای تحقق آن برنامه ندارم، ندهم. به همین جهت، با توجه به اینکه در دنیای کنونی تحقق هر برنامه نیازمند یک برنامهٔ حقوقی است، برنامهٔ حقوقی تهیه کردم و قانون‌گرایی یکی از اهداف اصلی من است. بدون قانون‌گرایی، عدالت و آزادی تحقق نمی یابد و آزادی تبدیل به هرج و مرج و عدالت تبدیل به استبداد و فساد می شود. قانون‌گرایی نیاز به اصطلاحات حقوقی دارد. اصلاحات حقوقی را نمی‌توان یک‌شبه انجام داد. بعضی از امور را فوراً می‌توانم انجام بدهم، مثلاً توقف ستاره‌دار شدن دانشجویان، استیفای حقوق آنها، لغو سهمیه‌بندی دانشجویان دختر و پایان دادن به خویشاوندسالاری در نظام اداری. برخی از اصلاحات دیگر نیازمند هماهنگی و تعامل با سایر قواست. ما نیاز به اصلاح برخی از قوانین داریم، در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی شهروندی. این قوانین باید تسهیل کنندهٔ روابط اجتماعی باشد، باید موجب شفاف شدن روابط اقتصادی و غیره شود. اگر بتوانیم این کار را انجام بدهیم، اگر این کار را انجام دهیم، دیگر مقامات نمی‌توانند آمار دروغ و اشتباه بدهند. هرکس دچار فساد شود، در زمان خود و با رعایت تمام موازین قانون،

ازجمله رعایت حقوق او، در مراجع ذی ربط پاسخگو خواهد بود، نه اینکه یک دولت در چهار سال حکومت خود ساکت باشد و در زمان انتخابات ریاست جمهوری یک باره افراد را با اتهامات سنگین اقتصادی مواجه کند. ما برای اجرای این اصلاحات و نیاز به نهادهای کارآمد داریم. ضمن تقویت نهادهای موجود، باید برخی نهادهای جدید را هم ایجاد کنیم، مثل معاونت حقوق بشر و شهروندی، تا با وضع معیارهای دقیق بتوانیم ارزیابی کنیم که چقدر نهادهای دولتی درست کار می کنند و حقوق مردم را رعایت می کنند، بین افراد تبعیض قائل نمی شوند، کسی را شهروند درجه دو یا درجه یک تلقی نمی کنند و واقعاً امور روستاییان را به خود آنها واگذار می کنند، برای آنها که نیاز به درمان، بهداشت، تحصیل و مسکن دارند، این خدمات را با رعایت کامل کرامت و شخصیت آنها و به عنوان حق آنها، نه به عنوان صدقه، برای آنها تأمین می کند.

این را من لازم می‌دانستم که در اینجا مطرح کنم.

اما در مورد برنامه‌هایی که در این بین می‌شود مطرح کرد، بعد برنامه‌هایی برای اقتصاد کشور، برای فرهنگ، سیاست داخلی و سیاست خارجی، داشتم که به تدریج در نشریاتی که مربوط به ستاد بنده است، اینها منتشر شده اند و در اختیار مردم قرار گرفته اند و مبانی اندیشه ای این برنامه‌ها در مقدمات این برنامه توضیح داده شدند و تنوع فراوانی هم دارند که ان شاء الله مردم عزیز ما ملت عزیز ما آنها را مطالعه کنند و با آگاهی کامل در این زمینه تصمیم بگیرند.

در مورد اینکه آقای رضایی راجع به برنامه‌های بنده به اصطلاح ابهام دارند من خیلی روشن نیستم که در چه زمینه‌هایی ابهام دارند، ولی من یک شاخص‌هایی از دوران جنگ مطرح می‌کنم، بعد یک گزاره‌ای را مطرح می‌کنم و به مسائل خودم می پردازم. شاخص‌های دوران جنگ را بر این اساس مطرح می‌کنم که جزو ویژگی‌های این چند ماه اخیر یک جوسازی و یک نوع فضاسازی در رابطه با این برنامه‌ها بود. بنده در یک جلسه ای که با فعالین اقتصادی داشتم، اولین جمله‌ای که اشاره کردم این بود که امیدوارم که برادر عزیزمان، جناب آقای رضایی، هم توجه کنند، این بود که جنگ تمام شده است. اقتصاد جنگی هم تمام شده است.

بنده قویاً در اینجا از اقتصادی که در دوران جنگ به کار بردم دفاع می‌کنم و بیشترین حجت و برهان من هم ذائقهٔ مردم از آن دوران است. البته اینجا شاخص‌هایی را هم بیان می‌کنم که اگر نقدی در این رابطه هست، بحث شود. به گواهی سند پیوست برنامهٔ اول، فصل اقتصاد، شاخص کلی مداخلهٔ دولت در اقتصاد از ۶۳ درصد در سال ۵۶ به ۴۰ درصد تا سال ۶۷ رسید. یعنی همان موقعی که علی رغم اقتصاد جنگی و مسئلهٔ کوپن و توزیع کالاهای اساسی و مداخلات دولت در اقتصاد بوده، ولی شاخص کلی مداخلات دولت نسبت به قبل از انقلاب از سال ۶۳ به ۴۰ درصد رسیده که در تمام طول بعد از جنگ هم استثناست. بالاترین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در ایران در فاصلهٔ سال ۵۶ تا امروز متعلق به سال ۱۳۶۱ است که معادل ۱۲/۶ دهم درصد بوده و تا امروز هم تکرار نشده است. پایین ترین نرخ رشد نقدینگی از سال ۱۳۵۳ تا به امروز که قرار داریم، نرخ رشد ۶ درصد است که متعلق به سال ۱۳۶۳ است پایین ترین نرخ تورم از سال ۱۳۵۳، یعنی چهار ـ پنج سال قبل از انقلاب تا امروز در سال ۱۳۶۴ اتفاق افتاد که معادل ۶/۹ دهم درصد بوده است. ضریب جینی که منعکس کنندهٔ نابرابری درآمد در کشور است و نشان می دهد که آیا به‌سمت شکاف های طبقاتی پیش میرود یا اینکه برعکس به سمت عادلانه پیش میرود، از ۵۱ دهم درصد در سال ۵۸ به ۴ دهم درصد در سال ۶۷ رسید. البته این ایدئال نیست، ولی یک روندی را نشان می دهد. درحالی که تعداد کارمندان دولت فرانسه از حدود ۷۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۳۹ در آغاز جنگ به حدود دو میلیون نفر در سال ۱۹۴۵ رسیده، برای ایران در جنگ تحمیلی تعداد کارکنان دولت از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در سال آغاز جنگ به یک میلیون و ۴۹۲ هزار نفر در پایان جنگ رسید، یعنی تقلیل پیدا کرد. جنگ موقعی آغاز شد که عراق ۱۴ میلیون نفر جمعیت داشت و درآمد سالانهٔ بیست و شش میلیارد دلاری داشت، هر ماه یک میلیارد دلار این کشورهای عربی به آن هدیه می‌دادند. یک دقیقه من اضافه می کنم.

مجری: بله.

موسوی: می‌دانم که وقت دارد تمام می‌شود.

مجری: ۱۰ دقیقه تمام است. حالا خلاصه بفرمایید.

موسوی: خیلی خلاصه می گویم. ما برعکس وضع چیزمون که در یک سال گفتم که هفت میلیارد دلار رسید. من هزینه ها را بعداً باز می‌کنم. موقعی که جنگ تمام شد، عراق ۸۶ میلیارد دلار هم بدهی خارجی داشت و ما هیچ بدهی نداشتیم و کشور را با آن رقم کم اداره کردیم. اینها یک شاخص‌هایی است که توجیه کنندهٔ وضعیت اقتصادی ما در دوران جنگ است. حالا راجع به ابهامات فعلی عقاید بنده، در مورد مسائل اقتصادی بنده همین جور وقتی نوبت رسید، باز هم توضیح می دهم.

مجری: خیلی متشکرم. آقای رضایی.

رضایی: بله. در هرحال من جوابم را دریافت نکردم. من سؤال صریحم از آقای میرحسین این است که آیا ایشان سیاست‌های اصل ۴۴ را قبول دارند. سیاست‌های اصل ۴۴ آمده ـ همین‌طور که خود آقای میرحسین هم می‌دانند ـ دقیقاً ترسیم کرده که محدوده‌های فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، دولتی و تعاونی چطور است. بعد مشخص کرده که دولت باید یکسری کارها را در این تاریخ واگذار کند و بعد سرمایه‌گذاری‌ها را چطور تقویت کند. یک مانیفست خیلی روشن و شفاف است. این هم به این دلیل من می گم که جناب آقای میرحسین موسوی اگر یادشان باشد دراولین جلسه‌ای که ما ۸ الی ۹ سال پیش داشتیم، معترض بود به اینکه این سیاست‌ها که شما دارید می نویسید، این تغییر قانون اساسی است. حالا من برایم واقعاً مهم است و خود ایشان هم می‌داند چرا من باید حساس باشم؛ چون نه تنها من، بسیاری از دوستان به این نتیجه رسیدند، کارشناسان کشور همه به این نتیجه رسیدند که ما دیگر نباید وقت را صرف اقتصاد دولتی بکنیم. اقتصاد دولتی بالاخره یک زمانی، همان‌طور که ایشان می‌گوید، زمان جنگ و اینها، بله، درست بود. اما بحث من اصلاً مربوط به زمان جنگ نیست. خود آقای میرحسین اطلاع دارند. من اعتقاد ایشان را می‌گویم. در موقعی که ما داشتیم تصویب می کردیم، آیا ایشان آن اعتقاد را هنوز دارند یا ندارند؟ و اگر ندارند، چگونه و با چه دلیلی در حقیقت آمدند و الآن در صحبت‌هایشان هست که می گویند ما می گوییم که دیگر باید با آن اقتصاد خداحافظی کنیم. این برای من مهم است؛ چون می‌خواهم در حقیقت وارد بحث‌های دیگر شوم. اما حالا

من از وقتم استفاده می‌کنم. علت اینکه من می گویم باید در این کشور یک انقلاب اقتصادی صورت گیرد؛ چون ما در عصر طلایی جمعیت قرار داریم. یعنی ما امروز سنین بین ۱۵ تا ۲۹ سال ۳۶/۴ دهم درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهد. یعنی الآن جوان ترین جمعیت دنیا در ایران است. جوان ترین جمعیت در منطقه در حقیقت در ایران است. هر وقت یک کشور صاحب چنین سرمایه ای شود، جهش اقتصادی خود را انجام داده. ژاپن این طور بوده. جاهای دیگری هم این طور بوده و درحقیقت این کار را کردند. علت اینکه من می گویم باید یک تغییر اساسی به وجود بیاید که به گذشته برنگردیم و مسیر فعلی را هم ادامه ندهیم، این است که گذشته نباید در آینده تکرار شود. چرا؟ چون این جمعیت عظیمی که امروز روبه روی ما هست، دیگه با چارچوب های گذشته نمی شود آن را سازمان داد. عوض شده اند. فرهنگشان عوض شده. منشسان عوض شده. حتی محیط داخلی کشور هم عوض شده. محیط جهانی هم عوض شده. ما با تکرار گذشته در آینده نمی‌توانیم آینده‌مان را بسازیم. ما باید آینده را در چارچوب های خودش بسازیم. خُب، اگر بخواهیم آینده را با چارچوب های خودش درحقیقت بسازیم، ما باید از چرخهٔ فقر سیاسی بیرون بیاییم. بیرون چرخهٔ فقر سیاسی این است که ما عمدتاً فقط به نسل اولی های انقلاب اکتفا کنیم و ظرفیتی برای ورود این همه نیروی عظیم جوان به صحنهٔ ادارهٔ کشور فراهم نکنیم. اگر من می‌گویم در دولت ائتلافی ما می آییم از بزرگان انقلاب برای مشاوره و نظارت و هدایت و حتی کادرسازی استفاده می‌کنیم و کشور را می‌خواهیم به دست جوان ها بسپاریم، این به دو دلیل است. یکی به این دلیل که ما در فرصت طلایی جمعیت قرار داریم، دوم به این دلیل که باید یک کارهای اساسی صورت بگیرد. ریل اقتصاد را ما باید عوض کنیم. اصلاً اقتصاد را باید به مردم بدهیم. اینکه از دولت بگیریم و به مردم بدهیم، کار ساده ای نیست. اینکه ساختارها را باید عوض کنیم، این انقلاب را با کمک این جمعیت جوان می‌توانیم درحقیقت انجام بدهیم. من صاحب این تجربه هم هستم. همهٔ دوستان می‌دانند که من وقتی فرمانده سپاه شدم، بسیاری از این فرماندهان ما افراد گمنامی بودند که در این گوشه و کنار بودند و کسی به آنها توجه نمی کرد. اما من به نتیجه رسیدم. نه تنها منبعی که

در اختیارمان هست، همین منبع انسانی، همین نیروی جوان را ما باید بیاوریم توی صحنه و از آن استفاده کنیم. لذا وقتی امروز من فقر و بیکاری و گرانی را در کشور می بینم به یاد همان دورانی می افتم که جز با کمک جوان ها ما نتوانستیم عراق را بیرون کنیم. امروز الحمدلله وضع ما خیلی بهتر از آن موقع است. آن موقع ما حتی کلاشینکف هم به سختی داشتیم. خود جناب آقای میرحسین در جریان هست. بالاخره توی این سی سال گذشته کارهای زیادی در اقتصاد شده و لذا ما با یک پتانسیل و زیربناهای بهتری می‌توانیم این انقلاب اقتصادی را درست کنیم. اما بالاخره این انقلاب باید به توسط جوان های کشور صورت بگیرد. من حرف اصلی ام این است که خُب حالا با توجه به این مسئله سؤال دوم من از جناب آقای میرحسین این است که ایشان با چه کادری می‌خواهند کشور و دولت را اداره بکنند که زمینه‌ها را برای انتقال قدرت از نسل های گذشته به نسل های آینده در پیش بگیریم، بدون اینکه خدای ناکرده ما بخواهیم این نسل عظیم گذشته ای را که صاحب تجربه است، کنار بگذاریم و به عکس بیاییم جوان ها را مشاور کنیم. من می گویم مدل را باید برعکس کنیم. جوان ها را بیاوریم در صحنهٔ اجرا و از این پتانسیل گذشته استفاده کنیم، اما راه گذشته را ما نمی‌توانیم ادامه بدهیم. شاید این اصطلاح بهتر باشد که من بگویم: ما آینده را با تکرار گذشته نمی‌توانیم بسازیم. ما باید آینده را در چارچوب های خودش بسازیم. این همان سند چشم انداز آیندهٔ ایران است. یا مثلاً فرض کنیم در رابطه‌با ورود بانوان، خُب، از بانوان نباید به صورت نمایشی استفاده شود. اینکه در بعضی از ادارات یا در بعضی از پست ها و زارتخانه‌ها ما بخواهیم به صورت نمایشی از اینها استفاده کنیم. بانوان ما یک پتانسیل عظیمی هستند، انسان های تحصیل کرده و فرهیختهٔ خیلی عظیمی در میان آنها هستند. اینها در مدیریت کشور می‌توانند نقش آفرینی کنند. اینها در ادارهٔ اقتصاد کشور می‌توانند نقش آفرینی کنند، در فرهنگ سازی، در هنر، در ادبیات، در تمدن سازی می‌توانند نقش آفرینی کنند. اینکه من صحبت از یک انقلاب می‌کنم منظورم اینهاست. منظورم این است که ما آینده را باید با چارچوب های خودش و ضوابط خودش بسازیم و روزی رسیده که ما دیگر نمی‌توانیم گذشته را در آینده تکرار کنیم.

حالا سؤال من از آقای میرحسین، سؤال دوم من این است که ایشان صحبت هم کردند که یک هسته‌ای دارند که آن هسته غیر از حامیان ایشان هستند. خیلی خُب، این هسته من فکر می‌کنم باید توضیح داده شود، کما اینکه من این را هم توضیح دادم و هم تا سه چهار روز مانده به انتخابات خواهم گفت که من چه کسانی را در دولت به کار می‌گیرم. واضح کردن این هسته خوبی‌اش این است که مردم با یک چشم بازی نگاه می‌کنند. الآن در مورد جناب آقای میرحسین موسوی این سؤال است که آیا حامیان آقای میرحسین در دولت ایشان هستند یا آن هسته‌ای که ایشان صحبت می کنند آیا کارگزاران سازندگی، آیا مشارکت، آیا مجاهدین انقلاب و همهٔ کسانی که از ایشان حمایت کردند، هستند. خُب، به نظر من اگر ما شفاف سازی کنیم، هم برای من که می‌خواهم با ایشان رقابت کنم، بهتر می‌توانم رقابت را انجام بدهم، هم برای مردم مفید است. این هم سؤال دوم است که من دلم می‌خواهد ایشان به آن پاسخ بدهند.

مجری: خیلی متشکرم. آقای موسوی.

موسوی: بله. من البته همین‌جور گذرا به بعضی سؤالات حالا تلگرافی جواب خواهم داد، برای اینکه برنامه‌هایم را بیشتر برای مردم به اصطلاح چیز بکنم. ولی خُب، یک بحث طلبگی هم من دارم اینجا در مورد سیاست‌های کلی که مورد استناد آقای رضایی است. ضمن اینکه بنده عضو مجمع هستم و جزو کسانی هستم که درمورد این سیاست‌ها، وقتی بحث شده، خودم دخالت کردم و نظر دادم و گاهی در کمیسیون شرکت کردم. همیشه صریح گفتم که تدوین انبوهی از سیاست‌های اجرایی توسط مجمع را من موافق نیستم. من اعتقاد دارم که سیاست‌های کلی کشور یعنی ۹ سیاست روشن که وجدان عمومی شود و همه آن را مورد حمایت قرار بدهند و همه ناظر آن باشند که آن اجرا شود و همه حساب کشی کنند که بالاخره این سیاست کلی چه شده. یک موقعی بود که ما می گفتیم: جنگ جنگ تا رفع فتنه. این یک سیاست کلی بود. این را همه مردم می فهمیدند. این را همهٔ آحاد جامعه بیشتر می‌دانستند، ولی ما به اندازهٔ دیوان سعدی در مورد سیاست‌های کلی که نه اولویت ها در آن روشن است و نه اینکه کدام یکی جزو مسائلی باید باشد که مورد

توجه باید قرار بگیرد. جناب آقای رضایی یک تکه از آن را برمی‌دارد، بنده یک تکه از آن را برمی‌دارم، آقای احمدی‌نژاد هم یک تکه از آن را برمی‌دارد و می‌گوید که این سیاست‌های کلی است، به دلیل اینکه هیچ کدام معلوم نیست که چه اولویتی بر آنهای دیگر دارد و هیچ زینه بندی ارزشی در مورد آنها وجود ندارد و این جزو مشکلات این سیاست‌هاست. بنده چون صریح گفتم، در خود مجمع هم گفتم، به بقیهٔ دوستان هم گفتم، هیچ ابایی ندارم که جلوی جمع هم بگویم. البته به این معنا نیست که آن سیاست‌های کلی که تدوین می‌شوند، مفید نیستند. نه آنها خیلی مفید هم هستند و مورد استناد هم می‌توانند قرار بگیرند. به دلیل اینکه تعداد قابل توجهی از کارشناسان ما پشت این سیاست‌های کلی کار می‌کنند. منتها من اعتقادم به اینکه این مقدار سیاست کلی که ما تصویب می‌کنیم، این هم جزو مسئولیت‌های دولت می‌توانست باشد و دولت این کارها را انجام بدهد و ما حداکثر ده صفحه مطلب داشته باشیم که سیاست‌های کلی روشن باشد و طوری تبلیغ کنیم که همه متوجه باشند که این سیاست‌های کلی چیه از یک روستایی گرفته، شهری گرفته، کارفرما گرفته، همه از آن حمایت می‌کردند. فرضاً ممکن بود حمایت از بخش خصوصی یکی از این سیاست‌های کلی باشد، ولی اگر شما به مجموعهٔ سیاست‌های کلی نگاه کنید، چنین مشکلی در آن وجود دارد. ضمن اینکه آن مجموعه را بنده مفید می‌دانم. در مورد اصل ۴۴ بنده یک نظری داشتم که همین جوری صریحاً اینجا مطرح می‌کنم. یکی مضمون خود این به اصطلاح تفسیری که شده که آیا برای اقتصاد ما مفید هست یا نه. بنده می‌گویم مفید است و باید اجرا شود، ولی اینکه ما اصول قانون اساسی را تا این اندازهٔ وسیع تفسیر کنیم، من موافق نیستم. در ذهنم این است که تا این اندازه، وقتی ما آن را باز می‌کنیم، بهتر است از آن اصلی که مربوط به تغییر قانون اساسی است استفاده کنیم و این را به نظرخواهی از جمع مردم بسپاریم. باز هم من تکرار بکنم، برای اینکه سوءتفاهم پیش نیاید، بالاخره وقتی نظام تصمیم می‌گیرد که به این شکل می‌خواهد عمل کند و این را تفسیر می‌کند و در اختیار می‌گذارد، دیگر در مرحلهٔ بعدی در زمینهٔ اجرای اصل ۴۴ نباید تردید باشد. مگر اینکه آدم حسابش را از نظام جدا کرده باشد. منتها چیز مهمی‌که جناب آقای رضایی باید توجه کنند، این است که

مثلاً قبول‌کردن اصل مسئله نیست، نوع اجرا کردن، طراحی، و نهادسازی مهم است، برای اینکه ما قانونی را که گذراندیم، می‌خواهیم اجرا کنیم، این مهم است. من یک کم این را توضیح می دهم؛ چون بارها گفتم، وقتی که بعد از فروپاشی اروپای شرقی، اقتصاد آلمان شرقی می‌خواست به آلمان غربی منضم شود. خُب، آن موقع بحث بود که به‌دلیل وسعت این اقتصاد، اگر این اقتصاد بخواهد برگردد حالت آزاد پیدا کند و به اقتصاد آلمان غربی منضم شود، اقتصاد اصلاً ممکن است فرو بپاشد و خود آلمان غربی را ساقط کند. اینها آمدند یک مرجع بسیار مهمی ساختند، اختیارات وسیع گذاشتند، نهادسازی کردند، قوانین و مقررات را گذراندند، این کار را زمان‌بندی کردند و با قدرت انجام دادند. هنر بنده این است که این جور کارها را می‌توانم قوی انجام بدهم؛ همان طور که بنده در زمان جنگ بسیاری از این‌پروژه‌ها را انجام دادم. سؤالی که من از آقای رضایی دارم این است که آیا برای این برنامه‌هایی که بخشی از آن را من در صحبت‌های جناب آقای کروبی هم شنیدم، چه تمهیداتی درنظر گرفته. صرف اینکه ما بگوییم یک عده جوان را می آوریم و می‌خواهیم گردش نخبگان ایجاد کنیم، این مسئلهٔ ما را حل نمی کند. یا اینکه بگوییم ائتلاف، ائتلاف برای این است که تحبیب قلوب بکنیم که برای گروه‌های مختلف خوب است، ولی اینکه آیا روش اجرایی ما برای اینکه از این نیرو به‌طور وسیع بتوانیم استفاده کنیم، و سازماندهی کنیم و نهادسازی بتوانیم بکنیم، چیست. من در این زمینه به‌اصطلاح دیگر یک مقدار سؤال دارم، و یکی از مشکلات دولت فعلی را هم در عدم قدرت برای نهادسازی جهت اجرای برنامه‌های مهم می‌دانم. گفتن عدالت چیز خوبی است، ریز کردن سیاست‌ها بسیار خوب است. یا همین یکی از برنامه‌های بنده اصلاح بهبود فضای کسب و کار است. گفتن این مسئله خوب است، ولی اینکه چگونه باید انجام شود، یکی از مهم‌ترین مسائل ماست. این یک نکته است. دوم اینکه حالا من برگردم، بعد از این سؤال‌هایی که شد، حالا یک سؤالی هم شد که استفاده از نیروهای کاری چه جوری است. بنده از اول انتخابات گفتم که وزیر معرفی نمی کنیم. حالا ممکن است که سلیقهٔ آقای رضایی این باشد که وزرا را معرفی کند و بنده منتظرم ببینم وزرای ایشان چه کسانی هستند که مثلاً به نظرم خیلی خوب بیاید یا ممکن

است نقد هم داشته باشم. ولی بنده یک سلیقه ای را در زمان جنگ اعلام کردم که هنوز هم آن سلیقه را هم دارم. بنده اعلام کردم که ما شایسته سالاری باید داشته باشیم. صرف اینکه ما بگوییم از جوان استفاده می‌کنیم، مشکل ما را حل نمی کند، بلکه ما مجبوریم مجموعه ای از تجربه و جوانی را در کنار همدیگر داشته باشیم. اگر ما اول انقلاب سردارهای جوان داشتیم، مدیرهای جوان داشتیم، به دلیل خلأ کامل از مدیرهای باتجربه بود. الآن برعکس مهم‌ترین مسئله این است که چگونه نیروهای باتجربه را کنار نیروهای جوان قرار بدهیم. خود این هم یک نوع طراحی می‌خواهد، یعنی همین جور ساده نمی شود گفت ما از همه استفاده می‌کنیم یا مثلاً آنها را به صورت فله‌ای می‌توانیم به هم بزنیم و در کنار هم قرار بدهیم و آنها کار بکنند. چه برنامه‌ای برای این قضیه وجود دارد؟ من برای این مسئله طرح و برنامه دارم که می‌توانم این را مطرح کنم که چگونه می شود این کار را انجام داد که نیروهای باتجربه در کنار نیروهای جوان و پیشتاز و قوی بتوانند قرار بگیرند و کشور را متحول کنند و به تدریج گردش نخبگان مناسبی داشته باشیم. اگر من وقت دارم، یک کم از برنامه‌هایم را باز کنم.

مجری: وقت دارید. سه الی چهار دقیقه وقت دارید.

موسوی: بس است. ببینید ما یک مقدار برنامه‌هایی داریم که به‌اصطلاح یک بخش آن برنامه‌های آرامی است، منتها متنی کردن اقتصاد کشور است. باز تعریفی بنده از نقش دولت می‌کنم. کلاً یک منظومه هم هست. فرض کن بنده به اصل شوراها اهمیت بدهم، برای عدم تمرکز در کشور که یکی از بندهای کارم است که حالا بعداً توضیح خواهم داد، اگر پیش آمد، در مناظرهٔ دیگری این را توضیح می دهم که بسیاری از مشکلات ما راحل می کند. یک برنامه‌های اقتصادی هم دارم، مثل بحث برنامهٔ مقابله با تورم، برنامهٔ اصلاح الگوی مصرف انرژی، برنامهٔ جلوگیری از اتلاف منابع عمومی با اصلاح نظام بودجه دهی که این را البته اگر وقت بود، توضیح می دهم، یا برنامهٔ دولت الکترونیک که فوق‌العاده در کار ما اهمیت دارد، و برنامهٔ بهبود فضای کسب وکار و طرح تبدیل صنعت نفت موتور محرکهٔ اقتصاد کشور که در اینجا ما اختلاف سلیقهٔ قابل توجهی با جناب آقای رضایی

داریم، و برنامهٔ از میان برداشتن فقر مسکن و اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی که هم اشتغال ایجاد می کند و هم مشکلات ما را می‌تواند حل کند. منتها، فراتر از این، اگر وقت هست، بنده باز هم...

مجری: دو دقیقه وقت دارید.

موسوی: دو دقیقه وقت دارم؟ من فقط حالا به آن طرح که از همه مهم‌تر است، می پردازم. به همین طرح تبدیل صنعت نفت به موتور محرکهٔ اقتصاد کشور می پردازم. آقای رضایی یادشان هست که وقتی که خمپاره به ما نمی دادند، اسلحه نمی دادند، ما کارخانه های کشور را بسیج کردیم و بنده یک معاونت امور دفاعی گذاشتم که آقای فیروزآبادی مسئول آن بود و در هر وزارتخانه ای یک چنین معاونتی گذاشتم. تقریباً همهٔ کشور را بسیج کردیم. همهٔ کارکنان را بسیج کردیم که به اصطلاح در خدمت جنگ باشیم. مثلاً برای یک قطعه یا برای یک مسئلهٔ تسلیحات که ما می فرستادیم، ممکن بود ده کارخانه در اقصی نقاط کشور کار کنند تا در یک جایی اینها مونتاژ و به جبهه داده شود. ما صنعت نفتمان مشکلی که داشته، از موقعی که در آغاجاری اولین بار چاه زده شده، به عنوان یک مجموعهٔ کاملاً مستقل از مجموعهٔ اقتصاد ملی ما برای خودش کار کرده، در ارتباط با تکنولوژی های خارج و فضای بیرونی، بدون اینکه هیچ نوع آمیختگی و انسجامی بین این صنعت و صنعت داخلی کشور ما داشته باشد. نتیجه اش این شد که به طور مستقل ما یک صنعت‌نفت داریم با ده ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری که هنوز هم ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌خواهد، در حالی که اگر این با اقتصاد بومی ما در هم میرفت و با همدیگر کار می شد، می‌توانست تمام اقتصاد ما را تحرک ببخشد، پیمانکاری های وسیع ایجاد کند، و صنایع ما را رونق ببخشد. ما حساب کردیم که این مسئله در همین وضعیت فعلی نزدیک یک میلیون اشتغال در سطح کشور می‌تواند ایجاد کند.

مجری: آقای موسوی اگر...

موسوی: خُب یکی دو دقیقه از وقت بعدی من کم کنید، برای اینکه بحث را تمام کنم و دیگر به آن برنگردم. خُب، ما آمدیم این را به صورت یک برنامه دادیم. ببینید، ما یکی

از مشکلات ما مسئلهٔ اشتغال است. یکی از مسائل ما در کشور تحرک بخشیدن به بخش خصوصی، به صنعتمان و تولید ملی مان است. ما فکر می‌کنیم که آن موتور محرکهٔ این مسئله می‌تواند استفادهٔ بیجا از صنعت نفت باشد. این همان چیزی است که بنده خبرگی اش را دارم و می‌توانم سازمان بدهم. زمان جنگ هم این را ثابت کردم و می‌توانم نهادسازی کنم. این کار را در سطح کشور عملی کنم، به نحوی که حس شود که ضمن اینکه ضمن اینکه صنعت نفت تحرک خودش را دارد، می‌تواند حتی صادرات خدمات را هم داشته باشد در سطح بین‌الملل، در سطح داخل کشور هم کمک کند که به بقیهٔ بخش‌های صنعتی و اقتصادی ما کمک برساند و دگرگونی و تحولی در آنها ایجاد کند.

مجری: خیلی متشکرم. من عرض کنم که آقای موسوی ۲۱ دقیقه صحبت کردند و آقای رضایی ۱۷ دقیقه. آقای رضایی بفرمایید.

رضایی: خیلی خُب، استفاده کردیم. البته من این طور نتیجه می‌گیرم که آقای میرحسین موسوی می‌فرمایند که حالا اگرچه ایشان به سیاست‌های اصل چهل وچهار اشکال دارند، ولی با نحوهٔ اجرایی که در پیش می‌گیرند، آن را عمل می‌کنند. خُب، این اتفاقاً یکی از آن اشکالاتی است که حتماً کسانی که اعتقادی به یک کاری ندارند، هر اندازه هم منضبط باشند، ممکن است آن انگیزهٔ قوی را در عمل نداشته باشند و واقعاً برای من مهم است که ما از اقتصاد دولتی فاصله بگیریم. اگر ما از اقتصاد دولتی را فاصله نگیریم، نمی‌توانیم در قسمت دوم هم که من جوابی نشنیدم، ولی ایشان فرمودند که خُب بنا ندارند که معرفی کنند که چه کسانی وزرای ایشان هستند. البته من هم که می‌گویم معرفی می‌کنم، قطعاً تعدادی از آنها را معرفی خواهم کرد که پست های کلیدی در اختیارشان باشد. ولی بحث من اصلاً تنها بحث معرفی کابینه نیست، شفاف کردن است. همان طور که هم من، هم ایشان معتقدیم که باید جریان اطلاعات جریان شفافی باشد. ما هر چه بتوانیم اطرفیانمان را شفاف‌تر کنیم، شاید از حوادثی که در گذشته هم بوده، بتوانیم درحقیقت جلوگیری کنیم. اما من می‌خواهم وارد بحث دیگری شوم. درضمن من متوجه نشدم، وقتی که ایشان می‌گویند که در تبدیل کردن صنعت نفت کشور به موتور محرکهٔ اقتصاد با هم اختلاف داریم، من نظرم

چیست که با من اختلاف دارد. من در رابطهٔ نفت با دولت معتقد به همان صندوق توسعهٔ ملی هستم که ما باید به عنوان یک پس‌انداز جدید در کنار پس‌انداز کشورمان آن را به وجود بیاوریم و درحقیقت از آن استفاده کنیم. من متوجه نشدم که ایشان به کدام دیدگاه من اشاره کردند. اما من مطلب دیگری می‌خواهم بگویم و آن این است که انقلاب اقتصادی و تحول فرهنگی بدون تغییر و تحول در ساختار مدیریتی کشور هم امکان‌پذیر نیست. الگوی مدیریتی و نظام بوروکراسی که ما داریم، این کشش یک تحرک جدی را در اقتصاد نمی‌دهد. مطالعات خیلی زیادی هم در رابطه با این مسئله از زمان آقای خاتمی صورت گرفته. بعد از زمان آقای احمدی‌نژاد و حتی قبلش تحت عنوان «انقلاب اداری» تحول اداری صورت گرفته و تا حالا اینها به نتیجه‌ای نرسیده. من معتقدم که درست است که خیلی از این نهادهای مستقر را که در سال‌های اخیر به هم خورده، اینها را من برمی‌گردانم و احیا می‌کنم، اما حتماً بر اساس شکل سنتی گذشته نخواهد بود. ما یادمان نرفته وقتی در اول انقلاب جهاد سازندگی و نهادهای انقلابی را درست کردیم، شهید رجایی دو شورا را اداره می‌کرد، شورای نهادهای انقلاب و شورای نهادهای دولتی. ولی به مرور ما مشاهده کردیم که به عکس شد. کلید برگشت، یعنی به جای اینکه این سیستم سنتی، که از زمان رضاشاه پایه‌هایش گذاشته شده، به عکس شد. آن نهادهای انقلابی که هزینه‌های آنها خیلی کمتر بود، کارایی آنها خیلی زیادتر بود و پیشرفت بیشتری هم می‌توانستیم داشته باشیم، آنها درحقیقت منحل شدند، اینجا انجام می‌شد. من یادم نمیرود که برادران عزیز ارتش ما، که نقش بسیار مؤثری در دفاع داشتند، تا زمانی که مدیریت آقای بنی صدر بالای سر اینها بود، اینها نمی‌توانستند استعدادهای خودشان را بروز بدهند. ولی وقتی افرادی مثل برادرمان صیاد شیرازی آمد و بالای سر آنها قرار گرفت، چون الگوی مدیریت عوض شد خود سازماندهی ارتش هم تغییر پیدا کرد و اصلاً ارتش تبدیل به یک نیروی هجومی بسیار قدرتمندی در کنار سپاه شد.

ما مشکل اساسی‌مان الآن این نیست که یک تیمی بروند و یک تیمی بیایند. ما باید الگوی مدیریت کشور را عوض کنیم. همین مناقشات، همین دعواها چرا پیش می‌آید؟

دولت ائتلافی من خیلی کاملاً روشن است. دولت ائتلافی من مثل همان دهۀ اول انقلاب است. مگر کسی که رئیس جمهور می‌شود، به این دلیل که اکثریت را به او داده‌اند، باید اقلیت را حذف کند؟ چه کسی این حرف را زده؟ مخصوصاً در مردم سالاری دینی ما که مدعی دین خدا هستیم و معتقد به وحدت و برادری هستیم. مگر ما چون رأی آوردیم باید یک اتوبوس راه بیندازیم و بقیه را بیرون بکنیم. اتفاقاً خود این جزو نگرانی‌های من است. آیا برادر عزیزمان آقای میرحسین موسوی، اگر رئیس دولت شدند، باز ایشان شروع می کنند به اینکه تعداد زیادی از کسانی که الآن در این دولت کار می کنند، اینها را بیرون میریزند، یا نه ایشان می‌خواهند یک مدل جدیدی درست کنند؟ من می گویم دولت ائتلافی من روشن است. بحثم خیلی روشن است. با همه هم دوست و رفیق هستیم، با همۀ عزیزانی که در کشور هستند و من می‌گویم از همۀ این استعدادها استفاده می‌کنم. آن هم نه تنها چپ و راست. ما نخبگان کشور را تنها در تهران نداریم. الآن در تبریز، در مشهد، در اصفهان، در شیراز، در اهواز، در کرمان، دانشگاهها، چه آزاد، چه دولتی، حقیقتاً یک حجم انبوه و کارآمدی از کارشناسان ما را درست کرده‌اند که در خود آن محل هستند. ما در دبیرخانۀ مجمع تشخیص مصلحت نظام به این نتیجه رسیدیم که نباید فقط از نخبگانی که در تهران هستند، استفاده کنیم. بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها صاحب نظر در استان‌ها و شهرستان‌ها هستند و آخرش آمدیم یک مجموعۀ عالی نخبگان رو به صورت NGO درست کردیم که از آن طریق ما نظرات را می گیریم به مجمع می‌دهیم که دبیرخانۀ ما درحقیقت در استان‌ها شاخه و شعبه‌ای نزند و دفتری ایجاد نکند. چرا؟ چون ما دیدیم که حجم نخبگان کشور خیلی درحقیقت زیاد شده و امروز نظام اداری باید متحول شود. امروز ما اگر بخواهیم آی تی بیس(ITBase) را در ادارات داشته باشیم، اگر بخواهیم تغییرات اساسی را داشته باشیم ـ حتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که من دوباره احیا می‌کنم، حتماً به شکل گذشته نخواهد بود ـ ما باید به‌دنبال دولت الکترونیک برویم و به دولت چابک و کیفی برسیم. اما بحث من تنها به اینجا ختم پیدا نمی کند. من در رابطه با مدیریت حقیقتاً به یک تحول معتقدم. یعنی من ۹ منطقۀ فدرال را در کشور به وجود می آورم؛ البته فدرال

اقتصادی، صنعتی، تجاری و علمی. ولی در مسائل سیاسی، دفاعی، امنیتی، ما کشور را به صورت متمرکز اداره خواهیم کرد. من همهٔ اختیارات شهرستان‌ها را به آنها می‌دهم. الآن شما نگاه کنید، برای ترافیک چند نفر تصمیم می‌گیرند؟ ۱۷ نقطه در رابطه با ترافیک تهران تصمیم می‌گیرند. چرا این متمرکز نشود؟ یا در رابطه با حل و فصل بسیاری از مسائل که در دورن شهرها هست. در یک سیستم بور و کراتیک که قرار می‌گیرند، ماه‌ها، حتی سال‌ها طول می کشد. امروز یک شرکتی می‌خواهد تأسیس شود، محیط کسب و کار که از مهم‌ترین برنامه‌های من است، از ثبت گرفته تا مجوز دادن، ثبت کردن و همچنین بازارهای اقتصادی و دسترسی به بانک و وام و مسائل امنیت سرمایه‌گذاری. خُب، ما باید اینها را حل کنیم. ما با این سیستم اداری و مدیریتی کشور نمی‌توانیم این کار را انجام بدهیم. خُب، این نشان می‌دهد که ما باید تحول مدیریتی را هم داشته باشیم.

حالا سؤال بعدی من از آقای میرحسین این است که خُب شما زیاد فرمودید که تا چهار سال پیش اشکالی به عملکرد مدیریتی و اداری کشور نداشته‌اید. حداقل من این طوری متوجه شدم. اگر غیر از این است که خُب خودشان توضیح خواهند داد. خُب این به معنای چیست؟ آیا ایشان نمی‌خواهد در الگوی مدیریتی و حکمرانی کشور و در نظام اداری و بورکراتیک کشور تحولی به وجود بیاورد؟ یا چرا ایشان می‌خواهد این تحول را ایجاد کند؟

مجری: خیلی متشکرم. آقای موسوی، بفرمایید.

موسوی: بله. من باز هم در مورد اصل ۴۴ مثل اینکه ما حرف همدیگر را خوب متوجه شدیم. من گفتم که نحوهٔ تفسیر یک اصل به صورت موسع را به نظرم قبول نمی کنم. ولی اینکه وقتی تفسیر شد، مهم این است که آیا با محتوای این تفسیر موافقم یا نه، یک مسئلهٔ دیگر است. من با اصل ۴۴ موافقم، ولی اعتقاد دارم که این کار صرف شعار یا صرف اینکه ما این کار را انجام بدهیم، صورت نمی گیرد، بلکه برای این کار یک سازمان دهی قوی می خواهیم. علت این است که آلمان غربی را مثال آوردم. نمونه‌های دیگر در جهان هست. برای این کار نهادسازی می‌خواهد. عزم بسیار قوی می‌خواهد و زمان بندی می‌خواهد. وگرنه ما چشم باز می‌کنیم، می‌بینیم که سی سال دیگر گذشته و ما مشغول خصوصی سازی و یا اجرای اصل ۴۴

هستیم و می‌بینیم که هیچ کدام تحقق پیدا نکرده یا بیراهه‌هایی که الآن دارد در این زمینه اتفاق می‌افتد. که ناشی از همین قضیه است. برای همین مسئله سؤال اصلی در اینجا حالا مثلاً کنکاش راجع به اینکه آیا بنده از نظر اعتقادی به این مسئله چه جوری نگاه می‌کنم، مسئلهٔ اول ما نیست. ما می‌گوییم اصل ۴۴ را شما چه جوری می‌خواهید اجرا کنید که در یک زمان معینی این مسئله به انتهای خودش برسد و اثرگذار باشد و آن جهت گیری‌هایی که در آن هست، اعم از اینکه بخش خصوصی در چه وضعی باشد، بخش تعاونی در چه وضعیتی باشد، و امثال اینها، مسئله حل شده باشد. در مورد صندوق توسعهٔ ملی و نسبتش را با سهام عدالت و مانند اینها یک کم توضیح بدهند، یقیناً ما خوشحال می‌شویم. علت اینکه در مورد مسئلهٔ نفت گفتم اختلاف داریم، من به موضعی برمی‌گردم، دیدم که در صحبت شما با جناب آقای کروبی بحث باز هم توزیع ۷۰ هزار تومان و امثال اینها را احساس کردم اینجا هست، درصورتی که صندوق توسعهٔ ملی که درحقیقت تکامل یافتهٔ حساب ذخیرهٔ ارزی است تا آنجایی که من می‌دانم و هدفش هم تبدیل دارایی‌های زیرزمینی به دارایی‌های روی زمینی است، در اینجا ضربه‌گیر نوسانات قیمت نفت هم برای کشور ما هست و این دو مسئله با همدیگر فرق دارد. اگر آن صحبتی که بنده از شما شنیدم درست باشد که آنجا را در نظر گرفته شده که همهٔ مردم ما سهام‌دار آن صندوق هستند، و بر اساس سهام چیزی پرداخت می‌شود، این بر می‌گردد به همان طرح تحول اقتصادی و یا چیزهایی از این قبیل که اگر قرار باشد بحث شود، بنده بحث می‌کنم و با آن مسئله موافق نیستم. قطعاً به ضرر افراد قشر مستضعف کشور ماست و نمی‌تواند کمک کند که ما از پول نفت برای ایجاد یک سرمایه‌هایی جهت آینده استفاده کنیم که به نفع اشتغال دائم و سود قشرهای مستضعف کشور ما و همهٔ ملت ما و همهٔ کارآفرینان باشد. علت اینکه این قضیه را گفتم، به این خاطر است. بنده آن وقت مسئلهٔ به اصطلاح بازبینی یا تجدیدنظر در مدل اداری را صرف این نمی‌دانم که آیا به وضعیتی که پیش آمد، نقد داریم. بنده هم اصطلاح تغییر کامیونی مدیرها را یک موقعی کردم و واقعاً هم همین جور شد. یعنی قدیم هرکس می‌آمد، یک لایه نازکی از مدیران را عوض می‌کرد. بعد دولت جدید ماشاءالله از بالا تا پایین، حتی کسانی را که چای می‌آوردند و چای می‌بردند، بعضی‌ها عوض کردند و

خُب این کشور را دچار به اصطلاح مشکلات می کند و بنده مثلاً مطرح کردم که در رابطه با آینده در مورد هئیت دولت همان طور که در زمان جنگ از نیروهای مختلف استفاده می کردم، از جریان های مختلف باز هم حتی از کسانی که مخالف بنده رأی داده باشند هم می‌توانم استفاده کنم، به شرط اینکه شایستگی لازم را برای ادامهٔ کارهایشان داشته باشند.

در مورد خود کشور یکی از مسائلی که تکلیفش باید روشن شود قبل از اینکه ما یک چیز جدیدی بیاوریم که نمی‌توانیم آن را به تصویب مجلس برسانیم، یا اینکه با مشکلات حقوقی وسیعی روبه‌رو خواهیم شد، اصل شوراهاست. ما نزدیک هفت تا اصل شورایی داریم که به ما امکانات وسیعی برای مانور می‌دهد که خیلی فراتر از مسئلهٔ فقط یک دایره های اقتصادی و منطقه‌های اقتصادی به ما می‌دهد. اینها می‌توانند وظایف فرهنگی بر عهده بگیرند. در زمینهٔ آموزش امنیت و سلامت نقش‌های وسیعی را به عهده بگیرند. ضمن اینکه بسیاری از مسائل اقتصادی محلی و استانی حتی چند استانی را با همدیگر می‌توانند داشته باشند. امکان این را فراهم بیاورند که با استفاده از نیروهای محلی، مدیریت را تربیت کنند و در بخش ملی به کارآمدی کل نظام کمک بکنند و ما جزئی از یک دریا را استفاده کرده‌ایم. بنده در اول انقلاب یادم است که مسئلهٔ شوراها تا چه اندازه حساس بود و در آن موقع مورد بحث همهٔ دوستان ما بود. و من ذهنم این است که این اصول مغفول گذشته شد. این اصول دومرتبه راجع به این شوراها با یک اختیاراتی قوانین تصویب شده، متأسفانه باز هم هی کاهش پیدا کرده که آخرش هم یک چیزی هست که الآن هست که شوراهایی است که حداکثر می‌توانند شهرداری ها را یک مدت اداره کنند. بنده قصد دارم و یکی از اولین کارهایم این است که از این شوراها با تمام توان و ظرفیتی که می‌توانند در قانون اساسی داشته باشند استفاده کنم و جزو اولین کارهایم خواهد بود. مشکلی که من یقین دارم در قدم اول بنده با آن مواجه خواهم بود، این است که زارتخانه‌های مختلف عادت کرده‌اند که در خودشان جمع کنند از آنها بکنم و به این شوراها بتوانم بدهم که این کار را انجام بدهم، یکی از مهم‌ترین مسائل است. ولی به نظر من این کار شدنی است و من یقین دارم، منتها یک چیز دیگری که کنار این هفت تا به اصطلاح آیتمی که برای برنامه‌های اقتصادی مطرح کردم، بنده فکر کردم، این هست که

یکی از موارد را شرح می‌دهم و سریع رد می‌شوم. این هست که شما اگر نگاه می‌کردید، بعضی از استان‌های ما، مثلاً شمال غربی که مثلاً تبریز هم وسطش هست و بعداً دور و برش شهرهایی هم هست، یک موقعی از نظر اقتصادی نقش بسیار عظیمی را در سطح کشور بازی می‌کردند. یعنی منطقه‌هایی ما داشتیم که به دلیل برخورداری از یک مزیت های نسبی می‌توانستند یک نقش ملی داشته باشند. ما اگر برویم به سمت اینکه ۷ الی ۸ تا ناحیهٔ اقتصادی یا بیشتر که در حاشیه‌های کشور هست، مثل شمال غربی و شرق و جنوب کشور می‌تواند باشد یک مجموعه را تنظیم کنیم که تمام زیرساخت‌ها و پروژه‌های ریزمان در قالب یک پروژهٔ بزرگی که آن طرح اصلی را تشکیل می‌دهد، قرار بگیرد. به طور مثال شمال غربی را اشاره کنیم یا شرق کشور را، توجه خواهید داشت که ظرفیت های عظیمی در این رابطه وجود دارد. ما از طریق همان شمال غربی کشور خودمان از یک طرف بعد از کشورهای آزادشده بعد از فروپاشی شوروی روبه‌رو هستیم، ازیک طرف با ترکیه همسایه هستیم که وصل است به اروپا، به عنوان یک بازار ۹۵۰ میلیون نفری با ده ها میلیارد یورو به اصطلاح گردش اقتصادی خیلی عظیم، یعنی یک اقتصاد عظیم که حالا رقمش خیلی در ذهنم نیست. ما از این مزیت الآن به صورت یک اقتصاد زیرزمینی استفاده می‌کنیم. یعنی یک مقدار کالای قاچاق می‌آید که بعضی وقت ها هم در این بین فاجعه هایی اتفاق می‌افتد که خودش نشان‌دهندهٔ ظرفیت عظیمی است که در این مرزها وجود دارد. شما فرض کنید که ما وقتی که راجع به این منطقه فکر می‌کنیم، به تمام زیرساخت‌ها فکر می‌کنیم به تکنولوژی در آنجا، به استفاده از صنعت نفت، یا حمایت از مثلاً تولید ملی فکر می‌کنیم. تمام اینها در داخل یک منظومه شود. که از این به اصطلاح مزیت نسبی همسایگی این منطقه با مرزهای ترکیه، آذربایجان، ارمنستان یا حتی دسترسی از طریق گرجستان به بندر باتومی و بادکوبه هم استفاده کنیم، یقیناً تحولی که در این منطقه می‌توانیم داشته باشیم، به تمام کشور می‌تواند سرایت کند. در شرق کشورمان نزدیک به ۳ میلیارد نفر جمعیت داریم. در زمان قدیم راه ابریشم در کشور ما به این دلیل قدرت داشت و کشور ما را می‌گرداند که ما را وصل می‌کرد با آن وسایل ابتدایی به یک حوزه های جمعیتی و اقتصادی کلان. اگر بخواهیم تکان بخوریم، مثل بعضی کشورها که بالای ۱۰ درصد

رشد دارند، دنبال طرح‌های عظیم و با یک دامنهٔ وسیع باید باشیم که پروژه‌های خردمان در آنجا قرار بگیرد و بنده دنبال چنین طرح‌هایی هستم و پنج طرح در رابطه با این مسئله در ذهنم هست که درهرصورت یک کمی هم ابعاد آن را درآوردم که کار کنم، با سازمان دهی که خواهم کرد، در کنار این هفت تأسیاست اصلی اقتصادی که اشاره کردم که یکی مهار تورم است.

مجری: خیلی متشکرم. آقای رضایی، بفرمایید.

موسوی: چند دقیقه؟ شما اعلام بکنید.

مجری: ۳۰ دقیقه شما صحبت کردید. و آقای رضایی ۲۵ دقیقه. بفرمایید.

رضایی: خُب در بحث سیاست‌های اصل ۴۴ کاملاً روشن است. ما باید الزاماتی را فراهم کنیم و آن الزامات را اجرایی کنیم، مثل محیط کسب و کار محیط کسب‌وکار ایران عقب است. یعنی سرمایه‌گذاران، چه داخلی، چه خارجی، احساس امنیت در این محیط نمی‌کنند. من اولین کاری که می‌کنم، امنیت را فراهم می‌کنم و خودم تضمین‌کنندهٔ سرمایه‌گذاری‌ها خواهم بود. حداقل تا مدت‌های مدیدی به طور جدی من این را دنبال خواهم کرد. چه سرمایه‌گذاران خارجی که حتی بازدهی آنها را من تضمین می‌کنم، و چه سرمایه‌گذاران داخلی که مرتب دچار نوسانات زیادی هستند. در موقعی که رکود به وجود می‌آید به کمک آنها خواهم شتافت. بنگاه‌هایی که امروز در کشور موفق بوده‌اند و یک سابقهٔ طولانی و خوبی دارند، اینها را شناسایی خواهیم کرد. بنگاه‌هایی را که در بازارهای بین‌المللی حضور فعال داشتند، مشخص می‌کنیم. بنابراین ما الزاماتی را که در اقتصاد فراهم می‌کنیم. اصل۴۴ را عملیاتی می‌کنیم. بازار بورس، بازار پول، بیمه‌ها، و درحقیقت بسترهای لازمی که باید سیاست‌های اصل ۴۴ در آن صورت بگیرد، تحقق پیدا می‌کند. بخش مهمی خوشبختانه در قانون سیاست‌های اصل۴۴ که در مجلس تصویب شده، بخش‌های خیلی خوبی در آن قانون دیده شده. من آن قانون را کاملاً عملیاتی می‌کنم شورای در حقیقت شورای رقابتی به‌وجود آمده در قانون سیاست‌های اصل۴۴، خُب، من آن را می‌دانم. خود من در نوشتن این در مجلس نقش داشتم، آنها را جدی می‌گیریم،

سهل‌انگاری نخواهم کرد. در رابطه با آنها، مثلاً صندوق توسعهٔ ملی که جناب عالی گفتید، بیشتر وظیفه‌اش فراهم کردن پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری است. یعنی یک بخشی از پول نفت میرود در آنجا این پشتوانه می‌شود برای سرمایه‌گذاری کردن. حالا ما آمدیم استفادهٔ دوم را کردیم. یعنی می‌گوییم که پول نفت را ما نفروشیم که با ورودش به جیب مردم تبدیل به تورم شود و از آن جیبشان خارج شود. ما می‌گوییم این پول نفت برود توی صندوق و تبدیل به کالا و سرمایه‌گذاری شود. از آن طرف که وارد بازار می‌شود، سهام این صندوق دست مردم باشد. یعنی سهام صندوقی که کارش سرمایه‌گذاری است. اما مشکلی که ما در بحث‌های یارانه‌ای داریم و بعضی از کاندیداهای محترم می‌گویند، ما دیگر آن مشکل را درحقیقت نخواهم داشت. این با دقت طراحی شده. نواحی اقتصادی که جناب عالی می‌گویید خوب است، ولی ضعیف‌تر از فدرال اقتصادی است. فدرال اقتصادی کاملاً فلسفه‌اش این است که مثلاً ما در تبریز یکی از مراکز فدرال اقتصادی را خواهیم داشت. کرمانشاه این‌طوری خواهد بود. حالا من نمی‌خواهم اسم بیاورم. ما نه فدرال اقتصادی داریم که اینها کشورهای مجاور مثلاً فدرالی که در تبریز هست، آذربایجان را دارد، ترکیه را دنبال می‌کند و شمال عراق را و از این طرف هم استان‌های هم‌جوار خودش را یک جمعیت حدود ۵۰ میلیون نفر فقط از طریق این فدرال نیازهایش درحقیقت تأمین می‌شود. بنابراین، بحث فدرال به نظر من خیلی قوی‌تر از بحث نواحی اقتصادی است. ما هم اینجا نباید محافظه‌کاری کنیم؛ چون بعضی وقت‌ها ما به یک نتایجی می‌رسیم و از بس وقت تلف می‌کنیم، بعداً خود ما به عنوان مهم‌ترین مدافعان آن نظر به صحنه می‌آییم تو صحنه که مثل همین سیاست‌های اصل ۴۴ که این‌همه طول کشید تا درحقیقت به نتیجه رسید. در مسئلهٔ استفاده از جوانان به نظرم خیلی خوب می‌توانیم این کار را انجام دهیم. به نظرم اگر ما اجازه نمی‌دادیم که جوانان در آزادسازی خرمشهر اشتباه کنند، هیچ گاه تا الآن خرمشهر آزاد نمی‌شد. منتها من مدلی که طراحی کردم، به این صورت است که اولاً ما یک دولت در سایه داریم و یک دولت رسمی. دولت درسایه عمدتاً از نخبگان کشور شکل می‌گیرد، بسیار هم کوچک و جمع و جور است و عمدتاً اتاق فکر است. مثلاً وزارت

نفت یک وزارت در سایه دارد که افراد نخبه و باتجربهٔ کشور مثل وزاری قدیمی نفت، فرض کن وزرای قبلی نفت یا بسیاری از رؤسای شرکت های نفت، اینها می آیند در آن درحقیقت وزارت در سایهٔ نفت، درعین حال اساتید دانشگاه که البته در یک سطح خیلی بالایی باشند، چون ما حجم را می‌خواهیم کوچک بگیریم. حجم دولت در سایه کوچک است. لذا ناچار هستیم که تاپ ترین افراد را، یعنی در عالی ترین سطح را، بیاوریم در آنجا. این نوع سوم کارشناسانی که می آیند در دولت در سایه منتقدین وضع موجودند که ما در حقیقت سه نوع کادر و منابع انسانی را در دولت در سایه جمع می‌کنیم. حالا خوبی این دولت در سایه این است که اولاً نظارت می کند و مشورت می‌دهد. بعد مهم‌تر از اینها رصد می کند. جناب عالی حتماً دیدید، هم در گذشته هم در الآن؛ بعضاً کشور غافلگیر می‌شود. مثلاً فرض کنیم، خشکسالی یا تحریم‌ها یا بحران مالی یا حالا مثلاً می‌گوییم زلزله را نمی شود به طور دقیق پیش‌بینی کرد. اما در بسیاری از مسائل الآن دولت دچار غافلگیری می‌شود. حسن این دولت در سایه، که بسیار هم افراد محدود و در سطح عالی هستند، کارشان نظارت کردن، مشورت کردن و درحقیقت پیش بینی کردن حوادث است و چون درگیر مسائل روزمره و اجرایی مردم نیستند، در عین حال آن حالت نقادیشان را هم خواهند داشت و این طور نیست که ما یک دولتی درست کنیم که همه از همدیگر تعریف کنند. بالاخره یک دولت در سایه ای هم برای تمام وزارتخانه‌ها و حتی خود نهاد ریاست جمهوری یک دولت درسایه‌ای وجود دارد که مرتب اینها را نقد می کنند، مشاوره می‌دهند، نظارت می کنند، پیش بینی می کنند و این کارها را درحقیقت به جلو می‌برند. حالا من در بحث اقتصاد نکاتی دارم که توضیح خواهم داد.

مجری: خیلی متشکرم. آقای موسوی.

موسوی: بله. در مورد اصل ۴۴ که خیلی تکرار می‌شود، مسئلهٔ سیاست‌ها نیست، مسئلهٔ نهادسازی برای اجرای اصل ۴۴ است. بنده می‌گویم که الآن آن بخشی که مسئول این کار است، در موقعیت بسیار ضعیفی است. این کار یا باید تبدیل به وزارتخانه شود، یا یک نهادی شود متصل به ریاست جمهوری و از بالاترین اختیارات هم برخوردار

باشد و طرحی باید داشته باشد که در عرض چند سال این کار را شروع می کند و به اتمام می‌رساند. من منظورم این است که تا این کار نشود، این کار عملی نیست و این یک دولت بااقتدار می‌خواهد که قدرت نهادسازی داشته باشد. مشکلی که ما در مورد خصوصی سازی داریم، هرچند حالا طرح‌هایی که قوانین خوبی داریم، سر این قضیه است که حضرات نمی‌توانند به اصطلاح نهادسازی درستی برای این کار بکنند و بهترین قوانین را تلف می کنند و از بین می‌برند.

در مورد تضمین از سرمایه‌های خارجی باز هم همین مسئله است. ما صرف اینکه رئیس دولت اعتقاد داشته باشد که تضمین سرمایهٔ خارجی باید بکند، به نظر من کافی نیست. چگونه این تضمین باید صورت بگیرد؟ خُب، اینجاست که ما برمی گردیم به مبنای حقوقی، چارچوب ها و وظایفی که به اصطلاح توزیع می‌کنیم در زارتخانه‌های مختلف که این کار را انجام بدهند. حالا من گذرا راجع به دولت سایه هم اشاره می‌کنم. من تصوری که از دولت سایه داشتم، بیشتر در مورد الگویی است که در انگلستان هست و مربوط به احزاب مخالف است، یعنی یک حزبی هست، آمده سرکار و بعد موازی با آن وزیر خارجه اش، وزیر خارجه‌ای هم در آنها دارد. آن طرف حزب دارد که تمام اطلاعاتی که به این وزیر خارجه داده می‌شود، به آن هم داده می‌شود. برای اینکه دائم آمادگی باشد که وقتی یک نیرویی از صحنه خارج می‌شود، آن نیروی دیگر آمادگی این را داشته باشد که صحنه را پرکند و حتی آنها حقوق هم می‌گیرند و اختیارات وسیعی هم دارند و از نظر اطلاعاتی اینها در خود وزارتخانه‌ها یک چنین دولتی درست کرده‌اند. من اعتقاد دارم که شبیه مثلاً ده‌ها دستگاه نظارتی که داریم، باعث آشفتگی در کشور است. جز ایجاد آشفتگی چیزی ایجاد نخواهد شد. یک موقع است که ما یک شوراهای مشورتی می گذاریم، از آنها استفاده می‌کنیم، از دانشگاهی‌ها یک اتاق‌های فکر می گذاریم. من آنها را قبول دارم. یعنی اگر منظور آن است، بنده کاملاً آن را قبول دارم. ولی اینکه دولت سایه به این معنی که یک وزیری داریم، شبیه این وزیر را آنجا داشته باشیم یا چیزهایی شبیه به اینها، من فکر می‌کنم که این مسئله ساز است. یا اینکه فرض کنیم که پشت سر دولت که ۲۴ و ۲۵ تا وزیر است، ۲۴و۲۵ تا شبیه اینها هم

در خود دولت باشد که پشت سر این دولت به اصطلاح دولت سایه تشکیل بدهند و بخواهند تصمیم بگیرند، حتی بحث هم مخل کارهای دولت خواهد بود. مگر اینکه گفتیم به صورت یک گروه مشورتی برای دولت دربیاید. من می‌خواهم استفاده کنم از وقتم برای یکی اینکه یکی از برنامه‌هایی که اعلام کردم، در مورد فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام است که اجرا خواهم کرد که تکه هایی از آن و برای مردم می‌خوانم؛ چون حساس است و یکی از مهم‌ترین کارهایی خواهد بود که اجرا خواهم کرد.

مجری: آقای مهندس، ببخشید. یک رفت و برگشتی را تنظیم بفرمایید، خلاصه تر، که یک رفت و برگشت.

موسوی: خُب، باشد. الآن چقدر وقت دارم؟

مجری: شما ۳۳ دقیقه صحبت کردید، بعد آقای رضایی باید صحبت کنند، بعد پایان بحث هم شما.

موسوی: عیب ندارد. من پایان بحثمان را با همین فرمان هشت ماده‌ای تمام می‌کنم. شما بفرمایید.

رضایی: الآن من چند دقیقه وقت دارم؟

مجری: آقای رضایی ۳۲ دقیقه. ۱۰ دقیقه وقت دارید. راند آخر.

رضایی: آقای میرحسین چقدر وقت دارند؟

مجری: نه دقیقه آقای رضایی، هفت دقیقه آقای موسوی.

رضایی: خُب، بحث نهادسازی را به نظرم جناب آقای مهندس یک مقدار شاید دولتی...

موسوی: گفتم از طرح‌هاست.

رضایی: دولتی فرض کردند.

موسوی: تیپ ها.

رضایی: جناب آقای مهندس، ما نهاد دو نوع داریم: یکی درحقیقت نهادهای طبیعی اند، که اصلاً خارج از دولت اند و نهادهای اجتماعی اند، مثلاً فرض کنیم بازار پول یا فرض کنیم درحقیقت خود علم را ما یک نهاد می‌گوییم. یک وقت هم ما صحبت از نهادهای

سازمان یافته می‌کنیم. سازمان یافته دو شکل است: یکی سازمان یافتگی درون جامعه است یکی سازمان یافتگی در مسئلهٔ دولت است. خُب، من معتقدم نهادهایی که غیردولتی اند، باید اهمیت بیشتری پیدا کنند. یعنی اگر ما اجازه بدهیم بازار شکل بگیرد، واقعاً در ایران بازار شکل بگیرد، منظور من بازار سنتی نیست، بازار به معنای واقعی کلمه، مثلاً بازار پول کار خودش را انجام بدهد دولت در بازار پول، دخالت نکند، بازار سرمایه شکل بگیرد و بتواند همهٔ پس‌اندازها را جذب کند، قطعاً سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند. یا اینکه درحقیقت ما اجازه بدهیم نهادهای نظارتی، چه به صورت آنهایی که در اختیار دولت است، چه آنهایی که در اختیار اصناف است: خود اصناف توانایی خیلی بزرگی دارند و خودشان می‌توانند اصلاً اقتصاد را کنترل کنند، اداره بکنند. پس مسئلهٔ نهادسازی را من اتفاقاً احساس خطر می‌کنم. اگر دولت بخواهد بیاید خودش یک نهاد درست بکند، آن هم زیر نظر رئیس جمهور و از چارچوب و قواعد اقتصادی بخواهد خارج شود، خُب، این اشکال ندارد که ما می‌گوییم که مسئلهٔ خصوصی سازی را یک مقدار جدی تر بگیریم و برای آن زمان بندی بکنیم. بحث تضمین سرمایه‌گذاری خارجی قاعدتاً همین طور است. قوانین سرمایه‌گذاری خارجی که الآن تصویب کردیم، قانون درستی است. خود جناب عالی هم فکر می‌کنم بودید، آن موقع که اختلاف مجلس بین مجلس و شورای نگهبان پیش آمد. این به مجمع آمد، ولی آن قانون الآن عمل نمی‌شود. خیلی از ایرانی‌ها می‌گویند که آقا ما پولمان را آوردیم در داخل ایران، بعد پشیمان شدیم و برگشتیم و دیگر نمی‌خواهیم برگردیم. خُب، اینها تضمین می‌خواهند. اینها یک اقتداری در ایران می‌خواهند. که وقتی به آن نگاه می‌کند به دولت نگاه می‌کنند، احساس کنند دولت پشت‌سر آنهاست. جنبهٔ روانی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به خصوص ایرانیان خارج از کشور کم مسئله‌ای نیست، اما دولت در سایه موجب آشفتگی نمی‌شود. چرا؟ چون که ما تقسیم کار می‌کنیم. به آنها می‌گوییم شما کارتان مشاوره، نظارت و رصدکردن است. یعنی هیچ نوع کار اجرایی در اختیار آنها نیست. حالا جناب عالی می‌خواهید اسم «اتاق فکر» بر آنها بگذارید، اشکال ندارد. اما کار اینها در حقیقت نظارت است و ما باید همهٔ تجارت دنیا را بومی کنیم. من سه

نوع کارشناس را در آن تعبیه کردم: یکی کارشناسانی که تجربه دارند و در وزارتخانه بوده‌اند که اینها دوباره بر می گردند؛ اما نه اینکه بروند در وزارتخانه دخالت کنند یا دست و پای وزیر را بگیرند. نشسته اند یک جایی، مرتب، باحوصله دارند کل روند این وزارتخانه را رصد می کنند، زیر نظر دارند و اساتید دانشگاه هستند که درحقیقت از آنها استفاده می‌شود و همچنین منتقدین صاحب نظر یا صاحب نظران منتقد هستند که استفاده می کنند. اما مسئلهٔ بعد، به نظر من، مسئلهٔ فرهنگ است که اگر ما یک فکر جدی و اساسی برای آن نکنیم، قطعاً نمی‌توانیم خواسته‌ها و آرمان‌هایمان را پیاده کنیم. خود کلمهٔ درحقیقت «آریایی» یعنی آدم های نجیب. حتماً جناب عالی هم اطلاع دارید، اگر به فرهنگ لغت مراجعه شود، اصلاً آریایی یعنی انسان‌های نجیب و اصلاً ایران از خود فرهنگ ذاتی ایرانی‌ها بیرون آماده. مردم ایران فرهنگی اند ولی چه مقدار طی این گذشته واقعاً به فرهنگ توجه شده؟ حتی من در گذشته هم نمی بینیم، با وجود اینکه برادر عزیزمان، جناب آقای میرحسین، خودشان مشاور جناب آقای خاتمی بودند، بعد هم در شورای انقلاب فرهنگی حضور داشتند، ما هنوز شاهد یک توجه جدی به اصحاب فرهنگ، رسانه و هنرمندان‌مان نبوده‌ایم. هنوز بسیاری از فرهنگیان ما برای اینکه کتابشان را بتوانند نشر بدهند، دچار مشکل هستند. یا واقعاً شورای انقلاب فرهنگی برای فرهنگیان آموزش و پرورش چه کار کرده؟ در این مدت چرا نتوانست یک کار اساسی بکند؟ آموزش و پرورش ما با این همه نیروی انسانی فرهیخته و شایسته ای که دارند، امروز در مشکلات اولیهٔ خودشان به سر می‌برند. اینکه حالا چه تعداد از اینها دستمزدی، قراردادی هستند، چه تعداد باید دستمزدی شوند، تا مسئله بیمه و مسئلهٔ حقوق اینها و مشکلات دیگری که دارند. از وقتم می‌خواهم استفاده کنم و به کشاورزی اشاره کنم. اینکه ما انقلاب اقتصادی می‌کنیم، یعنی مسئلهٔ کشاورزی باید جایگاه خودش را واقعاً پیدا کند. همین جا هم یک سؤال دیگر هم از جناب آقای میرحسین دارم و آن هم این است که خیلی خُب، در رابطه با کشاورزی من معتقدم که ما نباید تعرفه‌ها را به این صورتی که در این سال‌های اخیر پیش آمد، نه با تعرفه‌ها یی که قبلاً وضع می شد، چون کشاورزی تمام دنیا حتی در خود آمریکا الآن تعرفه وجود دارد، برای

کشاورزی تعرفه وجود دارد. چرا دولت‌ها آمدند این تعرفه‌ها را برداشتند که این مشکلات جدی به وجود بیاید؟ حالا در همدان ما مشکل داریم. در گیلان ما الآن مشکل داریم. مسئلهٔ برنج ایران، چای ایران. عجیب است که بسیاری از کالاهای کشاورزی تولیدشدهٔ دنیا وارد ایران شده، اما محصولات کشاورزی ما در خود انبارها باقی مانده. این به خاطر این است که نظام تعرفه‌ای نظام درستی نبوده. خُب، آیا ما نظام تعرفه‌ای را در رابطه با صنعت هم می‌خواهم ادامه بدهیم.

من یکی از سؤالاتم از آقای میرحسین این است: آیا ما می‌خواهیم این تجهیزات غیراستانداردی که انرژی‌بر هستند و انواع تجهیزات انرژی‌بر ما که دو برابر استاندارد بین‌المللی الآن دارند سوخت کشور را به هدر می‌دهند، آیا ما می‌خواهیم سیاست‌های حمایتی را از اینها داشته باشیم؟ به چه صورت داشته باشیم؟ مسئلهٔ آخر هم مسئلهٔ اقوام است. اقوام به نظر من یک پتانسیل بسیار قوی در کشور ما هستند. ما وقتی می‌گوییم دولت ائتلافی، بعضی ما می‌خواهیم اقوام را به کار بگیریم. من به نظرم می‌آید که اقوام ایرانی مثل فرزندان یک پدر و مادر هستند، همه برادر هستند. یعنی من معتقدم پیش از عدالت ما باید به اقوام رسیدگی کنیم. عدالت و برادری، اگر ما عدالت و برادری داشته باشیم، حتماً می‌توانیم انسجام بیشتری داشته باشیم. و در آخر خدمت ملت عزیز ایران می‌خواهم این را عرض کنم که اگر دولت را به دست بگیرم، با تمام توان و همهٔ تجاربی که دارم، از همهٔ ظرفیت‌ها استفاده خواهم کرد و ان‌شاءالله این انقلاب اقتصادی و تحول فرهنگی را و تحول مدیریتی را و اصلاحات سیاسی را در کشور انجام خواهم داد.

مجری: خیلی متشکرم. آقای موسوی، بفرمایید.

موسوی: بله. من چند تا نکته مطرح می‌کنم. بحث به اصطلاح اقتصاد ملی ما یکی از مهم‌ترین مسائلی است که من می‌خواهم بحثم را با آن تمام کنم. با توجه به ضیق وقت، گرچه دوست داشتم که این فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام را برای مردم می‌خواندم. به دلیل اینکه از نظر فرهنگی، مهم هم هست، و بحث فرهنگی بنده زیاد کردم. فقط این جمله را می‌خوانم، برای اینکه کاشف آن چیزی است که خدمت مردم می‌خواهم عرض کنم که بنده در چه

جهتی دارم حرکت می‌کنم. این چند تا بند دارد که در وسط جنگ به دولت‌ها ابلاغ شده. از این نظر مهم است و خود خط سیر این فرمان و نگاهی که بر آن حاکم است. فکر می‌کنم، اگر ملت خوب دقت کند، خواهد دید که به‌اصطلاح رعایت آن چقدر می‌تواند مشکلاتمان را حل کند و منجر به چه سیاست‌هایی می‌تواند بشود. در یک بندی هست که اگر برای کشف خانه‌های تیمی (آن موقع منافقین و تروریست‌ها بودند و اینها، ایشان حداکثر می‌گیرد و مراکز فساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلات لهو یا آلات قمار یا فحشا و سایر جهات انحرافی، مثل مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چرا که اشاعهٔ فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است. هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید و باید به وظیفهٔ نهی از منکر، به نحوی که در اسلام مقرر است، عمل نماید و حق جلب و بازداشت یا ضرب شخص صاحب یا صاحبان آن خانه و ساکنان آن را ندارد ـ که دیروز ما نمونه‌اش را دیدیم که وقتی ما از آن عدول می‌کنیم می‌آییم ده پانزده تا از سران کشور، از کسانی که در کشور فعالیت هستند، با چه سخاوتی اسم‌هایشان را می‌بریم و مورد حمله قرار می‌دهیم. تجسس در امور مردم، به اصطلاح در امور شخصی مردم، یکی از مسائلی است که از اول نظام مطرح بوده و حضرت امام با آن مخالف بودند. ما مواردی در این زمینه داریم که بنده برای بهتر کردن فرهنگ کشور، احساس اعتماد در مردم و برای رهایی از ترس در کشور دنبال خواهم کرد برای اینکه مشکلات را بتوانیم حل کنیم بعد ریشه در اعتقادات دینی ما هم دارند.

مسئلهٔ فرهنگ، مهم‌ترین مسئله‌ای که ما داریم این است که کلاً نظام باید نگاه امنیتی خودش را از فرهنگ بردارد. این مهم‌ترین مسئله کشور است و بعد سلیقهٔ خودش را سلیقهٔ صددرصد عمومی تلقی نکند. دست در خانواده‌ها نکند، در جامعه نکند. یکی را خودی و یکی را غیرخودی نکند. بگذارد که نهاد خانواده، نهادهای مدنی، محلات، ریش سفیدهای سنتی و بسیاری از چیزهای معنوی که می‌شود در جامعه ایجاد کرد، حلال مشکلات فرهنگی مردم باشند، روابط آنها با همدیگر باشند. سعی کنند به معنای واقعی

مردم را به آشتی و دوستی بین خودشان و بین نظام بکشانند. هرنوع دخل و تصرف حالا بخشی از آن برمی گردد به مسئلهٔ کتاب ها و نشریات یا روزنامه ها یا در مورد مسائل هنری و بنده سعی خواهم کرد تحت عنوان شعاری که دادم که دولت فرهنگی و فرهنگ غیردولتی به این مسئله نائل شوم. دولت موظف است که در مقابل هنرمندها، به اصطلاح خلاقان که در این زمینه هستند، با آنها روراست باشد، صداقت داشته باشد، با آنها صداقت داشته باشد، با آنها ارتباط نزدیک برقرارکند و مسائل آنها را بفهمد چقدر وقت داریم؟

مجری: ۳ دقیقه وقت دارید.

موسوی: و طوری عمل نکند که عملاً این قشری که بسیار از نظر تأثیرگذاری در جامعه مهم‌اند آنها را در مقابل حاکمیت و نظام یا افکار عمومی قرار بدهد. ما از اینها در مطبوعات، در جراید و خود این صدا و سیما استفاده می‌کنیم. آنها قشرهای فعالی هستند. هم برای توسعه کشور مهم‌اند هم برای فرهنگ کشور مهم‌اند. الآن بنده یک جدایی بین قشرهای هنرمند خودمان و فرهنگ خودمان با دولت می‌بینیم و سیاست‌های دولت فعال را حداقل آنها نمی پسندند و یک درون فهمی از این جامعه در خود دولت باید به وجود بیاید که بتواند این ارتباط صمیمانه را بر قرار بکند.

و نکتهٔ آخر، که باز می‌دانم وقتم کم است، این است که ما به اقتصاد ملی خودمان، صرفاً نه تنها به دلایل اقتصادی، بلکه به عنوان مؤلفه ای از مؤلفه های اقتدار ملی باید نگاه کنیم. صنعت ما اگر نیرومند بشود، کشاورزی ما اگه نیرومند شود، به همان نسبت ما در سطح بین المللی یک اقتصاد نیرومند و کشور قوی‌تر خواهیم داشت که متأسفانه الآن چنین نیست؛ یعنی الآن مواردی است که احساس می‌شود که عرق ملی در خود کشور و در دولت ما بسیار پایین آمده و بسیاری از سیاست‌ها را من این جوری تلقی می‌کنم؛ وگرنه دولت نمی‌توانست تحمل کند که در بازارهای رشت، برنج باسماتی باشد. و خود برنج‌های شمالی در به اصطلاح انبارها باشد؛ یا چغندر قند ما بماند و بپوسد و مزارع ما تعطیل شود و کارخانه های قند ما تعطیل شود وشکر خارجی بازارهای ما را پر کند، یا برسد به تراکتورهای تراکتورسازی تبریز، پنج هزار تا در انبارش توی صحرا همین جوری

ردیف شده باشد، کشاورز نیاز دارد و دسترسی نداشته باشد. از سوی دیگر خود کارخانه نتواند از ظرفیت استفاده کند، برای اینکه تولید کند و مشکلات نقدینگی داشته باشد و بعد دچار مشکل شود. این غیر از معنای اقتصادی، معنای یک نوع کم‌توجهی به اقتصاد ملی هم در آن است. والسلام.

مجری: خیلی متشکرم، من تشکر می‌کنم از هردو بزرگوار. مناظرهٔ خوبی بود. هم صحبت‌ها ناظر به آینده بود، هم به برنامه. من فقط عرض می‌کنم که طبق قانون، صحبت از کاندیدای سوم و چهارم که غایب هستند، این امکان را برای کاندیدای غایب ایجاد می‌کند که بتوانند به همان میزان از خودشان دفاع کنند. این در قانون کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات آمده. من بار دیگر تشکر می‌کنم و خسته نباشید خدمت آقایان می‌گویم.

رضایی: خواهش...

موسوی: خواهش می‌کنم.

مجری: ما فردا شب مناظره نداریم. ان شاءالله شنبه شب در خدمت شما خواهیم بود.

مناظرۀ احمدی‌نژاد و کروبی

مجری (پورحسین): بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می‌کنم به شما مردم خوب و شریف کشورمان و همچنین بینندگان محترم سیما و شنوندگان محترم صدای جمهوری اسلامی ایران. شما تا دقایقی دیگر شاهد چهارمین مناظره از مناظره های نامزدهای محترم کاندیداهای دهمین دورۀ انتخابات ریاست جمهوری هستید.

خب، در این نوبت خدمت دو تن از نامزدهای محترم دهمین دورۀ انتخابات ریاست جمهوری هستیم. حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدی کروبی و جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد. به هر دو بزرگوار خیر مقدم می گوییم. خسته نباشید می گوییم. در خدمتتان هستیم. اگر سلام و علیکی با بینندگان دارید بفرمایید. جناب آقای کروبی.

کروبی: بسم الله الرحمن الرحیم. به جناب عالی و همۀ همکاران تان، به جناب آقای احمدی‌نژاد و همۀ عزیزانی که در سراسر کشور عرایض ما را می شنوند سلام عرض می‌کنم و عرض ادب می نمایم و امیدوارم که بحث خوبی امشب داشته باشیم و در تصمیم‌گیری مردم مؤثر باشد.

احمدی‌نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم سلام دارم خدمت ملت بزرگ ایران، جناب عالی و حاج آقای کروبی و امیدوارم خداوند متعال در همۀ صحنه‌ها بهترین سرنوشت را برای ملت ایران که سرشار از عزت و نشاط و سربلند باشد رقم بزنند.

مجری: خیلی متشکر. من خدمت بینندگان و شنوندگان عرض بکنم، خوشبختانه، طبق شواهد و یافته هایی که داریم، مناظره‌های چند شب مورد استقبال بینندگان و شنوندگان

و مردم خوبمان قرار گرفته. حداقلش این است که بعد از مناظره در خانه‌ها مردم دربارهٔ بحث‌ها، نظرها، آراء مشترکات، تفاوت‌ها بحث می کنند. گفت و شنود می کنند و این خود یک صحنهٔ مبارکی است. من قبل از اینکه وارد بحث بشوم مجدداً یادآوری کنم نکته ای را که در پایان مناظرهٔ قبلی خدمت دوستان عرض کردم. نقد کاندیدا یا کاندیداهای غایب موجب می‌شود که حق دفاع برایشان در نظر گرفته بشود. کما اینکه برای مناظرهٔ قبلی حدود ۳ الی ۴ دقیقه برای کاندیدای غایب وقت در نظر گرفته شده. طبق قرعه کشی، اول جناب آقای کروبی شروع می کنند بحث را و جناب آقای احمدی‌نژاد بحث را به پایان می‌برند. اگر اجازه بفرمایید آقای کروبی من سؤالی را خدمتتان مطرح بکنم. در برنامه‌های شما چند تا واژه تأکید می‌شود. بحث عدالت، عدالت اقتصادی، برنامه ریزی و به خصوص در بحث عدالت اقتصادی موضوع هزینه کردن و توزیع درآمد نفتی به شکل یک طرح مطرح است. شما طرح خودتان را در مقایسه با طرحی که الآن در حال عمل است طرح آقای احمدی‌نژاد چه جور مقایسه می کنید؟

کروبی: بله، عرض می‌کنم که بحث شما بحث خوبی است و سؤال بسیار درستی هم هست. اما من یک شعاری قبلاً دادم و انگیزهٔ آمدن را اعلام کردم. من می‌روم روی آن بحث می‌کنم که اصلاً من چرا آمده‌ام و انگیزه ام چی بوده و اینکه عرض کردم من آمده‌ام برای تغییر، معنایش چیست. چه کار می‌خواهم بکنم. مخصوصاً تکیه هم کردم روی قوهٔ مجریه و تغییر. یعنی من آمده‌ام برای ریاست جمهوری که مسئول اجرا باشم. ببخشید که این جور صریح می گویم. رقابت انتخاباتی نه جناب آقای احمدی‌نژاد جناب آقای موسوی هم تشریف آوردند که از دوستان خوب ما هستند، جناب آقای رضائی هم آمده‌اند. قبلاً هم صحبت آقای خاتمی هم بود و مدتی اعلام هم شد که هستند. من گفتم چون حزب تشکیل دادم آمده‌ام اصلاً برای تغییر آمده‌ام برای یک حرکت جدید و به خصوص آمده‌ام برای تغییر در رابطه با سیاست‌های آقای احمدی‌نژاد و نحوهٔ اداره کشور و من دو اشکال اساسی به شیوهٔ ادارهٔ آقای احمدی‌نژاد دارم و حتی اوائل هم سؤال که از من می‌کردند من سؤال با اشکال داشتم، اصلاً جواب نمی‌دادم. چه به خبرگزاری های داخلی، خارجی. من

گفتم دولت آمده که کارهایش را شروع کرده. من معترض هم بودم اما دیگر شورای نگهبان تأیید کرد و تنفیذ شد. دیگر روی آن بحث نمی کنیم. گاهی چرا یک اشکالاتی می‌کردیم. یک سؤال می‌کردیم یا یک نقدی می‌کردیم. یک مدتی که اصلاً نمی کردم ولی گاهی یک نقدی می‌کردیم. ولی دیگر آن اواخر که آمدیم هم مصمم شدیم هم نقدهایمان بیشتر شده هم خودمان را آماده کردیم برای این کار به خصوص که یک کار سخت و دشواری هم هست. چرا؟ چون آقایی که الآن مشغول دولت است یک چهار سال بوده. بارها هم گفتم یک چهار سال دیگه هم حقش است بر اساس قانون. قانون اساسی می گوید چنانچه مردم رأی بدهند پذیرفته شود. به عبارت دیگر، اون مشغول مسلطه، حاکم بر اوضاعه و ماها به اصطلاح پیاده. در عین حال من آماده‌ام در این جهت بحث کنم. لذا هم به دوستان آقای احمدی‌نژاد به عده زیادشان و به خودشان بحث اصولی دارم و اشکالات اصولی دارم. در ادارهٔ کشور کاملاً نارسایی می بینم، ضعف می بینم و هم به شیوهٔ اداره کردن. هم به شخصشان، هم به شیوه شان. به خصوص اشکالات مهم شخصی ام به خود آقای احمدی‌نژاد که حال طبیعی است که من عرض می‌کنم و آقای احمدی‌نژاد دفاع می کنند یا صحبت می کنند و بعد هم جواب می‌دهند. داوری هم با مردم است و من معتقدم از ابتدا باید من خیلی صریح، شفاف و روشن عرایضم را عرض کنم و آقای احمدی‌نژاد صریح و شفاف، قاعدتاً هر جور خودشان صلاح دانستند، بگویند. حتی من بنا دارم فردا شب راجع به جناب آقای موسوی هم با همهٔ علاقه ای که داریم راجع به ایشون هم یک سؤالاتی در ذهنم است که آنها را هم مطرح کنم، یک سلسله اطلاعاتی آقای احمدی‌نژاد می‌دهند. قاعدتاً اطلاعات اطلاعات غلطی است. به ایشان می رسد یا اینکه اطلاعات غلط است یا خدای ناکرده ما باید بگوییم آقای احمدی‌نژاد خلاف می گوید. غیر واقعی می گوید، یعنی به نظر من از این دو تا بیرون نیست. حالا ایشون هر جور که صحبت می کند ممکن است مردم برداشت دیگری بکنند. اما من با قاطعیت، با صراحت، صریح عرض می‌کنم، یا اطلاعاتی به ایشان غلط می‌دهند که آن اطلاعات موجب می‌شود ایشان گمراه بشود در این قضیه، چون من هم مسئول بودم می‌دانم به مسئولین خیلی اوقات اطلاعاتی می‌دهند که آن

اطلاعات موجب اشتباه می‌شود، یا اینکه نه خودشان بنایشان بر این است. من نمی‌توانم قانع کنم و من معتقدم از اول مسئولیت آقای احمدی‌نژاد اگر برخوردی معقول و منطقی حساب شده با آقای احمدی‌نژاد می‌شد، برخورد دوستانه از بزرگان نظام، به این مسیر کشیده نمی‌شد و آن ماجرای هالۀ نور که من وقتی واقع شنیدم اصلاً باورم نشد. به یک کسی که نمی‌خواهم اسم ببرم گفتم آن قدر دیگر لازم نیست در انتخابات آدم دشمنی بکند و بیاد اصلاً یا هر چی را جعل کند، به طرف نسبت بدهد. گفت، نه بابا، نه چیزش را دیدیم، تا من نیاوردند ندیدم و تا نرفتم تحقیق از قم نکردم واقعاً باورم نشد. اما دیدیم بله. نشستند و ایشان صحبت می‌کند برای آقای جوادی، آقای آیت‌الله جوادی. خوب می‌دانید یک فیلسوف، یک فقیه، یک عالم، ایشان آنجا شروع کردند صحبت کردن. چون من هم یک بار آنجا صحبت کردم. در آنجا حالا خصوصیاتش این دیپلمات‌ها که بیشتر رفتند می‌دانند حالا ایشان چهار بار رفتند آنجا، ولی من یک مرتبه به عنوان رئیس مجلس ششم ۷۹ آنجا صحبت کردم. خصوصیات آنجا چگونه من وارد بحث نمی‌شوم. دیدیم ایشان خیلی باصراحت می‌گوید: آره بعد که من صحبت‌هایم تمام شد به من گفتند که یک هاله‌ای از نور تو را فرا گرفته بود و وقتی که صحبت می‌کردم اینها آنقدر میخکوب شده بودند که چشم‌های اینها حرکت نمی‌کرد و همه نگاه می‌کنند به چهرۀ من و به حرف‌های من، در حالی که از آن فاصله اصلاً از آنجا که طرف شروع می‌کند تا کم‌کم همین‌طور جلو می‌رود حالا چشم هم هر چه خوب باشد و تیزبین هم باشد و آدم‌ها هم حواسش این است که این صحبتش رو آنجا بکند و تمام وجود آدم که من اینجا من دارم در یک منبری صحبت می‌کنم که دنیا دارد می‌شنود، چگونه می‌شود که ایشان هم هالۀ نور را دیگران می‌بینند و هم خودش، هم تمام چشم‌های آنها را می‌بیند که آنها هیچ تکان نمی‌خورند. چون این برمی‌گشت به مسائل مذهبی، من خیلی ناراحت شدم و خیلی متأثر شدم. حالا آقای احمدی‌نژاد به نظر من عنایت نکرد. ولی آیت‌الله جوادی آملی، من از قدیم ارادت به ایشان دارم، اما از آن به بعد ارادتم خیلی بالا شد و خیلی زیاد شد به او. من در تشییع جنازۀ آیت‌الله العظمی بهجت که ایشان نماز خواند یک گوشۀ دیگر دیدم نشسته بود. رفتم

یک عرض سلام کردم و سپس خوشم آمد از صحبت‌هایی که کرد. ایشان را توجهش داد دو سه تا روایت جالب خواند که خلاصه ائمهٔ معصومین ما با وجود پیغمبر دستور دادند بچه را فریب ندهید، حیوان را هم فریب ندهید؛ که حالا عصری همین سی دی هم آورده بودند اینجا دست من داده بودند و این هم خودم تا نرفتم و ندیدم، جویا شدم، نقل نکردم. اصلاً باورم نمی‌آمد. خیلی هم صادقانه بگویم، تلویزیون ما مانعش شدند اما بنا داشتم اولین پخش همین را بکنیم؛ این نکتهٔ اول. دومیش چندی بعد آقای احمدی‌نژاد تشریف برده بودند عراق، یک مرتبه آمدند و گفتند آمریکایی‌ها بنا بود مرا بدزدند و ما را ببرند اما با یک نقشه‌ای ما آمدیم. خب، ببینید، آمریکا که خبیث خبیث استکبار است. استکبار هر چه اما آخر حسابی تو دنیا کتابی تو دنیا، اینجوری نیست که همین‌طور آمریکا بخواهد کسی را بدزدد ببرد اون محاسبات خودش را می کنند. منافع ملی شان را می کنند. من یک بار رفتم آمریکا همین که اشاره کردم اوضاع ایران هم با آمریکا، بیشترین حفاظت را من داشتم. همین که ما رفتیم برای آن، این دعوت هم بین‌المجالس بود. زمان برادر بسیار عزیزمان آقای ناطق تنظیم شده بود. دیگر تمام شد، مجلس پنجم تمام شد. مجلس ششم شد، من رفتم آمریکا، رفتم آمریکا. آمریکا از آن سگ ها که می آورند آنجا همه جا را کنترل کنند را مأمورینی می‌بردند و می‌آوردند و مراقبت هایی که می‌کردند. من گاهی شوخی می‌کردم، چند تا از پاسدارها با من بودند. گفتم اینها مواظبت می کنند و شما هم مواظبت می کنید. ما جایی هم نرفتیم، دو شب آنجا بودیم. همین ما را بردند یک کشتی گرداندند. بالا سر هم هلی کوپتر بود هم همه امکانات بود. بنابراین، می فهمند یک مرتبه یک رئیس جمهوری را بدزدند ببرند چه حوادثی رخ می‌دهد و جالب تر اینکه چند روز بعدش باز خود احمدی‌نژاد، تو روزنامه ها خواندم، من چیزهایی که نقل می‌کنم از آقای احمدی‌نژاد، از خودش نقل می‌کنم. از دیگر چند روز بعدش هم گفت، این آمریکایی‌ها در اثر برخوردهای من با آنها و عکس‌هایی که گرفتیم باهاشان، حتی بوش خواسته بود که دیوارهای صوتی ایران را هم بشکنند، اطاعت نکرده بودند. یعنی ایشان آنقدر نفوذ کرده بود آنجا که اینکه این نفوذش موجب شده بود که اصلاً بوش هم دیگر به فرمانش اطاعت نمی شد. آن هم

بوش که دنیا را اینجوری کرده. دنیا را به آتش کشید. افغانستان آنجور شد. عراق اینجور شد. من اصلاً تعجب کردم. این چه نوع بحثی است.

مجری: آقای کروبی...

کروبی: چند دقیقه شد؟

مجری: متشکر، ده دقیقه و پانزده ثانیه. اجازه بفرمایید.

کروبی: من خیال کردم آنقدر طول نمی کشد ولی همین دو تا کفایت می کند تا حالا خیلی تشکر می‌کنم از لطف شما.

مجری: آقای احمدی‌نژاد.

احمدی‌نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خیر انصاره و اعوانه و المستشهدین بین یدیه. من مجدداً سلام می‌کنم به ملت بزرگ ایران و همین‌طور به آقای کروبی و جناب آقای پورحسین. به نظرم بحث‌هایی که آقای کروبی کردند اصلاً نیاز به پاسخ ندارد. چون اینها ربطی به ادارهٔ کشور و شیوهٔ اداره کشور ندارد. من فکر کردم ایشان می‌خواهند تصمیمات بزرگی که دولت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و صنعتی گرفته اند اینها را بگویند. دو تا ادعا کردند. در اولی که خب ساختگی بودنش معلوم است. دومی هم که ظاهراً ایشان جای آمریکایی‌ها نشسته اند، از آمریکایی‌ها دارند دفاع می کنند. بهتر است اجازه بدهند که این را خود آمریکایی‌ها اظهار نظر بکنند. من خدمت ملت عزیز می‌خواهم بگویم که ملت ایران شایستهٔ جایگاه های بلند است. چه در منطقه چه در جهان. ملت ما دنبال عدالت اند. دنبال عزت اند، دنبال پیشرفت و تعالی کشورند. امام هم همین را خواست، رهبری هم همین را خواست. همهٔ ملت همین را می‌خواهد. اسلام هم همین را می‌خواهد. ما باید به دنبال اجرای عدالت باشیم. در اجرای عدالت تردیدی وجود ندارد. باید عدالت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. اینها زمینهٔ پیشرفت کشور است.من می خواهم یک مقایسه کوتاهی داشته باشم. در چند شاخص برای مردم عزیز که خواهش می‌کنم اینها را عزیز ما این تصاویر را نشان بدهند. یکی از شاخص‌های اصلی اقتصادی کشور تولید ناخالص داخلی است. اینها گزارش مرکز آمار ایران و بانک مرکزی

است. از سال ۶۰ تا الآن. همان‌طور که نگاه می‌کنیم، تولید ناخالص داخلی در این دولت علی‌رغم تحریم‌ها و فشارها ۶/۲۵ درصد طی سه ساله و در دولت قبل ۵/۶۱، یعنی ما تحریم داشتیم، بحران جهانی داشتیم، اما رشد اقتصادی ما افزایش پیدا کرده.

یک شاخص دیگر در اقتصاد نرخ بیکاری است. از سال ۸۳ به بعد نرخ بیکاری را در فصل می‌گیرند. من این یک فصلش را به عنوان نمونه آورده‌ام. شما ببینید، در فصل بهار هست. ما تا ابتدای سال ۸۴ نرخمان بالا بوده. از ابتدای ۸۴ نرخ بیکاری رو به کاهش است. به طور مستمر و این کاملاً روشن است. این در حالی اتفاق دارد می‌افتد که در تمام دنیا نرخ بیکاری در حال افزایش است. شما نگاه بکنید اینجا سبز، آمریکا است (اشاره به صفحهٔ نمودار). قرمز کانادا است. همین‌طور بیاییم جلوتر سبز، معذرت می‌خوام آبی آمریکاست. سبز فرانسه است. قرمز کاناداست و در انگلیس بنفش. یعنی از سال ۲۰۰۷–۲۰۰۸ نرخ بیکاری در آنها به سرعت دارد می‌رود بالا. به خاطر بحران. یک شاخص دیگر اقتصادی ضریب جینی است که به سمت عدالت است. من خواهش می‌کنم این را خوب بگیرید. یعنی فاصلهٔ درآمدی بین دهک ها باید کاهش پیدا بکند. نگاه می کنید اینجا بدترین وضعش سال ۶۰ تا ۶۳ است و بهترین وضعش یعنی ۳۸. برای اولین بار در تاریخ اقتصاد ایران اتفاق افتاده. دلیلش هم روشن است. دولت سهام عدالت داده. حقوق ثابت را برای طبقات پایین افزایش داده، تحت پوشش های نهادهای حمایتی را حقوق‌شان را و حمایت‌هایشان را بیشتر کرده. این ضریب جینی است. آخرینش مال سال ۸۷ که همین پرمی‌روز توسط مرکز آمار ایران منتشر شده. باز از شاخص‌های دیگر رفاه و تأمین اجتماعی است. من خواهش می‌کنم این را نگاه بکنید. حقوق بازنشستگان ۱۳۹۰۰۰ تومان در ابتدای این دولت در پایان این دولت، ۴۹۶۰۰۰ تومان. این متوسط دریافتی بازنشستگان که ۲۵۶ درصد رشد کرده. معنایش حرکت در جهت عدالت است. یکی از رشته های اصلی تورم و به هم ریختگی اقتصاد بدهی دولت‌ها به بانک مرکزی است. من خواهش می‌کنم باز این منحنی را شما نشان بدهید. از سال ۶۰ هست تا پایان ۶۷، این پایان ۶۶ و ۶۷ را هم داریم. تمام دولت‌ها از بانک مرکزی پول برمی‌داشتند. تمام دولت‌ها

از ۶۰ تا قبل از این دولت بدهکار بودند. ۱۱ هزار میلیارد تومان به قیمت جاری، یعنی ۷ تومان سال ۶۰ را ما ۷ تومان حساب کردیم. اگر بیاوریم به قیمت امروز این منحنی خودش را خیلی می‌کشد بالا و تأثیرش بر اقتصاد از ابتدای این دولت کاهش پیدا کرده و تغییر پیدا کرده. باز همان را ببینید. من می‌خوانم عددهایش را در دولت ۶۰ تا ۶۳، ۳۱۸ میلیارد تومان به قیمت آن روز از بانک مرکزی برداشتند. خرج کردند در سال ۶۴ تا ۶۷، ۵۹۴ میلیارد تومان. در سال ۶۸ تا ۷۱، ۳۴۰ میلیارد تومان در سال ۷۲ تا ۷۵ اینها هر کدام یک دولت است. ۲۶۵۳ میلیارد تومان در سال ۷۶ تا ۷۹ هزار و نهصد و نود و پنج میلیارد تومان در سال ۸۰ تا ۸۳ که قبل از این دولت است و این پول آمده تو بازار و اضافه شده بر پول موجود و ریشهٔ تورم ۵۱۰۷ میلیارد تومان در این دولت. تا امروز ما دو هزار میلیارد تومان از این را برگرداندیم. یعنی پولی که دولت‌های قبل گرفتند خرج کردند این دولت آن را برگردانده. یک شاخص دیگر تورم است که من خواهش می‌کنم بار این را شما نگاه بکنید. چهار سال به چهار سال از سال ۶۰ ما داریم. در چهار سال اول دولت‌ها نرخ تورم علی‌رغم بحران جهانی علی‌رغم این همه بدهی دولت‌های قبلی به بانک مرکزی، چهار سال اول این دولت از بقیه کمتر است. چهار سال این دولت از ۱۶/۵۵ چهار سال اول آقای خاتمی هست ۱۷/۰۳، چهار سال اول آقای هاشمی ۱۷/۵۸، چهار سال اول آقای موسوی ۱۸/۹ درصد. این هم نرخ تورم. این در حالی نرخ تورم در ایران کمتر از چهار سال اول است و الآن هم رو به پایین است. الآن زیر ۱۵ درصدیم. ان شاءالله یک رقمی خواهیم شد؛ که در تمام دنیا نرخ تورم در حال افزایش است. این نرخ تورم در منطقهٔ خاورمیانه است. کشورهای بدون نفت کشورهای خاورمیانه کلش آبی هاست. ببینید ۹/۳ تبدیل شده به ۱۵ و خرده‌ای و کشورهای نفتی خلیج فارس ۱۰/۳ دهم شده و ۱۵/۶ دهم، یعنی بیش از ۵۰ درصد به عدد تورم اضافه شده. این هم مال قاره‌های گوناگون؛ تصویر را نشان بدهید. در همه جای دنیا نرخ تورم به سرعت در حال افزایش است، در ایران در حال کاهش است. اینها یعنی دولت یک برنامهٔ روشن و جدی و عالمانه برای اقتصاد کشور در پیش گرفته و دارد کشور را جلو می‌برد. ادارهٔ کشور انعکاسش در این اطلاعات است.

این اطلاعات همان اطلاعاتی است و کسانی این را تهیه می کنند که از سال ۶۰ تا الآن دارند تهیه می کنند. با روشی دارند تهیه می کنند که از سال ۶۰ تا لان دارد تهیه می‌شود. وقتی که می‌گوییم ادارهٔ کشور بر روش غلطی است، باید اینها را ما با هم مقایسه بکنیم. و الا چی گفت. یک نفر اونجا گفت مردم به حرف من گوش می‌دادند یا نمی‌دادند؛ من یه مقدار متأسفم آقای کروبی. با این حرف‌ها کشور می‌شود اداره کرد! من به نوار دیده‌ام. فلانی چی گفته است. یک کسی را دیده‌ام یک حرف دیگری زده است. بله من یک حرفی زده‌ام به آمریکایی‌ها. به نخست وزیر عراق هم گفته‌ام. گفتم، اگر تکذیب بکنند اسنادش را منتشر می‌کنم و جالب اینکه آمریکایی‌ها تکذیب نکرده اند. این خیلی جالب است. شما از طرف آمریکایی‌ها اینجا. آقای کروبی شما یک آدم انقلابی هستید. در انقلاب بودید. سخنرانی‌های شما علیه آمریکا موجود است. حرف‌هایی که زدید در مقاطع گوناگون؛ چطور الآن از آمریکا دفاع می کنید. من تعجب می‌کنم واقعاً.

مجری: خیلی متشکرم. شما حدود ۱۰ دقیقه صحبت کردید آقای احمدی‌نژاد.

کروبی: ده دقیقه، آقای احمدی‌نژاد ببینید، سه تا مطلب من در فرمایشتان سه تا نکته بگویم. اولین شرط هر دولتی این است که با مردم صادق باشد. ما بزرگ ترین سرمایهٔ امام صداقتش با مردم بوده که آمد و انقلاب کرد و اتفاقاً ایرانی ها این نعمت را داشته اند، از زردشت تا اسلام تا امام زمان که فضی...، وصیت می‌کردند که دو کار نکنید. یکی دروغ نگویید و نزول نخورید و در اسلام هم می‌گوید بدترین گناه دروغ است. نمی گوید بدترین گناه مثلاً میگساری، نماز نخواندن است. چون می‌گوید نماز نخواندن گناه معلوم است. نخواندن اما می‌گوید بدترین گناه است. حالا من می‌خواهم دولت اعتماد مردم را جذب کند. این حالت نشود که الآن به وجود آمده. این نکتهٔ دوم: ببین آقای احمدی‌نژاد! این آماری است که حضرت عالی می‌دهید. خوب من مثل اینکه تازه از بیابان‌ها آمدم. اصلاً اطلاعاتی ندارم. بنده ۱۶ سال مجلسی بودم. من از گروه‌هایی هستم که اولین بار رفتم مجلس. یعنی آن موقعی که حضرت عالی بخشدار ماکو یا فرماندار، به شما که عرض کنم، خوی بوده ای بنده تو مجلس نایب رئیس بوده ام. حالا سنم هیچ. هیچ ادعایی هم ندارم.

سابقه‌ام چیست و چه کاره اینها هستم. من این آدم هستم. من که از بیابان‌ها نیامدم. من با آمار و ارقام خودم سر و کار دارم. تمام آنهایی که دارند آمار و ارقام می‌دهند خلاف آمار و ارقام شماست. ما اگر راه حل این است، خوب پس بیایید یک کاری بکنیم. من نمی‌دانم چرا صدا و سیما یاری نمی‌کند. این ابتکار چرا می‌ترسید. چرا آنقدر خائفید. خوب بیایند بنشینند طرفدارهای آقای احمدی‌نژاد. یک ریزه که من نمی‌توانم بایستم بگویم من اگر یک ریزبره بخواهم بگویم. خود آقای احمدی‌نژاد یک سری فرمایشاتی دارد می‌گوید، رییس دولت هم هست. من که هیچی دستم نیست. می‌گوید آقا تو نداری. تو خبر نداری. گفت که به ملا گفتند وسط زمین کجاست. گفت همین جا که من ایستاده‌ام. گفت: نه. گفت خوب متر کن. هیچی، خوب اینکه نمی‌شود برادر عزیز. من که اینجوری حرف می‌زنی، آخر شما من می‌گویم بیاید دوستان شما صدا و سیما نه دانشگاه‌ها بیایند با دوستان ما بنشینند صحبت کنند. این مردم هم بالاخره صاحب فهم‌اند. صاحب شعورند. صاحب دلیل‌اند. می‌فهمند من حرفهای سطحی می‌زنم. یا چی... یک نمونه‌اش را شما می‌گویید. شما بانک مرکزی‌ات گفته که تورم ۲۵ درصد و خرده است، شما یک دفعه این دو روزه رسانده‌ایش به ۱۴ درصد. با یک محاسبه‌های عجیبی، خوب بانک مرکزی داریم که. به علاوه، جناب آقای احمدی‌نژاد، تورم غیر از مسائل علمیش با شکم با زندگی مردم سروکار دارد. با این خیالات و وهمیات نیست. تورم ننه جون من؛ البته من ننه‌ام مرده. همه ننه جون مرده. حاج‌آقا ممکن است داشته باشد.

مجری: خدا رحمت کند.

کروبی: اون هم تورم را می‌فهمد. گران است آقای ضرغامی، شما یک وقت ندید چی گفت می‌گویند که آقا همین تو خبرها آمده بود. گوشت کیلویی ۶ تومان اینها بگویند شما بگو ۴ تومان است. خوب ما که نمی‌توانیم دروغ به مردم بگوییم. ۴ تومان است اینکه رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی که ما تو روزنامه خواندیم، تو سایت‌ها خواندیم. آخر شما اینها را همین طور می‌فرمایید. پس یک گروهی بنشینند رو اینها بحث کنند. ببینید چه جوری است. الآن شما یک آماری می‌دهید، این آمار همین‌طوری گلستان شد. آنها

می‌گویند، کارشناس ها می‌گویند، نرخ بیکاری اینقدر اضافه شده و شما که عرض کنم همهٔ اینها که ایشان شمرده اند درست عکس می‌گویند.

ما چه کار کنیم. واقعاً چه کار کنیم که ما معلوم بشه که ما... فرمودید که شما انقلابی. من الآن هم انقلابی همون انقلابی هستم با همان سوابق، همان خط امامی هستم. همین را مصیبت می‌دانم. آقای احمدی‌نژاد من به صراحت بگویم خط انحرافی کجی که با امام مشکل داشت، الآن شما را هدایت می‌کند. من صریح روشن و آشکارا به شما عرض کنم اتفاقاً جمهوری اسلامی ایران این سه تا کلمه امام جمهوریتش که این محدودیت براش قائل شدند شما چرا دفاع نکردید؟ از این همه آدم های که عدم صلاحیت شان شده؟ شما مجری قانون اساسی هستید. شما رئیس جمهورید. دو هزار نفر رد کردند و دو تا مجلسی کم است دو هزار نفر را رد کردند. در عین حال، همه شون با شما مشکل دارند. همان مجلسی که دوهزار نفر را رد کردند همان مجلسی با شما دارد. من نمی‌خواهم این چیزها را بگویم. کار شما با آقای لاریجانی مکاتباتتان به جایی رسید که نوشت فرمایشات رئیس جمهور شبیه طنز است. خب، هیچ وقت ما نداشتیم. اصلاً این من خودم دو تا برنامه تصویب کردم. من خودم مجلس بودم. آیا آمارهایی که حضرت عالی می فرمایید یک طرفه، خوب، ما ها هم که به قول شما اگر بیاریم همان‌طور زباناً بهتان گفتم ما همه می‌خواهیم جمهوریت، اسلامیت امام آبرومند بماند. نمونه به آن صورتی که الآن دارد بحث می‌شود. و واقعاً اینها دارند می کنند. نکتهٔ دوم جناب عالی اینها مهم است. فساد مالی خوب حضرت عالی از روز اول آمدی راجع فساد مالی وارد شدید. خیلی خوب، کار بسیار خوبی کردید. من، گفتید الآن ۱۶ تا تو جیب من هست. اولاً یادتان باشد من چون یک وقتی سر یک کسی همین کار را کردم. اگر من آنجا رئیس مجلس بودم می گفتم چون من هم یکی از سران سه قوه‌ام، لطفاً این ۱۶ تا را بده ببینم چه کسانی هستند. آخرش باز هم نگفتی، نگفتی، نگفتی، نگفتید؛ همین طوری اینها را مطرح می کنید. این فساد مالی را تا اینکه داد رئیس قوه قضائیه در آمد که همه چیز به هم ریخت. عده‌ای رفتند. آخر هم ما نفهمیدیم. اولاً آقای رئیس جمهور باید فساد مالی خودش را همین‌طور رأساً بگوید یا رئیس جمهور

که قانون صراحت دارد جرم است، یا باید بدهد به قوه قضائیه، یا اگر زیرمجموعه‌اش دارند، یا جایی خبر دارد. اگر اطلاع نداد اصلاً جرم برایش هست. با صراحت دارم من می‌گویم. اینها، همین‌طور شما، همین‌طور روانی جنگ روانی راه می‌اندازید و این جنگ‌های روانی کشور را به اینجا رسانده. خوب ما اعضای انقلاب را گرفتیم. برای اینکه جانمان است، عمرمان است، زندگی و همه چیزمان را دادیم. جناب عالی حالا می‌فرمایید نیست. اینها مدارک. اینها می‌گویند می‌فرمایید که من که دولت نبودم. دولت دیگران بودند. به هاشمی هم فرمودید. به من که دولت نبودم اما می‌فرمایید که به هر حال اینجوری نیست. می‌گویند به دستور حضرت عالی ۴۰ میلیارد تومان وام دادند به آقای محصولی که این همه پول دارد. شما که هی می‌روید می‌کوبید یک میلیون دو میلیون وام مردم وام بهتان نمی‌دهند. این همه حیا می‌کنند می‌گویند مدرکش هم زنده اسنادش هم زنده. خوب ما نمی‌توانیم اسم ببریم. من متحیرم. بعضی از اسامی را ببرم. اینجا درست است. این باید بحث بشود. من فکر می‌کنم یک کمیتهٔ تحقیق حقیقت یابی باید بحث بشود. معلوم بشود. این فرمایشات که آقای احمدی‌نژاد دارد درست است. من اگر این را درست بدانم با صراحت، با رشادت تمام به مردم می‌گویم مردم من عذرخواهی می‌کنم از شما و من اصلاً اطلاعاتی که به من داده بودند غلط است. آقای احمدی‌نژاد هم اینجا همین تعهد را بدهد، حقوق بدهد. یک کمیته‌ای تشکیل بشود و اینها را بررسی کنند. اگر معلوم شد ایشون همین طوری آمارهاشون غلط است. این هم بیاید بگوید آقا مردم ملت ایران من از شما عذرخواهی می‌کنم. خوب، این باید روش بشود. ما همین‌طور واقعاً گیج ماندیم که چه‌کار کنیم. از این رو اطلاعات رفته پشت سر هم اهل نظر. شما خیال می‌کنید ما هم می‌رویم از گاری چی‌ها می‌گیریم. همین بانکی‌ها هستند که به ما می‌دهند. همین‌ها به ما می‌دهند. همین گروه‌ها به ما می‌دهند. همین قوه قضاییه می‌گوید ایشان هیاهو می‌کنند. تا حال یک پرونده درست و حسابی نداده. مگه چند تا پرونده به ما داده. چون حالا من می‌روم آقای احمدی‌نژاد می‌گوید اگر چنانچه من دادم آنها رسیده بود. قوه قضاییه می‌گوید بیا بگرد. کجا داده. می‌گوید اصلاً کارشان تسویه حساب شده. با یکی که دعوا دارند پروندهٔ

درست تنظیم می کنند و تحویل می‌دهند. با یکی که دعوا ندارد پرونده او را نمی‌دهند. این را تازه حرف زدم تا بگذارم تو بازوش.

مجری: متشکر.

کروبی: او هم این هم خودشون فراوان دارد. چرا دیوان حساب می گوید، یک میلیارد دلار گم شده شما می فرمایید اشتباه شده. اونها دوباره می گویند یک میلیارد دلار گم شده، چرا می گویند سیصد میلیارد تومان شهرداری تهران. حضرت عالی که بودید این آقا که شهردار است چند بار خواسته بیایند بررسی کنند. کمیسیون مگر مجلسی بودند. کمیسیون مربوطه هم دو مرتبه می‌گوید ما تصویب کردیم که برویم تحقیق و تفحص بکنیم. صحن مجلس جلوش را گرفتند. خوب مجلسی که دو هزار نفر شورای نگهبان ازش حذف می کنند نتیجه اش همین می‌شود. چون آخر اینکه برای مردم عزیزمان توضیح بدهم که بداند وقتی که می‌خواهند تحقیق و تفحص بکنند، تحقیق و تفحص اول در کمیسیون مربوطه باشد. کمیسیون که رأی داد باید بیاورند صحن مجلس دفاع کنند. دو مرتبه می‌گویند ما تا حال آوردیم هر دو دفعه رد شده. خوب بیایند بگویند نیست. بابا گناه دارد، بیایند بگویند این مظلوم است. بیخودی می‌گویند. این ۳۰۰ میلیارد تومن مثلاً از شهرداری چی شده. پرونده رفته اردبیل. خود قوهٔ قضاییه می گوید جلوش را گرفتند. رقمی که حضرت عالی آن موقع آنجا بودید رقم نصب آنجا و همین آقای محصولی او خروشا می گوید اینها جلوش را گرفتند. من والله اگر فساد نمی شد الآن اسامی تو ذهن من است که قوهٔ قضاییه کی گفته، چی جوری شده، کجا رفته، کی خواسته. بعضی‌ها را اسمشان را ببرند که زور می‌زدند که پرونده بیاید آنجا که دوباره برگردد اردبیل. خوب اینها نباید همه معلوم بشه؟ آیا اینها نباید مشخص و معین بشود؟ ما مسئول مردم هستیم. ما مسئول اموال مردم هستیم. حضرت عالی رئیس جمهورید. الآن فردا ممکن است همین ملت رأی بهتون بدهد. چهار سال دیگر باید باشد. اگر هم نه، مردم باید بدانند اینها را چقدر شد.

مجری: خیلی متشکر، ۹/۵۱ ثانیه.

کروبی: حالا الحمدلله بیست و یک خرده ای دارم.

مجری: بفرمایید.

احمدی‌نژاد: من فکر می‌کنم، آقای کروبی، بالاخره اطلاعاتی که به شما دادند اطلاعات غلطی است. همون که خودتان تأیید کردید که اطلاعات غلط بهتان می‌دهند.

کروبی: ببخشید من اشتباه کردم حرف زدم.

احمدی‌نژاد: یک موردش را شما فقط اثبات بکنید. بقیه اش بماند. شما گفتید من گفتم چهل میلیارد تومان وام به دستور من به آقای محصولی داده شد.

کروبی: گزارش را می‌دهم.

احمدی‌نژاد: بدهید دستگاه قضایی. گزارش داد اینجوری که نمی‌شود که آقای کروبی، اینجوری که می‌دانید این بازی‌های تبلیغاتی، یک ریال اگر آقای محصولی از یک بانکی وام گرفته همه‌اش مال آقای کروبی. بنویسید. مردم می‌شنوند اگر آقای محصولی در عمرش یک ریال از هر بانکی وام گرفته یکجا مال آقای کروبی و تیمش. همه‌اش چه برسد به این چهل میلیارد. همه‌اش مال آقای کروبی. همین یک دانه را داشته باشید تا بقیه اش. اینکه شما آمار رسمی کشور را زیر سؤال می‌برید؟ می‌دانید یعنی چی؟ یعنی گذشته خودتان را زیر سؤال می‌برید نه احمدی‌نژاد را. آقا یک کسی آمده به من گفته به نام کارشناس که این آمار غلط است. این آمار رسمی بانک مرکزی است. آمار رسمی مرکز آمار ایران است. اگر آنها را قبول ندارید آن وقت دوستان شما که در گذشته که حاکم بودند بر کشور چه جوری از عملکردشان دفاع می‌کنند و این همه پول گرفته چه کار کردند تو کشور؟ چرا دارید گذشته خودتان را می‌برید زیر سؤال. این آمار در گذشته بوده. الآن هم هست. من تعجب می‌کنم. شما می‌گویید بله شما می‌آیید یک طرفه می‌دهی، من نیستم همهٔ دولت‌ها بر اساس بانک مرکزی و مرکز آمار گزارش می‌دادند. فقط من نیستم که. دولت آقای خاتمی بر چه اساسی گزارش می‌داد؟ آقای خاتمی خودش می‌رفت متر می‌کرد. آقای هاشمی خودش می‌رفت اندازه گیری می‌کرد. نخیر، مرکز آمار است. اگر بنده به یک نفر در مرکز آمار یا در بانک مرکزی گفته باشم شما آمارت را بالا و پایین کن، حق با شماست. اصلاً مگر می‌کنند. نمی‌توانند، آمار از ده...

کروبی: این را تأیید می کنید.

احمدی‌نژاد: بله.

کروبی: که نقض می کنید، که افرادی را تغییر دادید، اگه گفتند عذرخواهی می‌کنم وسط فرمایش شما.

احمدی‌نژاد: بالاخره، جناب آقای کروبی، بالاخره سه مرجع تولید آمار ما داریم. برنامه و بودجه، بانک مرکزی، مرکز آمار. اینها آمار را می‌گیرند. با هم همواره اختلاف داشتند. اختلافات جزئی. اینها می نشستند و اختلافاتشان را با هم برطرف می‌کردند، اینها رو می بینید. شما اینها اتهامات و توهین هایی است که روزنامهٔ جناب عالی به من زده. اینها تیترهاش است.

اگر در دوران مسئولیت من، چه در دولت چه در استانداری چه در شهرداری، یک ریال تخلف کسی سند داشت، نه سیصد میلیارد تومان، هزار دفعه این روزنامهٔ جناب عالی و دوستانتان پر می‌کردند. آقای کروبی اینکه همین‌طوری مطرح کنید که نمی شود. من همین‌جا می‌خواهم بگویم. پیشنهادی من دادم. شما بفرمایید قبول دارید یا نه. من گفته‌ام کسی که کاندیدا هست اعضای ستادش ـ خانواده‌اش ـ همهٔ اینها اموالشان را اعلام کنند. بگویند از کجا آورده‌اند. بعد این تعهد را هم بدهند که اگر اموالی را هم پنهان کردند قوهٔ قضاییه بگیرد و در اختیار مردم قرار بدهد. من، آقای چیز، هیچ کس را متهم نمی کنم به فساد. من می‌گویم، آقای کروبی، شما که نیروی انقلاب هستید از آقای شهرام جزایری برای چی پول گرفتید. به من اگر کسی پول داده بیاورید سندش را منتشر کنید. همه بدانند یک سیصد میلیون و یک دویست میلیون تو پرونده است. سیصد میلیون رو ایشان تأکید کرد، دویست میلیون توی پرونده است. او گفته من تأیید نمی کنم. ایشون باید بگه، سیصد میلیونِ هفت الی هشت سال پیش، سیصد میلیون اون موقع چقدر الآن چرا به شما این پول را داد؟ شما آدم سیاسی هستید. هیچ سؤالی نکردید برای چی آمد این پول را به جناب عالی داد؟ چرا به شما آورد پول داد؟ با چه هدفی؟ از این سؤالات باز هم هست. جناب عالی فرمودید انتخابات شد. من گفتم خوب، انتخابات شده باید کمک کرد و این حرف‌ها.

اما عملکرد و صحبت‌های شما خلاف این را اثبات می کند. شما هنوز انتخابات را زیر سؤال می‌برید. آقای کروبی سیستمی که خودت چند بار باهاش انتخاب شدی. من تعجب می‌کنم، سیستمی که شماها باهاش آمدید. باهاش رئیس مجلس شدید. زیر سؤال می‌برید! در حالی که مجریان انتخابات صددرصد دوستان شما و هم‌حزبی های شما بودند. من می‌گویم، همهٔ اموالمان را اعلام کنیم. من اعلام می‌کنم، همین‌جا هم به قوهٔ قضاییه می‌گویم، اگر در بستگان من و اطرافیان من کسی تخلفی کرد جدی تر و محکم‌تر برخورد بکنید. یک مورد اگر بنده به قوهٔ قضاییه راجع به کسی زنگ زدم فردا این را اعلام بکنند. احمدی‌نژاد راجع به یک پرونده‌ای زنگ زده، پیغام داده. مطلقاً چنین چیزی نبوده است.

اما اجازه بدهید باز هم بروم روی بحث سیستم مدیریت کشور. یکی از شاخص‌های اصلی مدیریت در کشور مصارف دولت، دولت پول را کجا خرج بکند. درآمدی که درمی‌آورد از نفت درمی‌آورد از مالیات مردم می‌گیرد. این رو در کجا خرج بکند. من خواهش می‌کنم این تصویر را نشان بدهید. اعتبارات دولت و هزینه های دولت دو بخش است. یک بخشش مصرف است، یعنی هزینه می کند، تمام می‌شود. یک بخشش را می‌برد سرمایه‌گذاری می کند. یعنی راه و پل و مدرسه و دانشگاه و فرودگاه می سازد. در دولت قبل رشد هزینه های مصرفی این است. ببینید، چقدر رشد کرده. در این دولت این قرمزه است. رشد هزینه های عمرانی در دولت قبل این آبی است. در این دولت این است. یعنی دولت پولی که از مردم گرفته کمتر هزینه کرده. هزینهٔ مصرفی بیشتر بوده. توی سرمایه‌گذاری، یعنی راه‌آهن ساخته. راه ساخته. مدرسه ساخته. دانشگاه ساخته. آزمایشگاه و پژوهشگاه ساخته، که مردم می بینند. نگویند قبول نیست. من در هر شهری می‌روم از مردم می پرسم. می‌گویم مردم ۱۰ تا پروژه قرار بوده اینجا اجرا بکنند. گزارش بدهید. می‌گویند ۸ تا شده دوتایش نشده. خود من می‌گویم تأییدیه می‌گیرم از مردم. کارهای این دولت در منظر همهٔ مردم هست. بسیار روشن است. تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌گیری‌های دقیق است. تصمیم‌گیری‌های علمی است. برخلاف این حرف‌هایی که آقای کروبی در ابتدای جلسه زدند، خواستند بگویند خرافه هست و خیالات هست. بنده یک دانشگاهی هستم، آقای

کروبی! علمی بنشینیم بحث کنیم. شما به چه استنادی عدد را رد می کنید. باید یک گزارش دیگر بیاور. اتفاقاً گزارش نهادهای بین‌المللی هم همه گزارش ما را تأیید می کند. خیلی جالب است. آنها هم که دارند اقتصاد کلان کشورها را کنترل می کنند و گزارش می‌دهند در جهان، از رشد اقتصادی ما، از ثبات اقتصادی ما، می گوییم هفت میلیون تن تولید فولاد اضافه شده، آدرسش را می‌دهیم. هر کس می‌خواهد برود ببیند. می گوییم اینقدر سیمان اضافه شده، اینقدر پتروشیمی، روی زمین بروید ببینید. ما روی هوا حرف نمی‌زنیم. ما می گوییم تورم دارد می آید پایین. دارد می آید پایین. بله. همان موقعی که ۲۵ درصد بود خود بانک مرکزی اعلام کرد. الآن هم که آمده زیر ۱۵ درصد خود بانک مرکزی اعلام کرده. نه اینکه یک کسی بیاید حرف را بزند. خود بانک مرکزی روز به روز تورم را اعلام می‌کرد. ما هم نفی‌اش نکردیم. برای اینکه مردم دارند به قول شما حس می کنند. الآن هم که می‌گوید می آید پایین، همان بانک مرکزی دارد اعلام می کند. بنابراین، کارهای ما مستند است.

بگذارید یک مورد دیگر را هم بگوییم. یکی دیگر از عرصه‌های مدیریت اقتصادی کشور بورس و سرمایه است. در دولت قبل در بورس یک حباب بزرگی پیدا شد با یک بورس بازی. هنوز قانون بورس کامل تصویب نشده بود. ساختار جدید مستقر نشده بود. در آنجا یک حباب درست شده. یک عددهای غیرواقعی. عده زیادی ضرر کردند. یک عده خاصی سود بردند. اما در این دولت شما ببینید. ما آمدیم واگذاری کردیم. در قبل از این دولت واگذاری‌ها معلوم است. از سال ۷۳ کارخانجات دولت چه جوری واگذاری شده. بنگاه‌های اقتصادی دولت چگونه واگذار شده. شما ببینید، سال ۷۳، ۷۴ همین طوری تا ۸۳ می بینید، حجم را از ۸۴ تا ۸۷ رفته بالا. این بدون سهام عدالت. بدون آن جاهایی است که مجلس تصویب کرده. گفته بدهید به عنوان بدهی. دولت به سازمان‌های عمومی این آن چیزی است که در بورس مستقیماً در اختیار مردم قرار گرفته. آن وقت تقریباً همهٔ بنگاه هایی که قبل از این دولت توسط رفاقتی یا یک موردش را من آن شب گفتم واگذار شده. همه دچار مشکل هستند. امروز بنگاه هایی که دچار مشکل اند قریب به اتفاق شان

بنگاه‌هایی هستند که در قبل از این دولت با واسطه فروخته شده به افراد و اکثراً آشنایان. همه دچار مشکل مدیریتی یا کارگری هستند یک مورد از بنگاه‌هایی که در این دولت وارد شده، واگذار شده، مشکل ندارد. چون عالمانه واگذار شده است.

مجری: خیلی متشکر آقای احمدی‌نژاد. حدود ده دقیقه و نیم صحبت کردید.

مجری: آقای کروبی شما تا به حال بیست دقیقه و نه ثانیه صحبت کردید.

کروبی: ایشان هم همین طور دیگر؟

کروبی: خوب، ببینید، آقای احمدی‌نژاد. ما روی این مسئلهٔ اول ماندیم. واقعاً این آمار و ارقامی که حضرت عالی می‌دهید، حالا من اصلاً ادعای کارشناسی ندارم، اما با همهٔ کارشناس‌ها که می‌گویم آنها اشکال دارند. اشکال‌های جدی دارند. ما نمی‌توانیم. آخر ببین، حضرت عالی یک مقدار جرئت و شجاعتت زیاد است. اسم می‌بری. من اینجا نمی‌توانم اینجا اسم افراد را ببرم. شما یک دفعه مثلاً به یک آقای مثل مهندس موسوی می‌گویید یک خانمی است بگویم. بگویم. و ما می‌گوییم خدایا چیه! واقعاً ها. اتفاقاً عجیب بگویم بگویم بعد یک خانمی که قبل از انقلاب من به شما جوان‌ها بگویم، زهرا رهنورد نام و نشانش از خود مهندس موسوی بیشتر بود. دو تا کتاب داشت. بروبیایی داشت. اصلاً اهل فکر و اندیشه بود. بعد از انقلاب خوب با آن خصوصیاتی که دارد، وقتی سال ۶۵ امام طرح شاهد را در همان فروردین برای من تنظیم کرد که علوم و آموزش و پرورش اینها همه چی بیان، خانمی که ما تنها دعوت کردیم به یک مجموعهٔ فرهنگی خانم زهرا رهنورد بود و آمد و چقدر مؤثر هم بود. چقدر هم توانست در طرح مدارس شاهد خدمت کند. واقعاً من آن شب گفتم، خدایا، چیه این قضیه، یک منفی به ذهنم آمد و یک مثبت به ذهنم آمد. یک منفی گفتم نکند یک چیزی مثلاً خدای نکرده. زن بدی، یک کسی هست. نه ایشان که ایشان می‌خواهد بگوید. یک مثبت به ذهنم آمد. گفتم نکنه می‌خواهد بگوید، به شما که عرض کنم که، آقای مهندس موسوی چون خیلی صحبت می‌کنید، تو چرا سکوت می‌کنی. هیچی نمی‌گویی، حرف نمی‌زنی. شاید می‌خواهد بگوید، خوب این زهرا بنی یعقوب را آنجا اون بلا به سرش آمد. در همدان یک خانواده مذهبی. چرا ازش

دفاع نمی کنی. وقتی که گفت زهرا رهنورد، مات و مبهوت شدم. خوب، ببینید، آقاجون ما که نمی‌توانیم اسم ببریم. شما یک مرتبه می آیید می گویید آقای هاشمی این جوری، مثلاً آقای هاشمی اون جوری. در حالی که باز یک حال و حوصله عبارت خواندن ندارم. یک عبارتی اینجا تو روزنامه از حضرت عالی است از عظمت آقای هاشمی و بزرگی آقای هاشمی. موقعی که شما اردبیل تشریف داشتید آقای هاشمی، می‌دانید با هم اختلاف داریم، دوست و رفیق هستیم. از قدیم هم با هم زندان ـ مفصل خوب همکاری سیاسی از ۴۵ ، ۴۶ ، ۵۵ اما آنقدر اختلاف داریم که آن دفعه آمد مقابل من، این دفعه هم دارد مهندس موسوی را تأیید می کند و من را تأیید می کند. اما بالاخره چه... یک دفعه حضرت عالی می فرمایید: آقای هاشمی، آقای ناطق که از دوستان قدیمی ما و از چهره های موجه، ما انشعاب هم کردیم، جدا هم از هم شدیم، اما دوستی و رفاقت مان مانده و چقدر نقش داشت در شهردار بودن خود شما که حتی من هم رئیس بودم. به جز اینکه با یونسی صحبت کرد. به من را همین پرونده اردبیل اینها زیر بار نمی‌رفتند. من هم که هیچی اطلاع نداشتم. خدا شاهد را حیات من این جوره که وقتی که ایشان گفتم که آخر چرا حکم نمی زنی به وزیر کشور. گفتم خوب آقای ناطق هم دارد گله می کند چرا حکم نمی زنی. گفتم ایشان مشکل دارد سر یک قضیه‌ای. گفتم چه مشکلی دارد و بالاتر. بهتان گفتم وقتی آقای خاتمی ایشان را دعوت نکرد من ناراحت شدم، گفتم که حالا که بناتان شده برای اینکه شهرداری حتماً باید باشد، آقای احمدی‌نژاد را چرا دعوت نکردید. حالا که قرار بود آقای الویری باشد. حالا که قرار بوده ملک محمدی باشد. اما نمی‌خواهم بگویم. آخر شما همین طور اسم می‌بری و آدم حساب... من که نمی‌توانم بگویم که در همین قضایا فلان فرد چه می گوید. من واقعاً گیرم که چی جوری حرف بزنم. من فکر کنم تنها همین است که به ما بیایم به شما که عرض کنم واقعاً یه فکری کنیم. من حتی از دولت ایشان افرادی را قبول دارم که بیا برویم همین ها را به رو کنیم و افرادی دیگر هم کنارشان بگذاریم. از همین قوه قضائیه برود بررسی کند. ببیند اینها واقعیت دارد، واقعیت ندارد. چگونه این قضیه، الآن ببینید. من دیگر از اینهاش بگذرم. می ترسم ادامه بدهم به خیلی چیزها نرسم. سیاست خارجی، حالا دربارهٔ مسائل

مالی باز زیاد حرف دارم. سیاست خارجی جناب عالی. جناب عالی می فرمایید سیاست خارجی ما غوغا کرده خوب برادر محترم من، آخه این چه غوغایی کرده. که شما تبریک هم می گویی. جوابت را هم نمی‌دهند. امام یک نامه نوشت به گورباچف. آقای جنتی آمد نامۀ شما را مقایسه کرد با نامۀ امام. گورباچف هنوز افتخار می کند که تو نامه هایش تو حرف‌هایش که یک جور نامه ای برای من آمد وزیر خارجه ۲۸ ساله‌اش را فرستاد آنجا، امام ۲۰ دقیقه ملاقات داد. وسط حرفش پاشد که اصلاً من چیزی نمی‌خواستم بگویم، من می‌خواستم یک دریچه ای از معنویت را به روی او باز کنم. رفت حرف‌های شیخ اشراق و ملاصدرا را اینها را فرمود. من نخواستم این حرف‌ها را بزنم. این مثلاً سنگینی برای ما که این کار را که شما می کنید هی پز می‌دهید آقا ما، آقای چاوز، من هم اگر فردا رئیس جمهور بشوم با آقای چاوز رابطه حفظ می‌کنم. رفت و آمد می‌کنم. اما دوست می‌کنم. آقای حیات خلوت، یکی دوباره فرموده بودید حیات خلوت آمریکا. شما بفرمایید این حیات خلوت که اینجا چه چیزهایی نصیب ما شده چه بهره‌ای نصیب ما شده؟ شما ببینید این حیات خلوت حضرت عالی چند دفعه با آقای صدام با آقای اوباما؛ کار درستی هم می کنه. چنان بغل گرفته صدام فشار می‌ده و اون فشاری که به شما داده اون فشار بیشتره.

مجری: آقای کروبی عذر می‌خوام. فکر می‌کنم میکروفن مثل اینکه، اشتباه کردم. نخیر میکروفن را قطع کردم. متشکرم دیگر آدم وقتی صحبت می کند.

احمدی‌نژاد: می فرمایید صدام اوباما را بغل کرده، نخیر آقای چاوز اشکال هم نداره ها. من می‌خواهم بگویم آن منافع ملیش است. چه حیات خلوتی شده برای ما. اون منافع ملیش است که با شما بنشیند، با صدام بنشیند، با اوباما بنشیند، با دیگران هم بنشیند. عکس‌های فراوانی دارد اینجا که حالا من هم عکس‌ها را ارائه می‌دهم خدمتتان. کار خوبی هم می کند. اما این چه حیات خلوتی است به این صورت. من می‌خواهم بگویم رابطه مان با دنیا به این صورت شده. با همه جا به هم خورده. مشکلات جدی پیش آمده، با ایتالیا، خود اروپا، خود خیلی کشورها، وضع ما با چند تا کشور شده بعد هم می‌فرمایید که تحریم اثری ندارد. تحریم اثر ندارد. بعد هم می‌بینیم اینها را ما اشکال داریم. همین بحث‌های سیاست

خارجی که گفته می‌شود. من یک عبارتی لازم به هر حال بخوانم. این عبارت باید خوانده بشود. چون این ملعون گفته، من باید بخوانم. این رئیس سابقه موساده، می‌گوید: اگر حالا من صهیونیست هم می‌شوم چون عبارت های آن را هم می‌گویم می‌خوانم اینها: اگر صدها میلیارد دلار از سوی موساد خرج شده بود تا کسی منافع اسرائیل را تأمین کند احدی بهتر از احمدی‌نژاد نمی‌توانست این خدمت را انجام دهد. وی در ادامه مصاحبهٔ خود با تلویزیون العربیه: اسراییل گفت هیچ کس بهتر از احمدی‌نژاد تأمین‌کننده منافع اسراییل نیست. در ادامه مدعی شد: وجود احمدی‌نژاد برای اسراییل یک معجزه و یک هدیه گرانبها و حتی الهی است. چیه، چی می گویند. شما قهرمان جهانی شدی. آنها فکر می کند. آقای احمدی‌نژاد عزیز، برادر من، وهم و خیال نیست. پیام خمینی تا پیام احمدی‌نژاد زمین تا آسمان فرق دارد. این طوری نیست. یک جای بی احترامی بود به ما می گفتند نروید دیگر. اگر اهانت بهتان می‌شود بهتان من خودم دو تا کشورها گفتند که معمولمان نیست که رئیس مجلس که می آید رئیس جمهور ملاقات کند. گفتم نمی آیم و وقتی رفتم ایتالیا به سفیرش، به خدمت شما که عرض کنم، وزیر وقتمان گفته بود در حد رئیس جمهوری از فلانی ما تجلیل کردم که آمد این مهدی کروبی فرزند احمد را تجلیل نکرده. این مهدی کروبی یعنی جمهوری اسلامی. وقتی شما می‌روی حوادث تلخ برای ما پیش می‌آید. اینجور برخوردها می شد. خوب اینها سبک برایمان این چه برکتی دارد که شما به این صورت می‌روی و بعد هم می‌گویی ما داریم انقلاب می‌کنیم. جهان را دارم همچی که مدیریت جهان را کردیم. اینها چیه می فرمایید؟ می فرمایید همین جا باز هست. خواهش می‌کنیم ۲۰ تاش را برای من بشمار. می‌گوید ما با صد کشور رفتم که تا به حال گفتند الگوی مدیریتان را بدهید. اولاً الگوی ما چیست؟ چه الگویی؟ ببین، توضیح بده خوب ما هم بفهمیم. ما نمی فهمیم. کلاس ابتدایی هستم. اصلاً اکابری هستم. خواهش می‌کنم توضیحاتی شما به ما بدهید که الگویی که شما درست کردید چیه که دنیا شیفته شده. نمی‌داند و بعد هم اینکه ۱۰۰ کشور خواسته حالا به شما می‌گویم که بیست تایش را بشمارید اینجا اونایی که به ما گفتند کجایند که الگو خواستی؟ خوب، اینجوری که نمی شه حرف زد. کشوری را به

اینجا کشاند. وضعش را که داریم شاهدش هستیم و می بینید آن وقت بعد می‌روید سیاست خارجی اینها عرب ها بالا می نشینی اونجا بالا می نشینی و آنجا و عکست را هم می‌زنند عکس جناب عالی را می‌زنند زیرش هم خلیج عربیه زدند نشریه شد آنجا خلیج عربی زدند بالاسر جناب عالی می گذارند. باید حالا بزنیم توی سرمان و واقعاً یک واقعیتی دارد که بگوییم که خلیج فارس پانصد سال قبل از میلاد مسیح هم خلیج فارس بوده. الآن هم خلیج فارس است و برای همیشه هم خلیج فارس. الحمدلله پیدایش کردم. ایناها! این عکس شما که آقای احمدی‌نژاد و این هم خلیج عربی. این عظمت وزارت خارجه ماست. این سیاست خارجی مهم موفق ماست. این حرف‌ها که می‌زنند که کم‌کم اینقدر پرور شدند که به ما می‌گویند ما در صورتی می‌آییم شرکت می‌کنیم در ایران برای جنبش ورزش های جهان اسلام، خلاصه خلیج بنویسید، فارسی ننویسید.

مجری: خیلی متشکر.

آقای **کروبی:** چقدر شد؟

مجری: ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه. آقای احمدی‌نژاد بفرمایید:

احمدی‌نژاد: خیلی ممنون. بالاخره آقای کروبی جواب ندادند که ۳۰۰ میلیون جهرام... شهرام جزایری برای چی گرفتی؟

کروبی: چقدر خوشم به هوشت آمد. جواب اردبیل آنها را ندادی. مخصوصاً جواب ندادم. می گویم جواب می‌دهم.

احمدی‌نژاد: من که می‌گویم هر موردی اگر هست در هر دستگاه قضایی...

کروبی: حالا اردبیل را بفرما هست یا نیست؟

احمدی‌نژاد: ۳۰۰ میلیون...

کروبی: نه شما یک سؤال کردید من هم یک سؤال کردم.

احمدی‌نژاد: ۳۰۰ میلیون را شما گرفتید. در دستگاه قضایی هم اثبات شده. حکم هم صادر شده. شما نفوذت اگر در دستگاه قضایی اگر صد برابر من نباشد کمتر نیست. بنده که یک مورد اگر بنده را سفارش کرده یا من سفارش کردم اعلام بکنند. شما بدترین توهین ها را به

من کردید. حتی همسر من که نقشی در این قضایا ندارد عکسش را انداختید. بهش توهین کردید در روزنامه تان. شما اگر یک برگ سند علیه من داشتید چاپ می‌کردید. جناب آقای کروبی، همه چاپ می‌کردند. در موضع شهرداری آقای لاری می‌خواست پرونده سازی کند آمدند به من گفتند برو کنار. گفتم هر چی از من دارید بزنید تو روزنامه تان. الآن هم به جناب عالی می‌گویم، هرچی از من و خانواده‌ام دارید بزنید توی روزنامه تان پایش بایستید. مرد و مردانه، هر پرونده‌ای از من هست، مردم باید بدانند. رئیس جمهور کی هست. من می‌گویم همهٔ اموال‌مان با ستادهایمان با وزرایمان اعلام کنیم. هر چی تقلبی بود قوهٔ قضاییه بگیرد. بالاخره شما نگفتید این ۳۰۰ میلیون چی شد.

کروبی: می‌گویم دغل.

احمدی‌نژاد: اسم ببرید. شما گفتید آقای محصولی من گفتم یک تومان ایشان از هر بانکی وام گرفته بود مال شما، تمام شد. این جواب ادعاهای جناب عالی، اما راجع به اسرائیل؛ رژیم صهیونیستی که به من نگویم میاد اسراییل رو ببرم امام یک جمله قشنگی فرمود: گفت اینها آنقدر نجس اند که اگر خودشون رو به بحر محیط هم بزنند نجس می کنند. در زمان جنگ یک موقعی آمدند همچین ادعایی که آقای کروبی خواندند کردند برای اینکه بگویند ملت ایران با اسرائیل ارتباط دارد. آمدند گفتند ایران از اسرائیلی ها سلاح خریده. همان موقع امام آمد این جواب رو دادند. من هم جواب امام را به آقای کروبی می‌دهم. من دو تا سؤال کردم راجع به رژیم صهیونیستی، شما چرا ناراحتی؟ شما چرا ناراحتی؟ من گفتم آقا این هولوکاست کجا واقع شده. چرا جوابش در فلسطین؟ اگر واقع شده چرا اجازه نمی‌دهید؟ پدر اروپایی‌ها درآمده شما چه حرفی می‌زنی؟ شما رفتی ایتالیا تحویلت گرفتند؛ نوش جانتان. از نظر من دنیا فقط چند تا کشور اروپایی و آمریکایی نیست. جناب آقای کروبی، برگردید به مواضع امام، برگردید به مواضع امام؛ آنقدر انحراف از مواضع امام واقعاً از شما بعید است. چهار تا کشور اروپایی تحویل نگرفتند. اولاً من گفتم ۶۰ کشور. من به ۶۰ کشور رفتم، وزارت خارجه فردا منتشر می کند. ۶۰ تا رئیس جمهور آمده اینجا.

کروبی: خوب دوتاش را بگو.

احمدی‌نژاد: اجازه بدهید.

کروبی: پنج تا آنها که الگو خواستند.

احمدی‌نژاد: جناب آقای کروبی شما صحبت کردید که... من که وارد نشدم.

کروبی: شما درست می‌گویید. من عذرخواهی می‌کنم. من عذرخواهی می‌کنم.

احمدی‌نژاد: نشد. شما من مورد مشخص به شما می‌گویم. اصلاً بنده ان شاءالله دور بعد هم اگر مردم رأی دادند هرگز از سیاست خارجی جناب عالی و آقای خاتمی پیروی نخواهم کرد. همین جا به صراحت بگویم؛ چون آنها را به ضرر کشور می‌دانم. به ضرر کشور. قطعاً نتیجه‌اش هم معلوم شد. هسته‌ای را دادند محور شرارت هم شدند. تعهد هم دادند. الآن همه چیز برگشته. ضمن اینکه اگر جناب عالی می‌گویی من آماده‌ام. یک جلسه تشریف بیاورید من برایتان توضیح می‌دهم. شما می‌گویید آموزش بده. نه آموزش بنده شاگرد شما. توضیح می‌دهم. اما یک جمله می‌گویم. امروز در دیپلماسی، دیپلماسی عمومی حرف اول را می‌زند. این را هم من خواهش می‌کنم. جناب عالی هم بروید مطالعه بفرمایید. به دوستانتان هم که تهیه می‌کنند اینها را تذکر بدهید. دیپلماسی عمومی یعنی اینکه شما افکار عمومی دنیا را باید بگیرید دستت. خطاب می‌کنی، خطاب می‌کنید. خوب، آقای اوباما چی گفت پرمی‌روز. اینها آثار چیست؟ دلش برای ما سوخته یا اینکه دیپلماسی کشور باعث شد چهار سال قبل آقای بوش می گفت ما ایران را باید وربیندازیم. الآن آقای اوباما می‌گوید ما بدون ایران نمی‌توانیم هیچ کاری بکنیم. همراهی ایران را می‌خواهند. چطور شما انکار می‌کنید؟ پیروزی ملت را که امروز جایگاه ایران در دنیا رفته بالا بعد می‌گویید ایتالیا ناراحت است. خوب باشد. مگر ایتالیا ملاک ماست یا سه تا کشور اروپایی یا امریکایی. شما اینها همه را جهان می‌دانید. خوب. آنها هم همین حرف را می‌زنند. آقای بوش هم عین حرف‌های شما را می‌زند. چرا هسته‌ای می‌خواهید؟ شما بروید به کارهای دیگرتان برسید. هسته‌ای به ضررتان است. چرا مقاومت می‌کنید؟ چرا علیه رژیم صهیونیستی حرف می‌زنید؟ شما دارید همان حرف را می‌زنید. می گویید رابطه

با همه جا به هم خورده. با کجا به هم خورده بفرمایید؟ یادتان رفته در دولت‌های قبلی چه اتفاقی می‌افتاد. می‌گویید خلیج عربیه. من پاسخ شما را نمی‌دهم. من ارجاع می‌دهم به اساتید زبان عرب/دول الخلیج العربیه/ العربیه برمی‌گردد به دول نه به خلیج. هیچ وقت نمی گویند خلیج العربیه، می گویند خلیج عربی.من متأسفم. واقعاً چند جا گفتید. دوستانتان هم گفتند. اجازه بدهید اساتید عرب و زبان عربی این را تشریح کنند. ضمن اینکه خود رئیس همان کشور که ما رفتیم بلافاصله مصاحبه کرد و گفت آقا کشورهای عربی این را می گویند. ایران این را می گوید و حق با ایران است. ما قوی‌ترین دیپلماسی را به کار گرفتیم. جناب آقای کروبی ازش هم حمایت می‌کنیم. اینکه گفتید رابطه با همه جا به هم خورده. من راجع به نام رهنورد، چون من واقعاً احترام می گذارم به ایشان، من دو بار از آقای موسوی پرسیدم، ایشان فکر کرد یک کس دیگری است. من آنجا گفتم. من دیگر نمی‌خواهم وارد بشوم. بحث ما نحوهٔ استادیار دانشیار شدند، قانون برای همه یکی است. آقای کروبی! نمی شود بگوییم یک کسی انقلابی بوده پس یک حق بالاتری. همه هم محترم و عزیزند. اجازه بدهید یک مورد دیگر را هم بگویم. بالاخره مدیریت، اجازه بدهید قبلش این را بگویم آقای کروبی. جناب عالی در سال ۶۵ رئیس حج بودید. آنجا سخنرانی می کنید. اعلام می کنید راه نجات فلسطین بسیج عمومی برای جنگ مسلحانه با اسرائیل است و جمهوری اسلامی با همهٔ امکانات خود حاضر است در این مبارزه به صورت جدی و فعال شرکت کند. ایشان اضافه کرد در این رابطه سیصد هزار نفر در گردان‌های قدس سازمان دهی شده اند. ایشان جنگ مسلحانه را تنها راه مقابله خواند و برای نجات فلان... باید برویم و جنگ مسلحانه کنیم. شما چه کارهٔ نظام بودید که این را اعلام کردید؟ الآن مواضع سیاست خارجی ما هم مورد تأیید ملت است هم مورد تأیید مجلس است هم مورد تأیید رهبری. بقیه چه کاره اند؟ یک شخص اند و اظهارنظر می کنند. خیلی ممنون. ما تشکر می‌کنیم. ولی نظام نیستند. چرا خودشان را می گذارند جای نظام؟ اگر بنا بود رژیم صهیونیستی جایزه بدهد باید به این می‌داد. آقای کروبی! شما از آن موضوع رسیدید به این موضوع که وقتی من راجع به هولوکاست دو سؤال منطقی مطرح می‌کنم من را محکوم

می کنید به جای اینکه رژیم صهیونیستی را محکوم کنید. به جای اینکه رژیم صهیونیستی را محکوم کنید. به نظر من، مواضع تغییر پیدا کرده. من دوستتان دارم. چقدر فاصله، آمریکایی‌ها ناراحت شدند. اروپایی‌ها ناراحت شدند و یک سری ناراحت شدند. شما هم ناراحت شدید و دارید اعتراض می کنید یک شاخص دیگر در اقتصاد نسبت صادرات به واردات نسبت به درآمدها. من خواهش می‌کنم این را نشان بدهید. ما از سال ۶۰ تا ۶۳ دولت به دولت گرفتیم. نسبت واردات به صادرات نفت و گاز آبی است نسبت صادر... واردات به صادرات نفت و گاز یعنی چقدر درآمد نفتی داشتیم چقدر واردات کردیم. خواهش می‌کنم نگاه کنید. از دولت دوم ۶۴ تا ۶۷ بیش از درآمد ارزی واردات شده، یعنی از خارج قرض گرفتند یا از بانک مرکزی در دولت‌های قبل هم این‌طور بود. نگاه کنید. بالای صددرصد در این دولت نسبت واردات به صادرات نفت و گاز شده ۸۳ درصد و نسبت واردات به درآمدهای ارزی شده ۶۳ درصد، یعنی صادرات غیرنفتی ما رشد جهشی کرده. یعنی درآمد ارزی ما ذخیره شده و امروز ذخایر ارزی بانک مرکزی ما بالاترین و مطمئن‌ترین در طول تاریخ کشوراست که من عدد این را نمی گویم. مراکز اختصاصی جهانی تا ۱۲۰ میلیارد دلار این را برآورد کرده‌اند. من فکر می‌کنم با هیاهو، اتهامات و هی ردیف کنیم. آقا فلان جا چی چی کشور را نمی شود اداره کرد. کشور را بر اساس منطق و عالمانه می‌شود اداره کرد. آقا کارشناسان این را می‌گویند. رئیس جمهور خودش باید کارشناس ارشد باشد. برادر عزیز، آقای کروبی، من نمی‌دانم کارشناسان می گویند خوب دو تا کارشناس دو تا حرف متناقض می‌زنند. شما در کجا متوجه می‌شوی کدام درست می‌گوید؟ چه‌جور متوجه می‌شوید؟ صدتا کارشناس می‌آیند حرف می‌زنند. شما چطور جمع بندی می کنی. رئیس جمهور خودش باید خودش صاحب‌نظر باشد. کارشناس ارشد باشد. یک کارشناس حرف زد بتواند حرفش را رد کند، تأیید کند، والا من می نشینم ببینم کارشناس ها چه می گویند. ضمناً ماجرای آقای شهرام جزایری فراموش نشود.

مجری: ده دقیقه آقای احمدی‌نژاد صحبت کردند حدود ۱۲ دقیقه وقت دارید.

کروبی: خوب، خیلی متشکر. چند تا نکته براتون عرض کنم. این بار احمدی‌نژاد آقای چی

هم آقای جزایری هم خدمتتان، اولاً سال ۶۵ حتماً در رابطه با جنگ اصلاً لشکر قدسی وجود داشته یا نداشته من نگفتم. من همیشه آنجا صحبت که می‌کردم بر اساس سیاست امام بوده و صریح می گفت سیاست نه شرقی و نه غربی و بر اساس مبنای حرف امام من می گفتم راهپیمایی ما می‌خواهیم بکنیم. ما جهان اسلام را می‌خواستیم. برویم مقابل اینها. دوتا. یک داستانی ما با امام داریم. آن را بگویم وقتم گرفته می‌شود. چقدر از این پیرمرد مجبور شد دقیق بوده که تو یک مصاحبه من یک نکته ای را نگفتم دو سه روز بعد احمد آقا تلفن کردند و واقعاً داستان عجیبی است اما اگر خاطره بگویم وقتم از بین می‌رود. بنابراین، اصلاً جنگ نه مسلحانه نه با بنده همین طور که ایشان... نه خبر داشتند و نه هیچ چیز. اگر هم منافع ملیم نبود. یک سلسله مسائل دیگر هم می گفتم که مواردی هم بودند که خلاف دستور امام تحرک هایی شده بود و امام جلوش را گرفت. پس بنابراین، من حت... و واقعاً وارد نیستند. بله هم قاطع مسلمانان بسیج شوند و بهترین نقش را داشتیم. آن موقع خود حماسی ها خود لبنانی ها قبول دارند که حرکت های مکی آن موقع که امام بود و خط می‌داد این وضع به وجود آمد. سال ۶۸ متأسفانه سالی برای ما پیش آمد که یک هواپیما از ما گیر افتاد بعد معلوم شد یک مشت مواد منفجره توش بوده نگهش داشتند. بنده هیچ خبر نداشتم. با قاطعیت ایستادم و همهٔ مسئولان زمان هم هستند و آنچنان ایستادم تا همهٔ آنها را گرفتم آوردم. سه تاشون تنها ماندند آنجا که اصلی بودند. این مسئله‌ای که فرمودند راجع به جنگ مسلحانه. در رابطه با کارشناس ها جناب آقای احمدی‌نژاد یک سؤال به من جواب ندادند. احمدی‌نژاد ده تا سؤال از شما کردم یکیش جواب ندادید. من می گویم قوهٔ قضاییه بگوید پرونده اردبیل این است به شما که عرض کنم کارشناسان خودت دانش جعفری، خوش‌چهره، افروغ، رهبر، این همه یاران شما بودند. اینها از دور شما رفتند. این هم نکتهٔ دوم، نکتهٔ سوم فرمودید. شما هستید و به یک جریانی وصلید. من وصل نیستم. چرا الحمدلله آقای نقدی، آقای شریعتمداری، آقای صفاریان اینها همه دوستان شما هستند. آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جنتی اشکال هم ندارد. اینها شما به یک مجموعه خوبی اتفاقاً وصلید. بلکه الآن قدرت آقای جنتی که حتی حق استاد شاگردی را هم فراموش

می کند می آید می گوید ایشان را مثل نوشته های امام ببرید تو کتاب ها که تدریس بشه.

پس این هم به شما که عرض کنم این مسئله کاملاً صحیح، اما در رابطه انقلابیم هستم. همان انقلابی ریشه دار حساب شده؛ منتهی ما می گوییم حساب شده حرف بزنیم. ما اگر نسنجیده حرف زدیم. دشمن تراشی می‌کنیم. من همیشه، من کار به دولت ندارم و از خودم دفاع می‌کنم چه آن موقع که مجلس بودم چه در محضر رهبری بودم این یک کلمه حرف می‌زدم. می گفتیم ما باید هسته ای صلح آمیزش را بخواهیم. پافشاری هم بکنیم. دفاع هم بکنیم. اما مذاکرت هم قطع نکنیم. همیشه گفتم، الآن هم می گویم، حتی من به گفتند تعلیق، گفتم نه، حتی گفتند سیاست با رهبری است سیاست گذاری با رهبری، همه اینها هر چی گفتم در چارچوب همین نظام گفتم. اینکه آیا آنها رو نه مذاکره کننده بودم و نه تو این جلسه ها بودند. مذاکرات تنها ما وقتی می شنیدیم که گذاشتند به ما می‌دادند یا ما را دعوت می‌کردند چه تو شورای امنیت ملی که رئیسش رئیس جمهور است و چه محضر رهبری، ما هم نظراتی می‌دادیم بیش از این هم چیزی نیست. در هسته ای هم چیزی نگفتیم. هولوکاست هم که شما می گویید، ما می گوییم هولوکاست بالاخره آیا یک قضیه‌ای شده یا نشده. این یک حالا شماست که اتفاقاً دارید از هیتلر دفاع می کنید و شما خیال می کنید از وجود مقدس امام زمان یا سلمان فارسی دفاع کردی. وقتی می‌گویی از هیتلر دفاع می کنی، بله حرفتان صحیح است. در این که می گویید که این فلسطینی ها از سرزمین شان آواره شدند، یهودی ها یعنی صهیونیست ها آمدند گرفتند. از روز اول ما گفتیم. اینها باید برگردند در سرزمین شان، همین. حتی پیشنهادی که جمهوری اسلامی داشت. به رفراندوم چی بشه اما ما بگوییم و این قد بزرگش بکنیم. هی هم بگوییم و رسمی اش هم بکنیم. ما این است بحثمان. ما کجا بگوییم که صهیونیست ها به خدمت شما که...

اما قضیهٔ آقای جزایری. ببینید، جناب آقای احمدی‌نژاد؛ من خدمت شما عرض کنم، این یکی را چون شما دو سه بار شما تأکید کردید. من گفتم، حتی دوستان من گفتند، هر چی اسمی از ما برد که از نزدیکان شما هستند اصلاً شما وارد بحث نشوید. شما همان مسائلی که خود و احمدی... و من بنا نیست اما چون شما دو سه بار فرمودید.

من یک روحانی هستم. یک اجازه هایی از امام دارم که هیچ کسی این اجازه ها را ندارد که الآن بعضی اش هم کتبی اینجاست. دو پرونده من قبل از انقلاب هم برمی‌گردد یک بخشش رو به مالی، یعنی اجازه داشتم. اولاً به همین تناسب خیلی تیتروار بگویم کمیته‌ها تقسیم، کمیتهٔ انقلاب اسلامی آقای مهدوی جهاد جناب آقای ناطق کمیته سپاه مرحوم آقای لاهوتی اینها دادند کمیتهٔ امداد را به من دادند. کمیتهٔ امداد برای اقشار آسیب دیده بود. در رأسش مجموع خانواده‌های شهدا من این کار را انجام می‌دادم. هر روز صبح می رفتم از آیت‌الله صانعی پول می گرفتم. قبلاً پول از تحصن همه اینها با من بود. من یکی دو بار شیراز رفتم خوزستان رفتم. پول بردم. وقتی امام وارد شد ۷ میلیون پول پهلوی من بود. ۷ میلیون آن موقع من شدم مسئول کمیتهٔ امداد. به تدریج امام هی احکام پشت سر هم به من داد احکام و من هم شهرتی پیدا کردم. که تو این اوراق فراوان است که از بیرون پول بیاد برایم از مسلمان ها. داخل، خارج، اموال مصادره ای به من می‌دادند که بین مردم تقسیم می‌کردیم. از دولت هم هیچ نبود. حساب هایم جدا بود. این هم پول هایی که به ما دادند. آقای جزایری هم باز من عادت ندارم همیشه می‌خواهم از خودم هزینه کنم. اصلاً چه فردی چه افرادی آمدند پیش من آقای جزایری را آوردند ۲ مرتبه هم آقای جزایری پول داد. ۳۰۰ میلیون تومان هم بوده ۲۲۰ تومان نیست اگه بود یک میلیارد دوم بود. می گفتم. چون صداقت خودم به این چیزها به خدا آقای جزایری هیچی هم از من نخواست. هیچ موضوعی گفت شما اینجا هستید برای کت... الآن هم باید به من پول را بدهید. بنده که پول ندارم پول نفت خرج کنم. من که پول تراکم شهرداری ندارم. الحمدلله بنده پول از مردم باید بگیرم خرج کنم. اینجوری هم که شما فکرکنید من ورد می‌خوانم فردا این می‌شود طلا برای انتخاباتم خرج می‌کنم. بالاخره باید عده‌ای به من بدهند. ما اگر یک کسی بیاید بگوید یک قرانش را شما از جایی آوردی حتی تلفن که معموله که به خود ایشان من شهردار بود برای نماینده‌ها تلفن کردم برای مسکن شان یا ارتقاشان خوشبختانه این جزایری هیچی از من نخواست که من به یکی تلفنی کنم چون من عادتم الآن از قالیباف بپرسید چند تا نامه برایش نوشتم گرفتم. تا این که یک کسی بیاید مراجعه بکند می نویسم

به خود ایشان. شاید تلفنی کردم راجع به زمین آقایون چیزا ۲ و ۳ بار فکر کنم راجع به خانواده‌های قدوسی به ایشان فرمودم که ایشان فرمودند خبر ندارند. خانم قدوسی اصلاً گفت خود ایشان دستور داده یادتان باشد تو مجمع مصلحت ازت سؤال کردم این ساختمان خانواده قدوسی را چرا اینجور شده گرفتید که گفتید من خبر ندارم. بعد خود خانم قدوسی دختر آقای طباطبایی به من گفت که مادر شهیدم هست همسر شهید هم هست گفت خود ایشون دستور داده این کار را بکنی. من می‌خواهم بگویم یک پول درسته به من داد من هم خرج کردم. هیچ کار هم نکردم و مهم‌تر اینکه متأسفم لای اوراق باید بگیرم پیدا کنم ببینید رهبری چی نوشته با اینکه آیت‌الله شاهرودی این چه شیوه کاری است به کسی پول بده به فردی به خط خودش و آن فرد هم پول را در کارهای معمول خرج کند که موجه هم هست. نه آن از این چیزی خواسته و این چیزی از او خواسته هیچ کدام از هم چیزی نخواستند. چرا افراد موجه قوهٔ قضاییه شان قوهٔ قضاییه نیست. که این کار را بکند. این آخر سر چون من می ترسم. وقتم گرفته شود. می‌دهم به شما این هم آن پوله. داستانش هم همین است. الآن هم روشن است. بنابراین این را تازه گفتم تا ایشان بفرمایید چیزی برای تتمه من بماند.

مجری: نه یک ۲ دقیقه ای شما وقت دارید دیگر.

کروبی: ۲ دقیقه، بله، بله. آقا چقدر وقت دارد؟

مجری: حدود یازده دقیقه ای شما وقت دارید.

کروبی: خوب ایشان صحبت کند.

مجری: آخر باید بار آخر صحبت کنند. شما هم صحبت بفرمایید.

کروبی: خوب، حق ندارم صحبت کنم. خوب، حالا از ۵ و ۶ دقیقه که مانده بود من فکر کنم از این مسئله دو تا در بیارم صحبت بکنم. ۵، ۶ دقیقه ایشان صحبت بکنم. آن آخر که هر چی خواستند بفرمایند. من نگاهش کنم ببینم از دو دقیقه‌ام چی استفاده کنم.

احمدی‌نژاد: بسیار خوب. خیلی ممنون. بالاخره ما پاسخ قضیهٔ آقای جزایری را دریافت نکردیم. اینکه چطور ۳۰۰ میلیون می آید. اینکه شما امام و رهبری و همه را هزینه می کنید برای اینکه از یک آدمی که در زندان محکوم شده ۱۵۰ میلیارد تومان.

کروبی: آن موقع که آن من.

احمدی‌نژاد: اجازه بفرمایید بالاخره جناب آقای کرباسچی... کروبی فسادها همین طوری شکل می‌گیرد. ۳۰۰ تومان به این آقا می‌دهند. ۲۰۰ تومان به آن آقا می‌دهند. ۵۰ تومان به آن آقا می‌دهند. بعد هر کاری که دلشان می‌خواهد در این کشور می‌کنند و من تعجبم از جناب عالی است که شما چطور متوجه شدید که این پول چیست. هر که آورد پول داد می‌گیرید؟ ولو پول حرام؟ ولو پول خلاف؟ قانون این چه توجیهی که امام به من حکم داده. آن موقع که شما گرفتید شما مسئول کمیتهٔ امداد نبودید. مسئول بنیاد شهید هم نبودید. مسئول حج هم نبودید. یک روحانی هستید. خیلی محترم مثل بقیه. خوب من ۲ تا سؤال دیگر دارم از جناب عالی. بالاخره می‌گویند وقتی شما بنیاد شهید مسئول بودید، تو بنیاد شهید زندان درست کرده بودید، افراد را زندانی می‌کردید کتک زده می‌شدند. افراد در آنجا. این رو تشریح بفرمایید. این هم از امام اجازه داشتید. از رئیس قوهٔ قضائیه اجازه داشتید؟ چطور شما زندان درست کردید؟ افرادی را محبوس می‌کردید در بنیاد شهید؟ یک سؤال دیگر هم دارم. بالاخره من گفتم اموالمان را اعلام کنیم. من خواهش می‌کنم آقای کروبی اعلام کنند. اول انقلاب خانه شان کجا بوده چقدر بوده. الآن کجاست. چقدره و این از کجا آمده. من اموالم را اعلام کردم. باز هم اعلام می‌کنم. بنده حقوق معلمی می‌گیرم و گفتم. تمام پرونده من از الآن دست قوهٔ قضاییه. اعلام هم کردم. اگر در زندگی من، همسر و فرزندانم مشکلی هست بدون اجازه من منتشر کنند. همه بدانند، زندگی من معلوم یک دانه خانه دارم. حساب های بانکی ام را هم اعلام کردم. فقط حقوق دولت می‌گیرم. درآمد دیگری ندارم. در دانشگاه چرا پژوهش می‌کنیم. باز دریافتی دانشگاه است. این را من دارم. آقای کروبی هم بفرماید که این خانه شان چه جوری آمده. ایشان همیشه مسئول بوده آیا از همان پول هایی که امام اجازه دادند برداشتند یا نه امثال آقای شهرام جزایری ها دادند، یا نه؟ اگر فعالیت اقتصادی می‌کنند بگویند ایشان مسئول بودند فعالیت اقتصادی هم کردند.

مجری: متشکر.

کروبی: اجازه بدهید توضیح بدهم.

مجری: بفرمایید.

کروبی: اولاً آقای جزایری که پول داده من هیچ وقت ما تحقیق و تفحص نمی کنیم که ببینیم این پولش از کجاست. اگر بدانیم فاسد است نمی‌گیریم. اگر بدانیم به شما که عرض کنم چیزی از ما می‌خواهد دقت داشتم من نمی‌گیرم. اما اگر یک کسی آورد یک آدم متدین آوردش من نمی‌خواهم مثل دیگران گفتند این می خواهد کمکی بکند. الآن هم اگر بیاورد یک کسی بدون اینکه هم چیزی ازم نخواهد. مفسده هم ندارد ازش می گیریم. اما اگر ببینیم بوی چیزی. این نکتهٔ اول که شما می فرمایید. نکتهٔ دوم راجع به مسائلی مالی خودشون که می فرمایند یکی از نکاتی که در رابطه با ایشان مطرح است الآن مدرکش هم هست. اینها را هفته اول انتخابات بگذرد برملا می‌کنیم. ۷۰۰ میلیون دلار از پول دولت می‌خواسته به یک آقایی بدهد رهبری جلویش را گرفته. اصلاً یکی از اختلافاتش با بانک مرکزی همین بوده که حواله می‌داده نمی‌دادند.دعواشون با هم می شده. می رفتند آنجا می گفته نه من نمی‌دهم من که نمی‌توانم بروم فردا گریبان او را بگیرم. می گفته اجازه دارم می گفت خوب، اجازه رهبری را بده تا همان را سنجاق کنیم. تا به این ۷۰۰ دلارش برای اینکه اگر کشورمان مشکلی نداشته ۷۰۰ میلیون دلار به یکی از آقای رؤسای جمهور می‌خواسته بدهد، رهبری هم فرموده ندهید. حالا برای ۳۰۰ هزار که مردم ۳۰۰ هزار از خودش داده به من اینها را خدمتتان عرض می‌کنم. که بدانید چه پول هایی شده ایادی ایشان نزدیکان ایشان کیایی این روز زندان ـ زندان نیستن ـ قضایای آقای علی‌آبادی و اطرافیانشان چیه و داستان‌هایی که آمده شماها را مجبور کردید که این حرف‌ها را بزنیم. چون من می‌خواهم از نزدیکان شما الآن بیایند افراد زندان اند. بعضی‌هاشون با زور آزاد کردند.

مجری: آقای کروبی وقتتان تمام است. اگر صحبت پایانی را بکنید.

کروبی: تمام شد. خوب، به هر جهت، پس همین که وقت من تمام شد. خوب، شما بفرمایید این سی یک کلمه همین. این مقایسه هایی که شما دادید. خوب، شما می گویید درست نیست. خوب ما چه کار کنیم. هر چی ما بگوییم شما همان حرف خودتان را همه‌اش می‌زنی. می گویی این اتفاق من چی کار کنم. اما شما درآمد نفت انصافاً باز اینها می گویند

کل درآمد دولت سازندگی و دولت توسعهٔ سیاسی اندازهٔ ۳ سال و نیم شما بوده.

مجری: متشکریم.

کروبی: این یکی این همه بالاخره نفت ۱۰۰ دلاری هیچ فکر شو کردید نفت ۸۰ دلار اینها کجاست. چیه این پیشرفت هایی که شما آخه می گویید. آقای احمدی‌نژاد به خدا من خرم‌آباد بودم همه طرح‌هات مانده.

مجری: متشکر، متشکر. وقت تمام است. اجازه بدهید آقای احمدی‌نژاد.

کروبی: ایشان هم هر چه زیادتر صحبت کنم.

مجری: بله. خواهش می‌کنم.

احمدی‌نژاد: خوب، باز ما قانع نشدیم. بالاخره آقای شهرام جزایری چی بود. مسئلهٔ مسکن شما چه جوری یک دفعه یک مسکن ۱۰۰ متری تبدیل شد به چند صد متری، آن هم در بهترین نقطهٔ تهران. خوب، بالاخره من پرسیدم.

کروبی: اگه اجازه بدهید من توضیح بدهم.

مجری: نه دیگر آقای کروبی خواهش می‌کنم.

احمدی‌نژاد: چهل دقیقه وقت داشتید.

کروبی: سه تا....

احمدی‌نژاد: جناب آقای کروبی بالاخره مردم اعلام...

کروبی: اول آخر باید برویم یک کاری کنیم ببینیم حرفی که می‌زنیم راست است یا نه. والا من می گویم پرونده اردبیل.

مجری: بله آقای کروبی.

کروبی: شما می گویید نیست.

مجری: مسئلهٔ ما تنظیم وقت ما به هم می خورد. اگر اجازه بفرمایید آقای احمدی‌نژاد.

کروبی: اول باید برویم بعد از هفتهٔ آینده ان شاءالله که انتخابات تمام شد.

احمدی‌نژاد: جناب آقای کروبی، من از شما می‌خواهم اگر بنده خواستم ۷۰۰ میلیون دلار به کسی بدهم بانک مرکزی گفته باید اجازه رهبری بیاورد ممنوعه فردا بزنید تو روزنامه تان

چرا هفته دیگه. این چه حرفی است. شما به همسر من که هیچ نقشی نداشته تهمت زدید. تو روزنامه شما ببخشید آیا شما خبر ندارید از زیرمجموعه ات؟ بسیار خوب، من می گم آخه رئیس جمهوری که با کسی می‌خواد رییس جمهور بشه از زیرمجموعه ای روزنامه ای که صاحب امتیازش باشه خبر ندارد. آن وقت می‌خواهد کشور اداره کند. آقای کروبی من عذر می‌خواهم از شما. من به شما احترام می گذارم. به لباسشون به ریش سفیدشون به سوابقشون. شما خبر ندارید. عکس همسر من را انداختند. بدون اینکه ایشان نقشی در این قضیه نداره. توهین کردن به همسر من.

کروبی: نه. چی گفتند توضیح بده؟

احمدی‌نژاد: اجازه بدهید. شما بروید مراجعه کنید. اجازه بدهید دنبال بکنید.

کروبی: تو مقابل یک مرد شریف نجیب زنشو درمیاری عکسش رو اینجوری می کنی انتظار داری همه چی به همه بگی هیچ کی به تو نگه.

مجری: اجازه بفرمایید صحبت پایانی با آقای احمدی‌نژاد است.

احمدی‌نژاد: بالاخره شما می‌خواهید بگویید بگویید من...

کروبی: نه، من نگفتم.

احمدی‌نژاد: می‌خواهید وقت من هم شما استفاده کنید آقای کروبی.

کروبی: نه من خواهش می‌کنم وقت بدهید بهش.

احمدی‌نژاد: شما از وقت من هم استفاده کردید. خوب، بسیار خوب دیگه.

مجری: می‌تونید بعد از انتخابات در یک گفتگوی دیگر

احمدی‌نژاد: دو هفته سه هفته پیش تشریف ببرید بخوانید گزارش بگیرید.

کروبی: ولی حضرت عالی بگویید چی بوده خواهش می‌کنم. من بی اطلاع بی اطلاع. بسیار خوب دیگه من وقت خودم می‌خواهم استفاده بکنم. پس منزل رو توضیح ندادند ایشان. شهرام جزایری را توضیح ندادند. زندان را توضیح ندادند و اعلام نکردی آیا حاضرند اموال اطرافیانشان را اعلام کنند. الآن که همه در جریان باشند. رئیی ستادشان است، دوستانشان، همه اینهایی که تو ستادشان کار می کنند. و اینکه ۲۰ میلیارد تومان

فقط خواستند بدهند به مخابرات در انتخابات برای sms، ۲۰ میلیارد تومان ستاد ایشان رفته مخابرات، مخابرات گفته ما sms عمومی نداریم. ۲۰ میلیارد تومان برآوردها بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان تبلیغات جناب آقای کروبی است. اینها را بگویند از کجا آوردند. چه جوری آوردند اینها را به مردم توضیح بدهند. چون الآن وقت تمام است دیگر. شما باید به مردم توضیح بدهید که چه کردید من ۳ تا ۴ نکته را می‌گویم. من هفت الی هشت دقیقه وقت دارم. این دولت در خدمت مردم است با کارشناسی بنده بیشتر از ۱۰۰۰ ساعت خودم جلسه گذاشتم با کارشناسان اقتصادی و اساتید اقتصاد. بله ۲ تا ۳تا ۱۰ و ۲۰ تا مخالف نظر ما باشند. ما این را هیچ وقت رد نمی کنیم. اما من با جلسات ۵۰ نفره و ۳۰ نفره و ۲۰ نفره و ۱۰ نفره طولانی ۵ ساعت (**کروبی:** بگو یه چندتاشو بشمار...)....

احمدی‌نژاد: رئیس جمهور باید خودش کارشناس ارشد باشد حضرت آقای کروبی. اینکه هر چی می پرسم می‌گوید کارشناسان نظر بدهند کارشناسان نظر بدهند خب، کارشناس‌ها بشوند رئیس جمهور. نه اینکه یک کس دیگر بیاید بشود رئیس جمهور. کارشناس ها اداره بکنند. این رو باید بتواند آن هم این وضعیت کارشناسی در کشور ما همه جای دنیا نظرات شخصی توی کارشناسی اثر دارد. کارشناسی وحی منزل نیست یک چیز مطلق نیست. این واژهٔ کارشناسی رو انداختند وسط هی باهاش بازی می کنند. اما شما در فیلمتان امشب دوباره به دانشجویان ستاره دار اشاره کردید. من آمارشان را دارم. این در دورهٔ آقای معین که متأسفانه یک اطلاعیه هم داده. این آمار سال به سال از سال ۷۸ چند نفر ستاره دار بودند. سال ۸۲ بیشترینش است. ۲۵۸۴ آخرین سال در این دولت ۸۵- ۲۲۴ نفر که ما لغوش کردیم. تمام. لغو کردیم. بعدش ۴ تا آدم می آورند می گویند ما ستاره داریم ستاره را توی وقتی لیست قبولی ها را منتشر می کنند کنارش می نویسند ستاره را توی پیشانی کسی نمی‌زنند. این از این، بحث گشت ارشاد را شما مطرح کردید که خوب من دیشب توضیح دادم. اهل سنت و اقوام را مطرح کردید من توضیح دادم. رفتار دولت معلوم است.

من می‌خواهم ۲ الی ۳ جمله راجع به آینده صحبت کنم. خطاب به ملت عزیزمان. بالاخره شما این دولت، را برگزیدید. این دولت هم با همه توان در خدمت شما بوده.

من اعلام کردم. الآن هم اعلام می‌کنم آقای کروبی دوستانشان هر مورد تخلف مالی از این دولت، از بنده، وزاری من، از فرزندان من، از همسر من دارند تو روزنامه ها منتشر کنند. به شرط اینکه پاش هم وایسند. همین طوری حرف نزنند. ما به سمت آینده حرکت می‌کنیم. به فضل الهی در آینده این تورم کاهش پیدا خواهد کرد و به یک رقمی خواهد رسید. این را تمام تحلیل های اقتصادی می گوید. در حالی که ما رشد اقتصادمان را حفظ کردیم. سازندگی مان را حفظ کردیم. در موضوع اشتغال در آینده ۳ تا برنامهٔ اساسی داریم. بنگاه های کوچک، بنگاه های بزرگ و زمینه سازی های سرمایه‌گذاری هفت طرح بزرگ، اصلاح ساختار اقتصادی را ما آماده کردیم. بخشی اش در مجلس، بخشی اش دارد می آید. همهٔ زیرساختارهای لازم برای اجرای اصل ۴۴ را ما فراهم کردیم. نهادهای لازم ۱۴ نهاد در یک مدت کوتاه تشکیل شد. ۴۲ آیین نامه نوشته شده. توی این دولت نشان داده شد. ملت می‌تواند ملت می‌تواند، ظرفیت های ملت تازه تازه در حال راه شکوفایی است. در علم، در فناوری، در سیاست، در فرهنگ، در اقتصاد و به فضل الهی دولت موانع را برمی‌دارد و پشتیبانی خواهد کرد. از مردم برای مسکن طرح‌های ما امسال به شکوفایی می رسد. مسکن هم قرار است ما قیمت مسکن را برداریم. ۹۹ ساله را برداریم تحویل بدهیم. وام بانکی هم تصویب شده در بانک مسکن واگذار می‌شود به خود مردم بسازند که قیمت ساخت بیاید پایین. یک امتیاز ویژه برای مسکن جوانان داریم. برای اشتغال جوانان داریم. اینها را به فضل الهی دنبال خواهیم کرد. چهار سال دوستان هر چه خواستند گفتند. ما تحمل کردیم. ما حوصله کردیم. پاسخ ندادیم. در همین روزنامه آقای کروبی صدها تهمت و توهین زده شد. ما مطلقاً پاسخ ندادیم. کار کردیم. بعضی می گویند چرا پاسخ ندادید. در شرایطی که کشور در مخاطره نظامی دشمن بود. در حال تحریم بود. فشارهای سیاسی بود اگر ما می‌خواستیم وارد این بگومگوها بشویم چه اتفاقی می‌افتاد، نه این حجم سازندگی اتفاق می‌افتاد. نه این شاخص‌های خوب را در اقتصاد نسبت به گذشته نه اینکه مشکل الآن نداریم، الآن هم داریم. ولی مشکل را داریم کم می‌کنیم و نه ما هسته‌ای می شدیم و نه در سیاست خارجی به اوج عزت می رسیدیم. مسیر ما همان مسیر است در

خدمت مردم. در کنار مردم. شعار ما سلامت است. پاک ترین دولت این دولت. خادم ترین دولت این دولت است. در کنار مردم یک مورد اگر تخلف داشتند فلک را کر می‌کردند.

این خوشبختانه وجود ندارد. راه روشن را ما در کنار ملت ان شاءالله عالمانه، صادقانه ادامه خواهیم داد. به فضل الهی ایران باید بهترین کشورهای جهان باشد. می‌تواند در مدیریت جهان تعیین کننده باشد و می‌تواند. باید عزیزترین کشور جهان باشد. پیشرفته ترین باشد. این چشم انداز ماست. می‌تواند. ما باور داریم. ملت ایران می‌تواند. ما از نگاه دشمن به ملت نگاه نمی کنیم. ما می‌گوییم ملت ما توانمند است و باید در بالاترین جای جهانی قرار بگیرد.

مجری: شما یک دقیقه وقت دارید.

احمدی‌نژاد: یک دقیقه، تشکر من می‌خواهم بکنم از همهٔ ملت عزیز ایران، ملت فداکار ایران، به خاطر این همه خوبی‌هاشان. به خاطر همهٔ همراهی‌هاشان. به خاطر همهٔ بزرگواری هاشان. دمی‌روز در اصفهان، دو روز پیش در مشهد. در استان‌های مختلف ما ان شاءالله سفرهای استانی را در خدمت مردم ادامه می‌دهیم. نظارت ها را ادامه می‌دهیم. فرمودند بعضی افراد حامی هستند بلکه اکثریت ملت بزرگواری کردند و توی این چهار سال حمایت کردند. اما من هیچ حزب و گروهی ندارم. ریالی هم در انتخابات نه خرج کردم و نه دارم که خرج بکنم. از ملت عزیز می‌خواهم که اجازه بدهند یک بار دیگر این خادمشان چهار سال در خدمت آنها باشد.

مجری: خیلی متشکرم. خسته نباشید آقای احمدی‌نژاد، خسته نباشید.

کروبی: من هم تشکر می‌کنم. خسته نباشید. یک سری نکاتی مانده ان شاءالله فردا شب.

مجری: ان شاءالله در شب های آینده. از شما بینندگان و شنوندگان سیما و صدای جمهوری اسلامی ایران هم تشکر می‌کنم. تا مناظرهٔ بعدی خدانگهدار.[1]

---

۱. این مناظره‌ها را شورای راهبردی شبکهٔ خبر آماده کرده‌است که از اعضای این شورا و مدیر محترم شبکه که آن را در اختیار این تحقیق قراردادند، تشکر می‌شود.

مناظرهٔ کروبی و موسوی

مجری (پورحسین): بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می‌کنم. به مردم عزیز کشورمان، ایران اسلامی، همچنین بینندگان سیما و شنوندگان عزیز صدای جمهوری اسلامی ایران. امشب پنجمین مناظرهٔ انتخاباتی نامزدهای دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری را تا دقایقی دیگر برگزار می‌کنیم.

مجری: در مناظرهٔ پنجم در خدمت دو تن از نامزدهای محترم دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری هستیم: حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدی کروبی و جناب آقای مهندس میرحسین موسوی. من به هردو بزرگوار سلام عرض می‌کنم و خیرمقدم می‌گویم و خسته‌نباشید عرض می‌کنم اگر سلام علیکمی با بینندگان دارید بفرمایید، جناب آقای کروبی.

کروبی: بسم الله الرحمن الرحیم. من هم بار دیگر از جناب عالی و همکاران محترمتان تشکر و سپاسگزاری می‌کنم و باز هم سلام عرض می‌کنم به ملت شریف و بزرگ ایران که صاحب کشور و صاحب انقلاب هستند و می‌دانم با حساسیت مطالب را برای انتخاب گوش می‌دهند. امیدواریم که انتخابات پرشور و پرنشاطی داشته باشیم. و همین طور سلام عرض می‌کنیم به برادر بسیار خوبمان، جناب آقای مهندس موسوی، رقیب محترم مان.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای موسوی.

موسوی: بسم الله الرحمن الرحیم. من سلام عرض می‌کنم خدمت مردم شریف و عزیزمان و همهٔ کسانی که امروز با آگاهی و شور در صحنهٔ انتخابات هستند و سعی می کنند این آگاهی را با حضور همه جانبهٔ خودشان در سراسر کشورمان گسترش بدهند؛ و همچنین

سلام عرض می‌کنم خدمت شما مجری عزیز و همچنین سلام به خدمت برادر بسیار ارجمندم، جناب آقای کروبی، که از دوستان قدیم انقلابی بنده هستند و ما سابقهٔ بسیار طولانی خدمتشان داشتیم و داریم.

مجری: خیلی متشکرم. من نکته ای را که در شب های قبل هم در آغاز مناظره ها تذکر دادم، یادآوری می‌کنم و آن این است که انتظار داریم که کاندیداهای محترم حاضر در مناظره به نقد برنامه‌های یکدیگر بپردازند و اگر نقد کاندید یا کاندیداهای غایب انجام شود، حقی برای کاندیدا یا کاندیدها غایب در نظر گرفته می‌شود که بتوانند از حق خودشان دفاع کنند و صحبت کنند. به همین منظور زمان‌هایی که به هر حال در چند مناظره بوده، دقیقاً محاسبه شده و در آخرین مناظره اعلام خواهد شد. اگر اجازه بفرمایید، من از آقای کروبی سؤالی دارم. مسائلی می‌خواهم طرح کنم. طبق قرعه کشی، مثل شب های قبل، شروع بحث با جناب آقای کروبی است و پایان بحث با جناب آقای موسوی.

آقای کروبی، شما مدت‌های قبل در صحنه بودید. شاید خیلی جلوتر از همه در صحنه آمدید و برنامه‌های مفصلی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، سیاست داخلی و سیاست خارجی اعلام کردید و از یک سو شما رقیب جناب آقای مهندس موسوی هستید؛ از سوی دیگر، این جور گفته می‌شود و شواهد این جور نشان می‌دهد که هر دو از یک جریان سیاسی هستید. قاعدتاً باید انگیزه های متفاوتی داشته باشید و یا برنامه‌های متفاوت، یعنی نقاط قوتی در برنامه‌های خودتان شما احساس می کنید که همراه رقیب خودتان در میدان همچنان هستید. خواهش می‌کنم در این مورد صحبت بفرمایید.

کروبی: بله، طبیعی است و قاعدتاً در این مورد هم باید صحبت شود، اما بخش اول صحبت من را به یک مقدار دفاع از خودم «اختصاص» می‌دهم. لازم می‌دانم توضیحاتی بدهم. من حتی الامکان مراقب بودم وارد بحث‌های خصوصی خودم نشوم، به دوعلت. اگر انسان کاری می کند، باید برای وظیفه و خدا بکند و بعد هم وقتی می گوید، اجرش از بین می‌رود و نکتهٔ سوم «اینکه» متأسفانه آن قدر دروغ گفته شده که ممکن است حرف‌های راست هم باور یک عده‌ای نشود. اما، در عین حال برای اینکه ابهامی نماند، من ناگزیرم امشب چند

نکته را توضیح بدهم که در جراید، در محافل مختلف مجدداً مطرح است. سپس وارد بحث‌های دیگر نیز همین طور به نوبه می‌شویم. این را مخصوصاً من کتباً می‌خوانم.

قسمت اول: قبل از ورود به هر بحثی باید بگویم که در این دورهٔ انتخابات ابتکار تازه‌ای پیدا شد که قابل تقدیر است و آن هم مناظره‌ها بود. اما متأسفانه در سطح جامعه و برخی مطبوعات خاص مسئله‌ای وجود داشته. عده‌ای با تهمت زدن به دیگران راه خود را باز می‌کند که در مناظره نمونه‌اش را همهٔ مردم دیدند. عده‌ای با تهمت و ترور شخصیت می‌خواهند کار خودشان را پیش ببرند. نه فقط در مورد آقای مهندس موسوی، بلکه دیگران نیز همین‌طور، بلکه در مورد من هم. کسانی که مرا سد راه استبدادطلبی شان می‌دانند و به دلیل سابقهٔ روشن، انقلابی و روحانی من نمی‌توانستند تهمتی بچسبانند، متوسل به شبهه‌پراکنی شدند. مثلاً درست پس از ماجرای برخورد شدید من با زندانی کردن آقای لقمانیان، نمایندهٔ همدان در مجلس، داستان شهرام جزایری را علیه من علم کردند. درست هفتهٔ بعدش یعنی وقتی من گفتم من مجلس نمی مانم یا باید لقمانیان آزاد شود، درست هفتهٔ بعدش آن ماجرا شد که بارها جواب آن را گفته‌ام و این روزها هم در سمپاشی‌هایشان مطرح می کنند. از اینکه ماجرای شهرام جزایری چه بوده و چه دست هایی در کار بوده است، فعلاً می گذرم و در موقع خودش مسائل را برای همه می گویم. اما اولاً بد نیست به روزنامه های همان ایام مراجعه کنید تا ببینید تا چه کسانی از مقامات پول گرفته بودند و صدایش هم در نیامد و چه کسانی از دو جریان و دو طرف، چون هیاهو نکردند، نامشان برده نشد. چون من آمدم وارد ماجرای آقای لقمانیان شدم باید هزینه‌اش را بپردازم. ثانیاً جزایری، وقتی به‌عنوان کمک های خیریه به عده‌ای از افراد وجوهی می‌داد، هنوز اتهامی نداشت و مانند میلیون ها انسان دیگری بود که در هزار سال گذشته وجوهات به علما داده‌اند. علما همیشه برای فعالیت‌های دینی و یا مردمی خود از افراد حقیقی پول دریافت می‌کردند و شناسهٔ آنها را چک نمی کردند. دریافت پول یا هبه در هیچ جای جهان ممنوع نیست. آنچه که عیب دارد و خلاف است، انجام کار غیرقانونی برای دریافت پول است، نه گرفتن پول بی‌قید و شرط، اگر همه این کار را انجام می‌دهند و معمول است.

ثالثاً اگر در این رابطه جرمی واقع شده بود، در حکم دادگاه علیه شهرام جزایری می آمد و تنها چیزی که در حکم دادگاه او نیست، همین مسئله است. دست کم در این مورد شهرام جزایری محاکمه شده و هیچ اتهامی متوجه من نشده است. من اگر از یک نفر بدون کاری در عوض آن مبلغی گرفتم، چه که علما هزار سال است از خیرات و طاهرات می گیرند و خرج نیازمندان می کنند و از قبل از انقلاب از امام و مراجع دیگر حقیر اجازه کتبی داشته‌ام که وجوهات را بگیرم و در راهی که شرع تعیین کرده است، مصرف کنم. اما از بیت المال مردم که دیگران میلیاردی برداشته و جواب هم نمی‌دهند، پولی برنداشتم. همین جا اعلام می‌کنم اگر از من یک سند دارید که از اموال عمومی و دولتی، حتی اگر ناچیز هم باشد، برداشته‌ام، منتشر کنید. اما خودشان باید بگویند پول های بیت المال را چه کرده‌اند. زمانی دیگر همچنان شایع کردند که در عروسی دختر کروبی سکه های طلا بر سر عروس و داماد ریخته اند که برخی باور کردند، درحالی که من اصلاً دختر ندارم و عروس های من امروز مانند دخترانم هستند و متأسفانه روزهای زلزله منجیل شد که من حتی بلندگو هم نداشتم. این را توضیح بدهم خدمتتان، لازم است مردم «بدانند» متأسفانه من رئیس مجلس سوم بودم و برای اولین پسرم خواستیم زن بگیریم. اوراقش پخش شد. پس از اوراق که پخش شد، یک مرتبه زلزله آمد که ما به عنوان رئیس مجلس آنجا رفتیم. دیدند نه دیگر نمی‌توانیم اوراق را پس بگیریم. آمدیم جلسه ای برقرار کردیم که این جلسه بلندگو نداشت، آواز هم نداشت، خیلی به قول خودمان جلسهٔ ماتم بود که برگزار کردیم. اما آن همه حوادث پیش آمد و این قدر این قبیل قضایا را دنبال کردند که ماجرای مهدی کروبی و حسین فرزندش خودش یک داستانی است که من اگر این را بگویم، خائفم که طول بکشد. یا با روش‌های عوام فریبانه خانهٔ افراد را متر می کنند، در حالی که با این روش‌ها نیمی از ملت ایران هم در معرض اتهام قرار می گیرند. من از ده سال قبل از پیدایش حکومت جمهوری اسلامی ساکن شمیران بوده و هستم. من سال ۵۰ آمدم خیابان حکمت، مسجد صاحب الامر مرحوم آقای طالقانی به وسیلهٔ آقای محمدی خواه آنجا من را معرفی کردند و خودشان آمدند پشت سر من نماز خواندند و یک مجموعه بچه های بسیار خوب و انقلابی آنجا بودند که یکی

از کانون‌های انقلاب بود که من چند سال هم زندان بودم. همه هم به خوبی می‌دانند و از آن اول عمر زندگیمان تا به حال ما یک خانه داشتیم. خانه مان هم از شانزده هزار تومانی شروع شده و همین طور شروع شده و همین طور آمده بالا و بالا. اتفاقاً به خاطر انتخابات این بار نصفش را فروختیم. سه دانگ داریم و داریم می سازیم و الآن هم مستأجر هستم. مشخص هم هست که در یک ساختمان مستأجر هستم که الآن به من می گویند شما امنیت اصلاً درست نیست. اینجا اینها را من عرض کردم و این آمار را می‌دهم که قبلاً که من رئیس مجلس بودم، بارها اموالمان را هم اعلام کردیم و گفتیم یک نیمه خانه الآن چیزی نداریم. من همین اندازه به خدمت شما عرض کنم که لازم است؛ چون اگر من نگویم حق همسرم تضییع می‌شود. حتی همسرم از اموال خودش رفته یک ساختمان کوچک خریده، کم‌کم بزرگش کرده، مقابل ساختمان شهید شیرودی، وقفش هم کرده. این هم وقف‌نامه‌اش که اینجا هست. می گوید: من اصلاً نمی‌خواهم برای فرزندانم چیزی بماند. می‌خواهم این را هم وقف امام حسین و ایتام بکنم. چون پدرش ـ ببخشید این را می گویم ـ روحیهٔ کاسبی داشت، خدا رحمتش کند. باز رفته از ستاد اجرایی زمینی خریده، پولش را هم کامل داده و ساخته. الآن هم آن را به دانشگاه آزاد اجاره داده و این را دیگر وقف نکرده. آن وقفش هست و اینجا موجود است و آن هم حتی مشخص و معین است که پول را تعیین کرده برای چه کاری.

مجری: بله، خیلی متشکرم.

کروبی: این را لازم است که آدم انجام «بدهد»، اما باز متأسفانه یک سری کارها می‌شود دیگر حالا.

مجری: خیلی متشکر، آقای کروبی.

کروبی: اجازه بدهید نکتهٔ دیگری دارم. اگر ۱۰ دقیقه شد، حاضرم زیاد شود. باز کم می گذارم. اخیراً در کیهان نوشته بود، قضیهٔ طبقهٔ ۱۱ بنیاد شهید را می‌گوییم که برخی هم آمده‌اند آن را تکرار کرده‌اند. این در حالی است که در بنیاد شهید هم مانند برخی سازمان‌های دولتی و به خاطر حرمت ویژهٔ خانواده شهدا یک شعبهٔ قضایی وجود داشت، چنانکه در بعضی از سازمان‌های حکومتی هم شبعاتی ویژهٔ قضایی وجود دارد. من هم

به خاطر اینکه شدیداً مخالف تعدد زوجات بودم اجازه نمی‌دهم کسانی با همسر شهدا به عنوان زن دوم ازدواج کنند، آن هم بیشتر دنبال ازدواج موقت بودند که در خود دولت هم دو جریان هست و احکام هم از امام اجازه گرفتم. برای امام توضیح دادم. ما مواظب دو قضیه بودیم. این را توضیح بدهم این فرزندان عزیز بدانند. وقتی جنگ شروع شد، دو حادثهٔ حاد برای ما پیش آمد، یک حادثه اینکه پدران شهدا می‌آمدند بچه های کوچک را از همسرها بگیرند، به خصوص همسرانی که خلبان و اینها بودند و حقوق خوب داشتند. می گفتند اینها فردا ازدواج می کنند، بچه ها را باید بدهند به ما. اینها همه نام هایشان هست. شهید فکوری رفت خدمت امام، گفت اگر اینها این جوری باشد، بچه های ما اوضاع ما به هم می خورد. اصلاً بعد از اینکه شهید شدند، درگیری «پیش می آید» یکی هم واقعش این است که بعضی‌ها دنبال سوء استفاده از پول اینها بودند. اصلاً امام حکم داد که آقای آیت‌الله صانعی، آیت‌الله اردبیلی، آقای موسوی خوئینی ها، همهٔ اینها توی جریان هستند، منتها قاضی آنجا تعیین شود برای رسیدگی. کل کار ما رسیدگی بود که می آیند حتی حرمت خانواده‌های شهدا را می شکنند که ما ناچار شویم و ناچار بودیم برای اینکه اموال بچه از بین نرود، آدم‌ها سوء استفاده نکنند. یکی هم جلوی پدرها را می‌گرفتیم. زندانی هم نداشتیم. چرا شد؟ پدر بچه را مخفی کرده بود، نمی‌داد. ما هم با حکم قضایی نگه داشتیم که یکی از زحمات بسیار سخت و دشواری بود که ما شرحش مفصل است.

مجری: خیلی متشکرم. نمیرسم. حالا اگر رسیدم «می گویم».

مجری: بله.

کروبی: در واقع عرض می‌کنم. اجازه بدهید، عذرخواهی می‌کنم.

مجری: خواهش می‌کنم.

کروبی: باز من هیچ اشاره به کسی نمی‌کنم. دو تا مطلب دیگر هم بود که اینها را همین‌طور می‌گویم. یکی هم فرمودند که ۲۰ میلیارد تومان برای پیامک ها شما دادید. اصلاً بچه‌هایمان امروز رفتند، می‌گویند ۷ میلیون تومان ما تا به حال بابت پیامک ها داده‌ایم و این کجاست، چه جوری است که طبعاً داریم تعقیب می‌کنیم. میرویم

می‌بینیم. یکی هم باز جناب آقای احمدی‌نژاد، چون قابل مذمتی نیست، تا چه باشد. دیشب شما دیدید چقدر ایشان مانور داد که روزنامهٔ شما آمده علیه ما «مطالبی نوشته». من هم چیزها را اخلاقاً و واقعاً خیلی مواظبم. حالا امروز که بررسی کردیم، روزنامه اعتماد بوده، یعنی این برادر بزرگوار، رئیس جمهور، که این قدر از کارشناسی ارشد دم زد، بین روزنامهٔ اعتماد و اعتماد ملی فرقی نگذاشته که در اینجا هم توجه کنید عکس خانم رهنورد هست، عکس خانم من هم هست، عکس ایشان هم هست. من خدا شاهد است نمی‌دانم این مطلب هم مال روزنامهٔ اعتماد است که جناب آقای حضرتی مسئولش هست. هیچ هم خوب و بدش را هم من نمی‌دانم. یعنی این هم قضیه‌ای که دیشب گفتم. این دیگر من واقعاً این قدر دقت کردم.

مجری: متشکرم، خواهش می‌کنم. شما ۱۴ دقیقه حدوداً صحبت کردید.

کروبی: خیلی خب، اشکال ندارد. من در بخش‌های دیگر مراقب هستم. ۱۴ دقیقه شد.

مجری: آقای موسوی، مایل هستید سؤالی را که من از آقای کروبی کردم، پاسخ بدهید؟ تفاوت ها، انگیزه ها.

موسوی: من اتفاقاً می‌خواهم در مورد یکی از انگیزه ها صحبت کنم. البته ما مسائل زیادی داریم. من در جریانات انتخابات و تبلیغاتی که شده بیان کردم در مورد مسائل خارجی داریم، داخلی داریم، مسئلهٔ قانون گریزی دولت داریم، مسائل اقتصاد ملی مان را داریم که در جاهایی واقعاً خسارت های جبران ناپذیری به کشور وارد شده، مسائل فرهنگی داریم، بستگی فضای اجتماعی داریم. منتها اینجا با توجه به صحبت‌های شده، من فقط راجع به دوتا شاخص که راجع به آنها ادعای شده، می‌خواهم مطالبی بیان کنم و این مسئله هم برگشت پیدا می کند به اینکه چقدر مردم ما متوجه شوند، ملت عزیز ما متوجه شوند که آمار غلط می‌دهند و چگونه آمار را عوض می کنند و اگر آمار غلط باشد، طبیعی است که براساس آن هم نتیجه گیری غلط می‌شود و هم امکان نقد نظام از بین میرود و هم نمی شود قدمی به پیش گذاشت و برنامه ریزی کرد و مهم‌تر از آن این است که ما باید گمان سوءنیت هم در دگرگون کردن این آمار بدهیم، مخصوصاً اگر تکرار شود و نمونه‌های روشنی را ما

بیان کنیم. من یک دو ـ سه تا فقط از این مطالب را آوردم. نزدیک ۲۰ شاخص هست. سریع به آنها نمی‌رسم. یکی ـ دو تا را که مردم خیلی با گوشت و پوست خودشان لمس می کنند من عرض می‌کنم خدمت مردم، خودشان قضاوت کنند. بحث شده در صحبت‌های قبلی که نرخ تورم ۱۵ درصد است. بنده یک جدولی نشان می‌دهم که بنده این را از آمار بانک مرکزی گرفتم و انتظار دارم که دوستان عزیز ما این را در جلوی مردم نشان بدهند که نشان می‌دهد که سال اول این آمار به چه نحو بوده و چگونه تصاعد پیدا کرده و به رسیده ۲۵/۴ درصد رسیده. ادعا شده که این ۱۴ درصد یا ۱۵ درصد که من اتفاقاً همین را یک کمی پیش بردم و یک مقدار چیزهایی آوردم، اسناد و مدارکی آوردم که اینجا نشان بدهم. یکی از مواردی که من می‌توانم نشان بدهم که مردم به حساسیت این قضیه پی ببرند که چگونه می‌شود که یک امر بسیار روشن و بسیار حساس در اقتصاد ملی ما را این چنین آدم قلب کند و یا آدم بیم حتی دروغ آگاهانه از آن را داشته باشد که اگر این اسناد را ببینیم، جز این آدم نمی‌تواند فکری بکند. این یک جزوه‌ای است ـ باز هم انتظار دارم دوست عزیز ما این را توی به اصطلاح تلویزیون بیاورد. جزوه‌ای است مال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی که مهم‌ترین سازمانی است که تولید آمار می کند، دررابطه با شاخص بهای کالاها. اینجا همین طوری که می آید در مورد اسفند ۱۳۸۷، من همان صفحهٔ آن را که باز می‌کنیم، خواهیم دید که در اینجا در یک جایی که بنده با علامت سبز نشان دادم که ان شاء الله ارتباطی با موج سبزی که در کشور هست، ندهند که گرچه بدهند، باید به فال نیک گرفت. اینجا نوشته شده که متوسط سال ۱۳۸۷ نسبت به متوسط سال ۱۳۸۶، ۲۵/۴- دهم درصد است. آیا می‌شود گفت که به اصطلاح مسئولین نظام ما این را ندیدند؟ آیا می‌شود گفت که این سند رسمی دروغ است یا باید یک فکرهای دیگری ما داشته باشیم که به اصطلاح با یک مقاصد خاصی این رقم این جوری صراحتاً در جلوی ده‌ها میلیون ایرانی به این شکل بیان شده و آنها را به بیراهه می‌برد. خُب، ما سؤال‌های زیادی در این ارتباطات داریم که بنده باز یک موردش را در رابطه با همین تورم پیش می‌برم. یک کمی این را باز می‌کنم. میروم به یک شاخص دیگری که همین اندازه برای

مردم بیّن خواهد بود که چقدر در اینجا انحرافی صورت گرفته. خُب، ببینید، تورم یا گرانی مسئله‌ای نیست که فقط توی آمار گفته شود، مردم با پوست و گوشت خودشان احساس می‌کنند. بنده عنوان کردم که ۲۵ درصد تورم یعنی کوچک شدن سفره‌های مردم. ۲۵ درصد تورم یعنی پایین آمدن امنیت. ۲۵ درصد تورم یعنی پایین آمدن سلامت، پایین آمدن آموزش، اعتیاد، بداخلاقی، دورنمای تیره برای جوان‌های ما. خُب، اینها چیزهایی است که مردم ما، مخصوصاً قشرهای مستعضف جامعهٔ ما باید گواهی بدهند که وضعشان دارد خیلی خوب می‌شود، تورم دارد پایین میرود یا نه. آنچه در دست من است، ده‌ها قلم کالای اساسی است که باز هم همین بانک مرکزی در آورده. به‌طور مثال می‌گوید: قیمت ماست پاستوریزه در سال ۸۳، ۵۳۸ تومان، امروز ۹۹۴ تومان یا نخود ۷۱۰ تومان، الآن ۱۵۶۶ تومان، یا پیاز ۲۰۰ تومان درسال۸۳، الآن ۴۱۳ تومان. البته اینها میانگین قیمتهاست، یعنی از یک جاهای مختلفی این آمار گرفته می‌شود. یا گوشت گوسفند تازهٔ بااستخوان که همهٔ مردم می‌دانند این قضیه را، ۴۸۹۹ تومان الآن ۹۲۹۳ تومان ـ که من میدانم بالاتر از اینهاست، یعنی گوشت، خُب اصلاً به این قیمتها «گیر» نمی‌آید. همین جور تا حدود ۲۵ تا رقم آمده که یکی از مهم‌ترینشان مسئلهٔ مسکن است. مردم باید خودشان حس کنند که آیا چهار سال پیش وضعیت مسکن، اجاره، چه جور بود، الآن چه جوری است. ما اینجا دو تا نکته داریم: یکی مسئلهٔ اقتصادی داریم. خُب، یک مسئله این است که می‌گوییم وضعیت کشور خوب نیست، اقتصاد کشور خوب نیست، بد عمل کردیم، این نتیجه را داد. ولی مهم‌تر از آن این است که ما بیاییم به مردم بگوییم که اصلاً شما مسئله ندارید، اصلاً تورم نداریم، وضعیت شما خیلی خوب است، ارقام را ما دگرگون بکنیم. گفته می‌شود که از امام صادق (ع) پرسیدند: که آیا ممکن است یک مؤمن دزدی کند؟ ایشان فرمودند: آری، ممکن است دزدی کند. گناهش بخشوده می‌شود. چند تا گناه شمرده می‌شود. پس سؤال می‌شود؛ مؤمن ممکن است دروغ بگوید؟ می‌گوید: لا والله، لا والله. این روایتی است که ما داریم. آیا ممکن است ما جلوی مردم، آن هم با این کثرت و به این فراوانی، ما یک چیز بیّن روشنی را که سند داریم و مدرک داریم و غیرممکن است هیچ به‌اصطلاح از آنها

تخطی بکنیم. من برای اینکه سریع بروم به آن یکی، چون خیلی توضیح دارد، اثرات تورم، اینها را در اقتصاد ملی خودمان شرح نمی‌دهم. فقط این را می‌خواهم بگویم که مردم عزیز ما بدانند که هیچ دولتی در جهان نیست که یکی از اولویت‌هایش مبارزه با گرانی نباشد، به دلیل آثار و عواقب بسیار وخیمی که برای اقتصاد ملی ما و زندگی مردم دارد. من دو تا گراف دیگر نشان می‌دهم که یکی گرافی است که اینجا نشان داده شد و آن شکلی که ما دیدیم، در جلوی مردم گفته شد، در مورد منحنی جینی. منحنی جینی به این معناست که هرچقدر این رقم پایین‌تر بیاید، نشان می‌دهد که شکاف طبقاتی کمتر شده و اگر بیشتر شود، نشان می‌دهد که وضع بدتر شد. یکی از مهم‌ترین گراف‌هاست که دولت‌ها حساس‌اند که مبادا قشرهای پایین دستشان، ثروتشان، دارایی شان، امکاناتشان کم شود که معنایش ناامنی است، دزدی است، فساد است، اعتیاد است، فقر است، و اینها. خُب، این چیزی است که داده شد که یک گرافی هست که در سال ۸۴ تا به حال سی سه هزار، به اصطلاح سه دهم «را نشان می‌دهد». حالا این چیزی که این نوشته ۳۹۹۶ به اصطلاح ده هزارم چیزه شاخص ماست، تا میرسد به ۳۸، چیزی که با این انحنا نشان داده شده، این را دادند دوستان کارشناس هم رقم‌ها را مطابق آماری که وجود دارد، تعیین کردند و درست کردند و هم گراف‌ها را براساس آمار بالا و پایین کردند. چیزی که به‌دست آمده و واقعی است، این است. شما مردم عزیز، این دوتا را با هم مقایسه کنید. اصلاً هیچ ارتباطی با هم دارد این مسئله یا ندارد؟ ما چرا باید به مردم دروغ بگوییم؟ باز چون به نام مذهب این دروغ گفته می‌شود، باز من یک روایت دیگری می‌گویم. من یک روایتی خواندم در سیرهٔ حضرت رسول (ص) که می فرماید که حکومت نباید به مردم ظلم بکنه نباید به مردم دروغ بگوید، نباید به وعده‌ای که داد، وفا نکند.

خُب، ما یکی از مواردی که حکومت به آن طریق با مردم صحبت می کند و امکان‌پذیر می کند که در مقابل مردم پاسخگو باشد، به آن ترتیب هم در دنیای مدرن کمک می کند که وضعیت کشور به سمت صلاح و پیشرفت برود، همین مسئلهٔ آمار است. وقتی ما در همین مسئله اخلال بکنیم، در همین مسئله دگرگونی بکنیم، گراف‌ها را بالا و پایین ببریم، بعد

بیاییم در جلسه‌ای در جلوی مردم در شب انتخابات این را جلوی مردم بگیریم و بخواهیم یک نتیجه‌ای علیه رقبای خود بگیریم، واقعاً در این کشور روی چه باید ایستاد. نقادی که می‌خواهد براساس آن نقد کند یا آن مردمی که می‌خواهند تصمیم بگیرند، بنده گفتم ده‌ها شاخص شبیه به این الآن توی جزوه‌ام هست. می‌توانم بیان کنم. آخری‌اش که می‌آمدم، یک نفر به دست من داد، گفتند که ۱۷ میلیون تن تولید فولاد ماست. بعد معلوم می‌شود که نه اولاً که بحث ظرفیت است و تولید که باهم فرق دارد. آن ظرفیتی که ما داریم، ۱۳ میلیون تن است. مقدار تولیدی که ما داریم حدود ۱۱ میلیون تن است. خُب، چرا به مردم دورغ می‌گویید؟ چرا به مردم اطلاعات غلط می‌دهید؟ آیا این به نفع کشور است؟ آیا برای دو روز روی یک پستی ماندن، در یک مقامی قرار گرفتن و یکی را اصلاً از میدان به درکردن درست هست که به مردم...

مجری: آقای موسوی، ده دقیقه تمام است.

موسوی: الآن یک دو- سه جمله، چشم، ما عبور بکنیم. من شبیه این را در مورد شاخص‌های بسیار حساس اینجا به اصطلاح دوستانمان تهیه کردند و گفتم، تهیه کردند و آوردند که اگر فرصت شود، خواهم گفت. از جمله رتبهٔ ایران در شاخص فساد است که باز هم مغلطه شده. نرخ بیکاری است که در آن مغلطه شده. رشد سرمایه‌گذاری است، مغلطه شده. صادرات نفت و گاز است، مغلطه شده. حضرات برگشتند. حضرات برگشت به چیز عجیبی می‌کنند که مردم بد نیست که به تجربهٔ خودشان برگردند، نگاه کنند. می‌گویند که این نزدیک ۳۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی از مقدار درآمدی که دولت در زمان جنگ داشته که دو سالش حدود هفت یا هفت و نیم میلیارد دلار بوده، آن موقع ما هفت و نیم میلیارد دلار قدرت خریدش خیلی بیشتر از این بوده. البته نه شرایط جنگ را در نظر می‌گیرند، نه هزینه‌های آن موقع را درنظر می‌گیرند. من نمی‌دانم با چه معیاری، با چه به اصطلاح محاسبه‌ای چنین چیزهایی می‌گویند و فکر می‌کنم که این یکی از مشکلات همهٔ ماست که در مقابل یک پدیدهٔ واقعاً شگفت‌آوری قرار داریم که می‌تواند به دوربین نگاه کند، به شما مردم نگاه کند، یک سفیدی را بگوید سیاه و اصلاً تعجب هم نکند و خیلی هم با قدرت این

را بگوید ۱۰۰۰ را بگوید: ۲۰۰۰، ۲×۲ را بگوید: نه، ۴ نمی شود، می‌شود ۱۰. خیلی آن قدر با اطمینان خاطر این حرف‌ها گفته می‌شود که می‌تواند جامعه را تحت تأثیر قرار بدهد. بنده یک جمله ای را بگویم. از وقتم گرفته شود. من دلیلی که این مسئله را می گویم و نمی گفتم، واقعاً به دلیل احساس خطری است که برای کشور می‌کنم. هیچ چیز بدتر از این نیست که حکومت به مردم دروغ بگوید و ما با این پدیده را به رو هستیم.

مجری: خیلی متشکرم. ۱۲ دقیقه و یازده ثانیه صحبت کردید. آقای کروبی، در خدمت هستیم. ادامهٔ بحث قبل را یا سؤال من را پاسخ می فرمایند؟

کروبی: نخیر، بحث جناب عالی را جواب می‌دهم. حالا برنامه‌هایم را می‌گویم. در قسمت دوم من برنامه‌هایم را می گویم. اولین مطلب همین است که آقای مهندس هم اشاره کردند و من دیگر وارد این بحث‌ها نمی شوم. من واقعاً یک احساس خطری برای کشور کردم. هم حالا این احساس خطر کردم، هم چهار سال پیش احساس کردم. منتها خطر روزبه‌روز تشدید شد. یعنی احساس کردم یک انقلابی به این عظمت، با این تمدن و با این ملت بزرگ انجام شده، ولی حوادث تلخی دارد پیش می آید. لذا طبعاً اشاره می‌کنم، وقتی چهار سال پیش سرنوشت انتخابات ـ این را در قسمت آخر می گویم ـ بدان صورت شد، از میدان بیرون نرفتم. منتها همهٔ تلاش هایم را کردم که سرنوشت انتخابات این نشود که شرح و ماجرای طولانی دارد. چون پیش‌بینی ام بود که کار دارد خراب می‌شود. نمی‌دانستم که چه از تویش درمی آید. اما می‌دانستم آن شیوه ای که شروع شده که خود آقای مهندس بعضی جلساتش بودن و حضور داشتند، تلاش کردم، اتمام حجت ها را کردم، همهٔ کارها را انجام دادم. وقتی نشد، وارد یک صحنه شدم و بدان صورت هم انتخاب پایان یافت و آخر عرایضم را عرض می کنم. این دفعه دیگر کاملاً با برنامه آمدم. اصلاً رفتم حزب تشکیل دادم. برنامه ریختم. کار تشکیلاتی کردم. چهار سال من زحمت کشیدم. واقعاً فکر کردم یا خودم می آیم یا یک حزبی می آید و ما جز کار حزبی راه دیگر نداریم. این طوری نتیجه ندارد. لذا من وارد این ماجرا شدم. و خدمت شما که عرض کنم، از مدتی پیش اعلام کردم. اولین نفر هم هستم که اعلام کردم. به هیچ کس هم این دفعه نرفتم پیشنهاد

کنم که شما بیا. گفتم هرکس هم بیاید، مقدمش را گرامی می‌دارم. اصلاً می‌خواستم کار خوبی کنم. برخلاف دفعات قبل که میرفتم اصرار می‌کردم ـ که حالا بعد عرض می‌کنم ـ این دفعه، نه این دفعه، حتی یک شب با ما آقای مهندس موسوی در یک عروسی بودیم، عروسی دختر آقای صدر بود، بعضی برگشتند به آقای مهندس موسوی گفتند: شما بنا دارید بیایید یا نه ایشان یا می گفت آره یا نه. من اصلاً سکوت کردم؛ چون اصلاً بنا نداشتم دیگر دنبال کسی باشم. بنا داشتیم که اصلاً کار حزبی و تشکیلاتی انجام بدهم. لذا آمدم. جمعی هم همین طور بود. وارد این بحث شدم. شش تا بیانیه تا به حال من دارم که بیانیهٔ من این است. اول همان احیاء سازمان مدیریت و برنامه ریزی و شورای پول که توضیحاتی قبلاً دادیم. ایشان هم اشاره فرموده، دیگران هم اشاره کردند، اصلاً مغز کشور رفته. یعنی مگر می‌شود مدیریت و برنامه ریزی توی کشور نباشد. خُب، این نباشد، یعنی هیچ، یعنی زمان قاجار. زمانی مثلاً یک جوانی آمد قم، به من آمد گفت که شما چه آدم خوبی هستید، به آن سلسله اهانت کردید. گفتم عذرخواهی می‌کنم، شما درست می‌گویید کی و کجا حساب اینجوری بوده که همین جوری اولین بیانیهٔ شوراها پذیرفته همه‌اش و لذا گفته ام فوراً احیاء بکنید، نواقصش را هم برطرف می‌کنیم. بیانیهٔ دوم را دادم. سهام بود، سهام نفت. آقایان گفتند نفت مال ملت است دو قسمتش می‌کنم یک قسمتی صادرات آن است. الآن در اختیار دولت باشد، برای دولت و برای کار زیربنایی. و یک قسمتش برای مصرف داخلی، نه گداپروری. پول حق خود ملت است. پولشان را به آنها می‌دهیم. در واقع آن تشکیلات که به وجود می‌آوریم، مردم دو نوع برخورد می کنند، یا می آیند ماهانه شان را می گیرند، سه ماه یک مرتبه به آنها داده می‌شود. آن که نیاز دارد یا نمی‌خواهد، سرمایه‌گذاری می‌کنیم برایشان. پول خودشان را توزیع می‌کنیم. حد اعلای احتیاط را هم کردم به دوستان خوبم گفتم حد اعلای احتیاط را بگویید که مطمئناً بتوانم انجام بدهم. لذا همین الآن محاسبه ای که کردند آقایان محترم، یک گروه اقتصادی که من آنها را قبول دارم و خودشان هم مدت‌ها روی آن کار کردند. من هم توی این قضیه بودم که نمی‌خواهم اسم کسی را ببرم. گفتم همین الآن هم بیشتر حسابش کرد، نفت هم بیشتر می‌شود. همان حد احتیاط را گرفتیم.

با این هم گفتیم به مردم می‌دهیم. حالا هرکس خواست، می‌گیرد هرکس خواست، نمی‌گیرد. برای او سرمایه‌گذاری می‌شود. کار می‌شود که سهام دارد، مال خودش است. دیگر پول همین طور در اختیار دولت نیست که کرکری برای مردم بخواند و هرجور هم خواست، عمل کند. همچین که پول نفت زیاد شود، می بینید چه اوضاعی در کشورمان است. باید دولت وام بگیرد از مردم. باشد، مالیات را ازشان بگیرد و آن شرحی که دادیم که اگر بخواهیم وارد شویم با آن وقتی که حضرت عالی... اعلامیهٔ سوم. آمدند بیانیه دادند راجع به حقوق شهروندی. ببینید، ما انقلاب کردیم. در این کشور اقوام مختلف هست. در این کشور مذاهب مختلف هست. من می‌بینیم که این سال‌ها چه بلایی بر سر این ملت بالاخره به‌واسطهٔ یک جمعی خودسر به‌وجود آمده. آقا درویش است. دراویش را برای چه می‌روید حسینیه شان را خراب می کنید؟ مسلمان که هست. مسلمان هم که نباشد، شیعه هم که هست. حالا شیعه هم نباشد، شهروند این کشور است. میرود آنجا ذکر می گوید. آن هم چه خانواه‌هایی، چه شخصیت هایی، چه محترم دارد. تنها، آقا حسینیه امنیت ندارد. باید حسینیه اش خراب شود و ما داد وبیداد راه بیندازیم. امروز بروجرد، فردا اصفهان، پس‌فردا کرج، روز دیگر به قم. لذا به‌تناسب هم نامه نوشتم. می‌دانستم هم باید هزینه بپردازند. از قم به مراجع نوشتم. از بروجرد به وزیر کشور نوشتم. از همهٔ ملت، از حقوق‌شان دفاع می‌کنم، سنی، شیعه، مسیحی، کلیمی. من ارتباطم الآن با مسیحی ها، با یهودی‌ها با زرتشتی ها در کشور ـ آن وقت هایی هم که رئیس بودم، با همه منظم و مرتب «ارتباط» داشتم. دگراندیشانی بودند. خط من مشخص است. عالمانه هم همیشه گفتم که من در چارچوب جمهوری اسلامی، امام آنهایی که تدوین کنندهٔ قانون اساسی بودند، نه این نظرتنگ ها، بارها هم گفتم، بارها هم خدا پدرشان را بیامرزد. این گروه که یا از من سؤال می‌کردند. گفتم نه، من قانون اساسی می‌گویم، اما قانون اساسی شما یا فلانی می‌گوید. انصافاً رفتند هم نقدها را نوشتند هم این را نوشتند. می گفتم نه با دیدگاه شما. از این جهت هم خوشم می‌آمد. رفتم چهار شب آنها مصاحبه کردم. می‌خواهم بگویم که یعنی آمده‌ام برای حقوق مردم دفاع کنم. لذا از زندانی سیاسی دفاع کردم. به شما که عرض

کنم، از عدم صلاحیت ها دفاع کردم. از مطبوعات دفاع کردم. از کل حوادثی که این چند سال برای این ملت پیش آمده، به شدت دفاع کردم. گفتم یعنی چه این همه عدم صلاحیت بیست سال توی مجلس بود، بعد ردش می کنند. بنابراین، از حقوق این ملت دفاع کردم. مرزهایم مشخص و معین است که در چه خطی هستم. خوب ما متأسفانه آدم هایی داریم که اینچنین نیستند. خلاصه می آیند دسته بندی می کنند. یعنی وقتی که آقای دکتر سروش حرفی می‌زند که آنها خوششان می آید خیلی آقای دکتر سروش بزرگی است، اما وقتی دکتر سروش می آید من را تأیید می کند، یک کمونیست را وادار می کنند، به او بد بگوید و اهانت کند. اصلاً من این چیزها را قبول ندارم. این را می گویند تضارب افکار که به دکتر سروش سلیقهٔ من معلوم است، دیدگاه من معلوم است. از حقوق خانم ها به شدت دفاع می کنم. می گویم خانم ها باید حضور داشته باشند. خیلی هم فعال و خوب است. الآن هم اعلام می‌کنم. فردا تبریز هم می‌خواهم بروم. ان شاءالله خانم اعلام می‌کنم برای کابینه ام. از نیروهای مختلف استفاده می‌کنم یا این چتر انقلاب اسلامی، چتر نظام اسلامی را باز می‌کنیم. از نیروهای خوب استفاده می‌کنیم. طبیعی است که حزبی هایم اول اند. طبیعی است، آنهایی که با من کار می کنند، در اولویت اند. اما هر نیرویی که بخواهد مخلصانه برای جمهوری اسلامی کار کند و در خدمت این کشور و ملت باشد، به شما که عرض کنم، کار می‌کنم با آنها و وظیفه ام را انجام می‌دهم.

مجری: متشکرم.

کروبی: صندوق ذخیرهٔ ارزی را عرض کردم چه کار می‌کنم. خلاصه شش تا بیانیه تا حال دادم و همه را هم برای اجرا و عمل دانه دانه دنبال می‌کنم.

مجری: ان شاءالله.

کروبی: به شما که عرض کنم، عرض خواهم کرد.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای کروبی ۱۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه صحبت کردند جناب آقای موسوی ادامهٔ بحث را دارید یا تفاوت ها و درحقیقت مناظره با آقای کروبی.

کروبی: من چقدر صحبت کردم؟

مجری: حدود ۲۵ دقیقه.

کروبی: چقدر ساعت با سرعت می گذرد.

مجری: خاصیت ساعت همین است.

کروبی: آره. ما به قول آقای مهندس فکر می‌کنیم که دنیا چقدر ارزش دارد.

مجری: بله، بله.

کروبی: و چه کارهایی برایش می‌کنیم.

موسوی: صحبت‌های خوبی بود. من توی بخش بعدی ایشان برنامه‌ها را توضیح خواهم داد یک مقدار مسائلی که حاج آقا فرمودند هم بنده برنامه‌هایم را اعلام خواهم کرد. البته بخش عمده‌ای از آن ما به هم خیلی نزدیک هستیم.

مجری: آنجاهایی که خیلی نزدیک نیستید، آقای مهندس، اگر امکان دارد.

موسوی: عیب ندارد آنجا را هم یک کمی باز می‌کنیم و اشاره می‌کنیم دیگر بحث طلبگی است و آن چیزی که من می‌خواهم از فرصت استفاده بکنم، این است که بنده در این یکی ـ دو هفتهٔ اخیر احساس کردم که یک حمله‌ای به دههٔ اول انقلاب دارد صورت می گیرد، به بهانهٔ شرکت بنده در به اصطلاح انتخابات. آن دهه اولاً که مربوط به من نیست، مربوط به حضرت امام است، مربوط به هزاران شهید و صدها هزار شهید است، متعلق به سرداران شهید و مدیران شجاع است، به امام هست. مهم‌تر از آن متعلق به همهٔ مردم و ملت ماست که با صبر انقلابی خودشان، تدبیر خودشان کشور را اداره کردند به بهترین وجه، در حالی که پنج استان ما در زیر بمباران بود و ما مورد تهدید و محاصره بودیم و بندرهای ما را می‌زدند و به اصطلاح ترمینال های نفتی مان را بمباران می‌کردند. هرروز ما فاجعه‌ای داشتیم در سطح بین‌الملل، در داخل. بالاخره کشور اداره می شد، به نحوی که خود مردم ذائقه‌ای از آنجا دارند. منتها من می‌خواهم از این مسئله استفاده بکنم؛ چون یک بی‌انصاف‌هایی هم در این رابطه شده، یک اشاراتی بکنم. به این دلیل که یک کمی تذکری باشد که مبادا نگفتن اینها باعث یک انحرافاتی بشود. البته در آن دوره نهادهای انقلابی دیگری هم داشتیم که شبیه جهاد اینها خدمات بزرگی انجام می‌دادند. مردم می‌دانند که

دولت زمان جنگ طرفدار مستضعفان بود، طرفدار محرومان بود، طرفدار قشرهای پایین دست جامعه بود و آنها را ستون و رکن اصلی انقلاب می‌دانست و به آنها خدمت رسانی می‌کرد. خُب، هیچ موقع بحث نشده و آمار و اطلاعات دقیق این مسئله بیان نشده. ولی خود مردم در این زمینه بهترین قاضی هستند. ولی من می خواهم یک اشاراتی در این رابطه بگویم که در زمان جنگ که معمولاً سهم امور اجتماعی در هزینه ها پایین می آید، به دلیل هزینه های جنگی، سهم امور اجتماعی از ۱۸/۰۴ دهم درصد که در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ بود به میانگین ۳۹/۵ درصد در دوران دفاع مقدس رسید. معنای این جهت گیری این است که بی سابقه ترین سرمایه‌گذاری برای آن کسانی که حضرت امام گفت ولی نعمت ما هستند، انجام گرفت. من گمان می‌کنم که همهٔ قشرهای پایین دست جامعه ما ذائقهٔ آن فضا را دارند. این را البته به عنوان منت نمی گوییم. البته حق مردم بوده. بایستی این کار را می‌کردیم و بایستی این کار صورت می گرفت و این حس را در همهٔ اقشار ملت ما می‌دانم که هست، حسش هست. یعنی در کنار هزینه های گزاف جنگی، ما این مسئله را اهتمام می‌کردیم و ما فکر می‌کردیم این به معنای واقعی حمایت از جنگ است که با بی انصافی گفته شد که هزینه های جنگ ۱۴ و خرده‌ای درصد است که به خود آن هم یک جای دیگر خواهم پرداخت. در همان زمان جنگ ساختار شبکهٔ بهداشتی ـ درمانی کشور انجام گرفت. یکی از درخشان ترین برنامه‌ها در سراسر جهان بود و استانداردهای ما را در سطح جهان بالا برد و در مقابل به اصطلاح کنترل بیماریهای عفونی و در مورد مسائل دیگر که الآن اینجا اشاره خواهم کرد، امید به زندگی را از ۵۱ سال به حدود ۶۱ سال ما افزایش دادیم. در دوران جنگ باید این مسئله پایین می آمد. جزو افتخارات بزرگ دورانی است که بنده در خدمت مردم بودم، کاهش نرخ مرگ ومیر کودکان زیر ۵ سال که از حدود ۱۴۰ نفر در هزار به ۶۸ مورد رسید. این چیزی است که مورد تأیید به اصطلاح همهٔ سازمانهای بین‌المللی بهداشت و درمان در جهان است. کاهش نرخ مرگ ومیر کودکان زیر یک سال از یکصد مورد در هزار تولد به ۵۳ مورد تقلیل پیدا کرد. کاهش نرخ مرگ ومیر مادران که در زایمان معمولاً قدیم از بین میرفتند، از ۲۲۰ مورد به ۵۶ نفر تقلیل پیدا کرد نرخ باسوادی

از ۴۱ درصد به حدود ۶۱ درصد رسید و کاهش جمعیت زیر خط فقر از ۴۵ درصد به ۲۵ درصد رسید. مردم بیخود به آن دوره علاقه ندارند. هرچقدر هم جوسازی بشود، آن ذائقه را نمی‌شود از بین برد. هرچقدر هم تیره بخواهیم بکنیم آن دوره را، باز نمی‌توانیم اثرات آن را از بین ببریم. بنده در مقابل مردم تعهد می‌کنم که باز توجه مردم به این قشرها خواهد بود. ما اقتصاد صدقه‌ای نخواهیم داشت، بلکه اعتقاد داریم اگر پولی در اختیار دولت هست، اگر امکاناتی است، این امکانات متعلق به مردم است، حق مردم است، در بهترین شیوه، در بهترین شکل باید هزینه شود تا مردم ارتقاء پیدا کنند. ما در یاد داشته باشیم که وقتی مردم مشکل سفره‌شان را دارند، بهداشت را دارند، بسیاری مشکلات امنیتی‌شان را دارند، به‌هیچ‌وجه اینها نمی‌توانند از حقوق شهروندی مدنی خودشان، از حقوق انسانی خودشان بهره‌مند شوند. شما یک فردی را نگاه کنید که با دو-سه شیفت کار می‌کند، نمی‌تواند زندگی‌اش را به‌اصطلاح بگرداند. در خانه‌اش معتاد هست. مریضی هست. به‌اصطلاح عدم آموزش کامل هست. مشکلات با خانواده‌اش هست. مشکل اجاره هست. اینها چیزهایی است که مردم باید خودشان قضاوت بکنند که با این سیاست‌ها که ما داشتیم و این ریزش پول عظیم که به صورت انبوه در سالیان اخیر داشتیم، آیا به سمت بهبودی پیش رفته یا نه، جوسازی می‌کنند که ما حقوق‌ها را افزایش دادیم، دولت‌های بعدی ممکن است این را کاهش بدهند. به‌هیچ‌وجه؛ شما اگر چیزی را افزایش دادید، حق مردم بوده. ما اعتراضمان به شما این است که شما قوانین را چرا دیر اجرا کردید، چرا آن چیزی که دو سال پیش بایستی اجرا می‌کردید یک سال پیش اجرا می‌کردید، انداختند جلوی درست شب‌های انتخابات، روزهایی که به انتخابات نزدیک می‌شود شما این تصمیات را گرفته‌اید و تازه این کارهای شما به دلیل اینکه هیچ نوع سرمایه‌گذاری برای اشتغال مولد نمی‌کند، هیچ نوع برنامه‌های درست و اساسی که بتواند پی بگیرید، ندارید، خُب، اینها نمی‌تواند منجر به یک بهبودی کامل و درستی برای قشرهای جامعهٔ ما شود. و یک نکتهٔ دیگر من بگویم و بحثم را در این مورد تمام کنم.

مجری: آقای موسوی، عذر می‌خواهم، چون بیشتر «سخنان شما» ناظر به کاندیدای غایب

بود، این وقت برای ایشان منظور می‌شود.

موسوی: ایشان که همیشه وقت دارند، هرجا می‌خواهند استفاده می‌کنند. من توی صحبت‌هایم اسم هم از کسی نبردم. ایشان در صحبت‌های خودش عنوان کرده که چیز به‌اصطلاح صنعتی و تولیدی در زمان جنگ صفر بود. بنده می‌خواهم بگویم یکی از دروغ‌های مسلم ایشان این بود. مگر آذرآب آن موقع ساخته نشد؟ مگر طرح مبارکه نزدیک ۹۲ درصدش آن موقع ساخته نشد؟ مگر جادهٔ بافق ـ بندرعباس آن موقع ساخته نشد؟ مگر این همه کانال‌ها و سدها آنجا ساخته نشد؟ مگر برای اولین بار سیلوها در آن موقع توسط متخصصین خودمان ساخته نشد؟ ما نزدیک ۳۰۰ طرح قوی در کشور داشتیم که از مجموعهٔ بقیهٔ طرح‌های دیگر جدا کردیم و سعی کردیم درست همان که برای تانک‌ها، برای توپ‌ها، برای هواپیماها، بنزین هواپیما، ارز می‌دادیم و ریال می‌دادیم، آمدیم در خدمت همین‌پروژه‌ها هم قرار دادیم و گفتیم که نباید بودجهٔ اینها کم شود، برای اینکه وقتی جنگ تمام شود، ما به یک کشور ویرانی روبه‌رو نباشیم. حالا من بازسازی‌ها را مطرح نمی‌کنم. آیا دروغ گفتن به مردم به‌خاطر یک صندلی ریاست جمهوری این قدر اهمیت دارد که ما یک دورهٔ پرافتخار را این جوری سیاه کنیم؟ آیا ارزش این قضیه را دارد که ما به مردم این جوری صریح دروغ بگوییم؟ بنده واقعاً تعجب می‌کنم. در کشورهای دیگر بالاخره شاخص‌ها و آمارها روشن است به قدری گویاست که در این جور موارد همه اعتراض می‌کنند و همه در این زمینه صحبت می‌کنند. بنده می‌خواهم بگویم که از سازمان بازرسی کل کشور یا از هر سازمان دیگر همین جمله‌ای که ایشان گفتند که آن موقع تمام این چیزها خوابیده بوده، بیایند بررسی کنند. همین طرح‌های موقع انقلاب که توی مجلس هم مطرح بود؛ جزو افتخارات دولت بنده در اون زمینه است اینجا مطرح بکنید، ببینید که چه وضعیتی داشتیم. به هر حال اینها وضعیتی است که ما مجبور هستیم، جایی نداریم و همین جا جلوی مردم باید بگوییم و هیچ فرصتی غیر از این برای اینکه این مسائل را در آنجا به مردم انتقال بدهیم، نداریم. بنده دمی‌روز رفتم کرج. ده‌ها هزار نفر جمعیت آنجا جمع شده بودند. بعد آمدند بلندگو را قطع کردند. چند تا چیز در وسط جمعیت منفجر کردند.

آمدند چند تا سنگ هم نمی‌دانم با فلاخن یا چیزی دیگر پرتاب کردند، شیشه های اتوبوس را شکستند. آیا این وضعیت خوبی برای انتخابات است؟ اگر این چنین است واقعاً این حضرات ادامه بدهند، بینیم به کجا می‌رسیم.

مجری: خیلی متشکرم. ۹ دقیقه و ۱۲ ثانیه آقای موسوی صحبت کردند. آقای کروبی.

کروبی: من دقیقاً چقدر صحبت کردم؟

مجری: ۲۴ دقیقه و نیم.

کروبی: ۲۴ دقیقه. بخش دیگری که من می‌خواهم صحبت کنم، راجع به اصلاح قانون اساسی است. من عرض کردم که من وقتی آمدم وارد صحنه شدم، در یک موارد باید برویم برای اصلاح قانون اساسی. منتها مثال‌هایی زدم. مثال زدم، مثل شوراها. یعنی ما باید کاری بکنیم که شوراها بتوانند یک حالت پارلمانی داشته باشند تا بتوانند اختیارات بهتری داشته باشند و باید کارهایشان را بتوانند انجام بدهند. البته بارها اعلام هم کردم که این پیشنهاد من است. پذیرفته شدنش طریقی دیگر دارد و بحثش جداست. و یا اینکه خدمت شما که نظارت استصوابی بالاخره نظارت شورای نگهبان دارد. من هم اتفاقاً نظارت شورای نگهبان را قبول دارم و باید هم ناظر باشد. اگر هم ناظر نباشد، دولت‌ها می آیند مجلس فرمایشی درست می کنند. اما حدودش باید مشخص باشد این باید توضیح داده شود، برای اینکه سلیقه ای نشود که هروقت هرطور دلشان خواست عمل کنند. والا بنده هم طرف دار اصل نهاد شورای نگهبانم، هم نظارت باید باشد. یا مثلاً مواردی دیگر در رابطه با ریاست جمهوری. چون برای چندمین بار تکرار می‌کنم، قانون اساسی دو بخش دارد. یک بخش آن قابل تغییر نیست، جمهوری اسلامی، حکومت دینی که مجتهد جامع الشرایطی در رأسش باشد. این برای بنده اصل است. اما اینکه دخالت در هر کاری بشود، هر کاری را به‌هم بزنند، هر گروه خواستند هر کاری بکنند، اینها باید مشخص و معین بشود، در قانون اساسی حدود اختیارات کارها باید مشخص شود که بتوانیم مواردی، «مثل» همین اصل ۴۴ که بدین صورت حالا عمل شده ـ حالا عمل شود، نشود، چقدر شده، چقدر می‌شود، من نمی‌دانم. ما در یک شرایطی قانونی اساسی را تصویب کردیم که این فضای

خاصی بوده. در آن فضای خاص ده سال بعدش ایجاب کرد که یک جاهایی را اصلاح کنیم. حالا هم باید ضرورتاً اول تلاش کنیم از این ظرفیت قانون اساسی در بخش‌های مختلف خوب استفاده کنیم. در مواردی که رسیدیم، «دیدیم» مشکلی داریم، باید مطرح کنیم و اصلاح کنیم. اما عرض کردم همان‌طور که در فرانسه جمهوریتش هست، اینجا جمهوری اسلامی‌اش هست. بنابراین، بحث بعدی من در رابطه با مواردی است که اول برویم قانون اساسی را کاملاً اجرا و عملی کنیم. اصول معطل شده باید اجرا شود. اصل ۱۵ باید اصلاح شود. اصل ۱۹ باید اجرا شود، مسائل تبعیض هایی که الآن در جامعهٔ ما بین اقوام وجود دارد، باید برود. همهٔ انسان ها از نظر حقوق شهروند اول هستند و باید باشند. این دخالت‌های خودسری که افراد در حریم خصوصی مردم می کنند، به مردم متعرض می‌شوند، اینها باید جلویش گرفته شود. با مراکز قدرت آنجایی که قانوناً اختیار دارم، از قانون اساسی خوب استفاده می‌کنم. آنجایی که اختیار ندارم، تعامل می‌کنم، گفتگو می‌کنم و از اختیارات دیگران استفاده می‌کنم. در بخش‌های مختلف آنجایی که نتوانستم، صادقانه به مردم می‌گویم: آقا، مردم، من این را نتوانستم اجرا و عمل کنم. بنابراین بخش سوم عرایض من اجرای قانون اساسی است و قوانین عادی و اختیاراتی که دولت باید برای کارهایش و داشته باشد و حفظ حرمت همهٔ خطوطی که باید این جور نباشد که هرکس هرکس را خواست، بگیرد. این یعنی چه؟ حالا آقای مهندس موسوی اشاره کردند، من دیگر نمی‌خواهم بحث‌هایی بکنم. یک آمار طولانی من اینجا داشتم. دیشب اشاره نکردم در اینجا که ما چه آماری داریم از اینکه این دانشجوها هر روز محروم و دربه در می‌شوند برای تحصلیشان. حالا چقدر تحقیر می‌شوند. ممیزی ها، کتاب ها و نشریات، برخوردهایی که سلیقه ای با اینها می‌شود یک مشت نویسندهٔ باشخصیت، هنرمندها و موسیقیدان ها، اینها همه باید حقوق شان کاملاً رعایت شود تا بتوانند در یک کشور بزرگی مثل ایران باعظمت با بزرگی زندگی کنند، هرکسی به‌هرصورتی که می‌خواهد توی سرشان نزند و عرض کردم کابینه ای تشکیل می‌دهم که بر آن کابینه را هم نظارت کافی می‌کنم تا بتوانم کارم را به صورت خوبی انجام بدهم. بیمهٔ تحصیلی فرزندان را انجام می‌دهم، از دبیرستان به

بعد انجام می‌دهم و پولش را به حساب می ریزم و به حساب هایشان اعلام می‌شود. اینها همه دوستان ما بودند. بنابراین، بخش سوم عرایضم اجرای قانون اساسی و اگر عیوبی هم هست، مطرح می‌کنم که ان شاءالله اجرا و عملی شود، به همان صورتی که مثال‌هایی زدم.

مجری: متشکرم. آقای کروبی، شما حدود ۶ دقیقه صحبت فرمودید. جناب آقای موسوی، من نکته ای را عرض بکنم. شاید انتظار این است که بحث مناظره بین حاضرین در جلسه است، بین آقای موسوی و آقای کروبی. قاعدتاً باید دربارهٔ برنامه‌های همدیگر صحبت کنید. من یک تذکر قانونی که اول جلسه هم عرض کردم که صحبت از کاندیدای غایب «نشود». باز بحث به سمت نقد کاندیدای غایب هست. این حق برای ایشان به لحاظ قانونی محفوظ خواهد بود. من این را خدمتتان عرض کرده باشم. فقط تذکر قانونی است، والا دوستان آزادند در بیان هر مسئله‌ای . آقای موسوی، بفرمایید.

موسوی: ممنون. چقدر وقت دارم؟

مجری: شما ۲۱ دقیقه و ۲۳ ثانیه صحبت کردید. حدود ۲۰ دقیقه صحبت کنید.

کروبی: من چقدر صحبت کردم ؟

مجری: شما حدوداً ۳۰ دقیقه صحبت کردید.

کروبی: ۳۰ دقیقه صحبت کردم؟

مجری: نزدیک ۳۰ دقیقه. بله.

کروبی: ۳۰ دقیقه، یعنی ۱۰ دقیقه دارم.

مجری: بله.

موسوی: من قسمت سوم این مناظره را برمی‌گردانم به بعضی از بحث‌هایی که الآن جناب آقای کروبی، برادر عزیزمان، کردند که در آنجا مشترک هستیم. منتها یک بحث‌هایی قبلاً شد که گویا بنده برنامه ای ارائه نکردم. ما تقریباً از یک ماه پیش به تدریج برنامه‌هایی که بنده طراحی کردم، در بخش‌های مختلف در نشریات و سایت های مربوط به ستاد خود بنده چاپ شده. اخیراً همین کتاب به نام برنامهٔ دولت امید در آیندهٔ بهتر که من اینجا چیز می‌کنم که مجموعهٔ برنامه‌های بنده را به طور تفصیلی در آنجا دارد که من فهرست‌وار به بعضی

از موارد آن اشاره می‌کنم و به‌طور وسیع در اختیار مردم قرار خواهد گرفت و از طریق اینترنت هم مردم می‌توانند از پس فردا دانلود بکنند و همه استفاده بکنند. فصول مختلفی دارد. بعضی‌هایش انتشار یافته، بعضی‌هایش انتشار نیافته. بخشهایی از آن برمی‌گردد به رئوس برنامهٔ اقتصادی هست. برنامهٔ ارتقای رفاه اجتماعی هست. برنامهٔ سیاست داخلی هست. برنامهٔ سیاست خارجی هست. برنامهٔ حوزهٔ فرهنگ و هنر هست. برنامهٔ حوزهٔ اجتماعی هست. برنامهٔ امور جوانان هست. برنامهٔ امور زنان هست. در اینها به طور تفصیل برنامه‌هایی که برای همهٔ بخش‌ها هست که نمونه‌های کوچکش را من البته اینجا نوشتم که اشاره خواهم کرد که خیلی تفصیلی است. برنامهٔ توسعهٔ روستاها هست که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ماست. برنامهٔ تحول در نظام مدیریتی کشور هست. برنامهٔ تحول در صنعت حمل و نقل کشور هست که می‌خواهم بگویم که خیلی وسیع است. من فقط چون در یکی از مسافرت های استانی یکی از راننده ها آمد درددلی کرد. من به ایشان می‌خواهم نقل بکنم و فکر می‌کنم که هزاران راننده‌ای که پشت رُل ها هستند، این را خواهند شنید که در این برنامه توجه ویژه به نقش و جایگاه عوامل اصلی حمل و نقل، یعنی رانندگان عزیز شده، برای تأمین آیندهٔ شغلی، اجرای جامع و کامل بیمه‌های اجتماعی، توجه به دوران بازنشستگی و تأمین بخشی از هزینه های بیمه، کمک به بهداشت و مشکلات درمانی آنها، ایجاد مجتمع های رفاهی ـ فرهنگی به نام خانهٔ رانندگان. البته این یک بندی مثلاً از میان یازده بند که فقط به دلیل همان چیز عاطفی بنده اینجا بیان کردم. بقیهٔ بخش‌ها همین جور هست. برنامهٔ حفاظت از محیط زیست هست. برنامهٔ تحول در آموزش وپرورش هست که در همکاری با دوستان فرهنگی مان که جلسات متعدد داشتم که از جملهٔ آنها به اصطلاح نظام آموزش وپرورش و چیزهای دیگر هست، به اضافهٔ مسئلهٔ بودجه‌ای شان و حقوقشان و امثال اینها. در اینجا آمده: برنامهٔ تحول در آموزش عالی. ارتقای سلامت. دیگر خیلی سریع من می‌خوانم. برنامهٔ حمایت از واحدهای تولیدی در شرف ورشکستگی. یکی از مهم‌ترین مشکلات کشور ما از نظر اقتصادی الآن این است، به دلیل سیاست‌هایی که به کار گرفته شده، برنامهٔ آیندهٔ بهتر خانواده‌ها در سکونتگاه های غیررسمی. برنامهٔ حمایت

از حقوق معلولان که یک جامعهٔ میلیونی در کشور ماست و ما یک برنامهٔ کاملی برای آنها داریم و یک ضمائمی هم این دارد، برنامهٔ دولت امید برای آیندهٔ بهتر. بنده به بخشی از اینها اشارات مختصری می‌کنم که بحث‌هایی که تا الآن هم شده است، یکی کمی ارتباط پیدا می کند. یکی از آنها بحث حقوق بشر و حقوق شهروندی است که ما به‌طور وسیعی بحث کردیم. یا آن چیزهای نوی که در آن هست، ایجاد یک معاونت حقوق بشر و شهروندی در ریاست جمهوری هست که مسائل را پیگیری کند به اضافهٔ مسئلهٔ آزادی‌ها هست، NGO ها هست و مسئلهٔ اقوام هست و قومیت ها و فرهنگ های گوناگون، و اجرای اصول ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی هست که یقیناً مورد توجه قرار خواهد گرفت و بعد بحث جوانان و زنان هست که تأکید بر سیاست تک همسری است تهیه و اجرای برنامهٔ جامع رفع خشونت علیه زنان هست. اجرای قانون تأسیس صندوق بیمهٔ زنان سرپرست خانوار هست. و ده ها موردی که در خدمت خانم های عزیز بنده آنها را شرح دادم. روستاها هست که ایجاد و تقویت صندوق اشتغال و کارآفرینی روستایی برای فقرزدایی هست. بازنگری در قوانین شوراها با تأکید بر حضور نمایندگان شوراهای روستایی در شورای عالی استان‌ها هست. بعد در رابطه با معلمان، ارتقای منزلت اجتماعی و شرایط اقتصادی ـ معیشتی معلمان هست. پرهیز از امنیتی کردن فضای آموزش و پرورش هست که یکی از خواست های بزرگ معلمان بود که البته بنده کاملاً گزینشی این مسائل را مطرح می‌کنم و اگر مجالی در آخر ماند، آنها را باز می‌کنم. در بخش کارگران، گسترش پوشش بیمهٔ بازنشستگان به همهٔ شاغلان هست. گسترش پوشش بیمهٔ بازنشستگی به تمامی روستائیان و عشایر کشور، یعنی اهالی شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر هست. گسترش همگانی بیمهٔ خدمات همگانی هست. کاهش سهم پرداخت مستقیم هزینه‌ های بیمه خدمات درمانی تا مرز ۳۰ درصد هست. توجه ویژه به نقش و جایگاه عوامل اصلی حمل و نقل هست که بنده به‌تفصیل اشاره کردم. تأمین آیندهٔ شغلی هست برای راننده‌ها. اجرای جامع و کامل بیمه‌های اجتماعی هست. توجه به دوران بازنشستگی و تأمین بخشی از هزینه‌ های بیمه و کمک به بهداشت و مشکلات درمانی آنها. بعد یک واحدهایی ما داریم در شرف ورشکستگی

که اگر الآن یکی از مهم‌ترین مشکلات الآن صنعتی و اقتصادی کشور ماست و کمک به واحدهای تولیدی که در اثر سیاست‌های دولت در معرض ورشکستگی قرار گرفته اند، با بخشودگی جرایم مالیاتی و استمهال بدهی آنها به بانک ها، حذف جرایم تأخیر در پرداخت بیمهٔ تأمین اجتماعی کارگاه ها در کنار انجام تکالیف سازمان تأمین اجتماعی برای کارگران آنها. اینها یک گزیده ای از این برنامه‌ها بود. بعضی برنامه‌ها مثل مسئلهٔ کنترل تورم یا مسئلهٔ نوع برخورد با صنعت نفت یا مسئلهٔ دولت الکترونیکی و امثال اینها به‌طور تفصیلی در این برنامه بحث شده. یا برنامهٔ بهبود محیط کسب وکار برای فعال کردن بخش خصوصی جز و مهم‌ترین برنامه‌های دولت هست که نهادی هم پیشنهاد می‌شود برای سیال سازی و روان سازی اقتصاد کشور ما. دهها شاخص که در این زمینه سازمان یافته باید کار شود و در یک شرایط روشن و سریع و در یک زمانی به اصطلاح کاملاً پیش‌بینی شده ما به یک نتایج ملموسی بتوانیم برسیم و ردیف خودمان را که در سالیان اخیر، مثلاً در چهار سال گذشته، به شکل وخیمی در سطح جهان پایین آمده، آن را ارتقاء ببخشیم و وضعیت بهتری را برای کشور ان شاء الله ایجاد کنیم. برای همین بنده یک برنامهٔ کامل در بخش‌های مختلف برای ادارهٔ کشور دارم که ان شاءالله به تدریج بعضیش در خدمت مردم و در اختیار مردم قرار گرفته، کتابش هم از فردا ـ پس فردا به طور وسیع در سطح کشور در اختیار همهٔ علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

مجری: آقای مهندس، یک جمله ای دارید: صنعت نفت موتور محرک.

موسوی: بله، آن را من توضیح می‌دهم.

مجری: در این ارتباط با طرح آقای کروبی این را چه جوری ارزیابی می کنید.

موسوی: این دوتا با همدیگر تفاوت دارد. ما اعتقاد داریم که صنعت نفت از موقعی که در کشور پایه گذاری شده به صورت یک جزیره ای بوده که هیچ نوع ارتباطی با بقیهٔ بخشهای صنعتی کشور ما پیدا نشده، درحالی که ما ده‌ها میلیارد دلار در این زمینه سرمایه‌گذاری کردیم. این ده‌ها میلیارد دلار می‌توانست تمام بخش‌های صنعتی و تولیدی ما را تحت تأثیر خودش قرار بدهد. در یک جزیرهٔ کاملاً جدا از بقیهٔ صنایع کشور ما، تحولاتی در

خود صنعت نفت اتفاق افتاده که هنوز هم اتفاق دارد می‌افتد. یعنی ما بازهم نیاز به ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری داریم. ما در برنامه‌های که داریم، سعی خواهیم کرد و سعی کردیم به‌اصطلاح چیزهایی پیش‌بینی کردیم که بتوانیم این صنعت را موتور محرکه برای جنباندن و تکان دادن کل صنایع کشور خودمان قرار بدهیم. ببینید الآن در خود مثلاً آذرآب یا صنایعی که از این قبیل در کشور داریم در یک قسمت‌هایی در خدمت بعضی از کمپانی های خارجی، در بعضی از پیمانکاری های خارجی، کارهایی را برای صنعت نفت ما انجام می‌دهند، ولی عملاً صنعت نفت ما متقن و به معنای کامل تنیده در بقیهٔ صنایع ما نیست. ما در زمان جنگ یک امتحانی داشتیم برای اینکه صنایع نظامی خودمان را در مجموعهٔ صنعت کشور القاء هم کردیم و نتیجهٔ خیلی خوب گرفتم. یعنی ما گاهی می شد قطعاتی از یک توپ را مثلاً در تبریز تولید می‌کردیم، قطعات دیگرش را در اراک تولید می‌کردیم، قطعات دیگرش را در یک جای دیگر و مجموع اینها در یک جایی به‌هم میرسید و ما می‌توانستیم چیزی را تحول بدهیم و این باعث شد که ما در زمان جنگ صنایع مان زنده و پویا باقی بماند و تحولات و چیزهای پیشرفت های حتی علمی و به‌اصطلاح صنعتی هم داشته باشیم. ما صنعت نفت را به این شکل می‌توانیم به کار ببریم.

البته در صنعت نفت ما دوتا مسئله داریم، یکی تنیدن این صنعت نفت را با بقیهٔ بخش‌های اقتصادی کشور، که ما این را دنبال خواهیم کرد. مسئلهٔ بعدی در مورد خود درآمدهای نفتی است که ما اعتقاد داریم از طریق آن صندوقی که در مجمع تشخیص مصلحت طراحی شده، ما اگر این کارها را در خدمت به‌اصطلاح اشتغال دائم و مولد بتوانیم به کار بگیریم، احتمالاً اثرات تورمی کمتری خواهد داشت و ایجاد یک رشد مطمئن‌تری را خواهد کرد. این هم جزو طرحهای ماست که اگر لازم باشد، من توضیح بیشتر می‌دهم.

مجری: خیلی متشکرم. ۹ دقیقه و ۳۷ ثانیه. ببخشید. جناب آقای کروبی، بفرمایید. اگر امکان...

کروبی: بله.

مجری: بله.

کروبی: اتفاقاً شما نکتهٔ مهمی فرمودید. آقای موسوی همیشه به ما لطف داشته. ما هم همیشه به ایشان ارادت داشتیم. اما چون رقابت است، اتفاقاً این بخش آخر من همین است که می‌خواهم آن بحث را جدی کنم و نقطه‌نظراتی را که دارم، عرض کنم و آقای مهندس موسوی هم یقین دارم که می‌داند من حسن نیت دارم. من به ایشان علاقه دارم و اگر بحثی هم کردم، منظور این نیست که چیزی را زیر سؤال ببرم. ببینید، یک واقعیت است و حقیقت است که یک آقایی به‌نام امام خمینی در این کشور انقلابی کرد. این امام که ما با او آشنا بودیم، از چهل و قبل از چهل با او آشنا بودیم، کاملاً توجه داشت که همین‌طور که عمرشان را به پایان است، یک برنامه‌ریزی می‌کند که نیروها را بسازد و آماده کند برای بعد از خودش که اینها آن رسالت را انجام می‌دهند. آن مسئولیت را انجام می‌دهند. من اگر طولانی بحث کنم، با توجه به اینکه حدود ۱۰ دقیقه وقت دارم، وقتم از بین می‌رود، چون یک نکتهٔ دیگر هم در واقع دارم. مثلاً سال ۶۴ می‌خواهد بنده را برای حج معرفی کند، دارد من را برای حج معرفی می‌کند، می‌گوید ایشان صالح است و کسی است که هم از خود ما کتک خورده، اشاره می‌کند به ماجرای مسجد اعظم، هم از ساواک کتک خورده. کاملاً ما را دارد آماده می‌کند برای روز سخت و دشواری. و بزرگان دیگر فراوان یک چیزهای از او شنیده‌اند. لذا یک طلبهٔ ناچیز کوچکی مِثل من را می‌کند یک چهره در بخش‌های مختلف. یا جناب آقای مهندس موسوی، یک چهرهٔ تحصیل‌کرده، می‌آید وزیر خارجه‌اش می‌کند. بعد نخست‌وزیر می‌شود. این همه می‌ایستد پشت سر، حمایت می‌کند تا آقای موسوی همان چهره می‌شود، به برکت امام، رحمةالله. خُب، امام از دنیا رفت. ما اشکالمان اینجاست که دوست بسیار عزیزمان، آقای مهندس موسوی، اما ما سرمایه بودیم و باید می‌ایستادیم. اگر می‌ایستادیم و پایداری می‌کردیم، کار به اینجا چه بسا نمی‌رسید. این را خیلی صادقانه بگویم. آقای مهندس موسوی، گفتند چهرهٔ محبوبی هم هست. همان اولی که آقای هاشمی رفتند، چهار نفر از مجلس رفتند. من گفتم بهترین راه این است که ما برویم بین این چهار نفر مهندس موسوی را بیاورویم که حضور در صحنه داشته باشد. حالا اینها که برای آقای موسوی اهمیت ندارد و وسط سال است. من رئیسم،

گفتم وقتی آقای مهندس موسوی را آوردیم، می‌کنیم نایب رئیس مجلس، از اول باشد. از آن وقت تا به حال دنبال مهندس موسوی، هر چه ما برای هر کاری رفتیم، آقای مهندس موسوی حاضر نشد وارد هیچ صحنه‌ای شود، واقعیت اینکه کمک بدهد و این حوادثی که مهندس موسوی می‌گوید و خوب کاری هم کرده آمده، من هم از او تقدیر می‌کنم که آمده. اگر چهره‌ها می‌آمدند و می‌ایستادند، ایستادگی می‌کردند، کار بدین جا نمی‌رسید که اوضاع این جوری بشود. در ریاست جمهوری هم هرچه رفتم، اصرار کردیم، نیامد. در مجلس بعدی رفتیم، نیامد. در چهار سال بعد رفتیم، نیامد. خُب، این همه حادثه در کشور ما واقعی است و حقیقت است. قتل‌های زنجیره‌ای شد. ماجرای دانشگاه شد. مطبوعات را این جور قلع وقمع کردند. به خدمت شما که عرض کنم دیگر، حادثه‌ای که رخ نداد توی این کشور متأسفانه کم بوده. خیلی فضایای نابسامانی رخ داد. من هم می‌توانستم یک گوشه‌ای بشینیم، این همه تهمت نشونم، افترا نشنوم، توی تهران راست و راست راه بروم، بگویند فرار کرده رفت، دلارها را برداشت رفت. من خیلی می‌توانستم رئیس مجلس شدم. ماندم. همهٔ هزینه‌ها را در این بیست سال واقعاً پرداختم و روی هیچ مسئله‌ای نبود که من اظهارنظر نکنم و چوبش را هم نخورم. مهندس موسوی به خوبی می‌داند توی بازنگری قانون اساسی بودیم و خدمت شما که عرض کنم، خیلی مسائل را با هم می گفتیم و آن تیزی که ایشان دارد، به هیچ وسیله مهندس موسوی حاضر نشد خودش را هزینهٔ کار بکند. ببخشید این هیچ اختلاف نیست. من حالا این را می‌خواهم بگویم که یک مراکز قدرت عجیب و غریب به وجود آمده. الآن هم که آمده، بسیار کار خوبی کرده. آقای مهندس موسوی پایش را عقب بگذارد، حمله به ما شدیدتر می‌شود. این واقعاً اعتقاد من است. من شبی به آقای یونسی گفتم: آقای یونسی، آقای خاتمی اشتباه کرده آمده، اما تو را خدا به او بگو الآن نباید کنار بکشد. اگر الآن بروی، حملات به ما شدیدتر می‌شود و ما در تنهایی بیشتری می مانیم. چند شب بعد باز یک جایی مهمان بودیم، لحظه‌ای بود که آقای خاتمی رها کرده بوده و رفته بود و دیدیم همه در حال کما هستند. هرکس یک حرفی می‌زند. یونسی گفت: بابا این فلان شب با هم ۱۵ شب بودیم، گفت این آقا اشتباه کرده

آمده، اما حالا که آمده تو را به خدا نرود، که اگر رفت، حملات به ما شدیدتر می‌شود و مراکز قدرت می‌دانند، آقای مهندس موسوی عنایت کرد در ماجرای گفتگویی که بنا بود بیاید، چیز نوشت، بسته بود. به من گفتند، من گفتم می‌روم خدمتشان و با ایشان صحبت می‌کنم. مهندس محبت کرد، منزل تشریف آوردند و روز تولد وجود مبارک امام صادق و روز تولد رسول خدا فرمود: دمی‌روز که من فلان جا بودم، گفتند می مانی یا نه، من گفتم حالا که هستیم. گفتم مبادا بگویی حالا که هستیم، نه، نه، باید سفت بگویید هستیم، تاآخر هم می مانیم. می‌خواهم بگویم یک وقت شائبه نشود؛ چون ما شیاطین هم توی جامعه داریم که وقتی این همه حرف می‌زند، خیال می کند کسی می‌خواهد مقابله کند. نه خیر، واقعیت این است. مشکلات متعددی وجود دارد. سختی های متعددی وجود دارد. من روزی که رفتم خدمت آیت‌الله خامنه‌ای برای آمدن عقیده‌ام را گفتم، خدا گواه است، گفتم: آقا من دارم تصمیم می گیریم بیایم، اما آمدنم را یک جهاد و فدا کاری می‌دانم. برای آمدنم چهار دلیل هم برایش شمردم که مشکلات چیست و امروزه اینجا به ملت ایران می گویم این را، دیگر به آیت‌الله خامنه‌ای نگفتم، تا اینجایش گفتم. خدا شاهد است، من از کارهایی که حتی اسلحه پخش می‌کنم، چریک پخش می‌کنم، زمان شاه کردم. یک بار به فکرم نیامد که بگویم که من دارم جهاد یا فداکاری می‌کنم. گفتم به وظیفه عمل می‌کنم. یک شاهی است فاسد، یک آقای خمینی هم هست سالم، اینها باهم درگیرند، من طرف‌دار این حقم. اما می‌خواهم بیایم جهاد و فداکاری، خودم را برای سخت‌ترین شرایط آماده کردم، برای آسان‌ترین شرایط هم آماده کردم. یعنی هم آماده هستم هزینه‌اش را بپردازم و مقابل خودکامگی ها بایستم و می‌دانم هم چه خبر است و چه مراکز قدرتی به وجود آمده. جناب آقای مهندس موسوی، دراین باب اصلاحاتی هم هستم. صریحاً هم می‌گویم اصلاحاتی هستم. برسراین راه هم می‌ایستم و مقاومت می‌کنم، هر بلایی هم به سرم آمد و اگر بیایم رئیس جمهور مقتدری هستم که هم مقابل آنهایی که این کارها را می کنند سر جاشان می نشانم. هم رئیس جمهوری هستم که زیرمجموعه‌ام اگر خواست خطا کند، آنها را هم سرجایشان می نشانم که نیایند وارد یک حریم‌هایی بشوند و این

بساط را سر ما دربیارند. لذا هر دو طرفشان مراقبم. من از آقای موسوی این درخواست را دارم. دراین باب بالاخره آقای مهندس موسوی آیا با توجه به اینکه همیشه از مشکلات و دشواری‌ها می گفت و بسیار هم خوب است، می‌خواهم برادرانه یک اتمام حجت با او بکنم و می‌گویم والله، بالله، تالله اگر مهندس موسوی فردا بگویند من نیستم، به ضرر است. باید هم بیایند بمانند. هردومان هم باید بمانیم هرچه هم از تویش درآمد. اما آقای مهندس موسوی آیا خودش را برای آن دشواری‌ها و مشکلات کاملاً آماده کرده که معلوم نیست چه به سرمان می‌آید و راه اصلاحات را، به آن تفکر امام را می‌دهد و همان اندیشهٔ خوب و نابی که دارد؟ چرا حرف من تمام شد. اگر هم تمام شود، دیگر من عرض ندارم. من دو دسته می‌بینیم، یک دسته حلقه‌ای هستند با آقای موسوی، آدم‌های مخلص، خوب و شریف، یک دسته هستند که آنها آدم‌های بدی نیستند، آدم‌های چیزی هستند، اما کارشان فضا سازی است که می کنند، مثلاً یک دفعه می بینید، شایع می کنند آقای مهندس موسوی خوب است، کروبی هم خیلی خوب، اما کروبی رأی ندارد. همان کاری که چهار سال پیش کردند و ۱۸ میلیون رأی برای آقای معین درست می‌کردند، ۲۰ میلیون برای هاشمی درست می‌کردند، با فضاسازی. من می‌گویم هم رأی دارم، هم می‌ایستم، هم دولت اداره می‌کنم که داستانها مفصل است. هم ولی یک جریانی هست که دوباره دنبال این است که یک کاری بکند کار را خراب کند. چند نفری هم بیشتر نیستند. این هم به شما عرض می‌کنم خدمتتان، آقای مهندس موسوی، به نظر من در این موقعیت حساس باید این نکته را به مردم بفرمایید، بالاخره اصلاحاتی اصول‌گرا، اصول‌گرای اصلاحاتی اینهایش را هم کار ندارم، در مقابل سختی‌ها و دشواری‌ها چه کار می‌کنیم که اگر خدای ناکرده وسط چه کند که بحث آن جداست و که حالا من دراین باب عرایضی دارم که عرض می‌کنم.

مجری: متشکرم، جناب آقای کروبی.

کروبی: از این لحاظ ببخشید. حالا ...

مجری: بله، تمام شد.

کروبی: پس یک پیام دیگر داشتم. آن چه می‌شود؟

مجری: بله.

کروبی: بفرمایید حالا.

موسوی: من چند دقیقه ای وقت دارم؟

مجری: آقای موسوی، شما حدود ۱۱ دقیقه وقت دارید.

موسوی: من این را مختصر راجع به صحبت‌هایی که برای عزیزمان، جناب آقای کروبی، فرمودند و با حسن نیت و برادری که دارند فرمودند، من مطرح می‌کنم. ببینید، من همیشه اعتقاد داشتم که چرخش قدرت از لوازم بالاخره نظام جمهوری اسلامی است و به همین دلیل به هیچ وجه انگیزه نداشتم تا قبل از این ماجراهای اخیر که احساس خطر جدی کردم، در صحنه باشم. احساسم بر این نبود که حالا دولتهایی که می آیند صددرصد با عقایدشان، خط مشی شان، سیاست اقتصادی شان، با سایر سیاست‌هایشان کاملاً من به اصطلاح موافق باشم و معتقد باشم. نه، احساس می‌کردم یک قواعدی در کشور هست، آن را رعایت می کنند. یک سیاست‌هایی دارند، بعضی اش را قبول دارند، بعضی اش را قبول ندارند و بعضی وقت ها هم یک مواضعی داشتم، فرضاً در مورد توقیف روزنامه ها من موضع داشتم، در مورد به اصطلاح حرفهایی که بر اساس همان چیزهای استصوابی شد، من مواضعی داشتم و موارد گوناگون که در این رابطه ها من مواضع خودم را اعلام کردم. حتی در مورد آمدن به صحنه هم یک بار شد که من تصمیم بگیرم که بیایم، به دلایلی که نیازی نمی بینم، موانعی که مثلاً پیش آمد برای من که نمی‌توانم توضیح بدهم و حالا نیازی برای توضیح آن نمی بینم، منصرف شدم. ولی وضعیت فعلی را بسیار خطیر یافتم. با توجه به توانایی که در خودم می‌دیدم، در این صحنه حاضر شدم، برای برخورد با مشکلات، چه از نظر اقتصادی، چه از نظر سیاسی، چه از نظر سیاست خارجی و نظایر اینها. با توجه به تجربیاتی که بنده داشتم، بنده مستقل آمدم. در حلقهٔ تصمیم‌گیری‌های ستاد بنده افرادی هستند که به هیچ وجه در آنها هیچ نوع گرایش منفی و مثبتی که در سطح جامعه بشود به آنها عیبی گرفت را من واقعاً نمی یابم. منتها بنده فضا را باز نگه داشتم و گفتم که من با این هسته در وسط جریان هستم. مواضع خودم را اعلام می‌کنم و به عنوان یک اصلاح طلبی

که دائم به اصول رجوع می‌کند، این نقطهٔ عزیمتش است. من اعتقاد دارم همهٔ ما این‌جوری هستیم. بالاخره همهٔ ما از یک اصول تبعیت می‌کنیم. یک بار که من اولین بار که می‌خواستم این مسئله را مطرح کنم، گفتم که جامعه هم همین جور است. مردم دلشان می‌خواهد که مسائل قدسی خودشان، دینی خودشان را، اعتقادات سنتی خودشان را داشته باشند، درعین حال متعقد به تحول هستند، معتقد به دنیای جدید هستند، معتقد به عقلانیت هستند، از تحجر خوششان نمی‌آید، از تنگ نظری خوششان نمی‌آید، از حاکم شدن بعضی از نیروهایی که به من به‌اصطلاح تهمت زده شد زمان بنده که کروات‌ها را می‌بریدند. همان گروه‌هایی که امروز سر کار هستند، باقی‌ماندهٔ همان کسائی هستند که همین کار را می‌کردند و به‌اصطلاح آن فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام آمد که جلوی دست و پای آنها را بگیرد. که اینها در دانشگاه‌ها و جامعه حضوری نداشته باشند. به هر حال بنده در شرایط فعلی احساس به اصطلاح تکلیف کردم و براساس یک موضع مستقل آمدم. منتها دستم بازی است. کسانی که ساختار شکن نیستند، کسانی که نظام را قبول دارند، کسانی که به‌اصطلاح قانون اساسی را قبول دارند، می‌خواهند که کار کنند، در داخل نظام یک بازوان باز به‌اصطلاح ما در مقابل آنها داریم و نمی‌توانیم بگوییم که شما چرا از ما حمایت می کنی، ولی آن گروه تصمیم‌گیر به‌هیچ‌وجه مثلاً دوتا حلقه نیست، سه تا حلقه نیست، بلکه یک حلقه بیشتر نیست و ما براساس آن عمل می‌کنیم. از خدا می‌خواهیم که کمکی هم خدا بکند که ان شاءالله این کار را به همین شکل و به همین حالت صراط مستقیم ان شاءالله پیش ببریم. من از این بحث می گذرم. یک چیز مهم دیگری دارم که آن را مطرح می‌کنم. امیدوارم که همین بحث یک مقدار کمک کرده باشد.

کروبی: نه، آقای مهندس، جواب ندادی. جواب ندادید که مقابل مشکلات چه می کنید. لطفاً صاف و پوست کنده این را بفرمایید

موسوی: بنده...

کروبی: من عرض می‌کنم، مشکلات جدی وجود دارد سر راه. در مقابل مشکلات چه می کنید؟

مجری: بنده این سؤال را کردم، بفرمایید.

کروبی: بگذار، آقای مهندس.

موسوی: من خیلی خلاصه این را شرح می‌دهم. بنده فکر می‌کنم که هشت سال زیر بار جنگ و مشکلات توپ و تانک و جریانات سیاسی که شما بهتر از من می‌دانید که چه بلایی بر سر بنده می‌آوردند، ایستادگی کردم. بنده همان آدمم. هیچ تغییری نکردم. بنده یک فردی قوی بودم آن موقع، همه می‌دانند این را. الآن هم همان فرد هستم من آمدم به صحنه، با تعامل با تمام نیروهایی که در صحنه هستند، بتوانم مسائل کشور را حل بکنم. اتکای من البته در مرحلهٔ اول به خداوند متعال است. توکل کردم و به او پناه بردم. بعد که می‌آیم که فکر می‌کنم باید آراء مردم را داشته باشم، با صداقت هم سعی می‌کنم که مردم را در کنار سیاست‌ها قرار بدهم. همیشه اصل را بر این گذاشتم که واقعاً رکن اصلی خود حضور مردم در صحنه، صبر آنها، خلاقیت آنها، حضور آنهاست و دولت فقط بستر باز می‌کند، مجرا را باز می‌کند همین برنامه‌ای که با این دقت تعیین شده، در مقابل ارادهٔ مردم و حسن نیت آنها به‌نظر من فرع به حساب می‌آید. اصل خود خواست مردم است. براین اساس بنده آن در جواب برادر بسیار عزیزمان، جناب آقای کروبی، می‌خواهم بگویم: برادر، با درک همین خطرات بنده وسط صحنه آمده‌ام، ان شاءالله خواهم ماند. آن چیزی که در این فرصت سریع می‌خواهم استفاده کنم، گسترش فساد در چهار سال اخیر است، یکی از مشکلات اساسی ماست، دائم بحث فساد می‌شود، مچ گیری می‌خواهد بشود. من اعتقاد دارم که آن چیزی که فساد نامیده می‌شود، مجموعهٔ سیاست‌هایی که ما الآن داریم، در نظام اقتصادمان هست، که در حال اتفاق افتادن هست، من یک کمی توضیح می‌دهم. برخورد با فاسد آخرین حلقه از مجموعهٔ حلقات یک زنجیر بلندی است که ما می‌توانیم انجام بدهیم. قبل از آن مسیرهایی که به فساد می‌تواند بینجامد، باید از بین ببریم. ما پارتی‌بازی را باید از بین ببریم. ما خویشاوندسالاری را باید از بین ببریم. ما رفاقت بازی را باید از بین ببریم. حلقه‌های تنگی را که بر دور خودمان تنیدیم، از کار باید بیندازیم. ما از کسانی که پرونده دارند و صدها میلیارد ثروت دارند، نباید از دستگاه خودمان استفاده کنیم

وقتی شما تمام کارها را کردید، بخش نامه ها را درست کردید، قوانین را درست کردید، سیالیت اطلاعات ایجاد کردید، این اطلاعات را در اختیار مردم گذاشتید به عنوان حق نگذاشتید که معاملات نفتی برود در وزارت کشور انجام بشود، بگذارید در جلوی مردم و در خود وزارت نفت انجام شود، آن موقع است که شما با دو تا فاسد هم برخورد کنید، آن هم شما نباید نامش را اعلام بکنید، بدهید قوهٔ قضائیه، مدارک کافی داشته باشید، شما اراده داشته باشید، عزم داشته باشید، می‌توانید به اصطلاح مشکلات را حل بکنید. وگرنه خُب، همیشه ما سوءظن داریم. ما می‌گوییم که شما آمدید تعرفه‌ها ی موبایل را بالا و پایین بردید، میلیاردها میلیاردها تومان در اینجا بالا و پایین شد. شکر را شما تعرفه‌ها یش را این‌ور آن‌ور کردید، چه کسانی سود بردند من ظن می‌برم که همین بودجه‌ای که شما دارید، در سراسر کشور تمام پلاکاردهای شما همه جا را گرفته، ممکن است از این منابع تأمین شده باشد. بیایید ثابت بکنید که چه کسانی از این مسئله سود بردند. ماشین ها را شما تعرفه‌ها یش را یک شب بالا بردید، و یک شب پایین بردید. ببینید چه کسانی از این مسئله سود بردند. اینهاست که فساد گسترده کشور...

مجری: آقای موسوی، کاندیدای غایب حضور ندارد. اگر برنامه...

موسوی: من راجع به سیاست‌های چهار سال گذشته چیز می‌کنم. من به همین انگیزه آمدم. من تعجب می‌کنم از شما چطور وقتی که کسان دیگر اینجا نشسته اند، با اینها چنین صحبتی نمی کنید. هی اخطار قانونی نمی‌دهید.

مجری: من عرض می‌کنم این...

موسوی: من تمام وقتم را دادم به ایشان، سه برابر بیاید اینجا صحبت کند. من قبول کردم. جلوی آقای کروبی هم قبول کردم. بیاید هر دروغی که می‌خواهد اینجا بگوید. ایشان اینجا دروغ می گوید، هیچ کس یخه اش را نمی گیرد. من اسم نبردم که شما به این ترتیب با ما چیز می کنید.

مجری: در ارتباط با کاندیدایی که...

موسوی: بنده یک فرد انقلابی هستم، اینجا دارم صحبت می‌کنم و براساس اعتراض به این

وضعیتی که ایشان به وجود آورده دارم صحبت می‌کنم. اگر این نبود بنده که نمی‌خواستم که در این مملکت بیایم دوباره کار کنم. همان کار فرهنگی خودم را می‌کردم. ایشان مملکت را کشیده به جایی که پر از دروغ است، پر از نقاق است. دارد پرونده سازی می کند ایشان خجالت نمی کشد، در مقابل بنده برداشته به صورت بازی هی عکس خانم من را به من نشان می‌دهد. خیال می کند که بنده روحیه‌ام چیز است. خانم من که یک استاد دانشگاه است و یک روشنفکر بزرگ است، من نمی‌خواهم این مسئله را قاطی این مسئله بکنم. این اندازهٔ خودش را پایین می‌آورد. خُب، شما می‌گویید که بنده حرف نزنم. چرا نزنم؟ چون ایشان هرکاری می‌خواهد. بنده به شما حق می‌دهم که اصلاً نمی گویم که نمایندهٔ دادستانی هم بیاید بسنجد که چند دقیقه بنده راجع به ایشان صحبت کردم، آیا حق دارد یا نه. بیاید هر چقدر می‌خواهد صحبت بکند. عیب هم ندارد. جلوی مردم صحبت می‌کنم. مردم، همهٔ صحبت‌ها را کنار هم بگذارید. این گراف هایی که بنده نشان دادم، یادتان باشد. این منحنی ها را بالا و پایین می کنند، برای اینکه شما را گول بزنند. نقش خط مار می کشند، و سعی می کنند که شما را به اصطلاح به بیراهه ببرند. خُب، این چیزی است که من باید به مردم می گفتم و این را دارم می گویم.

مجری: خیلی متشکرم، آقای موسوی.

موسوی: حالا من چقدر وقت دارم؟

مجری: دیگر وقت تمام شده.

موسوی: وقت تمام شد. من فقط تشکر می‌کنم از همهٔ مردم.

مجری: متشکرم. من فقط تذکر، بله، بله.

کروبی: چند جمله راجع به معلم‌ها و....

مجری: نه، آقای کروبی چون وقت ما تمام شده. صحبت‌های پایانی هم با آقای موسوی است. قاعدتاً به هم می خورد، اگر محبت بفرمایید، وقت تمام شده.

کروبی: فقط راجع به معلمان چیزهایی...

مجری: خیلی متشکرم. من فقط تذکر قانونی را عرض کردم، آقای مهندس وگرنه شما در

بیان هر مطلبی آزاد هستید.

موسوی: گفتم که من اصلاً وقت دادم به ایشان بیاید هرچقدر ـ ایشان که همه جا صحبت می کند، همین جور اتهام میزند، صدا و سیما در اختیارشان ـ سایت ها در اختیارشان، پول‌ها در اختیارشان.

مجری: خیلی متشکرم. خُب تا مناظرهٔ بعدی که مناظرهٔ آخر باشد، فردا شب همهٔ شما را به خداوند بزرگ می سپارم و هر دو بزرگوار هم خسته نباشید.

کروبی: من هم از جناب عالی و همکارانتان....

مناظرهٔ احمدی‌نژاد و رضایی

مجری (پورحسین): بسم الله الرحمن الرحیم. سلام عرض می کنم خدمت شما، مردم عزیز و شریف کشورمان، بینندگان محترم و شنوندگان عزیز صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. امشب شما شاهد ششمین و آخرین مناظره بین نامزدهای دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری خواهید بود. با ما همراه باشید.

مجری: خُب، در این نوبت در خدمت دو تن از نامزدهای محترم دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری هستیم، جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد و جناب آقای دکتر محسن رضائی. من به هردو بزرگوار سلام عرض می‌کنم، خیرمقدم می‌گویم و خسته نباشید. اگر سلام علیکی با بینندگان دارید، بفرمایید. آقای احمدی‌نژاد.

احمدی‌نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم سلام عرض می‌کنم به ملت بزرگ و عزیز ایران و همین طور جناب آقای محسن رضایی و حضرت عالی.

مجری: متشکرم، آقای رضایی.

رضایی: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من‌هم‌از‌این‌فرصت‌استفاده‌می‌کنم‌و‌به‌ملت‌عزیز‌و‌بزرگوارمان و جناب آقای احمدی‌نژاد و حضرت‌عالی عرض سلام و ادب خودم را اعلام می‌کنم.

مجری: خیلی متشکرم. من قبل از اینکه وارد طرح بحث شوم، نکتهٔ قانونی که هر شب یادآوری می‌کنم، یک بار دیگر یادآوری می‌کنم. قاعدتاً انتظار اینکه حاضران محترم در مناظره به نقد برنامه‌ها، عملکردها، آرا و نظرات یکدیگر بپردازند و صحبت علیه کاندیدا یا کاندیداهای غایب موجب می‌شود که حق پاسخگویی برای آنها محفوظ شود. این زمان‌ها

دقیقاً محاسبه خواهد شد و آنها می‌توانند از این حق استفاده کنند. طبق قرعه‌کشی ای که انجام شد، ابتدای صحبت با آقای احمدی‌نژاد و انتهای بحث با آقای رضایی است.

آقای احمدی‌نژاد، ما در دهۀ پیشرفت و عدالت هستیم، یعنی نامگذاری دهۀ چهارم انقلاب. خُب، بحث‌هایی در حول وحوش تحول های مختلف، تحول اقتصادی، تحول اجتماعی، فرهنگی و از این قبیل مطرح شده، توسط همۀ کاندیداهای محترم هم مطرح شده، به خصوص جناب آقای رضایی، شما بهترین الگوی مدیریتی برای تحقق یک چنین هدفی را چه الگویی می‌دانید؟

احمدی‌نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا من خیر انصاره و اعوانه والمستشهدین بین یدیه. من دو سه نکتۀ کوتاه را اول باید عرض کنم خدمت ملت عزیز ایران. اول اینکه تشکر کنم از این چند صد هزار مردم عزیزی که امروز به مصلی آمدند، به خاطر ازدحام جمعیت، من متأسفانه نتوانستم در خدمتتان باشم. ان شاءالله چهارشنبه صبح در اجتماع آنها در مسجد دانشگاه شریف حاضر خواهم شد. نکتۀ دوم دربارۀ بحث‌هایی است که در مناظرۀ دیشب بیان شد. البته وقت من محفوظ است؛ چون چند بار تکرار شد در مناظره‌ها، من فقط دو جمله عرض می‌کنم خدمت ملت شریف. آماری که ما می‌دهیم از مرکز بانک مرکزی، مرکز آمار جاهایی هستند که ۳۰ سال ۵۰ سال است که دارند آمار منتشر می کنند. اما اینکه در یک برنامۀ تلویزیونی برخلاف همۀ قوانین به طور مکرر یک کاندیدا و البته یک کس که هنوز مسئول هست، متهم به دروغ گویی می‌شود و توهین های فراوانی زده می‌شود، این جای بحث دارد. من ان شاءالله در وقتی که حق قانونی بنده است، آنجا پاسخ خواهم داد. فقط یک جمله اینجا عرض می‌کنم. دروغ گو خائن است و خائن ترسوست. چه کسی تا امروز از این دولت ترس سراغ دارد؟ من فکر می‌کنم همین کافی باشد. اما دراین باره که چرا این جور هجوم می کنند و بدون اینکه برنامه ای ارائه بدهند، علیه بنده به هر حرفی که دلشان می‌خواهد متوسل می‌شوند، ان شاءالله توضیح خواهم داد. میلیون ها سی دی منتشر کردند، با بریدن حرف‌های اول و آخر با یک بازی رسانه ای علیه بنده، اینها همه خلاف قانون و خلاف

اخلاق است. کسانی که درس اخلاق و ادب می‌خواهند به مردم بدهند، نباید از این کارها انجام بدهند، که باز من جزئیاتش را در آن وقت قانونی خودم ان شاءالله اعلام خواهم کرد. ما ان شاءالله فردا مهمان مردم مازندران در ساری و عصر هم در اهواز خواهیم بود. از همین جا به آنها سلام عرض می‌کنم.

اما دربارهٔ مدل اقتصادی، خُب، بخش‌های فراوانی است. وقتی ما چشم‌انداز داریم، سیاست‌ها را داریم، قانون برنامه داریم، سیاست اصل ۴۴ را داریم، این در واقع تئوری اقتصادی ماست. تئوری اقتصادی پیشرفت عدالت است. در تئوری پیشرفت عدالت یعنی مردم کشور را اداره می‌کنند. فرصت‌ها هم عادلانه توزیع می‌شود. کشور باید ثروتمند باشد و هرچه کشور ثروتمندتر، بهتر. اما توزیع ثروت بر اساس عدالت، توزیع فرصت‌ها براساس عدالت. همهٔ استعدادهای کشور باید فرصت بروز و ظهور پیدا بکند. اما اگر اجازه بدهید، من می‌خواهم سؤالی از آقای رضایی بپرسم. توی کاندیداها تنها کسی که ایده‌های جدیدی را در بخش‌ها مطرح کردند، غیر از آن دو نفر، آقای رضایی بود که قابل توجه است. من می‌خواهم این ایده‌ها یک مقدار باز شود که به یک نقطهٔ عملیاتی برای کشور برسیم. یک بحثی که شما مطرح کردید، فدرالیسم اقتصادی است. یک ایدهٔ نوی است. اما ارتباط این با تصمیمات کشوری و مدیریت‌های سیاسی و منطقه‌ای چه جوری گره می‌خورد؟ شما وضعیت تصمیمات کشوری می‌دانید چه جوری است؟ چطور می‌شود؟ اینها را به هم بگونه‌ای گره زد که آن هدف محقق شود؟ چون این به‌عنوان یک روش درواقع کمک به توسعهٔ اقتصادی است دیگر لابد. یعنی می‌خواهیم توسعهٔ سیاسی سریع‌تر اتفاق بیفتد. یعنی تمرکز بدهیم به چند نقطه، نه نقطه. بقیهٔ استان‌ها چه جوری ارتباط برقرار می‌کنند و رابطهٔ مدیریت سیاسی و اجتماعی و امنیتی با این مدیریت اقتصادی چه جوری می‌شود؟ چه جور می‌شود اینها را با هم هماهنگ کرد که حالا بحث‌های دیگری هم است که اون را بعداً خدمتتون عرض می‌کنم.

مجری: خیلی متشکرم. آقای رضایی بفرمایید.

رضایی: بله. بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم انا نرغب الیک فی دولة الکریمة. همان طور

که ملت عزیز و شریف اطلاع دارند، من با رمز «یا زهرا، یا زهرا، یا زهرا» به صحنه آمدم و انتظارم هم این است که هواداران من در روز رأی گیری با همین رمز ان شاءالله به پای صندوق های رأی بروند و از طرف دیگر از همهٔ هموطنان عزیز تقاضا می‌کنم که امشب برای شهدای انقلاب اسلامی، امام شهدا و علمای بزرگ راحلمان سه صلوات بفرستند. اللهم صل علی محمد و آل محمد، اللهم صل‌علی محمد و آل محمد، اللهم صل علی محمد و آل محمد. اولاً من یک نکته‌ای را عرض بکنم در رابطه با مناظرات که انتظار می رفت که از دورهٔ قبل شروع شود. خب حالا این دوره شروع شد و الحمدلله یک ابتکار خوبی بود که شفافیت اطلاع رسانی برای مردم، برای تصمیم‌گیری ما بیشتر شود و من فکر می‌کنم که ابتکار خیلی خوبی بود. منتها من فکر می‌کنم ما باید از مناظرات در رابطه با خود موضوع مناظرات، یعنی مسئلهٔ تشکیل دولت آینده بیشتر صحبت کنیم، یعنی از توانایی ها، از برنامه‌ها، از اینکه چه کار می خواهیم بکنیم، اگر هر کدام از ما رئیس جمهور شدیم، چه تغییر و تحولی می‌خواهیم درست کنیم، به چه سؤالاتی می‌خواهیم پاسخ بدهیم، درحقیقت بپردازیم. البته لازمهٔ این کار نقد گذشته هم هست، ولی قاعدتاً باید در کنار نقد گذشته حتماً از برنامه‌ها هم صحبت شود. ضمن اینکه روش مناظره باید به ایجاد امید و نشاط و شادابی و درحقیقت یک گام به جلو برداشتن تاریخی یک ملت منجر شود، حالا اگر ما بیاییم در صحنهٔ مناظرات اصلاً بازی را عوض کنیم، اصلاً میدان بازی عوض شود، برود یک جای دیگر، خب، این به معنای این است که ما نمی‌خواهیم حقایق برای مردم روشن شود و اصلاً نمی‌خواهیم موضوع اصلی مورد بحث قرار بگیرد و من از جناب احمدی‌نژاد تشکر می‌کنم که مسئله را برد روی آن بحثِ برنامه‌ها. درحقیقت ایشان یک سؤالی در مورد یکی از پیشنهادات من ارائه کردند که حالا من به این پاسخ می‌دهم. منتها لازم می‌دانم که برای اینکه به همین سؤال پاسخ بهتری بدهیم، اول من یک نگاهی بکنم به وضعیت اقتصادی کشور. یک پیش‌بینی از آینده بکنیم و ببینیم که حالا چه کار می‌شود کرد که این مشکلات را ما حل و فصل بکنیم.

ما امروز هم تورم داریم، هم رکود داریم. هر دو را با هم داریم. تورم همان چیزی است

که بانک مرکزی اعلام کرده و آقای احمدی‌نژاد هم در ۵۰ باری که از تورم در کشور صحبت کردند، ۴۸ بارش متوسط تورم سالآنه را گفتند. بر همان اساس شاخصی که ایشان صحبت کردند، تورم الآن ۲۵ درصد است، بیکاری هم ۱۲/۵ درصد است که حالا من نمودار دارم. اگر لازم شد، ارائه می‌کنم. این نشان می‌دهد که ما الآن وضع خوبی نداریم. یعنی وضع اقتصادی ما الآن وضع خوبی نیست. از طرف دیگر دو تا از بازارهای اصلی کشور ما، یعنی بازار پول و بازار سرمایه، دچار مشکل است. بازار پول ما با ۳۵ هزار میلیارد تومان معوقهٔ بانک ها مواجه است. عملاً آن گردش پول قفل شده، یا اگر نگوییم قفل شده، خیلی کند شده، آن تحرک واقعی خودش را ندارد. بازار بورس هم با توجه به اینکه از ۱۱ هزار به حدود ۸ هزار رسیده، آن کشش لازم را برای جذب پس اندازهای مردم و هدایت این پس اندازها به سوی سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید را ندارد. از طرف دیگر متوسط رشد سرمایه‌گذاری در چهار سال گذشته حدود ۴/۷ درصد بوده. خب، متوسط رشد اقتصادی ۶/۲ بوده. با این وضع ما متوجه می‌شویم که اقتصاد ما وضع خوبی ندارد. اما آینده را اگر بیایم نگاه کنیم نهادهای بین المللی نشان می‌دهند، وضع آینده، اگر روند همین طور پیش برود، خوب نخواهد بود. مثلاً رشد اقتصادی پیش‌بینی این است که امسال کمتر شود، سال آینده باز کمتر خواهد شد و به‌طوری که ممکن است طی دو سال آینده به زیر ۴ درصد برسد. خُب، ما مشکل کاهش قیمت های نفت را هم داریم. لذا درآمدهایی که در این چهار سال گذشته فراوان پیدا شد، قاعدتاً نخواهیم داشت. تراز تجاری‌مان الحمدلله الآن مثبت ۱۸ است، ولی سال آینده پیش‌بینی صندوق بین المللی پول این است که منهای ۱۳ خواهد شد و البته این را هم باید اشاره بکنیم که در سال ۱۳۸۶ ما کل ذخایر ارزی‌مان که مصلحت نیست ما عدد بیاوریم، چون باید اعداد را حفظ کنیم، اما می‌شود میزان کاهش آن را گفت، ما ۲۰ درصد کاهش داشتیم، درحالی که عربستان سعودی الآن ۴۰۰ میلیارد دلار ذخیره دارد، لیبی و الجزایر ۱۰۰ میلیارد دارند. خب، اینها نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی ما خوب نیست. حالا اگر ما این را مقایسه بکنیم با آن چیزی که باید در چشم انداز به آن می‌رسیدیم، یعنی رشد باید ۸ درصد می شد، نرخ سرمایه‌گذاری خیلی

باید بیشتر از اینها می شد و تورم هم باید یک رقمی می شد، بیکاری هم باید یک رقمی می شد، ضریب جینی هم باید به یک وضعیت بهتری از این میرسید، خب، پس نشان می‌دهد که وضع فعلی مان خوب نیست. وضع آینده‌مان ممکن است بدتر از این باشد. نسبت به گام اول چشم‌انداز هم ما عقب هستیم. خب من اینجا سؤالم از برادر عزیزمان آقای احمدی‌نژاد این است که حالا چه من رئیس جمهور بشوم چه ایشان رئیس جمهور بشود، ما باید یک راهکاری برای خروج از این وضعیت داشته باشیم. سؤال من از ایشان این است که حالا اگر ایشان رئیس جمهور شدند، این وضع را چطور می‌خواهند علاج کنند، آیا با همین شیوهٔ چهار سال گذشته ایشان می‌خواهند اداره کنند که خب باید علل را توضیح بدهند که چه موانعی بوده، آیا به ابتکار جدیدی رسیده‌اند، می‌خواهند انجام بدهند. همین جا هم من عرض بکنم. من هیچ رئیس دولتی را کاملاً سیاه و سفید نمی‌دانم. یعنی معتقدم آقای احمدی‌نژاد هم کارهای مثبتی انجام داده. همیشه هم توی صحبت‌هایم گفته‌ام. اما میزان کاستی هایی که در دولت ایشان هست، اگر برای آینده ایشان بر فرض که رئیس جمهور بشوند، فکر جدی نکنند، این مجموعه مجموعهٔ نه تنها خوبی نیست، بلکه ما را از برداشتن گام های بلند در چشم‌انداز هم بازمی‌دارد. در مورد سؤالی که ایشان مطرح کردند، سؤال کاملاً درستی است. ما فدرالیزم اقتصادی می گوییم، نه فدرالیزم کامل و یعنی در بعد اقتصادی ما کشور را به صورت منطقه ای اداره می‌کنیم، اما در بعد سیاسی، دفاعی و امنیتی کشور را متمرکز از تهران اداره می‌کنیم. حتی ممکن است این ۳۰ تا استان را ما به ۴۰ تا استان برسانیم. ۴۵ـ۴۰ تا استان خواهد شد که استان‌ها کوچک تر بشوند از نظر سیاسی، دفاعی و امنیتی، ولی از نظر اقتصادی ادارهٔ کشور بزرگ‌تر می‌شود و نه نفر را در حد معاون رئیس جمهور من برسر این نه منطقه خواهم گذاشت که اختیارات کامل در بعد مسائل اقتصادی، علمی، فنی و تجاری در حقیقت داشته باشند، کشور را اداره کنند، رابطه شان با مدیریت های سیاسی، چون کاملاً یک تقسیم کار کاملی صورت گرفته، کاملاً روشن است. کلیهٔ مسائل، سیاسی، دفاعی و امنیتی را از طریق تهران عمل می کنند، اما در بعد هماهنگی ها در هر منطقه ای که ممکن است مثلاً نه تا حدوده پنج استانی می‌شود.

تقریباً هر منطقه ای در پنج تا استان از نظر هماهنگی ها جلساتی شبیه شورای امنیت خواهند داشت، با این حساب که مسائل اساسی و استراتژیک، سیاسی، دفاعی و امنیتی از تهران اتخاد می‌شود.

مجری: خیلی متشکرم. آقای احمدی‌نژاد.

احمدی‌نژاد: وقت را اعلام بکنید.

مجری: بله. آقای رضایی ۹ دقیقه و ۵۵ ثانیه، شما هم حدود ۴ دقیقه و نیم صحبت کردید.

احمدی‌نژاد: خب، خیلی ممنونم از آقای رضایی. این طرح فدرالی که گفتند، ظاهراً همان تقسیم بندی های نه گانه ای است که در سپاه بود. منتها شما می‌دانید یک مدیریت اقتصادی بدون مدیریت سیاسی و اجتماعی معنا پیدا نمی کند. یعنی تداخل پیدا می کند؛ اگر معاون رئیس جمهوری یعنی همه می‌آیند تحت امرش، استانداران، فرمانداران، بخشدار. این مثلاً اگر در شیراز مستقر می شد، بقیهٔ استان‌ها چه می‌شوند؟ می آیند تحت امر آنجا. شما می‌دانید الآن برای جابه‌جایی یک دهستان از یک شهرستان به یک شهرستان مشکل داریم. استان‌ها دارند از هم جدا می‌شوند. این یک مقدار جزئیاتی دارد که باید به آن توجه کرد. اما اینکه گفتند الآن ما تورم همراه با رکود داریم. خب، اینکه به نظرم اشتباه است. تورم دو جور حساب می‌شود. شما هم می‌دانید. البته شکل های دیگری هم دارد. اصلش این دو جور است. یک متوسط سالآنه هست به سال قبل، یکی نقطه‌به‌نقطه است. بله، متوسط سال ۸۷ و ۸۶، ۲۵ درصد شد که من خودم اعلام کردم، بانک مرکزی اعلام کرد. اما نقطه‌به‌نقطه الآن یعنی امروز ۱۸ خرداد به ۱۸ خرداد سال قبل، الآن زیر ۱۵ درصد است. معنایش این است که تورم ما را به کاهش است. اما علت تورم چه بوده؟ علت تورم، بخش مهمش تورم جهانی است. شما می‌دانید بالاخره افزایش قیمت ها، نفت می‌برد بالا، بعضی کالاهای وارداتی، ۴۰۰ درصد، ۳۰۰ درصد فولاد در بازار جهانی شد ۱۳۰۰ تومان، درحالی که قبل از سال ۸۶، ۴۰۰ تومان بود. قبل از سال ۸۶ ما هم طبق قانون برنامه نمی‌توانیم کنترل بکنیم، صادرات فولاد یا هر کالای دیگری. خب، این اثر می گذارد. بخش مهمی از آن مال این است. اما این در رشد اقتصادی ما اثر نداشته.

خود شما می‌دانید، در قانون برنامهٔ چهارم عددها را دست‌بالا گرفتند. متوسط برنامهٔ سوم ما چهار و نیم رشد اقتصاد، برنامهٔ چهارم یک دفعه گفتند هشت، دو و نیم گذاشتند بهره‌وری، بهره‌وری که نقش آن ۰/۴ بود یعنی چهاردهم درصد، یعنی از این ۸ درصد چهارده و یعنی کمتر از نیم درصدش، این باید برسد به دو و نیم. ما فکر می‌کنیم با این شرایط جهانی، رشد ۶/۲ متوسط در چهار سال برنامه یک رشد بسیار خوبی است، از برنامه‌های قبلی بیشتر این رشد ۶/۲ به خصوص از برنامهٔ قبل از این دولت. نقطه به نقطهٔ ما هم که در حال کاهش است. ضمن اینکه دریافتی کارکنان و حقوق بگیران سابق جبران شد. بنابراین از نظر دریافتی طبقات با حقوق ثابت ما مشکل چندانی نداشتیم، الا یک گروه از کارگرانی که کار معین داشتند. اینکه می‌گویید بازار بورس غیرفعال است. این اشتباه است، اتفاقاً بازار بورس ما بسیار فعال است. اما باز شما خبر دارید، حبابی که سال ۸۲ و۸۳ کردند توی بورس، یک تقلب بود. یعنی حباب درست کردند قیمت را به طور کاذب بالا بردند. در این دولت این حباب تخلیه شده و بورس یک رشد منطقی خودش را پیدا کرده. بیشترین واگذاری‌ها در بورس و حجم معاملات بورس در همین دو سه سال انجام شده. الآن هم بورس ما فعال است و مراکز جهانی هم که اندازه گیری می کنند، این را تأیید کردند. یک عددی را شما گفتید، راجع به رشد سرمایه‌گذاری. بله، عدد رشد سرمایه‌گذاری ما الآن کمتر از چهار سال قبل است. علتش چیست؟ این است که ما آمدیم عدد و رقم‌ها را اصلاح کردیم. ماشین‌آلات دست دوم وارد کشور می شد، با نرخ بالا فاکتور می شد و وام ارزی گرفته می شد، ما آمدیم قیمت‌ها را واقعی کردیم. قیمت آمده واقعی شده. عدد آمده پایین. اما بیایید این طرف، حجم سرمایه‌گذاری صنعتی چهار سال قبل از این دولت ده هزار و خرده‌ای میلیارد تومان است، توی این دولت پنجاه هزار و خرده‌ای میلیارد تومان، یعنی قریب پنج برابر سرمایه‌گذاری صنعتی شده. معنایش این است که فعالیت صنعتی و رشد سرمایه‌گذاری هست، اما چون یکی از عوامل اصلی اش ماشین‌آلاتی بود که وارد می‌کردند، با قیمت دیگری ثبت می شد، این عدد کوچک نشان می‌دهد. بخشی از آن هم رفته در انبارداری، به خاطر مسائلی که ما داریم. اما سؤال

دوم من از جناب عالی. سؤال اول هست، چون می‌خواهم واقعاً آن روشن شود. بالاخره بنده مدیر بودم. شما مدیر بودید. ما می‌خواهیم یک حلقهٔ جدید مدیریتی در کشور درست کنیم. حالا معاون رئیس جمهور، این ارتباطش با استانداران و این استانداران با هم و با آن مرکز چه جوری می‌شود. یعنی یک بنگاه اقتصادی درست می‌خواهد بشود، فرض کن در کهگیلویه، حالا با این تئوری ممکن است کهگیلویه از این نظر برود زیر نظر فارس. علی‌القاعده باید یک عده‌ای بیایند در آنجا متمرکز شوند. این ارتباطات سیاسی چه جوری با هم برقرار می‌شود؟ چون ما حلقه‌هایی که داریم، هماهنگی اینها با هم خیلی سخت است. حلقه‌های مدیریتی هرچه اضافه می‌شود، نمایی و به‌توان پیچیدگی ارتباطاتشان با هم اضافه می‌شود. من فکر می‌کنم، شرایط اقتصادی ما به‌نسبت وضعیتی است که در جهان هست. شما تورم را گفتید. من باید این منحنی را یک بار دیگر اینجا نشان بدهم. الآن در سال ۲۰۰۸ که ما رشد تورم داشتیم، همهٔ قاره‌ها رشد داشتند، بیش از ما، یعنی نسبت رشدشان بیش از ما بوده. معنایش این است که در ایران مدیریت خوبی اعمال شده. ضمن اینکه ما مجموعهٔ برنامه‌های اقتصادی‌مان روشن است. طرح هدفمند کردن را و تحولات اقتصادی را در هفت سرفصل مهم آماده کردیم که درواقع زیرساخت‌هاست. اصلاح یارانه‌ها، اصلاح بانک‌ها اصلاح مالیات و بیمه، نظام توزیع، نظام بهره‌وری، ارزش پول ملی، اینها کارهای اساسی است که باید بر اقتصاد ما انجام شود که در ادامه من اینها را توضیح خواهم داد. اما اینکه می‌گویید خوب نبوده، بالاخره باید شاخص‌های عملکردی را ما بیاوریم در همهٔ بخش‌ها. عملکردها به‌نسبت گذشته رشد قابل‌توجه و جدی دارد که حالا من در ادامهٔ بحث بعضی از آنها را مطرح خواهم کرد. شما یک صندوق توسعهٔ ملی هم مطرح کردید. می‌خواهم ببینم این صندوق همانی است که در سیاست‌های کلی برنامهٔ پنجم هست یا چیز دیگری است و اصولاً ۲۰۰ میلیارد دلاری که می‌خواهد در آن بیاید، از این به بعد، یعنی از درآمدهای نفتی چقدر طول می‌کشد، این تأمین شود، قرار است قرض بگیریم، آیا قرار است این را تبدیل به ریال بکنیم و بدهیم به بانک‌ها، سود بگیریم، سودش را توزیع کنیم. شما فرمودید نفری ۱۰۰ هزار تومان ماهانه می‌دهیم.

این را اگر یک ضرب و تقسیم کنیم، ببینیم چقدر می‌شود و از این ۲۰۰ میلیارد دلاری که منبعش معلوم نیست، چقدر حاصل می‌شود که ما ماهی ۱۰۰ هزار تومان بخواهیم به مردم بپردازیم.

مجری: خیلی متشکرم. ۷ دقیقه و ۴۸ ثانیه صحبت کردید، آقای احمدی‌نژاد.

مجری: آقای رضایی، در خدمتیم.

رضایی: من فکر می‌کنم که آمار باید یک مقدار دقیق‌تر گفته شود. من البته نمی‌خواهم، لفظ دروغ گفتن را من قبول ندارم، به این صورت. اما آمار نمی‌شود مبانی متغیری داشته باشد. مثلاً فرض کنیم ما تورم جهانی را سال ۲۰۰۹ را ازش حذف بکنیم، منهای سال ۲۰۰۹، نشان بدهیم. خب، چرا این کار را می‌کنیم؟ آمار را اگر می‌خواهیم بدهیم، باید با یک مبنای مشترک باشد. آماری که بانک مرکزی اعلام کرد این است که در سال ۱۳۸۴ که دولت جناب آقای احمدی‌نژاد آمده، ۱۰/۴ بوده، سال ۸۵ شده ۱۱/۹، حالا اگر نشان بدهند. سال ۸۶ این شده، بعد این شده ۱۸/۴، سال ۸۷ شده ۲۵/۴، با همان شاخص متوسط آن، نقطه به نقطهٔ آن الآن موضوع بحث ما نیست؛ چون ما می‌خواهیم ببینیم روی قدرت خرید مردم چه تأثیری گذاشته. یعنی مثلاً فرض کنیم، پنیر که ما در سال ۸۴ می‌خریدیم، کیلویی چند بوده، الآن در سال ۸۷، انتهای سال ۸۷ که این پنیر را می‌خریم، این چقدر شده. خود مردم الآن هستند دیگر، پای تلویزیون هستند، ماشاءالله همه محاسبه‌گرند دیگر، از بانوان گرفته تا بچه‌ها هم دیگر، الآن بچه‌ها مرتب هی محاسبه می‌کنند. چون این مناظرات یک حسنی که پیدا کرد، الحمدلله دارد ادبیات اقتصادی را توی جامعهٔ ما گسترش می‌دهد. خب، بحث ما این است که درحقیقت از ابتدای ۸۴ تا ۸۷ مرتب این تورم بالا رفته. خب، آیا در این چهار سال دنیا همه‌اش تورمی بوده، یعنی اقتصاد دنیا در این چهار سال دنیا همه‌اش تورمی بوده؟ این طوری نبوده. دنیا اصلاً این طوری نبوده. مسئلهٔ بعد این است که خب، یک مقایسهٔ دیگری بکنیم. مثلاً فرض کنیم که سال ۸۴ را ما در فروردین قیمت می‌گیریم، تخم‌مرغ مثلاً شانه‌ای ۲ کیلویی ۱۴۵۰ تومان بوده، ۸۸ شده ۲۸۷۰ تومان. گوشت مرغ را، گوشت گوسفند را، عدس و هندوانه و همهٔ اینها را

که ما مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم با این حرفی که من می‌زنم، کاملاً جور در می‌آید. یعنی اینکه ما می‌گوییم تورم ۲۵ درصد است، جور در می‌آید. بله، جناب آقای احمدی‌نژاد این پنج الی شش ماه اخیر دستمزدهای بازنشستگان را زحمت کشیدند، زیاد کردند، کار بسیار خوبی بود، برخی از قوانین که قبلاً تصویب شده بود، خودشان آن موقع عمل به این قانون را مصلحت نمی‌دانست. خب، اخیراً ایشان قانون را اجرا کرده. اما بحث این است که قدرت خرید مردم طی چهار سال کاهش پیدا کرده. ایشان در این شش هفت ماه اخیر زحمت کشیدند، یک مقدار از این قدرت خرید را با افزایش دستمزدها جبران شده. این هم یک بحث. مسئلهٔ دیگری که هست، این است که این شاخصی که اخیراً در دنیا پیدا شده، تحت عنوان شاخص فلاکت است. اسمش است. یعنی جمع تورم رکود را نشان می‌دهد. کاملاً پیداست در سال ۸۴ فصل اول و دوم این شاخص کم شده، یعنی فشار روی زندگی مردم، شاخص فلاکت کم شده، رسیده به حدود ۱۸ و ۱۹ درصد در فصل اول سال ۸۵، اما از فصل دوم سال ۸۵ تا درحقیقت فصل سوم سال ۸۷، یعنی پائیز سال گذشته، ما ببینیم با چه شیبی فشار روی گردهٔ مردم افزایش پیدا کرد. خب، این هم باز منبع محاسباتی بانک مرکزی ایران است. الآن توی سایت هم درحقیقت موجود است. بنابراین، پس اینکه من می‌گویم وضع خوب نیست، وضع مردم خوب نیست، من فکر می‌کنم این را نباید کتمان بکنیم. البته آن رقمی که جناب آقای احمدی‌نژاد گفتند ۱۵ درصد، آن حالت نقطه به نقطه‌ای، خب، آن دردی را دوا نمی‌کند؛ چون ما بحثمان الآن زندگی مردم است. ما می‌خواهیم ببینیم که الآن فشارهایی که روی گردهٔ مردم می‌آید، چقدر است. از خودشان که سؤال بکنیم، خودشان خیلی واضح می‌گویند. یعنی نیازی به این نیست. منتها من حالا زیاد ادامه ندهم این بحث را. در مورد سؤالی که ایشان در مورد فدرالیزم اقتصادی می‌کند که خب این طرح خیلی طرح خوبی است. خود ایشان هم می‌داند. ما در مجمع خیلی بحث کردیم که یک کشور پهناوری مثل ایران را داریم، نمی‌شود همیشه رئیس جمهور با هیئت دولت صبح تا شب بروند توی استان‌ها و شهرستان‌ها بعداً خود مدیریت آنجا یک مدیریت قوی و توانمند و با اختیارات نباشد که مسائل را حل‌وفصل کند. حالا یک جوی آبی مثلاً

می‌خواهند آنجا بکشند، ما باید بلند شویم برویم با هیئت دولتمان آنجا، تصویب کنیم که حالا این جزوپروژه‌ها باشد. خب، این شأن دولت نیست. یک خلأ مدیریتی ما در کشور داریم. در تمام دنیا الآن شاید سه چهار تا کشور هستند که سیستم اداری ایران را دارند، یعنی فدرالی ندارند، منتها ما آمدیم به خاطر مسائل امنیت ملی مان مسائل سیاسی را از مسائل اقتصادی ـ تجاری کاملاً تفکیک کردیم؛ چون تقسیم کار هم هست. نمونه‌اش مثل خود کیش می ماند. کیش بخش سیاسی اش با بخش منطقهٔ آزادش کاملاً تفاوت دارد. آئین نامه دارند، مقررات دارند، چون دو حوزهٔ کاملاً تفکیک شده است، اصلاً با هم تداخل آنچنانی ندارند. ما حالا برای احتیاط می گوییم یک شورای هماهنگی هم اینها با هم داشته باشند؛ چون دوتا موضوع کاملاً تفکیک پذیری است.

اما من بیایم روی موضوع دوم و آن مسئلهٔ مدیریت است. من اصولاً دلم هم همین‌طور می‌خواهد، جناب آقای پورحسین و مردم عزیز که انتقادات هرچه رودررو باشد بهتر است تا پشت سر هم باشد و من شاید یکی از دلایلی که برخی از انتقاداتم را گذاشتم برای یک چنین جلسه‌ای، مال همین باشد که ما بیاییم مثلاً در غیاب یک فردی که نیست، توی جلسه شروع کنیم به حرف زدن و من این را خیلی نمی‌پسندم. البته ما نمی‌توانیم همیشه همهٔ آدم‌ها را بیاوریم روبه‌روی خودمان مورد نقد قرار بدهیم. لذا اگر من حالا وارد بحث‌های نقد می‌شوم؛ به این دلیل که من برنامه‌هایم را به اندازهٔ کافی گفتم، الآن یک فرصتی پیدا شده، چون جناب آقای احمدی‌نژاد هم هست، ممکن است صحبت‌های من جنبهٔ نقدی‌اش بیشتر باشد. این دلیلش این است که به اندازهٔ کافی توی برنامه‌ها گفتم. حالا اگر لازم شد، اشاره‌ای هم می‌کنم.

من یکی از اشکالاتی که به مدیریت برادر عزیزمان، آقای احمدی‌نژاد، دارم، مسئلهٔ بی ثباتی ایشان است. تقریباً ۱۵ عضو کابینه که هشت نفر آنها وزیر بوده اند، در این چهارسال عوض کرده. بعد مثلث اقتصادی ایشان که خب نیاز به ثبات دارد، چون ما در چشم انداز سیاست‌های اصل ۴۴ هم به نتیجه رسیدیم که ثبات اقتصادی مهم است. این مثلث بارها تغییر پیدا کرد. یعنی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی و برنامه و بودجه، اینها عوض شده، بانک مرکزی تا الآن سه بار، یعنی ما سه تا رئیس بانک مرکزی در زمان آقای احمدی‌نژاد داریم. بانک

مرکزی خیلی حساس است. اصلاً فوق‌العاده حساس است. از نظر اقتصادی تغییر در بانک مرکزی اصلاً این پایه‌های پولی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یا حدود ۲۴ استاندار عوض شده. حتی به باشگاه‌ها هم کشیده شده. یعنی ما شاهد هستیم که در مدیریت باشگاه ها هم، مثلاً باشگاه پیروزی و استقلال، در مجموع هفت بار عوض شده. البته بله، این جزء اختیارات ریاست جمهوری هست. منتها من پیشنهادم همین بود که ان‌شاءالله اگر دولت را ما به دست بگیریم، اولین کاری که می‌کنیم، خود رئیس جمهور که اگر من باشم، خودم را محدود می‌کنم که دست به عزل‌ونصب‌های تخصصی به‌سادگی نزنم. یعنی یک مصوبه ای می‌بریم مجلس تصویب می‌کنیم که پست‌های تخصصی از پست‌های سیاسی واقعاً جدا شود. این نه تنها به‌نفع من خواهد بود، به‌نفع کشور و مردم هم خواهد بود. یا در رابطه با تعرفه‌ها، من فکر می‌کنم دوستان ما وقتی تورم رفت بالا، یک کم دست‌پاچه شدند، تعرفه‌ها را بدون حساب وکتاب واقعاً دست زدند.

مجری: آقای رضایی.

رضایی: بله.

مجری: ۱۰ دقیقه تمام است. می‌خواهید ادامه بدهید یا برای دور بعد بگذارید؟

رضایی: حالا من یکی دو تا مثال دیگر بزنم.

مجری: بله.

رضایی: تمام می‌کنم.

مجری: بفرمایید.

رضایی: یا در رابطه با گاز ترکمنستان که ما ۴ سنت می‌خریدیم، اینها پیشنهاد ۱۴ سنت دادند. ما توجه نکردیم. ناچار شدیم بعداً به‌خاطر آن زمستان، ۳۵ سنت شد. یا مثلاً بحث‌های راه‌آهن شیراز و اینها، مسائل امنیت هم همین‌طور، در مدیریت امنیتی هم ما در این چهار سال گذشته ـ البته این طور نیست که مثلاً قبل از این چهار سال این مدیریت ها همه درست بوده، نه مثلاً در دولت قبل هم این مشکلات را داریم، همین مشکلات وجود داشته ـ یا در مسائل شرق کشور، مسئلهٔ خوزستان، انفجارات اهواز و بحث‌هایی که مطرح

شد، به خاطر یک اهانتی که به برادر ترک ما صورت گرفت، بعد تشنجاتی آنجا به وجود آمد، میزان کشته ها و اینها.

من سؤالم از برادر عزیزمان آقای احمدی‌نژاد این است که ایشان چه الگوی مدیریتی را می‌خواهند اگر رئیس جمهور شدند، داشته باشند که ما واقعاً از این فرصت های تاریخی بیشتر استفاده بکنیم. برای این انقلاب خون های زیادی داده شده و زحمات زیادی کشیده شده و ما توی این شرایط تاریخی که هستیم، خیلی می‌توانیم از این بهره برداری بکنیم. سؤال من از ایشان این است که ایشان در این رابطه ها چه کار می‌خواهند بکنند؟

مجری: خیلی متشکرم. ۱۱ دقیقه و ۴۱ ثانیه صحبت کردید.

احمدی‌نژاد: خیلی ممنونم. البته آقای محسن رضایی در مناظرات قبلی هم از وقت استفاده کردند، علیه این دولت استفاده کردند. این طور نیست که صحبت نکردند و در بعضی جاها هم حالت تمسخر داشتند. حالا من وارد آنها نمی شوم. ایشان عدد بیکاری با تورم را جمع می کنند. خب، تورم ۲۵ شده که ما هم توضیح دادیم. بیکاری که ۲ درصد حداقل کاهش پیدا کرده، براساس همان گزارش بانک مرکزی که جناب عالی فرمودید. پس این دوتا هم جهت هم حرکت نکرده است. ضمن اینکه ما در این چهار سال طبق قانون برنامه حقوق کارکنان را معادل تورم اضافه کردیم. سه چهار درصد ممکن است، بالا و پایین باشد. بنابراین، مطلبی که شما می‌گویید صحت ندارد و فلاکت را هم رویش گذاشتید. حالا دیگر وضع مردم به فلاکت رسیده. این که من می‌گویم، معنایش این نیست که ما الآن در نقطهٔ ایدئالیم. همیشه شرایط را مقایسه‌ای ما باید ارزیابی کنیم، والا همین طوری کلی بگوییم، بله، این طوری است. دولت قبل هم هست. متوسط تورم آقای خاتمی هم هست و متوسط تورم در دور اول دولت‌ها را ما با هم مقایسه کنیم. چون هر بار یک دولتی می‌آید، شرایط یک کشور عوض می‌شود. در متوسط تورم چهار سالهٔ چهارتا دولت که آمدند، این دولت کمتر از همه است. این هم آمار بانک مرکزی است. شما نوسانش را می‌گویید. دولت‌های قبلی هم همین طوری بودند. بعضی‌ها سال اول کم بودند، بعضی‌ها سال دوم و سوم اضافه شدند، ضمن اینکه سال دوم سوم بخش مهمش تورم خارجی بود،

سهمیه‌بندی کردن بنزین بود. کسانی که واضع سهمیه‌بندی بودند، پیش‌بینی شان ۱۵ واحد درصد تورم بود. گزارش مکتوبش هست که ما با این روش موافق نبودیم. ما با شیوهٔ بهتری می‌خواستیم کنترل کنیم که این تورم را نداشته باشد. و بیکاری ۲ درصد کاهش پیدا کرده، با گزارش بانک مرکزی. اینکه شما فرمودید که وضع مردم خیلی خراب است، بله، خب گرانی را حس می‌کنیم. اما کاهش را هم همه حس می‌کنند. ای کاش شما فهرست همهٔ کالاها را می‌خواندید و مقایسه می‌کردید، نه اینکه چند کالای خاص را. حالا بماند بالاخره تورم یعنی یک عددی اضافه می‌شود. قدرت خرید مردم هم اضافه شده، تولید ناخالص داخلی اضافه شده، درآمد سرانه اضافه شده. اینها همه‌اش قابل بحث است. اینکه شما فرمودید ۱۵ عضو کابینه مثلاً و معاونین عوض شده‌اند، این تعهدی بوده که من با مردم دارم. الآن هم همین تعهد را می‌دهم. ما در انتخاب‌هامان که معصوم نیستیم. ما یک برنامه داریم. طبق آن برنامه جلو میرویم. تلاشمان را هم می‌کنیم، بهترین انتخاب را داشته باشیم. هرکس نکشید، ما در حال یک مسابقه هستیم با جهان، این مسابقه است، یک برنامه داریم، باید جلو ببریم. مربی بازیکن‌ها را عوض می‌کند. مهم برنامه است. جهت برنامه باید حفظ شود و کارهایی که در هدف قرار گرفته. ما باید دنبالش برویم. شما گفتید ما بی‌حساب‌وکتاب تعرفه‌ها را عوض کردیم. برای اولین بار در کشور ما دفترچهٔ ثابت گذاشتیم. بله، ممکن است در کالاهای معدودی به‌خاطر نوسانات تند بازار جهانی تغییرات اتفاق بیفتد، اما دفترچهٔ تعرفه ما گذاشتیم برای محصولات کشاورزی، برای سایر محصولات، در چه وقتی از سال پایین می‌آید، در چه وقتی از سال بالا میرود. این برای اولین‌بار اتفاق افتاده که دائم نوسان نمی‌کند. دو سال است ما داریم این کار را می‌کنیم و جالب است که جناب‌عالی بدانید که متوسط تعرفه در دولت قبل ۲۲ درصد بوده و در این دولت ۳۳ درصد. اینهایی که هی می‌گویند: آقا، دولت با کاهش تعرفه‌ها بازار را پر از واردات کرده، خب، این حرف خلافی است. متوسط تعرفهٔ ما ۳۳ درصد است. متوسط تعرفهٔ دولت قبل ۲۲ درصد است. معنایش این است که ما تعرفه‌ها ی بیشتری گرفتیم. با اینکه بیش از ۸۰ درصد کالاهای وارداتی کشور سرمایه‌ای و واسطه‌ای هستند

و اینها معاف از بخش مهمی از تعرفه هستند. چهار درصد به آنها تعلق می‌گیرد. چنین چیزی نیست. واقعاً این یک اتهام است. نسبت صادرات غیرنفتی ما به واردات رشد کرده. معنایش این است که مدیریت خوبی روی صادرات و واردات انجام شده. ما الآن متوسط ۱۸ میلیارد دلار صادرات داشتیم. یعنی ۵۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی بدون احتساب مناطق آزاد که بیش از سه‌تا برنامهٔ گذشته و بیش از عدد کل برنامهٔ چهارم است. معنایش این است که خوب مدیریت شده. تولید داخل هم رشد داشته. ۶/۲ درصد هم ما رشد تولید ناخالص داشتیم. بنابراین با توجه به شرایط جهانی و وضعیتی که ما تحویل گرفته ایم، اقتصاد خوب مدیریت شده است. اما آن صندوق توسعهٔ ملی را شما پاسخ ندادید که امیدواریم که پاسخ بدهید.

شما گفتید که مالیات‌ها را کم می‌کنید، حقوق کارمندها را هم اضافه می‌کنید، بودجه را هم بدون نفت می‌بندید. ضمن اینکه بگویم آن فدرال اقتصادی با شرایط اداری کشور ما بسیار و به‌شدت ناسازگار است، اصلاً برای چه استان‌ها از هم جدا شوند؟ همین الآن تقاضای چند استان جدید داریم. معنایش این است که تقسیمات جدید باید ایجاد بشود. اینکه شما می‌خواهید چند تا استان را بیاورید زیر پرچم آن، هم بخش اقتصادی را جدا بکنید از بخش‌های سیاسی، این به‌نظرم اشتباه بزرگی است که محقق هم نخواهد شد. ضمن اینکه شما اگر تصور کنید بعضی پست‌ها را ثابت کنید، بعضی‌ها را متغیر، اینها اصلاً جدا نیست. پست سیاسی، پست کارشناسی، پست اقتصادی، اینها باهم کار می‌کنند. این جور نیست که یک جزایری جدا از هم باشند، آنها برای خودشان کار کنند، حالا ما می‌آییم اینها را یک مدیرهایی می‌گذاریم که اینجا را اداره می‌کنند. بله، ممکن است ما در ۲۰ سال آینده بتوانیم با یک تمهیداتی به آنجا برسیم. ضمن اینکه آنجا که فدرالی است، درواقع چند کشورند، نه یک کشور. یعنی یک هویت ملی واحدی آنجا شکل نگرفته، اینها اقوامی بودند، مستقل بودند، چسبیدند به هم، حالا شده فدرالی. ولی یک کشوری که یک هویت ملی واحد دارد و حکومت متمرکز باید در آنجا باشد تا همهٔ کشور را اداره بکند، این فدرالی در آن خیلی سخت است. ضمن اینکه شما یک اشاره‌ای کردید که حالا نمی‌خواهم

بگویم تعریف بود. هیچ وقت دولت نمیرود برای کشیدن یک جوی در یک استان تصمیم بگیرد. اگر آقای محسن رضایی ساختارهای اداری کشور را می‌شناخت، این جوری حرف نمی‌زد. من این را می‌گذارم به حساب اینکه شما ساختار بوروکراسی کشور را نمی‌شناسید. یعنی توی سیستم اداری کشور نبودید. بالاخره سپاه بودید، از آنجا رفتید به مجمع تشخیص مصلحت. بیشتر در کارهای نظری هستید. هیچ وقت یک مدیریت اجرایی در کشور نداشتید تا این ساختارها را بشناسید. بدانید دولت وقتی می‌رود در یک استان، چه مفهومی دارد و چه اثری می‌گذارد. گفتید مالیات را کم می‌کنید، حقوق کارمندها را اضافه می‌کنید، بودجه را بدون نفت می‌بندید. ضمن اینکه توجه داشته باشید، ما هر قانونی را زمانی می‌توانیم اجرا کنیم که مجلس بودجه‌اش را به ما بدهد. لایحهٔ مدیریت خدمات کشوری از امسال در بودجه پیش‌بینی شد، برای بازنشسته‌ها هم از پارسال ما دقیقاً قانون را اجرا کردیم.

مجری: خیلی متشکرم. ۸ قیقه و ۲۲ ثانیه. آقای رضایی، بفرمایید.

رضایی: حالا چند تا مسئله در توضیحات ایشان بود. اینکه پست‌های سیاسی و تخصصی را نمی‌شود از هم جدا کرد، در همهٔ دنیا این کار را کردند، چطور ما نمی‌توانیم جدا کنیم. صندوق توسعه ملی که من گفتم، همان صندوقی است که ما در مجمع در اثر مطالعاتی که داشتیم، به تصویب رساندیم و بحث من هم همین بود که ما اگر از اول انقلاب چنین صندوقی می‌داشتیم، تا امروز ۲۰۰ میلیارد دلار در آن بود و هر ماههٔ ما ۱۰۰ هزار تومان می‌دادیم و ارزش سهام آن صندوق هم بالای ۴۰۰ ـ ۵۰۰ هزار تومان برای هر فرد بود. یعنی اگر می‌خواست بفروشد هم این مقدار می‌توانست داشته باشد. اینکه ما مالیات‌ها را کم بکنیم، بله من حتماً در شرایط رکود مالیات را کم می‌کنم؛ چون من دنبال این نیستم که از بنگاه‌ها انتقام‌کشی شود، چیزی که الآن دارند می‌کشند. یعنی اصلاً دولت بنگاه‌ها را رها کرده. اصلاً دارند دست و پا می‌زنند در رکود. چند تا از آنها به من گفتند: آقای رضایی، ما توی این شرایط، دولت می‌آید یک پس گردنی هم می‌زند. نه تنها کمکمان نمی‌کند، یک پس گردنی هم دولت به ما می‌زند. واقعاً وضعیت اسف باری است. اتاق بازرگانی

اعلام کرده که ۵۰ درصد الآن وضعیت بنگاه های کشور، ۵۰ درصد کارخانجات کشور با نصف ظرفیت کار می کنند. ۶۰ درصد کارخانجات کشور و بنگاهها و مؤسسات اقتصادی طی هشت نُه ماه اخیر تعدیل نیرو در حد یک سوم داشتند. خب، این نشان دهندهٔ بحران است. دولت وقتی می‌گوید: نخیر، آقا هیچ بحرانی نیست، خبری نیست، اصلاً مسئله‌ای نیست، خب، این معلوم است که درحقیقت بنگاه ها رهاشده به حال خودشان هستند و مسئله هست. اما اینکه من می‌گویم که بنابراین مالیات‌ها را کم می‌کنیم، معلوم است، این یکی از سیاست‌های کمک به خروج بنگاه ها از رکود، یا اصلاً در همه جای دنیا شناخته شده است. اگر آقای احمدی‌نژاد تجربهٔ این کار را ندارند یا اطلاع ندارند، اینها را می‌توانند بپرسند، از تیم‌های کارشناس اقتصادی بپرسند که آقا وقتی رکود پیدا می‌شود، شما یک بستهٔ سیاستی به من پیشنهاد کنید، ما چه کار باید بکنیم. درحقیقت یعنی راهکار بخواهند از دیگران. اینکه می فرمایند من مسائل اداری اینها را نمی‌دانم، خُب، خودشان قضاوت کنند. ایشان که هم سابقهٔ من را می‌دانند هم سابقهٔ خودشان را. ما در کل دوران جنگ عملاً دولت را ما اداره می‌کردیم. اوایل انقلاب تا سه سال تمام ائمهٔ جمعه و فرمانداران پیش ما بودند. عملاً کشور را ما اداره می‌کردیم، و بعدش هم همین طور بوده. بعدش ما در رابطه با خود دوران دوازده سال اخیری که من آمدم، هیچ، من اطلاعاتم از داخل وزارتخانه‌ها قطعاً چند برابر آقای احمدی‌نژاد، حتی مخالفین که الآن در ادارات هستند و به ایشان نمی‌توانند بروند حرف بزنند، می‌آیند به ما می‌گویند. دوستان نزدیک ایشان هم می‌آیند به ما می‌گویند. دوستان مشترک هم دوتایمان زیاد داریم. می‌آیند به من می‌گویند. من دقیقاً توی جریانات ریز مسائل هستم. خودشان هم توانایی من را در سازماندهی می‌دانند. یعنی من مسائل مدیریت و سازماندهی را، اگر بیشتر از ایشان ندانم که خودشان اعتراف دارند، حتماً کمتر از ایشان نیست. اما بحث این است که من می‌خواهم یک مثال بزنم. ببینید در اثر تعرفه چه بر سر شکر کشور آمده. تا ببینیم نظر جناب آقای احمدی‌نژاد که می‌گویند: نه، ما بر اثر یک قواعدی تعرفه‌ها را درست کردیم. ببینید، ما سه تا محصول در ایران داریم، شکر، دانه های روغنی، و چای که اینها در حقیقت کشت و صنعت کشور هستند. آقایان آمدند در

سال ۱۳۸۴ ، نیمه دوم سال، تعرفهٔ شکر خام را از ۱۲۰ درصد به ۴ درصد، و تعرفهٔ شکر سفید را از ۱۵۰ درصد به ۱۰ درصد رساندند. نتیجه اش این شده که به جای ۵۰۰ هزار تن واردات دو میلیون و چهارصد و هشتاد و یک هزار تن در سال ۸۵ شکر آمده وارد کشور شده. نتیجتاً ۳۲ کارخانهٔ شکر چغندر قند که ما داریم، ۸ تایش تعطیل شده است. بعد بقیه به جای اینکه ۵ ماه کار بکند، الآن فقط ۴۰ روز کار می کنند. کشت چغندر ما به‌کلی از بین رفته و به جای آن رفتند سیب زمینی کاشتند و آن قدر سیب زمینی در کشور «کشت» شده که خود سیب زمینی کاری های قبلی بندگان خدا دچار مشکل شده‌اند به طوری که آقای احمدی‌نژاد ناچار شدند یک مقدار زیادی از اینها را در کشور بخرند که این ورشکستگی خیلی زیاد نشود. ۸۵ هزار نفر درحقیقت بیکار شده‌اند و به جای ۱۲/۵ میلیون تن تفاله ها و مواد خامی که در اثر چغندر قند و اینها بوده، یک کاهش بسیار زیادی داریم. ۲۵۰۰ میلیارد تومان عدم نفع کشاورزان حاصل شده. وقتی ما همهٔ اینها را حساب می‌کنیم می‌بینیم یک تصمیم‌گیری که ما بیاییم تعرفهٔ شکر را پایین بیاوریم، یک دامنهٔ وسیعی از زیان‌های اقتصادی و هم به کارخانجات شکر و قند زده. از آنجا بحران رفته توی مسئلهٔ کارگران و اشتغال. از آنجا آمده توی مسئلهٔ سیب زمینی و خب، مسائلی زیادی به وجود آورد. یا مثلاً مسئلهٔ مسکن مهر و کارهای دیگری که دوستان در این رابطه انجام دادند. اینها بیانگر این است که به نظر من تصمیمات پخته صورت نمی‌گیرد و شاید هم دلیلش این باشد که در دولت جناب آقای احمدی‌نژاد اصلاً نخبگان خیلی محلی از اعراب ندارند و ایشان به جای اینکه بیاید از نخبگان ـ همین نامه های زیادی که اقتصاددانان برای ایشان می نویسند ـ خب، ایشان زحمت کشیدند و یکی دو جلسه با آنها گذاشت. خیلی کار خوبی بود، ولی این دیگر ادامه پیدا نکرد. بالاخره ما توسعه را از کجا می‌خواهیم شروع بکنیم؟ چینی ها به من گفتند که ما آمدیم نقطهٔ آغاز توسعه را مالکیت گذاشتیم. ما با مطالعاتی که در مجمع و دبیرخانه کردیم، نقطهٔ عزیمت توسعهٔ ملی ما نخبگان کشورند. یعنی ما باید همهٔ نخبگان را بیاوریم درگیر بکنیم، بعد به تفاهم برسانیم، به اجماع برسانیم، تااینکه بتوانیم یک حادثهٔ بزرگی را که همان توسعه است، تحقق ببخشیم. خب، این یکی

دو نمونه‌اش که من خدمت شما عرض کردم. خب، حالا با این حساب من فکر می‌کنم، اگر جناب آقای احمدی‌نژاد دوباره بخواهند رئیس جمهور بشوند، یک فکری برای درگیر کردن و به اجماع رساندن نخبگان در ادارهٔ کشور نکنند، این مشکلاتی برای ما درست می‌کند. من طرحی داشتم، اعلام کردم. اگر لازم باشد، اینجا باز دوباره می‌گویم. همان اتاق‌های فکری که باید در کنار هر وزارتخانه‌ای به‌وجود بیاید. البته من چون مخالفین خودم را از صاحب نظرها می‌خواهم شرکت بدهم در آن اتاق فکر، بعضی‌ها گفتند شما این را دولت در سایه بگویید. ولی حالا می‌شود، آن دولت در سایه ما هم نگوییم. اما هر وزراتخانه‌ای درحقیقت یک اتاق فکری داشته باشد که منتقدین خود من هم بیایند شرکت کنند و حضور داشته باشند. به هرحال سؤال من از ایشان این است که نخبگان کشور با این توانایی‌های عظیمی که دارند، اگر ایشان دوباره رئیس جمهور شد، اینها را چطور درگیر توسعهٔ ملی می‌کند و می‌خواهد اینها را به اجماع برساند؟

مجری: خیلی متشکرم. ۸ دقیقه و ۷ ثانیه. خب، آقای احمدی‌نژاد.

احمدی‌نژاد: خیلی ممنونم. آقای محسن رضایی چند مورد را مطرح کردند، قبلاً هم مطرح شده بود. توی بعضی از روزنامه‌های مخالف دولت هم این حرفها بارها و بارها گفته شد. ایشان بحث‌های داخل کشور را می‌گویند و خارج از کشور را رها می‌کنند. ایشان حتماً می‌دانند که در سال گذشته و همین الآن بسیاری از صنایع در دنیا درکودند و کاهش تولید دارند، از جمله صنعت فولاد بسیاری از کشورهای دنیا ۴۰ درصد کاهش تولید دارند، ۵۰ درصد، ۳۹ درصد، دوتا کشور رشد دارند، یکی ایران و یکی دیگر چینی است، ایران ۲۰ درصد، چین۲/۴ درصد. یعنی انجمن فولاد جهانی این گزارش را رسماً منتشر کرده که من اینجا دارم. اینکه می‌گویند بنگاه‌ها را رها کردند، من نمی‌دانم این رها کردن یعنی چه بنگاه‌ها را دولت باید اداره بکند یا بنگاه‌ها باید روی پای خودشان بایستند؟ بیشترین مراقبت در این دولت انجام شده. وقتی ما دولت را تحویل گرفتیم، ۵۰ هزار بنگاه صنعتی داشتیم. از این ۵۰ هزار تا ۲۸۰ تا در مرز بحران بودند، الآن تعداد بنگاه‌ها رسیده به ۸۰هزار تا. جناب آقای موسوی، ۲۰۰ تا از آنها دچار مشکل است که در دولت...

رضایی: آقای موسوی، نه آقای...

احمدی‌نژاد: من عذر می‌خواهم، آقای محسن رضایی. خلاصه‌اش کردم، آقای محسن موسوی. بالاخره شما هم تهمت زدید. سیادتت می‌خورد. دیگه بالاخره در یک نقطه‌ای وصلید.

رضایی: مادرم سید است، ولی هیچ وقت اظهار سیادت نکردم.

احمدی‌نژاد: پس یک جا بالاخره وصلید. سیدید شما.

رضایی: بله.

احمدی‌نژاد: ۲۰۰ تا بنگاه ما داریم که برایشان هم سازوکار تهیه کردیم. کارگروه در دولت تشکیل شده برای تک تک شان رئیس کل بانک مرکزی هست. وزیر صنایع هست. وزیر کار هست. بیشترین رسیدگی را ما کردیم. من تعجب می‌کنم. شما می‌گویید یک سوم کارگرها از دست رفتند. تعداد کارگرهایی که بیکار شدند و به ادارهٔ کار مراجعه کردند، هر سال معلوم است. هر سال، توی این ۵ الی ۶ سال اخیر، به طور متوسط ۳۴۰ هزار کارگر از کار منفک می‌شوند. متوسطش است. بله، ۳۲۰ هزار. امسال نیز همین است. یعنی هیچ تغییر جدی ما نداریم. اینکه اتاق بازرگانی گفته بنگاه‌های ما ۵۰ درصد کار می‌کنند، درست است. اولاً بیش از ۵۰ درصد است. توی این دولت شده ۵۰ درصد. جهت اطلاع حضرت عالی، در بخش صنعت ما همیشه ۴۰ درصد ظرفیت پر بوده. یعنی ظرفیت همیشه خالی بوده. یعنی صنعت ما هیچ وقت از همهٔ ظرفیتش استفاده نکرده. علتش هم ساختارهای غلط اقتصادی بوده. آنها از راکد کردن پول و راکد کردن کالا سود می‌بردند. شما درست گفتید، پول احتکار می‌شود در کشور. اینکه می‌رود معوقه می‌شود، درواقع احتکار پول است. نرخش توی بازار می‌رود. چه کار باید کرد؟ باید اصلاح ساختار بانکی را بکنیم. ما همین کار را کردیم. مطالعه کردیم، سه سال با حضور کارشناسان. اتفاقاً که حالا عرض خواهم کرد. و طرحش را کاملاً تهیه کردیم. به زودی لایحهٔ اصلاحیه اش رو به مجلس خواهیم داد. اتفاقاً در طرح‌های اقتصادی که ما تهیه کردیم، تقریباً از همهٔ ظرفیت کارشناسی کشور استفاده کردیم. الّا معدودی که نخواستند همکاری بکنند. بیش از ۱۰۰۰ ساعت خود بنده در جلسات کارشناس‌ها شرکت کردم. همان کسانی که نامه نوشتند، به قول حضرت عالی.

ما جلسه گذاشتیم با آنها. ۱۳ بند را مطرح کرده بودند، ۳ بندش را خود رئیس ستاد شما پاسخ داد. به بند سوم رسید، همه گفتند: آقا، کفایت می کند. ما اصلاً بحث‌هایمان یک چیزی دیگر است. خُب، بحث‌هایتان سیاسی است، نه بحث‌های اقتصادی. والا ردیف کردن ایرادات اقتصادی کشور کاری ندارد که ۱۰ هزار ایراد در کشور است. باید ببینیم چه روندی را در کشور طی کردند، آن هم با شاخص‌های کلان. یک مورد خاص شکر را شما گفتید. بله، در سال ۸۴ که بحث تحریم شد، وزارت بازرگانی موظف شد، اجازه بدهد یک مقداری کالای اساسی بیشتر وارد شود که اگر تحریم شد، ما دچار مشکل نشویم، از جمله شکر. اتفاقاً مواظب بود که تعرفهٔ شکر خام را پایین آوردند، برای اینکه شکر خام می‌آید در کارخانهٔ ما تصفیه می‌شود و کارخانجاتی که قبلاً سه ماه کار می‌کردند، ۸ ماه کار می کنند. بله بعضی از کارخانجات تعطیل شد. بالاخره کارخانهٔ فرسودهٔ شصت ساله، چهل ساله که قیمت را دوبرابر در می‌آورد، شکر برزیلی و آرژانتینی لب مرز ما ۳۳۰ تومان است، ما اینها ۵۰۰ تومان می‌خواهیم بخریم، به ما نمی‌فروشند. می‌گویند ۵۶۰ تومان بخرید. خُب، تا کی شما می‌توانید این را ادامه بدهید؟ ۱۰ کارخانه تعطیل می‌شود. یک کشت تغییر می کند. بعد کارخانجات را کمک کردیم، نوسازی بشوند. در چند نقطهٔ کشور کارخانجات را کمک کردیم برای اینکه نوسازی بشوند. بیایند بهره دهی شان برود بالا و بهره‌وری برود بالا تا بتوانند رقابت کنند. والا شما از کجا می آوری که شکر ۳۳۰ تومانی را بخری ۵۶۰ تومان، ۱۰۰ تومان هم هزینه کنی، تحویل مردم بدهی؟ این فاصله را از کجا شما می آوری؟ در کجای بودجه و از کجای برنامه دیده شده است؟ شما گفتید که ما از نخبگان استفاده نمی کنیم. این به نظر من یک توهینی به دولت است. شما سطح تخصص دولت را ببینید، آقای رضایی. قریب به اتفاقشان دکترای تخصصی جدی دارند، یعنی جدی جدی دکترا گرفته اند. یعنی رفتند کنکور دادند وارد شدند. رفتن کلاس درس خواندند. پای کلاس استاد نشستند. از این دکترهایی که مد شد، یک دفعه همه حمله کردند، دکترا بگیرند، نیست. دکترای تخصصی گرفتند. شما هر اقتصاددانی را می خواهید بیاورد با وزیر اقتصاد ما بحث کند، با وزیر بازرگانی ما بحث کند. برای اولین بار در تاریخ کشور، کل

اصناف در کنار وزارت بازرگانی دارند بازار را کنترل می کنند و ما کمترین تنش را داریم. خودشان شب عید را کنترل کردند. این یک مدیریت بسیار خوب است. بازار کنترل شده. درحالی که تورم جهانی در افزایش قیمت نفت چند درصد بوده، اینجا چقدر بوده؟ من خواهش می‌کنم یک عدهٔ خاص را شما نگویید نخبه. شما چطور وزیر بهداشت ما را نخبه تلقی نمی کنید؟ وزیر بازرگان ما را نخبه تلقی نمی کنید؟ وزیر راه ما را نخبه تلقی نمی کنید؟ اینها همه حلقه های مشورتی دارند. بله شما اسمش را می گذارید دولت سایه. این یک اسم است. مهم مشورت کردن و نظر خواستن است. خود بنده که مسئول دولت هستم، به طور مستمر با کارشناسان اقتصادی از گروه‌های مختلف ـ منتها خبرش منتشر نمی شود ـ هر هفته ما جلسه داریم. حداقل به پنج ساعت من سؤال می‌کنم، می شنوم، آنها سؤال می کنند. این طور نباشد که خودتان را، دوستان خودتان را نخبه می‌دانید، یا مخالفین دولت نخبه اند، آنهایی که موافق دولت نیستند، نخبه اند. این واژه هم از آن واژهای مظلومی است که باید بالاخره یک روزی به آن برسیم. یک جا هم بحث امنیت را مطرح کردید. امنیت هم مقایسه‌ای است. آقا محسن، آقای رضایی، من عذر می‌خواهم که آقا محسن می‌گویم، به‌خاطر احساس رفاقت. شما از نیروی انتظامی سال به سال گزارش بگیرید. تعداد بزه‌ها و جرم‌هایی که در کشور اتفاق می‌افتد، اینها همه‌اش روند کاهش دارد؛ الا جرم‌های ریز در برخی مناطق. این را نمی‌توانیم بگوییم که کل روندش کاهشی بوده. اما جرمهای اساسی نوعاً کاهشی بوده. این هم به خاطر فضای امنیت بالایی است که در کشور هست. به لطف خدا امنیت مردمی است، امنیت عالمانه است که در کشور ما امروز برقرار است. اما شما نگفتید چه طوری. بله، الآن ما مالیات‌ها را خیلی داریم می بخشیم. بله، ممکن است در یک جا یک مأمور مالیاتی اشتباه کند. مراجعه می‌کنند. ارتباط ما با مردم بسیار صمیمی و دقیق است. رسیدگی می‌کنیم. خب ما می‌دانیم سال گذشته اصناف مشکل داشتند. یک جا تصمیم گرفتیم برای صنعت که مراعات حالشان را بکنند. اما اقتصاد و ادارهٔ کشور را نمی‌شود با حرف‌های کلی مطرح کرد. بالاخره شما فرمودید که خیلی شما تجربه تان بیشتر از من است بالاخره هم سنتان بالاتر است. ما نمی گوییم تجربه تان کمتر است، اما شما

بوروکراسی کشور را نمی شناسید. اگر می‌دانستید که نظام اداری چه جوری است. بله با مخالفین ما هم در تماسید. ما این را منکر نمی شویم. بالاخره می آیند پیش شما حرف‌هایی را می‌زنند. چه بسا بسیاری از این اطلاعات را آنها به شما داده باشند. اما بوروکراسی اداری که در کشورهایی مثل ما هست، این ایرادات اساسی دارد. آقای رضایی، این جور نیست که شما یک حلقه به آن اضافه کنید، این یک دفعه شکوفا بشود. حالا اینها را بگذاریم کنار. اما در اقتصاد ما نمی‌خواهیم شکل را عوض کنیم، یک صندوق درست کنیم. نگفتید آن ۲۰۰ میلیارد دلار از کجا می‌تواند سالی ۷۰ الی ۸۰ میلیارد دلار سود داشته باشد. اگر خارج از کشور بگذاریم که چنین سودی ندارد. بخواهید بیاورید داخل تبدیل به ریالش کنید، کجا می‌خواهید تبدیل به ریال کنید؟ چنین کششی در بازار نیست. ۲۰۰ میلیارد دلار را فرض کنید، اصلاً قرض کردیم، این ریال است، کجا می‌خواهید بگذارید که سودش را بگیرید؟ اینها سؤالات اساسی است که همان صندوق توسعهٔ ملی هم یعنی باید آرام‌آرام ما از کنار نفت بگذاریم آنجا و بعد آن را وام بدهیم، سرمایه‌گذاری کنند. خود این وامی که می‌دهیم، سرمایه‌گذاری کنند، سود آنچنانی ندارد. اگر بخواهیم سود بالا بگیریم که سرمایه‌گذاری توجیه ناپذیر می‌شود. مثل همین ذخیرهٔ ارزی باید سه درصد، چهارصد، دودرصد بدهیم که بصرفه و بیایند کارخانه بسازند. درواقع صندوق توسعهٔ ملی هدفش رشد و تولید است.

مجری: آقای احمدی‌نژاد ۱۰ دقیقه تان را ادامه می‌دهید با....

احمدی‌نژاد: نه، نه. بفرمایید.

رضایی: چقدی وقت صرف شد؟

مجری: عرضم به حضورتان که آقای احمدی‌نژاد حدود ۳۱ دقیقه صحبت کردند. شما هم حدود ۳۰ دقیقه. شما در دو نوبت صحبت کنید، چون صحبت پایانی برای شماست. یعنی یک ۵ دقیقه ای، ۶ دقیقه ای و بعد نوبت آقای احمدی‌نژاد است که ۱۰ الی ۱۱ دقیقه وقت دارند. بفرمایید.

رضایی: من در بعد مدیریت امنیتی قبلاً هم گفته ام. ما واقعاً قوی ترین سازمان اطلاعاتی

منطقه را ما داریم. قوی ترین پلیس را ما داریم، قوی‌ترین نیروهای مسلح را ما داریم. منتها مدیریت امنیتی ضعیف است. یعنی شورای امنیت کشور و شورای عالی امنیت ملی به نظر من باید خیلی قوی‌تر عمل بکند. الآن مصلحت نیست در این ایران مقتدر توی منطقه، ما این طور شاهد باشیم که این حوادث را داشته باشیم. این یک مسئله است.

بحث نخبگان برای من واقعاً جدی است. آقای احمدی‌نژاد از سؤال من در رفتند. می‌گویم که این نخبگان عظیمی که توی کشور هستند، ما الآن تعداد اساتید دانشگاه را خودشان می‌دانند، مردم می‌دانند. ایران امروز یکی از پرنخبه‌ترین کشورهای جهان است. من سؤالم این است که ما اینها را چطور می‌خواهیم درگیر توسعه بکنیم، نه درگیر اجرائیات دولت و مسائل اداری کشور که خب یکی از پاسخ‌هایش همین هست. سیاست‌های اصل ۴۴ را باید عمل کرد. کار را باید به آنها واگذار کرد. من توی طرح‌هایم گفتم. می‌شود ۵۰ درصد مدارس را به خود فرهنگیان ما بدهیم. به خود آنها درحقیقت تحویل بدهیم، لذا من فکر می‌کنم که ایشان به هرحال پاسخ من را ندادند. بله، دوستانی که با ایشان هستند، بعضی از اینها عناصر بسیار ارزشمندند. من اگر رئیس جمهور شوم، از برخی از اینها حتماً استفاده می‌کنم. مثلاً وزیر اقتصاد که ایشان می‌گوید، بله، من هم تأیید می‌کنم. خود من هم در مجلس کمک کردم ایشان رأی بیاورند، بعد از آقای دانش جعفری و از دوستان آقای دانش جعفری هم هستند و ما هم منظورمان این نیست که بیاییم هر کاری که خُب در گذشته شده، بریزیم بیرون. حتماً من این کار را نخواهم کرد. من مثل این دوازده سال اخیر که اتوبوسی آمدند و رفتند، من حتماً عمل نمی کنم. من از آدم های خوب ـ کارهای خوبی که آقای احمدی‌نژاد کرده، من حتماً ادامه می‌دهم. اما کارهای اشتباه یا کاستی هایی که بوده، حتماً من جلویش را می‌گیرم. من منظورم اینها نیست. من می‌گویم این جمع عظیم نخبگان کشور را ما چطور می‌خواهیم درگیر امر توسعه بکنیم که با سرعت بتوانیم به آن مقامی که می‌خواهیم در سطح جهانی واقعاً ما دسترسی پیدا بکنیم. من سؤالم درحقیقت این بود. فکر می‌کنم همین مقدار کافی است، آقای احمدی‌نژاد.

مجری: خیلی متشکرم. آقای احمدی‌نژاد، در خدمتیم.

احمدی‌نژاد: شما گفتید، دولت را زمان جنگ شما اداره می‌کردید. این جمله‌ای بود که شما گفتید؟ شما نوبتتان است، ادامه بدهید. حالا من سؤال هم کردم از شما. دولت را در زمان جنگ اشاره کردید. همین جا ضبط کردند.

رضایی: بله، من منظورم همین بود. که در بسیاری از شهرستان‌ها، استان‌ها اصلاً بار اصلی ادارهٔ دولت به دوش ما بود. توی خود مناطق پنج استان، درحقیقت مناطق جنگی، بسیاری از ما پاسدارهایمان را می فرستادیم فرماندار می شدند، استاندار می شدند. از صبح تا شب ما با اینها ارتباط داشتیم، جلسه می گذاشتیم. منظور من از ادارهٔ دولت این بود و بیشتر تأکید کردم به سه سال اول انقلاب. گفتم سه سال اول انقلاب که دولت مستقر نشده بود، عملاً ادارهٔ دولت در اختیار ما بود. دوران جنگ هم تا یک مدتی این طوری بود. بله.

احمدی‌نژاد: سه سال اول منظورتان کی است؟

رضایی: دیگر از سال ۵۸ که سپاه تشکیل شد. همان اوایل ۵۸.

احمدی‌نژاد: یعنی سال ۵۸ سپاه فرمانداران را نصب می‌کرد؟

رضایی: عمدتاً.

احمدی‌نژاد: آن موقع که هنوز جنگ نبود.

رضایی: جنگ نبود، ولی سپاه بود.

احمدی‌نژاد: شما گفتید در مناطق پنج گانه؟

رضایی: اینکه آقای بازرگان مرتب می گفتند که اینها در کار ما دخالت می کنند، مربوط به همین بود دیگر.

احمدی‌نژاد: یعنی استاندارهای آقای بازرگان فرماندارهای شما را می پذیرفتند؟

رضایی: استاندارهای بازرگان نه، ولی فرمانداران عمدتاً به عهدهٔ ما بودند. کسی غیر از این نمی‌توانست...

احمدی‌نژاد: چه‌جور می‌شود که آقای صباغیان که وزیر کشور بود، از شما فرماندار می پذیرفت؟

رضایی: خُب، شما تاریخ از یادتان رفته.

احمدی‌نژاد: آقای مدنی، نه یادم نرفته.

رضایی: چرا دیگر اتفاقاً...

احمدی‌نژاد: آقای مدنی در خوزستان از سپاه فرماندارانش را گرفت؟

رضایی: «تعیین» فرماندارهای اکثر شهرستان‌ها با ما بود. اکثر بخشدارها با ما بود. حالا شما تاریخ را بروید مراجعه کنید.

احمدی‌نژاد: من که بالاخره نمی گویم به اندازهٔ شما، چون شما چیزهایی که در مورد خودتان گفتید، من هیچ وقت جرئت نمی کنم راجع به خودم این حرفها را بزنم. اما آشنا هستم بالاخره با ساختار اداری کشور. شما فرمودید دولت را اداره می‌کردید. اینکه چندتا فرماندار بگذارید، تا اینکه دولت را اداره کنیم، اینها باهم خیلی فرق می کند. ادارهٔ دولت یعنی سیاست گذاری اقتصادی دولت، سیاست گذاری‌های فرهنگی دولت، سیاست گذاریهای سیاسی دولت. خُب اگر واقعاً بوده، من سؤال‌هایم را از آنجا از شما بپرسم که بالاخره اقتصاد زمان جنگ چه بود. مدیریت زمان جنگ چه بود؟

رضایی: ببینید، آقای احمدی‌نژاد، ما که دنبال چیز نیستم که...

احمدی‌نژاد: نه، چون شما فرمودید. بالاخره سؤالم را دارم می پرسم.

رضایی: ما در مقابل چهل میلیون نفر داریم صحبت می‌کنیم. هنرنمایی و تبلیغات هم که نمی‌خواهیم بکنیم. شما فرمودید که شما اطلاع ندارید از مسائل اداری.

احمدی‌نژاد: گفتم ساختار بوروکراسی کشور را نمی شناسید.

رضایی: و ساختار بوروکراسی را اطلاع ندارید و نمی شناسید. من گفتم که به عکس، ما از اولی که در انقلاب شرکت کردیم و بودیم و حضور داشتم، بسیاری از جاهای دولت را ما اداره می‌کردیم. بحث ساختار سیاست‌های اقتصادی بحث نبوده. شما الآن سؤالتان این است که من گفتم که سیاست‌های اقتصادی و ادارهٔ کلان دولت را ما نخیر، من چنین حرفی نزدم. من منظورم این بود که اینکه شما می‌گویید با ساختارهای اداری و اینها آشنا نیستید، چرا من آشنا بودم. دلیلش هم این بود که آن اوایل انقلاب این طور. بله، من...

مجری: آقای احمدی‌نژاد، ادامه بدهید.

احمدی‌نژاد: خُب، ببینید، ما اقتصاد را که می‌خواهیم اصلاح کنیم، باید بنیان‌ها را درست کنیم. با شکل‌ها که مشکلی حل نمی‌شود. ما بیاییم، نه تا فدرال درست کنیم. این یک شکل است که روش کار است. ما بیاییم یک صندوق درست کنیم. این روش کار است اما در اقتصادمان سؤالات اساسی مطرح است که باید به آنها پاسخ بدهیم. یک نمونه‌اش همین مصرف انرژی است. معادل چهار میلیون و دویست هزار بشکه مصرف انرژی داخل است. شما قبول دارید که این اسراف است؟ از یارانهٔ جدی هم استفاده می‌کند. یارانه‌اش هم ناعادلانه توزیع می‌شود، چون هر که بیشتر مصرف می‌کند؟ بیشتر می‌برد. پایهٔ بسیاری از پایین بودن بهره‌وری‌ها هم همین است، چون بسیاری از صنایع ما با انرژی سروکار دارد. اصلاً مدیریت منابع آموزش داده نمی‌شود در روند تجربه‌آموزی، برای اینکه همه یاد می‌گیریم اسراف کنیم. همه یاد می‌گیریم مصرف بیش از حد بکنیم. شما این را چه‌کارش می‌کنید؟ یعنی طرحتان برای این چیست؟ دو بحث است، تسهیلات بانکی است. شما می‌دانید که تسهیلات بانکی مثل رگ در خون است. این را چه جوری توزیع می‌کنید که همهٔ بخشهای اقتصادی کشور را پاسخ بدهد؟ دو تا سؤال.

مجری: آقای احمدی‌نژاد، خدمت شما...

احمدی‌نژاد: شما زمان بندی نکنید، ما می‌خواهیم بحث کنیم دیگر. چرا شما می‌خواهید هی قطع بکنید؟

مجری: می‌خواهیم که توافق هردو طرف باشد و زمان...

احمدی‌نژاد: من سؤال می‌کنم، ایشان جواب می‌دهد، من سؤال می‌کنم.

رضایی: استفاده کنید که... من جواب می‌دهم.

احمدی‌نژاد: بالاخره من سؤال کردم. نمی‌خواهید پاسخ بدهید؟

رضایی: نه، من که پاسخ می‌دهم. بالاخره شما صحبت دارید. شما الآن چقدر وقت مانده؟

مجری: من وقت را نگه می‌دارم.

رضایی: چقدر وقت مانده؟

مجری: عرضم به حضورتان که آقای احمدی‌نژاد حدود ۳۵ دقیقه تا حالا صحبت کردند و شما ۳۳ دقیقه.

رضایی: در بحث اینکه ما شکلی برخورد می‌کنیم.

احمدی‌نژاد: بالاخره از تجربیات شما استفاده بکنیم.

رضایی: نه تجربه، من برنامهٔ مفصلی دارم. این را شما می‌توانید به سایت من هم مراجعه بکنید، این پاسخ سؤالاتتان را پیدا کنید. چون من مفصل عرض کردم. چون من می‌خواهم یک انقلاب اقتصادی بکند و اگر این انقلاب اقتصادی اتفاقاً فرم و شکل نداشته باشد، این هم حرف‌های شعاری می‌شود که ما می‌آیم می‌گوییم که تحول اقتصادی می‌خواهیم درست بکنیم. خُب به چه شکلی، با چه مکانیسمی، با چه برنامه‌ای؟ اتفاقاً اینکه من شکل هم ارائه می‌کنم، بیانگر این است که هم تئوری وجود دارد، هم راهکارهای عملی وجود دارد. اما در مورد بحث درحقیقت یارانه‌ها، خُب من انتقاد اصلی‌ام به جناب عالی همین است. شما یارانه‌ها را بیشتر به‌سمت مصرف می‌برید. یکی از ابعاد انقلاب اقتصادی این است که یارانه‌ها را به سمت تولید و اشتغال ببریم که روشن هم هست. توضیحاتش روشن است. یعنی به‌جای اینکه ما میوه به مردم بدهیم، می‌خواهیم درخت میوه بدهیم. به جای اینکه ماهی بدهیم، می‌خواهیم ماهیگیری یاد بدهیم و قلاب ماهی بدهیم.

مجری: متشکرم.

احمدی‌نژاد: یعنی شما می‌خواهید تغییر قیمت ها را جبران نکنید و به مردم کار یاد بدهید؟ ما بین هزینه و قیمت تفاوت قائل هستیم، یعنی اول ما هزینه‌ها را کاهش می‌دهیم. این خودروهای بنجلی که درست می‌شود، این آبگرمکن ها و این تجهیزاتی که کارخانجات دولتی به مردم تحمیل می کنند و هزینه ها را می‌برند بالا، ما اول از اینجا شروع می‌کنیم، نه اینکه قیمت ها را بیاوریم بالا. واقعاً اگر مجلس این طرح جناب عالی را تصویب کرده بود و تورم ۶۰ الی ۷۰ درصد می شد معلوم نبود چه اتفاقی می‌افتاد.

احمدی‌نژاد: کارخانجات را با کدام منابع اصلاح می کنید؟ اینها باید نوسازی بشود دیگر.

کی الآن علاقه‌مند است بیاید، نوسازی کند؟ وقتی انرژی ارزان دارد، کدام کارخانه حاضر است بیاید سرمایه‌گذاری کند؟ این هم یک اشکال دیگر دولت شماست یعنی

احمدی‌نژاد: این اشکال دولت ما نیست، اشکال طرح شماست.

رضایی: شما امنیت سرمایه‌گذاری را نمی‌توانید تأمین کنید.

احمدی‌نژاد: ببینید...

رضایی: من امنیت سرمایه‌گذاری را تأمین می‌کنم. از کارآفرین ها را حمایت می کنم. از سرمایه‌گذاری‌های خارجی استفاده می‌کنم.

احمدی‌نژاد: کارخانه ای الآن موجود است، بازدهی‌اش پایین است، شما چطور بازدهی‌اش را بالا می‌بری، وقتی انرژی ارزان در اختیارش هست؟

رضایی: شما اگر امنیت می‌دادید توی این چهار سال، مطمئن باشید، انگیزه پیدا می‌کردند. الآن ببینید، کارآفرینان خودشان را متعلق به دولت نمی‌دانند. یک شکاف بین خودشان... ناامنند. امروز خصوصی سازی می‌شود، فردا طرف توی هیئت مدیره راهش نمی‌دهند. مثلاً می گویم.

احمدی‌نژاد: خُب ببینید، بالاخره حرف‌هایی که جناب عالی زدید، یک سلسله ادعاست. جناب آقای رضایی، با همهٔ احترامی که برای شما قائل هستم، ما دولت را وقتی تحویل گرفتیم، ۵۰ هزار بنگاه اقتصادی پروانهٔ بهره برداری داشت، الآن شده ۸۰ هزار. این معنایش این است که امنیت اقتصادی بهتر از قبل است، اما یک واژهٔ کلی می گویید، بعد توی آن معلوم نیست چه هست. واژهٔ امنیت اقتصادی به نظرم دیگر برای من و شما خوب نیست که با هم این جوری حرف بزنیم. ما باید واقعی صحبت بکنیم. قبل از این دولت ۵۰ هزار بنگاه بوده، الآن شده ۸۰ هزار بنگاه. اینها پروانهٔ بهره برداری گرفتند. رشد تولید ما و رشد اقتصادی ما که بیشتر از دولت گذشته است، پس چطور می‌گویید این دولت امنیت برقرار نکرده یا بلد نیست. من سؤالم از شما یک سؤالی فنی روشن است. من می‌گویم بنگاه‌هایی داریم، به قول شما ۸۰ هزارتا، اینها دارند تولید می کنند، اینها قیمتشان بالاست، انرژی ارزان استفاده می کنند. شما می‌خواهید قیمتش را پایین بیاورید.

چه جوری پایین می آوری؟ یعنی چه انگیزه ای ایجاد می کنی که این صاحب کارخانه برود ماشین آلات جدید بیاورد، مصرف انرژی را بیاورد پایین، مدیریتش را بهتر کند، تا قیمتش پایین بیاید؟ این سؤال خیلی ساده‌ای است که ما بتوانیم با یک رئیس کارخانه هم حرف بزنیم. شما چه جوری این مسئله را حل می کنید؟

رضایی: اولین کاری که می‌کنم، آقای احمدی‌نژاد، توی سیستم بانکی دخالت نخواهم کرد. خُب، شما دخالت‌هایی که در سیستم بانکی کردید و اصلاً مسیر پول را به یک سمت دیگر بردید. خُب، این چه آثاری داشت؟

احمدی‌نژاد: ما چه دخالتی کردیم؟

رضایی: خود کارآفرینان بگویند.

احمدی‌نژاد: ما چه دخالتی در سیستم بانکی کردیم؟

رضایی: خیلی چیزها را، شما اصلاً سیستم بانکی را، شورای عالی پول و اعتبار را منحل کردید. خود جناب عالی شدید رئیس کل سیستم پولی. اصلاً مگر می‌شود توی دنیا ـ مگر می‌شود سیستم پولی کشور بدون متولی باشد؟ خُب شما این را برداشتید. این یکی از ناامنی هایی است که من می گویم.

احمدی‌نژاد: بسیار خُب، جهت اطلاع جناب عالی شورای عالی پول و اعتبار هست. در کمیسیون اقتصادی دولت باهم تشکیل می‌شود. نمایندگان ناظر مجلس هم شرکت می کنند. دخالت دولت در بانک ها این نیست که شما می گویید. من این را می گویم، چون قبل از شما گفتند، همه بدانند. تا قبل از این دولت همهٔ دولت‌ها از بانک مرکزی قرض گرفتند، الا این دولت. پس ما دخالت نکردیم در بانک مرکزی. دو: در تسهیلاتی که داده شده است ۸ درصد کل تسهیلات رفته برای بنگاه های کوچک. این هم آیین نامهٔ مصوب دولت دارد که طبق قانون دولت فوق شورای پول و اعتبار است. بعد رفته خود شورای پول و اعتبار هم آن را تأیید کرده، ۸ درصد پرداخت شده، ۹۰۰ هزار شغل درست کرده. اگر این می شد ۲۰ درصد، حتماً الآن ما بیکاریمان زیر ۴ الی ۵ درصد بود. من متأسفم که بعضی‌ها از ۹۲ درصد که بدون هیچ کنترل و نظارتی هست، دفاع می کنند. اما با این

۸درصد می‌گویند دخالت است. اگر شما آیین نامه را خوانده باشید، دولت هیچ دخالتی توی این هم نکرده. نوشته که بانک‌ها خودشان مسئولند، خودشان ناظرند، خودشان ارزیابند، خودشان هم باید بروند کنترل بکنند. ما چه دخالتی کردیم؟ در دولت‌های قبل از ما، آخرین دولت، چهارده درصد از منابع بانکی را شرکت‌های دولتی گرفتند. در این دولت شده ۸ درصد، آن ۸ درصد هم از سپرده‌های قانونی کم کردیم. صددرصد را دادیم به بخش خصوصی.

مجری: آقای احمدی‌نژاد، شما دو دقیقه وقت دارید که دیگه صحبت را به پایان ببرید.

احمدی‌نژاد: بگذار ایشان صحبت کنند، بعد من.

مجری: آقای رضایی، چهار دقیقه صحبت پایانی را بفرمائید.

احمدی‌نژاد: خب، البته من نمی‌خواستم واقعاً این طور بشود که ایراد بگیریم از دوستان خودمان، ولی بالاخره بعضی مسائل را باید اینجا مطرح بکنیم. آقای محسن رضایی، شما فرمودید که از نخبگان استفاده می‌کنید. نمی گویم نمی کنید، دولت هم استفاده می کند، ولی هیچ دولتی و هیچ کسی نمی‌تاند همهٔ نخبگان کشور را به‌کار بگیرد، برای اینکه خیلی‌ها علاقه‌مند نیستند یا امکانش برای آنها نیست. ضمن اینکه شما نمی‌توانید جمع‌بندی کنید. بهترین حالت این است که شما بیشترین نخبگان را درگیر کنی. شما دو سال قبل آمدید در تلویزیون، یک نظری دادید. گفتید یک ماه دیگر جنگ می‌شود. این حاصل نظر نخبگان بود؟ بعداً گفتید من چون این را گفتم حمله برطرف شد و دشمن حمله نکرد. می‌دانید که آمریکا هرجا می‌خواهد حمله کند، شش ماه قبلش خبر می‌دهد. شما به عنوان یک سیاستمدار اگر هم می‌دانستید، آیا باید می گفتید؟ یعنی پشت جبههٔ مردم خودتان را خالی می‌کردید، واقعاً به عنوان یک سیاستمدار؟

مجری: اگر با مردم من.

احمدی‌نژاد: خُب، این ۳۰ ثانیه اش را بگذارید آخر با مردم خداحافظی می‌کنیم دیگر.

مجری: نه دیگر، الآن بفرمایید.

احمدی‌نژاد: بله. من تشکر می‌کنم از آقای رضایی، از ایشان، از مردم عزیز که تحمل

کردند، سه جلسه، منتها تهمت‌هایی که در این مناظرات غیر از جلساتی که خودم بودم، به بنده زده شد، متأسفانه در حضور من استدلالی نداشتند، پشت سر حرف زدند. وقت بنده محفوظ است که باید بیایم آنها را ان شاءالله پاسخ بدهم. از شما هم که حوصله کردید، تشکر می‌کنم.

مجری: خیلی متشکرم، ممنونم. آقای رضایی.

رضایی: من چقدر وقت دارم؟

مجری: ۴ دقیقه.

رضایی: من اتفاقاً یکی از اشکالات جدی‌ام با آقای احمدی‌نژاد این است که ایشان خودشان را به فوق‌تخصصی همهٔ مسائل می‌دانند. یعنی توی بحث‌های امنیت ملی فکر می‌کنم، تنها ایشان مثلاً خیلی می‌فهمد، و توی اقتصاد. همین هم باعث شده که یک نوع تنهایی در اطراف ایشان به‌وجود بیاید و هیچ‌کس هم در اطرافش امنیت ندارد. مرتب هم هی اینها را جابه جا می‌کند. ایشان به‌جای اینکه می‌آمد از آن اطلاعیهٔ سازمان اطلاعاتی آمریکا به‌عنوان یک کار بزرگ دفاع می‌کرد، باید از نیروهای مسلح ایران، از رهبری و از روشنفکران ایران که با اقدام باز دارنده از حملهٔ آمریکا به ایران جلوگیری کردند ـ سه بار آقای بوش تصمیم گرفته به ایران حمله بکند، اما این اقدام خنثی شده ده‌ها مانور نیروهای مسلح گذاشتند. مقام معظم رهبری بارها به نیروهای مسلح گفته شما جنگ را صددرصد بگیرید. ایشان هر که توی دولتش، توی استانداری‌ها می‌گفت که آقا، آماده باشید که اگر جنگ شد، خودتان را آماده بکنید، ایشان آن را بیرون کرده. بنابراین نشان می‌دهد که به‌نظر من یکی از اشکالات جدی ایشان این است که اگر دوباره بخواهند رئیس جمهور بشوند و واقعاً امنیت ملی ما را این‌طور بخواهند اداره بکنند، حتماً ما در معرض خطرات جبران‌ناپذیری در کشور قرار می‌گیریم. من به ایشان به‌عنوان یک برادر که خودشان هم می‌دانند، دلسوزش هم هستم، توصیه می‌کنم که اصلاً این‌طور فکر نکند. جنگ آمریکا با ایران قطعی بود. هوشیاری مقام معظم رهبری و مانورهای نیروهای مسلح...

احمدی‌نژاد: بالاخره این اظهارنظر شما و باعث شد...

رضایی: و اتفاقاً یکی از کارهایی که باعث شد آقای بوش این کار را نکند، افشاگری‌های وسیع و گسترده‌ای بود که در سطح تحلیلگران نظامی شروع شد. آقای بوش به انفعال افتاده بود و مرتب می‌گفت که این حرف‌ها جوسازی‌اند علیه من، من اصلاً نمی‌خواهم حمله کنم. درحالی که قصد حمله‌اش قطعی بود و خنثی شد. مسئلهٔ بیکاری هم که ایشان گفتند: این آقایان آمدند معیار بیکاری را عوض کردند، گفتند هفته‌ای دو ساعت، یعنی شغل قبلاً هفته‌ای دو روز بوده، لذا بیکاری به‌طور واقعی در کشور ما الآن بیست درصد است، خود مردم ایران قضاوت کنند. مردم، شما در خانواده‌تان چند تا آدم بیکار دارید؟ با این درصدی که آقای احمدی‌نژاد می‌گوید، واقعاً این تطبق پیدا می‌کند؟ شما قضاوت بکنید. لذا من به‌نظرم می‌آید با اعداد ما نباید واقعیت‌ها را کتمان بکنیم، حقایق را کتمان کنیم. من نمی‌گویم خدای ناکرده ایشان دروغ می‌گوید. من اصلاً چنین ادبیاتی را قبول ندارم. ولی این نوع عددسازی‌ها هم که یک نوع راست‌نمایی است که این هم درست نیست. این مثل این است که ما سرمان را بکنیم زیر برف، حقایق را ندانیم و پیش‌بینی نکنیم و بعد توی بحران که می‌افتیم. ایشان می‌گفت که قیمت نفت مگر ممکن است از صد دلار بیاید پایین. یک ماه بعد این طور شد. یا صحبت‌های زیادی ایشان کردند به عنوان پیش‌بینی، خیلی از آنها اشتباه از کار در آمده. من فکر می‌کنم، باز باید اشاره کنم به همان بحث نخبگان اگر جناب عالی واقعاً از نخبگان استفاده می‌کردید، امکان نداشت این اتفاقات بیفتد. خُب، البته سخت است، آدم را به چالش می‌کشند. بردهٔ آدم که نیستند. توی جنگ که ما می‌خواستیم عملیات بکنیم، به من می‌گفتند: برادر محسن، شما چرا این کار را می‌کنید. من عصبانی نمی‌شدم که به اینها بگویم احمق، یا نمی‌فهمید. یا «می‌گفتند: چرا» این کار را نمی‌کنید؟ با آنها کار می‌کردیم. به‌نظر من آقای احمدی‌نژاد باید روحیات و رفتارشان را عوض بکنند تا بتوانند ان شاءالله...

احمدی‌نژاد: نرخ رشد را دولت قبل عوض کرده، همین را مردم بدانند.

مجری: آقای احمدی‌نژاد، اجازه بفرمایید. شما یک صحبتی پس دارید. اجازه بفرمایید. چندثانیه‌ای صحبت بفرمایید.

رضایی: نه، من معتقدم این عددسازی دارد صورت می‌گیرد. توی کشور و من اگر رئیس دولت بشوم، به همهٔ مسائل پایان خواهم داد.

مجری: خیلی متشکرم، ممنون. مناظرهٔ خوبی بود. من از هردو بزرگوار تشکر می‌کنم که در این بحث شرکت کردند. خسته نباشید می‌گویم و خسته نباشید به شما مردم عزیز. ان شاءالله همدیگر را در روز جمعه پای صندوق های رأی خواهیم دید. خدا نگهدار.

بخش سوم

انتخابات و تحولات بعد از آن

نامهٔ هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب و برخی واکنش‌ها

مناظره میرحسین موسوی و احمدی‌نژاد در چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۸۸ به عنوان جنجالی‌ترین مناظره، واکنش ها و انعکاس های فراوانی به دنبال داشت. میرحسین موسوی در نامه ای به مقام معظم رهبری از ایشان خواست تا جلوی برخی رفتارهای رئیس جمهور و هوادارانش گرفته شود. محمد هاشمی رفسنجانی در نامه ای به مهندس عزت الله ضرغامی او را متهم به تبانی با رئیس جمهور کرد و اعلام داشت که آقای احمدی‌نژاد باید اتهامات مطرح کرده را در دادگاهی صالح اثبات کند. اکبرهاشمی رفسنجانی، کرباسچی، جبههٔ مشارکت و صفایی فراهانی هم نامه هایی به صدا و سیما نوشته و دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در بیانیه‌ای نکاتی در خصوص مناظره ذکرشده را به اطلاع مردم رساند.[1] اما مهم‌ترین واکنش به مناظره انجام شده، نامهٔ هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب بود که حاوی مطالب مهمی بود و مورد ارزیابی های مثبت و منفی قرار گرفت و در برابر آن هم موضع گیری‌های مثبت و منفی ابراز شد. تندترین موضع گیری از سوی برخی علماء قم، به ویژه آیت‌الله یزدی، رئیس جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم و روزنامه کیهان، علیه نامهٔ آقای هاشمی گرفته شد که واکنش آیت‌الله یزدی و یادداشتی از روزنامه کیهان علیه این نامه ذکر می شود.

---

۱. روزنامهٔ *اعتماد*، یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۸، شمارهٔ ۱۹۶۹، صفحهٔ اول.

متن نامه

بسم الله الرحمن الرحیم

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه ای زیده عزّه

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانهٔ آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه چینی های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک های ضدانقلاب در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت زدن ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم ولجن پراکنی های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح‌شده، ادعای اینکه مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت الشعاع قرادادن گزارش های مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چندهزار تخلّف در اجرای بودجه ها می باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می داند.

ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلافگویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی مان را نشانه گرفته بود.

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام(ره) در قامت مجاهد پیشتاز، رئیس جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسئولیت های ممتازی به عهده داشته اید.

نقطهٔ قابل توجه دراین تهمت ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب عالی که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت ها را مورد تأیید و تحسین قرارداده اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیانگذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب عالی و این جانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و به خصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد‌آشنا با تشکیل گروه حقیقت یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.

البته این جانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.

این جانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانهٔ انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام(ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسؤال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس‌بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف های ذیحق براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رئیس قوه قضاییه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری این جانب، در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزّه بودن خانوادهٔ رئیس

جمهور و حتی کم شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می طلبد.

مع الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت شان دیدند و بی شک جامعه و به خصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدّی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود؛ اقدام به نوشتن چنین نامه ای نمی کردم.

معتقدم جناب عالی به خوبی می دانید که این جانب و بسیاری از بزرگان تأثیر گذار انقلاب و حتی خود جناب عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع مورد تهاجم افراد لاابالی و ضد انقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت ها و اهانت ها را پشت سر گذاشته ایم و در دور جدید تهمت ها و هجمه ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و به خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می دارم و از این جهت هم مورد گلایهٔ بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم ومهم این است که این بار این تهمت ها توسط رئیس جمهور و در رسانهٔ ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق کشی های ناگفتهٔ انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی مان کمتر تحت تأثیر خلاف گویی‌ها قرار می گیرند و دلیل آن آراء افتخارآمیز مردم به این جانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است و نیز خوب می دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به‌خاطر مسئولیت‌های رسمی‌ام در رسانه ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریانهای درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌ها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته ام برنامهٔ شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست این جانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از این جانب درخواست حمایت نکرده‌اند و اگر هم در جلساتی به‌هم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند و اگر

حزب یا گروهی در مورد جهت گیری در انتخابات نظر خواسته اند، گفته ام براساس آیین‌نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم خودشان و همکارانشان در صحنه اند و عمل می کنند و انصافاً تهمت دست نشانده بودن آنان ستم و بی حرمتی غیرقابل توجیه است.

بجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر این جانب مطلع‌اند که من ادامهٔ وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی دانم و خود جناب عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می دانید. ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ نمایی کرده‌اند که هدف بزرگ نمایی در آن مناظره روشن شد.

با این همه، بر فرض اینکه این جانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی شک بخشی از مردم و احزاب و جریان ها این وضع را بیش از این بر نمی تابند و آتش فشان هایی که از درون سینه های سوزان تغذیه می شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان ها، خیابان ها و دانشگاه ها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها؛ دروغ‌ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلّف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلّف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب؛

اکنون که امام راحل (ره) آن پیر فرزانه و حلّال مشکلات و ملجأ همه و یار صبور و دیرینه هردوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از همسنگران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند؛ در بین ما حضور ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم. از جناب عالی با توجه به مقام و مسئولیت و

شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.

لذا در فرصت باقی مانده ضروری به نظر می رسد خواستهٔ حق حضرت عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه گران نتوانند با حدس و گمان نصّ پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش افروخته بریزند.

سر چشمه شاید گرفتن به بیل   چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

دوست، همراه و هم سنگر دمی‌روز، امروز و فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی[1]

مصاحبهٔ آیت‌الله یزدی دربارهٔ نامهٔ هاشمی رفسنجانی

آیت الله شیخ محمد یزدی درپاسخ به سؤال خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس که دربارهٔ صحت و سقم این جمله هاشمی رفسنجانی که خطاب به رهبری نوشته بود: رئیس قوهٔ قضاییهٔ وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری این جانب، رسماً اعلام پاکی و منزه بودن خانوادهٔ رئیس جمهور و حتی کم شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند» افزود: این سؤال در جاهای دیگر هم از من سؤال شده که این جمله که آقای هاشمی در نامهٔ سرگشاده خطاب به مقام معظم رهبری نوشته اند که فلانی، یعنی من، به عنوان رئیس قوهٔ قضائیه گفته است که مثلا دربارهٔ اموال ایشان بحثی نبوده است مربوط به ده سال قبل است.

---

۱. چاپ شده در بیشتر روزنامه ها و سایت های خبری چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۸، از جمله روزنامهٔ همشهری، همبستگی و اطلاعات و سایت های خبری آفتاب و امروز.

آیت الله یزدی اضافه کرد: از ده سال پیش به این طرف، من دیگر در دستگاه قضایی نبودم. این انتساب برای ده سال پیش است. در زندگی هم می دانیم و تاریخ نشان می دهد خیلی حوادث مختلف پیش می آید. بنابراین باید مشخص شود که این جمله مال الآن نیست و نباید الآن مورد استناد قرار گیرد.

رئیس جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم افزود دربارهٔ برخی تعابیر در نامهٔ هاشمی مبنی بر آتشفشان های سوزان و اجتماعات خیابانی یادآور شد: مردم ما به راحتی می توانند قضاوت کنند. وقتی مقام معظم رهبری در آخرین سخنرانی شان در روز ۱۴ خرداد در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) با صراحت همه مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کردند و امر به خودداری از درگیری و برخوردها فرمودند و تصریح کردند که اگر جایی کسانی دنبال ایجاد درگیری هستند یا خائن یا غافل هستند، دیگر چه عبارتی بالاتر از این است؟

وی اظهار داشت: این عبارت خیلی مفهوم دارد. مردم ما از این عبارات به راحتی می توانند بفهمند که منظور چیست؟ بنابراین هر کس در جریان انتخابات به عنوان تبلیغات انتخاباتی بخواهد در هر گوشه مملکت تشنجی با هر درجه ای ایجاد کند، به تعبیر مقام معظم رهبری یا خائن است و یا غافل.

آیت الله شیخ محمد یزدی اظهار داشت: معلوم است که این صلاح مملکت نیست و به نظر ما هیچ آتشفشانی هم وجود ندارد. جوانانی طرفدار این طرف و یا آن طرف هستند، یک شعاری هم می دهند. اما به معنی اینکه آتشفشانی وجود داشته باشد، من این مسئله را احساس نمی کنم. اما اگر ایشان احساس می کنند خودشان می دانند.

وی افزود: من در صدد پاسخگویی به حرف‌های ایشان و نامهٔ ایشان نیستم. من به طور کلی می توانم بگویم که کشور رهبر دارد، مسئول کشور رهبر است و مسلماً مردم و همهٔ علما، روحانیت و مسئولان نظام به رهبری ایشان اعتقاد داشته و جملگی تابع فرامین و منویات ایشان هستند.

وی یادآور شد: آقای هاشمی رفسنجانی مسئولیت مجمع تشخیص مصلحت را دارند و

سمتی به عنوان رهبری ندارند. رهبر کشور مسئول کل کشور است و امنیت کشور به عهدهٔ ایشان است. آرامش کشور به عهدهٔ ایشان است. ایشان دستورات لازم را صادر فرموده اند و می فرمایند: اگر کسی هم خلافی کرده یا خلافی کند، در جای خود تذکرات لازم را به او می دهند.

رئیس جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم یادآور شد: مقام معظم رهبری اقدامات لازم را انجام می دهند. ایشان در جریان انتخابات برای پیشگیری از هرگونه التهاب و درگیری به صراحت دستوراتی به مقتضای رهبری شان داده اند. اجرای آنچه ایشان فرموده اند، وظیفهٔ همه ماست و دیگر ما نباید در این جریانات تابع آنچه در برخی کشورهای خارجی و جاهای دیگر می گذرد که در ایام انتخابات درگیری، زد و خورد و کشت و کشتار به راه می اندازند، باشیم.

وی گفت: مردم ما هر سال یک انتخابات برگزار کرده‌اند که همهٔ این انتخاب ها با آرامش و صحت و سلامت برگزار شده است. مقام معظم رهبری چندی پیش هم راجع به اظهارات برخی افراد که انتخابات گذشته را خلاف دانسته بودند، تصریح کردند، انتخابات با صحت و سلامت برگزار شده است.

رئیس جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم گفت: من هم به عنوان عضو شورای نگهبان عرض می‌کنم شورای نگهبان ناظر است، بر اساس وظیفهٔ شرعی خود و وظیفهٔ قانونی خود حاضر در انتخابات است و نظارت کامل خواهد داشت. اگر شورا تخلفی ببیند این تخلف را به قوه قضائیه منعکس می کند و قوه قضائیه مسئولیت دارد و رسیدگی می کند. ما نباید بدون جهت جو را ملتهب کنیم.

وی یادآور شد: فرض کنید کسی هم جمله ای گفته است و نمی بایست می گفت، پیگیری آن روال قانونی دارد. معمولا شکایت می کنند و شکایت به دستگاه قضایی میرود؛ دستگاه قضایی هم رسیدگی می کند و آنچه که تکلیف است انجام می دهد. به هرحال، تصور من این است، در حال حاضر هر نوع تشدید التهاب در جامعه مقابله و مخالفت با نظام و اهداف مقدس آن است. در کل، به هر حال من آنچه که باید عرض کنم همین است که

بحمدالله کشور رهبر دارد و رهبر هم بحمدالله امام گونه عمل کردند و در تاریخ پس از رحلت حضرت امام در طول این ۲۰ ساله رهبر عظیم الشان امام گونه عمل کردند. ملت ما کاملا تشخیص می دهند و بحران‌هایی که در طول این مدت کشور پشت سر گذاشته با هدایت و رهبری مقام معظم رهبری گذاشته است.

عضو فقهای شورای نگهبان تأکید کرد: مردم ما در سایهٔ تدین و وحدتشان پشت سر مقام معظم رهبری هستند. تعابیری که موجب تفکیک جامعه و تفرقه جامعه شود به نظر من این تعابیر مصلحت نظام و انقلاب نیست. حالا به هر حال آقای هاشمی نامه را خطاب به رهبری نوشته اند و ایشان آنچه که به نظر شریفشان باشد اقدام خواهند فرمود.

آیت الله شیخ محمد یزدی افزود: در کل، آنچه که آدم می فهمد، مردم کشور ما رشد سیاسی خودشان را یافته اند و تشخیص خودشان را داده اند و ایشان را رهبر، مدیر، مدبر و واجد همهٔ شرایط می دانند و پشت سر رهبری خودشان هم حرکت می کنند.

وی در پاسخ به این سؤال که هاشمی در نامه اش خطاب به مقام معظم رهبری نوشته است که «برای رفع فتنه های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هر گونه که صلاح می دانید اقدام موثری بنمایید» گفت: ما چیزی به عنوان آتش و دود و این چیزها نمی فهمیم. مگر خدای ناکرده کسانی بخواهند فتنه ای برپا کنند. فتنه بر پا کردن غیر از این است که انسان بخواهد تبلیغ فتنه بکند.

وی اظهار داشت: در هر صورت، مطالبی که من عرض کردم از روی دلسوزی و احساس تکلیف بود.

آیت الله شیخ محمد یزدی، رئیس جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، در پایان گفت: ان شاءالله مردم در جمعه ۲۲ خرداد ۸۸ در انتخابات شرکت خواهند کرد و همان گونه که مقام معظم رهبری فرموده اند، هر کس به کسی که تشخیص داده رأی خواهد داد و کشور به راحتی و خوبی اداره خواهد شد.[1]

---

۳. خبرگزاری فارس، ۸۸/۳/۲۰، ساعت ۱:۴، شماره ۸۸۰۳۲۰۰۰۰۲.

یادداشت روزنامهٔ کیهان

مخاطب کیست؟! (نکته)

دربارهٔ نامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خطاب به رهبر معظم انقلاب که روز سه شنبه ۸۸/۳/۱۹ و به صورت سرگشاده منتشر شد و بلافاصله پس از انتشار با استقبال همراه با ذوق زدگی فراوان محافل بیگانه و برخی جریانات بدسابقه و آلودهٔ داخلی روبه‌رو گردید، اگرچه گفتنی های فراوانی هست ولی در این مختصر به اشاره چند نکته بسنده می‌کنیم:

۱. انتشار سرگشادهٔ این نامه نشان می دهد برخلاف عنوانی که دارد خطاب به رهبر معظم انقلاب ـ و یا فقط خطاب به ایشان ـ نوشته نشده است، بلکه جناب رفسنجانی به مخاطبان دیگری غیر از رهبرفرزانهٔ انقلاب نظر داشته اند. این مخاطبان چه کسانی بوده اند؟! توده‌های مؤمن و انقلابی مردم که از این اقدام غیرمنتظره آقای هاشمی انگشت حیرت به دندان گزیده و تأسف می خورند و اما، دیگران... که بگذریم!

۲. آقای رفسنجانی گلایه کرده‌اند که آقای احمدی‌نژاد در مناظرهٔ تلویزیونی به ایشان اهانت کرده و تهمت زده است. خب! این چه ربطی به رهبر معظم انقلاب دارد؟ و چرا انتظار دارید که آن بزرگوار وارد دعوای جناح سیاسی شما با یک جریان سیاسی دیگر شود؟ رهبر معظم انقلاب متعلق به همهٔ مردم با سلیقه های سیاسی گوناگون است و دلیلی ندارد ـ و از ساحت عدل ایشان نیز به دور است ـ که در نزاع جریانات سیاسی با یکدیگر به نفع این جریان و یا علیه آن جریان دخالت فرمایند...

۳. اگر آقای احمدی‌نژاد به افرادی از خانوادهٔ جناب هاشمی رفسنجانی اهانت کرده و از این روی ایشان را قابل سرزنش می دانند چرا اهانت های پی درپی و بیش از ۳۲۰ هزار عنوان علیه رئیس جمهور قانونی و منتخب مردم که طی ۴ سال گذشته، صورت گرفته قابل سرزنش نباشد؟! طیف یادشده به گواهی اسناد مکتوب و موجود از هیچ اهانت، افتراء، تمسخر، دروغ پراکنی و ناسزاگویی علیه رئیس جمهور منتخب و محبوب مردم دریغ نکرده‌اند و در این میان فرزندان جناب هاشمی رفسنجانی سهم قابل ملاحظه‌ای داشته اند. مگر خانم فائزه هاشمی در یک اهانت آشکار و مجرمانه مردم ایران را به خاطر

انتخاب آقای احمدی‌نژاد «مردمی که دچار نکبت شده‌اند»! ندانست؟! و مگر همین خانم در همایش طرفداران مهندس موسوی و در حالی که تعدادی از زنان با شال‌های سبز به رقص و پایکوبی مشغول بودند، ایران اسلامی را در صورت انتخاب مجدد احمدی‌نژاد «بربادرفته» معرفی نکرد؟! تهمت‌هایی نظیر دیکتاتور! فاشیست! بی‌سواد! و... علیه رئیس جمهور مردمی که فراموش شدنی نیست.

بنابراین، چرا طی این چند سال متمادی، جناب آقای رفسنجانی احساس آزردگی خاطر نکردند؟! انتظار این بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیم‌نگاهی نیز به این سوی ماجرا می‌داشتند. ضمن آنکه مطابق قانون اساسی اهانت به رئیس جمهور اقدامی مجرمانه و قابل تعقیب است.

۴. ممکن است گفته شود آنچه آقای احمدی‌نژاد در مناظرهٔ تلویزیونی خود علیه فرزندان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر زبان آورده هم اهانت است و هم واقعیت ندارد. که باید پرسید مگر آنچه فرزندان و احزاب و گروه‌های مورد حمایت آقای هاشمی علیه احمدی‌نژاد بر زبان و قلم آورده‌اند، واقعیت داشته و اهانت نبوده است؟!

۵. با توجه به آنچه گذشت و با عرض پوزش از جناب هاشمی رفسنجانی باید گفت، انتظار ایشان از رهبر معظم انقلاب برای محکوم کردن آقای احمدی‌نژاد، انتظاری ناعادلانه است که ساحت مقدس ولی امر مسلمین از بی‌عدالتی و بی‌انصافی منزه بوده و هست و به‌یقین آیت‌الله هاشمی نیز که خود از شخصیت‌های نامدار انقلاب هستند جز این نمی‌پسندند. چرا که دخالت رهبر معظم انقلاب در این ماجرا و به نفع فرزندان آیت‌الله هاشمی به معنای تأیید انبوه اهانت‌ها و تهمت‌های ۴ ساله علیه آقای احمدی‌نژاد خواهد بود و حال آنکه اگر اظهارات رئیس جمهور در مناظرهٔ تلویزیونی برای یک بار قابل محکوم کردن باشد، طیف مقابل برای حداقل ۳۲۰ هزار بار مستحق توبیخ و محکوم شدن است.

۶. و بالاخره، دربارهٔ نامه سرگشادهٔ!! آیت‌الله رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب اگرچه گفتنی‌های دیگری نیز هست ولی باید گذاشت و گذشت، زیرا اقدام اخیر ایشان را یک «خطا»ی ناخواسته می‌دانیم که متأسفانه به نفع دشمنان نظام و علیه شخص ایشان تمام شده است و آقای

هاشمی به یقین می دانند و بارها شاهد بوده اند که در روزهای حادثه، مردم وفادار به اسلام و انقلاب از ایشان در مقابل هجوم ناجوانمردانهٔ کسانی که امروزه، سنگ حمایت از وی را به سینه می زنند، دفاع کرده اند و صد البته هاشمی رفسنجانی را مثل همیشه در اردوگاه خودشان می پسندند.[۱]

اعلان پیروزی قبل از شمارش آراء

علی اکبر محتشمی پور، رئیس کمیتهٔ صیانت از آراء میرحسین موسوی، در حالی که بیش از ۱۰ روز به انتخابات مانده بود، اعلام کرد که اگر انتخابات سالم برگزار شود، میرحسین ۳۰ میلیون رأی می آورد. معنای دیگر اظهار نظر آقای محتشمی پور آن بود که اگر میرحسین ۳۰ میلیون رأی در صندوق نداشته باشد، حتماً انتخابات سالم برگزار نشده است. متن دقیق جملهٔ محتشمی پور به نقل از سایت یاری نیوز چنین بود:

«پیش بینی می شود، اگر انتخابات سالم برگزار گردد، میرحسین موسوی ۳۰ میلیون رأی در صندوق آراء دارد و ما معتقدیم این انتخابات، انتخابات کاملاً مردمی است و این مردم هستند که این انتخابات را برگزار می کنند.[۲]»

خانم عفت مرعشی، همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم در روز رأی گیری و هنگام انداختن رأی خود به صندوق آراء حسینیهٔ جماران، مطلبی مشابه سخنان محتشمی پور گفت. او با اظهار امیدواری به اینکه در انتخابات تقلب نشود و اینکه اگر کسانی در انتخابات تقلب کنند، او در پل صراط از آنها نخواهد گذشت گفت: «در صورتی که تقلبی انجام نشود، مطمئن هستم که میرحسین موسوی رأی خواهد آورد.[۳]»

در ظهر روز انتخابات سیدمحمد خاتمی هنگام انداختن رأی خود در صندوق آراء، اگر چه اعلام می کند که پیشگو نیست، ولی در مقابل خبرنگاران می گوید که همه شواهد امر حاکی است که مهندس موسوی انتخابات را برده است.[۴]

---

۱. روزنامهٔ *کیهان*، پنج شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۸، شماره ۱۹۳۸۳، صفحهٔ دوم.
۲. سایت یاری نیوز، ۹ خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۲۱۵۲.
۳. سایت آفتاب‌نیوز، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، کد مطلب ۹۰۶۳۷.
۴. سایت کلمه ۸۸/۳/۲۲، ساعت ۱۳:۲۶، کد مطلب ۹۶۸۱، و سایت امروز با کد خبر ۲۳۴۶.

ابوالفضل فاتح رئیس کمیتهٔ اطلاع رسانی و تبلیغات ستاد موسوی هم در ساعت ۱۳ و یازده دقیقه ظهر روز انتخابات اعلام کرد که بر اساس برآوردهای موجود و گزارش های دریافتی از سراسر کشور پیروزی مهندس موسوی با فاصلهٔ زیاد در مرحلهٔ اول انتخابات قطعی است و برای این پیروزی سجدهٔ شکری به خداوند بدهکار شده اند.[۱] علاوه بر این، سایت‌های متعلق به موسوی در روز انتخابات مرتب اخباری را پخش کردند که حکایت از برتری ایشان و انتخاب او در همان مرحله اول را داشت. سایت یاری نیوز در یک خبر آراء میرحسین را ۶۵ درصد و در خبر دیگر علت تأخیر در اعلام پیروزی موسوی را تردید در چگونگی کنترل اغتشاشات طرفداران احمدی‌نژاد بعد از اعلان پیروزی موسوی دانست.[۲]

جمعه شب ۱۳۸۸/۳/۲۲ در حالی که هنوز شمارش آراء در برخی حوزه‌ها شروع نشده بود، میرحسین موسوی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد که مردم خواهان تغییر هستند و برنده انتخابات با آراء بالا ایشان هستند: «مردم به بنده رأی دادند و ما براساس نتایجی که از استان‌ها و روستاها داشتیم، این نتیجه را قطعی می دانیم.»[۳]

میرحسین پس از آن با پیامی به ملت ایران، ضمن اعلام پیروزی خود، از مردم به علت انتخابش تشکر کرد.

مردم شریف ایران، ضمن تشکر از حضور پرشور و استقبال گسترده شما در انتخابات ریاست جمهوری، به اطلاع می‌رسانم به رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات و گزارش های واصله حاکی از این است که رأی اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمت گزارشان بوده است. از مسئولان امر می‌خواهم در شمارش آراء نهایت دقت و حفظ امانت را بنمایند و اعلام می‌کنم، دغیر این صورت از همهٔ امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقهٔ ملت ایران اقدام خواهم کرد.

همین جا فرصت را مغتنم می شمارم و از ملت ایران می‌خواهم آماده برگزاری جشن

---

۱. سایت قلم نیوز، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۳:۱۱، کد خبر ۲۰۷۹۵.

۲. سایت یاری نیوز، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، خبرهای شماره ۱۷۴ و ۱۶۴. سید محمد خاتمی در این اظهار نظر می گوید پیشگو نیست ولی به پیشگویی می پردازد.

۳. سایت تابناک، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۵۱۷۱۵.

پیروزی در شامگاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا(س) باشند.

فرزند کوچک ملت ایران

میرحسین موسوی[۱]

بعد از گذشت چند روز از اعلان نتیجهٔ انتخابات، در حالی که تهران و برخی شهرهای دیگر دستخوش اغتشاش شده بود، دکتر حداد عادل در تجمع صدها هزار طرفداران احمدی‌نژاد در روز سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ در میدان ولی عصر تهران از موسوی سؤال کرد، در حالی که هنوز انتخابات تمام نشده بود و درهای صندوق‌ها برای شمارش باز نشده بودند، ایشان از کجا مطمئن شدند که اکثریت آراء را به دست آورده و اعلام پیروزی کردند.[۲] البته، این سؤال را باید از سیدمحمد خاتمی، ابوالفضل فاتح، محتشمی‌پور، خانم عفت مرعشی و سایرین هم پرسید که بر اساس کدام اسناد و مدارک قبل از شروع شمارش آراء، میرحسین موسوی را پیروز انتخابات معرفی کردند و فضایی در کشور ایجاد کردند که هزینه‌های وحشتناک و جبران ناپذیری را به ملت، کشور و نظام تحمیل کردند. علت اصلی تظاهرات‌ها، تجمعات غیرقانونی و پس از آن، آشوب و درگیری‌های خیابانی و تمامی تبعاتی که متوجه کشور و ملت شد در اساس به فضای روانی، تحریک‌آمیز و پرابهامی برمی گشت که قبل از رأی گیری و ساعات رأی گیری به دست برخی نخبگان و فعالان سیاسی ایجاد شد.

پیام‌ها و بیانیه‌های روز بعد از انتخابات

در روز بعد از انتخابات یعنی ۱۳۸۸/۳/۲۳ با مشخص شدن نتیجهٔ انتخابات، انتشار بیانیه‌ها و پیام‌های مختلف شروع شد. موسوی در کنفرانس خبری اعلام کرد که او برندهٔ قطعی انتخابات است و هیچ راهی برای بازگشت وجود ندارد.[۳]

---

۱. سایت کلمه، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۲۳:۲۳، کد مطلب ۹۷۴۶.

۲. روزنامهٔ *رسالت*، پنج شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸، شمارهٔ ۶۷۳۲، صفحهٔ ۳.

۳. سایت تابناک، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۵۱۷۱۵.

او در این روز دو پیام به ملت ایران و یک پیام به مراجع تقلید و علماء با شروع «انا لله و انا الیه راجعون» صادر کرد. مجمع روحانیون مبارز و مهدی کروبی هم با بیانیه‌ها و پیام‌هایی، ضمن اعلام تقلب در انتخابات، خواهان ابطال آن شدند. متن بیانیه‌ها و پیام‌های موسوی، کروبی و مجمع روحانیون مبارز به نقل از سایت‌های متعلق به آنان به این شرح است:

پیام موسوی به ملت ایران

ملت شریف ایران! نتایجی که برای دهمین دورهٔ از انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت‌آور است. مردمی که در صف‌های طولانی اخذ رأی شاهد ترکیب آرا بودند و خود می‌دانند که به چه کسی رأی داده‌اند با حیرت تمام به شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می‌کنند. آنان بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند، چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. این جانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می‌دهم که تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهم شد.

نتیجهٔ آنچه که از عملکرد متصدیان بی‌امانت دیده‌ایم و می‌بینیم جز تزلزل ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست. این جانب طبق وظیفهٔ شرعی و ملی خویش به افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره خواهم پرداخت و آثار نابودکنندهٔ آن را بر سرنوشت کشور توضیح خواهم داد. و ترس آن دارم که ادامه وضع موجود همهٔ نیروهای مؤثر در نظام را به توجیه‌گرانی دروغگو در مقابل مردم تبدیل کند و دنیا و آخرت آنان را در معرض لطمه‌های جبران‌ناپذیر قرار دهد.

به مسئولان توصیه می‌کنم پیش از آنکه دیر شود این روند را فوراً متوقف کنند و همگی به خط قانون و امانت‌داری از آرای ملت بازگردند و بدانند که خروج از عدالت، مشروعیت‌زداست. آنان بیش از هرکس دیگر، از این حقیقت باخبرند که در این کشور، انقلابی بزرگ و اسلامی صورت گرفته است.

کمترین پیام انقلاب ما این است که مردم آگاه‌اند و در برابر کسانی که با تقلب روی کار

بیایند تمکین نخواهند کرد. این جانب از همین فرصت استفاده می‌کنم و ضمن تشکر از عواطف ملت بزرگوار ایران به آنان تذکر می دهم که ایران، این موجود آسمانی، متعلق به آنان است و نه متقلبان.

این آنان هستند که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنند. خائنین به آرأی مردم ابایی از آن ندارند که این خانهٔ پارسایان به آتش کشیده شود. ما موج عقلانیت سبز خود را که برگرفته از تعالیم دینی و علایق ملت ما به اهل بیت پیامبر(ص) است با تمامی شور ادامه می دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهرهٔ آن را آلوده است، مبارزه می‌کنیم، اما اجازه نخواهیم داد که حرکات ما شکل کور به خود بگیرد.

جا دارد از یکایک شهروندانی که برای[۱] رساندن این پیام سبز هر کدام ستادی بودند و تمامی ستادهای مردمی و رسمی که در انتخابات فعالیت می‌کردند سپاسگزاری کنم و تأکید نمایم که تا رسیدن به نتیجه‌ای که کشور ما لایق آن است همچنان به حضور و تلاش آنان نیاز است.

و ما لنا الا نتوکل علی اللّه و قد هدانا سبلنا و لنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی اللّه فلیتوکّل المتوکلون[۱]

بیانیهٔ دوم موسوی مبنی بر تخلف جدی در انتخابات

بسم الله الرحمن الرحیم

تخلفاتی که در دهمین انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفته است بسیار جدی است و رنجش عمیق شما کاملا به حق است.

در عین حال، قاطعانه از شما می‌خواهم، هیچ فرد یا گروهی خود را در معرض صدمه قرار نداده آرامش و متانت خویش را از دست ندهد و همگان در هر حال حساب خود را از هر گونه رفتار خشونت آمیز جدا نمایند.

همچنین از نیروی انتظامی انتظار دارم با درایت مردم را از خود دانسته، احساسات آنها را در این شرایط درک کند.

---

۱ . سایت آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد۱۳۸۸ ساعت ۱۳/۲۹ کد مطلب ۹۰۷۱۷.

ما شکایت جدی خود را از جریان انتخابات و روندهای ناسالمی که در طی آن دیده شد با تمام توان پیگیری خواهیم کرد و نتایج آن را به اطلاع عموم خواهیم رساند.

میرحسین موسوی[۱]

۱۳۸۸/۳/۲۳

بیانیهٔ سوم موسوی خطاب به مراجع و علماء دینی

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

محضر مبارک مراجع عظام و علمای اعلام

با اهدای سلام، این جانب اطمینان دارم که روند حوادث انتخابات ریاست جمهوری دهم را با دقت پیگیری کرده‌اید. اگر چه توسل به دروغ و استفادهٔ بی حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یک سویه به سود نامزد حاکم به خوبی دهندهٔ عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انظار شگفت زده جهانیان از حکومتی که تعهد به عدالت شرعیه از ارکان اساسی آن شمرده می شود، برای کسی ممکن نبود.

امروز که با حیرت تمام شاهد چنین تصورات جسورانه در امانت مردم هستیم و تمامی راه‌ها برای احقاق حق بسته شده، مواجه شدن مردم مظلوم با سکوت علما و مراجع که ملجأ راسخ این ملت شمرده می شوند، خسارتی بیش از یک تغییر در آرا را به دنبال خواهد داشت.

عواملی به بهانه های واهی با چوب و چماق و باطوم و شوک الکتریکی به جان اعضای ستادهای این جانب و مراجعه کنندگان سرگردان و مبهوت از این وضعیت افتاده اند، در حالی که امیدی به کارایی قوهٔ قضاییهٔ محترم نمی رود، زیرا جایی که دادستان کل کشور نتواند از سخن قانونی خود در پیشگیری از سخنرانی اضافی نامزد حاکم در سیما جلوگیری نماید، با چه ابزاری می تواند از این خشونت سیاه بازداری کند؟ به حسب وظیفهٔ صیانت از

۱. سایت خبری آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۲۱:۲۸، کد مطلب ۹۰۷۳۰.

آرای مردمی که اینک دچار چنین زیان عظیمی شده اند عرض حالی تقدیم و یادآور می شوم که شاید تذکر به جای شما به مسئولان مفید واقع شود.

ایاک و الظلم لمن لیس له الا الدعا

برادر شما

میرحسین موسوی[۱]

بیانیهٔ مجمع روحانیون مبارز مبنی بر ابطال انتخابات و تجدید آن

بسم الله الرحمن الرحیم

مجمع روحانیون مبارز ضمن سپاس از حضور شاداب ملت و به خصوص جوانان عزیز در عرصهٔ انتخابات دهم ریاست جمهوری، که با رفتار مدنی، سرزندگی و متانت خود خاطرات دوران پرشکوه انقلاب را تجدید کردند و ضمن پوزش از اینکه نتوانستیم از آراء مردم صیانت به عمل آوریم، به استحضار ملت شریف می رساند که در این انتخابات صرف نظر از نتیجه ای که معلوم شد آنچه موجب تاسف و نگرانی بیشتر است اعمال نوعی مهندسی آراء گسترده در این دوره است.

این امر اگر به صورت رویه درآید به جمهوریت نظام لطمهٔ غیرقابل جبران می‌زند و اعتماد مردم را که بزرگ ترین پشتوانهٔ نظام است خدشه دار می کند. دلایل و شواهد کافی وجود دارد که نتیجهٔ اعلام شده مورد قبول واقع نشود.

مجمع روحانیون مبارز در جلسه‌ای فوق‌العاده به این نتیجه رسید که برای دفاع از جمهوریت اسلامی نظام و بازگرداندن اعتماد عمومی و نگاهبانی از موج آشتی ملی با صندوق های رأی، ابطال این انتخابات و تجدید آن در فضایی عادلانه تر و منطقی تر راه کار مناسب است یا دست‌کم تعیین هیئتی بی‌طرف و کاردان و شجاع برای حقیقت‌یابی و اعلام نظر نهایی به ملت و رهبری تصمیمی درست در جهت آرمان های والای انقلاب و اندیشه های حضرت امام و تقویت اعتماد ملی است.

---

۱. سایت آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۸:۳۹.

ما و هواداران پرشور و با شعور جناب میرحسین موسوی ضمن حفظ هوشیاری و پرهیز از هر عملی که به تشنج بینجامد و به سرکوبگران بهانه دهد، مهندس موسوی عزیز را تنها نخواهیم گذاشت.[1]

بیانیهٔ کروبی مبنی بر تقلب در انتخابات

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف ایران

۲۲ خرداد ماه که از حیث مشارکت کم سابقهٔ شما مردم عزیز می توانست جشنوارهٔ بزرگ جمهوریت در نظام امام خمینی (ره) باشد به سوگواری تبدیل شد، و در سوگواری جز مرثیه چه می توان خواند، مرثیه ای برای اعتبار و آبروی رأی فردی که به عشق و ایمان برای تغییر اوضاع کشور به صحنه آمدند و چنین تخلف در امانت دیدند. نتایج اعلام شده برای انتخابات دهمین دورهٔ ریاست جمهوری چنان مضحک و شگفت است که در بیان و بیانیه نمی آید و باید فکر دیگری کرد.

این شیوه رأی گیری و شمارش آراء یادآور شمارش آراء مرحوم مدرس است که حتی از شمارش رأیی که آن مرحوم به خویش داده بود دریغ کردند و تکرار دروغ پردازی های تلویزیونی یادآور آمارهای منتشر شده در مناظره هاست. شگفتا که مشارکت ملت به ابزار تحکیم دولت تبدیل شد و از دموکراسی به سوء استفاده از مشارکت ملت بسنده شد. بدیهی است که نتایج و نهاد برآمده از چنین شمارش آرایی فاقد مشروعیت است و مورد قبول این جانب نیست.

من به پیشگاه ملت شکایت می برم و دستان همهٔ رأی دهندگان، به خصوص دانشجویان، روشنفکران، زنان، محرومین و افراد مورد تبعیض اعم از دگر اندیشان. ، اقلیت های قومی و مذهبی، دراویش، اهل حق را می بوسم و حتماً در مقابل این مهندسی و تنظیم ناشیانهٔ رأی ملت سکوت نخواهم کرد و به عنوان فردی مستقل در چارچوب فکری و سیاسی خاص خود و بر اساس مواضع و بیانیه هایی که منتشر کرده‌ام در صحنه خواهم ماند و

---

۱. سایت خبری آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۲۳:۳، کد مطلب ۹۰۷۳۵.

گزارش اقدامات خود را در بیانیه های بعدی به اطلاع ملت بزرگ ایران خواهم رساند.

این تازه اول داستان است.

مهدی کروبی[۱]

۱۳۸۸/۳/۲۳

پیام رهبر انقلاب به مناسبت برگزاری شکوهمند انتخابات

به رغم فضاسازی ها و تحریکات گستردهٔ دو نامزد اصلاح طلب، که از صبح روز بعد از انتخابات شروع شد، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی حضور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ را با صفاتی همچون تعیین کننده، خیره کننده، مقتدرانه، متین، آرامش آفرین، شورانگیز و پرشکوه معرفی کرد و از نامزدها و هواداران آنها خواست که از هرگونه رفتار و گفتار تحریک آمیز و بدگمانانه بپرهیزند. ایشان همچنین هشدار دادند که دشمنان می خواهند شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدایند. اینکه نامزدها، نخبگان سیاسی، برخی چهره های سرشناس و هوادارانی که شعار قانون مداری و تبعیت از قانون اساسی آنها زبانزده بود، چگونه به این توصیه ها توجه کردند، در صفحات آتی ذکر می شود. متن کامل پیام رهبر معظم انقلاب به شرح زیر بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت عزیز ایران!

مردان و زنان آگاه و شجاع و زمان شناس!

سلام خدا بر شما که شایستگی خود را برای دریافت سلام و رحمت الهی به اثبات رساندید. جمعهٔ حماسی شما، حادثه ای خیره کننده و بی همتا بود که در آن، رشد سیاسی و چهرهٔ مصمّم انقلابی و توان و ظرفیت مدنی ملت ایران، در نمائی زیبا و پرشکوه در برابر چشم جهانیان به نمایش درآمد.

---

۱. سایت یاری نیوز، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۵:۱۵، کد خبر ۱۸۷.

اقتدار و عزتی که شما با آرامش و متانت و کمالِ خود در تاریخ کشور به ثبت رساندید، و ارادۀ خلل ناپذیری که در میان آتشبار جنگ روانی دشمنان، با حضور در این عرصۀ تعیین کننده نشان دادید، از چنان اهمیتی برخوردار است که با هیچ بیان معمولی و متعارفی نمی‌توان آن را توصیف کرد. تنها می توان گفت که ملت ایران توانسته است همچنان موجبات رحمت الهی را در خود حفظ کند و دست قدرت خداوند را در حمایت از پیشرفت و تعالی این کشور، بالای سر خود نگاه دارد.

انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ای در سلسلۀ طولانی انتخاب‌های ملّی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوق‌ها و رأی بیست وچهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که به حول و قوۀ الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند. دمی‌روز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردمسالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه‌نفس‌تر و سرزِنده‌تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامۀ راه روشن خود مطمئن می سازد.

این جانب، با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولیّ‌الله‌الاعظم روحی‌فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک آحاد ملت تبریک عرض می‌کنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه می نمایم. گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدایند. به همۀ آحاد مردم و به‌ویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثۀ شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبۀ پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همۀ ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. شک این نیز

امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

وظیفهٔ خود می دانم از همهٔ کسانی که در خلق این حادثهٔ بزرگ نقش آفریدند صمیمانه سپاسگزاری کنم: از نامزدهای محترم که با مطرح ساختن نقطه نظرهای سیاسی و اقتصادی و با سخن و رفتار خود، دارندگان سلایق گوناگون اجتماعی و سیاسی را به صحنه آوردند، از نخبگان و برگزیدگانی که مخاطبان خود را به حضور در این آزمون بزرگ دعوت کردند؛ از مراجع عظام و علمای اعلام و فرزانگان دانشگاهی و شخصیت های فرهنگی و سیاسی؛ از رسانهٔ ملی و مدیران و طراحان و مجریان و هنرمندان صداوسیما که نوآوری‌های تحسین‌برانگیز آنان نقش تعیین کننده ای در این حادثهٔ فراموش نشدنی داشت؛ از وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که با اخلاص و امانتداری کامل به وظیفهٔ خطیر خود صادقانه و سخت کوشانه عمل کردند؛ از نیروی انتظامی و دیگر دستگاه های حافظ امنیت، که فضای سالم و باز و آرام را برای مردم تأمین نمودند، و سرانجام و بیش از همه، از یکایک رأی‌دهندگان که برای خود و کشورشان آبرو و ثبات و امنیت فراهم آوردند..

بار دیگر با تضرع و ابتهال، خدای عزیز و قدیر را از اعماق جان، سپاس گفته هدایت و رحمتش را برای این ملت و این بندهٔ ناتوان مسألت می‌کنم و با سلام به حضرت ولی‌الله الاعظم روحی فداه به دعا و رعایت و حمایت آن صاحب اصلی این کشور دل می بندم و به روح امام راحل و ارواح طیبهٔ شهیدان عزیز درود می فرستم.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

سیّدعلی خامنه ای[۱]

۱۳۸۸/خرداد/ ۱۷

اغتشاش در برخی خیابان‌ها

با اعلان نتایج انتخابات، از روز شنبه بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۸۸، برخی خیابان های تهران، از جمله خیابان ولی عصر، میدان های ونک و هفت تیر صحنهٔ اعتراض و تجمع طرفداران موسوی شد. اعتراض ها در آغاز از محل ستاد اصلی موسوی در خیابان زرتشت

---

۱. سایت آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، کد مطلب ۹۰۷۲۲.

و ولی‌عصر شروع شد. ده‌ها سطل زباله در میدان فاطمی، خیابان شهید مطهری، شهید بهشتی و ولی‌عصر به آتش کشیده شد. در اهواز، بندرعباس و اصفهان از محل ستادهای موسوی تجمعات وآشوب‌های خیابانی شروع شد که در روز بعد به بیشتر شهرهای بزرگ کشور کشیده شد. دو پیام و بیانیهٔ بسیار تند موسوی در روز شنبه، از بعدازظهر، در برخی محل های تهران از جمله در مسیرهای مختلف مترو توزیع شد.[1]

شنبه شب، با تاریک شدن هوا، اعتراض ها به خشونت و آتش زدن سطل های زباله و شکستن شیشه های بانک ها و به آتش کشیده شدن چند دستگاه موتور سیکلت منجر شد. اطلاعیه های پی درپی موسوی مبنی بر اینکه تسلیم بازی خطرناک نتیجهٔ انتخابات نمی‌شود به همراه اطلاعیهٔ مجمع روحانیون مبارز مبنی بر ابطال انتخابات و دعوت آنها به اعتراض در افزایش دامنهٔ خشونت ها تأثیر گذاشت و شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر دولت»، «ایران شده فلسطین» و «ایرانی می میرد، ذلت نمی پذیرد» توسط افرادی خاص در خیابان ها سر داده شد.

در روز یکشنبه در تقاطع ولی عصر ـ مطهری یک دستگاه اتوبوس به آتش کشیده شد. ترافیک سنگین و بوق زدن های ممتد، خیابان های مرکز تهران را قفل کرد و مغازه داران این خیابان ها از ترس افزایش دامنهٔآشوب‌ها و خشونت ها به سرعت مغازه های خود را تعطیل کردند و به صورت عملی روال عادی شهر در مناطق مرکزی مختل شد.

تمامی خبرگزاری های بزرگ و شبکه‌های خبری خارجی از روز بعد از انتخابات، خبر اغتشاش و درگیری در ایران را به خبر اول خود تبدیل کردند. تلویزیون صدای آمریکا VOA، بی بی سی و شبکه‌های ضدانقلاب، بیشتر برنامه‌های خود را به اغتشاش در ایران اختصاص دادند. محسن سازگارا، علیرضا افشاری پور، نوری زاده، ابوالحسن بنی صدر و سعید برزین و کارشناس های این شبکه‌ها، با تحلیل و خط دهی به آشوب‌ها در شبکه‌های ذکرشده، پی در پی، به پخش تصاویرآشوب‌ها، پخش اخبار حماسی و دادن روحیه به تظاهرکنندگان می پرداختند. سازگارا در تلویزیون صدای آمریکا، الله اکبر گفتن‌های مردم را با الله اکبرهای

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۳/۲۳، ساعت ۱۹:۳۵، بخش اخبار ویژه.

اوایل انقلاب مقایسه کرد. افشاری پور، به تبیین اختلاف‌های جناح ها و افراد در ایران پرداخت و بنی صدر از فقدان مشروعیت مردمی نظام صحبت می‌کرد. ضدانقلاب‌های خارج از کشور به سرعت سازماندهی شدند و اطراف سفارت خانه های ایران در اروپا به صحنهٔ اعتراض و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. وزرای خارجه هلند، فرانسه، آلمان، انگلیس و کانادا از تخلف دربارهٔ در انتخابات ایران و پیگیری حوادث آن صحبت کردند و به صورت ضمنی از اعتراضات و اغتشاشات حمایت کردند.[1]

علاوه بر شبکه‌های ماهواره‌ای، خبرگزاری‌ها و فعالیت‌های ضد انقلاب خارج از کشور مسئولان دولت‌های اروپایی به اظهارنظرهای مداخله جویانه دربارهٔ انتخابات ایران پرداختند. برخی از سفرای ایران به وزرات خارجهٔ کشورهای اروپایی فراخوانده شدند و مراتب اعتراض نسبت به برخورد با خشونت گرایان و پیام‌هایی مبنی بر حمایت از آنها تحویل سفرای ایرانی شد. وزارت خارجه کشورمان هم بعد از چند روز سفرای کشورهای اروپایی انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند و کاردار چک را به وزارت خارجه فراخواند و مراتب ناخشنودی خود را از رویکرد مغرضانهٔ کشورهای اروپایی به آنها ابلاغ کرد. علاوه بر این، وزارت خارجه با بیانیه‌ای شدیداللحن برخورد این کشورها را گستاخانه و در جهت حمایت از تجمعات غیرقانونی و هرج و مرج گرا معرفی کرد. در بخش پایانی این بیانیه آمده بود:

«جمهوری اسلامی ایران عملکرد این گروه از کشورها را که در پروندهٔ خود سابقهٔ حمایت از تروریسم، پشتیبانی از استثمار و استعمار ملت‌های مظلوم، ترویج استبداد و حکومت های خودکامه، تسلیح دیگران به سلاح های کشتار جمعی و آوب طلبی ها را در جای جای جهان ثبت کرده‌اند رویکردهای فرومایه می شمارد و بر این اعتقاد است که آنان هرگز نمی‌توانند در انتخابات باشکوه و دمکراتیک اخیر جمهوری اسلامی ایران ایجاد شبهه نمایند و به آنها توصیه می کند روند تعامل نادرست با رویدادهای ایران را تغییر دهند،

---

۱. حمایت‌های کشورهای غربی روز اول و دوم بعد از انتخابات از اغتشاشگران محافظه کارانه و ضمنی بود، اما از روز دوشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۵ این حمایت‌ها آشکار و علنی شد.

زیرا طراحان شطرنج رویکردهای آنها را رصد و با لحاظ نمودن آن در مناسبات آتی، بدون تردید دشمنان وحدت ملی ایران را مات خواهند کرد.[۱]»

بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۴ خبرگزاری ها اعلام کردند که میرحسین موسوی با رهبر معظم انقلاب دیدار کرده و دیدگاه های خود را دربارهٔ انتخابات با ایشان در میان گذاشته اند. در این دیدار، رهبر معظم انقلاب با تأکید بر لزوم آرامش و متانت به ایشان می گویند که در دوره های قبل هم افراد و نامزدهایی مسائل و ایراداتی داشته اند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونی پیگیری کرده‌اند و به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به نامهٔ شما رسیدگی کند. رهبر معظم انقلاب همچنین با اشاره به تحریکات دشمنان و طراحی های پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان ها به آقای موسوی می گویند که جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است که شما هم مسائل مورد نظر خود را از طریق قانونی پیگیری کنید.[۲]

در این روز میرحسین موسوی با صدور بیانیه ای خواهان دست برنداشتن از شعار الله‌اکبر و رنگ سبز و استمرار مسالمت‌آمیز مقاومت مدنی شد.

متن بیانیهٔ میرحسین موسوی به این شرح بود:

از سراسر کشور اخبار بسیاری در مورد وقوع اعتراض نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات اخیر به این جانب می رسد.

اطمینان دارم که این واکنش ها نه به خاطر شخص من، بلکه از سر نگرانی نسبت به روش جدیدی از زندگی سیاسی است که دارد بر کشور ما تحمیل می شود.

اقداماتی که در طی این چند روز شاهد آن بوده‌ایم تاکنون در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است.

اگر مردم با اضطراب تحولات فعلی را دنبال می کنند به خاطر نگرانی شدیدی است که نسبت به در خطر قرار گرفتن دستاوردهای عظیم انقلاب خود دارند.

---

۱. سایت خبری تحلیلی عصر ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۷، ساعت ۱۵:۲۹، کد خبر ۷۵۴۷۲.

۲. جام جم آنلاین، دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۳:۵۵، شماره خبر ۱۰۰۹۰۹۵۰۰۳۳۶.

ما به عنوان کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن پایبندیم اصل ولایت فقیه را یکی از ارکان این نظام می‌دانیم و حرکت سیاسی را در چارچوب های قانونی دنبال می‌کنیم.

امیدوارم روند آتی حوادث نادرست بودن این برداشت را نشان دهد.در عین حال، هشدار می‌دهیم که در این کشور هیچ یک از کسانی که به انقلاب اسلامی علاقه دارند چنین روندی را نخواهند پذیرفت. این چیزی است که خون صدها هزار شهید ما را به مسئولیت پذیری در قبال آن فرا می‌خواند.

مردم عزیز!

توصیهٔ مؤکد و مجدد این خدمتگزار شما آن است که به صورت مسالمت آمیز و با رعایت اصل عدم برخورد، مخالفت های مدنی و قانونی خود را در سراسر کشور ادامه دهید. ما از مسئولان درخواست کرده‌ایم که مجوز برگزاری یک راهپیمایی بزرگ در تمامی شهرهای کشور به ما داده شود تا در طی آن مردم فرصتی برای نمایش مخالفت خود با شیوهٔ برگزاری انتخابات و نتایج آن پیدا کنند. موافقت مسئولان با این امر می‌تواند بهترین راه حل برای مهار هیجانات فعلی باشد.

از رنگ سبز که نماد معنویت و آزادی و عقلانیت دینی و مداراست و شعار الله اکبر که حاکی از ریشه های انقلابی ماست دست برنداریم. این رنگ و شعاری است که همچنان وحدت بخش صفوف ملت ما و بهترین وسیلهٔ ارتباط دل ها و خواسته‌های ما با هم خواهد بود. متأسفانه تلاش گسترده‌ای برای قطع تمامی امکاناتی ارتباطی ما با هم صورت می‌گیرد و به این نکته توجه نمی‌شود که قطع این مجاری تنها منجر به آن خواهد شد که واکنش های موجود از شکلی هدفمند و مهارشده تغییر ماهیت پیدا کند و خدای ناکرده به حرکات کور تبدیل شود.

اطمینان دارم که خلاقیت شما راه حل های ارتباطی جدید و مؤثری را پایه‌ریزی خواهد کرد تا بتوانیم از اقدامات خود نتایجی مفید به حال کشور و نظام و انقلاب بگیریم. به عنوان یک علاقه‌مند به نیروی انتظامی توصیه می‌کنم از برخورد خشن با حرکت های خودجوش مردم خودداری کند و اجازه ندهد که اعتماد مردم نسبت به این نهاد ارزشمند خدشه‌دار شود.

این مردم برای احقاق حقوق خود و حقوق شما در صحنه حاضر شده‌اند و برادران و خواهران شما هستند. قدرت نیروهای نظامی و انتظامی کشور ما همواره در وحدت آنها با مردم بوده است و درآینده نیز چنین خواهد بود.[1]

در این روز، کروبی، به دنبال بیانیهٔ اول خود مبنی بر تقلب در انتخابات که روز قبل صادر کرده بود، بیانیهٔ دوم خود را مبنی بر ابطال انتخابات و اصرار بر آن صادر کرد:

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت بزرگ ایران!

واکنش‌های خودجوش شما به اعلام نتایج دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری نشان دهندهٔ آگاهی و تعهد شما نسبت به ایران اسلامی و عدم مشروعیت نتیجه اعلام شده برای انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ است. گرچه می‌دانید و می‌دانیم که اگر امکان داشت این واکنش‌ها از راه‌های قانونی و در چارچوب‌های مدنی انجام می‌شد از مطلوبیت بیشتری برخوردار بود. اما در هرحال با توجه به حضور آگاهانهٔ شما مطمئن باشید نامزدهای مورد علاقهٔ شما در این دورهٔ انتخابات از حق خود و شما کوتاه نخواهند آمد. نتیجهٔ اعلام شده انتخابات برآمده از دو انحراف اساسی در مسیر تاریخ انقلاب است.

اول: انحراف از جمهوریت نظام که نقطهٔ شروع آن برگزاری دومین انتخابات مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۶۹ و رد صلاحیت گستردهٔ یاران امام (ره) پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بود و این انحراف سبب شد جمهوری مورد نظر امام مخدوش شود و امروزه حتی افرادی که در این انحراف مقصر بودند از آن آسیب می‌بینند و کار به جایی رسیده که از کلیت جمهوری اسلامی، هر دو رکن جمهوریت و اسلامیت با این انتخابات و اعلام نتایج مخدوش آن زیر سؤال رفته است.

دوم: انحراف از اصلاحات که با فرصت‌سوزی و از دست دادن خودخواهانهٔ موقعیت‌های

---

۱. خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، ۱۳۸۸/۳/۲۴، ساعت ۱۴:۵۹ کد خبر ۶۰۰۹۱.

بی‌نظیری که ملت ایران در حوادث پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ در اختیار ما قرار داده بود شروع شد با سوء مدیریت و اجازهٔ مصادره آن توسط نااهلان و سودجویان منتهی به انتخابات مجلس هفتم و سپس تشکیل دولت نهم که مهم‌ترین مخالف اصلاحات در سال ۱۳۸۴ و تثبیت او در سال ۱۳۸۸ گردید. من بار دیگر اعلام می‌کنم انتخاباتی که با حضور پرشور ملت ایران برگزار شد نباید وسیلهٔ سوءاستفاده قرار گیرد و نتایج اعلام‌شده بر این انتخابات نامشروع و دولت برآمده از آن فاقد وجاهت ملی و صلاحیت اجتماعی است و از این رو آقای محمود احمدی‌نژاد را رئیس جمهور ایران نمی دانم. اما از آن جایی که به اصل نظام جمهوری اسلامی باور راسخ دارم و این نوع انتخابات را تعریض به میراث و راه امام می دانم و از آن جایی که هنوزم به ظرفیت نهادهای قانونی در جمهوری اسلامی باور دارم، از شورای نگهبان می‌خواهم با ابطال انتخابات و در راستای خواست به‌حق ملت و اکثریت مردم بار دیگر این انتخابات را تجدید نماید و این بار به حق، از آرای مردم پاسداری کند. بدیهی است این راه حل برای برون‌رفت از وضع موجود و اتمام حجتی با نهادهای حقوقی و قانونی می باشد. فارغ از قضاوت من دربارهٔ برخی از اعضای تأثیرگذار شواری نگهبان و عوامل تأثیرگذار پشت صحنه آن به ملت عزیز ایران عرض می‌کنم که ضمن اعلام نظرات صریح خود دربارهٔ عدم مشروعیت نتایج انتخابات از ظرفیت های قانونی موجود بهره ببرند و از نیروی انتظامی و امنیتی می‌خواهم حقوق شهروندی منتقدان و معترضان را رعایت نمایند و نگذارند با انتشار تصاویر موحش و موهن در رسانه های خارجی موجبات وهن نظام جمهوری اسلامی فراهم آید و بدانند که شکرانهٔ بیرون آوردن اقای محمود احمدی‌نژاد از صندوق های رأی ضرب و شتم مردم، دستگیری و تهدید امنیتی فعالان سیاسی و اجتماعی و ایجاد جو امنیتی در کشور نیست. همچنین به دولت و دست‌اندرکاران هم یادآوری می نمایم که قطع وسایل ارتباط جمعی، سایت‌ها، موبایل‌ها، پیامک ها و تلویزیون‌ها در شان جمهوری اسلامی که همواره مورد تأیید حضرت امام (ره) بوده است نمی باشد. کار به جایی رسیده است که حتی از انتشار اطلاعیه ها و بیانیه های این جانب در روزنامه ها و حتی روزنامهٔ این جانب خودداری می شود و مطبوعات مورد تهدید قرار می گیرد.

این جانب با تأکید بر هویت مستقل و اصلاح طلبانهٔ خود درخواست ابطال این انتخابات منحرف شده را به نام صیانت از آرای شما پیگیری نموده و در صورتی که دولت و شورای نگهبان بر آن اصرار داشته باشد، تصمیمات خود را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع ملت بزرگ ایران خواهم رسانید. نمایش غیر قانونی امروز از سوی آقای احمدی‌نژاد که خود را قبل از تأیید انتخابات و رسیدگی به شکایات، رئیس جمهور منتخب نامیده است نیز پردهٔ دیگری از این نمایش مضحک است.

در پایان، ضمن تشکر مجدد از حضور آگاهانه شما در صحنه، به ملت شریف و جوانان غیور این سرزمین توصیه می نمایم که با حضور خود در صحنه و مراقبت از تحولات جاری آرامش را حفظ نمایند تا بهانه به دست غوغاسالاران، انحصارطلبان و سرکوبگران ندهند.

والسلام علیکم

مهدی کروبی[۱]

۸۸/ ۳/ ۲۴

حوادث روز دوشنبه(۱۳۸۸/۳/۲۵)

در روز دوشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۵ راهپیمایی بزرگ و بدون مجوز طرفداران موسوی از میدان انقلاب به میدان آزادی برگزار شد. کروبی، میرحسین موسوی و سیدمحمد خاتمی در بخش‌هایی از راهپیمایی به میان مردم آمدند. نکتهٔ جالب آنکه موسوی و خاتمی با بیانیه‌هایی از مردم خواسته بودند که در راهپیمایی شرکت نکنند اما خود در راهپیمایی شرکت کردند.[۲]

در این روز خاتمی در اجتماع طرفداران موسوی اعلام کرد که اعتماد به نظام لطمه دیده است. وی خواهان تجدید انتخابات یا تعیین هیئت صاحب صلاحیت حقیقت یاب برای بررسی ماجرا شد.[۳]

---

۱. پایگاه اطلاع رسانی حزب اعتماد ملی (سحام نیوز) ۸۸/۳/۲۴

۲. خبرگزاری ایلنا ۸۸/۳/۲۵، کد خبر ۶۰۲۷۲.

۳. سایت یاری نیوز، ۲۶ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۱:۳۱، کد خبر ۲۰۰.

در اواخر راهپیمایی روز دوشنبه ۸۸/۳/۲۵ جمعی از اغتشاشگران به پایگاه مقداد در خیابان انقلاب حمله کردند و ضمن شکستن در پایگاه به داخل حیاط پایگاه وارد شدند که در درگیری بین آنها و بسیجیان ۷ نفر کشته شدند. تصاویر درگیری‌ها، اغتشاشات و حمله به پایگاه مقداد در این روز به سرعت از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش و مرتب تکرار شد. در طول خیابان انقلاب به آزادی برخی افراد شروع به توزیع ماسک و نقاب برای شناخته نشدن می‌کردند. انواع تراکت ها و پارچه های تحریک آمیز و شعارهای تند در میان جمعیت دیده می شد. تراکت هایی مبنی بر به خاک و خون کشیده شدن کوی دانشگاه و کشته شدن تعدادی از دانشجویان در محل های تجمع توزیع می شد. محمدرضا خاتمی، ابطحی، کرباسچی و فائزه هاشمی از جمله کسانی بودند که در تظاهرات روز دوشنبه حضور داشتند. در این روز، همچنین، میرحسین موسوی در جمع طرفدارانش در خیابان آزادی سخنان قابل توجهی را مطرح کرد که متن خبر آن از روی سایت یاری نیوز (سایت متعلق به موسوی) به این شرح زیر بود:

«مهندس میرحسین موسوی در راهپیمایی میلیونی مردم تهران در اعتراض به تقلب آشکار در رای آنها، با احترام به مردم و حامیانش تأکید کرد که آمادهٔ پرداختن هرگونه هزینه برای تحقق آرمان های ملت ایران است.

به گزارش قلم، میرحسین موسوی در اجتماع میلیونی مردم تهران و راهپیمایی آنها از شرق تهران تا میدان آزادی در اعتراض به نحوهٔ شمارش آرا اظهار داشت:«سلام بر شما ملت عزیز، سلام بر شما هموطنان. آمده‌ام تا ادای احترام به این همه ایستادگی و آگاهی بکنم. گروه‌های سیاسی متعددی درخواست مجوز کرده بودند تا یک راهپیمایی در اعتراض به تقلبات وسیع در انتخابات صورت گیرد. چون اجازه داده نشد و بنده شنیدم ممکن است مردم حضور پیدا کنند، آمدم تا همه را ضمن دعوت برای دفاع از حق خود به آرامش دعوت بکنم. آمده‌ام، تا بهار سبز «استقامت کنم» تا «نماد سبز» را به یغما نبرند.»

وی افزود: «شما مردم بت‌شکن هستید، شیشه‌شکن نیستید. آن کسانی دمی‌روز اتوبوس‌ها و موتورها را آتش زدند که دیشب به خوابگاه‌های دانشجویی حمله کردند و

وحشیانه ضمن شکستن دست و سر و پا، عده‌ای را از پنجره ها بیرون ریختند و عده زیادی را دستگیر کردند.»

موسوی تأکید کرد که بنده قویاً خواهان آزادی بی درنگ همه این عزیزان هستم و از نیروهای دولتی می‌خواهم دست از خشونت علیه مردم و فرزندان آنها بردارند.

وی ادمه داد: «مردم ما با شعارهای الله اکبر و زیر سایهٔ پرچم سبز اهل بیت (ع) به صورت مسالمت آمیز احقاق حق خود را می‌خواهند و احساس می کنند به شعور آنها بی احترامی شده است. من نامه‌ای به شورای نگهبان نوشته‌ام و موارد تخلف را شرح داده‌ام، گر چه امیدوار به شورای نگهبان نیستم. تعداد زیادی از اعضای شورای نگهبان در طول انتخابات بی طرفی خود را نگه نداشتند و از کاندیدای دولتی حمایت کردند.»

موسوی بیان کرد: «من از شما ملت عزیز، زنان و مردان، دانشجویان، روحانیون، هنرمندان، بازاریان، کارگران و کارمندان وهمهٔ اقشار تشکر می‌کنم، به ویژه از اقلیت‌های عزیز.»

وی افزود: «ما باید با الله اکبر هایمان و از طریق راه‌های قانونی به دنبال حق پایمال شدهٔ مردم خود باشیم و بتوانیم جلوی این پدیده، این دروغ آخرین، یعنی این تقلب و شعبده‌بازی حیرت‌آور بایستیم.»

موسوی اظهار داشت: «راه حل بنده، ابطال این انتخابات مخدوش است و این کمترین هزینه را برای ملت ما خواهد داشت و گرنه از اعتماد ملت به دولت و نظام هیچ چیزی باقی نخواهد ماند. البته، من به همهٔ عزیرانی که به تشخیص خود، سایر کاندیداها را انتخاب کرده‌اند، احترام گذاشته و سر تعظیم فرود می‌آورم و اعتراضم به عدم مراعات امانتداری و تخلف فاحش دست اندرکاران انتخابات است.»

وی ادامه داد: «مردم ما بر سر این حق خود ایستاده اند و من هم آماده‌ام همه گونه هزینه‌ای را برای تحقق آرمان‌های شما ملت عزیز بپردازم».[1]

علاوه بر اظهارات ذکرشده از موسوی در راهپیمایی روز دوشنبه ۸۸/۳/۲۵ وی دو روز بعد با انتشار بیانیه‌ای مواضع خود را دربارهٔ راهپیمایی و تجمع ۲۵ خرداد و درگیری‌های

---

۱. سایت پاری نیوز، ۲۶ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۱:۳۷، کد خبر ۲۰۱.

پیش آمده اعلام کرد. متن بیانیهٔ موسوی با عنوان بیانیهٔ شماره ۴ دربارهٔ تجمع ذکرشده به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً علیماً

ملت شریف ایران!

تجمع عظیم و بی سابقهٔ شما در روز ۲۵ خرداد که در دفاع از حق صیانت از رأیتان و دفاع از جمهوریت و اسلامیت نظام انجام گرفت اصحاب دروغ را آنچنان به خشم آورد که تحمل نیاوردند و کوشیدند شیرینی این همایش پرشکوه را با برخوردهای سبعانه به کام دوستداران ایران عزیز تلخ کنند. این جانب ضمن محکوم نمودن اقدامات وحشیانه در کشتار مردمی که صرفاً خواستار احقاق حق خود هستند لازم می دانم نکاتی را دربارهٔ این رخداد و تحولات مربوط به آن به آگاهی ملت برسانم:

۱ . همان گونه که مردم فهیم تهران در تجمع روز دوشنبه به روشنی نشان دادند ما در پی اعتراض آرام به روند ناسالم برگزاری انتخابات و تحقق هدف ابطال انتخابات و تجدید آن براساس راهکارهایی هستیم که عدم تکرار تقلب های فضاحت بار انتخابات پیشین را تضمین کند. لذا حساب ما از کسانی که با آشوب و تخریب اموال خصوصی و عمومی فضای جامعه را متشنج کنند و آن را به سوی هرج و مرج ببرند جداست. بلکه اطلاعاتی که به دست ما رسیده است نشان می دهد این اصحاب تقلب و دروغ هستند که برای تکمیل طرح خود به بانک ها و ادارات و اموال مردم حمله می کنند و آنها را تخریب می نمایند. بنابراین، عموم مردم را به هوشیاری در برابر این نقشهٔ فریبکارانه و تداوم اعتراض با حفظ آرامش دعوت می‌کنم. مردم می دانند چه کسانی خوابگاه دانشجویان را ویران کردند و دانشجویان پسر و دختر را کتک زدند یا در شمال میدان آزادی مردم را به شهادت رساندند. راهی که ملت برای رسیدن به پیروزی و احقاق حقوق نقض شده اش انتخاب کرده است استفاده از روش های صلح آمیز و دوری از خشونت است.

۲. دولت با همکاری سازمان صدا و سیما کوشش می‌کند این موج سبز مردمی را وابسته به بیگانگان جلوه دهد؛ غافل از آنکه اقبال به رسانه‌های خارجی نه ناشی از توفیق این رسانه‌ها در جلب مخاطب و یا وابستگی این جریان مردمی به خارج، بلکه حاصل بی‌تدبیری و فضای بستهٔ رسانه‌ای موجود است. دولتی که رسیدن صدای مخالفانش را از طریق چند روزنامه و پایگاه خبری طاقت نمی‌آورد لاجرم به دست خود، نگاه جامعه را به رسانه‌های بیرون از مرزها معطوف می‌کند. موج سبز اعتراض‌های ما تنها منعکس‌کننده یک خواست مستقل و به حق داخلی است که به مداخله دیگران خوش‌آمد نمی‌گوید.

۳. دستگیری‌های گسترده‌ای که طی روزهای گذشته از فرزندان انقلاب انجام گرفته است نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که عاملان تقلب و سپس بلوا کمترین شناختی نسبت به حقیقت اعتراضات مردمی ندارند و با توهم اینکه سازماندهی تشکیلاتی عظیمی در ورای حرکت‌های مردم قرار دارد خود را تسلی می‌دهند تا باور نکنند که طبیعت خودجوش واکنش‌های مردم خبر از ادامه‌دار بودن آن تا رسیدن به نتیجه می‌دهد. این‌جانب دستگیری‌های وسیع اخیر را محکوم می‌کنم و هشدار می‌دهم که گسترش این رویه‌ها تنها بر زشتی چهرهٔ مخالفان ملت و انگیزهٔ مردم برای توسعه اعتراضات می‌افزاید.

۴. این‌جانب با ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های شهیدان و مصدومان، از ابتکار دلسوزانی که صمیمانه با خانواده‌های این عزیزان همدردی و همراهی کرده‌اند سپاسگزاری می‌کنم و این سنت حسنه را برآمده از عواطف پاک دینی و انسانی آنان می‌دانم.

میرحسین موسوی[۱]

۸۸/۳/۲۷

حوادث روز سه‌شنبه(۸۸/۳/۲۶)

در روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی جهت پایان‌دادن به فتنه‌جویی‌ها و گسترش ناامنی در کشور در میدان ولی عصر اعلام راهپیمایی و تجمع کرد.

---

۱. سایت کلمه، ۸۸/۳/۲۷، ساعت ۱۴:۱۴.

در این تجمع صدها هزار نفری، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی حاضر و دکتر حداد عادل به سخنرانی پرداخت. تظاهرکنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند مبنی‌بر اینکه چرا چهل میلیون رأی مردم را باید زیر سؤال برد و مسئول اغتشاشات اخیر کیست؟ تظاهرکنندگان خواهان برخورد با برهم‌زنندگان آرامش عمومی شدند. در این مراسم دکترحداد عادل به نقد موضع گیری‌های مهندس موسوی در انتخابات پرداخت و این سؤال را از آقای موسوی پرسید که: «در حالی که انتخابات هنوز به پایان نرسیده بود ایشان از کجا مطمئن شدند که با فاصلهٔ زیادی پیروز انتخابات شده‌اند و اعلام پیروزی کردند، در حالی که تمامی نظرسنجی‌های نهادهای مختلف، احمدی‌نژاد را اول معرفی می‌کردند و در هیچ کدام از نظرسنجی‌ها میرحسین اول نبود[1]».

در همین روز، تعدادی از طرفداران موسوی که بخشی از آنها لباس سبز پوشیده بودند، در خیابان ولی عصر، حد فاصل میدان ونک تا چهارراه پارک وی تجمع کردند. طرفداران موسوی در بیشتر لحظه های این تجمع سکوت می‌کردند و بعضاً در گروه‌های ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفری در پیاده‌روها می نشستند. سامان‌دهی افراد، حضور لیدرهایی که عمدتاً صورت های خود را پوشانده بودند و رد و بدل کردن پیام‌های کتبی و شفاهی از نکات جالب توجه تجمع طرفداران موسوی در این روز بود.

نکتهٔ قابل ذکر دیگر در این تجمع سخنرانی فائزه هاشمی در جمع تجمع کنندگان و دعوت آنها به مقاومت و ادامهٔ تجمعات بود که روز چهارشنبه ۲۷ خرداد شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی آن را پخش کردند و به سرعت در سایت های اینترنتی پخش و نصب شد. با تاریک شدن هوا مجدداً صدای انفجار و تخریب در مناطق شمال تهران بلند شد. هر کسی خود را به شکل و ظاهر دیگری و عمدتاً به ظاهر طرف مقابل درمی‌آورد و به اموال عمومی و مردم حمله می‌کرد. در شب گذشته هم در چند منطقهٔ از جمله کوی دانشگاه، شهرک سبحان در بلوار کاوه و شمال پونک گروهی لباس نیروی انتظامی و بسیج را به تن کرده و به ماشین ها و اموال مردم حمله کرده بودند. حجم تخریب های شهرک

---

۱. روزنامهٔ *ایران*، چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۸، سال پانزدهم شمارهٔ ۴۲۳۷، صفحهٔ اول.

سبحان به حدی بود که رئیس مجلس شورای اسلامی به همراه تعدادی از نمایندگان از این شهرک بازدید کرده و با آسیب دیدگان دیدار و گفتگو و همدردی کردند.[۱]

عصر روز سه شنبه مسئولان ستادهای نامزدهای دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری به همراه نمایندگان شورای نگهبان، وزارت کشور و سازمان بازرسی کشور به حضور رهبر معظم انقلاب رفته و دیدگاه های خود را به صراحت بیان کردند و در پایان رهبر معظم انقلاب خواهان رسیدگی به امور از مجاری قانونی، بازشماری تعدادی از صندوق ها با حضور نمایندگان نامزدها و پرهیز از حرکت های افراطی و تشنج زا و مراقبت از رفتارها شدند.[۲] متن کامل سخنان مقام معظم رهبری در نشست دوستانهٔ نمایندگان، مسئولان اجرایی و نظارتی و کمیسیون تبلیغات انتخابات به این شرح بود:

متن بیانات مقام رهبری در دیدار مسئولان ستادهای نامزدها

بسم الله الرّحمن الرّحیم

من اول باید عذرخواهی کنم از اینکه با صدای گرفته با دوستان صحبت می‌کنم. دو سه روزی است که بر اثر سرماخوردگی یا هر چیز دیگر، صدای من گرفته است. تحمل کنید.

مطلب اساسی و اصلی که من می‌خواهم به همهٔ دوستانی که در اینجا حضور دارند ـ چه نمایندگان ستادهای نامزدهای محترم و چه نمایندگان دستگاه‌های مسئول ـ عرض بکنم، این است که انتخابات در کشور ما برخلاف بعضی از کشورهای دیگر، همیشه مظهر وحدت ملت و نمایشگر عزت ملی بوده؛ چون هر کسی که پای صندوق رأی می آید و رأی به صندوق می‌اندازد، در واقع رأی به جمهوری اسلامی و نظام اسلامی را دارد تکرار می کند. لذا همیشه دیده‌اید مسئولین کشور و خود بنده اصرار داشتیم بر افزایش آحاد شرکت کنندهٔ در رأی دادن؛ مردم را تشویق می‌کردیم، ترغیب می‌کردیم، مردم هم هوشیارانه و در

---

۱. خبرگزاری مهر، تاریخ انتشار خبر ۱۳۸۸/۳/۲۶، ساعت ۱۱:۳۳.

۲. روزنامهٔ *ایران*، شمارهٔ ۴۲۲۷، چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۸، صفحهٔ اول.

مواقع حساس وارد قضایا می شدند؛ در مواقعی که کشور احتیاج داشته به اینکه یک فریاد رسا و بلندی را در مقابل مخالفان خود و بدخواهان خود در دنیا مطرح بکند، آمده‌اند پای صندوق های رأی و رأی داده اند. بنده در چند تا از پیام های تبریک انتخابات، این جمله را تکرار کردم: «مردم هوشمند و زمان شناس». این دفعه هم این تعبیر را من آوردم، هم بعضی از دفعات قبل این را ذکر کردم. علت این است که حضور مردم پای صندوق های رأی همیشه نشانهٔ حضور مردم در صحنه و آگاهی آنها و رأی آنها به نظام جمهوری اسلامی تلقی می شده. لذا انتخابات ما از این جهت همیشه مظهر وحدت ملی و عزت ملی بوده.

ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایهٔ انشقاق نشود؛ این حرف اصلی من است. اینکه ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیست و چهار میلیونی یک طرف اند، یک گروه چهارده میلیونی یک طرف اند، این به نظر من یک خطای بسیار بزرگی است؛ قضیه اینجور نیست. همه در یک طرف قرار دارند. آن کسانی که به رئیس جمهور منتخب این دورهٔ از انتخابات رأی دادند، همانقدر وابستهٔ به انقلاب و کشور و نظام اند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه های مردمی، فرزندان این کشورند؛ فرزندان این ملت اند. این خطاست که ما این دو مجموعهٔ رأی دهنده را که یک عده ای رأی به یک نامزدی دادند، یک عده ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم؛ نه، در یک مسئله‌ای، در یک گزینشی، اینها سلیقه شان یک جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، همهٔ اینها با هم یکی هستند. ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهم است.

من معتقدم همهٔ ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. یعنی این اتحاد ملی را در گفتن و اعلام صریح حمایت از نظام اسلامی را، دست کم نگیریم؛ این چیز بسیار مهمی است. امروز نظام اسلامی نشان دارد می دهد که مردم سالاریِ واقعی در او حکمفرماست. مردم می آیند می نشینند پای صحبت نامزدهای مختلف، گوش می کنند، بعد در حدود شاید ده روز، پانزده روز در خیابان ها حضور فعال دارند. این به نظر من خیلی مسئلهٔ مهمی است. ما باید به این شب های گوناگون و متعددی که در خیابان های تهران و بعضی از شهرستان‌های دیگر مردم

جمع می شدند و بعضی از این نامزد، بعضی از آن نامزد حمایت می کردند، شعار می دادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم ما این اند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار می کنند. آقای مهندس موسوی برای من نقل می‌کردند که توی یک خیابانی که ایشان میرفته، ماشینی با ماشین ایشان همراه می شوند. آنها شروع میکنند حرفی و شعاری را که علیه آقای موسوی بوده، با خنده گفتن. آقای موسوی گفت من هم خندیدم و به آنها دست تکان دادم اینجوری و عبور کردم. خوب، این فضا خیلی فضای خوبی است. این فضا بعد از انتخابات نباید تبدیل بشود به فضای خصومت و تقابل؛ عده‌ای این را می‌خواهند در جامعه تحقق ببخشند. این خلاف واقع است.

آن کسانی که اجتماع می کنند برای حمایت از یک نامزد، با آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از نامزد دیگر، هر دو ملت ایران اند، گروه هایی از مردم اند؛ ما باید با این دید نگاه کنیم. آرائی هم دارند؛ یک جمعی رأی به این دادند، یک جمعی رأی به آن دادند. البته قاعدهٔ مردم سالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدم پیدا می کند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسئولیت را به عهده می گیرد؛ این قاعدهٔ مردم سالاری است. اما این به معنای ایجاد تزاحم و ایجاد تعارض و دشمنی نیست. با ایجاد دشمنی همه تان مقابله کنید. این مخصوص یک نامزد یا یک ستاد یا یک مجموعه نیست؛ همه وظیفه دارند که با ایجاد نقار و دشمنی و کدورت مقابله کنند. بله، ممکن است کسانی همان طور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته، راه های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست می‌کنم از آقایان مسئول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضیِ این هست که پاره‌ای از صندوق ها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی

شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوق های مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوق ها را بازشماری کنند؛ خودِ نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

البته من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همهٔ انتخابات های گذشته - شماها همه‌تان مسئولین هستید، بوده‌اید، ممشای بنده را می دانید - به مسئولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که می دانید در موارد متعدد، مسئولین از سلائق مختلف بودند، اما من به مقام مسئولی که می شناسم و قاعدهٔ کار او را می دانم، اعتماد می‌کنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد می‌کنم، اما این اعتماد من موجب نمی شود که اگر چنانچه شبهه ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهم‌تر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هر کسی به نحوی، هر کسی وظیفه ای دارد.

انتخابات مایهٔ افتخار ماست. چهل میلیون رأی شوخی نیست. این از بالاترین نصابی که ما تا حالا داشته‌ایم، مبالغ قابل توجهی بیشتر است؛ این خیلی اهمیت دارد. بعد از سی سال ملت ما پایبندی شان به نظام جمهوری اسلامی آنچنان است که این جور با شور و شوق وارد صحنه می شوند که خبرگزاری های خارجی از همان ساعات اول اعلام کردند - ما خبرها را تعقیب می‌کردیم ـ و همه گفتند که این دفعه حضور مردم، حضور فوق‌العاده‌ای است. این را همه گفتند. حالا غیر از مشاهداتی که کسانی میرفتند رأی می دادند و می آمدند برای ما نقل می‌کردند، خبرگزاری ها گفتند و در تعدادی از تلویزیون های بیگانه هم منعکس شد که حضور مردم، حضور جدی و فعال و متراکمی است. در بعضی از تلویزیون های خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است. همین رأی‌دهندگان از دو طرف، هم طرف آن کسانی که رأی دادند به نامزد منتخب، هم آن کسانی که رأی ندادند به نامزد منتخب و به دیگری رأی دادند - که مجموعاً مثلاً حدود چهارده میلیون می شوند - همه شان

در ایجاد این حماسهٔ بزرگ سهیم بودند. ما این وحدت را، این نگاه کلان را، نگاه یکسان را فراموش نکنیم و این را از دست ملت نگیریم. همه سهیم‌اند؛ آن کسی که به آقای دکتر احمدی‌نژاد رأی داده، او هم سهیم است؛ آن کسی که به آقای مهندس موسوی رأی داده، یا به آقای کروبی رأی داده، یا به آقای رضائی رأی داده، آنها هم همه در ایجاد این حماسهٔ بزرگ سهیم‌اند و کشور مدیون آنهاست و نظام حقیقتاً مدیون این حضور حماسی مردم است که آمدند از نظام خودشان که متعلق به خودشان هست، از انقلابی که متعلق به خودشان هست، دفاع کردند و این اقدام را کردند؛ نگاه اصلی باید این باشد.

البته هر طرفی ملاحظاتی باید بکند؛ این را من قبول دارم. هم آن طرفی که توانسته اکثریت را به دست بیاورد، ملاحظاتی لازم است بکند، توجهاتی بکند، مراقبت‌هایی در کیفیت رفتار و حرکت انجام بدهد، هم آن طرفی که این رأی اکثریت را کسب نکرده، او هم مراقبتهائی لازم دارد. همه باید حلم داشته باشند. حلم اسلامی که ما در فارسی او را بردباری معنا می‌کنیم، معنایش توان تحمل و ظرفیت تحمل است. همه باید ظرفیت تحمل داشته باشند، بتوانند تحمل کنند؛ تحمل پیروزی هم کار آسانی نیست، تحمل عدم پیروزی هم کار آسانی نیست. حلم داشتن و تحمل کردن و ظرفیت پیروزی و عدم پیروزی را داشتن، یکی از فضائل انسانی است؛ ما باید این را هم در نخبگان، هم در آحاد عظیم مردم ترویج بکنیم.

البته شما شکی ندارید، من هم مثل شما، که کسانی هستند که این وحدت را نمی‌خواهند. حوادثی پیش می‌آید گوشه و کنار که این حوادث نه به آن گروه، نه به آن گروه، هیچ ارتباطی ندارد و این مربوط به افرادی است که این وحدت را، این اتفاق را، این نمایش عظمت را نمی‌خواهند. من حالا ان شاءالله در روز جمعه اگر عمری بود و مجالی بود، در این باره بیشتر صحبت خواهم کرد. کسانی نمی‌خواهند این موفقیت های شما را ببینند. در این قضایا همه موفق شدید، همه پیروز شدید؛ این جهت که توانستید نظام مورد علاقه تان را تحکیم ببخشید. مردم همه پیروزند؛ به خاطر اینکه توانستند یک عظمتی و عزتی را از خودشان بروز بدهند. عده‌ای این را نمیخواهند و طبعاً خرابکاری می کنند، ایجاد اختلال می کنند،

از این به آن حرف می‌برند، از آن به این حرف می‌آورند؛ غالباً هم خلاف. بنده چون از اطراف مختلف، حرفها به گوش من میرسد، می بینم این چیزهایی که این طرف از آن طرف می گوید، بعضاً خلاف واقع است؛ هم آن چیزهایی که آن طرف از این طرف بیان می کند، بعضاً خلاف واقع است. پیداست کسانی در وسط نمی‌خواهند این اتحاد و اتفاق در کشور شکل بگیرد. این حالا آسان ترینش است، بدترش هم همین کارهای خرابکاری‌ای است که شما می بینید انجام می دهند، که البته همه باید در مقابل این خرابکاری‌ها بایستند، اعلام موضع کنند. همه بایستی بگویند.

این تخریبهایی که انجام می گیرد، این کارهای زشتی که انجام می گیرد، بعضاً جنایاتی که واقع می شود، مربوط به هیچ کدام از این اطراف قضیه نیست؛ این مربوط به مردم نیست، مربوط به نامزدها نیست؛ مربوط به خرابکارهاست، مربوط به اخلالگرهاست. نبادا کسی توهم کند و تصور بکند که این مربوط به این است که اینها طرفدار فلان نامزدند؛ نه، اینها مثل همان کسانی هستند که اختلافات مذهبی را بین مسلمان‌ها راه می‌اندازند که ما مکرر گفته ایم اینها نه سنی اند، نه شیعه؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه تحریک می کنند، و در وضع اتحاد جامعهٔ عظیم ما هم همین جور است. کسانی که یک طرف را علیه یک طرف تحریک می کنند، کارهایی می کنند به عنوان طرفداری از یک جهت، درحالی که حقیقتاً طرفداری از او نیست؛ اینها نه از این طرف اند، نه از آن طرف. اینها کسانی هستند که با اصل نظام مخالف اند، با آرامش کشور مخالف اند، طرفدار تشنج اند، طرفدار اغتشاش اند، می‌خواهند آرامش نباشد.

هر کس سرِ کار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم می شد، بنده به طور اطمینان می توانم عرض بکنم که باز این جور حوادثی دیده می شد، باز این حوادث پیش می آمد، برای اینکه اصلاً آرامش در کشور نباشد. آنها امنیت کشور را و آرامش کشور را هدف گرفته اند و می‌خواهند این را از بین ببرند. هیچ کس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این

خواستِ آنها نیست. و هر کاری که تشنج‌آفرین باشد، واقعاً نکنند؛ یعنی همدیگر را عصبانی نکنند. این را هم من بد نیست در اینجا خطاب به مردمی که خارج از این مجموعه‌ی شما برادران عزیز هستند، توصیه بکنم، که اگر این صحبت‌ها پخش شد، خطاب به مردم هم باشد. من به مردم عزیزمان هم عرض می‌کنم: دو جناح و دو گروه، همدیگر را عصبانی نکنند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه شان پیروز شده، جوری حرف بزنند، جوری رفتار کنند که آن طرف مقابل را عصبانی کند، جریحه دار کند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه شان رأی نیاورده، جوری حرف بزنند، جوری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کند؛ نه، همه یک جهت مشترک دارید که آن عبارت است از حضور در این صحنهٔ انتخابات و دفاع از نظام اسلامی؛ این اساس قضیه است، این آن چیزی است که دل ولی عصر (ارواحنا فداه) را راضی می کند و خشنود می کند. این آن چیزی است که ان شاءاللّه موجب رحمت الهی و جریان رحمت الهی در این کشور می شود. این به نظر من درست است.

امیدوارم که خدای متعال کمک کند. من وظیفهٔ خودم دانستم که این عرأیض را به شماها بکنم. همین طور که گفتم، من تقریباً همهٔ شما یا اغلب شماها را از نزدیک می شناسم و سوابق کاریتان را می دانم و به نظرم رسید که این جور حرف زدن و این جور مخاطبهٔ با شما، ان شاءاللّه خوب است و لازم است و تکلیف من است که این را عرض بکنم. من احساس می‌کنم امروز همه تکلیف داریم از هویت جمعی این کشور و این ملت دفاع کنیم. یک مجموعهٔ عظیم مردمی است، با این بار امانت سنگینی که بر دوش گرفته، با این حرکت عظیم و شجاعانه ای که در طول این سی سال این ملت انجام داده، این را نگذارید شقه شقه بشود، نگذارید افراد در مقابل هم قرار بگیرند. هر کدامتان به یک کیفیتی خواهید توانست این کار را انجام بدهید. ان شاءاللّه خداوند کمکتان کند، راهنمائی تان کند، همه‌مان را راهنمائی کند که بتوانیم این وظیفه را به بهترین وجهی انجام بدهیم.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته[1]

---

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۶، بخش بیانات.

آخر هفتهٔ ملتهب و نماز جمعهٔ تاریخی

در روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۷ تجمعات متعددی از سوی طرفداران موسوی و احمدی‌نژاد برگزار شد. طرفداران موسوی در میدان هفت تیر تجمع و سپس به سوی میدان ولی عصر، بلوار کشاورز و خیابان های انقلاب راهپیمایی کردند. در این راهپیمایی شرکت کنندگان شعار خاصی ندادند و عمدتاً صورت و دهان خود را با نوارها و پارچه های سبز پوشانده بودند[1]. در اطراف مسجد امام صادق(ع) واقع در نزدیکی میدان ولی عصر همزمان با راهپیمایی طرفداران موسوی، گروهی از طرفداران احمدی‌نژاد به همراه تعداد زیادی موتورسوار تجمع کردند. در برخی خیابان های دیگر بسیجیان به همراه نیروی انتظامی با ایجاد پست های بازرسی و چرخیدن با موتور در مناطق مختلف شهر به صورت عملی اعلام حضور در صحنه کرده و آرامش نسبی را به بیشتر خیابان ها برگرداندند. تنها حرکت چهارشنبه شب، الله اکبر شبانه و شعارهای طرفداران موسوی در ساعت ۱۰ شب بود که به نسبت شب های قبل کمتر شده بود.

روز پنج شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸ موسوی با اطلاعیه ای خواهان همدردی با کشته شده‌ها و مصدومان تظاهرات های روزهای قبل شد و از همگان خواست به هر صورت ممکن در مساجد یا با برگزاری راهپیمایی با بازماندگان اعلام همدردی کنند:

بسمه تعالی

ملت شریف ایران!

همان گونه که می دانید طی روزهای گذشته و در نتیجه برخوردهای غیرقانونی و خشونت بار با منتقدان و معترضان نسبت به نتایج انتخابات ریاست جمهوری شماری از هموطنانمان مصدوم و تعدادی نیز به شهادت رسیده اند. این جانب ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های شهدا و همدردی با مصدومان و مجروحان از همگان درخواست می‌کنم بعد از ظهر روز پنج شنبه بیست و هشتم خردادماه به هرصورت ممکن، اعم از اجتماع در مساجد و تکایا و

۱. روزنامهٔ *اعتماد ملی*، پنج شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸، شماره ۹۴۷، تصویر روی جلد

یا برگزاری راهپیمایی های مسالمت آمیز با استفاده از نمادهای سوگواری همدردی خود را با بازماندگان اعلام کنند و بدیهی است که خود نیز در این مراسم شرکت خواهم کرد.

میرحسین موسوی[۱]

طرفداران میرحسین در این روز با لباس مشکی، بازوبند سبز و گل سفید در میدان امام خمینی تهران تجمع کردند. میرحسین به همراه همسرش در میان تجمع کنندگان حضور یافت و از سقف ماشین خود با بلندگوی دستی برای حاضران سخنرانی کرد. او پس از آن به همراه جمعیت حاضر به سوی میدان فردوسی حرکت کرد. به هنگام حضور میرحسین جمعیت سکوت خود را شکسته و به نفع میرحسین شعار دادند. آنها همچنین نوشته هایی با مضمون در ابطال انتخابات حق مسلم ماست، خواهان ابطال انتخابات و برگزاری انتخابات جدید شدند.

در این روز حرکت موتورسواران حزب اللهی در مناطق مختلف تهران همانند روز قبل از نکات قابل توجه بود که آمادگی خود را برای برخورد با اغتشاشگران اعلام می‌کردند.[۲]

فضای شهر تهران در روز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ که رسانه ها اعلام کرده بودند مقام معظم رهبری نماز جمعه را در دانشگاه تهران برگزار می کنند، به طور کامل در اختیار طرفداران نظام قرار گرفت. مهدی کروبی از روز قبل با اطلاعیه‌ای اعلام کرده بود که معترضان فردا از میدان هفت تیر با لباس‌های مشکی به سمت دانشگاه تهران راهپیمایی و در نماز جمعه شرکت می کنند. متن اطلاعیهٔ کروبی به این شرح بود:

بسم رب الشهداء و الصدیقین

ملت بزرگ ایران!

حماسه ۲۵ خرداد شما در راهپیمایی آرام از میدان امام حسین تا میدان آزادی تهران دو

---

۱. سایت خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۸/۳/۲۷، ساعت ۱۳:۱۶، کد خبر ۶۰۶۰۵.

۲. خبرگزاری فارس ۱۳۸۸/۳/۲۸، شماره خبر ۸۸۰۳۲۸۰۰۵۵.

نشان بر چهرهٔ ایران گذاشت: اول اعتراض ملت به خیانت دولت در امانتی که به آنها سپرده شده بود و آرایی که مالک حقیقی آنها مردم ایران بودند و ارباب دولت ربودند، دوم آرامش و متانت ملت در شیوهٔ اعتراض که در فضایی سرشار از سکوت برگزار شد که سکوت سرشار از ناگفته هاست.

متأسفانه کسانی که عظمت این رفتار مدنی مردم تهران و دیگر شهرهای ایران آنان را می آزارد کوشیدند با اتهام افکنی و مهندسی آشوب ـ که چون مهندسی انتخابات در آن زبردست هستند ـ برخی رفتارهای اعتراض آمیز مانند آتش زدن ها و تخریب ها را به نام ملت ایران و حامیان اصلاحات و تغییر بنویسند و در این جریان گروهی از هم میهنانمان را در میدان آزادی و کوی دانشگاه به شهادت رساندند. من با تسلیت این شهادت ها اعلام می کنم این ملت از آشوب به دور است و اینان می خواهند با هراساندن مردم کوچه و خیابان از آشوب و بزرگنمایی آنها در صدا و سیما و رسانه های وابسته و سانسور رسانه های آزاد اصل اعتراض ملت را نادیده بگیرند، چرا که اگر صداقت داشتند به جای پخش صحنه‌های خشونت بار بعد از راهپیمایی ۲۵ خرداد شکوه اصلاح طلبانه و صلح طلبانه بودن این راهپیمایی ملی و میلیونی را نشان می دادند.

این جانب که خود در روز ۲۵ خرداد قطره ای از دریای حضور شما در خیابان آزادی بودم ضمن دعوت به حضور ملت در میادین، اعتراض نسبت به توطئه به آشوب کشیدن اجتماعات از سوی عناصر مشکوک هشدار می دهم که هدف نهایی این اقدامات پایان‌دادن به حضور شما ملت عزیز است. ذره ای در تداوم حضور خود و ذره ای در مشکوک بودن این آشوب‌ها تردید نکنید.

این جانب از آنجایی که انتخابات ۲۲ خرداد را نامشروع می دانم و نتایج برآمده از آن را قبول ندارم و این فرد را برای ریاست جمهوری اسلامی ایران به رسمیت نمی شناسم. از همهٔ مردم تهران دعوت می‌کنم ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ با لباس سیاه به نشانهٔ سوگواری برای شهدای راه جمهوریت نظام اسلامی ایران از میدان ۷ تیر تا محل برگزاری نماز جمعه حضور یابند و با حضور آرام و آگاهانه خود اعتراض خویش به

انتخابات را اعلام کنند و خواسته ابطال انتخابات نامشروع ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ را به گوش عالی ترین مقام کشور برسانند.

حضور شما در نماز جمعهٔ تهران – که به امامت رهبری نظام برگزار می‌شود ـ باطل کننده القائات افرادی است که معتقدند اصلاح طلبان خواهان آشوب و حرکت در ورای چارچوب قانون هستند. قانون اساسی به همهٔ شما این حق را داده است که در خیابان‌ها حضور یابید و بدون هرگونه تخریب اموال عمومی صدای خویش را به گوش حاکمان برسانید و به نشانهٔ جدایی خود از صفوف اخلالگران مشکوک با نشان‌های سیاه خویش را از ایشان جدا سازید.

مهدی کروبی[1]

۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۸

مهدی کروبی با توجه به فضای شهر در روز جمعه و احتمال درگیری و اغتشاش در شهر بعد از چند ساعت راهپیمایی خود را به سوی دانشگاه تهران و محل برگزاری نماز جمعه لغو کرد. جمعیت شرکت کننده در آخرین نماز جمعه خرداد ماه ۱۳۸۸ به حدی بود که علاوه بر دانشگاه تهران، تمامی خیابان‌های شمال دانشگاه، تمام بلوار کشاورز تا خیابان ولی عصر و خیابان‌های منتهی به بلوار کشاورز را در بر گرفته بود و بدون شک بزرگ‌ترین نماز جمعه‌ای بود که تا آن روز دانشگاه تهران به خود دیده بود.

متن خطبه‌های رهبر معظم انقلاب در اولین جمعه بعد از انتخابات

خطبهٔ اول

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین نحمده و نستعینه و نتوکّل علیه و نستغفره و نصلّی و نسلّم ع

۱. پایگاه اطلاع رسانی حزب اعتماد ملی (سحام نیوز) ۱۳۸۸/۳/۲۷.

حبیبه و نجیبه و خیرته فی خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشیر رحمته و نذیر نقمته سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی اله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین المعصومین سیّما بقیّةاللّه فی العالمین و السّلام علی ائمةالمسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین.

قال الحکیم فی کتابه: «هو الّذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایماناً مع ایمانهم و لله جنود السّماوات و الأرض و کان اللّه علیماً حکیماً»

همهٔ برادران و خواهران عزیز را توصیه می‌کنم و دعوت می‌کنم به رعایت تقوای الهی و توجه به خدای متعال و دل دادن به رحمت و تفضل الهی در همه حال. اگر ما تقوای خدا را پیشه کنیم، اگر در همه حال دل را به خدا متوجه کنیم، حضور خود در مقابل ذات مقدس پروردگار را از یاد نبریم ـ که معنای حقیقی تقوا همین است - یقیناً برکات الهی، رحمت الهی، کمک الهی شامل حال ما خواهد شد. در نماز جمعهٔ هر هفته دل‌های نمازگزار و متوجه به خداوند متعال باید این حقیقت را، این معنای شگفت‌انگیز را با خود مرور کند؛ قوا را به خود تلقین کند.

این روزها از یک طرف به ایام ولادت با سعادت صدیقهٔ کبرا فاطمهٔ زهرا (سلام اللّه لیها) متصل و مربوط است، و از یک طرف به ایام مغتنم و ذی قیمت ماه رجب؛ وقت ذکر ست، وقت دعاست، وقت توجه است. این آیه‌ای که من تلاوت کردم، به مؤمنان بشارت ی دهد و نزول سکینهٔ الهی را یادآوری می‌کند. سکینه یعنی آرامش در مقابل تلاطم‌های ناگون روحی و اجتماعی. این آیه مربوط به حدیبیه است. در ماجرای حرکت پیامبر رم از مدینه به سمت مکه با چند صد نفر از یاران و اصحاب خود به قصد عمره ـ در سال سم از هجرت ـ حوادثی پیش آمد که از چند جهت موجب طوفانی شدن دل‌های مؤمنان . از یک طرف، دشمنان با نیروی مجهزی آنها را محاصره کرده بودند؛ اینها از مدینه دور ند ـ حدیبیه نزدیک مکه است ـ نیروهای دشمن متکی به عقبهٔ مکه بودند، نیرو داشتند، ح داشتند، جمعیت زیاد داشتند؛ این یک طرف قضیه بود که موجب اضطراب می‌شد، ب تشویش برای بسیاری از مؤمنین می‌شد؛ از طرف دیگر، پیغمبر اکرم بر طبق آن

سیاست عظیم مکتوم الهی ـ که بعد برای همه آشکار شد ـ در مقابل کفاری که آمده بودند در مقابل او، در مواردی کوتاه آمد؛ گفتند اسم «رحمان و رحیم» را، «بسم اللّه»، را از این نوشته حذف کنید، پیغمبر قبول کرد؛ و چند مسئله از این قبیل پیش آمد. این هم دلهایی را مشوش کرد، مضطرب کرد، به تردید انداخت.

در یک چنین مواردی که این اضطراب های گوناگون ـ چه به لحاظ مسائل شخصی، چه به لحاظ مسائل اجتماعی ـ برای مؤمنینِ به اسلام پیش می آید، اینجا باید منتظر سکینهٔ الهی بود؛ آن وقت می فرماید: «هو الّذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین»؛ خدا دلها را قرص کرد، آرامش به آنها داد، آنها را از تلاطم های روحی برحذر و برکنار داشت و مسلمان‌ها از لحاظ روانی، به خاطر این آرامشی که خدا به آنها داد، آسوده شدند. آنوقت نتیجهٔ این سکینهٔ الهی و آرامش روحی این می شود که: «لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم»؛ آن وقت بذر ایمان در دل آنها عمیق تر میروید، نور ایمان دل آنها را بیشتر روشن می کند؛ ایمان آنها عمیق تر می شود. این است که برای یک مجموعهٔ مسلمان، مجموعهٔ مؤمن مهم است که به خدا حسن ظن داشته باشد، بداند که خدا کمک کار اوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دلها قرص شد، گامها هم محکم می شود؛ وقتی گامها استوار شد، راه به آسانی طی می شود، به هدف نزدیک می شود.

همیشه دشمنان اسلام خواسته اند دل مسلمانان را مشوش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکت های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مکرم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آنها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار می شود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر می کند، درست تصمیم می گیرد، درست حرکت می کند. اینها نشانه‌های رحمت الهی است.

امروز جامعهٔ انقلابی ما، مردم مؤمن ما، نیاز به این دارند که این آرامش را، این سکینه را، این طمأنینه و وقار را در خودشان هرچه بیشتر به وجود بیاورند. «الا بذکر اللّه تطمئن

القلوب». یاد خداست که دلها را در ماجراهای طوفانی دنیا و زندگی حفظ می کند. یاد خدا را مغتنم بشمارید. ایام ماه رجب ـ همان طور که گفتیم ـ نزدیک است. دعاهای ماه رجب یک دریایی از معرفت است. در دعا فقط این نیست که انسان دل را به خدا نزدیک می کند؛ این هست، فراگیری هم هست. در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. دعا هم ذهن را ـ این دعاهای مأثور از ائمه (علیهم السّلام) - روشن می کند، حقایقی را، معارفی را به ما می آموزد که در زندگی به آنها نیاز داریم، و هم دل را متوجه به خدا می کند. ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید. همین نماز جمعهٔ شما مصداق ذکر الهی است. «فاسعوا الی ذکر اللَّه». در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است.

من به شما عرض بکنم، از اول انقلاب تا امروز ـ که سی سال می گذرد ـ در حوادث گوناگون، حوادثی که بعضی از آنها می توانست یک ملت را، یک نظام را از جا بکند، می توانست یک کشور را دچار دریای طوفانی ای بکند که ندانند چه میکنند و چه باید بکنند ـ همین طور که می‌بینیم در بعضی از کشورهای همسایه مان ـ برای این کشور پیش آمد، اما این کشتی استوار که متکی به ایمان های شما، به ارادهٔ شما، به دل نورانی شما به ذکر خدا متکی بود، در این طوفان های گوناگون اندک اضطرابی پیدا نکرد. این نشانهٔ رحمت الهی است؛ این نشانهٔ تفضلات خداوند به شما ملت عزیز است. مشمول تفضلات الهی شدن یک مسئله است، حفظ تفضلات و رحمت الهی یک مسئلهٔ دیگر است. مبادا به خودمان مغرور بشویم؛ مبادا وقتی دست کمک پروردگار را که می‌بینیم، بگوییم: «ما که مورد توجه پروردگار هستیم» و از وظایفمان غفلت کنیم؛ مبادا یاد خدا از دلها برود. به خصوص به شما جوانهای عزیز در سراسر کشور و هر جا که هستید عرض می‌کنم: جوانها! این دل های پاک را، این دل های نورانی را، این دل های نرم را مغتنم بشمرید؛ آنها را با یاد پروردگار سیراب کنید؛ آنها را از ذکر خدا لبریز کنید، که خدای متعال توجهاتش را و رحمتش را بر

انتخابات را اعلام کنند و خواسته ابطال انتخابات نامشروع ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ را به گوش عالی ترین مقام کشور برسانند.

حضور شما در نماز جمعهٔ تهران – که به امامت رهبری نظام برگزار می شود ـ باطل کننده القائات افرادی است که معتقدند اصلاح طلبان خواهان آشوب و حرکت در ورای چارچوب قانون هستند. قانون اساسی به همهٔ شما این حق را داده است که در خیابان ها حضور یابید و بدون هرگونه تخریب اموال عمومی صدای خویش را به گوش حاکمان برسانید و به نشانهٔ جدایی خود از صفوف اخلالگران مشکوک با نشان های سیاه خویش را از ایشان جدا سازید.

مهدی کروبی[1]

۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۸

مهدی کروبی با توجه به فضای شهر در روز جمعه و احتمال درگیری و اغتشاش در شهر بعد از چند ساعت راهپیمایی خود را به سوی دانشگاه تهران و محل برگزاری نماز جمعه لغو کرد. جمعیت شرکت کننده در آخرین نماز جمعه خرداد ماه ۱۳۸۸ به حدی بود که علاوه بر دانشگاه تهران، تمامی خیابان های شمال دانشگاه، تمام بلوار کشاورز تا خیابان ولی عصر و خیابان های منتهی به بلوار کشاورز را در بر گرفته بود و بدون شک بزرگ ترین نماز جمعه ای بود که تا آن روز دانشگاه تهران به خود دیده بود.

متن خطبه های رهبر معظم انقلاب در اولین جمعه بعد از انتخابات

خطبهٔ اول

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین نحمده و نستعینه و نتوکّل علیه و نستغفره و نصلّی و نسلّم علی

۱ـ پایگاه اطلاع رسانی حزب اعتماد ملی(سحام نیوز) ۱۳۸۸/۳/۲۷.

حبیبه و نجیبه و خیرته فی خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشیر رحمته و نذیر نقمته سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی اله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین المعصومین سیّما بقیّةاللّه فی العالمین و السّلام علی ائمةالمسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین.

قال الحکیم فی کتابه: «هو الّذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایماناً مع ایمانهم و لله جنود السّماوات و الأرض و کان اللّه علیماً حکیماً»

همهٔ برادران و خواهران عزیز را توصیه می‌کنم و دعوت می‌کنم به رعایت تقوای الهی و توجه به خدای متعال و دل دادن به رحمت و تفضل الهی در همه حال. اگر ما تقوای خدا را پیشه کنیم، اگر در همه حال دل را به خدا متوجه کنیم، حضور خود در مقابل ذات مقدس پروردگار را از یاد نبریم ـ که معنای حقیقی تقوا همین است - یقیناً برکات الهی، رحمت الهی، کمک الهی شامل حال ما خواهد شد. در نماز جمعهٔ هر هفته دل‌های نمازگزار و متوجه به خداوند متعال باید این حقیقت را، این معنای شگفت انگیز را با خود مرور کند؛ تقوا را به خود تلقین کند.

این روزها از یک طرف به ایام ولادت با سعادت صدیقهٔ کبرا فاطمهٔ زهرا (سلام اللّه علیها) متصل و مربوط است، و از یک طرف به ایام مغتنم و ذی قیمت ماه رجب؛ وقت ذکر است، وقت دعاست، وقت توجه است. این آیه‌ای که من تلاوت کردم، به مؤمنان بشارت می‌دهد و نزول سکینهٔ الهی را یادآوری می‌کند. سکینه یعنی آرامش در مقابل تلاطم‌های گوناگون روحی و اجتماعی. این آیه مربوط به حدیبیه است. در ماجرای حرکت پیامبر اکرم از مدینه به سمت مکه با چند صد نفر از یاران و اصحاب خود به قصد عمره ـ در سال ششم از هجرت ـ حوادثی پیش آمد که از چند جهت موجب طوفانی شدن دل‌های مؤمنان بود. از یک طرف، دشمنان با نیروی مجهزی آنها را محاصره کرده بودند؛ اینها از مدینه دور بودند ـ حدیبیه نزدیک مکه است ـ نیروهای دشمن متکی به عقبهٔ مکه بودند، نیرو داشتند، سلاح داشتند، جمعیت زیاد داشتند؛ این یک طرف قضیه بود که موجب اضطراب می‌شد، موجب تشویش برای بسیاری از مؤمنین می‌شد؛ از طرف دیگر، پیغمبر اکرم بر طبق آن

سیاست عظیم مکتوم الهی ـ که بعد برای همه آشکار شد ـ در مقابل کفاری که آمده بودند در مقابل او، در مواردی کوتاه آمد؛ گفتند اسم «رحمان و رحیم» را، «بسم اللّه»، را از این نوشته حذف کنید، پیغمبر قبول کرد؛ و چند مسئله از این قبیل پیش آمد. این هم دلهایی را مشوش کرد، مضطرب کرد، به تردید انداخت.

در یک چنین مواردی که این اضطراب های گوناگون ـ چه به لحاظ مسائل شخصی، چه به لحاظ مسائل اجتماعی ـ برای مؤمنینِ به اسلام پیش می آید، اینجا باید منتظر سکینهٔ الهی بود؛ آن وقت می فرماید: «هو الّذی انزل السکینهٔ فی قلوب المؤمنین»؛ خدا دلها را قرص کرد، آرامش به آنها داد، آنها را از تلاطم های روحی برحذر و برکنار داشت و مسلمان‌ها از لحاظ روانی، به خاطر این آرامشی که خدا به آنها داد، آسوده شدند. آنوقت نتیجهٔ این سکینهٔ الهی و آرامش روحی این می شود که: «لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم»؛ آن وقت بذر ایمان در دل آنها عمیق تر میروید، نور ایمان دل آنها را بیشتر روشن می کند؛ ایمان آنها عمیق تر می شود. این است که برای یک مجموعهٔ مسلمان، مجموعهٔ مؤمن مهم است که به خدا حسن ظن داشته باشد، بداند که خدا کمک کار اوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دلها قرص شد، گامها هم محکم می شود؛ وقتی گامها استوار شد، راه به آسانی طی می شود، به هدف نزدیک می شود.

همیشه دشمنان اسلام خواسته اند دل مسلمانان را مشوش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکت های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مکرم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آنها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار می شود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر می کند، درست تصمیم می گیرد، درست حرکت می کند. اینها نشانه‌های رحمت الهی است.

امروز جامعهٔ انقلابی ما، مردم مؤمن ما، نیاز به این دارند که این آرامش را، این سکینه را، این طمأنینه و وقار را در خودشان هرچه بیشتر به وجود بیاورند. «الا بذکر اللّه تطمئن

القلوب». یاد خداست که دلها را در ماجراهای طوفانی دنیا و زندگی حفظ می کند. یاد خدا را مغتنم بشمارید. ایام ماه رجب ـ همان طور که گفتیم ـ نزدیک است. دعاهای ماه رجب یک دریایی از معرفت است. در دعا فقط این نیست که انسان دل را به خدا نزدیک می کند؛ این هست، فراگیری هم هست. در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. دعا هم ذهن را ـ این دعاهای مأثور از ائمه (علیهم السّلام) - روشن می کند، حقایقی را، معارفی را به ما می آموزد که در زندگی به آنها نیاز داریم، و هم دل را متوجه به خدا می کند. ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید. همین نماز جمعهٔ شما مصداق ذکر الهی است. «فاسعوا الی ذکر اللّه». در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است.

من به شما عرض بکنم، از اول انقلاب تا امروز ـ که سی سال می گذرد ـ در حوادث گوناگون، حوادثی که بعضی از آنها می توانست یک ملت را، یک نظام را از جا بکند، می توانست یک کشور را دچار دریای طوفانی ای بکند که ندانند چه میکنند و چه باید بکنند ـ همین طور که می‌بینیم در بعضی از کشورهای همسایه مان ـ برای این کشور پیش آمد، اما این کشتی استوار که متکی به ایمان های شما، به ارادهٔ شما، به دل نورانی شما به ذکر خدا متکی بود، در این طوفان های گوناگون اندک اضطرابی پیدا نکرد. این نشانهٔ رحمت الهی است؛ این نشانهٔ تفضلات خداوند به شما ملت عزیز است. مشمول تفضلات الهی شدن یک مسئله است، حفظ تفضلات و رحمت الهی یک مسئلهٔ دیگر است. مبادا به خودمان مغرور بشویم؛ مبادا وقتی دست کمک پروردگار را که می‌بینیم، بگوییم: «ما که مورد توجه پروردگار هستیم» و از وظایفمان غفلت کنیم؛ مبادا یاد خدا از دلها برود. به خصوص به شما جوانهای عزیز در سراسر کشور و هر جا که هستید عرض می‌کنم: جوانها! این دل های پاک را، این دل های نورانی را، این دل های نرم را مغتنم بشمرید؛ آنها را با یاد پروردگار سیراب کنید؛ آنها را از ذکر خدا لبریز کنید، که خدای متعال توجهاتش را و رحمتش را بر

این ملت مستدام خواهد کرد. و شما بدانید ـ من امروز عرض می‌کنم ـ آن جوری که من دارم می بینم این ملت را و آن جوری که مطلعم از تاریخ گذشتگان خودمان در این کشور و در دیگر کشورها، من مطمئنم و یقین دارم این ملت به توفیق الهی، به حول و قوهٔ الهی، به تمام اهداف بلند خود دست خواهد یافت.

این فضای معنویِ جامعه را قدر بدانید، مبادا هیجان‌های سیاسی ما را از خدا غافل کند؛ مبادا بگومگوهای گوناگونی که در یک کشور پیش می‌آید ـ که در میان یک ملت آزاد یک امر طبیعی است ـ ما را غافل کند، ندانیم به کجا می‌خواهیم برویم، ندانیم چه جور می‌خواهیم برویم. این انقلاب از اول بر پایه ی ایمان‌های پاک و صادق استوار شد و ادامهٔ این راه هم بر همین پایهٔ استوار قرار خواهد داشت.

با وجود این همه عوامل انحراف، بحمدالله ملت ما مؤمن اند، خداودست‌اند، دین‌شناس اند، به معنویت علاقه‌مندند. امروز جوان‌ها در دنیایی که مادیگری بر آن حاکم است، غرق در حیرت و آشفتگی اند؛ دوری از معنویت آنها را دچار آشگفتی کرده است؛ نمی دانند چه بکنند؛ متفکرانشان هم مانده اند؛ و بعضی از آنها فهمیده اند که راه اصلاح کارهایشان مراجعه به معنویت است. ولی چه جور می توانند معنویت دست رفته را، معنویتی را که دو قرن است در کشورهای غربی دائماً با وسائل گوناگون کوبیده شده است، می‌خواهند برگردانند؛ کار آسانی نیست. اما ملت ما اینجور نیست. ملت ما در این مجرای عظیم معنویت حرکت کرد، با معنویت توانست یک انقلابِ با این عظمت را به پیروزی برساند، با معنویت توانست در این دنیای مادی یک نظام اسلامی را که متکی به معنویت است، برافرازد، پایه های آن را محکم کند و آن را در مقابل تهاجم‌ها و طوفان‌های گوناگون حفظ کند. ملت ما یک جنگ هشت سالهٔ تحمیلی را با تکیهٔ به همین معنویت توانست با سرافرازی و پیروزی طی کند. امروز هم جوان های ما اکثراً جوان های مؤمن و معنوی هستند. حتّی آن کسانی که به ظاهر گرایش معنوی در سیمای آنها نیست، انسان در مواقع حساس می بیند دلهایشان متوجه خداست. بارها من عرض کرده‌ام که در این شب های قدر، در این روزهای اعتکاف، در این مراسم

نماز عید فطر، چه افرادی، چه اشخاصی که انسان گمان نمی کند، دل هایشان را متوجه خدا می کنند.

پروردگارا! تو را به قرآن سوگند می دهیم، تو را به ائمهٔ هدی (علیهم السّلام) و نبی مکرم سوگند می دهیم، دلهای ما را از معنویت بیش از پیش انباشته بفرما. پروردگارا! دست ما را از قرآن و از اهل بیت کوتاه مکن. پروردگارا! تقوا و ایمان و سکینهٔ الهی را بر دل های این ملت بزرگ نازل کن. پروردگارا! این ملت مقتدر و مظلوم را در مقابل دشمنانش به پیروزی برسان. پروردگارا! دل های ما را متوجه به خود نگه دار. پروردگارا! آنچه می گوییم، آنچه می‌کنیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ و از ما قبول بفرما. پروردگارا! سلام ما را به پیشگاه ولی ات و حجتت و عبد صالحت حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) برسان؛ دعای آن بزرگوار را در حق ما مستجاب بفرما.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و العصر. انّ الانسان لفی خسر. الّا الّذین امنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر.

خطبهٔ دوم

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

والحمدللّه ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین المعصومین سیّما علیّ امیرالمؤمنین و حبیبته فاطمة الزّهراء و الحسن و الحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی بن الحسین و محمّد بن علیّ و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علیّ بن موسی و محمّدبن علیّ و علیّ بن محمّد و الحسن بن علیّ و الخلف القائم المهدیّ صلواتک علیهم اجمعین و صلّ علی ائمة المسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین.

اوصیکم عباد اللّه بتقوی اللّه.

در این خطبه هم من همهٔ برادران و خواهران عزیزی را که در نماز شرکت دارند، دعوت می‌کنم به تقوا، به پرهیزگاری.

مسئله‌ای که در این خطبه مطرح می‌کنم، مسئلهٔ انتخابات است که فعلاً مسئلهٔ روز در کشور ماست. سه مطلب را خطاب به سه دسته عرض خواهم کرد. یک مطلب خطاب به عموم ملت عزیزمان در هر نقطه ای از کشور که هستند، می‌خواهم عرض بکنم. یک مطلب را خطاب به نخبگان سیاسی، نامزدهای ریاست جمهوری، فعالان و دست‌اندرکاران قضایای انتخابات میخواهم عرض بکنم. یک مطلب هم خطاب به سران استکبار، بعضی از دولت‌های غربی و سردمداران رسانه هایی که آنها اداره می کنند، خواهم گفت.

دربارهٔ مطلب اول که خطاب به شما مردم عزیز است، حرف من عبارت است از یک دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر. بنده دوست ندارم در سخنرانی ها و خطابه ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه ی انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض می‌کنم که هر چه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتّی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت‌جوی مردم در ادارهٔ کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی های گوناگون ـ چه دموکراسی های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی هایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه می کنند ـ نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال ۵۸ ـ فروردین ۵۸ ـ هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعهٔ گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود ۸۵ درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی‌عصر را پشت سر حوادثی با این عظمت می بیند. این نشانهٔ توجه خداست. لازم می‌دانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد.

نسل جوان ما به خصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کورهٔ داغ انقلاب دل ها را به هیجان می آورد، بعد هم در دورهٔ جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز

اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسئولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده‌ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عدهٔ دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن یک تعهد جمعی را انسان در بین همهٔ این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس می کند؛ یک تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزلهٔ سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نفَس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردم‌سالاری دینی را به رخ همهٔ مردم عالم کشید. همهٔ کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردم سالاری دینی یعنی چه. این یک راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری ها و نظام‌های مستبد از یک طرف، و دموکراسی های دور از معنویت و دین از یک طرف دیگر، این مردم‌سالاری دینی است؛ این است که دلهای مردم را مجذوب می کند و آنها را به وسط صحنه می کشاند. این، امتحان خودش را داد. این یک نکته دربارهٔ این انتخابات.

نکتهٔ دوم در باب این انتخابات این است که انتخابات ۲۲ خرداد نشان داد که مردم، با اعتماد و با امید و با شادابی ملی در این کشور زندگی می کنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانهٔ خودشان بر زبان می‌آورند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمی کنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمی کنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمی‌دهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد. و من بعد عرض خواهم کرد

که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته اند؛ دشمنان ملت ایران می‌خواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایهٔ جمهوری اسلامی است، می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ می‌خواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند دربارهٔ این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند.

دشمنان ملت ایران می دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهدشد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به مراتب از آتش‌زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می‌خواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوش‌ها می‌خوانند، تکرار می کنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می‌خواستند زمینه را آماده کنند. من آن وقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن می‌خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاش‌های فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می‌خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. این هم یک نکته.

نکتهٔ سوم، مسئلهٔ رقابت ها بود. این رقابت ها کاملاً رقابت های آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود؛ همه دیدند. به قدری این رقابت ها و این گفتگوها و این مناظره ها شفاف و صریح بود، که عده‌ای به آن معترض شدند - حالا عرض خواهم کرد - حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم به وجود آورد که الآن هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم. من

به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریان‌های متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی می کنند در رسانه‌های گوناگون ـ که غالباً هم این رسانه‌ها مال این صهیونیست‌های خبیث و رذل است ـ اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، این جوری نبود؛ آنها غلط می کنند این حرف را می‌زنند؛ این واقعیت ندارد.

این چهار نفری که وارد عرصهٔ این انتخابات جدی شدند، همه شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیرِ هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرماندهٔ سپاه در سال‌های متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوهٔ مقننهٔ کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظام‌اند؛ اینها همه‌شان متعلق به نظام‌اند. البته اختلاف نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهتگیری‌های گوناگون سیاسی با هم تفاوت های متعددی دارند؛ اما همه شان مال نظام‌اند؛ چهار نفر از عناصر نظام‌اند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیسِ خبیث و دیگران هی می خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابستهٔ به نظام؛ متعلق به نظام، و همه شان هم با این سوابق. همه شان را من از نزدیک می شناسم، افکارشان را می دانم، سلائقشان را می دانم، خصوصیات رفتاریشان را می دانم، با همه شان از نزدیک من کار کردم. البته بنده همهٔ دیدگاه‌های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شک قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسبتر از بعضی دیگر میدانم؛ اما انتخاب به عهدهٔ مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیون ها این طرف، میلیون ها آن طرف. بنابراین، مسئله، مسئلهٔ درونی نظام است. اینی که بخواهند

صورت مسئله را تغییر بدهند، این صد در صد مغرضانه و خباثت آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهار چوب نظام است. آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پایبندی‌اش بیشتر است، به او رأی دادند. آن کسی را که صالح تر برای خدمت به نظام می دانستند، به او رأی دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند.

اما این رقابت ها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود. این مناظره ها تو دهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ می‌کردند که این رقابت ها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده اند، با هم بحث می کنند، با هم استدلال می کنند. بنابراین مناظره ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه ها بدون ابهام، بدون پیچیده گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پایبندی هایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همهٔ نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقت ها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم می‌خواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصابِ دوره های قبل همین بود که ذهن

مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره ها به سطح خیابان ها هم کشیده شد، داخل خانه ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا می‌برد. این جور مباحثات و گفتگوها ذهن ها را پرورش می دهد، قدرت انتخاب را بالا می‌برد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است. البته همین جا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین طور کش پیدا کند، ادامه پیداکند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این جور مناظره هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند - البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد - و افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهن ها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمی کند؛ همهٔ حرف‌ها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخ ها، جواب ها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان می دید که در این مناظره ها جنبهٔ منطقی مناظره ضعیف می شد؛ جنبهٔ احساساتی و عصبی پیدا می‌کرد؛ جنبهٔ تخریبی غلبه پیدا می‌کرد؛ سیاه نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره های گذشته هم در این مناظره ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی انصافی‌هایی احیاناً دیده شد؛ هم بی انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی انصافی نسبت به دولت‌های گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرفهای خوب، حرف‌هایی هم که خوب نبود، گفته شد.

بنده هم مثل بقیهٔ آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریض‌ها، آن تصریح‌ها، التهاب‌آور و نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود. بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریح‌ترین اهانت‌ها به رئیس جمهورِ قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می‌آوردند و من می‌دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمتهایی زدند، حرفهایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبت‌های خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گویی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم می‌دانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند. این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامهٔ درخشان سی سالهٔ انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظام‌اند؛ اینهاکسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی

این جور حرفها مطرح می شود، تلقی های نادرست در جامعه به وجود می آید، جوانها چیز دیگری خیال می کنند، چیز دیگری می فهمند.

آقای هاشمی را همه می شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶ ـ یعنی ۵۲ سال قبل ـ ایشان را از نزدیک می شناسم. آقای هاشمی از اصلی ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیرِ قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می داد. اینها را جوان ها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسئولیت های زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسئولیت های دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساس ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس جمهور از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف نظر بود، الآن هم هست؛ هم در زمینۀ مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینۀ نحوۀ اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است.

در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دلبستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره های زندۀ تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیب ها باید برطرف بشود. من همان وقت ـ بعد از مناظره ـ به آقای رئیس جمهور هم تذکر دادم؛ چون می دانستم ایشان

ترتیب‌اثر می دهند.

در مورد مبارزهٔ با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینهٔ مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من می‌خواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامهٔ هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به رؤسای محترم سه قوه نمی نوشتم و این قدر روی آن تأکید نمی کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالم‌ترین نظام‌های سیاسی و اجتماعی در دنیاست. اینکه ما بیاییم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی جهت در زمینهٔ فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوهٔ مجریه، هم در قوهٔ قضائیه، هم در قوهٔ مقننه. همه موظف‌اند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما اینکه بسیاری از کشورهای دنیا ـ همین کشورهای غربی که این‌قدر دم از مبارزهٔ با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می‌زنند ـ تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همهٔ دنیا دانستند. این یک گوشه هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست.

این بخش مربوط به خطاب مردم را من جمع بندی کنم. عزیزان من! ملت ایران! ۲۲ خرداد یک حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگرچه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به یک پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتّی بعضی خواستند این را به یک شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمی شود آن را دستکاری کرد.

رقابت‌ها تمام شد. همهٔ کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ ان شاء الله

اجر الهی دارند. همه شان در درون جبهۀ انقلاب اند، متعلق به نظام اند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده‌اند. خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند. مردم اطمینان دارند؛ اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز و کارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازۀ تقلب نمی دهد. این را هر کسی که دست اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می کند؛ آن هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک‌وقت اختلافِ بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک جوری تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور می شود تقلب کرد! در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستنداتی ارائه می دهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعت های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدانخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبهه ای هست، از راه های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همان طور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوق ها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.

اما خطاب دوم من، خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من می‌خواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظۀ حساس تاریخی برای کشور

است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایهٔ ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطهٔ حساسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همهٔ ما وظیفه داریم که در این مرحلهٔ تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم. در این قضیهٔ انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفهٔ خودشان عمل کردند. وظیفه شان این بود که بیایند پای صندوق های رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه اداء شد؛ اما ما و شما وظایف سنگین تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی، و یک عده ای از اینها حرف شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطی گری کنند، دامنهٔ این افراطی گری در بدنهٔ مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خون ها و خشونت ها و هرج و مرج ها، آنهایند. من به همهٔ این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعهٔ صدر داشته باشید؛ دست های دشمن را ببینید؛ گرگ های گرسنهٔ کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره هایشان برمی دارند و چهرهٔ حقیقی خودشان را نشان می دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.

امروز ـ حالا عرض خواهم کرد ـ دیپلمات های برجستهٔ چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف می‌زدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهرهٔ واقعی خودشان را دارند نشان می دهند؛ «قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر». دشمنی‌های خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان می دهند؛ از همه هم خبیث تر دولت انگلیس. من به این برادران عرض می‌کنم، به مسئولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسئولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب

است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همهٔ اختلاف ها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوق های رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ نه در کف خیابان ها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهائی که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می‌خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذیِ تروریست - آن کسی که می‌خواهد ضربهٔ تروریستی بزند ـ مسئلهٔ او مسئلهٔ سیاسی نیست؛ برای او چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آن‌وقت مسئولیتش با کیست؟ الآن همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهائی که به اینها نشان داده خواهد شد ـ تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبهٔ این واکنش ها با کیست؟ انسان دلش خون می شود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوان ها را، دانشجوها را ـ آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب اللهی را، نه آن شلوغ کن ها را ـ مورد تهاجم قرار بدهند، آن‌وقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون می شود از این حوادث. زورآزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به‌چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم سالاری است.

من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهدهٔ آنهاست.

این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می کنند و مسئولین نظام را مجبور می کنند، وادار می کنند تا به عنوان مصلحت،

زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبهٔ غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.

من از همهٔ این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را می‌خواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن میخواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح تر از این صحبت خواهم کرد.

و اما خطاب سوم، خطاب به سران استکبار و سران رسانه های استکباری است. بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان چند کشور اروپایی را دنبال کردم؛ در این هفته های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روزِ بعد از انتخابات. یک وضع متغیر و متفاوتی داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصلِ انتخابات ایجاد تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود. البته همین نتایجی که از این انتخابات حاصل شد، همین نتایج را آنها هم ـ هم اروپایی‌ها، هم آمریکایی‌ها ـ حدس می‌زدند؛ اما این حرکت عظیم مردم را انتظار نداشتند؛ این کارِ ۸۵ درصدی؛ چهل میلیونی را باور نمی کردند. بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ فهمیدند چه اتفاق بزرگی در ایران افتاد؛ فهمیدند که باید خودشان را با این شرایط جدید وفق بدهند؛ هم در امور بین الملل، هم در امور خاورمیانه و جهان اسلام، هم در مسئلهٔ هسته ای. در مسائل ایران شوکه شدند؛ فهمیدند که سرفصل جدیدی در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی پیدا شد، که مجبورند این را بپذیرند. این مال هنگامی بود

که این حرکت عظیم مردم دیده شد و از اینجا مرتب به‌وسیلهٔ ایادی خودشان مخابره شد و همه شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه این اظهارات شروع شد، آنجا هم برخی از بازخوردهای این اظهارات دیده شد. وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابان ها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقاب هایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولت‌های چند تا کشور اروپایی و آمریکا حرفهایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان می داد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابان‌ها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقهٔ به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرف‌ها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟

در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تطاول اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست نشاندگان سرویس های جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) یک سرمایه دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمق ها خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه می کنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند.

آن چیزی که در این بین از همه بدتر و زشت‌تر به چشم من آمد، این حرف‌هایی بود که به‌عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولتمردان آمریکائی صادر شد که: ما از اینکه با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز هم دارد می کشد؟ عراق را کی زیر چکمهٔ نظامیان خودش تحقیر کرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا ـ انسان واقعاً تعجب می کند ـ در زمان دولت همین حزب دمکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر می کند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه ی داوودی را زنده زنده در آتش سوزاندند. این که دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دمکرات ها این کار را کردند. فرقه ی داوودی ها به قول خودشان دیویدی ها - به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصن شدند. هر چه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حقوق بشر می فهمید یعنی چه؟! به نظر من این مسئولان و سیاستمداران اروپایی و آمریکایی قدری بایستی شرم و حیا را هم برای خودشان وظیفه بدانند. جمهوری اسلامی، پرچم دار حقوق انسان است. دفاع ما از مردم مظلوم در فلسطین، در لبنان، در عراق، در افغانستان، در هر نقطه‌ای که مردم مظلوم واقع شدند، نشانهٔ همین است. نشانهٔ این است که پرچم حقوق بشر به وسیلهٔ اعتقاد به اسلام، ایمان به اسلام در این کشور برافراشته شده است. ما احتیاج نداریم که برای حقوق بشر کسی ما را نصیحت کند. خب، این عرایض ما بود دربارهٔ انتخابات.

یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبمان، حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام می دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همهٔ اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن

برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. اذا جاء نصر الله و الفتح. و رأیت النّاس یدخلون فی دین اللَه افواجا. فسبّح بحمد ربّک و استغفره انّه کان توّابا.

و السّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته[۱]

نامهٔ کروبی برای ابطال انتخابات

کروبی بعد از لغو راهپیمایی اعلان شده‌اش در روز جمعه با صدورنامهٔ سرگشاده به شورای نگهبان خواهان ابطال انتخابات و تجدید آن شد. سایت های خبری اصلاح طلب ساعت صدور نامهٔ کروبی را بعد از بیانات رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه اعلام کرده بودند و این معنایی خاص داشت که پیروی نکردن از سخنان مقام معظم رهبری را متوجه کروبی می‌کرد.

متن نامهٔ کروبی در روز جمعه ۱۳۸۸/۳/۲۹ به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی

سلام علیکم

شما فقها و حقوقدانان گرامی در جایگاهی قرار گرفته‌اید که برآمده از مجاهدت ملت شریف ایران و ابتکار رهبر فقید انقلاب و اجتهاد علما و روشنفکران منتخب مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی است. نمایندگان ملت در این مجلس به شرحی که در مشروح مذاکرات آن آمده است ـ و برخی از ایشان در قید حیات و از مراجع تقلید هستند ـ از این حیث نظارت بر انتخابات را به شورای نگهبان واگذار کردند که نگران تکرار تجربه

---

۱. متن خطبه ها از سایت پایگاه دفتر مقام معظم رهبری گرفته شده است.www.Leader.ir بخش خطبه ها تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۹.

دخالت دربار و ساواک در انتخابات در رژیم گذشته بودند و گمان می‌کردند با امکان تکرار تجربهٔ دیکتاتوری در نهاد ریاست جمهوری باید نظارت بر انتخابات را به جمعی از فقها و حقوقدانان مستقل و بیطرف واگذار شود تا به نام دموکراسی، دیکتاتوری به وجود نیاید. در سی سال گذشته هرگز اهمیت این نکتهٔ کلیدی در تدوین و تفسیر قانون اساسی تا این حد مورد توجه قرار نگرفته بود که امروز مورد توجه قرار گرفته است چراکه اکنون زمان انتخاب شورای نگهبان است. متأسفانه به هر دلیل انتخاباتی برگزار شده است که در اثر کم دقتی ها و سوءاستفاده‌ها و با وجود فیلترهای متعدد، اکثریت قاطعی از ملت ایران نسبت به نتیجه اعلام شده برای انتخابات معترض هستند و برای بطلان این انتخابات ده ها دلیل دارند که برخی از این ادله از حد سند و مدرک (که توسط نامزدهای سه گانه به شورای نگهبان ارائه شده) گذشته و به حد شیاع رسیده است. سوءاستفاده برگزارکنندگان انتخابات از موقعیت خود در دولت، دخل و تصرف در رأی صندوق ها و وعده و وعیدهای غیرقانونی و شبه قانونی، اتهام‌پراکنی و پرده‌دری تنها پرده‌هایی از این اتهامات هستند که تفصیل آنها در شکایت این جانب به شورای نگهبان آمده است. اگر شورای نگهبان به سیاق گذشته خود عمل کند که به بهانهٔ یک شام و میهمانی و یا دادن چند قلم جنس از سوی یک نامزد راهیابی به مجلس در یک حوزهٔ انتخابیه کوچک یا دخالت یک فرماندار، انتخابات را باطل اعلام می‌کرد اکنون با این وعده های بزرگ و سوءاستفاده های بزرگ‌تر و توزیع پول از سوی مقامات بزرگ‌تر اگر شورای نگهبان کاری کمتر از ابطال کند در حقیقت مرتکب اشتباه بزرگی شده است.

قصد من تحت فشار قرار دادن شورای نگهبان نیست. من به قانون عمل می‌کنم و با وجود برخی باورها دربارهٔ عدم بی طرفی نهادهای داوری کننده انتخابات هنوز امیدوارم شورای نگهبان به وظیفه قانونی خود عمل کند و این انتخابات را باطل اعلام کند.

اعضای محترم شورای نگهبان!

این نه خواست یک فرد که خواست یک ملت است. کسانی که در روزهای گذشته در

اجتماعات میلیونی در خیابان های تهران و برخی شهرستان‌ها حضور یافتند و با کمال نجابت و صداقت با سکوت فریاد خود را به گوش شما میرسانند نه خس و خاشاک که همان امت همیشه در صحنه هستند. چگونه است که تا روز قبل از انتخابات به این جمعیت افتخار می شد و از اجتماع ملت به شور انتخاباتی یاد می شد و اکنون یا به الفاظ زشت از آنان یاد می شود یا به عوامل بیگانه نسبت داده می شوند؟ حتماً به یاد دارید که محمدرضا پهلوی هم قیام مردم تبریز را در آستانه انقلاب اسلامی به توطئه بیگانگان نسبت می داد و می گفت اینان از خارج وارد ایران شده اند. حتما به خاطر دارید که محمدرضا پهلوی مخالفانش یعنی ما و شما را ارتجاع سرخ و سیاه می نامید و BBC را عامل انقلاب اسلامی ایران می خواند. من به عنوان فردی که از سال ۱۳۴۱ به عنوان یکی از یاران امام خمینی برای جمهوریت و اسلامیت و آزادی در راه انقلاب اسلامی زندان رفتهام و شکنجه شده‌ام هشدار می دهم که توهین به ملت آتش خشم آنان را شعله‌ور می کند. آنان که این روزها در خیابان های تهران تجمع میکنند اتفاقاً عصارهٔ ملت‌اند و هیچ نیازی به نیروی خارجی ندارند و از اموال عمومی مانند اتوبوس های دولتی و تبلیغات تلویزیونی هم برای تجمع بی بهره‌اند و هیچ حزب و گروهی هم توان گردآوری این همه جمعیت را ندارد. این مردم نه خواستار تغییر نظام هستند و نه اجازه هر نوع آشوبی را می دهند. من خود در میان جمعیت شاهد بودم چگونه نظم خودجوش این ملت اجازه سر دادن هیچ شعاری را نمی داد و با خشونت طلبان مرزبندی داشت. اینان تنها یک خواسته دارند و آن ابطال انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۸۸ و برگزاری یک انتخابات سالم و آزاد بدون سوءاستفاده از امکانات دولتی است. این انتخابات زیر نظر همین نهادهای فعلی برگزار خواهد شد و در آن هیچ چیزی جز یک رئیس جمهور تعیین نخواهد شد و معنای آن نیز هیچ چیزی جز تمکین نظام به رأی ملت نخواهد بود.

اعضای محترم شورای نگهبان!

شما مهم‌ترین ظرفیت قانونی در اصلاح این وضع هستید که می توانید با کمترین هزینه، خواست ملت را برآورده سازید. مبادا با ناامیدی ملت از شورای نگهبان آن

نگرانی تاریخی امام خمینی محقق شود که فرموده بود: مبادا روزی ملت علیه شورای نگهبان به خیابان‌ها بریزند.

اعضای محترم شورای نگهبان!

متأسفانه تخلفات این دولت در برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ در این روز نه تنها تمام نشد بلکه پس از آن با وجود جو التهاب و اعتراض در جامعه بر روی آتش خشم ملت نفت ریختند. مردم را خس و خاشاک خواندند، با چماق و قمه به اجتماعات مسالمت‌آمیز و آرام آنان حمله کردند، با مهندسی‌آشوب‌ها آنها را به نام ملت نوشتند، به کوی دانشگاه حمله کردند، به شکل لباس شخصی‌ها وارد خانه‌های مردم شدند، اعتراض ملت به دولت را اعتراض به نظام خواندند و در پناه سانسور رسانه‌ها و محدودیت سایت‌ها و قطع موبایل‌ها و پیامک‌ها و ایجاد جو رعب و وحشت به بازداشت گسترده نخبگان و روشنفکران پرداختند تا جایی که فردی که نیازمند مراقبت‌های مستمر پزشکی است و جانش در خطر است را بازداشت کردند یا پیرمرد هفتاد و چند ساله‌ای را از بیمارستان به زندان بردند یا فرزند شهدا و جانبازان را بازداشت کردند و در میدان آزادی هم افرادی را کشتند و هم با گرفتن زیر تابوت این شهدا از آن برای خاموشی ملت استفاده کردند و این همه در حق ملتی است که در تجمعات هفتهٔ گذشته خود با تکبیر و صلوات و سکوت اعتراض خود را اعلام کرده‌اند. اگر شما بخواهید به عدالت رفتار کنید همین رفتارهای هفته گذشته دولت خود در ابطال انتخابات مهم‌ترین سند است. دولتی که برپایهٔ انتخابات مشروع به قدرت برسد به این جو رعب و وحشت چه نیازی دارد؟

اعضای محترم شورای نگهبان!

با رأی عادلانه دربارهٔ انتخابات و ابطال آن و برگزاری انتخابات مجدد اراده ملت را بپذیرید و بقای نظام را تضمین کنید که این به عدالت نزدیک‌تر است.

مهدی کروبی[۱]

۲۹ خرداد ۸۸

---

۱. سایت امروز، ۸۸/۳/۳۰، کد خبر ۲۳۱۸۶.

حوادث روز شنبه(۱۳۸۸/۳/۳۰)

در روز شنبه ۸۸/۳/۳۰ مجمع روحانیون مبارز از وزارت کشور تقاضای صدور مجوز راهپیمایی از میدان انقلاب تا آزادی برای ساعات ۱۶ تا ۱۹ بعد از ظهر کرد. متن درخواست مجمع روحانیون مبارز به سرعت در میان طرفداران موسوی و در سایت‌های متعلق به آنها منتشر شد و همگان آن را نه به عنوان درخواست مجوز بلکه به عنوان راهپیمایی تلقی کردند. در متن اطلاعیه همچنین آمده بود که در این راهپیمایی سیدمحمد خاتمی شرکت می کند و میرحسین موسوی نیز سخنرانی خواهد کرد. آنچه ادعای اعلام راهپیمایی در روز شنبه را تأیید می‌کرد، این بود که سایت یاری نیوز خبر لغو راهپیمایی روز شنبه را بدین گونه اعلام کرد که راهپیمایی لغو شده است.[1] به عبارت دیگر، قبل از گرفتن مجوز اعلام راهپیمایی شده بود نه آنکه با گرفتن مجوز اعلام راهپیمایی شود.

به نظر می رسید آنچه که موجب لغو این راهپیمایی شد، اطلاعیه مجمع روحانیون مبارز و خواست آنها نبود، بلکه هشدار نیروی انتظامی مبنی بر برخورد با تجمعات غیرقانونی و فاقد مجوز بود که می توانست به درگیری و خشونت منجر شود. تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، لغو راهپیمایی اعلام شده را در حالی که ۲ ساعت به شروع آن مانده بود، نشانهٔ شانه خالی کردن مجمع روحانیون مبارز از زیر بار مسئولیت حوادث احتمالی دانستند[2] و درگیری‌ها و کشته شدن ۱۰ نفر در اغتشاشاتی که به رغم لغو تجمع پیش آمد، این ادعا را تأیید می کند.

در این روز شورای امنیت کشور به موسوی برای راه‌اندازی تجمعات غیرقانونی و تحریک هوادارانش هشدار داد و به ایشان یادآور شد این گونه که اجتماعات، نظم عمومی و امنیت جامعه را مختل و به اموال عمومی و خصوصی خسارات جبران ناپذیری وارد می کند و در چنین حالتی مسئولیت این تجمعات به عهده تحریک کنندگان آن خواهد بود.[3]

---

۱. سایت یاری نیوز، شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۱۳:۲۰، کد خبر ۲۱۱۷۴.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۳/۳۰، ساعت ۱۹:۴۳، کد خبر ۵۵۵۰۹۵.

۳. روزنامهٔ *ایران*، شماره ۴۲۴۰، یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، صفحهٔ ۳.

فرمانده نیروی انتظامی هم در این روز (شنبه ۸۸/۳/۳۰) نامه‌ای به موسوی به شرح زیر نوشت:

جناب آقای میرحسین موسوی

سلام علیکم

ایجاد امنیت کمترین وظیفهٔ نیروهای انتظامی است که تاکنون بنا به ملاحظاتی، با همهٔ بی قانونی هایی که تحت لوای هواداری از شما صورت گرفته، ناگزیر از کنار وظائف ذاتی خود با غمض عین عبور کرده‌ایم و تازه مورد اتهام هم قرار می‌گیریم!

آنان که انتظار این همه خویشتنداری را از پلیس نداشتند تا اینجا خواب‌های خود را بی‌تعبیر دیده‌اند. مجروح شدن حدود ۴۰۰ تن از نیروهای خدوم ناجا، گر چه دل را به درد می‌آورد ولی از آن دردآورتر تهمت حمله و تهاجم به صفوف مردم است. از این رو لازم می‌دانم نکاتی را خدمت جناب عالی عرض نمایم:

۱. نیروی انتظامی به واسطهٔ برآوردهایی که به صورت مستمر از فضای عمومی جامعه دارد سعی نموده است که همواره مقتضیات زمان و مکان را با درأیت و هوشمندی در تأمین حفظ نظم و امنیت، مدنظر داشته و بر این اساس با کمترین هزینه بیشترین بهره‌وری را کسب نماید و در این فضا، تعامل منطقی با جامعه به عنوان یک راهبرد اساسی فراروی ناجا قرار دارد.

۲. بر مبنای برآوردهای اجتماعی از فضای ایام انتخابات، نیروی انتظامی سعی کرد با درک شرایط و احساسات قطبی شدهٔ ایام تبلیغات انتخاباتی، فضای مساعد را برای طرح دیدگاه‌های هواداران و شادابی بخشیدن به فضای جامعه فراهم سازد و با تمام توان با کنترل احساسات طرفین از بروز هرگونه درگیری جلوگیری کند.

۳. گرچه در ایام تبلیغات انتخاباتی بسیاری از رفتارها چون ایجاد ترافیک سنگین، اختلال در روند عادی زندگی مردم و راهپیمایی‌های خیابانی که عمدتاً مغایر با قانون بود و نیروی انتظامی وظیفهٔ قانونی ممانعت را داشت، با خویشتنداری و بردباری تحمل کرد که این امر مورد تقدیر ستادهای انتخاباتی کاندیدای محترم قرار گرفت.

۴. در روز انتخابات، ناجا با تمام توان، فضای امن را در اقصی نقاط کشور فراهم ساخت و در سایهٔ رعایت ضوابط قانونی بستر امن حماسه ۲۲ خرداد فراهم گردید.

۵. پس از اعلام نتایج انتخابات، هواداران جناب عالی در یک اقدام غیرقانونی با هجوم به خیابان‌ها و برهم زدن نظم و امنیت عمومی فضای جامعه را به هم ریختند و در سایهٔ این بی‌نظمی و بی‌قانونی عده‌ای سودجو و اراذل و اوباش به تخریب اموال عمومی، مزاحمت برای مردم، آتش زدن خودروها و موتورسیکلت‌های مردم، شکستن شیشه بانک‌ها، مغازه‌های هموطنان پرداختند و در این میان خود شما و هوادارانتان دیدید که ناجا منطبق با وظیفهٔ ذاتی و قانونی، با اراذل و اوباش و اغتشاشگران با اقتدار برخورد کرد و با هوادارانتان مدارا و مماشات کرد. این مدارا تاکنون راهبرد پلیس بوده است و خود خوب می‌دانید که از این حیث ناجا مورد شماتت و عتاب برخی سایت‌ها نیز قرار گرفته است.

۶. اگر چه جناب عالی در پیامی حساب خود و هوادارانتان را از اغتشاشگران جدا نمودید و ناجا هم همواره اعلام کرده است که حساب اغتشاشگران و اراذل و اوباش از هواداران جداست و نحوهٔ برخوردهای پلیس این را به اثبات رسانده است ولی واقعیت این است که حداقل اغتشاشگران و اراذل و اوباش در سایهٔ فضای غیرقانونی ایجاد شده توسط شما، به اقدامات تخریب گرانه می‌پردازند و در طول سه شب ۲۳، ۲۴، ۲۵ خردادماه در تمام موارد، اغتشاشگران به تخریب و ناامن سازی فضای عمومی پرداختند.

۷. جناب عالی خوب می‌دانید که ناجا حتی در برخورد با اراذل و اوباش و اغتشاشگران نیز از اختیارات قانونی مقتدرانه استفاده نکرد و با اتخاذ رویکرد تحمل و بردباری و بدون شلیک حتی یک تیر به کنترل اوضاع پرداخت و شاهد این مدعا مجروحیت و بستری شدن حدود چهارصد نفر از مأموران جان برکف ناجا می‌باشد.

۸. بپذیرید که تجمعات و راهپیمایی‌های غیرقانونی، مشکلات جدی را برای مردم فراهم ساخته و ایجاد ترافیک‌های سنگین و سرگردانی مردم، مزاحمت برای کسبه و مغازه داران، راهبندان‌های طولانی، شائبهٔ دست‌آویز و ملعبه بودن قانون را توسط هوادارانتان ایجاد می‌کند و این امر برخلاف شأن و روحیهٔ قانون‌گرایانه مورد ادعای شماست که

همواره در تبلیغات انتخاباتی بر آن تأکید می‌کردید.

در پایان اعلام می نمایم که در صورت تداوم رویهٔ کنونی ناجا در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه و مردم، به صورت قاطع با اقدامات غیرقانونی براساس وظایف ذاتی خود برخورد خواهد کرد و جای هیچ گله ای وجود نخواهد داشت.

سرتیپ پاسدار دکتر اسماعیل احمدی مقدم

فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران[1]

از ساعت چهار بعدازظهر به دنبال درخواست مجوز مجمع روحانیون مبارز گروه های کوچکی در قسمت‌های مختلف خیابان انقلاب تجمع و در برخی موارد اقدام به شعار دادن می‌کردند. با حضور گستردهٔ نیروهای انتظامی که از ماشین های آب پاش استفاده می‌کردند و حضور افراد بسیجی، هیچ راهپیمایی قابل توجهی شکل نگرفت، اما موج خشونت به خیابان های فرعی و مکان های دیگری کشیده شد. در خیابان آذربایجان، مسجد لولاگر به دست اغتشاشگران به آتش کشیده شد. در خیابان ستارخان یک دستگاه اتوبوس و چند موتورسیکلت آتش زده شد و برخی خودروهای شخصی، چند بانک و مغازه هم دستخوش غارت و تخریب شد.[2] در خیابان اسکندری، اغتشاشگران با سنگ پراکنی به خودروها ع اموال عمومی و خصوصی خسارات و صدماتی وارد کردند.

شبکه‌های خبری خارجی، خبرگزاری ها و سایت ها بلافاصله تصاویر اغتشاشگران ر با تحلیل و تفصیل در سراسر دنیا پخش کردند. تصاویر اغتشاشات، فریادهای الله اکبر خشونت ها و زدوخوردهای خیابانی، چهره‌ای تاریک، پرابهام و غیرعادی از ایرا را به جهان نشان داد. خبرگزاری ها آمار و ارقام متفاوتی از تعداد کشته شده ها را اعلا می‌کردند که از چند نفر تا ۱۵۰ نفر را شامل می شد. خبرگزاری های داخلی و بخش‌ها خبری صدا و سیما تعداد کشته های شنبه شب را ۱۰ نفر اعلام کردند. خبر دستگیر

۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۳/۳۰، شماره خبر ۸۸۰۳۳۰۰۵۵۸.
۲. خبرگزاری فارس، یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۳۱، شماره خبر ۸۸۰۳۳۰۱۲۸۶.

فائزه هاشمی همراه با همسر مرعشی و چند نفر از اقوام و همراهان آنها در روز بعد (یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۷) برروی سایت ها قرار گرفت که ظاهراً در شب قبل دستگیر شده بودند.[۱]

بعد از گذشت چندین ساعت در اخبار تکمیلی اعلام شد که چون نیروی انتظامی احتمال می داده که در اغتشاشات، منافقین آنها را برای گسترش فتنه مورد هدف قرار دهند، نامبردگان به محل های امن منتقل شده اند.

در این روز، بیشتر نهادهای جمهوری اسلامی، از جمله مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، جامعهٔ روحانیت، رئیس جمهور و هیئت دولت و برخی آیات عظام و علماء عظام با صدور اطلاعیه و بیانیه حمایت خود را از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه روز قبل اعلام داشته و خواهان پایان دادن به ناآرامی ها و اغتشاشات شدند.

در این روز (شنبه ۸۸/۳/۳۰) میرحسین موسوی طی نامه ای مفصل به شورای نگهبان ایرادات خود را نسبت به انتخابات و برگزاری آن مطرح کرد. موسوی در این نامه با صراحت، سازوکار رجوع به شورای نگهبان را نپذیرفت و بار دیگر خواهان ابطال انتخابات شد. وزارت کشور، چند روز بعد، در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳ جوابیه ای مفصل به ایرادات موسوی داد که متن نامهٔ موسوی به شورای نگهبان و پاسخ وزارت کشور به آن به ترتیب ذکر می شود.

نامهٔ موسوی به شورای نگهبان

شورای محترم نگهبان!

مشارکت پرشور مردم ایران در انتخابات دورهٔ دهم انتخابات ریاست جمهوری که حداقل ۲ درصد بیشتر از انتخابات دورهٔ قبل بود و میلیون ها نفر از کسانی را که در گذشته میلی شرکت در انتخابات نداشتند، به پای صندوق های رأی کشانده حماسه ای آفرید که تاریخ سه دههٔ انقلاب اسلامی ایران و مردمسالاری بی سابقه بود. هرچند نتیجهٔ آن را ری دیگر جلوه دادند و با وارونه نشان دادن نتیجه آن خود را به ناحق و همانند سایر ارد فاتح این عرصه هم معرفی کردند؛ ولی شور و شعور اجتماعی ملت ایران در حافظهٔ

---

[۱] خبرگزاری فارس، یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، شماره خبر ۸۸۰۳۳۱۰۷۰۸.

تاریخ خود این بی عدالتی و قانون شکنی را باور نخواهد کرد. این جانب به اقدامات خود جهت روشن شدن حقایق و احقاق مردم شریف ایران در چارچوب قانون اساسی و قوانین جاری ادامه خواهم داد و اینک بخشی از تخلفاتی که در جریان برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری صورت گرفت به شرح ذیل توضیح خواهم داد. بدیهی است این بخشی از حقایق و خلاف کاری هاست و در آینده نه تنها من بلکه ملت و تاریخ ایران آن را برای آیندگان با شرح و بسط بیشتر و انتشار حقایقی دیگر ثبت و گزارش خواهد کرد. هرچند تخلفات و برنامه ریزی این اقدام مشمئزکننده از ماه‌های پیش تدارک دیده شده بود.

۱. **پلمب صندوق‌ها قبل از رأی گیری.** از آنجایی که سلامت و صحت آرای ریخته شده در یک صندوق موکول به این است که این آرا دقیقاً همان آرایی باشد که توسط رأی دهندگان به صندوق واریز شده است، لازم است پیش از رأی گیری صندوق‌ها بررسی کامل شده و از خالی بودن صندوق و نبودن آرای مشبوه اطمینان حاصل شود. به همین جهت تأیید خالی بودن صندوق‌ها قبل از لاک و مهر آن در شعبهٔ اخذ رأی مستلزم حضور و اطلاع نمایندگان ناظر کاندیداها می باشد که این مهم در اغلب شعبات اخذ رأی واقع نشده است.

۲. **حضور ناظران کاندیداها.** طبق تبصرهٔ ۲ ماده واحدهٔ قانون حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی وزارت کشور موظف بود تا ۴۸ ساعت قبل از روز رأی گیری کارت‌های نمایندگان ناظر کاندیداها را برای حضور به موقع آنان در محل شعبات اخذ رأی به آنان تحویل داده و ناظران را از محل مورد نظر مطلع نماید در حالی که فرمانداری ها و وزارت کشور به طور اساسی به این تکلیف قانونی عمل نکرده اند. زیرا:

اولاً، برای تعداد زیادی اساساً کارت معرفی ناظر کاندیداها صادر نشده است.

ثانیاً، کارتهای صادره در موراردِ زیادی به صورتی صادر شده که امکان استفاده از آن وجود نداشته و ناظر نمی‌توانسته با ارائهٔ آن عملاً بر سر صندوق ها حاضر شود. به عنوان نمونه در موارد متعددی نام افراد اشتباه قید شده و یا حتی در موارد متعدد عکس مردان به کارت زنان و یا بالعکس الصاق شده و عملا مسئولان صندوق ها با این گونه کارت‌ها اجازهٔ حضور ناظر معرفی شده را نداده اند.

ثالثاً، کارت‌های ناظرین معرفی شده از طرف کاندیداها با سلیقهٔ مسئولان فرمانداری‌ها و برای صندوق‌هایی غیر از صندوق معرفی شده از طرف کاندیداها صادر شده بود که عملا امکان حضور ناظرین به دلایل مختلف از جمله: بعد فاصله، عدم شناسایی قبلی محل صندوق، عدم اطلاع ناظر از وضعیت محل و حتی عدم شناسایی مسئولان صندوق‌ها ممکن نبوده است.

رابعاً، در موارد زیادی شمارهٔ صندوق‌هایی که ناظر برای آن معرفی شده بوده با شمارهٔ صندوقی که در محل بوده مطابقت نداشته و ناظر معرفی شده توسط مسئولان صندوق پذیرفته نشده و امکان حضور و نظارت ممکن نبوده است.

خامساً، در موارد متعدد کارت‌های ناظرین معرفی‌شده از طرف یک کاندیدا برای کاندیداهای دیگر ارسال گردیده است و به علت ضیق وقت امکان رفع این اشتباه و جابه جایی وجود نداشته است.

سادساً، مطابق قسمت دوم ماده واحده حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری، نمایندگان نامزدها می‌توانند در شعب ثابت و سیار و نیز اماکن استقرار دستگاه شمارشگر حضور داشته و در صورت مشاهده تخلف مراتب را کتباً به ناظرین شورای نگهبان و هیات‌های نظارت شهرستان و استان و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند ... در ادامه این ماده آمده است: حضور نمایندگان هر یک از نامزدها تا پایان اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع و جرم محسوب می‌شود و متخلف به شش ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی و یا شش ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود. در حالی که قوانین مصوب کشور ما چنین مجازات‌های سنگینی را برای متخلفین پیش‌بینی کرده است در سراسر کشور هزاران نفر از نمایندگان این‌جانب و سایر کاندیداها از شعب رأی‌گیری اخراج و به سایرین هم اجازه نداده‌اند وظایف نظارتی خود را طبق آنچه در قوانین و آیین نامه‌های مربوطه آمده است عمل کنند. به طوری که فقط در بخشی از تهران صدها نفر از ناظرین اینجانب و دیگر کاندیداها اخراج شده و به گزارش‌های آنها به مراجع مسئول ترتیب اثر داده نشده است. تعداد بسیار زیاد دیگری هم که اخراج نشده بودند از اطلاع از هرگونه جریان رأی‌گیری محروم شده‌اند.

همواره در تبلیغات انتخاباتی بر آن تأکید می‌کردید.

در پایان اعلام می‌نمایم که در صورت تداوم رویهٔ کنونی ناجا در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه و مردم، به صورت قاطع با اقدامات غیرقانونی براساس وظایف ذاتی خود برخورد خواهد کرد و جای هیچ گله‌ای وجود نخواهد داشت.

سرتیپ پاسدار دکتر اسماعیل احمدی مقدم

فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران[۱]

از ساعت چهار بعدازظهر به دنبال درخواست مجوز مجمع روحانیون مبارز گروه‌های کوچکی در قسمت‌های مختلف خیابان انقلاب تجمع و در برخی موارد اقدام به شعار دادن می‌کردند. با حضور گستردهٔ نیروهای انتظامی که از ماشین‌های آب‌پاش استفاده می‌کردند و حضور افراد بسیجی، هیچ راهپیمایی قابل توجهی شکل نگرفت، اما موج خشونت به خیابان‌های فرعی و مکان‌های دیگری کشیده شد. در خیابان آذربایجان، مسجد لولاگر به دست اغتشاشگران به آتش کشیده شد. در خیابان ستارخان یک دستگاه اتوبوس و چند موتورسیکلت آتش زده شد و برخی خودروهای شخصی، چند بانک و مغازه هم دستخوش غارت و تخریب شد.[۲] در خیابان اسکندری، اغتشاشگران با سنگ پراکنی به خودروها، اموال عمومی و خصوصی خسارات و صدماتی وارد کردند.

شبکه‌های خبری خارجی، خبرگزاری‌ها و سایت‌ها بلافاصله تصاویر اغتشاشگران را با تحلیل و تفصیل در سراسر دنیا پخش کردند. تصاویر اغتشاشات، فریادهای الله اکبر، خشونت‌ها و زدوخوردهای خیابانی، چهره‌ای تاریک، پرابهام و غیرعادی از ایران را به جهان نشان داد. خبرگزاری‌ها آمار و ارقام متفاوتی از تعداد کشته‌شده‌ها را اعلام می‌کردند که از چند نفر تا ۱۵۰ نفر را شامل می‌شد. خبرگزاری‌های داخلی و بخش‌های خبری صدا و سیما تعداد کشته‌های شنبه شب را ۱۰ نفر اعلام کردند. خبر دستگیری

---

۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۳/۳۰، شماره خبر ۸۸۰۳۳۰۰۵۵۸.

۲. خبرگزاری فارس، یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۳۱، شماره خبر ۸۸۰۳۳۰۱۲۸۶.

فائزه هاشمی همراه با همسر مرعشی و چند نفر از اقوام و همراهان آنها در روز بعد (یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۷) برروی سایت ها قرار گرفت که ظاهراً در شب قبل دستگیر شده بودند.[۱]

بعد از گذشت چندین ساعت در اخبار تکمیلی اعلام شد که چون نیروی انتظامی احتمال می داده که در اغتشاشات، منافقین آنها را برای گسترش فتنه مورد هدف قرار دهند، نامبردگان به محل های امن منتقل شده اند.

در این روز، بیشتر نهادهای جمهوری اسلامی، از جمله مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، جامعهٔ روحانیت، رئیس جمهور و هیئت دولت و برخی آیات عظام و علماء عظام با صدور اطلاعیه و بیانیه حمایت خود را از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه روز قبل اعلام داشته و خواهان پایان دادن به ناآرامی ها و اغتشاشات شدند.

در این روز (شنبه ۸۸/۳/۳۰) میرحسین موسوی طی نامه‌ای مفصل به شورای نگهبان ایرادات خود را نسبت به انتخابات و برگزاری آن مطرح کرد. موسوی در این نامه با صراحت، سازوکار رجوع به شورای نگهبان را نپذیرفت و بار دیگر خواهان ابطال انتخابات شد. وزرات کشور، چند روز بعد، در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳ جوابیه‌ای مفصل به ایرادات موسوی داد که متن نامهٔ موسوی به شورای نگهبان و پاسخ وزارت کشور به آن به‌ترتیب ذکر می شود.

نامهٔ موسوی به شورای نگهبان

شورای محترم نگهبان!

مشارکت پرشور مردم ایران در انتخابات دورهٔ دهم انتخابات ریاست جمهوری که حداقل ۲۰ درصد بیشتر از انتخابات دورهٔ قبل بود و میلیون ها نفر از کسانی را که در گذشته میلی به شرکت در انتخابات نداشتند، به پای صندوق های رأی کشانده حماسه ای آفرید که در تاریخ سه دههٔ انقلاب اسلامی ایران و مردمسالاری بی سابقه بود. هرچند نتیجهٔ آن را طوری دیگر جلوه دادند و با وارونه نشان دادن نتیجه آن خود را به ناحق و همانند سایر موارد فاتح این عرصه هم معرفی کردند؛ ولی شور و شعور اجتماعی ملت ایران در حافظهٔ

---

۱. خبرگزاری فارس، یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، شماره خبر ۸۸۰۳۳۱۰۷۰۸.

تاریخ خود این بی عدالتی و قانون شکنی را باور نخواهد کرد. این جانب به اقدامات خود جهت روشن شدن حقایق و احقاق مردم شریف ایران در چارچوب قانون اساسی و قوانین جاری ادامه خواهم داد و اینک بخشی از تخلفاتی که در جریان برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری صورت گرفت به شرح ذیل توضیح خواهم داد. بدیهی است این بخشی از حقایق و خلاف کاری هاست و در آینده نه تنها من بلکه ملت و تاریخ ایران آن را برای آیندگان با شرح و بسط بیشتر و انتشار حقایقی دیگر ثبت و گزارش خواهد کرد. هرچند تخلفات و برنامه ریزی این اقدام مشمئزکننده از ماه‌های پیش تدارک دیده شده بود.

۱. **پلمب صندوق‌ها قبل از رأی گیری.** از آنجایی که سلامت و صحت آرای ریخته شده در یک صندوق موکول به این است که این آرا دقیقاً همان آرایی باشد که توسط رأی دهندگان به صندوق واریز شده است، لازم است پیش از رأی گیری صندوق ها بررسی کامل شده و از خالی بودن صندوق و نبودن آرای مشبوه اطمینان حاصل شود. به همین جهت تأیید خالی بودن صندوق ها قبل از لاک و مهر آن در شعبهٔ اخذ رأی مستلزم حضور و اطلاع نمایندگان ناظر کاندیداها می باشد که این مهم در اغلب شعبات اخذ رأی واقع نشده است.

۲. **حضور ناظران کاندیداها.** طبق تبصرهٔ ۲ ماده واحدهٔ قانون حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی وزارت کشور موظف بود تا ۴۸ ساعت قبل از روز رأی گیری کارت‌های نمایندگان ناظر کاندیداها را برای حضور به موقع آنان در محل شعبات اخذ رأی به آنان تحویل داده و ناظران را از محل مورد نظر مطلع نماید در حالی که فرمانداری ها و وزارت کشور به طور اساسی به این تکلیف قانونی عمل نکرده اند. زیرا:

اولاً، برای تعداد زیادی اساساً کارت معرفی ناظر کاندیداها صادر نشده است.

ثانیاً، کارتهای صادره در موارد زیادی به صورتی صادر شده که امکان استفاده از آن وجود نداشته و ناظر نمی‌توانسته با ارائهٔ آن عملاً بر سر صندوق ها حاضر شود. به عنوان نمونه در موارد متعددی نام افراد اشتباه قید شده و یا حتی در موارد متعدد عکس مردان به کارت زنان و یا بالعکس الصاق شده و عملا مسئولان صندوق ها با این گونه کارت ها اجازهٔ حضور ناظر معرفی شده را نداده اند.

ثالثاً، کارت‌های ناظرین معرفی شده از طرف کاندیداها با سلیقهٔ مسئولان فرمانداری‌ها و برای صندوق‌هایی غیر از صندوق معرفی شده از طرف کاندیداها صادر شده بود که عملا امکان حضور ناظرین به دلایل مختلف از جمله: بعد فاصله، عدم شناسایی قبلی محل صندوق، عدم اطلاع ناظر از وضعیت محل و حتی عدم شناسایی مسئولان صندوق‌ها ممکن نبوده است.

رابعاً، در موارد زیادی شمارهٔ صندوق هایی که ناظر برای آن معرفی شده بوده با شمارهٔ صندوقی که در محل بوده مطابقت نداشته و ناظر معرفی شده توسط مسئولان صندوق پذیرفته نشده و امکان حضور و نظارت ممکن نبوده است.

خامساً، در موارد متعدد کارت‌های ناظرین معرفی‌شده از طرف یک کاندیدا برای کاندیداهای دیگر ارسال گردیده است و به علت ضیق وقت امکان رفع این اشتباه و جابه جایی وجود نداشته است.

سادساً، مطابق قسمت دوم ماده واحده حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری، نمایندگان نامزدها می‌توانند در شعب ثابت و سیار و نیز اماکن استقرار دستگاه شمارشگر حضور داشته و در صورت مشاهده تخلف مراتب را کتباً به ناظرین شورای نگهبان و هیات‌های نظارت شهرستان و استان و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند ... در ادامه این ماده آمده است: حضور نمایندگان هر یک از نامزدها تا پایان اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع و جرم محسوب می‌شود و متخلف به شش ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی و یا شش ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود. در حالی که قوانین مصوب کشور ما چنین مجازات‌های سنگینی را برای متخلفین پیش‌بینی کرده است در سراسر کشور هزاران نفر از نمایندگان این‌جانب و سایر کاندیداها از شعب رأی‌گیری اخراج و به سایرین هم اجازه نداده‌اند وظایف نظارتی خود را طبق آنچه در قوانین و آیین نامه‌های مربوطه آمده است عمل کنند. به طوری که فقط در بخشی از تهران صدها نفر از ناظرین اینجانب و دیگر کاندیداها اخراج شده و به گزارش‌های آنها به مراجع مسئول ترتیب اثر داده نشده است. تعداد بسیار زیاد دیگری هم که اخراج نشده بودند از اطلاع از هرگونه جریان رأی‌گیری محروم شده‌اند.

۳ . **داستان صندوق های سیار**. طبق ماده قانون انتخابات ریاست جمهوری تخصیص شعب سیار صرف برای مناطق صعب العبور کوهستانی و مسافت های دور و نقاطی که تشکیل شعب ثابت مقدور نیست تشکیل می شود و به رغم آب و هوای مناسب تمام کشور در نیمه خرداد ماه تعداد صندوق های سیار به طور غیر مترقبه ای به نحو چشمگیری افزایش یافت. در نقاطی این صندوق ها به کار گرفته شده که صندوق های ثابت در چند ده متری آن مستقر بوده و هیچ نیازی به استفاده از این صندوق های سیار نبوده است. این اقدام غیر قانونی علی رغم اعتراض کمیتهٔ صیانت از آرا در شرایطی صورت پذیرفته که به کاندیداها بر خلاف نص صریح متن ماده واحده قانون حضور نمایندگان کاندیداها در شعب ثابت و سیار، اغلب نماینده نامزد در صندوق های سیار همراه نبوده و ناظرین معرفی شده با عدم پذیرش آنها از طرف فرمانداریها و یا عدم امکان همراهی آنها با صندوق های سیار در زمان جابه جایی مواجه شده اند که با توجه به تعداد ۱۴ هزار صندوق سیار عملا امکان هرگونه تخلف در این صندوق ها وجود داشته و شاید اصرار بر افزایش تعداد صندوق های سیار در همین راستا بوده است.

۴ . **تعرفه‌ها** . به رغم اینکه تعداد تعرفه‌ها یی که در هر دوره چاپ و منتشر می شود و براساس تعداد افراد واجد شرایط رأی دادن است که مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال تعیین می کند و معمولا برای جلوگیری از کمبود تعرفه در زمان رأی گیری درصدی معقول تعرفه اضافه می شود در این دوره علی رغم اینکه مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال جمعیت افراد واجد شرایط رأی دادن را حدود ۴۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر اعلام کرده بودند، تعداد ۵۹/۶۰۰/۰۰۰ برگه تعرفه رأی با شمارهٔ سریال چاپ شد. در روز ۲۱ خرداد ماه نیز علاوه بر آن، میلیون ها برگه تعرفهٔ دیگر بدون شمارهٔ سریال چاپ شده است. چاپ این تعداد تعرفه به خودی خود مورد سؤال و قابل تأمل می باشد. با وجود چاپ اینهمه تعرفه معلوم نیست چرا بسیاری از شعب اخذ رأی به ویژه در مناطقی چون تبریز و شیراز و مناطق شمالی و شرقی و غربی تهران که اقبال مردم به کاندیداهای منتقد رییس جمهوری کنونی بسیار بالا بود در همان ساعات اولیهٔ روز با کمبود تعرفه رأی مواجه شده و مردم زمان

زیادی در صف های طولانی زیر باران و طوفان منتظر ماندند.

۵ . **محدود کردن زمان رأی گیری.** با وجود اقبال عمومی مردم به رأی دادن در این دوره که مورد تأیید خاص و عام است و آمار تعداد شرکت کنندگان هم مؤید آن است، معلوم نیست به چه دلیل برخلاف رویهٔ معمول و علی رغم کمبود تعرفه در بعضی از مناطق که خود موجب عدم امکان رأی دادن مردم در زمان مناسب بود، مسئولان برگزاری انتخابات در متوقف کردن زمان رأی گیری چنان تعجیلی داشتند؟! ! بنا بر گزارش های متعدد در بسیاری از موارد مسئولان شعب نه تنها با بستن درب شعب اخذ رأی مانع ورود مردم در صف می شدند بلکه حتی افرادی را که وارد شعبات اخذ رأی شده بودند به بهانهٔ اتمام وقت از محل اخراج می کردند و این در حالی بود که صدا و سیما در تبلیغات رسمی خود خلاف آن را بیان می کرد. وانگهی رویهٔ گذشته و روح قانون این است که تا آخرین فرد حاضر در محل رأی گیری باید زمان اخذ رأی تمدید شود (بند ۵-۱) آیین نامهٔ اجرایی قانون انتخابات).

مضافاً طبق اصل ۶ قانون اساسی، ادارهٔ امور کشور با آرای عمومی است و رأی دادن حق طبیعی همهٔ شهروندان است و تشخیص وزیر کشور برای تمدید ساعات اخذ رای یک تشخیص گزینشی و سلیقه‌ای نیست و باید با نحوی از مجموعه شرایط و اوضاع و احوال تبعیت کند که هیچ شهروند حاضر در محل صندوق ها از این حق طبیعی خود محروم نشود. در حالی که به شرح فوق در این دوره هم میزان مشارکت مردم بسیار بالا بود و هم کمبود تعرفه‌ها در مناطق مختلف به صورتی بود که می بایست زمان رأی گیری تا حداکثر زمان ممکن ادامه یابد. با وجود این شرایط وزیر محترم کشور برخلاف رویهٔ گذشته تمدید ساعت رأی گیری در سراسر کشور را محدود کرد. به طوری که برخلاف رویه و در بسیاری از مناطق کشور در ساعت ۹ شب زمان رأی گیری پایان یافته اعلام شد و بسیاری از شهروندان علی رغم حضور در محل شعب اخذ رأی موفق به رای دادن نشدند و آنان را از محل شعب اخذ رأی اخراج کردند. جای تأسف است در حالی که شعار شرکت حداکثری آقایان در گفتار همه جا را در برگرفته بود در کردار عکس آن عمل کرده و علی رغم اینکه چهار نفر از نمایندگان ستاد این جانب به وزارت کشور مراجعه کرده و درخواست ملاقات با وزیر جهت تمدید

وقت رأی گیری طبق روال گذشته کرده بودند، وزیر محترم کشور از پذیرفتن آن امتناع کرده و به این ترتیب اقدامات وزارت کشور و تعجیلی که در اعلام نتایج آرا به صورت موردنظر خود داشت منجر به تضییع حقوق بسیاری از شهروندان و محرومیت آنان از حق رأی دادن هم گردید.

۶. انتقال صندوق ها به فرمانداری. قانون انتخابات و آیین نامهٔ مربوطه و نیز قانون نظارت نمایندگان کاندیداها تا حدود زیادی وظایف همه مسئول و هیئت‌های اجرایی و نظارت را تعیین کرده و حداقل انتظار کاندیداها این است که اگر روح قانون اجرا نمی‌شود لااقل به ظواهر قانون و حداقل آن پایبند باشند: متأسفانه این امر در انتخابات به هیچ وجه رعایت نشد و اگر در مرحلهٔ صدور کارت نمایندگان کاندیداها کارشکنی شده و با ترفندهای خاص از صدور به‌موقع کارت ها و رساندن آن به نمایندگان کاندیداها جلوگیری به عمل آمد در مرحلهٔ پایان رأی گیری و صیانت از امانت مردم، قاون و اخلاق هم پایمال شد.چنانکه در مرحلهٔ شمارش آرا و تنظیم صورت جلسات و فرم‌های مربوط و انتقال صندوق‌ها از شعب اخذ رأی به فرمانداری‌ها هیچ نظارتی از سوی نمایندگان ناظر کاندیداها جهت اطمینان از تطبیق محتوای صندوق ها با صورتجلسات تنظیمی مربوطه وجود نداشته است. در حالی که هنوز رأی‌گیری در بعضی از مناطق و شعب به علت تأخیر در ارسال تعرفه ادامه داشت مسئولان ذیربط برخلاف قانون از صداوسیما قرائت پنج میلیون رأی و نتیجهٔ آن را آن‌هم نه براساس شمارش دستی آراء و صورتجلسات و فرم‌های قانونی اعلام فرمانداری‌ها بلکه صرفاً براساس اعلام صندوق‌ها و از طریق کامپیوتر اعلام کردند. در حالی که طبق نص صریح قانون ستاد انتخابات کشور می بایست آرای هر منطقه را جداگانه و براساس اعلام فرمانداری‌ها منتشر می‌کردند. صرف نظر از تخلفات صورت گرفته در مراحل رأی گیری اساساً میزان آرای اعلامی در ستاد تجمیع آرا هیچ گونه سنخیت با آرای پیش بینی شده توسط آن بخش از ناظرین که در صندوق ها حضور داشته‌اند و خیل عظیم مردمی که این بار در شهرها و روستاها به دلیل حضور کاندیدهای جدید حاضر شده بودند و نیز سابقه رأی گیری قبلی و میزان رأی کاندیدای پیروز در گذشته مطابقت نداشته و اساساً آنچه در ستاد انتخابات

و اتاق تجمیع آرا صورت می گرفت و از صداوسیما پخش می شد واقعی نبوده است. در این مورد گزارش نمایندگان هر سه کاندیدای معرفی شده به ستاد مرکزی انتخابات کشور به شرح ذیل که در ساعت ۲:۱۵ دقیقهٔ صبح شنبه گزارش شده است قابل توجه می باشد.

«جناب آقای محصولی وزیر محترم کشور ۲۳/۳/۸۸ ساعت ۲:۱۵ بامداد

با سلام

دقایقی قبل آماری توسط ستاد انتخابات کشور و آقای دانشجو در مقابل رسانه های داخلی و خارجی منتشر گردید که اینجانبان نمایندگان نامزدها در سایت شمارش آرا وزارت کشور هیچ گونه اطلاعی از چگونگی دریافت و تجمیع و انتشار آن نداریم. از آنجایی که طبق مواد ۱۸ و ۲۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، وزارت کشور پس از دریافت صورتجلسات (و م ۲۸) و روال قبل بایستی آمار را اعلام نماید به نظر می رسد اعلام نتایج فعلی مطابقتی با قانون ندارد.

ضمناً فضایی که برای استقرار نمایندگان کاندیداها درنظر گرفته شده دور از سایت شمارش آرا بوده و هیچ گونه ارتباطی با این سایت ندارد. لذا در صورت استمرار این وضعیت حضور اینجانبان با عدم آن تفاوتی ندارد.

سید عباس احمدی (نمایندهٔ مهندس میرحسین موسوی)

عطاءاله سهرابی (نمایندهٔ محسن رضایی)

مسعود سلطانی فر (نمایندهٔ آقای کروبی)

رونوشت: دفتر مقام معظم رهبری، هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات، ریاست محترم ستاد انتخابات.

این نامه در حالی منتشر شده است که قانون حضور نمایندگان نامزدها به صراحت حق حضور نمایندگان کاندیداها را در مراحل مختلف تأیید و مادهٔ ۱۸ و ۳۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری به صراحت خلاف اقدام ستاد انتخابات و تصمیماتی است که در اتاقی با

حضور آقایان دانشجو، محصولی و فردی دیگر اتخاذ می شود.

۷. **شیوهٔ آرایش سبد آراء.** مسئله‌ای که در این انتخابات قابل تأمل بوده و صحت انتخابات را در کنار بسیاری عوامل دیگر مورد تأیید قرار داده است مسئله نسبت تقریباً ثابت آراء میان کاندیداها در تمام مناطق کشور بوده است. به این معنا که نمودار آراء کاندیداها از ابتدای شمارش آراء و اعلام نتایج سراسر کشور به صورت خطی و تقریباً بدون نوسان در جهتی صورت پذیرفته که نهایتاً به نتیجه ای که اعلام شد منتهی شود. به طور مثال حتی در محل تولد کاندیداها نیز میزان آراء کاندیدای برندهٔ اعلامی از سوی وزارت کشور به همان نسبت بوده است که در سایر مناطق بوده و این نیز قابل توجه است که اعلام نتایج برخلاف رویهٔ گذشته بدون تعیین و تفکیک مناطق صورت پذیرفته است.

بخشی از تخلفات پیش از رأی گیری

بر این تخلفات جدی که فقط بخشی از آن منعکس شد و تنها یک مورد آن برای ابطال انتخابات کافی است. این را نیز باید افزود که انتخابات از آغاز با شرایط نابرابر و با سوءاستفاده از امکانات دولتی و عمومی به صورت گسترده و اساسی صورت گرفته که از آن می توان به موارد زیر به اختصار اشاره کرد.

۱. استفاده از رسانهٔ ملی چه پیش از شروع تبلیغات رسمی و چه بعد از آن به نفع یک کاندیدای خاص که ما در این مورد حضور و اقدام جمعی از کارشناسان برجسته و مستقل در یک هیئت حقیقت یاب این تبلیغات را بررسی کرده و مشخص می نماید تا چه اندازه به طور غیرعادلانه برای پیروزی یک نفر از این رسانهٔ دولتی اسنفاده شده است؟!

۲. در همین بخش و استفاده از این امکانات دولتی به کارگیری رسانه های دولتی، از جمله روزنامهٔ ایران، کیهان، جوان و غیره و نیز سایر رسانه ها که از کمک ها و امکانات دولتی استفاده می کنند اشاره کرد.

۳. استفاده از هواپیما و وسایل نقلیهٔ دیگر دولتی در سفرهای تبلیغاتی در دورهٔ تبلیغات رسمی انتخابات و قبل از آن برای همین منظور.

۴. بسیج نیروهای ادارات و آموزش و پرورش گاهی با حکم مأموریت و برخورداری از فوق‌العاده مأموریت برای شرکت در مراسم استقبال از کاندیدای خاص.

۵. افتتاح پروژه‌های عمرانی در دورهٔ مشخص شده برای فعالیت انتخابات و استفاده از این اقدام جهت تبلیغ خود.

۶. افتتاح پروژه‌های ناتمام به عنوان پروژه‌های تمام شده مثل پروژهٔ راه آهن شیراز-اصفهان یا کرمان ـ زاهدان.

۷. پرداخت حقوق معوقهٔ کارکنان دولت و فرهنگیان و افزایش حقوق بازنشستگان و توزیع سهام عدالت در ماه‌های آخر منتهی به انتخابات.

۸. سخنرانی های تبلیغاتی وزرا در دورهٔ تبلیغات انتخاباتی به نفع کاندیدای خاص، ازجمله سخنرانی وزیر راه، معاون اول رئیس جمهور و وزیر دادگستری با تکیه بر سمت آنها.

۹. قطع خدمات مخابراتی از جمله قطع سرویس پیامک ها در روزهای رأی‌گیری که مهم‌ترین وسیلهٔ ارتباط ناظرین معرفی شده با ستادها بوده است.

شایان ذکر است که پیش از برگزاری انتخابات، رئیس ستاد انتخابات تأکید کرده بود که به دلیل عضویت ایران در اتحادیهٔ بین المللی مخابراتی به هیچ وجه سرویس های مخابراتی قابل قطع شدن نیست و از این بابت نگرانی وجود نخواهد داشت.

همهٔ این موارد به علاوهٔ موارد فراوان دیگری که در نامه های قبلی اعلام شده در صورتی که با اندک توجه به قوانین مورد بررسی قرار گیرد از موجبات ابطال انتخابات در سراسر کشور می باشد.

میرحسین موسوی[۱]

متن پاسخ وزارت کشور

انتخابات ریاست جمهوری دهم ظهور جشنواره‌ای از افتخار و عزت ملی در سی امین سال انقلاب اسلامی و تجربهٔ مردم سالاری دینی بود، انتخاباتی در شأن مردم ایران و در

---

۱. سایت خبری قلم نیوز، شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۲۱۱۷۵

تراز جمهوری اسلامی که مشارکت ملی، رفتار قانونی و رقابت اخلاقی شعارهای اصلی برگزارکنندگان آن بود و به فضل الهی با حضور پرشور، آگاهانه و بی همتای ملت، در سطحی فراتر از همهٔ پیش بینی ها، این حماسهٔ تاریخی ـ ملی تحقق یافت و به ثبت رسید. بدون شک این انتخابات فرصتی بزرگ برای ملت، نظام و انقلاب اسلامی و تهدیدی بزرگ و دشمن شکن برای بدخواهان مردم شریف ایران و انقلاب شکوهمند آنان می باشد.

در خصوص نامهٔ آقای میرحسین موسوی مطالب زیر به عرض ملت شریف و حماسه‌ساز ایران اسلامی می‌رسد:

نامهٔ ایشان حاوی تناقضات آشکاری بوده و عمدتاً شامل مواردی کلی است که فاقد مستندات عینی و حقوقی می باشد. مواردی که ایشان ادعا کرده‌اند عبارت است از:

الف) پلمپ صندوق های رأی

۱. طبق قانون انتخابات، باید صندوق ها قبل از شروع رأی گیری پلمپ شود، لذا در این راستا به کلیهٔ نمایندگان نامزدها اطلاع داده شده بود که لازم است رأس ساعت ۷ صبح در شعب اخذ رأی حضور داشته باشند و اخذ رأی نیز ساعت ۸ صبح شروع گردید. اگر برخی از نمایندگان آقای موسوی در ساعت مقرر حضور نیافته و تأخیر داشته اند، اخذ رأی از مردم که مقابل شعب اخذ رأی صف کشیده بوده اند را نمی‌توان به تعویق انداخت.

«مادهٔ ۲۹ قانون انتخابات: «قبل از شروع رأی گیری باید در حضور نماینده یا نمایندگان هیئت نظارت، صندوق های خالی، بسته و ممهور به مهر شعبه ثبت نام و اخذ رأی گردد.»

همان گونه که ملاحظه می شود در متن قانون هیچ سخنی از الزام حضور نمایندگان کاندیداها برای پلمپ صندوق ها وجود ندارد، اما با این حال وزارت کشور از نمایندگان کاندیداها جهت نظارت دعوت کرد و اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آقای موسوی، هنگام پلمپ صندوق ها، در شعب اخذ رأی حضور داشتند.

۲. کل گویی بدون اشاره به شمارهٔ صندوق مورد نظر کافی نیست. ایشان لازم بود که شمارهٔ صندوق های مورد اعتراض را اعلام نمایند تا ضمن بررسی جواب لازم ارائه گردد.

بر اساس تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری که مقرر می دارد «کسانی که از نحوهٔ برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می توانند ظرف سه روز از تاریخ اخذ رأی «شکایت مستند» خود را به ناظرین شورای نگهبان یا دبیرخانهٔ این شورا نیز تسلیم دارند.» باید کلیهٔ شکایات مستند و با ذکر نمونه‌های عینی باشد.

ب) حضور نمایندگان نامزدها

۱. وزارت کشور زحمات فراوانی را متقبل شد تا با ایجاد سایت ثبت نام اینترنتی نمایندگان کاندیداها، بستری فراهم نماید تا نمایندگان نامزدها بتوانند به راحتی مشخصات خود را وارد سایت نموده و برای تمام نمایندگان نامزدها کارت شناسایی رایانه ای صادر شود. بدین منظور در جلسهٔ توجیهی مورخ ۱۳۸۸/۳/۲ با حضور نمایندگان کاندیداها آقایان: ثمره هاشمی از ستاد آقای دکتر احمدی‌نژاد، طلایی نیک از ستاد آقای دکتر محسن رضایی، سلطانی فر از ستاد آقای کروبی، احمدی از ستاد آقای مهندس موسوی، سایت مذکور به آنها معرفی و آنان ضمن اعلام آمادگی از وزارت کشور به خاطر این اقدام تشکر نمودند. اما در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱۵ به صورت غیر مترقبه و با اظهار اینکه نمایندگان ما در شهرستان‌ها با این روش آشنا نیستند و در این فرصت کوتاه نمی‌توانیم کار ثبت نام را انجام دهیم، درخواست کردند تا صدور کارت شناسایی برای نمایندگان نامزدها به صورت دستی و سنتی صورت گیرد، که ستاد انتخابات کشور در جهت همراهی با آنان این درخواست را پذیرفت.

۲. به رغم همراهی وزارت کشور، ستاد ایشان در معرفی نمایندگان ضعف داشت، به‌طوری‌که حتی برای دادن فتوکپی شناسنامه و الصاق عکس به آن نیز مشکل داشتند و هر روز کار را به تأخیر می‌انداختند که به عنوان نمونه می توان به شهر تهران اشاره داشت.

۳. به رغم همهٔ این موارد وزارت کشور تا آخرین دقایق و حتی روز انتخابات با آنان همراهی نمود و در نتیجه آقای میرحسین موسوی در ۴۰۶۷۶ صندوق از مجموع ۴۵۷۱۳ شعبه، نماینده داشت که حدود ۹۰ درصد از صندوق‌ها را شامل می‌گردد (اسامی و مشخصات آنها موجود است) و علاوه بر این تعداد نمایندگان ایشان در شعب

اخذ رأی از تعداد نمایندگان دیگر کاندیداها بیشتر بوده است یعنی آقای موسوی بیشترین نماینده را نسبت به نامزدهای دیگر بر سر صندوق ها داشته اند.

۴ . عبارت «هزاران گزارش تخلف» در نامهٔ ایشان، مصداق بارز کلی گویی است در حالی که در سراسر کشور و از همهٔ شعب اخذ رأی و از طرف همهٔ نامزدها، ستادهای تبلیغاتی، نمایندگان نامزدها و هواداران آنها، فقط ۲۲۷ مورد شکایت مکتوب به هیأت‌های اجرایی و نظارت شهرستان‌ها واصل شد که ۲۰۷ مورد از آنها به دلیل عدم ارائهٔ مستندات مربوطه وارد نبوده و ۱۶ مورد به دادگاه و ۴ مورد به نیروی انتظامی ارجاع شده است.درمجموع، ۲۰ مورد تخلف ارجاعی به دادگاه و نیروی انتظامی، مربوط به اشخاص حقیقی است که به عنوان مثال، از سوی بعضی از هواداران برخی از نامزدها، در ساعات پس از ۸ صبح روز پنج شنبه ۸۸/۳/۲۱ که ممنوعیت تبلیغات نامزدها بوده، مبادرت به توزیع و نصب اقلام تبلیغاتی نامزد مورد نظرشان نموده بودند.

ج) صندوق های سیار

درخصوص صندوق های سیار ایشان مواردی را گفته اند که از کسی مانند ایشان بعید است این گونه آشکارا خلاف واقع بگوید:

۱ . ایشان ادعا کرده‌اند که «طبق ماده قانون انتخابات ریاست جمهوری تخصیص شعب سیار صرفاً برای مناطق صعب العبور کوهستانی و مسافت های دور و نقاطی که تشکیل شعب ثابت مقدور نیست تشکیل می شود» ای کاش شمارهٔ آن ماده را ذکر می‌کردند، تا با مراجعه به آن ماده معلوم می شد که تشکیل شعب سیار «صرفاً» برای مناطق صعب العبور و کوهستانی نیست و در ادامهٔ ماده مربوطه چگونگی آن مشخص شده است.

آنچه در نص صریح قانون آمده این گونه است: « مادهٔ ۵۰ ـ هیئت اجرایی بخش با تصویب هیئت اجرایی شهرستان می تواند برای مناطق صعب العبور و کوهستانی و مسافت های دور و نقاطی که تشکیل شعب ثابت ثبت نام و اخذ رأی مقدور نیست شعب اخذ رأی سیار تشکیل دهد هیئت اجرایی شهرستان نیز می تواند در صورتی که لازم بداند نسبت به تشکیل

شعب اخذ رأی سیار در مرکز شهرستان و بخش مرکزی اقدام نماید .... » می‌بینیم که در نامهٔ ایشان واژهٔ صرفاً» به کار رفته و دنبالهٔ عبارت نیز حذف شده است و این روش تحریف قانون، غیر صحیح و غیر اخلاقی است .

۲ . ای کاش ایشان مستنداً اعلام می‌کردند که در انتخابات ریاست جمهوری هفتم، هشتم و نهم چند صندوق ثابت شهری و چند صندوق سیار وجود داشته و حالا تعداد این صندوق ها چه میزان است ؟ ما این اطلاعات را در سایت وزارت کشور رسماً و شفاف و مبسوط قرار داده ایم.

طبق قانون و سیرهٔ مستمره، شعب سیار، نه تنها برای مناطق صعب العبور که همواره برای مناطق شهری، بیمارستان ها، پادگان ها، مناطق کم جمعیت و موارد دیگر تشکیل می شده است.

به طور مثال، در انتخابات ریاست جمهوری نهم در دولت اصلاحات، از مجموع ۴۱۰۷۱ صندوق اخذ رأی، تعداد ۱۴۱۰۲ صندوق آن سیار بوده است یعنی ۳۳ درصد کل صندوق‌ها، در حالی که در انتخابات دهمین دورهٔ ریاست جمهوری از مجموع ۴۵۷۱۳ صندوق تعداد ۱۴۲۹۴ سیار بوده است یعنی ۳۰درصد کل صندوق‌ها، پس ملاحظه می شود که درصد صندوق های سیار در این انتخابات به نسبت دورهٔ گذشته ۳ درصد کاهش یافته است ! از طرفی، متأسفانه، حتی افزایش میزان ۱۱/۷ درصدی تعداد صندوق های ثابت نیز مورد اعتراض طرفداران آقای موسوی به جهت نگرانی آنها از افزایش تعداد صندوق ها، واقع شده است. لازم است اشاره شود که برای تعداد ۲۷۹۵۸۹۳۱ رأی (کل آراء مأخوذه دردومین مرحلهٔ نهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری) ۱۴۱۰۲ صندوق سیار در دولت اصلاحات پیش بینی شده و این در حالی است که برای کل آراء مأخوذه دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری یعنی ۳۹۳۷۱۲۱۴ رأی، ۱۴۲۹۴ صندوق سیار پیش‌بینی شد و این نشانگر عدم صحت مطالب مطرح شده در این خصوص از سوی ایشان است و اگر فقط افزایش مشارکت انتخابات ریاست جمهوری دهم را نسبت به مرحلهٔ دوم انتخابات ریاست جمهوری نهم یعنی افزایش از حدود ۶۲ درصدی به حدود ۸۵ درصددر انتخابات دهم

را در نظر می گرفتیم باید تعداد کل صندوق ها معادل ۴۱۰۷۱ ضربدر ۸۵ درصد، تقسیم بر ۶۲ درصد یعنی برابر ۵۶۳۰۷ صندوق و تعداد صندوق های سیار را معادل ۱۴۱۰۲ ضربدر ۸۵ درصد تقسیم بر ۶۲ درصد یعنی برابر ۱۹۳۳۳ صندوق درنظر میگرفتیم ،کاملا مشهود است که به نسبت و با توجه به مشارکت ۸۵ درصدی به مراتب کمتر از دورهٔ نهم در نظر گرفته‌شده است. مضافاً اینکه فضای جدی و رقابتی و شور و شوق و نشاط انتخاباتی و تبلیغاتی قبل از انتخابات و نتایج اکثر نظرسنجی‌ها هم نشان از میزان مشارکت بالاتری در دور دهم نسبت به دور نهم را نشان می داد.

۳. هیچ گونه ممانعتی برای حضور نمایندگان ایشان بر سر صندوق های سیار وجود نداشته و طبق تبصرهٔ مادهٔ ۸ آیین نامه اجرایی حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری، تأمین نیازهای نمایندگان نامزدها به عهده نامزد مربوطه می باشد و وزارت کشور از این بابت هیچ گونه تکلیفی ندارد (اعضا هر شعبه بعلاوه عوامل انتظامی چهارده نفر می باشند که اگر نمایندگان کاندیداها هم اضافه شود جابجایی آنها بسیار سخت است) اما با این حال اعضای اجرایی شعب نهایت همکاری را با نمایندگان کاندیداها داشته اند.

۴. اشکال ایشان مبنی بر افزایش صندوق های سیار در تناقض با اشکال دیگرشان مبنی بر عدم ارائه امکان لازم برای رأی دادن مردم است، لذا شرط صداقت این بود که ایشان هم درخواست افزایش صندوق های ثابت و هم سیار را می نمودند.چنانکه شرح آن با اعداد و ارقام اشاره شد.

د) در خصوص تعرفه‌ها

۱. آقای موسوی در نامهٔ خود عدد واجدین شرائط رأی دهنده را تعداد ۴۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر ذکر کرده اند که آشکارا یک میلیون کمتر از تعداد واقعی است .که همانگونه که بارها اعلام شده تعداد واجدین شرایط ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بوده است صرف نظر از اینکه جریان اصلاح طلب بارها اعلام می‌کرد که تعداد واجدین شرایط بیشتر از این هم هست.

۲. ایشان پذیرفته اند که به تعداد معقولی باید تعرفهٔ اضافه چاپ می شد اما نگفته اند که

این تعداد چند تا باید باشد؟

۳. چاپ تعرفهٔ اضافه، که طبق قانون و عرف انتخابات صورت گرفت، بارها و بارها در مطبوعات و از سوی ستاد ایشان، مورد تهاجم واقع شد، که وزارت کشور در موقع خود پاسخ آنها را داد و بر اساس وظیفهٔ قانونی و با توجه به میزان مشارکت پیش‌تر پیش بینی شده اقدام به چاپ تعرفه کرد، تا با مشکل مواجه نشود و طبیعی است تخمین دقیق و بدون خطا تعداد رأی دهنده در هر شهرستان و یا در هر صندوق امکان پذیر نیست.

۴. در این دوره از انتخابات، به منظور صیانت از آراء مردم، کلیهٔ تعرفه‌ها دارای سریال مخصوص و کد اختصاصی استانی بود که امکان جابه جائی را از بین می‌برد تا رأی مردم باضریب امنیتی بیشتری حفاظت گردد.

۵. ما قصد این را نداریم که بگوییم آیا آقای موسوی و دیگران، با سوءنیت آن فشارها را وارد می‌کردند تا تعرفه اضافه چاپ نشده و در نتیجه مردم با کمبود تعرفه مواجه شوند و آنها امروز بهانه‌ای دیگر برای تهمت و اعتراض داشته باشند، لیکن اظهارات فعلی ایشان جای این سؤال را باقی می گذارد.

۶. با توجه به شکوه و عظمت حضور ملت از ساعات اولیه در سر صندوق های رأی، صفوف متراکمی تشکیل شده بود و به همین دلیل نیز به کلیهٔ شعب گفته شد محض آنکه تعداد تعرفه‌ها ی باقیمانده به عدد ۱۰۰ رسید سریعاً خبر دهید و قبل از اتمام آنها، تعرفه‌های مورد نیاز برای آنها ارسال می شد.

با اینکه تبلیغات همه جانبه ای هم از سوی هواداران ایشان سازماندهی شد و دروغ آشکار متوسل شدند که قرار است در صندوق های مستقر در مساجد تقلب صورت گیرد ! و مردم را به سوی صندوق های مستقر در مدارس دعوت کردند.

۷. با توجه به قانون انتخابات، رأی دهندگان مجاز هستند در هر نقطه ای از کشور که بخواهند رأی بدهند. لذا سیال بودن تعداد رأی‌دهندگان، موجب می شود تا نتوان دقیقاً برآورد کرد که در هر صندوق چند نفر مراجعه می نمایند. از این رو، در شعب اخذ رأی، با در نظر گرفتن آمار رأی دهندگان در آخرین انتخابات در هر شهرستان و صندوق تعداد

تعرفه متناسب تحویل داده شدو تنها تعداد معدودی از شعب اخذ رأی با کمبود تعرفه مواجه شدند که به سرعت تعرفه لازم تحویل گردید.

ه) محدود کردن زمان رأی گیری

محدودکردن زمان رأی گیری نیز مانند بسیاری از مطالب دیگر ایشان خلاف واقع است، زیرا رأی گیری به درخواست فرمانداران و با دستور وزیر کشور، چهار بار و تا ساعت ۲۲ تمدید شد. لازم به ذکر است که انتخابات ریاست جمهوری نهم از ساعت ۹ صبح شروع شده بود ولی انتخابات دهم از ساعت ۸ صبح آغاز گردید،(یعنی ۱ ساعت زودتر)و طبق قانون تا ساعت ۱۸ ادامه یافت و وقت دوم از ۱۸ تا ۱۹ تمدید شد و بار سوم از ساعت ۱۹ تا ۲۰ تمدید گردید و بار چهام از ۲۰ تا ۲۱ تمدید شد و بار پنجم از ۲۱ تا ۲۲ تمدید گردید و در نهایت نیز در اطلاعیه رسمی ستاد انتخابات کشور اعلام گردید تا زمانی که رأی دهنده در مقابل شعبات وجود دارد افراد به داخل شعبه هدایت شده و از آنها رأی گیری به عمل آید، طوری که در برخی از شعب تا پاسی از نیمه شب نیز رأی گیری ادامه داشت.

ایشان ادعا کرده‌اند که چهار نفر از ستاد ایشان به وزارت کشور مراجعه نموده‌اند و تقاضای ملاقات با وزیر کشور جهت تمدید مهلت اخذ رأی داشته اند و به آنها اجازه ملاقات داده نشده است، در حالی که چهار تن از نمایندگان ایشان به نام آقایان بهزادیان‌نژاد، علی ربیعی، مهرعلیزاده و فرد دیگری به ستاد انتخابات کشور مراجعه کردند و بیش از یک ساعت با رئیس ستاد انتخابات کشور ملاقات داشتند و سخنان و درخواست های ایشان شنیده شد و پاسخ های مستدل ستاد انتخابات کشور را نیز دریافت نمودند.

و. انتقال صندوق ها به فرمانداری

آقای موسوی ادعای عجیبی دیگری نیز نموده‌اند که مانند بقیهٔ سخنان ایشان، بدون استناد می باشد.

ایشان ادعا نموده اندکه در مرحلهٔ شمارش آراء و تنظیم صورتجلسات در شعب اخذ رأی،

هیچ نظارتی از سوی نمایندگان کاندیداها وجود نداشته است، درحالی که نمایندگان ایشان در صندوق های اخذ رأی تا پایان شمارش آراء و تنظیم صورتجلسات و امضاء فرم‌های مربوطه، در شعب اخذ رأی حضور داشته و اعداد و ارقام فرم‌های مذکور را یادداشت نموده اند و بر تمامی مراحل شمارش آراء و اعلام نتایج صندوق ها نظارت داشته اند. این در حالی است که تمامی صندوق ها با حضور اعضاء اجرایی شعبه، نمایندهٔ فرماندار، بازرسان، ناظران شورای نگهبان، محافظان صندوق ها و نمایندگان نامزدها شمارش شده است، یعنی موقع شمارش آراء حداقل ۱۴ نفر در محل هر صندوق حضور داشته اند.

ایشان در بخش دیگری از نامهٔ خود به اعلام نتایج شمارش آراء صندوق ها به وسیلهٔ صدا و سیما اعتراض کرده‌اند، درحالی که این اقدام ستودنی ستاد انتخابات کشور، شایستهٔ تقدیر است زیرا در انتخابات ادوار گذشته معمولاً مردم حداقل تا ۱۲ ساعت پس از پایان برگزاری انتخابات، هیچ گونه اطلاعی از نتایج شمارش آراء نداشتند و از سوی مسئولان انتخابات به آنها اطلاع رسانی نمی شد. همان‌گونه که همگان از مدت‌ها قبل اطلاع دارند در این انتخابات به دلیل ضرورت اطلاع رسانی سریع به مردم نرم‌افزاری طراحی گردید و نتایج شعب اخذ رأی، مستقیماً از شعبه ها به ستاد انتخابات کشور ارسال می شد و بلافاصله به صورت نوبه‌ای به اطلاع مردم می‌رسید. و این امر نه تنها هیچ منافاتی با قانون انتخابات ریاست جمهوری ندارد بلکه در راستای احترام به حق مردم برای اطلاع رسانی سریع از نتیجه انتخابات می باشد. ما مردم را نامحرم ندانسته و سعی نمودیم هر نتیجه‌ای که به ستاد انتخابات کشور میرسد، در اختیار مردم نیز قرار گیرد. البته از ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۸۸/۰۳/۲۳ که فرم‌های ۲۸ انتخابات (اعلام نتایج شهرستان‌ها) به تعداد معتنابهی رسید، اعلام نتایج بر اساس این فرم‌ها ادامه یافت.

اگر آقای موسوی ادعا دارند که نتایج انتخابات و تجمیع آراء واقعی نبوده، می بایست دلایل خود را اعلام و مستندات خویش را ذکر می نمودند.

ایشان با ذکر نامهٔ نمایندگان سه نفر از نامزدها، ادعا کرده‌اند که این نمایندگان که در ستاد انتخابات کشور مستقر بودند، از جریان اعلام نتایج بی خبر بوده اند. ای کاش ایشان بدون

عصبانیت، لحظه‌ای در قانون انتخابات تأمل می‌کردند تا می فهمیدند که ستاد انتخابات کشور، صرفاً موظف است نتایج فرم‌های ۲۸ (اعلام نتایج شمارش آراء شهرستان‌ها) را به نمایندگان نامزدها اعلام نماید و ارائه نتایج فرم های رایانه‌ای واصله از شعب اخذ رأی به این افراد بر عهدهٔ وزارت کشور نیست. البته، در راستای اجرای قانون، کلیهٔ فرم‌های ۲۸ واصله از شهرستان‌ها بدون تاخیر به این نمایندگان ارائه می شد. نکتهٔ قابل ذکر اینکه نمایندگان برخی نامزدها، وقتی در ساعت حدود ۶ صبح از ناکامی نامزدهای خود مطلع شدند، ستاد انتخابات را به اختیار خود ترک نمودند.

ز) نسبت دادن آرایش سبد آراء

یکی از مسائلی که به نظر آقای موسوی قابل تأمل بوده و صحت انتخابات را مورد تردید قرار داده، نسبت تقریباً ثابت آراء کاندیداها در تمام مناطق کشور بوده است! در این رابطه ذکر موارد زیر مفید به نظر می‌رسد.

۱. توجه ایشان را به این نکته معطوف می داریم که آراء کاندیداها در مناطق کشور ثابت نبوده و به عنوان مثال خود ایشان در رتبه بندی آراء دراستان‌های آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان نفر اول می باشند.

۲. اگر مردم کشور در اکثریت بالایی از شهرستان‌ها، جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد را مورد اعتماد و تأیید قرار داده‌اند، بهتر است آقای موسوی دلیل این امر را در عملکرد و شعارهای ایشان جستجو کند و اصل انتخابات و حماسهٔ عظیم قریب به ۴۰ میلیونی ملت بزرگ ایران را زیر سؤال نبرد.

۳. ادعای ایشان در مورد عدم کسب اکثریت آراء نامزدها در محل تولدشان، ناشی از اطلاعات کذبی است که به ایشان رسیده وگرنه بر طبق نتایج انتخابات که در صدا وسیما نیز اعلام شده و نیز آماری که هم اکنون در سایت پرتال وزارت کشور وجود دارد، آقای موسوی در زادگاه خود یعنی در شهرستان شبستر، آقای رضایی در شهرستان لالی و آقای احمدی‌نژاد در گرمسار حائز اکثریت آراء شده و آراء آقای کروبی در شهرستان الیگودرز

حائز بهترین نتیجهٔ خود در کل کشور یعنی در رتبه دوم قرار دارد. ضمن اینکه به لحاظ عقلی هم هیچ الزامی وجود ندارد که حتما اهالی یک شهرستان به همشهری خود رأی دهند.

۴. اعلام نتایج به تفکیک استان‌ها و شهرستان‌های سراسر کشور از سوی ستاد انتخابات کشور رسماً منتشر و توسط صدا وسیما و جراید و رسانه ها اعلام گردید. هم اکنون نیز برای اولین بار در طول تاریخ انتخابات، اعلام نتایج انتخابات تفکیک شعب اخذ رأی از سوی ستاد انتخابات کشور در حال انجام است که خودی خود نشانگر صحت انتخابات و اطمینان برگزار کنندگان از درستی عملکرد خویش می باشد.

و اما در مورد قسمت انتهایی نامهٔ ایشان که اشاره به تخلفات ادعایی مربوط به قبل از برگزاری انتخابات از قبیل استفاده از رسانهٔ ملی، استفاده از وسایل نقلیهٔ دولتی،افتتاح‌پروژه‌های عمرانی، پرداخت معوقهٔ کارکنان دولت، توزیع سهام عدالت و امثال آنها را داشته است، لازم به ذکر است با این گونه ادعاها هیچ خدشه ای به رأی مردم وارد نمی شود و مردم فهیم آگاه ما با توجه به همهٔ این تبلیغات و مباحثات به نامزد مورد نظر خودرأی داده‌اند و این موضوعات قبل از برگزاری انتخابات هم از سوی ایشان و طرفدارانشان و رسانه های همسو با حجم وسیع مطرح گردید ولیکن مردم براساس شناخت خود از نامزدها ۴۰ میلیون رأی به صندوق ها ریختند و سرنوشت انتخابات را با رأی خود رقم زدند. بدیهی است تک تک آراء ۴۰ میلیونی مردم فارغ از اینکه به چه نامزدی تعلق گرفته است برای مسئولین برگزارکنندهٔ انتخابات محترم بوده وما به عنوان خادمین ملت دست تک تک آنها را به خاطر خلق این حماسهٔ تاریخی می بوسیم.

و در آخر، آقای موسوی باید به این نکته توجه داشته باشد که اگر خدمات دولت و مقدمات انتخابات را باعث ابطال انتخابات می دانستند باید از ابتدا با اعلام باطل بودن انتخابات در انتخابات شرکت نمی کردند نه اینکه پس از عدم کسب رأی لازم در انتخابات، موضوعات اتفاق افتادهٔ ادعایی قبل از برگزاری انتخابات را بهانه ای برای ابطال آراء حدود ۴۰ میلیونی رأی ملت اعلام می‌کرد.

رفتار آقای موسوی این ذهنیت را تقویت می کند که ایشان با این هدف شرکت کردند

که اگر موفق به کسب اکثریت آراء شدند انتخابات خوب است و اگر شکست خوردند انتخابات باطل و بد است. از جناب آقای موسوی خواستاریم به قانون و رأی مردم احترام قائل شده و قانون گرایی را در رفتار خودشان نشان دهند.[1]

بیانیه های روز شنبه و یکشنبه(۳۰ و ۱۳۸۸/۳/۳۱)

در روز شنبه ۱۳۸۸/۳/۳۱ سیدمحمد خاتمی، مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور بیانیه ها و اطلاعیه هایی دیگر خواهان ابطال انتخابات شدند. نکتهٔ قابل توجه این بیانیه ها این بود که در آنها گفته شده بود که ملت ایران نتیجهٔ انتخابات را قبول ندارد و خواهان ابطال انتخابات هستند.[2] از ظهر شنبه تمامی سایت‌های مرتبط با جریان اصلاحات و طرفدار موسوی اعلام کردند که تا ساعاتی دیگر بیانیه‌ای بسیار مهم از سوی موسوی صادر می شود. در اوایل شب چند سایت طرفدار موسوی بیانیهٔ شمارهٔ ۵ او را منتشر کردند. موسوی در روز بعد یعنی یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۳۱ بیانیه‌ای دیگر با عنوان بیانیه شماره ۶ صادر کرد که متن همهٔ بیانیه ها به ترتیب ذکر می شود.

دو بیانیه از موسوی

الف): بیانیهٔ شمارهٔ ۵

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل

مردم شریف و هوشمند ایران!

این روزها و شب ها نقطهٔ عطفی در تاریخ ملت ما در حال شکل گرفتن است. مردم از یکدیگر و درمیان جمعشان از این جانب سؤال می کنند که چه باید کرد و به چه سو باید

---

۱. خبرگزاری فارس ۱۳۸۸/۴/۳، ساعت ۱۱:۲۵، شمارهٔ خبر ۸۸۰۴۰۳۰۳۹۵.

۲. سایت امروز ۱۳۸۸/۳/۳۰، کد خبر ۲۳۱۸۸.

رفت. بر عهدهٔ خویشتن می بینم که آنچه را باور دارم با شما در میان بگذارم، با شما بگویم و از شما بیاموزم، باشد که رسالت تاریخی مان را از یاد نبریم و شانه از بار مسئولیتی که سرنوشت نسل ها و عصرها بر دوش ما گذاشته است خالی نکنیم.

سی سال پیش از این در کشورما انقلابی به نام اسلام به پیروزی رسید؛ انقلابی برای آزادی، انقلابی برای احیای کرامت انسان‌ها، انقلابی برای راستی و درستی. در این مدت و به خصوص در زمان حیات امام روشن ضمیر ما سرمایه‌های عظیمی از جان و مال و آبرو در پای تحکیم این بنای مبارک گذارده شد و دستاوردهای ارزشمندی حاصل آمد. نورانیتی که تا پیش از آن تجربه نکرده بودیم جامعه ما را فرا گرفت و مردم ما به حیاتی نو رسیدند که به رغم سخت ترین شدائد برایشان شیرین بود. آنچه مردم به دست آورده بودند کرامت و آزادی و طلیعه هایی از حیات طیبه بود. اطمینان دارم کسانی که آن روزها را دیده‌اند به چیزی کمتر از آن راضی نمی شوند.

آیا ما مردم شایستگی هایی را از دست داده بودیم که دیگر آن فضای روح انگیز را تجربه نمی کردیم؟ من آمده بودم بگویم چنین نیست؛ هنوز دیر نیست و هنوز راهمان تا آن فضای نورانی دور نیست. آمده بودم تا نشان دهم می توان معنوی زندگی کرد و در عین حال در امروز زیست. آمده بودم تا هشدارهای اماممان را دربارهٔ تحجر باز گو کنم. آمده بودم تا بگویم گریز از قانون به استبداد می‌انجامد؛ تا به یاد آورم که اعتنا به کرامت انسان‌ها پایه‌های نظام را تضعیف نمی کند، بلکه استحکام می بخشد. آمده بودم تا بگویم مردم از خدمتگزارانشان راستی و درستی می خواهند و بسیاری از گرفتاری های ما از دروغ برخاسته است. آمده بودم تا بگویم عقب ماندگی، فقر، فساد و بی عدالتی سرنوشت ما نیست. آمده بودم تا بار دیگر به انقلاب اسلامی آن گونه که بود و جمهوری اسلامی آن گونه که باید باشد، دعوت کنم.

من در این دعوت بلیغ نبودم، ولی پیام اصیل انقلاب حتی از بیان نارسای من آنچنان دلنشین بود که نسل جوان را، نسلی که آن روزگاران را ندیده بود و میان خود و این میراث بزرگ احساس فاصله می‌کرد، به هیجان آورد و صحنه‌هایی را که تنها در ایام نهضت و دفاع مقدس دیده بودیم بازسازی کرد. حرکت خودجوش مردم رنگ سبز را به عنوان نماد

خویش برگزید. این جانب اعتراف می‌کنم که در این امر پیرو آنان بودم. و نسلی که به دوری از مبانی دینی متهم می شد در شعارهای خود به تکبیر رسید و به «نصر من الله و فتح قریب» و «یا حسین» و نام خمینی تکیه کرد تا ثابت کند این شجرهٔ طیبه هرگاه که به بار می نشیند میوه هایش شبیه به هم است. این شعارها را کسی جز آموزگار فطرت به آنان نیاموخته بود. چقدر بی انصاف اند کسانی که منافع کوچکشان آنها را وا می دارد تا این معجزهٔ انقلاب اسلامی را ساخته و پرداخته بیگانگان و «انقلاب مخملین» بنامند.

اما آن چنان که می دانید همگی ما در راه این تجدید حیات ملی و تحقق آرمان هایی که در دل و جان پیر و جوان ما ریشه دارند با دروغ و تقلب روبه‌رو شدیم و آن چیزی که از عواقب قانون گریزی پیش بینی کرده بودیم به صریح ترین شکل ممکن و در نزدیک ترین زمان تحقق یافت.

استقبال عظیم از انتخابات اخیر در درجهٔ نخست مرهون تلاش هایی بود که برای ایجاد امید و اعتماد در مردم صورت گرفت تا برای بحران‌های مدیریتی موجود و نارضایتی های گستردهٔ اجتماعی، که انباشت شان می تواند کیان انقلاب و نظام را نشانه برود، پاسخی شایسته فراهم شود. اگر این حسن ظن و اعتماد مردم از طریق صیانت از آرای آنها پاسخ داده نشود و یا آنها نتوانند برای دفاع از حقوقشان به نحوی مدنی و آرام واکنش نشان دهند مسیرهای خطرناکی در پیش خواهد بود که مسئولیت قرار گرفتن در آنها بر عهدهٔ کسانی است که رفتارهای مسالمت آمیز را تحمل نمی کنند.

اگر حجم عظیم تقلب و جابه جایی آرا، که آتش به خرمن اعتماد مردم زده است، خود دلیل و شاهد فقدان تقلب معرفی شود، جمهوریت نظام به مسلخ کشیده خواهد شد و عملاً ایده ناسازگاری اسلام و جمهوریت به اثبات میرسد. این سرنوشت دو گروه را خوشحال خواهد کرد؛ یک دسته آنان که از ابتدای انقلاب در مقابل امام صف آرایی کردند و حکومت اسلامی را همان استبداد صالحان دانستند و به گمان باطل خود می‌خواهند مردم را به زور به بهشت ببرند و دستهٔ دیگر که با ادعای دفاع از حقوق مردم اساسا دیانت و اسلام را مانع تحقق جمهوریت می دانند. هنر شگرف امام باطل کردن سحر این دوگانه‌انگاری ها بود.

من آمده بودم تا با تکیه بر راه امام تلاش ساحرانی را که دوباره جان گرفته اند خنثی کنم.

اکنون مقامات کشور با صحه گذاشتن بر آنچه در انتخابات گذشت مسئولیت آن را پذیرفته‌اند و برای نتایج هرگونه تحقیق و رسیدگی بعدی حد تعیین کرده‌اند، درصورتی که این رسیدگی‌ها موجب ابطال انتخابات نشود و نتایج آن را تغییر ندهد، حتی اگر در بیش از ۱۷۰ حوزهٔ انتخاباتی تعداد آرای به صندوق ریخته شده بیشتر از تعداد واجدین شرایط باشد.

از ما خواسته می شود که در این شرایط شکایت خود را از طریق شورای نگهبان پیگیری کنیم، حال آنکه این شورا در عملکرد خود، چه قبل، چه حین و چه بعد از انتخابات عدم بی طرفی خود را به اثبات رسانده است و نخستین اصل در هر داوری رعایت بی طرفی است.

این جانب همچنان قویاً اعتقاد دارم درخواست ابطال انتخابات و تجدید آن حقی مسلم است که باید به صورتی بی طرفانه از طریق یک هیئت مورد اعتماد ملی مورد بررسی قرار گیرد، نه آنکه پیشاپیش امکان ثمربخش بودن آن منتفی اعلام شود، یا با طرح احتمال خونریزی، مردم از هرگونه راهپیمایی و تظاهرات بازداشته شوند، یا شورای امنیت کشور به جای پاسخگویی به سؤالات مشروع در خصوص نقش لباس شخصی ها در حمله به افراد و اموال عمومی و ایجاد التهاب در حرکت های مردمی به فرافکنی بپردازد و مسئولیت فجایع به وجود آمده را بر عهده دیگران بگذارد.

این جانب چون به صحنه می نگرم آن را پرداخته شده برای اهدافی فراتر از تحمیل یک دولت ناخواسته به ملت، که تحمیل نوع جدیدی از زندگی سیاسی بر کشور می بینم. من به عنوان یک همراه که زیبایی های موج سبز حضور شما را دیده است هرگز به خود اجازه نخواهم داد بر اثر عمل من جان کسی در معرض خطر قرار گیرد. در عین حال بر اعتقاد راسخ خویش مبنی بر باطل بودن انتخاباتی که گذشت و استیفای حقوق مردم پای می فشارم و علی رغم توانایی های اندکی که در اختیار دارم بر این باورم که انگیزه و خلاقیت شما مردم همچنان می تواند حقوق مشروع تان را در چهره های مدنی جدید مورد پیگیری قرار دهد و محقق کند. مطمئن باشید که این جانب همواره در کنار شما خواهم ماند.

آنچه این برادر شما در دریافتن این راه حل های جدید، خصوصاً به جوانان عزیز توصیه

می کند این است که نگذارید دروغگویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بربایند و نااهلان و نامحرمان، میراث گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدارن راستگویتان است از شما مصادره کنند. با توکل به خداوند و امید به آینده و تکیه بر توانمندی‌هایتان حرکات اجتماعی خود را پس از این نیز براساس آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و اصل امتناع از خشونت پیگیری کنید. ما در این راه با بسیجی روبه‌رو نیستیم؛ بسیجی برادر ماست. ما در این راه با سپاهی روبه‌رو نیستیم؛ سپاهی حافظ انقلاب و نظام ماست. ما با ارتش روبه‌رو نیستیم؛ ارتش حافظ مرزهای ماست. ما با نظام مقدس خود و ساختارهای قانونی آن روبه‌رو نیستیم. این ساختار حافظ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ماست. ما با کجروی‌ها و دروغ گویی‌ها روبه‌رو هستیم و در پی اصلاح آنیم؛ اصلاحی با برگشت به اصول ناب انقلاب اسلامی.

ما به دست‌اندرکاران توصیه می‌کنیم برای برقراری آرامش در خیابان‌ها مطابق اصل۲۷ قانون اساسی امکان تجمع های مسالمت آمیز را نه تنها فراهم کنند، بلکه چنین گردهم‌آیی‌هایی را تشویق کنند و صدا و سیما را از قید بدگویی ها و یک طرفه عمل کردن‌ها رها سازند. بگذارند صداها قبل از آنکه به فریاد تبدیل شود به صورت استدلال و مجادلهٔ احسن در این رسانه جاری، تصحیح و تعدیل گردد. بگذارند جراید نقد کنند، خبرها را آنچنان که هست بنویسند و در یک کلام فضایی آزاد برای مردم جهت ابراز موافقت ها و مخالفت های خود آماده سازند. بگذاریم آنهایی که علاقه دارند تکبیر بگویند و آن را مخالفت با خود تلقی نکینم. کاملا مشخص است که در این صورت احتیاجی به حضور نیروهای نظامی و انتظامی در خیابان ها نخواهد بود و با صحنه‌هایی که دیدن آنها و شنیدن خبر آنها دل هر علاقه‌مند به انقلاب و کشور را به درد می آورد، روبه‌رو نخواهیم بود.

برادر و همراه شما

میرحسین موسوی[1]

---

۱. سایت خبری الف، ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، کد مطلب ۴۷۹۱۴.

ب) بیانیهٔ شمارهٔ ۶

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

خبر دلخراش شهادت گروهی دیگر از معترضان به وقوع تقلب گسترده در انتخابات اخیر، جامعهٔ ما را در بهت و سوگ فرو برده است. تیراندازی به مردم، پادگانی شدن فضای شهر، ارعاب، تحریک و قدرت نمایی همگی فرزندان نامشروع قانون گریزی شدیدی است که در معرض آن قرار داریم و عجبا که بانیان چنین شرایطی دیگران را به این خطا متهم می کنند. به کسانی که مردم را به خاطر اظهار نظر قانون شکن نامیده اند خبر می دهم که بی قانونی بزرگ عدم اعتنا و نقض صریح اصل ۲۷ قانون اساسی از سوی دولت در عدم صدور مجوز برای اجتماعات مسالمت آمیز است. آیا مردمی انقلابی که با مشابه همین اجتماعات ما و شما را از فراموشخانه های تاریخ ستم شاهی بیرون آوردند باید مورد ضرب و جرح قرار گیرند و تهدید به زورآزمایی شوند؟

این جانب به عنوان یک هم‌سوگ همچنان مردم عزیز را به خویشتن‌داری دعوت می‌کنم. کشور متعلق به شماست. انقلاب و نظام میراث شماست. اعتراض به دروغ و تقلب حق شماست. به احقاق حقوق خود امیدوار باشید و اجازه ندهید کسانی که برای ناامیدی و ارعاب شما می کوشند خشمتان را برانگیزند. در اعتراضات خود همچنان به پرهیز از خشونت پایبند بمانید و چون پدران و مادرانی دل شکسته با رفتارهای نامتعارف فرزندانتان در قوای امنیتی برخورد کنید. در عین حال از نیروهای نظامی و انتظامی انتظار دارم نگذارند خاطرات این ایام لطمه های جبران ناپذیر به روابط آنها و مردم بزنند. اینکه نام و نشان شهیدان، مجروحان و بازداشت شدگان به خانوادهٔ آنها اطلاع داده نشود و آنان در سرگردانی قرار گیرند هیچ سودی در برقراری آرامش ندارد و تنها احساسات را جریحه دار می کند. همچنین است دستگیری های فله ای که تنها موجب هتک پرهیزها و برداشته شدن رعایت ها میان فرزندان نظامی و انتظامی ملت و بدنه جامعه می شود.

از خداوند متعال برای این شهیدان عزیز رحمت و علو درجات مسئلت می‌کنم و برای

خانواده‌های داغدیده شان صبر و اجر آرزو دارم.

میرحسین موسوی[۱]

بیانیهٔ سیدمحمد خاتمی و دعوت به تشکیل هیئت داوری[۲]

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور مردم در صحنه از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است که باید آن را پاس داشت و راه‌های آن را گشاده‌تر کرد. این حضور شکوهمند از همهٔ بخش‌ها و گروه‌های سنی و صنفی در ایران یک پیام روشن دارد که مردم صاحب کشور و انقلاب‌اند. این پیام را امروز نیز باید دریافت؛ سکوت اعتراضی و رفتار مدنی مردم در راهپیمایی‌ها هم نشانه رشد و بیداری و مسئولیت‌پذیری مردم است و هم حکایتگر این واقعیت انکارناپذیر است که مردم دارای حقوق اساسی و مشخص هستند که هر نظامی موظف به رعایت آنهاست.

تبلیغات تحریک‌کننده و اهانت‌آمیز نسبت به مردم که همواره مستقل عمل کرده‌اند و انتساب حرکت سالم آنان به بیگانگان خود جلوه‌ای از اعمال سیاست‌های نادرست است که سبب دورتر شدن مردم از حکومت می‌شود.

در ایران انتخاباتی برگزار شده است و انبوهی از مردمان بزرگوار که آن حماسه حضور را آفریدند نتیجه اعلام شده را باور ندارند و به آن معترض‌اند.

اعتماد عمومی در این زمینه لطمه دیده است و بستن راه اعتراض مدنی به روی مردم به معنی گشودن راه‌های خطرناکی است که خدا می‌داند به کدام سرانجام برسد.

باید حق مردم را پاس داشت و در عین تدبیر در برابر هرگونه تشنج و تشنج‌آفرینی و ناامنی (که از ساحت مردم به دور است) باید از شیوه‌های پرهزینه و زیان‌بار برای نظام

---

۱. سایت قلم‌نیوز، یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، ساعت ۲۲:۳۹، کد خبر ۲۱۱۸۵.

۲. خاتمی در ۸۸/۴/۳۰ در دیدار با برخی فعالان رسانه‌ای و هنرمند خواهان برگزاری همه‌پرسی و رفراندوم برای برون‌رفت از بحران شد. این درخواست به طور گسترده از سوی رسانه‌های خارجی انعکاس داده شد. خاتمی پیشنهاد خود را کاملاً قانونی معرفی کرده بود. رجوع سایت مجمع روحانیون مبارز و سایت امروز تاریخ ۸۸/۵/۱، کد خبر در سایت امروز ۳۳۴۸۶.

و مردم از جمله مقابلۀ نظامی و خشونت فاصله گرفت و همگان در جهت ترمیم اعتماد عمومی که پشتوانۀ اصلی نظام و کشور است برآییم و حرکت کنیم.

ضرب و جرح و ارعاب که نمونۀ تأسف‌آور آن را در روز شنبه شاهد بودیم و موجی از دستگیری از زنان و مردان و نخبگان سیاسی و فرهنگی کشور از اولین ساعات اعلام نتایج تاکنون و ممانعت از اجتماعات آرام و باوقار مردم که از نشانه های فرهنگ بالای هموطنان است، مشکلات را افزون می کند.

فرصت ها به سرعت می گذرد و به تهدید تبدیل می شود، در حالی که بر این باورم که هنوز راه رهایی از این وضعیت آشفته بسته نیست و نیازی به امنیتی کردن و نظامی‌کردن فضا ندارد.

ارجاع امر به مرجع یا مراجعی که باید حافظ حقوق مردم و مجری انتخابات سالم و آزاد و ناظر بر آن باشند، ولی خود مورد انتقاد و شکایت اند راه حل مسئله نیست.

در بازگشایی این گره چرا نگاهی به روش و سیرت حضرت امام (ره) نداریم که در موارد مشابه بوده است و می تواند و باید مورد تأسی و اهتمام قرار گیرد.

تعیین هیئتی عادل، کاردان، بی طرف و شجاع که به‌ویژه مورد اعتماد معترضان هم باشد و پذیرش داوری منصفانه آن هیئت راهی برای عبور از این مرحله و گامی مثبت در جهت تقویت نظام و بازسازی اعتماد عمومی و نیز نشانۀ تصمیم گیری خطیر و گره گشا در هنگامه های حساس به نفع مردم و در جهت آرمان های انقلاب است.

آزادی سریع دستگیر شدگان و زندانی هایی که موجب نگرانی عمیق خانواده‌های آنان و بسیاری از مردم شده است و نیز بازکردن راه های ارتباطی و اطلاع رسانی که متأسفانه همه را بسته اند می تواند فضای جامعه را تلطیف کند.

از سوی دیگر اعتراض و انتقاد به شیوۀ مدنی و به دور از هرگونه ناآرامی را که حق مسلم مردم است باید همگان پاس داریم.

نفی خشونت و تغییر فضاسازی کینه توزانه و دشمن آفرین و مبتنی بر تهمت و افترا به فضای جدید مبتنی بر حقیقت، به محبت و دوستی و تعامل با یکدیگر نیز باید سرلوحه

عمل قرار گیرد.

در این صورت است که هر هزینه ای که پرداخت شود، نظام با همهٔ ارزش‌های آن مصون و محفوظ خواهد ماند.

مردم حضور دارند و همچنان در انتظارند، این حضور را باید محترم شمرد.

ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله. علیه توکلت و الیه انیب[۱]

بیانیهٔ مجمع روحانیون مبارز در حمایت از موسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبة ولینا و کثرة عدونا و شدة الفتن بنا

بیش از ده روز است که از انتخابات ریاست جمهوری می گذرد. مردم نجیب ایران که با هزاران امید و آرزو و شور و شوق به پای صندوق های رای آمدند، اکنون باید جنازهٔ جوانان خود را از میان خاک و خون بردارند و به سوگ آنان بنشینند. میلیون ها انسان در سراسر کشور به نتایج اعلام شده این انتخابات باور و اطمینان ندارند، بلکه آن را محصول یک طراحی حساب شده می دانند و بدان معترض اند. میلیون ها انسان در سراسر کشور می‌خواهند و حق دارند فریاد اعتراض خود را به صورت راهپیمایی و اجتماعات آرام به گوش طرفداران حق و عدالت برسانند. آیا پاسخ این فریادهای حق‌طلبانه صفیر گلوله‌هایی است که سینه فرزندانشان را می شکافد و پیر و جوان و زن و مرد را به خاک و خون می کشد؟

وقتی از نظر میلیون ها انسان فهیم و آگاه، مجریان و ناظران انتخاباتی در مظان اتهام قرار دارند آیا منطقی است که آنان را برای احقاق حق خویش به محکمه ای حواله دهند که داورانش در معرض اتهام اند؟ اگر حضور گسترده مردم در پای صندوق های رای آگاهانه بوده و امضاء سند افتخار جمهوری اسلامی است، پس چرا حضور اعتراضی میلیون ها نفر از همین مردم به توطئه و دسیسهٔ بیگانگان نسبت داده می شود؟ مگر رژیم های گذشته در

---

۱. سایت سیدمحمد خاتمی ۳۱ خرداد ۱۳۸۸ و سایت قلم‌نیوز، یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، کد خبر ۲۱۱۸۲.

ایران و سایر کشورها از این اباطیل چه طرفی بستند که امروز همان نسخه پوسیده را کپی کرده و به مردم اهانت می کنند.

میلیون ها انسان شریف و آگاه بر این باورند که با آراء آنان بازی شده و به فهم و شعورشان اهانت شده است و برای دفاع از حیثیت و کیان خود به صورت خودجوش به خیابان ها ریخته اند تا دردها و تحقیرهای فروخورده خود را فریاد کنند. چرا به مردم اهانت می کنند و این حرکت مردمی و در کمال وقار و آرامش را به بیگانگان نسبت می دهند و هزاران نفر را در خیابان ها و از خانه هایشان می ربایند و با رفتاری بسیار زشت و ناپسند آنان را اعم از زن و مرد به نقاط نامعلوم می‌برند؟ حرکت میلیون ها جوان در ایام انتخابات و در راهپمایی ها با فریاد الله اکبر و با شعار یا حسین چه کسانی را آزرده و عصبانی کرده است که باید به خوابگاه دانشجویان شبانه حمله کنند و با ضرب و شتم بی حساب آنان را آواره کنند و خوابگاه آنان را به ویرانه تبدیل کنند؟ تأسف بارتر از این عمل آن است که این حملهٔ مغول آسا را به خود مردم نسبت دهند. فانا لله و انا الیه راجعون.

کدام عقل سلیم باور می کند، که حرکت اعتراضی میلیون ها انسان آگاه از کارگران، کسبه، کشاورزان، روحانیون، دانشجویان و سایر اقشار نقشه و طراحی این گروه یا آن گروه و با حمایت بیگانگان باشد؟ چرا شخصیت های محترم و خدمتگزار ملت در طول سی سال گذشته را به بهانه های واهی با بدترین رفتارها دستگیر می کنند و به زندان ها می کشانند؟ کسانی که دست به چنین اعمال می‌زنند و سرمایه‌های اجتماعی جامعه را این گونه تاراج می کنند، از خدا بترسند یا از عاقبت خود بهراسند.

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی که در طول سالیان دفاع مقدس نخست‌وزیر این کشور بوده و همواره در برابر کارشکنان مورد حمایت بی‌دریغ حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بوده است، پس از بیست سال رصد کردن اوضاع کشور امروز احساس خطر کرده است و برای نجات کشور از مدیریت غلط چهار سال گذشته به میدان آمده و در مدت کمتر از سه ماه میلیون ها انسان شیفتهٔ امام خمینی را با یاد و نام آن عزیز به صحنه آورده است و میلیون ها جوان را که می رفتند از هر نوع مشارکت و همراهی

جمهوری اسلامی روی بگردانند، با نشان دادن راه و خط صحیح حضرت امام خمینی به پای صندق های رأی آورده است، آیا چنین شخصیتی به جای آنکه مورد تقدیر و تجلیل قرار گیرد، باید توسط همان هایی که در آن زمان در برابر او صف آرایی می‌کردند و نیز اخلاف آنان ،امروز مورد عتاب قرار گیرد و آنچه زیبندهٔ خود آنان است به مهندس موسوی نسبت دهند؟ آیا آقای مهندس موسوی مسبب اغتشاشات است یا آنان که با لشکر کشی در خیابان ها شهر را به صورت یک پادگان نظامی درآورده اند و مردم، به‌ویژه جوانان را تحریک می کنند و احساساتشان را جریحه دار می سازند؟

مردم می‌گویند در انتخابات امانت‌داری نشده است و باید انتخابات ابطال شود، آیا پاسخ چنین خواسته‌ای (بر فرض که به اعتقاد مسئولان برنامه‌ریز و مجریان انتخابات صحیح نباشد،) انواع اهانت هایی است که از بلندگوهای حکومتی نثار مردم می شود و باید پس از آن با چوب و چماق و تفنگ و گلوله به آنان حمله شود، عده‌ای مجروح یا کشته و گروهی هم به بند کشیده شوند؟ آیا دستی در کار است تا با این رفتارهای غیر انسانی آبروی امام و جمهوری اسلامی را به تاراج دهد؟

ما قویاً از جناب آقای مهندس میرحسین موسوی حمایت می‌کنیم و در برابر تهمت های ناجوانمردانه و از آن جمله تهمت تسبیب اغتشاش ها به ایشان از وی دفاع می‌کنیم و عامل همهٔ اغتشاش ها و زخمی شدن ها و کشته ها و دیگر خساراتی را که به مردم وارد شده است، کسانی می دانیم که بی جهت شهر را به صورت پادگان نظامی درآورده اند و آنها باید شناسایی و محاکمه شوند.

ما مصرانه خواستار آزادی تمامی دستگیرشدگان از شخصیت های سیاسی روحانی و غیر روحانی هستیم و هرگونه محاکمهٔ غیرقانونی و بازجویی های تحت فشار و رعب را محکوم می‌کنیم.

آیا عدل و انصاف است که صدا و سیمای حکومتی به میلیون ها انسان و نخبگان آنان هر گونه اهانتی را روا دارد و هیچ فرصتی برای این بی گناهان ایجاد نشود تا از خود دفاع کنند و حقایق را با مردم در میان بگذارند. وقتی که مطبوعات را یا بسته‌اند یا به شدت

سانسور می کنند، وقتی وسائل ارتباطی از پیامک ها و سایت ها و اینترنت همه را از کار بیندازند و در تلفن های همراه اخلال ایجاد کنند و تنها وسیله اطلاع رسانی یعنی صدا و سیما را از شا؟ن یک رسانهٔ ملی به رسانه دولتی تبدیل کنند و یکجانبه به بدترین شیوه حقایق را وارونه جلوه دهند؛ بدیهی است با بی اعتبار شدن این رسانه فراگیر مردم به پای رسانه های بین المللی کشانده می شوند و با شنیدن و دیدن حقایق جاری در میان جامعه به دروغ پردازی‌های رادیو و تلویزیون نفرین می کنند.

شرط انصاف آن است که برای پاسخ گویی به این همه دروغ پردازی و وارونه جلوه دادن حقایق و متهم کردن گروه ها و اشخاص ،حداقل یکی از شبکه‌های سراسری سیما در اختیار کاندیداهای محترم و طرفداران آنان و مردم مظلوم قرار می‌گرفت.

بر حسب اطلاع ، بسیاری از عالمان برجسته حوزهٔ علمیهٔ مبارکهٔ قم و سایر نقاط کشور شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند تا در مقابل میلیون ها انسان موضع بگیرند. ما از مقاومت آنان در برابر این زیاده خواهی ها صمیمانه و متواضعانه تشکر می‌کنیم و امیدواریم مراجع بزرگ تقلید و عالمان برجسته مانند همیشه ملجأ مردم مظلوم باشند و در برابر حق کشی ها بایستند و تسلیم نشوند و اطمینان داریم که نخواهند شد و تاریخ پرافتخار مراجع تشیع این حقیقت را نشان می دهد.

مجمع روحانیون مبارز اصرار دارد که اجازه دهند مردم در سراسر کشور یک روز را برای شهیدان خود به سوگ بنشینند و مردم در کمال امنیت در مراسم عزاداری خانواده‌های آنان شرکت کنند.

ما برای بازگرداندن اطمینان و اعتماد مردم خواهان آن هستیم که هیئتی متشکل از افراد بی طرف و کاردان و آشنا به قوانین به شکایات نامزدهای معترض رسیدگی کنند و با رعایت حق و عدل به داوری بنشینند و با تصمیمی خداپسندانه آرامش را به کشور برگردانند.

درود و رحمت خداوند بر ملت سرافراز ایران به‌ویژه مردم بیدار و شجاع تهران، درود برجوانان غیور بویژه دانشجویان پرشور، رحمت و غفران الهی بر شهیدان خون خفته آنان، سلام بر زندانیان عزیز و به خانوداه های محترم آنان. مجمع روحانیون مبارز خود را

در عزای شهیدان و همدردی با خانواده‌های آنان شریک می داند و برای آنان صبر و پاداش از خداوند بزرگ مسئلت می دارد.

مجمع روحانیون مبارز[۱]

۱۳۸۸/۴/۱

دو دیدار با رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱. گزارشی از دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ایشان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار با رئیس، هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر لزوم همخوانی قوانین با مبانی و اصول انقلاب اسلامی و همچنین نیازهای اصلی جامعه، خاطرنشان کردند: در تصویب قوانین باید تأثیرات فرهنگی و تربیتی آن نیز مورد توجه جدی قرار گیرد.

رهبر انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی را قوهٔ مفکرهٔ کشور دانستند و افزودند: این قوه به صورت لباس قانون تجلی می یابد و سپس این قانون نیز در سراسر کشور جاری می شود. بنابراین مهمترین مسئله رعایت نسبت این قوانین با ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی از یک طرف و همچنین نیازهای فوری و بلندمدت جامعه از طرف دیگر است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: اگر در قوانین کشور این دو ویژگی رعایت شود، قوانین علاوه بر اینکه صحیح و درست خواهند بود، کارآمدی نیز خواهند داشت.

ایشان در تبیین این موضوع افزودند: اگر قوانین با اصول و مبانی انقلاب اسلامی سازگاری نداشته باشند، اصالت خود را از دست خواهند داد و اگر با نیازهای مردم همخوانی نداشته باشند، قوانین اصیل و مشروع خواهند بود ولی مقبولیت نخواهند داشت.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه مبانی انقلاب اسلامی باید به طور دائم مد نظر باشند خاطرنشان کردند: امام خمینی (ره) انسان بزرگ و آگاهی بودند و مجموع فرمایشات و وصیت‌نامهٔ ایشان، مبانی و اصول انقلاب است که باید تصویب قوانین و موضع گیری‌ها همواره در این جهت باشند.

---

۱. سایت قلم نیوز دوشنبه ۱ تیر ۱۳۸۸، ساعت ۲۰:۵۷، کدخبر ۲۱۱۸۹.

حضرت آیت‌الله خامنه ای همچنین افزودند: به هنگام تصویب قوانین باید مراقب بود تا قوانین با قانون گرایی، اخلاق، ارزش‌های دینی و مسائل تربیتی سازگاری داشته باشند.

ایشان نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به بالا بردن روحیهٔ تحمل حرف مخالف توصیه و خاطرنشان کردند: اظهار نظرها در مجلس باید علمی، استدلالی، سالم و اخلاقی و به دور از روحیه لجاجت و زورآزمایی شخصی و جناحی باشند.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به وظیفهٔ مجلس و دولت برای ادارهٔ کشور و پیشبرد امور جامعه افزودند: مجلس باید بنا را بر مماشات، مدارا و روح همکاری با دولت بگذارد زیرا دولت در وسط میدان است و بار سنگین مسائل اجرایی کشور را دوش می کشد.

حضرت آیت‌الله خامنه ای با تأکید بر اینکه امور اجرایی، بسیار سخت و دشوار است خاطرنشان کردند: باید به دولت در این مسیر ناهموار و نفس گیر کمک کرد و به آن سخت نگرفت.

ایشان تأکید کردند: البته این موضوع به معنای اغماض از خطاها نیست بلکه نوع برخوردها باید مهربانانه و صمیمی باشد.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تشنج ها و اصطکاک ها در برخی دوره های قبلی مجلس شورای اسلامی افزودند: مردم به هیچ وجه از اصطکاک خوششان نمی آید و بازخورد آن کاملاً منفی است زیرا مردم خواستار همکاری صمیمانه مسئولان برای حل مشکلات کشور هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه ای با یادآوری مجدد در خصوص رعایت مصلحت کل کشور در قانون گذاری‌ها، خاطرنشان کردند: نمایندگان محترم باید مصلحت منطقه خود را در داخل مصلحت کشور در نظر بگیرند.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود ضرورت رعایت فرهنگ، قانون مداری در کشور را یادآور شدند و تأکید کردند: من در مسائل اخیر مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، مُصرّ به اجرای قانون بوده و خواهم بود و نظام اسلامی و مردم نیز به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه نقطهٔ مقابل قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون،

دیکتاتوری است خاطرنشان کردند: اگر انقیاد به قانون نباشد، روح دیکتاتوری بروز خواهد کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: قانون باید در تمام امور کشور فصل‌الخطاب باشد تا زندگی مردم و امور جامعه روان شود.

ایشان بی‌قانونی را موجب پایمال شدن مصالح مردم دانستند و تأکید کردند: اصرار بر رعایت نکردن قانون موجب گره خوردن کارها خواهد شد. بنابراین همه باید قانون را محترم بشمارند.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: فرهنگ قانونگرایی همانند مسائل دیگر باید از نخبگان به بدنهٔ جامعه سرریز شود زیرا اگر نخبگان جامعه قانون را رعایت نکنند نمی‌توان از مردم انتظار عمل به قانون داشت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با قدردانی از موضع مجلس شورای اسلامی و نامه نمایندگان در خصوص مسائل اخیر تأکید کردند: یکپارچگی و صدای واحد در اعلام مواضع اساسی در شرایطی که دشمنان مترصد نقطه ضعف و فرصت‌طلبی هستند، کاری بسیار خوب و مهم است.

ایشان با تجلیل از سطح کارشناسی و معرفت مجلس هشتم، نمایندگان را به بهره گیری بیش از پیش از فرصت‌های معنوی و مواعظ اخلاقی در بحبوحهٔ امور اجرایی توصیه کردند و افزودند: ایام پرفیض ماه رجب و سپس ایام گرانقدر ماه‌های شعبان و رمضان بهترین فرصت‌ها برای زدودن غفلت‌ها و نزدیکی بیشتر به خداوند با عمل صالح و تقویت ایمان است.

در ابتدای این دیدار آقای لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به وظیفهٔ مجلس در بعد نرم‌افزاری نظام و همچنین نظارت بر اجرای قوانین تأکید کرد: محور حرکت مجلس هشتم سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام به ویژه سیاست‌های اصل ۴۴ است.

وی، قوانین تجارت، مجازات اسلامی، هدفمند کردن یارانه‌ها، ایمنی زیستی، فضای کسب و کار و قانون جامع دامپروری را از جملهٔ قوانین تصویب شده و یا در دست تصویب

مجلس برشمرد و افزود: مجلس هشتم همزمان با توجه جدی به مسائل اقتصادی و معیشتی به مسائلی همچون خشکسالی، کنکور، و مشکلات واحدهای صنعتی، کشاورزان و دامپروران توجه داشته است.

رئیس مجلس شورای اسلامی، رصد دقیق حوادث و مسائل بین المللی و منطقه‌ای را یکی از ویژگی‌های مجلس هشتم برشمرد و گفت: برگزاری کنفرانس فلسطین و ایستادگی در مقابل زیاده خواهی های قدرتهای زورگو از جمله در مسائل هسته ای و عراق و همچنین مسائل اخیر کشور بخشی از عملکرد مجلس در حوزهٔ مسائل بین المللی و منطقه‌ای است.

آقای لاریجانی با تأکید بر اینکه مجلس در عین اعتقاد به همگرایی با سایر قوا ،در نظارت بر رعایت قانون جدی است، افزود: دیوان محاسبات در روش نوین خود، نظارت همزمان با سایر دستگاه ها را پیگیری می کند تا زمینهٔ پیشگیری از تخلف بوجود آید.

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین با اشاره به مسائل اخیر کشور بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تأکید کرد: مجلس معتقد است حل مسائل اخیر فقط از طریق قانون امکان پذیر است و نمایندگان مانع از رفتار غیرقانونی خواهند بود.

آقای لاریجانی با تأکید بر اینکه هیچ کس نباید به خود حق دهد که از قانون فراتر رود خاطرنشان کرد: مسائل اخیر انتخابات فقط با نظر شورای نگهبان پایان می‌پذیرد و آقایان اطراف این مناقشه باید درک کنند که قانون صرفاً برای روزهای راحتی نیست بلکه قانونگرایی برای همه زمان‌هاست.[۱]

۲ .بیانات رهبر انقلاب در دیدار رئیس ومسئولان قوه قضائیه

خوشامد عرض می‌کنیم به همهٔ برادران و خواهران عزیز، مسئولان محترم قوهٔ قضائیهٔ کشور و همچنین بازماندگان محترم شهدای گرانقدر هفتم تیر، که این دو مناسبت به مشیت الهی به یکدیگر گره خورده است؛ قوهٔ قضائیهٔ ما رنگ شهادت و بوی شهیدان به خود گرفته است. بسیار چیز مهمی است اگر ان شاءالله بتوانیم از این درست بهره ببریم.

---

۱ . پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳ ، ساعت ۱۴:۱۲ .

یک جمله عرض می‌کنیم راجع به شهیدان عزیز هفتم تیر و این حادثهٔ مهم و ماندگار؛ یک جمله هم عرض می‌کنیم به مسئولین محترم قوهٔ قضائیه.

در باب حادثهٔ هفت تیر آنچه که بیش از همه اهمیت دارد این است که در این حادثه عزیزترین و برجسته‌ترین عناصر انقلاب در معرض فداکاری قرار گرفتند و فدا شدند. شخصیتی مثل شهید بهشتی که یک عنصر بی‌نظیر، لااقل کم‌نظیر در مجموعهٔ انقلاب بود، در خدمت انقلاب و در جهت انقلاب قربانی شد. آن تعداد از شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی و مدیران ارشد دستگاه‌ها، وزرا، نمایندگان مجلس، فعالان عرصهٔ سیاست جمهوری اسلامی، که هر کدامی برای خودشان یک شخصیتی بودند - ما با بسیاری از اینها از نزدیک آشنا بودیم، با بعضی کار کرده بودیم - این خیلی مهم است که در این تراز، شخصیت‌هایی جانشان کف دستشان باشد و در معرض شهادت قرار بگیرند و در این راه قربانی بشوند. بالاخره یک کشور، یک نظام، یک تمدن، بدون فداکاری و قربانی دادن و خون دادن که به جایی نمی‌رسد؛ اینها پیشروان این راه بودند.

نکتهٔ بعدی این است که این نظام این قدر جواهر نخبه را به صحنه آورد و به پای انقلاب ریخت و اینها را از دست داد، اما نظام تکان نخورد. آنهایی که این ترورها را طراحی می‌کردند، قصدشان اشخاص نبود. در درجهٔ اول قصدشان بی‌پایه کردن و تهی کردن و نخبه زدایی کردن از انقلاب بود، می‌خواستند انقلاب را با این ترورها، با این فقدانها به شکست بکشانند؛ اما این جور نشد و عکس این شد. یعنی پایهٔ اصلی نظام که عبارت است از ارتباط مردم و نظام، بیشتر شد. اینها همه عبرت‌های انقلاب ماست. و به شما عرض بکنم امروز هم همین است. امروز هم اگر جان‌هائی خودشان را در معرض فداکاری و قربانی شدن برای نظام، برای خدا قرار بدهند و در این راه قربانی بشوند، این نظام مستحکم‌تر خواهد شد؛ ریشه‌های این نظام مثل همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن خدای متعال فرموده است، «أصلها ثابت و فرعها فی السّماء»، اینجور مستحکم است. دل‌هایمان را این جور با مبانی و اصول و ارزش‌های انقلاب پیوند بدهیم.

و شهید بهشتی، آن شخصیت برجسته و ممتاز، حقاً و انصافاً حقوق زیادی بر نظام

جمهوری اسلامی و بر قوهٔ قضائیه بالخصوص دارد. در همان دوران کوتاهی که ایشان در قوهٔ قضائیه مشغول بودند - یعنی از اواخر سال ۵۸ تا اوائل سال ۶۰ - ابتکارات زیاد، کارهای بزرگ، نقشه های دوراندیشانه برای قوهٔ قضائیه طراحی کردند. بحمدالله قوه هم حرکت کرده است و در این سی سال کارهای خوبی انجام گرفته. امروز هم بحمدالله با مدیریت شخصیت برجسته و ممتازی مثل جناب آقای شاهرودی که از لحاظ علم و صلاحیت های گوناگون و همه جانبه حقاً، انصافاً برجسته هستند و در رأس قوه قرار دارند و ده سال ـ دو دورهٔ پنج ساله ـ بار سنگینِ این قوه را بر دوش کشیدند.

در مورد قوهٔ قضائیه آنچه که مهم است، این است که ما ببینیم قوهٔ قضائیه برای چیست؛ آن را تأمین کنیم. همهٔ کارها در این جهت باید باشد. قوهٔ قضائیه برای عدل است، برای عدالت است. معیار و شاخص عدل هم عمل به قانون است. اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این بی عدالتی است. و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعهٔ قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صددرصد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده اند یا برخی قوانین دیگر، که اینها بایست اصلاح بشود. معیار، این است که بر طبق قانون عمل بشود. عدل، اینجا تحقق پیدا می کند.

البته عدالت در قوهٔ قضائیه آسان به دست نمی آید. همین زیرساخت هائی که جناب آقای شاهرودی اشاره کردند، همهٔ اینها لازم است. این سیاستگذاری ها ـ که خود این سیاست گذاری یک زیرساخت نرم افزاری است ـ انتخاب سیاست های خوب، سامانه های سخت افزاری ای که در قوه به وجود آمده است یا شروع کرده اند به اینکه آنها را به وجود بیاورند، همه لازم است. یعنی عدالت در یک مجموعهٔ کلان مثل قوهٔ قضائیه ای که بناست یک کشور بزرگ را با جمعیت هفتاد میلیونی، در بخش قضائی اداره کند، با تعارف و با حرف درست نمی شود؛ همین مقدمات را لازم دارد، همین زیرساخت ها را لازم دارد. بنابراین آنچه که در زمینهٔ این زیرساخت ها ـ چه نرم افزاری، چه سخت افزاری ـ انجام گرفته است، ارزشمند است؛ باید قدر اینها را دانست؛ و ان شاءالله این سیاست ها به

همین شکلِ درست ادامه هم پیدا بکند. و واقعاً لازم است که من هم از شخص ایشان، هم ـ همان‌طور که ایشان گفتند ـ از مدیران ارشد قوهٔ قضائیه در بخش‌های مختلف که زحمات زیادی کشیده‌اند و جای قدردانی دارد، تشکر کنم.

لیکن نکته این است که اگرچه تأمین عدالت عام و شامل، متوقف بر این زیرساخت‌هاست، اما اینجور نیست که وجود این زیرساخت‌ها لزوماً به معنای استقرار عدالت باشد. ممکن است این چیزها را داشته باشیم، عدالت هم نداشته باشیم؛ از این باید ترسید. آنچه عدالت را تضمین می‌کند، انسانِ معتقدِ جازمِ عازمِ بااراده‌ٔ خداترس است. از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد. «فلا تخشوا النّاس و اخشون» را خدای متعال در قرآن می‌فرماید. اگر این شد، آن وقت با این دستگاه‌های متنوع و امروزی و خوب، می‌شود به عدالت به طور کامل رسید. اگر این اراده نبود، در این اراده سستی و اختلال ایجاد شد، هیچ کدام از این دستگاه‌ها به خودیِ خود عدالت را تأمین نخواهد کرد، بلکه گاهی حتّی زمینه می‌شود برای بی عدالتی. اصل قضیه این است. بنده عرض عمده‌ام در این دیدارهای سالیانه‌ای که با شما مسئولان محترم قوهٔ قضائیه دارم و در دیدارهای دیگری که محدودتر است با بعضی دیگر از بخشهای قوهٔ قضائیه، همیشه همین است: ما باید نگاه کنیم ببینیم خروجیِ کار ما عدالت است یا نه. اگر عدالت شد، آن وقت پیش خدا و پیش نفس خودمان و پیش خلق هم سرافراز خواهیم بود. یعنی وقتی ما عدالت را اجرا کنیم، درست است که در قضاوت ما یک نفر خرسند خواهد شد، یک نفر ناخرسند ـ قهراً این جوری است دیگر. وقتی انسان قضاوت می‌کند، یک طرف را خرسند می‌کند، یک طرف را ناخرسند می‌کند ـ اما حتّی آن طرف ناخرسند هم در دل خود راضی است. اگر چنانچه عدالت را به خرج ندادیم، آن کسی هم که حکم ما به سود او بوده است، در دل به ما با بی‌اعتقادی، با استهزاء نگاه خواهد کرد؛ در دل به ما خواهد خندید. مسئلهٔ اساسی این است. باید همهٔ تلاش بر این باشد. عدالت هم از جملهٔ آن چیزهایی است که «الحقّ أوسع الأشیاء فی التّواصف و أضیقها فی التّناصف»؛ گفتنش آسان است، التزام به آن آسان نیست؛ خیلی سخت است. انسان با موانع بزرگی برخورد می‌کند. اگر عزم راسخ و توکل به خدا وجود نداشته باشد، انسان وسط راه خواهد ماند؛ این را باید در قوهٔ قضائیه

دائماً تزریق کرد، دائماً باید این روحیه را در سرتاسر قوه‌ی قضائیه پمپاژ کرد؛ که ما وظیفه‌مان تناصف است، ایجاد عدل است.

سخت‌ترین قسمت عدل هم عبارت است از آنجایی که طرف مقابلِ عدل، اقویا هستند؛ زیر بار نمیروند، زور می‌گویند، متوقع اند. اینجا بایستی ایستادگی کرد. هنر قاضی این است، استقلال قاضی این است که در یک چنین مواقعی، فقط و فقط خدا را و مرّ قانون را در نظر بگیرد. در همهٔ قضایا ـ قضایای فردی، قضایای اجتماعی ـ اگر قانون ملاک عمل باشد، عدالت تأمین می شود.

در همین قضایای اخیر هم ما عرض کردیم، بنده مخالفم که مردم کشورمان را، مردم عزیزمان را به دو بخش تقسیم کنیم؛ یک عده‌ای را مقابل یک عدهٔ دیگر قرار بدهیم. قضیه این جوری نیست. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه هایشان، نگاه هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تزاحم و تعارض و دست به یقه شدن نیست. ما نباید مردممان را وادار کنیم که با هم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصحیت می‌کنم: احساسات جوان‌ها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند. ملت یکپارچه‌ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه‌ای دارد؛ نشانه‌ی این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوق‌هاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی‌آمدند پای صندوق‌ها. پس این ملت با نظام خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، یک گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد.

در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی قانونی بر سرِ همه خواهد آمد، بسیار تلخ تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، به مراتب از این تلخیِ تحمل قانون، سخت تر است. این را باید همه توجه کنند.

مردم ما به توفیق الهی، به هدایت الهی، به دستگیری الهی، مردم مؤمنی هستند؛ هم آگاه‌اند، هم مؤمن اند، هم حاضر در صحنه اند، پا به رکاب اند در هر جایی که لازم باشد. ماها باید خودمان را اصلاح کنیم. نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همهٔ نخبگان است، خطاب به یک طرفِ خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، یک ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمی برد. وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه های خناسان بین المللی، این سیاستمداران ظالم، مداخله گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد.

می بینید بعضی از سردمداران دنیا ـ از آمریکایی گرفته تا بعضی از کشورهای اروپایی ـ همهٔ مشکلاتشان تمام شده، مشکل ایران برای اینها باقی مانده است! در یک مسئلهٔ داخلیِ مردمیِ صددرصد مرتبط به ملت ایران، چانه تکان میدهند و اظهار نظرهای سخیف می کنند؛ غافل از اینکه هر جا آنها پا گذاشتند از مواضع سیاسی، از نظر ملت ایران آنجا نجس خواهد شد.

جانبداری های آنها درست به عکس نتیجه می دهد. مردم از خودشان می پرسند چه چیزی موجب شده است که این دشمنانی که سی سال است علیه انقلاب اسلامی دارند تلاش می کنند و از همهٔ ابزارها و امکاناتشان علیه این کشور و علیه این ملت استفاده کردند، حالا شده اند دلسوز؟! مردم توطئه را می فهمند؛ مردم ما خباثت را درک می کنند. مشکل آنها هم همین است. اگر با یک ملت بیهوش بی حواسی مواجه بودند، مشکلی نداشتند؛ اما با یک ملت هوشیار مواجه اند، با یک ملت مجرب مواجه اند.

تجربه های سی سالهٔ ما، ملت را آگاه کرده است. اینها می دانند. اینها همان دولت‌ها و حکومت هائی هستند که هشت سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بمباران شد، خانه ها ویران شد، بمب‌های شیمیائی زدند، انسان های بی گناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم

کردند. مردم ما این را دیده‌اند. اینها که فراموش شدنی نیست. حالا شده اند دلسوز! مردم رفتار اینها را با ملت های مظلومی که پنجهٔ اینها در آنها جاگیر شده است، می بینند؛ مثل ملت افغانستان، مثل ملت عراق، مثل پاکستان، مثل ملت فلسطین. هر جا اینها پنجه شان جاگیر شد، ناخنشان بند شد، هرچه توانستند، ضربه زدند. اینها به مردم رحم نمی کنند؛ مردم‌دوستی، دور از جنابِ آنهاست. حالا نسبت به ملت ایران، نسبت به کسی یا کسانی در داخل کشور، طرفدار شده اند! خب معلوم است که این غرض و مرض آنها از این کارها چیست. این را مردم می فهمند. شما اگر متحد باشید، شما اگر با هم باشید، شما اگر این روحیه ی استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سی سال ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لایضرّکم کیدهم شیئاً»؛ هرگز دشمنی آنها به شما اثری نخواهد کرد، و آنها نخواهند توانست به ملت ایران آسیبی وارد کنند.

از خداوند متعال توفیقات همهٔ شما برادران و خواهران، مسئولان محترم را در وظائف گوناگون اختصاصی و عمومی که هر کدام از ما بر عهده داریم، مسئلت میکنم و امیدوارم ان شاءالله ادعیهٔ زاکیهٔ حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) شامل حال ملت ایران و همهٔ ما باشد و روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبهٔ شهدای گرامی و شهدای هفت تیر ان شاءالله از ما و رفتار ما و گفتار ما راضی باشند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته[1]

شورای نگهبان و نتایج انتخابات

در تاریخ سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ علی اکبر محتشمی پور، عباس آخوندی، کرباسچی و داوود دانش جعفری به عنوان نمایندگان موسوی، کروبی و رضایی در شورای نگهبان حاضر شده و برخی دلایل اعتراض خود را به نحوهٔ برگزاری انتخابات مطرح کردند. در این دیدار اعتراضاتی همچون بیشتر بودن آراء برخی حوزه ها از واجدین شرایط آن حوزه، اقدامات دولت قبل از برگزاری انتخابات مثل اعطای سهام عدالت و افزایش حقوق

---

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۷، بخش بیانات.

بازنشستگان، امانت دار نبودن دولت، استفاده از امکانات دولتی و کمبود تفرقه در برخی حوزه ها به عنوان ایرادات وارده به انتخابات مطرح شد.

اولین جلسهٔ رسمی شورای نگهبان بعد ار انتخابات در تاریخ چهارشنبه ۸۸/۳/۲۷ در دو نوبت صبح و ظهر برگزار شد که کارشناسان شورای نگهبان و اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات گزارش های خود را از روند برگزاری انتخابات مطرح و به پرسش‌های اعضای شورای نگهبان پاسخ داده می شود. در این جلسه شورای نگهبان با توجه به گفتگوی روز قبل نمایندگان نامزدهای انتخابات در شورای نگهبان از خود آنها دعوت می شود تا در جلسه ای در روز شنبه حاضر شده و سؤالات و اعتراضات خود را به طور مستقیم و دقیق تر به اعضای شورا ارائه کنند[۱] که در این روز فقط محسن رضایی در شورای نگهبان حاضر شده و ایرادات خود را مطرح می کند. بعد از آنکه دو نامزد اصلی معترض به انتخابات یعنی موسوی و کروبی به درخواست شورای نگهبان برای حضور و طرح دعاوی و ارائهٔ مستندات خود پاسخ مثبت ندادند، شورای نگهبان در روز شنبه ۱۳۸۸/۳/۳۰ اعلام کرد که آمادگی دارد تا با حضور نمایندگان نامزدها، ۱۰ درصد از صندوق های رأی را بازشماری کند که این طرح هم از سوی نامزدهای معترض با استقبال مواجه نشد. دبیر شورای نگهبان در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ با ارسال نامه ای به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید کرد که این شورا بر حسب ارشادات ایشان، با دقت به شکایات رسیدگی و نتیجه انتخابات را اعلام کند.متن نامه دبیر شورای نگهبان به رهبر معظم انقلاب به شرح زیر بود:

بسمه تعالی

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه ای (دام ظله العالی)

سلام علیکم

شکر خدای بزرگ مهربان را که مردم شریف ایران را در نهضت اسلامی شان، از آغاز تا به امروز به پیروزی های چشمگیری نایل فرمود و در طول سی سال گذشته هر گاه دشمنان بدخواه

۱. خبرگزاری مهر، تاریخ انتشار ۱۳۸۸/۳/۲۸، ساعت ۱۰:۵۹.

اسلام و مسلمین خواستند آتش برافروزند و آسیبی به این انقلاب برسانند آنها را ناکام و رسوا کرد. انتخابات اخیر جلوه دیگری از عنایات الهی بود که با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی مردم عظیم الشان ما با حضور بی سابقه در سر صندوق ها، آرای چهل میلیونی خود را به صندوق ریختند، ندای رهبر عزیزشان را لبیک گفتند و همه را مات ومبهوت کردند.

بحمدالله آگاهی این مردم هوشیار و سخنان حیات بخش و دشمن شکنانه رهبر عزیز در خطبهٔ جمعه با حضور میلیونی نمازگزاران که همهٔ دل ها را شاد کرد و قلب ها را سکینه و آرامش بخشید، فتنه ها را خاموش و توطئه ها را خنثی ساخت و نقش رهبری را در حراست از انقلاب و حمایت از مردم شریف به نمایش گذاشت.

ما به حکم وظیفهٔ شرعی وعقلی مراتب تقدیر و تشکر فراوان خود را از حضرت عالی و از این امت اسلامی علوی ابراز داشته وظیفه خود می دانیم خداوند قادر متعال را بر این نعمت عظما سپاس گوییم وعلو درجات امام عزیز و بقای عمر باعزت و سلامت خلف صالح آن حضرت را مسئلت داریم.

شورای نگهبان بر حسب ارشادات حضرت عالی و وظیفهٔ قانونی خود، آمادگی کامل دارد برحسب وظیفهٔ قانونی خود به دقت در فرصت قانونی به شکایات واصله رسیدگی و اعلام نتیجه نماید.

امیدواریم نتایج نهایی مورد رضایت خداوند متعال، مقام معظم رهبری و مردم عظیم الشأن ایران قرار گیرد. ان شاءالله.[1]

عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در روز دوشنبه اول تیرماه ۱۳۸۸ مجدداً از نامزدهای معترض خواست که مستندات و شکایات خود را به شورای نگهبان ارائه کنند. با توجه به اتمام مهلت بررسی شکایات نامزدهای معترض و عدم حضور آنها در شورای نگهبان، دبیر این شورا در روز سه شنبه دوم تیرماه ۱۳۸۸ در نامه ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی خواهان تمدید مهلت رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات به مدت ۵ روز اضافی شد که معظم له با درخواست ذکرشده موافقت کردند. متن کامل نامهٔ دبیر

---

۱. خبرگزاری مهر، ۱۳۸۸/۳/۳۰، ساعت ۲۱:۳۴.

شورای نگهبان و پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی بدین شرح بود:

محضر مبارک مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه ای(دام ظله)
با سلام و تحیت
چنانچه مستحضرید شورای نگهبان از تاریخ اعلام نتیجهٔ انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم تا به امروز پیوسته به بررسی شکایات وارده پرداخته و با تمام توان و پیگیری کارشناسان ماهر، تحقیقات لازم را انجام داده، نتایج را در جلسات متعدد شورا مطرح کرده و سخنگوی شورا هم بیشترین اطلاع رسانی را داشته است.

حداکثر مهلت قانونی ما جهت رسیدگی به شکایات ده روز است که فردا چهارشنبه ۸۸/۴/۳ پایان می یابد.

اگر حضرت عالی اجازه فرمایید به منظور اتقان بیشتر و رفع هرگونه ابهام محتمل، مهلت مقرر ۵ روز دیگر تمدید شود.

با تشکر و آرزوی مزید شمول الطاف و عنایات الهی بر حضرتعالی و همه خدمتگزاران نظام جمهوری اسلامی.

احمد جنتی
دبیر شورای نگهبان

جوابیهٔ مقام معظم رهبری نیز برهامش نامهٔ دبیر شورای نگهبان به این شرح بود.

بسمه تعالی

با سلام و تحیت، با پیشنهاد حضرات آقایان محترم موافقت می شود، اقدام فرمایید.
والسلام علیکم و رحمة‌الله

سیدعلی خامنه ای[1]

---

۱. سایت خبری جام جم آنلاین، سه شنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۸، ساعت ۲۲:۳۷، شماره خبر ۱۰۰۹۱۰۲۲۲۳۶۳.

بعد از موافقت رهبر معظم انقلاب اسلامی با تمدید ۵ روز مهلت رسیدگی به شکایات نامزدها، سخنگوی شورای نگهبان در بخش خبری ساعت ۲۱ شبکهٔ اول سیمای جمهوری اسلامی در تاریخ جمعه ۱۳۸۸/۴/۵ اعلام کرد که اگر نامزدهای انتخابات، نمایندگانی را به شورای نگهبان معرفی کنند، این شورا حاضر است با حضور آنها هیئتی ویژه را برای رسیدگی به شکایات و بازشماری تصادفی ۱۰ درصد آراء تشکیل دهد. محسن رضایی یکی از نامزدهای انتخابات با استقبال از این طرح از دو نامزد دیگر خواست که فرصت را مغتنم شمرده ونمایندگان خود را به شورای نگهبان معرفی کنند.[۱]

بعد از اینکه موسوی و کروبی نماینده‌ای به شورای نگهبان معرفی نکردند، سخنگوی شورای نگهبان در روز دوشنبه هفتم تیر ۱۳۸۸ اعلام کرد که مهلت پنج روزه برای رسیدگی به شکایات احتمالی پایان یافته و این شورا با حضور برخی نمایندگان قانونی، ائمه جمعه و دوربین‌های صدا و سیما به بازشماری تصادفی ۱۰ درصد از صندوق‌های آراء پرداخته که هیچ تغییری در نتیجه انتخابات مشاهده نشد.[۲]

در نهایت، در روز دوشنبه ۱۳۸۸/۴/۸ بعد از بازشماری تصادفی ۱۰ درصد از صندوق‌های آراء دبیر شورای نگهبان طی نامه‌ای به وزیر کشور صحت هشتمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری و نتایج اعلام‌شده را تأیید کرد. در همین روز میرحسین موسوی و کروبی در دو نامهٔ جداگانه به شورای نگهبان مجدداً خواهان ابطال انتخابات و نتایج آن شدند و بدین ترتیب، به طور غیرمستقیم نظر شورای نگهبان را در مورد انتخابات نپذیرفتند و عدم تمکین خود را دربارهٔ آن اعلام کردند.[۳]

متن نامه آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان به وزیر کشور به شرح زیر بود:

---

۱. سایت بازتاب، تاریخ انتشار خبر ۶ تیر ۱۳۸۸، کد خبر ۸۵۲۸.

۲. روزنامه رسالت، سه شنبه ۹ تیر ۱۳۸۸، صفحهٔ اول.

۳. غلامحسین محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات در گفتگوی ویژه شبکه خبری در یکشنبه شب مورخ ۱۳۸۸/۴/۷ اعلام کرد که بعد از رفتن به منزل موسوی با او صحبت کرده و به او گفته که شما دو روز قبل به شورای نگهبان نامه نوشته‌اید، اگر شورای نگهبان نامه شما را بررسی کرده و انتخابات را بعد از بررسی ابطال نکرد، آیا شما آن را می‌پذیرید که موسوی در جواب ایشان می‌گوید، بررسی شورای نگهبان و عدم ابطال را نمی‌پذیرد.
خبرگزاری فارس، ۸۸/۴/۸، شمارهٔ خبر ۸۸۰۴۰۸۰۶۹۶.

نامهٔ تأیید صحت انتخابات

جناب آقای محصولی

وزیر محترم کشور

سلام علیکم

در مورد نتیجهٔ کلی و نهایی دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری، روز جمعه مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۲، بدین‌وسیله اعلام می‌نماید، پس از آگهی عمومی اعلام شکایات و اعتراضات نسبت به روند رأی گیری و برگزاری انتخابات، طبق ماده ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری علاوه بر مهلت قانونی دریافت شکایات، در دورهٔ تمدید پنج روزه نیز نسبت به دریافت شکایات اقدام و متعاقب بررسی‌ها و رسیدگی‌های دقیق و همه جانبه، از آنجا که بخش عمده‌ای از موارد اعلامی از مصادیق تخلف یا تقلب انتخاباتی خارج و بعضاً تخلفات مختصری که وقوع آن در اغلب انتخابات مشهود و غیر قابل اعتناء است، سرانجام شورای نگهبان با بررسی موضوع در جلسات عدیده و با وارد ندانستن شکایات و اعتراضات، صحت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را طبق مادهٔ۷۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری مورد تأیید قرار داد.

شورای نگهبان فرصت را مغتنم شمرده، ضمن تکریم حضور حماسی و فراگیر مردم در برگزاری شکوهمند دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری که با تجلی و ظهور جمهوریت نظام در کنار اسلامیت آن، برگ زرینی در تاریخ مردم سالاری دینی ایران اسلامی از خود به‌جا گذاشت، بر خود فرض می‌داند از تلاش همه جانبهٔ وزارت محترم کشور، عوامل اجرایی، همچنین هیئتهای نظارت و رسانه های گروهی و به‌ویژه از نامزدهای محترم که با حضور خود گرمی و رونق عرصه رقابت را فراهم آورده اند قدردانی نماید.

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان [1]

---

۱. خبرگزاری کار ایران (ایلنا) ۸۸/۴/۸، ساعت ۲۲، کد خبر ۶۲۶۸۷.

گزارش هیئت ویژه بررسی روند انتخابات به مردم

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای محترم نگهبان با دو هدف ارتقای قانون‌مداری و حفظ حقوق شهروندان به‌ویژه نامزدهای محترم دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و هواداران آنها و افزایش سطح اعتماد عمومی در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳ طی نامه‌ای از مقام معظم رهبری درخواست کرد با تمدید مهلت قانونی رسیدگی به شکایات موافقت فرمایند، این درخواست مورد قبول و موافقت قرار گرفت. متعاقب آن حضرت آیت‌الله جنتی نظر شورای نگهبان را در مورد تشکیل هیئت ویژه با حضور حجج اسلام دری نجف‌آبادی، ابوترابی، رحیمیان و آقایان دکتر افتخاری جهرمی، دکتر ولایتی، دکتر حداد عادل، دکتر محمدرضا تابش و دکتر محمدرضا خباز، به منظور بررسی دقیق روند انتخابات و بازشماری حداقل ده درصد صندوق‌های رأی و گزارش آن به شورای نگهبان، نامزدهای محترم و مردم شریف ایران اعلام نمودند و جناب حجت الاسلام آقای ابوترابی نیز مأموریت یافت نظر شورای نگهبان را به اطلاع اعضای پیشنهادی هیئت ویژه برساند.

اعضای هیئت ویژه با عنایت به اهمیت موضوع و شرایط خاص کشور و ضرورت افزایش سطح اعتماد عمومی از پیشنهاد شورای نگهبان استقبال نمودند و آقایان دکتر تابش (رئیس فراکسیون اقلیت مجلس) و دکتر خباز عضو محترم فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی (و عضو برجسته ستاد جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای کروبی) نیز موافقت نمودند در صورت معرفی از سوی نامزدهای معترض به چگونگی برگزاری انتخابات، در هیئت ویژه حضور داشته باشند. بر این اساس نامه‌ای از سوی شورای محترم نگهبان برای نامزدهای معترض به چگونگی برگزاری انتخابات، جناب آقای مهندس میرحسین موسوی و جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای کروبی ارسال گردید و ضمن معرفی ۶ نفر اعضای هیئت ویژه از آنان دعوت گردید، نمایندگان خود را برای شروع کار هیئت ویژه با حضور آنان معرفی نمایند.

صبح روز جمعه ۸۸/۴/۵ اعضای هیئت ویژه رسیدگی در یک جلسه طولانی حدود

پنج ساعت به اتفاق آرا به این نتیجه رسیدند برای رسیدگی به شکایات و تحقیق در درستی یا نادرستی شبهۀ تقلب در انتخابات باید:

اولاً: شکایات نامزدهای محترم به طور دقیق توسط نمایندگان آنان تبیین گردد.

ثانیاً: راهکارهای راستی‌آزمایی انتخابات با حضور و موافقت آنان تعریف و مشخص شود.

ثالثاً: با حضور ایشان و نمایندگان مورد اعتماد آنان روش‌های راستی‌آزمایی مورد توافق اجرایی گردد و صندوق‌های رأی مورد بازشماری قرار گیرد.

در مرحله‌ای از مذاکرات نکات زیر به عنوان انتظارات یکی از کاندیداهای محترم از شورای نگهبان مطرح گردید:

۱. الف: شورای نگهبان میزان دقیق تعرفه‌ها ی چاپ شده را تعیین نماید و میزان تعرفه مازاد در اختیار هیئت مورد اعتماد قرار گیرد.

ب: کلیۀ ته‌برگ‌ها که حاوی مشخصات رأی‌دهندگان است در اختیار مجموعۀ مورد اعتمادی قرار گیرد تا با اطلاعات موجود در پایگاه اطلاعاتی جمعیتی کشور تطبیق داده شود.

ج: یک سوم صندوق‌های سیار و معادل با کسری از آن مثلا ۲۰ درصد از صندوق‌های ثابت به صورت تصادفی (رندم) بازگشایی و محتوای آن مورد بررسی قرار گیرد.

د: صندوق‌های بعضی از استان‌ها که آرای آنها بیش از واجدین شرایط است مثل یزد و مازندران بازشماری گردد.

۲. کلیات مفاد بندهای الف، ب، ج، د مورد قبول شورای محترم نگهبان قرار گرفت. البته شورای نگهبان تأکید داشتند در مورد بند «ب» با نظر کارشناسان ذیربط به صورت تصادفی (رندم) عمل گردد و در صورت مشاهدۀ خلاف تا حصول اطمینان «صحت یا بطلان» ادامه پیدا کند.

بعضی از اعضای هیئت ویژه تا بعد از ظهر روز دوشنبه هشتم تیرماه ۸۸ با پیگیری جدی و دیدارها و مذاکرات متعدد با چهره‌های شاخص و مؤثر دینی و سیاسی ویژه دو کاندیدای محترم معترض بر چگونگی برگزاری انتخابات از آنان درخواست نمودند با معرفی نمایندگان خود به رسیدگی منطقی و بی‌طرفانه شبهات کمک نمایند و مجمع تشخیص

مصلحت نظام نیز در بیانیه مورخ ۸۸/۴/۶ خود ضمن استقبال از تمدید مهلت و تعیین هیئت ویژه، نامزدهای محترم را به همکاری با هیئت رسیدگی به شکایات و بازشماری آرا دعوت کرد.

متاسفانه هیچ یک از این مذاکرات و تلاش ها نتیجه ای نبخشید و دو نامزد محترم و معترض در نامه هایی به شورای محترم نگهبان پیشنهاداتی را مطرح نمودند که انجام آن توسط شورای نگهبان مقدور نبود و نهایتاً نمایندهٔ خود را معرفی ننمودند. در نتیجه در این مرحله شورای نگهبان تصمیم به بازشماری ۱۰ درصد از صندوق های رأی در سراسر کشور گرفت.

در پایان ضمن تشکر و تقدیر از مردم شریف ایران در خلق حماسهٔ ماندگار ۲۲ خرداد ۸۸ توفیق ملت عزیز را در حفظ وحدت و همبستگی ملی و تلاش برای پیشرفت و اعتلای کشور در پرتو رهبری داهیانهٔ رهبر معظم انقلاب اسلامی از خداوند متعال مسألت داریم.[۱]

نامه‌های موسوی و کروبی به شورای نگهبان مبنی بر ابطال انتخابات

نامهٔ موسوی

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

بازگشت به نامهٔ شمارهٔ ۸۸/۳۱/۳۳۵۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۵ معاون اجرایی و امور انتخابات آن شورا، همان گونه که در دو نامه قبلی اعلام گردید گسترهٔ تخلفات و تقلبات انجام شده در دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری و موارد نقض قوانین از سوی دولت و وزارت کشور که بخشی از آن در نامه مورخ ۸۸/۳/۲۸ رئیس سازمان بازرسی کل کشور مستند و وارد تشخیص داده شده به حدی است که منحصر کردن رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات انتخاباتی به بازشماری ده درصد صندوق های رأی نمی‌تواند به جلب اعتماد و

---

۱. خبرگزاری ایلنا، ۸۸/۴/۱۰، ساعت ۹:۴۸، کد خبر ۶۲۹۷۲، همچنین در خبرگزاری فارس ۸۸/۴/۱۰، ساعت ۹:۵۴، شماره خبر ۸۸۰۴۱۰۰۰۵۲

اطمینان مردم کمک کند و افکار عمومی را در خصوص نتایج اعلام شده اقناع نماید.

بر اساس آنچه که قبلاً به آگاهی آن شورا رسید حجم تخلفات و اقدامات مغایر قانون در چهار بخش:

الف. فعالیت ها، تبلیغات انتخاباتی و اقدامات تا پیش از روز رأی گیری،

ب. عملیات اخذ رأی و شمارش آرا،

ج. جمع بندی و اعلام نتایج آرا،

د. اقدامات پس از رأی گیری و اعلام نتایج آرا،

به گونه ای است که چاره ای جز ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن باقی نگذاشته است. به عنوان نمونه به برخی از اهم عناوین تخلفات و اقدامات مغایر قانون اشاره می شود که از مصادیق «تأثیر در نتیجهٔ کلی انتخابات» موضوع تبصرهٔ ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری است و ابطال این انتخابات را اجتناب ناپذیر می سازد (تفصیل هر یک از این عناوین به پیوست ارسال می شود

نقض صریح، گسترده و جسورانه مادهٔ ۶۸ قانون انتخابات و استفادهٔ وسیع از امکانات دولتی و منابع عمومی و مداخلهٔ آشکار تعدادی از اعضای دولت، مدیران ارشد و استانداران و مدیران اجرایی به نفع نامزد حاکم.

عدم رعایت بی طرفی از جانب صدا و سیما و ایراد اتهامات اثبات نشده که بخشی از آنها از سوی دادستان کل کشور عمل مجرمانه تلقی شده است و نیز تبلیغ گسترده و جانبدارانه رسانه های متعلق به دولت (ایرنا، روزنامه های دولتی و سایت های خبری) به نفع نامزد حاکم.

وقوع گستردهٔ جرایم موضوع مادهٔ ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری در زمینه های زیر که مخالف نص صریح بندهای ماده مذکوراند:

خرید رأی از طریق توزیع سود سهام عدالت و پرداخت های نقدی به خانوادههای تحت پوشش نهادهای حمایتی و روستاییان و عشایر و نظایر آن؛

تهدید و تطمیع در امر انتخابات از طریق افراد وابسته به دولت و پرداخت وجوه نقد به اعضای شوراهای اسلامی و افراد ذی نفوذ و ...

عدم اطمینان از خالی بودن صندوق‌ها قبل از لاک و مهر و نیز گم شدن یا خارج شدن تعرفه‌ها و صندوق‌ها از شعب اخذ رأی با توجه به عدم حضور ناظران و گزارشهای واصله.

عدم اخذ رأی از بخش قابل توجهی از واجدین شرایط با محدود کردن زمان اخذ رأی و تخلفات متعدد در روز رأی گیری از قبیل مدیریت تعرفه‌ها و ایجاد کمبود تعرفه در شعب اخذ رأی.

تقلب در رأی گیری که علی رغم چاپ بیش از ۱۲ میلیون تعرفهٔ اضافی و نیز چاپ حدود ۲/۵ میلیون (و به قولی بیشتر) تعرفهٔ جدید بدون شماره سریال با مجوز یکی از اعضای شورای نگهبان در روز قبل از رأی گیری، کمبود تعرفه در حوزه‌های اخذ رأی را شاهد بودیم و بدون تردید با کنترل ته برگ‌های تعرفه‌ها با بانک اطلاعات ثبت احوال حجم عظیم آن قابل اثبات است و نیز تخلفات شمارش و تجمیع آرا.

توصیه به رأی دادن به نامزد مشخص توسط اعضای شعبه و ناظران و اساساً شکل گیری بخش قابل توجهی از شعب اخذ رأی و ناظران شورای نگهبان از میان هواداران نامزد حاکم.

ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان و هواداران آنها در یک هفتهٔ منتهی به روز اخذ رأی و حمله به ستادها و هواداران در تجمعات قانونی تبلیغاتی در مناطق مختلف کشور؛

ایجاد محدودیت های متعدد برای نمایندگان ناظر ستادهای نامزدها برای حضور در جلسات هیئت های اجرایی، مراکز شمارش و تجمیع آرا و بخش قابل توجهی از شعب اخذ رأی.

قطع سرویس پیام کوتاه در روز رأی گیری به عنوان ابزار پیش بینی شده برای نظارت بر شعب اخذ رأی و انعکاس تخلفات از سوی ناظرین ستادهای این جانب جهت پیگیری قانونی و قطع تلفن های همراه و ثابت کمیتهٔ صیانت از آرا در زمان تجمیع و اعلام نتایج.

طراحی ساز و کاری غیر قابل نظارت و مغایر قانون برای تجمیع آرای شمارش شده و اعلام نتایج آرا به صورت مهندسی شده (آن هم در حالی که قبل از شروع اعلام نتایج از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور، نتایج انتخابات در سایت های وابسته به دولت، سپاه و روزنامه کیهان درج شده بود.

مداخلهٔ گسترده و غیرقانونی بخش‌هایی از نیروهای مسلح قبل و حین انتخابات که

خلاف نص صریح نظر حضرت امام (ره) می باشد.

وجود بیش از ۱۷۰ حوزهٔ اخذ رأی با میزان آرای مأخوذه بین ۹۵ تا ۱۴۰ درصد.

حمله به ستادهای انتخاباتی در شهرستان‌ها و تهران و پلمپ ستاد مرکزی این جانب و دستگیری رئیس و اعضای فعال آن که موجب اخلال در گردآوری کامل اسناد و مدارک تخلفات انتخاباتی گردید.

که همه موارد فوق دال بر وجود تخلفات برنامه ریزی شده و سازمان یافتهٔ جدی در امر برگزاری انتخابات است. از آنجا که بنابر اعلام شورای نگهبان بخشی از تخلفات صورت گرفته در انتخابات دهم ریاست جمهوری بیرون از دایرهٔ صلاحیت بررسی آن شورا است و نیز بخش‌هایی از اعتراضات قانونی علاوه بر شخص وزیر کشور و عوامل و مجریان آن وزارتخانه متوجه نحوهٔ عملکرد تعدادی از اعضای خود شورای نگهبان و تخطی آنها از ضوابط قانونی و نقض بیطرفی است، رسیدن به یک داوری منصفانه در این مورد اساساً نمی‌تواند در حیطهٔ شورای نگهبان و به طریق اولی در حیطه هیئتی باشد که منتخب این شوراست، گذشته از اینکه برخی از افراد این هیئت در این انتخابات موضع بیطرف نداشته اند و نسبت به نتایج آن پیش از بررسی، اعلام موضع کرده‌اند که این مسئله به رفع ابهامات و اقناع افکار عمومی کمک نمی کند.

لذا این جانب ضمن تأکید مجدد بر ابطال انتخابات به عنوان مناسب ترین راه برون رفت از معضل ایجاد شده و بازسازی اعتماد عمومی و صرفاً برای اینکه راهی نیز جهت رسیدگی از طریق یک هیأت حکمیت ملی گشوده بماند و اعتراض قانونی مردم در مرجعی مورد رسیدگی قرار گیرد که بتواند مورد اجماع ملی و وفاق عمومی بوده و رأی آن مورد قبول عموم رأی دهندگان و مایهٔ اطمینان خاطر مردم باشد، پیشنهاد می‌کنم که موضوع به حکمیتی شرعی و قانونی و مستقل که مورد اتفاق نامزدها و حمایت آن دسته از حضرات آیات و مراجع عظام تقلید که حل و فصل موضوع را پیگیری نموده اند، باشد ارجاع داده شود.

میرحسین موسوی[1]

---

۶۱. سایت امروز، ۸۸/۴/۸، ساعت ۱:۳۸، کدخبر ۲۳۲۳۴.

نامهٔ کروبی

باسمه تعالی

شورای محترم نگهبان
با سلام
در ارتباط با این انتخابات برای آخرین بار سخنی مشفقانه و دوستانه با شما می گویم و امیدوارم خارج از حب و بغض ها و در جهت منافع ملی و حاکمیت نظام توجه لازم را به آن مبذول فرمایید.

همان طور که در نامهٔ قبلی خود به شما متذکر شدم، تنها راه اعادهٔ اعتماد از دست رفتهٔ مردم نسبت به حق آنان در تعین سرنوشت شان ابطال انتخاباتی است که به اذعان آمارهای ارائه شده تنها در بیش از ۱۷۰ شهرستان مشارکتی بین ۹۵ تا ۱۴۵ درصد داشته و میزان تخلفات آن از مرز ... گذشته است. این امر می تواند به احیای اعتماد از دست رفتهٔ مردم نسبت به حق آنان در تعین سرنوشت شان منتهی شود. متاسفم که بگویم عملکرد شورای نگهبان در دو دههٔ گذشته جایگاه این نهاد حقوقی را به شدت نزد افکار عمومی تنزل داده است. پیش از ورود به بحث این انتخابات، لازم می دانم عملکرد شورای نگهبان در دو دههٔ گذشته را به امید تغییر نگرش این شورا مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی، به اجمال مورد نقد و بررسی قرار دهم.

همان طور که می دانید بعد از رحلت بنیانگذار انقلاب، در انتخابات چهارمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی برای اولین بار شورای نگهبان در پرتو تفسیر نظارت استصوابی به حذف بیش از ۴۰ تن از نمایندگان مجلس با سوابق سه دوره، دو دوره و یک دوره نمایندگی اقدام کرد. نگرش حذفی چهره هایی از جمله نائب رئیس مجلس شورای اسلامی را در بر گرفت و متأسفانه تعامل و تلاش این جانب در آن مقطع ره به جایی نبرد. در آخرین روز مجلس، سوم ششم خرداد ماه سال ۱۳۷۱ سخنانی ایراد نمودم و این نگرش مخرب را مورد نقد قرار دادم. در آن روز با تأسی از تاریخ کهن این سرزمین به نقل حکایتی مربوط به نگارش مظفر با (ز) رئی توسط حاکم قلدری که هر آنچه اراده می‌کرد باید بلافاصله

اجرا می شد، پرداختم. در آن روز گفتم این حاکم قلدرنامه ای نگاشت و مظفر را با (ز) رئی نوشت. به ایشان گفتند، قبلهٔ عالم مظفر را با(ظ) دسته دار می نویسند و این از ادبیات ماست. حاکم گفت، بگویید از این پس مظفر را با (ز) رئی بنویسند. بعد از نقل این حکایت، گفتم حال که نصایح و استدلال های ما را نمی پذیرید و وقعی به آن نمی گذارید، ما میرویم و در آیندهٔ نزدیک نتیجه مظفر با (ز) رئی را می بینیم.

چهارسال بعد در انتخابات مجلس پنجم با شکل گیری جریان کارگزاران سازندگی، شرایط به گونه ای رقم خورد که شکست جریان راست در مرحلهٔ اول به طور جدی مطرح شد، لذا تهاجم همه جانبه و هجمهٔ سنگین به این گروه از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی وارد شد. به نحوی که در آستانهٔ مرحلهٔ دوم افراد شناخته شده ای که مشتاقانه به آن لیست پیوسته بودند خواستار خروج از لیست مذکور شدند. علی رغم آنهمه تخریب و هجمه و ابطال انتخابات در شهرهایی نظیر اصفهان، شاهد شکل گیری اقلیت قدرتمندی در مجلس بودیم و یک سال بعد در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ همگان نتیجه نگارش مظفر با (ز) رئی را دیدند.

ضمن احترام به شخصیت جناب آقای سید محمد خاتمی و جایگاه علمی، فرهنگی و سیاسی ایشان باید اذعان کرد که استقبال کم نظیر مردم به وی نه به لحاظ خصوصیات فردی ایشان بود و نه به خاطر کار گروهی ما، بلکه نه بزرگ به کسانی بود که حاضر نبودند ارادهٔ ملت را در تعیین سرنوشتشان به رسمیت بشناسند و خواهان تحمیل رأی خود بر ملت بزرگ ایران بودند. حرکت مردم در دوم خرداد بیش از جنبهٔ ایجابی، جنبهٔ سلبی داشت و آقای خاتمی را با رأی بی سابقه از کتابخانهٔ ملی بر کرسی ریاست جمهوری نشاند.

به نظر می رسید دوستان با درس گرفتن از حماسهٔ دوم خرداد به اصلاح نگرش خود بپردازند و در جهت نهادینه شدن دموکراسی در کشور قدم بردارند. اما به دنبال پیروزی اصلاح طلبان در مجلس ششم و اظهار نظر نمایندگان ملت که اکثر آنها در راستای ایفای وظایف نمایندگی شان ایراد شده بود و تنها در موارد معدودی برخی از نمایندگان به طرح مباحثی پرداختند که نباید وارد آن می شدند، شاهد رد صلاحیت تعداد زیادی از نمایندگان

ملت و حذف فله ای بسیاری از ثبت نام کنندگان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دورهٔ هفتم مجلس شدیم. این امر موجب قهر زیادی از مردم از روند انتخابات و تحریم انتخابات از سوی اکثریت اصلاح طلبان شد. این جانب به همراه اندکی از دوستان با درک شرایط و تنها برای حفظ نظام و انقلاب در صحنه ماندیم و قبل از رأی گیری با صراحت گفتم که ما می مانیم و در انتخابات قربانی می شویم.

در انتخابات دورهٔ نهم ریاست جمهوری در حالی که رئیس جمهور وقت، وزرا و مقامات دولتی از یک سو به دنبال کاندیدای مورد نظر خود بودند و شورای نگهبان و بخشی از نیروهای نظامی و شبه نظامی از سوی دیگر برای کاندیدای دیگر بی تابی می کردند به عرصهٔ انتخابات وارد شدم. با وجود آنکه نظرسازی ها شرایط دیگری را پیش بینی می کردند در ۱۲ استان کشور پیشتاز شدم، ولی به دنبال خواب معروف یکساعتهٔ این جانب بعد از نماز صبح سرنوشت انتخابات با معجزهٔ سخنگوی وقت شورای نگهبان آقای الهام به ناگاه تغییر کرد و در حالی که سایت رسمی وزارت کشور از پیش تازی من خبر می داد با اختلاف چندصد هزار رأی، کاندیدای مورد نظر آن شورا به جای این جانب به مرحلهٔ دوم راه یافت و جالب آنکه آن انتخابات بلافاصله از سوی آن شورا تأیید گردید.

در دورهٔ هشتم مجلس شورای اسلامی غم‌انگیزترین انتخابات مجلس رقم خورد. در این انتخابات رد صلاحیت با عدم احراز صلاحیت و با حذف گسترده و محرومیت تعداد بی شماری از ثبت نام کنندگان همراه شد. نکتهٔ حائز اهمیت اینکه تعداد قابل توجهی از افرادی که در انتخابات دورهٔ هفتم تأیید صلاحیت شده بودند در انتخابات دورهٔ هشتم رد صلاحیت شدند، به‌طوری که می‌توان ادعا کرد که در آن انتخابات محرومیت بی سابقه‌ای در حق انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان در طول عمر قانون گذاری در ایران صورت پذیرفت.

نگرش حذفی آن شورا و برنامه‌های نسنجیدهٔ رئیس جمهور در خلال ۴ سال در کنار عوامل دیگر از جمله برنامه‌های ایجابی کاندیداها، موجب حضور حماسه‌ای ایرانیان در انتخابات دهم ریاست جمهوری شد، به‌طوری که بعد از رفراندوم جمهوری اسلامی بالاترین میزان مشارکت را در این انتخابات شاهد بودیم. آیا به راستی این حماسهٔ حضور برای اعلام حمایت

از آقای احمدی‌نژاد و حامیان وی بوده است؟ آیا به صحنه آمدن ۲۵ درصد از آرای خاموش از ذوق حضور ایشان و در جهت تأیید برنامه‌های ایشان بوده یا برای تغییر؟ ما پیش از این انتخابات بر این باور بودیم که حضور پر شور مردم می‌تواند تخلفات احتمالی گروه‌های خودسر را تحت‌الشعاع قرار دهد، غافل از این واقعیت که این انتخابات به نوعی مهندسی شده که حضور مردم تنها به منزلهٔ شرکت در نمایشی از پیش طراحی شده است. کسانی که با صراحت اندیشهٔ امام مبنی بر میزان رأی ملت است را در سال‌های گذشته به چالش کشیده‌اند و رأی مردم را تنها زینت‌بخش حکومت تفسیر کردند، انتخاباتی رقم زدند که بر اساس آن برای هر کاندیدا سهمیه‌ای از این رأی تعیین شده بود. از این رو، منظور کردن ۲۴ میلیون از آرای ملت قبل از شمارش توسط سایت‌های نزدیک به دولت و روزنامه‌های دولتی پیش‌بینی و صبح شنبه در روزنامهٔ دولتی تیتر زده شد. نتایج مضحک اعلام شده آنچنان شوکی به جامعه وارد ساخت که اعتماد آنان نسبت به نظام به‌طور جدی زیر سؤال رفت. حضور مسالمت‌آمیز میلیونی مردم که به‌طورخودجوش اتفاق افتاد نتیجهٔ بی‌تدبیری و رو شدن دست متقلبان و متخلفان برای ملت بود. این حرکت ملی که اقشار مختلف جامعه را در بر گرفت فراتر از توان هر گروه حزب و یا دسته‌ای بود. این جانب فرصت را غنیمت شمرده و تشکر خود را از ملت بزرگ ایران برای حضور بی‌نظیر شان در این انتخابات و تداوم حضور بعد از ان ابراز می‌کنم. همچنین تشکر خالصانهٔ خود را از تمامی حامیانم از جمله دراویش، اهل حق، برادران و خواهران اهل سنت، روحانیون، زاگرس‌نشینان و به‌ویژه دانشجویان و روشنفکران و خانواده معزز شهدا اعلام و تأکید می کنم، سهمیهٔ اندک ارائه شده به من و شما و برنامه‌های اعلام‌شده مانع از پیگیری مطالبات مطرح شده نخواهد بود.

انتظار این جانب از شورای محترم نگهبان این است که برای حفظ جایگاه رفیع قانونی خود در قانون اساسی، انتخاباتی را که تخلفات و تقلب در آن بر همگان مشهود است باطل اعلام نماید. اگر این شورا با اتکا به نظر رهبری، مبنی بر عدم بطلان که آن را بدعت و به مصلحت نظام نمی‌داند و قصد به تأیید انتخابات دارد، حداقل به لحاظ حقوقی و حسب وظیفهٔ شرعی و قانونی این انتظار می‌رود که مانند انتخابات مجلس سوم عمل نمایید. حتماً

بخاطر دارید که به دنبال اختلاف پیرامون انتخابات مجلس سوم میان شورای نگهبان و وزارت کشور، حضرت امام نماینده‌ای جهت بررسی موضوع تعین کردند. هنگامی که نظر ایشان بر صحت انتخابات قرار گرفت، شورای نگهبان در نامهٔ خود با استناد به نظر امام و واگذار کردن بار مسئولیت بر دوش امام انتخابات را تأیید کرد. این بار شما نیز با استناد به نظر رهبری و واگذاری بار مسئولیت آن به رهبری به حسب مصلحت انتخابات را تأیید کنید و نگذارید جایگاه شورای نگهبان نزد افکار عمومی بیش از این تنزل پیدا کند.

اما چرا تاکنون به شورای نگهبان نیامده‌ام. جایگاه شورای نگهبان مطابق اصول مندرج در قانون اساسی مشخص است متأسفانه تعدادی از اعضای آن شورا از طرفداران و یا اعضای متعصب این دولت هستند. یکی از فقهای آن شورا پیش از انتخابات می فرمایند نظر رهبری آقای احمدی‌نژاد است و عبور از ایشان صلاح نیست و یا فقیه دیگری در سفرها و تریبون نماز جمعه حمایت بی دریغ خود را از ایشان اعلام می کند و حتی نامه‌نگاری های آقای احمدی‌نژاد با برخی از سران دنیا که بدون پاسخ مانده را با نامهٔ امام مقایسه کرده و در مدح آن خواستار درج آن در کتب درسی می شود و یا حقوقدانی از آن شورا که اتفاقاً در انتخابات قبلی ریاست جمهوری نقش کلیدی داشته در سمت های متعددی در این دولت از جمله وزیر دادگستری و سخنگوی دولت دارد و همچنین حقوقدان دیگری عضو رسمی دولت است. آیا با این ترکیب می توان به بی طرفی این شورا در جهت انجام وظائف قانونی اش امیدوار بود؟

این جانب با توجه به شرایط موجود کشور و حساسیت مردم از شما می‌خواهم به نگارش مجدد مظفر با (ز) رئی اقدام نکنید زیرا در دوم خرداد ۱۳۷۶ و بیست و دوم خرداد ۱۳۸۸ حضور بی نظیر مردم حاوی پیام مهمی بود که عدم توجه به متن پیام بیست و دوم خرداد و تلاش در جهت تغییر آن ممکن است عواقب جبران ناپذیر و نگران کننده‌ای برای نظام به دنبال داشته باشد. نمی‌توان حضور میلیون ها معترض که به صورت مدنی و مسالمت آمیز اعتراض خود را بیان داشتند نادیده گرفت و یا با به کارگیری تعابیر ناپسندی از قبیل خس و خاشاک ،اراذل و اوباش، شورشیان، اغتشاش گران و آشوبگران ملتی را در مقابل نظام قرار داد. حتماً واقفید به کارگیری این عبارات بهانه ای به دست گروه های خودسر و لباس

شخصی های بی مسئولیت داده تا با توسل به زشت ترین الفاظ و وحشیانه ترین رفتار که قلم از بیان آن عاجز است به مقابلهٔ با مردم در جهت سرکوبی آنان بپردازند. بدیهی است در برابر هر حرکت مبارک و میمونی افرادی ماجراجو از خود تحرکاتی نشان می دهند که البته این تحرکات از سوی خود مردم کنترل می شود و شاهد آن بودیم که مردم اجازهٔ سوءاستفاده به آنها نمی دادند بنابراین باید تخریب ها و تعرض به اموال عمومی در فضایی سالم باید مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود که چه کسانی این نحو کارها را انجام دادند.

فراموش نکنیم که امام در نامهٔ عارفانه خود می فرماید: «جان من فدای تک تک ملت ایران.» بارها و بارها از کرامت و شأن انسانی سخن گفتیم و با استناد به آیهٔ کریمهٔ «و لقد کرمنا بنی آدم» از شأن انسانی صرف نظر از باورهای آنان در پرتو تعالیم اسلامی قلم‌فرسایی کردیم، اما در قبال یک طرح مسئله و اعتراض مدنی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده به جای حل مسئله به پاک کردن آن روی آورده شده است. این نامه اتمام حجت من با شماست و تنها برای حفظ جمهوری اسلامی که در آن جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت مورد توجه قرار گیرد تهیه و تقدیم شده است والسلام.

مهدی کروبی[1]

آخرین نامه ها و بیانیه ها بعد از تأیید صحت انتخابات

علاوه بر کروبی و میرحسین، طاهری اصفهانی، جبههٔ مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تنها افراد و گروه هایی بودند که بر نپذیرفتن نتیجهٔ انتخابات باقی ماندند. حزب کارگزاران سازندگی در حالی که قبل از انتخابات از موسوی به شدت حمایت کند، بعد از اعلام نتایج و شروع اختلاف ها و اغتشاشات عملاً خود را کنار کشید. مجمع روحانیون مبارز بعد از انتخابات هم به شدت از موسوی حمایت کرد و بعد از تأیید انتخابات با بیانیه ای ضمن تأسف از به نتیجه نرسیدن تلاش ها و انتقاد شدید از روند برگزاری انتخابات دربارهٔ پذیرش یا عدم پذیرش نتیجه انتخابات سکوت کرد. موسوی،

۱. روزنامهٔ *اعتماد ملی*، دوشنبه ۸ تیر ۱۳۸۸، سال چهارم، شمارهٔ ۹۵۶، صفحهٔ اول.

کروبی، جبهۀ مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم با انتشار نامه و بیانیه، نتیجۀ انتخابات را بعد از تأیید آن نپذیرفتند و اعلام کردند که به مبارزه قانونی و مدنی علیه دولت ادامه می دهند.

نامۀ کروبی به ملت ایران

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

ملت بزرگ و فهیم ایران!

لازم می دانم ابتدا از مردم ایران عذرخواهی کنم؛ هم به خاطر چندین ماه اصرار و ابرام برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری و هم به خاطر همۀ آن عزیزانی که در این مدت زحمات زیادی را برای آنها موجب شدم و با لطف و عنایت خود مسیر انتخابات را هموار و زمینۀ حضور عظیم و بی سابقه ای را فراهم کردند.

پیش از همه اذعان می‌کنم که بسیاری از شما پیش تر و دقیق تر می دانستید که چه خواهد شد و متوجه شده بودید، همان گاه که می پرسیدید «چه تضمینی برای آرای ما وجود دارد»، یا زمانی که می گفتید «نتیجۀ انتخابات معلوم است و شما آب درهاون می کوبید. با این همه می‌خواهم بگویم از کردۀ خود پشیمان نیستم و شما هم از این تلاش عظیم و حضور یکپارچه ضرر نکرده اید. حرکت ما در جهت تحکیم مبانی جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت بود و ماهها با کمک دوستانمان تلاش بی وقفه ای داشتیم که «مطالبه محوری» را در صحنۀ انتخابات به یک اصل تبدیل کنیم و با توجه به اوضاع و شرایط کشور آنچه به عنوان برنامه و راه برون رفت از شرایط فعلی می توان انجام داد را برای حل مشکلات مردم و تحکیم پایه های استقلال و آزادی در کشور عنوان کنیم. ما برای تغییر آمده بودیم، گرچه نیروهای غیبی و ظاهری مانع از تغییر در قوه مجریه شدند. با این همه، فراتر از این تغییری در شرایط کشور و روحیات جامعه و آگاهی مردم بیش از آنچه تصور می شد، صورت گرفت و اذعان می‌کنم که این تغییر به مراتب فراتر از تصمیم من بود.

آمدنم در صحنهٔ انتخابات به یاد و عشق امام راحل بود، به یاد روزهای فداکاری و از خود گذشتگی، قدم نهادن در مسیر مسئولیت پذیری و نه جاه پرستی، خودخواهی و تحقیر دیگران.

آمدن برای گفت وگوهای بالنده تر اجتماعی و نه طرد هر کسی که غیر از سخن من کلمه‌ای به زبان می راند؛

آمدن برای گفت وگو و شکستن فضای یکسویهٔ حاکم بر اوضاع کشور عمومی؛

آمدن برای دیدن بهتر و کامل تر جریان ادارهٔ کشور؛

آمدن برای روشن کردن چرخه ناکارآمد مدیریت اجتماعی کشور؛

آمدن برای تغییر در سیاست های تحکم آمیز و تحجرمآبانه داخلی؛

آمدن برای گفتن از موضع استقلال، شجاعت و حریت؛

آمدن برای غبارروبی از چهرهٔ جوان و نوجوان، دانشگاه و اصحاب فکر و اندیشه؛

آمدن برای تعامل با همسایگان و دولت‌های خارجی؛

آمدن برای بازداری از شکل گیری فرهنگ و ادبیات مستبدانه در عرصه جامعه؛

آمدن برای شفاف سازی امور اجرایی و ارتباط بخش‌های گوناگون اقتصادی و برنامه محوری؛

آمدن برای همهٔ اینها و همهٔ آنچه گفته شد و غیر از این ها همه برای تغییر بود و تغییر برای ایران.

حاصل این همه آمدن ها که زمان وسیعی را به همراه اراده و ارادت به ملت بود، آن شد که توانستیم فضای یخ زده کشور را شکستیم، مطالباتی که حق مردم بود بازگو و بازتعریف کردیم، افق نقد را به طلوع سپیدی نزدیک‌تر سازیم، جرئت گفتن و شنیدن را برای مسئولان و نامزدها به اوج رساندیم، شجاعت دیدن واقعیت ها را در همهٔ زمینه ها ارتقا بخشیدیم، گفت و گو با همسایگان، آمریکا، اعراب و مسلمانان را به جایگاه مطمئنی نزدیک ساختیم و با ارائه برنامه‌ها، بیانیه ها، اعلام مواضع و دیدگاه ها، ناگفته های بزرگی را با عظمت گفتیم و جامعه را از ترس های غیر منطقی دور کردیم و همگان را این سو و آن سوی مرزها

ایران به گفت و گو ترغیب کردیم و شما در همهٔ این لحظات و برداشتن این گام‌ها همراه و یاور من بودید و چگونه می توان فراموش کرد شکوه شب های پیش از ۲۲ خرداد را که همهٔ ایران یکپارچه شور سیاسی و شوق انتخابات شده بود و دنیا با همه بزرگی خیره بر این عظمت و آزادگی حاصل از انقلاب اسلامی. چه تصاویر به یاد ماندنی از آن همهٔ شب ها و شورها و جوان ها که ایران را یکپارچه غرق در مردم سالاری و حضور سیاسی ساخته‌بود. چقدر دنیا از آن شب ها و انقلاب و عظمت ایران یاد کرد و چه باورنکردنی که یک هفته بعد تصاویر آن شکوه به فریاد اعتراض و الله اکبر شبانه تبدیل شد و خون به سنگفرش خیابان پاشید و با ضرب باتوم ها و گاز اشک آور به جان زن و مرد و پیر و جوان .... و چه سقوط آزادی از اوج قلهٔ عظمت در تصویر جهانی به حاکمیت شلاق و زندان گلوله ...

با چکمه و باتوم به جان و مال مردم هجوم بردند، صدها نفر سازماندهی شده به خوابگاه دانشجویان حمله کردند و قلب دختر جوان را با گلوله شکافتند و از پشت بام مسجد با یونیفرم مردم را به گلوله بستند و صدها نفر را در خانه و خیابان دستگیر کردند و تا سر حد مرگ کتک زدند و چه زشتی هایی که در کلام در حق آنها روا داشتند. ده‌ها نفر از رجال مذهبی و سیاسی را شبانه دستبند زدند و وا اسفا که چه زود انتقام دو ماه آزادی نسبی را گرفتند و همه را روانهٔ زندان ها و سلول انفرادی کردند تا در چنین شرایطی سخت لب به سخن بگشایند و به انقلاب مخملی اعتراف کنند! این چه انقلاب مخملی است که رهبران آن دو تن از زنده‌ترین و باسابقه‌ترین یاران امام‌اند و مورد تأیید شورای نگهبان و رهبری برای حضور در انتخابات و حداقل ۱۵ میلیون نفر(بر اساس شمارش خود طرف) به آنها رای داده اند؟ رؤیای انقلاب مخملی در ذهن اینها بوده یا آنها که کابوس آن را می دیدند و نیرو به همسایه شمالی گسیل داشتند که آموزش ببینند تا چگونه مردم را با حالت ارعاب و قیافهٔ مهیب و هجوم موتور و زدن باتوم و پرتاب گاز فلفل و زدن کابل بر سر پیر و جوان و زن و مرد و اتومبیل و مغازه بترسانند تا مبادا کسی جرئت حضور آرام و در صحنهٔ اعتراض ماندن را به خود بدهد و بعدها هم با همان روش های تبلیغاتی و در بوق کردن حرف‌های غیر واقعی، همه را محکوم به اغتشاش، انقلاب مخملی، تخریب و ده‌ها اتهام دیگر نموده و تا جایی پیش رفتند که مردم را به قتل

یکدیگر و رفتن در لباس بسیج برای زدن خودشان هم متهم کردند!

به راستی که این انتخابات در عین اینکه پرشورترین، سیاسی ترین و باشکوه ترین انتخابات در این سی سال بود، پر مسئله ترین نیز بود که با اعتراض های گسترده مردم، شخصیت‌های سیاسی و گروه ها مواجه شد و متأسفانه نهادهای مسئول به جای پاسخگویی و رفع شبهات دربارهٔ تردیدهای جدی و تخلفات اساسی خواستند با طرح ادعاهای مضحک همه چیز را تحت تأثیر قرار دهند. شما مردم حق دارید که لااقل این سؤال را از نظام بپرسید که چگونه دو تن از یاران انقلاب که مورد تأیید و با صلاحیت و نیز همهٔ گروه های اطرافشان یک شبه به عاملان انقلاب مخملی و هواداران گروه های اغتشاشگر و مردم معترض ناآگاه تبدیل شدند ؟چگونه می توان اینهمه را به مصاف سیاسی و انتخابات خواند و ناگهان در پایان یا میانه راه چنگ و دندان نشان داد و از همهٔ امکانات و ابزارها و صدا و سیما و تریبون‌های مذهبی و نیروهای انتظامی و امنیتی و باتوم و گاز اشک‌آور و زندان و شکنجه و تیر و تفنگ استفاده و بعد هم ادعا کرد که همهٔ این ها تقصیر «خود شما» است! صدا و سیما را با بودجهٔ ملی به خدمت گرفت، برنامهٔ پشیمان سازی به راه انداخت و در همین حال خود را به حمایت ۴۰ میلیون رأی دهنده در انتخابات مفتخر دانست؟! این همان شعار پر مغز راهپیمایی مردم از انقلاب تا آزادی است که می گفتند: «رأی ما را دزدیدند، دارند باهاش پز می دهند.» لازم می دانم در این مقطع که به ظاهر سیر اداری انتخابات را پایان یافته تلقی کردند، مواردی را به عرض شما ملت شریف برسانم:

۱. کتاب قطور خاطرات انتخابات دهمین دورهٔ ریاست جمهوری نه تنها ذهن جامعه را پر کرده و توجه جامعهٔ جهانی را متوجه ایران و مسئولین اجرا و نظارت و همه تصمیم سازان نموده که برای همیشه در یادها و خاطره جامعه و تاریخ باقی خواهد ماند. در یک طرف مردمی که نظام و کشورشان را می‌خواستند و مجد و عظمت آن را آرزو داشتند و به کیان آن فکر می‌کردند و در ظلمات یأس و ناباوری روح امید را در خود احیا نموده و برای تغییر و ساختن ایرانی از نو آمدند ولی با عبور از میدان های مین و موانع، ناباورانه با کمین به اصطلاح اجرا و نظارت دولت مواجه شدند که برای آنان و به نام آنان و بی شباهت

به انتخاب و رأی آنان، انتخاباتی را مهندسی نموده بود. در حقیقت هم ما و هم مردم بر اساس وعده و وعیده ها و نمایش فضای دموکراسی بر این باور بودیم که هنوز کفگیر منافع مادی به ته دیگ امانت داری و دیانت و اخلاق اجتماعی نخورده و ته‌مانده‌ای از پاکی و صداقت می تواند از رأی مردم صیانت وآن را همان گونه که بود اعلام کند. در اینجا باید اذعان کنم که مردم و برخی کارشناسان و صاحب نظران بهتر از ما شرایط انتخابات را می شناختند و به‌کرات بی حاصلی برگزاری انتخابات و حساب کردن روی آرأی مردم را یادآوری می‌کردند که مجدانه بابت این حسن ظن به مسئولین از مردم عذرخواهی می‌کنم.

۲. برای همهٔ شهدای این ماجراهای انتخاباتی از خداوند رحمان آمرزش طلب می‌کنم و آرزو می‌کنم در سلسلهٔ شهدا محسوب شوند. به تک تک خانواده‌هایشان تسلیت می‌گویم و ضمن ابراز تأسف از اینکه حتی امکانات تجلیل و بزرگداشت مناسبی هم برای تشییع و دفن و فاتحهٔ فرزندانشان فراهم نشده، با آنها همدردی می‌کنم. برای همهٔ عزیزان، مجروحان و آسیب دیدگان بهبود و شفای عاجل طلب می‌کنم و مقصر همهٔ این شهادت‌ها، جرح و تخریب ها و اغتشاش ها را کسانی می دانم که حقوق مردم را زیر پا گذاشتند، حتی به آنها اجازهٔ راهپیمایی آرام ندادند و نه تنها امنیت آنها را تأمین نکردند که آنان را مورد هجوم و ضرب و شتم و توهین و تحقیر قرار دادند.

۳. فضای امنیتی که پس از انتخابات در کشور ایجاد شده مولود افکار معیوب و توهم توطئه های خودساخته ای است که متأسفانه تلاش می شود با تبلیغات و استفادهٔ یک طرفه از صدا و سیما آن را یک طرفه به اثبات رسانند. هیچ یک از گروه های سیاسی شناخته شده و شخصیت های سیاسی شناخته شده و شخصیت های عزیز سیاسی و میلیون ها نفر مردمی که در راهپیمایی های آرام و مدنی حضور داشتند هیچ مطالبه ای نداشتند جز اینکه رأیشان چه شد. آنها جز در فکر حق آزادی و انتخابشان نبودند و توهم توطئهٔ انقلاب مخملی ابزار سرکوب و برخورد با مخالفان سیاسی جریان حاکم است. اصولا انقلاب‌های مخملی در کشورهای اقمار شوروی سابق رخ داده، شرایط خاص خود را دارد و در هیچ جای دیگری نیز نمونه ندارد. مگر ما جز اقمار شوروی سابق بوده یا شده‌ایم؟ انقلاب مخملی

با حضور افراد وابسته به انقلابی چون آقای موسوی و این جانب و ده‌ها میلیون‌ها نفری که به آنها رأی نداده‌اند، معنی ندارد. دستگیری و زندانی کردن هزاران تن از اقشار مختلف و از آن جمله چهره‌های سیاسی، اجتماعی، دانشگاهی و مطبوعاتی و نگران داشتن خانواده‌هایشان بدون هیچ اتهامی و بعضاً به صورت آدم‌ربایی، خلاف قانون و مصالح نظام و کشور است، اینان باید هر چه سریع‌تر آزاد و از آنها اعاده حیثیت شود.

۴. با ساز و کاری که قبل از انتخابات و توسط دولت و شورای نگهبان و برخی نهادهای عمومی انجام شده و نیز نحوهٔ اجرای انتخابات و دخالت‌های دولت و نمایش شکایت‌پذیری و بازشماری آرای شورای نگهبان و وقایع بعد از آن را عاملی در جهت باطل بودن انتخابات می‌دانم و بر همین اساس دولت برآمده از آن را دارای مشروعیت و مقبولیت نمی‌دانم و در هیچ برنامه‌ای از جمله تنفیذ و تحلیف آن شرکت نخواهم کرد.

۵. به عنوان خدمتگزار کوچک مردم، انقلاب و نظام اسلامی و شاگرد بی ادعای امام راحل از همهٔ مردمی که در انتخابات شرکت کردند و به‌خصوص پس از انتخابات نیز نسبت به پیگیری نتایج صحیح آن حساس بوده و هزینه‌ها پرداختند، قدردانی می‌کنم و به پیشگاه همهٔ آنها سر تعظیم فرو می‌آورم، هر چند که با قدرناشناسی بی‌سابقه‌ای مواجه شدند و مزدشان را با اتهام اغتشاش و انقلاب مخملی، ترور، خس و خاشاک، ده‌ها توهین دیگر و سرکوب گرفتند اما به همه توصیه می‌کنم که راه انقلاب و امام و مصلحت کشور را با این ناملایمات رها نکنید، روحیهٔ انقلابی و اسلامی و شعور سیاسی خود را پاس دارید، همچنان به مانند امام که از «جمهوریت» همپای «اسلامیت» ارزش می‌داد، در مقابل تحجر، واپس گرایی و تغییرات بدعت گونه دفاع کنید و بدانید که خط امام تنها راه نجات مردم و کشور در مقابل دیکتاتوری، سرکوب، واپس گرایی و اسلام طالبانی است. گرچه این انتخابات و حوادث پس از آن به ارکان نظام و اعتماد شما آسیب جدی وارد کرد اما مطمئن باشید که رأی و ارادهٔ مردم پیروز نهایی این تحولات خواهد بود.

۶. بیشتر از گذشته به همهٔ آنچه به عنوان برنامهٔ انتخاباتی برای کشور مطرح کردم، باور دارم و از همکاران می‌خواهم به آنچه مطرح کرده‌ام، فکر کنند به لزوم برنامه محوری در

ادارهٔ کشور، احیای حقوق شهروندی ،احیای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، پرداختن به حقوق اقلیت های مذهبی و قومی و توجه جدی به مطالبات اقشار گوناگون، ارزش‌های فرهنگی و زبانی متنوع ایران، توجه به حقوق زنان و برابری های مورد توجه و مطالبهٔ آنان، استفاده از ظرفیت های به فراموشی سپرده شده قانون اساسی و چنانچه لازم باشد تغییر و بازنگری قانون اساسی به ویژه در ارتباط با قانون شوراها، ادارهٔ مناطق مختلف کشور، مسائل مربوط به انتخابات و نظارت شورای نگهبان و موارد دیگر.

۷. در جریان انتخابات و پس از اعلام نتیجه حیرت‌آور و اعجاب انگیز آن از هیچ اقدامی ولو مخاطره آمیز دریغ نکرده‌ام که مواردی از آن حسب اقتضا از طریق بیانیه هایی به استحضار شما ملت بزرگ رسیده و طبعاً بعضی از اقدامات دیگر در وقت مناسب اعلام خواهد ولی اجمالا یادآوری می‌کنم از هیچ فرصت متصوری همچون تماس، رایزنی، مکاتبه محرمانه با مراجع دینی و شخص رهبری و هر شخص حقیقی و حقوقی تاثیر گذار دیگر غفلت نکرده ام و صادقانه به شما می گویم که آنچه در توانم بوده است را انجام داده‌ام، هرچند که در مواردی قرین توفیق نبوده است.

۸. ضروری‌ترین مسئله در شرایط کنونی حفظ روحیهٔ انقلابی و سیاسی در برابر کسانی است که می‌خواهند مردم ناامید شده و از صحنهٔ انتخابات خارج شوند.همه باید وحدت انقلابی و روحیهٔ سیاسی را حفظ کرده و با جریان عظیمی که در این انتخابات به حرکت در آمده و خودآگاهی خود را بازیافته به تشکیل و تقویت تشکل های مدنی و حضور در احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح طلب و تحول خواه و امیدوار به آینده بپردازند. من به سهم خود برای هرگونه همکاری با افراد و گروه‌های سیاسی تحول خواه در این مقطع حساس که به نظر میرسد «جمهوریت» در کنار «اسلامیت» و «ایرانیت» در خطر است، دست همکاری و تشکیل جلسهٔ واحد تحول خواهی و حرکت و تغییر را دراز می‌کنم و از همهٔ شخصیت‌ها و گروه های مختلف که به اندیشهٔ امام وفادارند، دعوت می‌کنم به این امر عظیم اقدام کنند.

مهدی کروبی تا آخر عمر پای این مردم و انقلاب اسلامی ایستاده است و تمامی مطالبات ملت را با تمام وجود و در قالب برنامه‌های اعلام شده به هر نحو ممکن پیگیری می‌کنم

و در هر شرایطی با هر امکانی به مبارزه ادامه خواهم داد و با دعوت از همه این راه تأکید می‌نمایم که راه مصلحت کشور و انقلاب امام راحل به ایستادگی و هوشیاری و حفظ آرامش و اجتناب از هر گونه پراکنده کاری نیاز دارد. از علمای اسلام و بزرگان نیز دعوت می‌کنم که در صحنه سیاسی کشور و مصالح مردم مثل گذشته فعال و با نشاط باشند و به راهنمایی آنها مثل گذشته همت گمارند.

مهدی کروبی[۱]

۱۳۸۸/۴/۹

بیانیهٔ موسوی خطاب به ملت ایران (شمارهٔ ۹)

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان عزیز

همان گونه که انتظار می رفت شورای نگهبان، پس از نمایش هایی که توجه هیچ کس را جلب نکرد، و با چشم بستن بر روی انبوه تقلب ها و تخلف های صورت گرفته، سرانجام نتایج دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری را تأیید کرد. جشنواره‌ای که تجدید حیات ملت ما را مژده می داد با تقلب و تخلف از عهدهای اسلام و انقلاب با ناگوارترین صحنه‌ها به پایان رسید؛ با حمله به خوابگاه دانشجویان، با خون های ریخته شده، جوانان کتک خورده و مورد اهانت قرار گرفته، صدا و سیمای از انظار جامعه افتاده، قلم های شکسته، روزنامه های بسته، با فضای امنیتی کودتاگونه و بی اعتمادی تلخ و گستردهٔ مردم نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات و دولت ناشی از آن. به زودی گرمای حادثه فرو می نشیند و دست اندرکاران این ماجرا با صورت حساب بلندبالای اشتباهات خود روبه رو می شوند. آیا آنان از تحمیل آنچه روی داد سود بردند؟

از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می‌برد و اکثریتی از جامعه، که این جانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی پذیرد. دولتی با پشتوانه های ضعیف مردمی و اخلاقی که از او انتظاری جز بی تدبیری،

---

۱. سایت سهام‌نیوز، ۹ تیر ۱۳۸۸، ساعت ۲۲:۴۴.

قانون گریزی، عدم شفافیت، تخریب ساختارهای تصمیم گیری و تدوام سیاست های ویرانگر اقتصادی نداریم، و بیم آن می‌رود که براثر ضعف های بی شمار ذاتی و عارضی اش در ورطهٔ امتیاز دادن به بیگانگان بیفتد. این چیزی نیست که ما از آن خرسند باشیم، بلکه از آن به شدت واهمه داریم.

خطر در پیش است. نظامی که به مدت سی سال به اعتماد مردم متکی بود نمی‌تواند یک شبه قوای امنیتی را جایگزین این نقطهٔ اتکا کند. این اعتماد لطمات جدی دیده است؛ اگر انکار این واقعیت سودی می رساند، ما نیز با منکران آن هم صدا می شدیم، از بس که خطر عظیم است. اگر آنچه انکارش می‌کنیم واقعاً صحت ندارد، چرا به دیگران اجازه اجتماع نمی دهیم تا معلوم شود که چقدر اندکند.

باید باز گردیم، هنوز دیر نشده است. هنوز می‌توان اطمینان آسیب دیدهٔ مردم را بازسازی کرد؛ امنیت نظام ما در گرو چنین کاری است. فرزندان انقلاب را از زندان ها آزاد کنید. حبس آنان جز تغذیهٔ غریزهٔ فرافکنی در وجود خود شما فایده ای ندارد. مردم چگونه می توانند به حکومتی اعتماد کنند که دوستان و همکاران و فرزندانش را به صرف توهم در بند می کند؟ چیره کردن فضای امنیتی بر جامعه جز صدمه زدن به عواطف ملت نسبت به نظام اثری نمی گذارد. مطبوعات آزاد مجاری تنفسی یک جامعه سال مند؛ برای ترمیم اعتماد مردم این مجاری را مسدود نکنید.

باید به اسلام باز گردیم، اسلام ناب محمدی که تحجر را بر نمی‌تابد و تا قیام قیامت برای معضلات جدید بشریت پاسخ های بکر و نو دارد. به اسلامی باز گردیم که ما را به امانت و راستی فرا خوانده است.

به صداقت بازگردیم. چگونه از مردم می‌خواهیم ایمان های مذهبی شان را سرمایهٔ اعتماد به ما قرار دهند در حالی که صراحتاً به آنان دروغ گفته می شود؟

به خرد بازگردیم. کشوری به عظمت ایران را، با آرمان هایی به بزرگی اهداف انقلاب اسلامی و با دشمنانی به آن سرسختی و کینه توزی که می شناسیم با دور ریختن سی سال تجربهٔ مدیریتی و انکار ضرورت برنامه ریزی و تصمیمات خلق الساعه فردی اداره نمی‌توان کرد.

به قانون بازگردیم؛ به قانون اساسی، این بزرگ ترین میثاق ملت. به قوانینی که خود وضع کرده‌ایم پایبند بمانیم و آنها را اجرا کنیم. بدون این کار سنگ روی سنگ بند نخواهد ماند.

مردم به حکومتی اعتماد می کنند که آنان را محرم بداند. چرا باید مهم‌ترین مسائل مملکت از مردم پنهان باشد؟ محرم دانستن ملت و شفافیت اطلاعات اولین قدم در راه مبارزه با فساد است، حال آن که مردم ما حتی به اندازه خواندن خبرهای چند روزنامه محرم دانسته نمی‌شوند.

به مردم بازگردیم. چرا هر گره سهلی را با دندان های امنیتی باز می‌کنیم؟ چرا به کوچک‌ترین بهانه، هرکسی را از دایره خودی های مان دور می‌کنیم؟ این یکی بیش از اندازه جوان است، آن یکی بیش از اندازه هنرمند است، آن یکی روشنفکر است، این یکی با ما اختلاف سلیقه دارد، آن یکی دانشجوست، این یکی از کار ما ایراد می گیرد، آن یکی به گروه ما تعلق ندارد، این یکی قدش بلند است، آن یکی خیلی شیک پوش است. آن قدر از دور خود می رانیم تااینکه تنها می مانیم. این شیوهٔ انقلاب اسلامی نیست، و شیوهٔ اسلامی نیست که آغوشش را به روی همه باز می کند و به صرف شهادت زبانی، انسان ها را در دایرهٔ خود می آورد.

چرا باید پس از یک انتخابات سرنوشت ساز در معرض چنین خطراتی باشیم، حال آنکه انقلاب و نظام ما در آستانهٔ تحصیل بزرگترین دستاوردها بود؟

مردم!

ما راهی دور و در نگاه نخست غیرقابل عبور را در چند ماه کوتاه پشت سر گذاشته بودیم. ما با هم این فاصله را آمدیم؛ از فضایی که به گرد دروغ و تردید و به غبار رمیدن‌های گروهی، طبقاتی، خانوادگی و بین نسلی آلوده شده بود، از دورانی که نطفهٔ ناامیدی شروع به رشد کرده بود، زمانی که فاصلهٔ مردم از نظامشان روز به روز بیشتر می شد، تا با هم مقدمات انتخابات را به جریانی طولانی از یک تجدید حیات ملی تبدیل کنیم؛ فضایی پر از آشتی، شادی، آگاهی و نشاط، عرصه ای که در آن دوستداران نامزدها در حالی که خنده از لبانشان رخت بر نمی بست می توانستند با یکدیگر به بحث درباره آینده بنشینند و آن آزادی فرزانه که انقلاب ما وعده اش را داده بود تجربه کنند. فضایی که در آن کسی خود

را شهروند درجه دوم و غیرخودی با انقلاب و نظام اسلامی نبیند، و کرد و لر و عرب و بلوچ و ترک و هر قوم دیگر و پیر و جوان و میانسال و هر قشر دیگر و هر صنف دیگر و هر سلیقهٔ دیگر که تا چند ماه پیش خود را بیگانهٔ با سرنوشت کشور می دید همچون عهد نخست جمهوری اسلامی، خویشتن را از نو در دایره صاحبان انقلاب بیابد.

ما با هم آمدیم تا با تجسس در احوال شخصی مردم مخالفت کنیم و از نفرت پراکنی و پرونده سازی بیزاری بجوییم. با هم آمدیم تا حاکمیت عقل و عشق را توأمان داشته باشیم. همهٔ ما به چهرهٔ رحمانی اسلام رو کردیم و در این رویکرد میراث تمدنی ایران عزیز و بزرگ را تجدید شده دیدیم، تا آنجا که در مساجد شعار ایران، ایران! را با طنینی که هنوز در تکبیرهای شبانهٔ شما شنیده می شود سر دادیم و کسی احساس نکرد که ایران جدای از انقلاب و یا جدای از اسلام است، بلکه اسلام و ایران و انقلاب از تحجر و کهنگی و تعصب و خارجی گری جداست. اسلامی که در ورای تمایزات عقیدتی و طبقاتی و قومی و جنسیتی کرامت انسان ها را ارج می نهد و اصل می داند. اسلامی که شوینده هر نوع نابرابری در مقابل قانون و پرچمدار تکریم حقوق شهروندی است.

مردم!

علی رغم آنچه روی داد، ما در این چند ماه آرزوهای بلند و کوشش های خالصا؟ خود را نباختیم. ما در این میانه مستوره ای از تحقق آرمان هایمان را یافتیم و دیدیم که آنچه به دنبال آنیم چقدر خواستنی است و چه نسبت نزدیکی با حقیقت اسلام و انقلاب و هویت ملی ما دارد. این دستاوردی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را از ما بستاند. ما با هم سرمایه ای اندوخته ایم که پشتوانه و بستر حرکت های آتی ما و فرزندانمان خواهد بود و این خط سبز جوشیده از فطرت های مردم و واقعیت های تاریخی کشور و انقلاب همچنان در طول سال‌ها ادامه خواهد یافت تا به مقصد نهایی خود برسد. ما برای حفظ این دستاورد بزرگ همچنان ایستادگی خواهیم کرد.

تمامی تلاش‌هایی که این روزها در مخالفت با شما صورت می‌گیرد برای آن است که

از ثمربخش بودن اعتراضات قانونی خود ناامید شوید، زیرا تا ما ناامید نشویم این دولت از اعتبار واقعی برخوردار نخواهد شد. امید به آینده رساترین اعتراض ماست. به سابقهٔ دیرینهٔ این سرزمین نگاه کنید. در زندگانی ما مردم که از کهن ترین تمدن ها زاده شده ایم، فراز کنونی جزئی از یک تاریخ طولانی است. ما در جاده‌ای به درازای تاریخ همه بشریت قدم می‌زنیم. در این جاده چه بسیار ملت ها که منقرض شدند و جز داستانی از آنان باقی نماند. آن چیزی که ملت ما را به خلاف آنان و علی رغم سخت ترین رویدادها زنده نگه داشت امید بود، زیرا آفت این راهپیمایی هزاران ساله ناامیدی است. مردم ما می توانستند با بدبینی و ناامیدی حوادثی شبیه به آنچه را که در جریان انتخابات گذشته با آن روبه رو شدیم پیش بینی کنند و به صحنه نیایند. آیا آنان اشتباه کردند که به این پیش بینی ها اعتنا نکردند؟ نه! آنان به مقتضای روح امیدی که هسته درونی هویت ملی ما را شکل داده و ما را در طول هزاره ها زنده نگه داشته است چنین کردند. به ویژه با جوانان می گویم که اگر می خواهید ایرانی باقی بمانید از شعلهٔ امید در سینه های خود محافظت کنید، زیرا امید بذر هویت ماست؛ بذری که با نخستین باران شروع به روییدن می کند و جان هرکسی را که هنوز ایرانی باقی مانده است، در هر کجای جهان که بیتوته کرده باشد به اهتزاز درمی آورد، تا از نو خود را در سرنوشت این خاک شریک بداند.

امیدی که هویت ما را شکل داده است معطوف به چه چیز است؟ قطعاً معطوف به امور غیر واقعی و خرافه های واهی نیست، و الا نمی‌توانست ملتی را برای هزاران سال زنده نگه دارد. بلکه این امید معطوف به لطف و فضل الهی است. اگر علاقه به این هویت تاریخی کمترین فاصله‌ای با اسلام ندارد، به این خاطر است. ما آمده بودیم این علاقه را احیا کنیم. از این هویت خود فاصله نگیریم. شما وظیفهٔ خویش را به درستی انجام داده‌اید و غیر ممکن است که لطف خداوند مردمی را که با نیت های پاک ادای وظیفه می کنند تنها بگذارد.

امید به صرف گفتن و شنیدن شکل نمی گیرد و تنها زمانی در ما تحکیم می شود که دستانمان در جهت آرزوهایی که داشتیم در کار باشد. دستانمان را به سوی یکدیگر دراز کنیم و خانه‌هایمان را قبله قرار دهیم. واجعلوا بیوتکم قبله. به خودتان و دوستان همفکرتان برگردید

و این بار هر شهروند محوری باشد برای یک فعالیت مفید سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منتظر تشویق و کمک دولتی که وجاهت خود را از دست داده است نباشد.

مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم و از تلاش برای استیفای حقوق مردم دست بر نداریم. مسئولیت دینی ماست که نگذاریم انقلاب و نظام به آنچه اسلام نمی‌پسندد استحاله بیابد. مسئولیت انقلابی ماست که اجازه ندهیم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهلک شود. لیکن برای آن که این اعتراض به نتیجه‌ای دلخواه برسد باید چند اصل مهم را رعایت کنیم:

ـ نظام و انقلاب اسلامی میراث و میوهٔ مبارزات تاریخی دویست سالهٔ شما با استبداد و عقب‌ماندگی است. جمهوری اسلامی نظامی‌است که اگر بر اساس عهد نخستین و نسخهٔ اصیلش به اجرا درآید تمامی خواسته‌های ما را در بر می‌گیرد. مبادا کسی فریب شعارهای ساختارشکنانه را بخورد. این جانب قویاً با چنین وسوسه‌ای مخالفم و اعتقاد دارم قانون اساسی ما همچنان دارای ظرفیت‌های ارزشمند تحقق نایافته‌ای است که باید با فعالیت همهٔ نخبگان روحانی و دانشگاهی و اندیشمندان کشور اجرای آنها به صورت مطالبه‌ای ملی درآید.

به یاد آوریم که ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حقش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختارشکنی گردید. به همهٔ نهادهای تصمیم‌گیر در نظام توصیه می‌کنم که چون شورای نگهبان عمل نکنند و مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند، زیرا که بسته شدن این راه، تهدید ساختارشکنی را به عنوان تنها بدیل مطرح خواهد کرد، و این بدیلی است که همهٔ ما هزینه سنگین آن را می‌دانیم و قاطعانه با آن مخالفیم. همچنین تأکید می‌کنم که تعلل در محقق ساختن آرمان‌هایی چون قانون‌گرایی، عدالت، آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، و به‌ویژه اصول معطل مانده قانون اساسی مشروعیت سوز است.

ـ اسلام آن پوستین وارونه‌ای نیست که برخی مخالفان شما پوشیده‌اند. شیوهٔ آنها این است که هر چیز مقدس و مبارکی را به نفع سلیقه خود مصادره کنند، تا جایی که حتی اگر بتوانند شال سبز شما را هم می‌ستانند. اسلام راستین نسبتی با ظاهرسازی‌ها و

کج اندیشی‌های آنان ندارد، بلکه مکتبی رهایی بخش است که اگر به حقیقت و نورانیت آن برسیم دوای تمامی دردهای شخصی و اجتماعی ماست.

ـ ماجرای ما، هر چقدر تلخ، یک اختلاف خانوادگی است که اگر خامی کنیم و بیگانگان را در آن دخالت دهیم به زودی پشیمان خواهیم شد.

ـ در اعتراض و حرکت اصلاحی و اصولی ما هیچ کس نباید صدمه ببیند. ما زمانی در تلاش خود موفق خواهیم بود که ابتکارهای ما برای احقاق حقوقمان تا آن حد اندیشیده شده، کارآمد و در چارچوب قانون باشد که حتی کودکان خردسال و زنان باردار بتوانند در آن شرکت کنند.

ـ ما در برهه‌ای و گریوه‌ای از تاریخ کشور خود قرار داریم که راه‌حل بسیاری از مشکلات ما قانون است. درست است! قانون همیشه بی‌عیب نیست. درست است! قانون عرفی قراردادی اجتماعی است و به مانند هر عهد و پیمانی که انسان‌ها با هم می‌بندند رعایت آن تنها تا زمانی الزامی است که طرف مقابل نیز به آن پایبند باشد. درست است! مخالف شما قانون اساسی را زیر پا می‌گذارد، به خلاف نص این میثاق ملی شما را از حق برگزاری اجتماعات محروم می‌کند، بلکه حتی اگر به نشانه اعتراض پارچه‌ای سبز به دستتان ببندید به رغم اصول متعدد قانون اساسی و قوانین بی‌شمار عادی، خود آن کسی که مسئول حفظ امنیت است شما را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. درست است! متقلبان و دروغگویان تنها به نیت تحمیل منویاتشان در پشت نام قانون سنگر گرفته‌اند. لیکن تلاشی که ما وارد آن شده‌ایم یک مشاجره و تلافی جویی نیست. ما را عصبانیت یا جاه‌طلبی یا خودپسندی برنینگیخته است، بلکه حرکت ما اقدامی برای اصلاح و تأمین بهروزی کشور است. برای رسیدن به چنین هدفی جا دارد که ما حتی به جسد قانون احترام بگذاریم، زیرا می‌دانیم که در فردای نزدیک، زمانی که کوشش‌مان به ثمر می‌رسد، نخستین اصلی که باید آن را نهادینه کنیم پایبندی به قانون است. این شالوده‌ای است که امروز صبورانه می‌ریزیم تا بر رویش بنای رفیع فردایمان را استوار کنیم.

ـ سرانجام وحدت. همهٔ شما را به برادری دعوت می‌کنم. پیروزی ما در گرو معاضدت و پیوند با یکدیگر است، و در این یکدیگر تمایزی میان ما و مردمی که به دیگران رأی داده‌اند

نیست. حتی آنانی که اینک رو در روی ما به خشونت متوسل می شوند در اخوت ما شریک اند، زیرا ما به دنبال آینده‌ای هستیم که در آن همان کسی که خواهر و برادرمان را در خیابان ها کتک زده است، سعادتمندتر، معنوی تر، سالم‌تر و زیباتر از امروز زندگی کند. رنگ سبزی که ما به عنوان نماد خود انتخاب کرده‌ایم یک معنایش هم این است؛ رنگ سبزی که ما را به اهل بیت نور، اهل بیت راستی، اهل بیت خرد، اهل بیت کرامت و فضیلت پیوند می دهد.

شاید بگویید که با این همه قید و بند دیگر فرجه‌ای برای بیان اعتراض باقی نمانده است. این گمان خامی است که مخالفان سطحی اندیش و افراطی شما در سر دارند. الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا. کسانی که در راه خدا می کوشند خداوند آنان را به راه های خود هدایت می کند. به عنوان نمونه‌هایی از این هدایت به یاد آورید که خداوند چگونه آرامش را بر اجتماعات بی کرانه تان مستولی می‌کرد و یا در خلال آنها ظرفیت های ذهنی مردم به چه شعارهای نغزی رهنمون می شد. همان خلاقیت همچنان قادر است که با توجه به تمامی این اصول راه کارهایی بکر و مؤثر پیش پای ما قرار دهد، میدان های گسترده‌ای برای عمل در مقابل ما بگشاید و تجربیات جدیدی برای آزادیخواهان جهان اندوخته کند.

در ابتدا هدف همه ما از شرکت در انتخابات آن بود که عقلانیت دینی به فضای مدیریت کشور بازگردد، لیکن در میانهٔ مسیر به اهدافی بسیار بلندتر هدایت شدیم. ما در این بین می‌خواستیم ارکان ذیر بط نظام به یاد آورند که در ورای تمامی آنان و مافوقشان میزانی به نام رأی و عزم مردم وجود دارد که آنها نه حق دارند و نه می توانند آن را نادیده بگیرند. امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبهٔ انکارناپذیر مردمی تبدیل شده است. در هر قدمی در آینده تجربهٔ تلخ و مشروعیت زدای جریانات اخیر باید پیشاروی ملت باشد و نباید هیچ فرصتی برای روشن تر شدن ابعاد این دروغ و تقلب بزرگ و پیامدهای تلخ آن از دست برود.

در ایامی که گذشت شخصیت ها و گروه هایی به سراغ این جانب آمدند و خواستار گذشت من از آنچه گذشت شدند. شاید توجه نمی شد که این جانب از همان ابتدا از حق

شخصی خود گذشته بودم، اما مسئلهٔ انتخابات مسئلهٔ شخصی من نبود و نیست. من نمی توانم بر سر حقوق و آرای پایمال شدهٔ مردم معامله یا مصالحه کنم. مسئله جمهوریت و حتی اسلامیت نظام ماست. اگر در این نقطه ایستادگی نکنیم، دیگر تضمینی نداریم که در آینده با حوادث تلخی نظیر آنچه در انتخابات کنونی گذشت روبه‌رو نباشیم.

گروهی از نخبگان بر سر آن‌اند که گرد هم آیند و با تشکیل جمعیتی قانونی صیانت از حقوق و آرای پایمال شده مردم در انتخابات گذشته را از طریق انتشار مدارک و اسناد تقلب ها و تخلف های انجام گرفته و نیز رجوع به محاکم قضایی پیگیری کنند و نتایج آن را مستمراً به اطلاع عموم مردم برسانند. این جانب نیز به این جمع می پیوندم. این گروه اجرای اصول معطل ماندهٔ قانون اساسی را در دستور کار خود خواهد داشت و علاوه بر آن در این مرحله مطالبات زیر را دنبال خواهد کرد:

ـ توقف برخوردهای امنیتی، فوق امنیتی و نظامی با مسائل انتخاباتی و بازگشت کشور به فضای طبیعی سیاسی.

ـ اصلاح قانون انتخابات به نحوی که امکان تکرار تقلبات گسترده را از بین ببرد و بی طرفی نهادهای مجری و ناظر را تضمین کند.

ـ رعایت اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات.

ـ آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنها.

ـ فعالیت مجدد سایت های خبری مستقل.

ـ ممنوعیت مداخلات غیرقانونی دولت در فضای ارتباطی، نظیر اینترنت، پیام‌های کوتاه، و جلوگیری از قطع ارتباطات تلفنی و شنود مکالمات مردم و هر گونه تجسس دیگر.

ـ توقف برخوردهای یک جانبه، افترا، دروغ پردازی و اهانت در رسانه رسمی کشور.

ـ برخورداری از کانال های مستقل تلویزیونی در خارج و داخل کشور.

ـ صدور مجوز برای تشکیل جمعیت های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی.

ـ آزادی همهٔ دستگیرشدگان سیاسی، ابطال پرونده سازی های جعلی امنیتی و دخالت ندادن پرونده های جاری در برخورداری آنها از حقوق اجتماعی.

در انتها به همهٔ مردم شریف کشورمان، چه آنها که به این جانب رأی دادند و چه آنهایی که به این جانب رأی ندادند، به ویژه کسانی که در حوادث ناگوار هفته های اخیر صدمه دیدند درود می فرستم. همچنین مقام شهیدانی را که به جرم حق خواهی و آزادی طلبی در خون خود غلطیدند ارج می نهم و از خداوند بزرگ برای خانوادههای عزیز آنان طلب صبر و اجر دارم.

میر حسین موسوی[۱]

۸۸/۴/۱۰

بیانیهٔ مجمع روحانیون مبارز (شمارهٔ ۴)

بسم الله الرحمن الرحیم

نظام مبارکی که در آن به سر می‌بریم برآمده از خیزش شگفت انگیز ملتی است که سالیان دراز در آرزوی آزادی و استقلال و آبادانی کشور و عدالت، هزینه های گزافی پرداخته است و ایمان او به خدا و دلبستگی اش به دین همواره وی را در این راه پرمشقت پایدار داشته است و در برهه ای از زمان موهبت رهبر ممتاز حضرت امام که مظهر ایمان و آرمان و آزادگی او بوده است، وی را یاری کرده است و حاصلش (البته به قیمت خون عزیزان و ایثارگری انبوهی از زنان و مردان) نظام جمهوری اسلامی بوده است. جمهوریت به آن معنی که میزان رأی ملت است و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش پذیرفته شده است، حاکمان برگزیدگان با تقوای مردم و خدمتگزاران آنان اند، نه اربابان ایشان و طبعاً آن که پرسشگر است، مردم اند و آنکه پاسخگوست، حاکمان اند.

و نظام ما اسلامی است از آن جهت که آئین خداوند و ارزش‌های دین مبین حاکم بر زندگی اجتماعی است، البته اسلامی که دور از خرافات و تحجر و توهم زدگی متحجران و کج اندیشان است و در جهان پیچیدهٔ امروز پاسخگوی نیازها و پرسش های اساسی مردم این روزگار است.

جمهوری اسلامی راهی است به سوی سربلندی ایران و سرفرازی ایرانی و زمینه ساز

---

۱. سایت خبری امروز، ۱۳۸۸/۴/۱۰، کد خبر ۲۳۳۶۰.

ایجاد الگویی ممتاز که در آن اخلاق و معنویت در کنار آزادی، عدالت، حقوق انسان و پیشرفت کشور قرار گرفته است. آنچه مهم است پاسداری از معیارهای اصیلی است که نظام ما بر آن استوار است و می بایست باشد و احیاناً نیست.

در انتخاباتی که انجام گرفت، می شد که این نظام مستحکم تر شود و راه های انحرافی از راه راست روشن تر تشخیص داده شود و آرام بخش جان ملتهب ملتی بیدار و هوشیار باشد. انتخاباتی که می توانست در آغاز دهۀ چهارم پیروزی انقلاب نشان دهد که پایه های مردمسالاری سازگار با دین در آن مستحکم تر و استوارتر شده است و مردم احساس کنند که حاصل خون صدها هزار شهید و رنج آسیب جانبازان و آزادگان و خانواده‌های شکیبای آنان روز بروز شکوفاتر و ایران عزیز در جهت اعتلاء و ایرانی برخوردار از حرمت، عزت و حقوق مادی و معنوی در حرکت است. افسوس که این فرصت از دست رفت و امروز اعتماد عمومی که مهم‌ترین سرمایۀ کشور و انقلاب است، لطمه دیده است و انبوهی از مردمان که به حق حرف و انتقادی دارند، از آنچه اعلام شده قانع نیستند. مهم این است که همه احساس کنند سازوکارهایی که در جهت کارگر افتادن رأی مردم که به تعبیر حضرت امام «میزان» است، خدشه ناپذیر است و اگر چنین احساسی نبود، با چه امید می توان باز هم مردم را به حضور فرا خواند. ما معتقدیم اعتماد آسیب دیده مردم با اظهارنظر مرجعی که اکثریت اعضای آن از پیش جانبداری بی پرده خود را نسبت به یک نامزد اعلام کرده‌اند، در مورد نتایج انتخابات ترمیم نخواهد شد.

متأسفیم که راهکارهای منطقی و خیرخواهانه مورد توجه قرار نگرفت و هیئتی بی طرف و کاردان مسئول رسیدگی و اعلام حقیقت نشد. بلکه به‌عکس اعتراض آرام و پرشکوه مردم که حضوری بی‌همانند نشان دادند و رشد خود را همچون روزهای پرفروغ انقلاب اثبات کردند، مورد تهاجم بی‌رحمانه قرار گرفت و در حالی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، هم نامزدهای محترم و هم طرفداران آنان از نظام و در نظام هستند، میلیون ها انسان معترض را اسباب دست بیگانگانی قلمداد کردند که نه اسلام را می‌خواهند و نه ایران را و فرزند برومند و مؤمن انقلاب و ایران، حضرت آقای مهندس موسوی را آزردند و مقاومت ستودنی او را در

دفاع از حق و رأی مردم نکوهش کردند و نیز نسبت به شخصیت انقلابی و خدمتگزار جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای کروبی جفا کردند. و حتی تظاهرات آرام مردم را به خاک و خون کشیدند و بخش مهمی از سرمایه‌های فرهنگی و سیاسی و انقلابی و خیرخواهان و تعداد کثیری از جوانان عزیز را به بند کشیدند تا همگی را در برابر یک انتخابات مخدوش تسلیم کنند و طبیعی است که در این عرصه بیگانگان بیکار نخواهند نشست و می کوشند که آتش نفاق و نقار را فروزان تر کنند. اینک پس از هزینه های سنگینی که پرداخت شده است، در عین اعتراض به نتیجهٔ انتخابات و محفوظ نگاه داشتن حق اعتراض معتقدیم که مردم بزرگوار نباید بیش از این هزینه بپردازند و معتقدیم هیجانات فزاینده و اعتراضات خیابانی راه کار نیست. ما همه را به آرامش دعوت می‌کنیم، چرا که ایران و انقلاب برای ما از همه چیز با ارزش تر است و انتظار داریم که مسئولان نیز زمینهٔ عبور از فضای زشت امنیتی و نظامی را فراهم آورند. و زندانیان را آزاد کنند و از تبلیغات یکجانبه و تحریک‌آمیز و تحریف کننده دست بردارند و حق بیان واعتراض مدنی را به رسمیت بشناسند و نسبت به خون به ناحق ریختهٔ شهیدان و جان‌باختگان و استمالت از خانواده‌های آنان اقدام کنند و زمینه‌ای فراهم آورند تا خردمندان خیرخواه بتوانند در فضای آرام به آنچه جامعه را به این وضعیت ناگوار کشاند، بیندیشند و راه چاره اساسی برای آن بیابند.

مجمع روحانیون مبارز[1]

۱۳۸۸/۴/۸

بیانیهٔ شمارهٔ ۵ مجمع روحانیون مبارز برای برگزاری همه‌پرسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعثت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(ص) بر همهٔ مؤمنان، مسلمانان، حق‌خواهان و آزادگان به‌ویژه ملت بزرگ و افتخارآفرین ایران مبارک باد!

نزول وحی الهی بر قلب مبارک سرور موجودات و سالار عالمیان، آغاز مرحلهٔ تازه‌ای در

---

۱. سایت امروز ۱۳۸۸/۴/۱۰، و سایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۴/۱۱، کد خبر ۱۵۴۱.

تاریخ انسان بود تا او را از تاریکی نادانی و غفلت از حق و حقیقت رهایی بخشد و بندهای شرک و استبداد و ظلم و تبعیض و حقارت را ازی پای جان او برگیرد و راه کمال و والایی را به او بنماید تا با عزمی مستحکم و اراده متکی بر ایمان و عرفان و خرد آن را بپیماید.

انقلاب اسلامی ایران به پیشوایی مردی از سلالهٔ رسول الله(ص) و عالمی سالک و عادل و فقیه و حکیم و بنده خوب خدا حضرت امام خمینی(قدس سره) را مردم در تداوم (بعثت) یافتند و بر آن دل سپردند تا در سایه سار آن، بنیان استبداد هزاران ساله و استعمار چندصد ساله ویران شود و بنیاد آزادی و عدالت و رشد و سربلندی برپاگردد؛ بنیادی سازگار با ارزش های دین خدا به خصوص عدالت و اخلاق.

پاسداشت «جمهوری اسلامی» که دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی است، بر همهٔ ما لازم است، به خصوص اینکه که آشکارتر از گذشته هم جمهوریت و هم اسلامیت در معرض تهدیدهای جدی است. از جمله آنچه در انتخابات اخیر گذشت هشداری است برای همهٔ آنان که به انقلاب و راه امام وفا دارند و ایران و ایرانی را بزرگ و سربلند می خواهند.

در انتخابات اخیر اعتماد عمومی نسبت به اینکه میزان رأی ملت است آسیب جدی دید و برای میلیون ها انسان این شائبه پیش آمد که چه بسا جریان ها و سازوکارهایی بتوانند در رأی واقعی مردم تصرف کنند و نتیجه ای را جز آنچه مردم خواسته اند، اعلام و القا کنند.

اخلاق که تتمیم مکارم آن، هدف بعثت پیامبر(ص) بود، به خصوص از سوی بعضی از حاکمان یا محافل یا گروه های مدعی انقلابی گری و اسلام خواهی به بدترین وجهی مورد تعدی قرار گرفت و بسیاری از انسان های پاک، خوش سابقه در انقلاب و خدمتگزار مردم، در معرض اهانت و تهمت های زشت قرار گرفتند.

اعتراض مدنی مردم که ولی نعمت حاکمانند، با خشونت، منجر به ضرب و جرح و قتل و بازداشت شد و خیزش آرام و مظلومانهٔ میلیون ها ایرانی به بیگانگان نسبت داده شد و بر طبل اهانت به ملت و چهره های مورد اعتماد و احترام مردم نواختند و حتی حق مسلم برپایی اجتماعات آرام و تظاهرات مدنی را از کسانی که به هر دلیلی به وضع موجود و انتخابات اخیر معترض بودند، پایمال کردند و بدین وسیله به انقلاب، ارزش های آن،

ملت و میهن جفای غیرقابل جبران کردند و با محدود کردن فضای بحث و گفتگو و بستن راه‌های ارتباطی به روی مردم و برپایی طوفان تخریب و اهانت و تحریک از سوی رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی در انحصار حکومت و تحمیل فضای امنیتی و سیاسی بر کشور، چهرهٔ انقلاب و نظام مشوه شد و با دستگیری صدها تن از چهره‌های موجه دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و جوانان عزیز از دختر و پسر به جای ملاطفت و محبت و رحمت، رعب و خشونت و تنفر بر جامعه مستولی شد.

در چنین فضای ناسالمی، آنچه در نماز جمعه این هفته رخ داد، از یک سو نشانهٔ دلبستگی مردم به اصل انقلاب است که اکنون احساس می‌شود از سوی جریان‌های پرمدعای خشونت‌طلب بداخلاق و ضدحقوق مردم در معرض تهدید قرار گرفته است و از سوی دیگر زمینه‌ای بود برای حضور متین و آرام صدها هزار انسان که همه راه‌های حضور مدنی را به روی خود بسته می‌بینند.

ضمن تشکر از این حضور مبارک و پر راز و رمز، جا دارد از بیانات سنجیده، خیرخواهانه و شجاعانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز سپاسگزاری کنیم.

آیت‌الله هاشمی که از پیشتازان انقلاب اسلامی و پیروان صادق و فداکار امام و از سرمایه‌های کشور است، به‌خصوص در جریان انتخابات اخیر و پس از آن، مورد اهانت و جفای بی‌رحمانه و کین‌توزانه قرار گرفت. همچنان که برخی دیگر از شخصیت‌های بزرگ و برجستهٔ حوزهٔ علمیه قم و نیز شماری از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار روحانی در تهران آماج حملات ناجوانمردانه قرار گرفتند. گرچه این اهانت‌ها از قدر انسان‌های بزرگ و خدمتگزار نمی‌کاهد، ولی نشان می‌دهد که ۳۰ سال پس از پیروی انقلاب، اخلاق و ادب تا چه درجه‌ای سقوط کرده است و افسوس بیشتر این که به جای برخورد با بداخلاقان مردم‌فریب از کیسهٔ انقلاب و ملت و کشور به آنان پاداش داده می‌شود و منتقدان وضع موجود مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین می‌شوند.

امروز اگر خیر انقلاب و کشور و ملت را می‌خواهیم، همگی باید پیشنهادهای متین آیت‌الله هاشمی را که در واقع حداقل‌هایی است که می‌تواند هم بخشی از حقوق مردم را

ادا کند و هم جامعه را به سوی اطمینان و آرامش ببرد و امید به آینده را افزون سازد، جدی بگیریم و آن را عملی سازیم.

با توجه به اینکه اعتماد حداقل میلیون ها انسان نسبت به روند انتخابات سلب شده است، مجمع روحانیون مبارز بر اساس نص صریح قانون اساسی مصرانه می‌خواهد برای خروج از بن بست و بحران موجود به جای اصرار بر روش‌های ناکارآمد که تاکنون نتیجه‌ای جز سلب اعتماد بیشتر نداشته است، در یک همه پرسی که عموم ملت ایران بتوانند آزادانه در آن شرکت کنند، نسبت به آنچه اتفاق افتاده است، نظرخواهی شود. البته همه پرسی ای نه توسط نهادها و مراکزی که انتخابات را به این گونه سرنوشتی دچار کردند بلکه زیر نظر نهاد و مرجعی بی طرف و مورد اعتماد مردم.

جا دارد که حاکمیت به جای اعتماد به تحلیل‌های بیمارگونه و توهم‌زا که مبنای سیاست‌ها و اعمال زیان بار و منشأ زیر پا نهاده شدن حقوق شهروندی مردم و نقص آشکار قانون اساسی و قاعده انصاف و شرع و عقل شده است، به پیشنهادهای خیرخواهانه عزیزانی چون هاشمی رفسنجانی توجه و اهتمام کنند تا در سایهٔ آن رهبری، ملت و کشور همه برندهٔ صحنه ای باشند که اگر وضع فعلی ادامه یابد، همگان بازنده خواهند بود.

و ما توفیقنا الا بالله علیه توکلنا و الیه انبنا

مجمع روحانیون مبارز[1]

۸۸/۴/۲۸

بیانیهٔ جبههٔ مشارکت در نپذیرفتن نتایج انتخابات

بسم الله الرحمن الرحیم

با اعلام نظر رسمی شورای نگهبان دربارهٔ دهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران دورهٔ جدیدی در تاریخ سیاسی ایران آغاز می شود.

---

۱. سایت امروز، ۱۳۸۸/۴/۲۹، کد خبر ۲۳۴۵۶، این بیانیه در سایت‌های مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم چاپ شد.

سی سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی که با شعار آزادی، استقلال و حاکمیت ملی استقرار یافت، شاهد برآمدن دولتی هستیم که از دل انتخابات مهندسی شده بیرون آمد و اکنون رئیس آن به جای آنکه نمایندهٔ ارادهٔ ملی باشد، برایند خواست از پیش تعیین شدهٔ عدهٔ قلیلی است که بارها و بارها با گفتار و رفتار خود، جمهوریت نظام و اصل همراهی و سازگاری دین و مردمسالاری را زیر سؤال برده اند.

برای پیروان امام (ره)، معتقدان به جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد و دلسوزان ایران، لحظات سختی است که جز با توکل به خداوند بزرگ، ایمان به پیروزی حقیقت و صبر و بردباری و فروخوردن خشم مقدس ناشی از زخم بزرگ بی عدالتی، تحمل آن ممکن نیست: انا لله و انا الیه راجعون.

این اولین بار است که کودتاگران علیه جمهوریت نظام، با بدترین و خشن ترین شیوه‌ها مهم‌ترین رکن جمهوریت یعنی ریاست جمهوری را هدف قرار می دهند. مقامی که اگر برآمده از آرای واقعی ملت نباشد می تواند سرآغاز استبدادی بزرگ باشد و آنچه در سال‌های قبل گوشه هایی از آن را نشان داده بودند، ناچیز و بی مقدار جلوه می کند.

پیش از این در انتخابات فرمایشی مجلس هفتم و انتخابات دستکاری شدهٔ مجلس هشتم نشانه های روشنی از عزم کسانی که به جمهوری اسلامی اعتقادی ندارند هویدا شد که درصدد بلا موضوع کردن انتخابات بودند، متأسفانه این روند مخرب جدی گرفته نشد و ما امروز شاهد وضعیتی هستیم که عملا انتخابات در کشور بی معنا شده است و به تبع اولی مردم‌سالاری هویت خود را از دست داده است.

آنچه کودتاگران در یک سال منتهی به خرداد ۸۸ انجام دادند به قیمت خدشه دار شدن اعتماد مردم به اصل نظام و از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی و از دست رفتن مشروعیت داخلی و بین المللی بسیاری از ارکان نظام تمام شده است.

جبران این خسارت عظیم، کاری بس دشوار و شاید محال باشد و آثار آن هر چند امروز به خوبی روشن شده است ولی درک عمق فاجعه نیازمند گذشت زمان و بازخوانی تاریخی این حادثه است.

جبههٔ مشارکت ایران اسلامی با ابراز تاسف عمیق و محکوم کردن این بدعت عجیب و باور نکردنی، صریحاً نتایج این انتخابات را غیر قابل قبول می‌داند و آثار و تبعات بی‌توجهی به هنجارها و روندهای قانونی و تلاشهای خیرخواهانه‌ای را که برای از میان نرفتن فرصت انتخابات و مشارکت خوب مردم به وجود آمده بود را متوجه کسانی می داند که در این روند مخرب نقش داشته‌اند یا با آگاهی در برابر آن سکوت کردند.

هرچند از دیدگاه ما هنوز فرصت برای جبران این بی‌اعتمادسازی بزرگ باقی است و می‌توان با استفاده از محدود راهکارهای قانونی موجود مانع از آن شد تا مشروعیت نظام دستمایهٔ بازی کودکانهٔ کسانی شود که سوار بر اسب بی مهار قدرت، سرنوشت همه چیز و همه کس را با سرنوشت خود گره می‌زنند.

جبههٔ مشارکت ایران اسلامی، وظیفهٔ ملی و قانونی خود می داند، از همهٔ قشرهای مردم که با شور و شوق و امید تغییر در عرصهٔ انتخابات حاضر شدند تشکر و قدردانی کند و ازسوی دیگر از اینکه میلیون ها رأی این مردم نادیده انگاشته شده است و تنها صرف تفاخر کسانی شده است که عامل این نابسامانی ها هستند اظهار تأسف کند.

ما همچنان مصر بر ادامه راهی هستیم که در یک کلمه آن را اصلاحات می‌خوانند؛ ما همچنان مصر بر عمل در چارچوب قانون هستیم؛ تمام تلاش ما آن خواهد بود که نشان دهیم آنچه این روزها به نام دین، انقلاب و نظام برما رفته است، نسبتی با گوهردین، آرمان‌های بلند امام و خواسته‌های شهیدان و مطالبات بر حق ملت و موازین قانون اساسی ندارد؛ ما در این راه از تمام توان خود با رعایت مصالح ملی و حرکت در چارچوب قانون بهره خواهیم گرفت تا از این انحراف عظیم جلوگیری کنیم.

ما به عنوان یک حزب قانونی وظیفه خود می دانیم در کنار ملت، با حفظ آرامش و از راه‌های مدنی و مسالمت‌آمیز، مانع تحقق خواسته‌های مخالفان جمهوریت و اسلامیت نظام و مشوه کنندگان چهرهٔ دین و انقلاب و کشور شویم و از همهٔ مردم، احزاب و گروه‌ها و نهادهای مدنی می‌خواهیم از هر حرکتی که بهانه به دست خشونت جویان بدهد و زمینه را برای استبداد فراهم می کند بپرهیزد.

ما از مسئولین می‌خواهیم علی‌رغم اینکه بسیاری از نصایح و خیرخواهی‌ها را نادیده گرفته‌اند و با تحلیل‌ها و روش‌های غلط و مخرب و با امنیتی و نظامی کردن جامعه، بر بحران‌های جاری افزوده اند، اکنون حداقل پس از استقرار و تثبیت آنچه می‌خواسته اند، انبوه بیگناهانی را که تنها جرم آنها شورآفرینی در انتخابات بوده است آزاد کنند و از پرونده‌سازی های بی حاصل و دروغ دست بردارند و اجازه دهند نهادهای مدنی و مستقل از حکومت دوباره کار خود را هرچند با محدودیت های فراوان آغاز کنند.

جبههٔ مشارکت ایران اسلامی ضمن درود به روان پاک شهیدان، بر سر ایستادگی بر جق و پایداری در منافع ملت و پیگیری آرمان دیرپای ایرانیان یعنی آزادی و حکومت قانون، پافشاری خواهد کرد.[۱]

بیانیهٔ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف ایران!

همان گونه که انتظار می‌رفت شورای نگهبان قانون اساسی روز گذشته صحت انتخابات ریاست جمهوری دهم را تأیید کرد. در نامهٔ دبیر این شورا به وزیر کشور آمده است که شورا موارد اعلامی از سوی کاندیداهای معترض را از «مصادیق تخلف یا تقلب انتخاباتی خارج» دانسته و تخلفات موجود را «بعضاً تخلفات مختصری» می‌داند «که وقوع آن در اغلب انتخابات مشهود و غیرقابل اعتناست»، مستند شورای نگهبان در اعلام این نظر بازشماری صوری ده درصد از صندوق های رای در سراسر کشور توسط همان کسانی است که انتخابات شبهه برانگیز و سراسر تخلف اخیر زیر نظارت آنها انجام شده است. این درحالی است که بازشماری صوری آراء خواستهٔ هیچ یک از کاندیداهای معترض نبوده است. به این ترتیب، براساس آنچه که در نامهٔ دبیر شورای نگهبان آمده است، مواردی نظیر موضوع چاپ

---

۱. سایت خبری نوروز، تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۸۸ و سایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۴/۱۱، ساعت ۱۲:۲۵، کد خبر ۱۵۴۴.

میلیون ها تعرفهٔ اضافی با کد و بدون کد، و در عین حال اتمام برگه های رأی در ساعات اولیهٔ انتخابات در بسیاری از استان‌ها، پلمب صندوق ها در غیاب نمایندگان نامزدها، عدم تمدید زمان رأی گیری درحالی تعداد فراوانی رأی‌دهنده در انتظار رسیدن نوبت بودند و توقف رأی‌گیری قبل از پایان زمان رأی گیری، کارشکنی در نظارت نمایندگان نامزدها بر صندوق های رأی، قطع سیستم پیام کوتاه در کشور و خطوط تلفن کمیتهٔ صیانت از آراء ستاد موسوی از روز قبل از انتخابات که امکان نظارت و اطلاع به‌موقع از تخلفات در سراسر کشور را منتفی کرد، مشارکت بیش از صد در صد واجدان شرایط در ۷۰ و مشارکت بین ۹۵ تا ۱۴۰ در صد واجدان شرایط در ۱۷۰ شهرستان کشور، انتقال صندوق های رأی به سایت های تجمیع آراء بدون حضور و نظارت نمایندگان کاندیداها، اخراج نمایندگان کاندیداها از سایت‌های تجمیع آراء و شمارش آراء در غیاب ایشان، و ... ظاهراً از نظر این شوری تخلفاتی «غیر قابل اعتناست» که «وقوع آن در اغلب انتخابات مشهود» است.

آنها به رغم تمدید ۵ روزه در رسیدگی به شکایات حتی ضرورتی ندیدند راهکار مشخص مهندس موسوی را مبنی بر مقایسهٔ کدهای ملی نوشته شده در ته‌سوش برگه های رأی با کدهای ملی شهروندان در سیستم رایانهٔ سازمان ثبت احوال اجرا کنند تا میزان و وسعت تنها یکی از موارد تخلف و تقلب آشکار شود.

ملت شریف ایران!

با توجه به ترکیب اعضا و عدم استقلال شورای نگهبان، به‌ویژه پس از تأیید صریح انتخابات از سوی رهبری و حمایت ایشان از احمدی‌نژاد، آن هم در مهلت قانونی بررسی صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان، توقعی جز تأیید صحت انتخابات از سوی این شورا نمی رفت. اگرچه این حمایت و تأیید هرگز نمی‌تواند عدم عمل شورای نگهبان به مسئولیت های قانونی خود در امانتداری و حراست از رأی مردم را توجیه کند.

همچنین روشن بود مواردی نظیر تمدید ۵ روزه برای رسیدگی همه جانبه به شکایات و اعتراضات نیست، چنان که چنین رسیدگی ای عملاً صورت نگرفت. مهلت ۵ روزه

می‌توانست نشانه‌ای باشد تا افکار عمومی استقلال شورای نگهبان را باور کنند و نیز فرصتی باشد تا با تبلیغات یک سویهٔ صدا و سیما و ده‌ها ساعت مصاحبه و میزگرد با مسئولان انتخابات و وزرای کشور و اطلاعات و ... افکار عمومی برای شنیدن تأیید صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان آماده شود.

ملت شریف ایران!

به هر تقدیر اعلام صحت انتخاباتی که اکثریت شما مردم به‌رغم سرکوب گسترده اعتراضات مدنی و قانونی به نتایج مهندسی شده آن و ده‌ها شهید و صدها مجروح و دستگیری هزاران تن و به‌رغم بمباران تبلیغاتی بی سابقه و تحریف‌ها و خلاف نمایی های گسترده، به صحت آن باور نداشته مشروع نمی دانید، به معنای بلا موضوع شدن انتخابات در کشور، نفی حق حاکمیت ملت بر سرنوشت خود و ادارهٔ امور خویش و تلاشی آشکار برای پایان دادن به جمهوریت نظام و درعین حال نشانهٔ آغاز دوره‌ای جدید از تلاش و مبارزه برای بازگرداندن جمهوریت و دفاع از مردمسالاری است.

با اعلام نظر شورای نگهبان پرونده انتخابات آزاد تا آینده‌ای نامشخص بسته شد و به این ترتیب انتخاباتی که می رفت تا به یکی دیگر از افتخارات ملت شگفتی ساز ایران در طول تاریخ معاصر تبدیل شود، به دست حاکمیت کنونی به نقطه سیاهی در تاریخ این ملت تبدیل شد.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران ضمن ابراز تأسف عمیق خود از اینهمه بی تدبیری و این همه استعداد و مهارت در فرصت سوزی و تبدیل فرصت ها به تهدیدها اعلام می دارد دولت برآمده از انتخاباتی که ملت صحت آن را نپذیرفته و بر ابطال آن پای می فشارد، فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی است. سازمان به عنوان تشکلی معتقد و ملتزم به آرمان های ملت در انقلاب اسلامی ایران و ملتزم به اصول اسلامیت و جمهوریت نظام، ضمن تأیید و حمایت کامل از اعتراضات مدنی، قانونی و مسالمت آمیز ملت آگاه ایران به نتایج انتخابات و نیز حمایت کامل و تقدیر و تشکر از مواضع قاطع جناب آقای میر حسین موسوی وظیفهٔ خود می داند با استفاده از تمامی ظرفیت های قانونی به مبارزهٔ قانونی و مسالمت آمیز علیه

دولت غیر قانونی پرداخته، تمام مساعی خود را برای بازگرداندن جمهوریت که ضامن اسلامیت نظام نیز هست به کار بندد.

و ما توفیقنا الا بالله العزیز الحمید و ما نرید الا الاصلاح علیه توکلنا و الیه انیب

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران[1]

۸۸/۴/۹

متن کامل خطبه های نماز جمعه ۲۶ تیر ماه به امامت «هاشمی رفسنجانی»

خطبهٔ اول

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رئوف رحیم.

اوصیکم عبادی الله بتقوی الله فانه من یتق الله یفکر عنه سیئاته یعظم له اجرا

امیدواریم که خداوند هیچ‌یک از مسلمانان را از لطف و مرحمتش و روحیهٔ تقوا و وظیفه‌شناسی محروم نفرماید و ملکهٔ تقوا همیشه در وجودمان تقویت شود.

قبل از اینکه بحث‌های خطبهٔ نماز جمعه را آغاز کنم لازم می دانم که به نمازگزارانی که امروز در دانشگاه تهران و اطراف دانشگاه در خیابان ها حضور دارند یک تذکر اساسی بدهم و آن اینکه مواظب باشید که جایگاه نماز جمعه و قداست نماز جمعه با اظهارات و شعارهایی که جنبهٔ عمومی و اصولی ندارد آلوده نشود. این جایگاه تقدس سرمایهٔ عظیم همهٔ دوران تاریخ اسلام بوده و امروز در کشور ما جزو مهم‌ترین میدان های حضور فضایل اسلامی و انسانی است و ما در آستانهٔ سالگرد نماز جمعه هم هستیم و نماز جمعه امروز بی شباهت به نمازهای جمعه ای که در هفته های اول انقلاب شروع شد و آیت‌الله طالقانی اقامه نماز می‌کردند و جمع زیادی از همهٔ سلیقه ها در آن نمازها شرکت می‌کردند چنین است و ان شاءالله ما بتوانیم از این اجتماع امروز برای آیندهٔ بهتر کشورمان و حل مشکلاتمان

---

۱. سایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۴/۹، ساعت ۱۷:۳۴، کد خبر ۱۵۳۷.

و ایجاد وحدت و همدلی و همراهی و حرکت در جهت اهداف انقلاب اسلامی است که همان حرکت در جهت راهی است که پیغمبر اکرم (ص) از طریق آسمان برای ما آورده اند حرکت بکنیم. ان شاءالله با صبر و تحمل و هوشیاری این نتیجه به دست می آید.

من سه بخش اساسی در صحبتم دارم. بخش اول در توضیحی اساسی بر معیارهای اسلامی و اصول اسلامی است که این روزها احساس می شود دشمنان اسلام درصددند حقانیت اسلام را و صلاحیت مدیریت اسلام را در زمان ما زیر سؤال ببرند که البته موفق نمی شوند اما ما وظیفهٔ توضیح و تبیین داریم که این قسمت را در قالب مسئلهٔ بعثت عرض می‌کنم. چون ما در آستانهٔ حلول سالگرد بعثت پیغمبر اکرم (ص) هستیم و معمولاً خطبه را در این شرایط ما دربارهٔ آن موضوعات اساسی عرض می‌کنیم ضمن اینکه ادامه بحث‌های قرآنی هفته های گذشته مان هم هست. یادتان هست که من در خطبه های اول یکی دو سال اخیر دربارهٔ شکل گیری نظام بر اساس قرآن صحبت می‌کردم و رسیدیم در آن بحث‌ها از عبادت شروع کردیم و از عبادت به نماز رسیدیم و از نماز عبور کردیم به مسجد رسیدیم. دو خطبه هم دربارهٔ مسجد خواندم که ارتباطی با این خطبهٔ امروز من هم دارد یعنی هم ادامهٔ بحث‌های دو سال اخیر است و هم متناسب با بعثت پیغمبر اکرم (ص). سعی می‌کنم مختصر عرض کنم.

بحث دوم صحبتم انقلاب است که مردم برای آن جهاد کردند و امام راحل ما بنیانگذار و مؤسس بودند و اینهمه خون‌های مقدس پای این شجرهٔ مبارک ریخته شده. من بخشی از اهداف و اصول انقلاب رابرای نسل امروز عرض می‌کنم که بدانند ما از اول با چه نیتی شروع کردیم و به کجا می‌رویم و بحث سوم را می‌پردازم به مسائل روزمان و شرایطی که الآن در آن هستیم کمی این را توضیح می دهم و ان شاءالله راه کاری راه علاجی برای شرایطی که امروز در آن زندگی می‌کنیم عرض می‌کنم. البته اینها نظر خودم خواهد بود امیدوارم که بقیهٔ مسئولین هم روی همین مسئله فکر بکنند و راهی پیدا بشود که ما با همان ابهت وحدت و همدلی که آغاز کریم و پیروز شدیم و تا اینجا رسیدیم آینده را هم بتوانیم برای نسل های بعدی هم ترسیم بکنیم و بپیمایم. این اسکلت بحث‌های دو خطبهٔ من است.

از بعثت شروع می‌کنم. آیه‌ای که اول صحبتم خواندم آخر سورهٔ توبه است. پیغمبر(ص) را معرفی می‌کند و می‌فرماید: لقد جائکم رسول من انفسکم. یک فرستاده‌ای از سوی خدا آمد که از خودتان است یعنی از جنس بشر است و تودهٔ خود مردم است. دو سه صفت پیغمبر(ص) را رویش تکیه می‌کند.» عزیز علیه‌ما عنتم» از خودتان است. دوم این است که اینقدر به شما مهربان است که هر چه که بر شما مشکل است او هم برایش مشکل است و سخت است. یعنی مثل خود ما و خود شما در جریان زندگی شما در غم و شادی شما شریک است. «عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم» دنبال منافع و سعادت شماست. «بالمؤمنین رئوفٌ رحیم.» و قلبی دارد مملو از رأفت و رحمت برای نیروهای اسلامی که در خطهٔ تاریخ اسلام قرار می‌گیرند. این پیامبر است. من می‌خواهم عرض کنم شما یادتان است که من بحثم در آن خطبه ها این بود که نظام چگونه شکل گرفت. یکی از معجزات بزرگ پیغمبر(ص) در آن زمان این بود که موفق شد در آن دوران عجیب در یک منطقهٔ کاملاً جاهلی که یک مکتب خانه هم نبود و تعداد باسوادهایی که بنویسند و بخوانند به اندازهٔ تعداد انگشتان دست و پا بود تأسیس یک مکتبی را در آن جامعه داشته باشد که این مکتب بعد از ۱۴۰۰ سال هم امروز قوی ترین مکتب انسانی دنیا است و برای آینده تا قیامت هم باید همهٔ دنیا را اداره کند و این کار از یک انسان معمولی ظاهری درس نخواندهٔ تحصیل نکرده و بدون سابقه حکومت داری و بدون حرفه‌ای که دیگران در این راه داشتند با راهنمایی خدا که از طریق جبرئیل امین انجام می شد و با امانتی که در شخص خود پیغمبر(ص) بود که آن روز قبل از آمدن اسلام به نام امین در مکه شناخته می شد این شرایط را حضرت رسول اکرم (ص) داشتند و با این شرایط توانستند این کار عظیم را شکل بدهند. جریان هم خیلی معلوم است. در خطبه های قبل گفتم، در سیزده سالگی که در مکه بودند بیشتر به سازندگی کادر خودشان و نیروهای اصلی شان و دست اولشان پرداختند. چون آنجا اصلاً زمینهٔ کار حکومتی و اجتماعی وسیع نبود و اصول دینشان را و افکار الهی را و آنچه که لازم بود به این مردم تحویل دادند و بعد از آن در دو سال آخر راهشان به خارج از مکه باز شد و شهرت افکار پیغمبر(ص) به مدینه رسید. مدینه هم شهر کوچکی بود ولی

گرفتار اختلاف و تفرقه در جنگ داخلی بود. قبایل با هم می جنگیدند آنجا یهود نیرومند بودند اقتصاد و فرهنگ مدینه دست آنها بود. نصاری جریان بی زحمتی بود. مشرکین هم بودند. مردم بومی هم امیون به آنها می گفتند. اینها هم در جنگ داخلی اوس و خزرج و چندین قبایل دیگر زندگی بسیار تلخی داشتند. اینها از دور با افکار پیامبر آشنا شدند. در ایام حج در منا نمایندگانشان با پیامبر(ص) آشنا شدند. با ایشان مباحثه کردند. روشن شدند. مسلمان شدند. با پیغمبر(ص) بیعت کردند و نماینده‌ای از پیغمبر(ص) گرفتند دین را معرفی کند بردند و سال سیزدهم ۷۰ نفر از همهٔ قبائل آمدند برای بیعت با پیغمبر(ص). آن بیعت افکار حکومتی پیغمبر(ص) را مطالبات پیغمبر با مردم را مطالبات مردم از پیغمبر(ص) را در آن انسان می بیند. به هرحال، نتیجه این شد که در مدینه زمینه ای مهیا شد و پیغمبر(ص) با آن شکلی که مطلع هستید بعد از لیلةالمبیت فرار کردند و به مدینه رفتند و در قبا متوقف شدند و در انتظار آمدن علی ابن ابیطالب بودند و آنها خودشان را به پیامبر(ص) رساندند. مردم مدینه معمولا منتظر بودند هر روز در دروازهٔ جنوبی مدینه می‌ایستادند. منتظر بودند پیامبر(ص) به آنها برسد. پیامبر هم چشمشان به راه بود تا علی ابن ابیطالب (ع) برسد. در همین چند روزی که در قبا بودند اینجا مربوط می شود به بحث گذشته من. اولین کارشان این بود که پایگاه اساسی خودشان را مسجد قبا را ساختند و با آمدن علی (ع) و دوستان نزدیک دیگر حرکت به مدینه کردند. به محض ورود به مدینه اولین کارشان این بود که باز پایگاهی بسازند که با مردم سر و کار داشته باشد و مسجد را در مدت کوتاهی، اولا زمین حلالی پیدا کردند و با مشارکت مردم که مصالح می آوردند در مدت کوتاهی ساختند. خود پیغمبر(ص) مثل مردم دیگر در آوردن مصالح کار می‌کرد خانم ها شب مصالح می آوردند. آقایان روز مسجد می ساختند. البته مسجد به شکلی که ما حالا در ذهنمان هست نبود. دیواری نسبتاً کوتاه و سقفی با چوب و حصیر و زمینی با سنگ ریزه ها مفروش و در کنار آن هم چند حجره ساختند که پیغمبر و یاران نزدیکشان آنجا زندگی می‌کردند. آنجا پایگاه حکومتی پیغمبر(ص) بود و از این به بعد گروه گروه مردم مدینه می آمدند با پیغمبر(ص) بیعت می‌کردند. شرط خودشان را می گفتند. پیغمبر(ص) هم مطالبات خودشان را می گفتند

و در چنین شرایطی توانستند آن افکار اصیل اسلام را برای مردم توضیح بدهند. نتیجه این شد که زمینهٔ حرکت حکومتی پیغمبر(ص) همان سال اول در مدینه شکل گرفت. آنچه که رویش می شود تکیه کنیم از افکار اسلامی دو چیز است: یکی خدا و دیگری مردم و واسطهٔ مردم و خدا هم یک انسانی از جنس مردم که با مردم پیام را بیاورد.

شما قرآن را که نگاه بکنید کلمهٔ «الله» را در حدود ۳۰۰۰ مورد می بینید به کار رفته و کلمهٔ انسان و ناس در حدود ۴۰۰، ۵۰۰ مورد و مشتقاتش به کار رفته. اساس این است. یعنی پیامبر(ص) سروکارشان نه با زور بود و نه با قدرت. با مردم بود.

با مردم وفادار کشورشان را اداره کردند دشمنانشان را سر جای خودشان نشاندند و کار مهم‌ترشان ایجاد الفت و وحدت بود. پیغمبر(ص) اولین مسئله شان این شد که مدینه را متحد کند. با قبائل مدینه پیمان بست که آن پیمان خواندنی است. ان شاءالله آنها که اهل تحقیق هستند این پیمان ها را بخوانند، ببینید چی گنجانده شده. بعد به ادیان دیگر پرداخت. یهود آمدند. نصرانی ها آمدند. مشرکین آمدند و اگر ادیان دیگری مثل صابئین و مجوس هم بودند با آنها هم پیمان بستند. یک وحدت مثال زدنی در مدینه به وجود آمد. کار عمیق تری که کردند این بود که مسئلهٔ اخوت اسلامی را مطرح کردند پیمان برادری بین مسلمانها، بین مهاجر و انصار، بین افراد قبائل، احکام سختی هم این پیمان دارد. پیمان برادری، پیمان با احزاب، پیمان با فرق و ادیان دیگر، تبدیل کرد مدینه را به یک شهر متحد و نیرومند که در ظرف چند سال هفت هشت سال طول کشید که این مردم توانستند از یک شهرک کوچک تنه بزنند به امپراطوری های بزرگ دنیا. آن طرفشان امپراطوری روم بود و این طرفشان ایران بود و آن طرف تر حبشه بود. دورتر هم چین و هند و جاهایی بود. اروپا در آن زمان در قرون وسطی و وحشی گری زندگی می‌کرد. سابقهٔ نوع حکومتی که پیغمبر(ص) آورد اصلا وجود نداشت. قدرت ها بودند اما براساس زور و با تبعیض و فساد و تحمیل خواسته‌های خودشان مردم را مطیع خودشان کرده بودند. اما پیغمبر و اسلام این راه را بست. مبنای سازمانی انسانی جامعهٔ پیغمبر جامعهٔ مدینه این بود که تربیت مؤمن عالم متخلق به اخلاق الهی است و این سرمایهٔ اصلی بود. از لحظه‌ای که در آسمان باز شد، بعد از ۵۰۰ سال که بسته بود برروی

بشر، جبرئیل آمد در حرا و اولین کلمات خدا را بر قلب پیامبر نشاند. معیارها برای پیامبر و کسانی که بعد از او بودند روشن بود. سورهٔ علق را بخوانید. اقرأ باسم ربک الذی خلق - خلق الآنسان من علق - اقرأو ربک الاکرم - الذی علم بالقلم - علم الانسان مالم یعلم - کلا ان الانسان لیطغی - ان راه استغنی - در همین دو سه سطر افق حکومت آیندهٔ پیغمبر(ص) روشن شد. انسانی که به اینها توجه کند و خدای خالق که این قدر خالق و عالم است که از یک لختهٔ خون بسته انسانی را تولید می کند که این انسان عالم کبیر است و عالم صغیر در زمین شبیه همهٔ جهان. این آفرینش خداست. رب کریمی که به انسان قدرت فهم و نوشتن را داد.

الذی علم بالقلم . در جزیرةالعرب ارزش قلم چیزی نبود که کسی توجه کند. شروع کار این است که من دنبال انسانهای باسواد و تحصیل کرده و دانشمند هستم. بعد قدرت بزرگی که به دانش از همین کلمات بر می آید. دنبالش هم یک اخطاری می کند که همین انسانها اگر احساس بی نیازی بکنند و غرور آنها را بگیرد اینها اهل طغیان هستند.

اخطار می کند که شما در مقابل خودتان داوری دارید مثل خدا. ان الی ربک الرجعی.

هم در زمین وهم در آخرت. این داور با سنتی که دارد در بین شما به داوری عادلانه می پردازد و در قیامت هیچ چیز را از قلم نمی اندازد. مبادا متکبر بشوید مبادا غرور شما را بگیرد. مبادا بندگان خدا را ضعیف حساب بکنید. چون خدا داور است. خدا عمل می کند. هم به صورت سنتی و هم به صورت داوری خاص این از اولش. آیات دیگر آنچنان مسئله سواد و تحصیل و پیشرفت و توسعه را به رخ انسانها می کشد برمی گردد به داستان خلقت آدم آن روزی که خداوند خواست آدم را بیافریند و به ملائکه اطلاع داد مخلوق جدیدی می سازم ملائکه وقتی نگاه کردند به افقی که در اختیارشان بود دیدند در این آدم جنگ است خونریزی است. تعجب کردند و گفتند: شما که مخلوقی مثل ما دارید تقدیس می‌کنیم فساد نداریم چرا چنین مخلوقی را می سازید جوابی که خداوند به اینها می دهد می گوید: به خاطر علمشان و اثبات می کند که آدم از شماها عالم تر است و ملائکه قانع می شوند. ببینید. ابتدای خلقت ابتدای وحی پیغمبر(ص) صحبت دانش و علم است. انسانی که با این روحیه باید جلو برود. جامعه اسلامی این را نشان می دهد. وقتی می‌خواهد قسم

بخورد گاهی به آسمان گاهی به ماه گاهی به دریاها و منجمله به قلم سوگند می خورد. در جزیرة العرب قلم چه ارزشی داشت که در مقابل این مقدسات عظیم خداوند به قلم قسم بخورد. نون والقلم و ما یسطرون ... به نوشته ها و سطرهای نوشتهٔ انسان ها سوگند. وقتی به صراحت می گوید. لایستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون. انسان های عالم و جاهل را نمی شود در یک ردیف دید. فضیلت علم بالاتر است. از این چیزها خیلی فراوان است که پیغمبر(ص) دنبال چه جامعه ای بود. پیغمبر(ص) مواظب بود هیچ حقی از هیچ انسانی در قلمرو حکومتش و بین خود افراد ضایع نشود. این قدر مطلب داریم در اینجا که چند کتاب است و الحمدلله فراوان است و شما می توانید بخوانید. و آخرین حرکتی که خود پیغمبر(ص) در روزهای آخر عمرشان کردند برای ما مثل خیلی خوبی است. شاید چند ساعت از عمر پیامبر(ص) مانده بود که به کمک دیگران به زحمت از حجره به مسجد آمدند و ایستادند، یا نشستند روی پلهٔ منبر و به مردم فرمودند من آمدم از شما خداحافظی بکنم و به شما می‌گویم اگر وعده‌ای به شما دادم و عمل نکردم الآن بگویید. این خلف وعدهٔ من را نگذارید به آخرت بیفتد. اگر به کسی ستم کردم، کسی از من طلبی دارد مطرح کنید که من طلب را بپردازم. قیامت سخت است. من نمی‌خواهم مطالباتم به آخرت بیفتد.این شخصیت این چنین بنیانی گذاشت. ما امروز یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون انسان را عاشق این دین می‌بینیم و هر روز هم رو به توسعه است.

در دو آیه و در دو سوره خداوند بر وحدت تکیه کرده است. در سورهٔ آل عمران: واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقو و اذکروا نعمت الله علیکم ... به ریسمان الهی که همین دین است متوسل شوید. بر محور قرآن متحد شوید و متفرق نشوید و یادتان باشد که چقدر با هم متفرق بودید، می جنگیدید همدیگر را طرد می کردید، می کشتید، اسیر می گرفتید. خداوند به نعمت خودش دل های شما را به هم نزدیک کرد. اگر این نعمت را مراعات نکنید شما لب پرتگاه جهنم بودید. خداوند شما را نجات داد. مبادا کفران کنید. در سورهٔ انفال که باز فضای جنگی حاکم است می فرماید از نعمت های خدا این است که الّف بین قلوبهم. خداوند بین مسلمان‌ها الفت ایجاد کرد. بعد به پیامبر می فرماید: لو انفقت فی الارض جمیعاً ماالّفت بین قلوبهم ... اگر

سرمایهٔ زمین را جمع می‌کردی و می‌خواستی مردم را متحد کنی نمی‌توانستی. این کار خدا بود که دل اینها را به هم نزدیک کرد. با معیارهای دینی شما را متحد کرد.

پیامبر(ص) جامعهٔ متحدی ساخت در سایهٔ اتحاد. آن پیروزی های عظیم را کشف کرد، ولی روزهای آخر عمرشان پیامبر(ص) احساس کردند که دارد این سرمایه‌ها از دست می‌رود. احساس کردند که امتشان دارند دچار تفرقه می شوند و دارند به هم به صورت رقیب و دشمن نگاه می کنند. حتماً می دانید بعد از اینکه حادثهٔ غدیر بود و وصی خودشان را معرفی کردند. آنقدر پیغمبر ناراحت بودند که نزدیکی آخر عمرشان یک بار رفتند بقیع به اسم اینکه برای مردگان بقیع مغفرت از خدا بخواهند. آنجا که رفتند اول سلام کردند و خطاب کردند به اصحابی که آنجا خوابیده بودند فرمودند گوارا باشد بر شما که آرامش دارید. شما نیستید که ابرهای فتنه را ببینید برادرانتان و خواهرانتان را از هم جدا می کنند. اشک از چشمانشان جاری شد و بعد به بازوی ابن ابیطالب (ع) که همراهشان بود تکیه دادند، برگشتند و در راه گفتند که من احساس می‌کنم عمرم تمام شده و نگران این امت هستم. این الگوی همه بشریت است. این عملش بهترین نمونهٔ امت سازی و حکومت سازی و ادارهٔ ملت است. توانست از یک شهر کوچک دورافتادهٔ یثرب این قدرت را بسازد در ظرف مدت کوتاهی. همین پیغمبری که در جنگ احزاب گرفتار بود و همهٔ احزاب علیه او بودند و خندق می کند با مشورت حضرت سلمان. وقتی خودشان با تبر به سنگ‌ها می‌زدند که خندق بسازند و برقی جهید، فرمودند من در این برق کاخ کسری را دیدم، کاخ روم را دیدم. پیامبر با آن استحکام صحبت می‌کرد، ولی وقتی که بوی تفرقه را دید و دید که آنها افتاده اند به جان هم، آمد به مرده ها بشارت داد که آنها وضعشان خوب است و گوارا باشد برای شما، وضع ما دارد بد می شود و می دانید که اتفاقاتی افتاد و چه شد. این پیغمبر(ص) با این عظمت در مدت کمتر از ۱۰ سال این بنیان عظیم را ساخت و ما براساس این بنیان انقلابمان را شروع کردیم. ما متناسب با روز همان کاری که پیغمبر(ص) می‌کردند و توجهی که داشتند آوردیم در اصولمان و قانون اساسی مان و راهی که انتخاب کرده بودیم. من امروز در خطبهٔ دوم خواهم گفت که ما وظیفه داریم سرمایهٔ عظیمی که در

کنار این درخت تنومند خون صدها هزار انسان بزرگوار ریخته آبیاری کرده و صدها هزار جانباز دارند رنج می‌برند و دهها هزار انسان عمرشان را در زندان‌ها می گذراندند، این یک سرمایهٔ ارزان و آسانی نبوده که دست ما رسیده و ما حقیقتاً باید فکر کنیم. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

خطبهٔ دوم

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خطیب جمعهٔ تهران در خطبهٔ دوم نماز با اشاره به سالروز شهادت امام موسی کاظم علیه السلام طی سخنانی اظهار داشت: کاظم یعنی کسی که غم و اندوه خودش را می خورد و کظم غیض می کند و صابر کسی است که دائماً در مقابل مصیبت صبر می کند و استقامت نشان می دهد و اینها از القاب مشخص امام هفتم است که داشته اند. چند خلیفه به ایشان ستم کردند اما بالاخره هارون الرشید ایشان را تبعید کردند به بصره و بعد به بغداد و سال‌ها در منموره‌ها یعنی زیرزمین‌های تاریک و نمور و گرم در بغداد ایشان را در اسارت گرفتند و با غل و زنجیر حضرت را و تنهایی. به پای ایشان زنجیر می بستند ولی حضرت موسی بن جعفر اظهار خوشحالی می‌کردند و می گفتند که همهٔ عمرم از خدا خواسته بودم که فراغت عبادت به من بدهد و این وعده‌ای که خدا به ما داده بود دعای ما مستجاب شد و امروز می توانیم همهٔ وقتمان را صرف عبادت کنیم و بالاخره در همین شرایط این بزرگوار به شهادت رسیدند که خداوند ان شاءالله به همهٔ ظالمین و جنایاتی که می کنند در دنیا و آخرت عقابش را نازل کند و به همهٔ مظلومین و آنهایی که در راه حق به ظلم مبتلا می شوند خداوند صبر و اجر عنایت نماید.

اما تسلیت عرض می‌کنیم به همهٔ انسان‌های شیفتهٔ حق و به شما عزیزان پیروان این بزرگواران معصوم و مظلوم.

مسئله دیگر ما به‌طور مختصر مسئله کشتار مسلمانان در چین است که روزهای تلخی می گذرد بر مسلمانان چین و من در اینجا به دولت چین عرض می‌کنم دولت چین انتظار از

او می‌رود که بتواند در مقابل مظالمی که به این مردم وارد می شود صبر کند. (شعار مرگ بر چین نمازگزاران)

در این لحظه آقای هاشمی رفسنجانی خطاب به نمازگزاران گفت: آقایان من خواهش کردم به عنوان خطیب شما و جمعهٔ شما شعار ندهید و من در خطبه های خود به خاطر شرایطی که می‌دانید در اینجا و اطراف خیابان‌ها و کل این منطقه است خواهش می‌کنم شعار ندهید و بگذارید من که دارم می‌گویم مسئله چین را. ما از دولت چین که آن‌را یک دولت عاقلی می‌دانیم و در جهت توسعه کشورش دارد کار می کند ما نصیحت می‌کنیم و برادرانه نصیحت می‌کنیم و این به نفع آنها نیست. اینها می دانند یک میلیارد و ششصد میلیون مسلمان در دنیا هست و نزدیک ۶۰ کشور مستقل وجود دارد که در همهٔ دنیا مسلمانان حالا هویت و شخصیت دارند و همهٔ اینها دلشان مرتبط با مسلمانانی که امروز در چین مورد ستم قرار می‌گیرند. چین ملاحظه کند. منافع خودش را، ارتباط خودش را با دنیای اسلام با دولت‌های مسلمان در نظر بگیرد و ان شاءالله ما از این به بعد شاهد چنین ظلمی در چین و جاهای دیگر نسبت به مسلمانان نباشیم. مسائل عراق و فلسطین و افغانستان و پاکستان هم متأسفانه مثل هفته‌ها و ماه‌های گذشته است که آنجا خونریزی و فساد و درگیری است که ان شاءالله روزی اصلاح شود.

اما مسئله خود ما و بحث‌هایی که دربارهٔ خودمان بخواهیم بکنیم که گفتم این قسمت دوم یا سوم حرف‌های من است. خب، الحمدلله در انتخاباتی که انجام شد و تمام شد ما خیلی خوب شروع کردیم رقابت خوبی شکل گرفت. مقدمات خوب انجام شد. یک رقابتی بود که چهار نفری که از نظر شورای نگهبان صالح تشخیص داده شده بودند آمدند رقابت کردند. رقابت را هم خوب انجام می دادند و مردم امیدوار شدند و آزادی کامل در انتخابات و حضور بی سابقه ای واقعاً از خودشان نشان دادند و در این شرایط که همه چیز آماده یک افتخار بزرگ برای کشور ما بود، که این افتخار را ما باید به مردم بدهیم، یعنی این حق مردم است و مردم بودند که خوب آمدند و رکورد حضوری پای صندوق‌ها را مردم شکستند و باید همهٔ ما از این مردم متشکر باشیم که در این زمانی که هیچ کشوری به این

اندازه نصاب حضور مردم را ندارد آزادانه آمدند و در انتخابات شرکت کردند و این بسیار ارزشمند بود. ای کاش همان شرایط تا امروز ادامه می یافت و امروز ما سربلندترین شرایط را و نتیجهٔ انتخابات هم هر چه می‌خواست باشد و در دنیا می توانستیم داشته باشیم، ولی آن طوری که می‌خواستیم نشد، که حالا من عرض می‌کنم، اساس مسئله این است که من گفتم ما چه می‌خواستیم، گفتم که قسمت دوم این است که بگویم انقلاب چه می‌خواهد. شما این حرف هایی که از من می شنوید از کسی دارید می شنوید که از پیش و لحظهٔ شروع مبارزات که امام راحلمان آغاز کردند لحظه لحظه همراه انقلاب بوده و صحبت از ۶۰ سال پیش است و تا امروز. ما می دانیم که امام چه می‌خواستند و می دانیم که اساس تفکر امام چه بود. امام حتی در مبارزاتشان وقتی پیشنهادی می آمد که مثلا از اسلحه استفاده بشود از ترور استفاده شود و یا با فلان حزب همکاری کنیم امام می فرمودند آنچه که من می‌خواهم مردم‌اند. شما هر چه می توانید کار کنید تا دل مردم را با مبارزات آشنا کنید و به ما طلبه ها می فرمودند که شماها رسالتتان این است که بروید منبر و مسجد و حسینیه ها و روستاها بروید و توضیح بدهید که ماها چه می‌خواهیم. مردم اگر همراه ما باشند ما همه چیز داریم. مخالفتی نمی کردند که گروه ها و احزاب هم مبارزه کنند ولی آنی که انقلاب اسلامی بود همان راه پیغمبر بود که اول مردم را با میل خودشان و اختیار خودشان و اعتقاد خودشان پای کار بیاورند. این هنر بزرگ امام بود که موفق هم شدند. کمتر از ۲۰ سال طول کشید که مردم آنچنان آگاه شدند. خب، هزینه‌ای هم پرداختیم. شهید دادیم، زندانی دادیم، تبعید امام را داشتیم و خیلی چیز داشتیم، ولی سودمان خیلی بیشتر بود. مردم آنچنان آگاه شدند که شما و آنهایی که سنشان اقتضا می کند می دانند که یکی دو سال آخر مردم چطور به خیابان ها آمدند و همین خیابان های پر از نیروهای حامی امام و معتقد و همراه امام کمر دولت بسیار مغرور و متکبر رژیم پهلوی را که آن موقع از ارتجاع و شرق و غرب کمک می‌گرفت و به‌خاطر گران شدن نفت هم انبار پولش پر بود و هر کاری که می‌خواست می‌توانست بکند، ولی این مردم آمدند و آنچنان ابهت مردم آنها را گرفت که ول کردند و رفتند و این طور پیروز شدیم.

بعد از انقلاب هم ما با امام تقریباً روزانه کار می‌کردیم. امام مبنای فقهیشان همه چیزشان این بود که حکومت اسلامی بدون حضور مردم نمی‌شود. اگر مردم راضی نباشند این حکومت انجام نمی‌شود و یک روایتی من از زبان امام شنیدم. آن موقع نپرسیدم که سندش کجاست. بعداً خودم رفتم و سندش را پیدا کردم. روایت جالبی است که مبنای استدلال امام بود. البته خیلی بیش از اینهاست. ایشان هم منابع فقهی و قرآنی فراوان دارند و این روایت هم خیلی صریح است و نقشی که امام به مردم می‌دادند و من آن روایت را یادداشت کردم و از کتاب *کشف المعجم* سید ابن طاووس که یکی از علمای بسیار باارزش قرن هفتم ماست و شخصیت بسیار عظیمی است. خواهش می‌کنم به این روایت توجه کنید. این مبنای تفکر، نه اینکه این فقط ... این صریح ترین روایت است که خود حضرت علی بن ابیطالب می فرماید یک روز پیغمبر در همان روزهایی که عرض کردم پیغمبر مغموم و نگران آینده بود در سال آخر عمرش آن را به علی بن ابیطالب گفته. یا بن ابی طالب لک و لا امتی. این بعد از غدیر است، یعنی تو ولی این امت هستی و ولایت مال توست. چیزی که خدا به تو داده است. بعد می فرماید: فان ولوک فی عافیه و اجمعوا علیک بالرضا فقم بامرهم. اگر دیدی این مردم راضی بودند و آمدند تو را قبول کردند به تو این سمت را دادند با اجماع، البته اجماع نسبی است، تام نمی شود. یعنی به اندازهٔ کافی و لااقل اکثریت آنها جمع شدند دور شما، اگر آمدند شما بپذیر و متولی امر شو و کارشان را اصلاح کن و ادامه بده و قسمت بعدی می‌گوید و ان اختلفوا علیک. اگر دیدی اختلاف کردند و نیامدند آن مقداری که باید بیایند با تو و ان اختلفوا علیک فدعهم. ولشان کن بما فیه بگذارند کاری که می‌خواهند بکنند بکنند. خودشان می دانند. و ان الله سیجعل لک مخرجا. و خداوند برای تو راهی پیدا می کند که به اهدافت برسی. این روایت از روایات معتبر است. ناقل آن هم و سند معتبری را هم ارائه می کند سید بن طاووس، نه اینکه ما فقط این روایت را داریم بلکه خیلی داریم. کتاب داریم. کتاب ها داریم و من فقط یک روایت صریحی را خواندم. مبنا این بوده. مبنای حکومت پیغمبر این بوده که ما در جمهوری اسلامی بناشد این کار را بکنیم. بنا شد با این مردم باشیم و این مردم هم خیلی خوب آمدند و بر اساس همین تفکر

امام روزی که امام مهندس بازرگان را به عنوان رئیس دولت موقت معرفی کردند ما هنوز دولت را تحویل نگرفته بودیم و هنوز بختیار اینجا بود و آن دولت داشت و امام آنقدر عجله داشتند که کارها را به مردم بدهیم و در حکمی که به مهندس بازرگان دادند و من آن را خواندم، شما ببینید همان روز ایشان می گوید اولویت شما این است که اولا دورهٔ شورای انقلاب را کوتاه کنید یعنی زودتر مجلس را تشکیل دهید و قانون اساسی را بنویسید؛که از آن به بعد مردم با قانون اساسی جدید زندگی کنند و وقتی که قانون اساسی را تهیه می‌کردیم قبل از اینکه به مجلس خبرگان بدهیم امام روی آن نظر دادند و آن اصولی که مربوط به مردم می شد ایشان تقویت کردند. شوراها را دیگران مطرح کرده بودند، اما امام آنها را تقویت کردند و کار را به مردم دادند. بعداً ما وقتی کشورهای دیگر را می دیدیم آنها می گفتند ما تعجب می‌کنیم. الجزایر می گفت ما بیست سال بعد از انقلابمان قانون اساسی را نوشتیم و شما چطور به این زودی و نسنجیده می‌روید این کارها را انجام می دهید و ما می گفتیم چون با قدرت مردم پیروز شدیم و می‌دانیم این مردم از انقلابشان و از دینشان حمایت می کنند نگرانی نداریم و درست هم بود. شماها می دانید که از لحاظ قانون اساسی همه چیز کشور ما به رأی مردم است. از رهبری بگیرید که باید مردم خبرگان را انتخاب کنند یعنی مخلوق رأی مردم. رئیس جمهور را مردم باید مستقیم انتخاب کنند. مجلس را باید مردم مستقیم انتخاب کنند و مردم باید اعضای شوراها را مستقیم انتخاب کنند و افرادی که بعد از اینها سمت می‌گیرند به اتکا رأی مردم است. یعنی این مردم هستند و این حکومت دینی است این جمهوری اسلامی یک لفظ تشریفاتی نیست. هم «جمهوری» است و هم «اسلامی» است. (تکبیر نمازگزاران)

جمهوری اسلامی یک لفظ نیست بلکه یک واقعیتی است که از عقاید ما از قرآن ما از روایات ما و از ائمهٔ ما و از پیغمبر ما به ما رسیده و ما به آن اعتقاد داریم و این دو تا باید با هم باشد. مطمئن باشید که اگر یکی از این دو تا آسیب ببیند ما دیگر آن انقلاب را نداریم. اگر «اسلامی» نباشد اصلا داریم به بیابان و بیراهه می‌رویم و اگر «جمهوری» نباشد اصلا قابل تحقق نیست. آنجایی که مردم نباشند، رأی مردم نباشد، آن حکومت اسلامی نیست

و به همان دلیل که عرض کردم و به همان دلیل که علی بن ابیطالب نوزده سال خانه نشین بود و وقتی که دوباره مردم آمدند و به قول علی بن ابیطالب مثل یال اسب و موهای یال اسب در خانه اش تراکم جمعیت بود، آن موقع علی بن ابیطالب پذیرفت و می پذیرد با آن مشکلاتش و راه ما این بوده و ما باید به اینجا برسیم و روز به روز هم باید آن را تقویت کنیم و این انتخاباتی که انجام دادیم اگر مشکلاتی در آن پیش نمی آمد ما در سی سالگی انقلاب بهترین گام بزرگمان را در جهت تحقق اسلامی برمی داشتیم. من الآن نمی‌خواهم بگویم برنداشتیم می‌خواهم بگویم چرا این طور شد. آنچه که من می فهمم و راه حل از توی آن می‌خواهم در آورم این است که اواخر دوران تبلیغات ما دچار تردید شدیم، یعنی یک عده افرادی پیدا شدند تردید کردند و بذر تردید، حالا به هر دلیل یا تبلیغات نادرست یا عمل نادرست صدا و سیما و یا چیزهای دیگر، باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید. (تکبیر نمازگزاران.) ما تردید را بدترین مصیبت می دانیم. (آقای هاشمی در این لحظه گفت که آقایان اجازه بدهید. من که بهتر از شما دارم می‌گویم و شما با شعار تأیید کافی است.)

این تردید مثل خوره افتاد به جان ملت ما. البته دو جریان هستند: یک جریان که تردید ندارند و قاطع هم ایستاده اند و دارند کار خودشان را می کنند و یک عده هستند که آنها هم کم نیستند و بخش زیادی از مردم فهیم کشور ما، عالم کشور ما، هستند و می گویند که ما تردید داریم و برای رفع تردید اینها باید کار کنیم. امروز الآن تلخ است، یعنی شرایطی که بعد از اعلام نتایج انتخابات (ریاست جمهوری) پیش آمد دوران تلخی است و من فکر نمی کنم هیچ کس از همهٔ جریانات، همه دلشان نمی‌خواست این طوری شود و الآن همه ضرر کردیم که چرا این طور باید بشود. ما امروز بیشتر از همیشه نیاز به وحدت داریم کشورمان باید متحد در مقابل این همه خطری که ما را تهدید می کند و امروز باج خواهی آنها بیشتر شده و دارند جلو می آیند که این زحمت طولانی ما را در به دست آوردن های تک ها و به خصوص هسته ای و امثالهم را از دست ما بگیرند که البته خداوند به اینها مهلت نمی دهد. ولی آنها به هوس افتاده اند و من فکر می‌کنم، برادران من خواهران من و همهٔ جریان ها، بنده را شما اولاً می شناسید. من هیچ وقت از این تریبون نخواسته ام جناحی استفاده کنم و همیشه فراجناحی حرف زده‌ام و

من نظر به هیچ طرف الآن ندارم، ولی نظرم این است که همهٔ ماها باید فکر کنیم و راهی پیدا کنیم که متحد هم کشورمان را به پیش ببریم و هم از این آثار بد و خطرناکی که در کینه هایی که دارد بروز می کند از این نجات پیدا کنیم و هم دشمنانمان را مأیوس کنیم که چشم طمع به ما نبندند. چه کار باید بکنیم تا این اتفاق بیفتد.

چند تا پیشنهاد به ذهن من می‌رسد که البته این پیشنهادها را با جمعی از خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که به فکرشان من اعتماد دارم مطرح کردم و به اینجا رسیدیم و من اینها را عرض می‌کنم به عنوان راه حل. شاید دیگران هم بپذیرند و عمل کنند و ان شاءالله که با اخلاص مسئلهٔ مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد و امروز یک مقدار مخدوش شده، ما این اعتماد را برگردانیم و این هدف مقدس ما باید باشد و این اعتماد باید برگردد و اینکه چگونه برگردانیم را حالا عرض می‌کنم.

یک: ما باید همه، چه نظام حکومت دولت مجلس نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی و مردم یعنی معترضان، همه باید در چارچوب قانون حرکت کنیم. ما اگر از قانون تجاوز کنیم دیگر هیچ مرزی ندارد. و باید با قانون مسائلمان را حل کنیم و همه قانع باشیم. حالا هرچه شد با این قانون حالا اگر کسانی از بعضی قوانین دل خوشی ندارند باید بعداً سعی کنند که قوانین اصلاح شود و هر وقت که لازم است این اشکالاتی که دیده شده یکروزی حل می شود ولی بیاییم چارچوب را قانون قرار دهیم و همه آن را بپذیرند.

دوم: اینکه به گونه ای عمل کنیم که آن اعتماد را البته یک روز و یک شب نمی شود و یک جریان نسبتاً طولانی است و باید انجام بدهیم باید یک فضایی به‌وجود بیاوریم که همهٔ اطراف بتوانند آنجا حرفشان را بزنند و هر طرف منطقی و بدون دعوا و بدون مشاجره و منطق حاکم باشد. البته عمدهٔ این کار مال صدا و سیماست که باید انجام بدهد که مستمعین زیادتری دارد و سایر رسانه ها هم باید این کار را بکنند و بحثها باید منطقی باشد برادرانه خواهرانه بنشینند با هم حرف بزنند و دلیلش را بگوید و آن هم دلیلش را بگوید و بالاخره مردم در این بین خودشان می فهمند و آخرش هم می توان از مردم پرسید و طوری باشد

که ما این اعتماد را برگردانیم. متأسفانه از این فرصتی که رهبری انقلاب دادند به شورای نگهبان، پنج روز وقت اضافه دادند و گفتند که بروید عقلا را و موجهین را بیاورید بررسی کنند و اعتماد مردم را جلب کنیم، استفاده خوبی نشد و من هم الآن نمی‌خواهم بگویم تقصیر کی بود که نشد ولی نشد. (تکبیر نمازگزاران)

ما حالا از آن مرحله گذشته ایم و الآن مرحلهٔ دیگری است و من فکر می‌کنم برای آینده و برای اتحاد ما و برای جلوگیری از خطر نظام و برای حفظ این ارزش‌هایی که انقلاب خلق کرد، برای این بنای باشکوهی که امام راحل و خون شهدا و مجاهدات مردمی که در این راه تلاش کردند و رزمندگان ما برای ما مانده برای نسل سوم و چهارم و بعد بماند، در این مقطع ما می توانیم این حرکات را انجام دهیم و اگر این دو کار را بپذیریم که قانونی باشد و راه برای مناظره و مذاکره و مباحثه و استدلال باز باشد شاید در مدت کوتاهی به قناعت برسیم. در این فاصله باید یک کارهای دیگری بکنیم. لازم نیست در این شرایط ما افرادی را که به این نامی که الآن هست در زندان داشته باشیم. اجازه بدهیم اینها به آغوش خانواده‌هایشان بازگردند. (تکبیر نمازگزاران)

نگذاریم به خاطر زندانی بودن یک عده دشمنان ما ما را سرزنش کنند، شماتت کنند، به ما بخندند، برای ما نقشه بکشند و ما این قدر باید خودمان رشادت، حلم و صبر داشته باشیم که همدیگر را تحمل کنیم و مسئله بعدی ما این است که آسیب دیدگان این حوادثی که اتفاق افتاد باید همدردی و دلجویی بشود. آنهایی که عزادارند هم به آنها تسلیت بدهیم و هم دل آنها را دوباره با نظام نزدیک کنیم و این کار شدنی است. کسانی که وفادار به انقلاب باشند و ببینند که نظام به سراغشان می‌رود آنها زود می توانند با دل و جانشان با ما همراهی کنند و این کار را باید انجام دهیم و از آنان دلجویی کنیم و با سعهٔ صدر. اینجا دیگر لازم نیست که ما عجله داشته باشیم. لازم نیست در اینجا خودمان را گرفتار کنیم. بگذاریم رسانه هایمان بالاخره این رسانه ها با معیارهای قانونی اجازه گرفته اند محدودشان نکنیم و در حد قانون زیرا ملاک و چارچوب قانون است که نه رسانه ها انتظار داشته باشند بیشتر از اجازهٔ قانونی عمل کنند و نه نظام از آنها توقع کند که حق قانونی آنها را ندیده بگیرند و همه با هم بگذاریم یک فضای آرام

آزاد انتقادی یا تأییدی هر دوی آن به‌وجود بیاید و من فکر می‌کنم اگر این فضا را مسئولان ما و نیروهای انتظامی ما و نظامی ما و امنیتی ما انجام بدهند ما همه عضو یک خانواده هستیم و همه آسیب دیده در راه انقلاب هستیم و همه جزو کسانی هستیم که در این جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کردیم و همهٔ ما شهید در گلزارهای شهدا داریم. همهٔ ما جانباز در منزل خودمان داریم. چرا باید یکجوری باشد که دیگران از راه‌های دور بیایند و برای ما نسخه بپیچند. ما خودمان هستیم. یعنی ما این قدر عاقل نیستیم؟ ما این مبانی را نداریم؟ ما تجربهٔ سی سال اداره کشور را نداریم؟ ما علما را نداریم مراجع ما که همیشه پشتیبان و حقیقتاً بدون توقع حوزه‌های علمیه در خدمت بوده‌اند، چرا باید بعضی از آنها برنجند؟ باید آنها را کنار خودمان حفظ کنیم. باید آنها را پشتیبان بدانیم. باید به آنها متکی باشیم. همهٔ ما و این یکپارچگی را اگر ان شاءالله بتوانیم فراهم کنیم من امیدوارم این خطبهٔ نماز جمعه شروع یک تحولی در آینده باشد و بتوانیم از این مشکلی که می شود اسم بحران روی آن گذاشت متأسفانه به‌خوبی عبور کنیم و دوباره شاهد همدلی و همرزمی و همراهی و رقابت سالم و هر کسی را که مردم خواستند آن طور باشد. (شعار هاشمی هاشمی خدا نگهدار تو نمازگزاران.) خداوند شما را هم نگهدارد و به شما توفیق بدهد که محفوظ باشید و همیشه با همین روحیه در صحنه باشید. از شما خیلی ممنون هستم.[1]

حاشیه‌های خبرنگار فارس از نماز جمعه تهران در ۸۸/۴/۲۶

ـ در نماز جمعهٔ امروز تهران چهره هایی چون امامی کاشانی، علی اکبر ناطق نوری، مهدی کروبی، حسن روحانی، علی فلاحیان، مجید انصاری، محسن رضایی، میرحسین موسوی، محمد هاشمی، علیخانی، میرمحمدی، باهنر، مرتضوی و علی رازینی حضور داشتند.

ـ عدم حضور سیدمحمد خاتمی در نماز جمعهٔ امروز تهران باعث شکایت حامیان موسوی شده بود. آنها می گفتند چرا باید خاتمی در برهه های حساس جاخالی دهد.

---

۱. متن کامل خطبه های نماز جمعه ۲۶ تیر ماه از روی سایت شخصی آقای هاشمی رفسنجانی گرفته شده است. فیلم کامل خطبه ها هم بر روی سایت شخصی ایشان قرار گرفته بود که بعد از مدتی از روی سایت برداشته شد.

ـ حدود ۴۰ زن با چادرهای سبز در نماز جمعه امروز حضور داشتند.

ـ برخی طرفداران موسوی نماز را به امامت هاشمی اقامه نکردند و فقط تماشاچی نمازگزاران بودند. در هنگام اقامهٔ نماز، تعدادی از حامیان موسوی دست‌های خود را که روبان‌های سبز به آنها بسته شده بود، به بالای سرهای خود برده بودند.

ـ گرمای حدود ۴۰ درجهٔ هوا باعث شد برخی حامیان موسوی، قبل از اذان ظهر، محل نماز جمعه را ترک کنند.

ـ حضور خبرنگاران خارجی در اطراف دانشگاه تهران و مصاحبه آنها با حامیان موسوی قابل توجه بود.

ـ هنگامی که مجری نماز جمعه از هاشمی رفسنجانی برای ایراد خطبه‌های نماز جمعه دعوت کرد، برخی افراد با سوت و کف از هاشمی رفسنجانی استقبال کردند و شعارهای «هاشمی، هاشمی، حمایتت می‌کنیم» و «هاشمی، هاشمی، سکوت کنی، خائنی» سر می‌دادند.

ـ یکی دیگر از نکات نماز جمعه این هفته تهران، حضور نمازجمعه اولی‌ها بود که بعضاً اصول اولیه نماز را نمی‌دانستند و با دیگر نمازگزاران هماهنگی لازم را نداشتند.

ـ برخی هواداران موسوی در خیابان‌های اطراف نماز جمعه از جمله خیابان انقلاب، قدس و طالقانی حضور داشتند و دائماً شعارهای «الله‌اکبر»، «یاحسین، میرحسین»، «هاشمی زنده باد، موسوی پاینده باد»، «ما اهل کوفه نیستیم، پول بگیریم بایستیم»، «درود بر خمینی، سلام بر موسوی»، «ایرانی می‌میرد؛ ذلت نمی‌پذیرد»، «هاشمی، هاشمی، سکوت کنی خائنی»، «مرگ بر روسیه»، «مرگ بر چین» سر می‌دادند. این افراد همچنین تصاویری از مرحوم طالقانی و میرحسین موسوی در دست داشتند.

ـ برخی از هواداران موسوی که به توصیه‌های هاشمی گوش نمی‌کردند، مقابل درب شرقی نماز جمعه حضور داشتند و سرود «یار دبستانی من» را می‌خواندند.

ـ برخی از هواداران موسوی که به‌دنبال تخریب و درگیری و آشوب بودند و از ترس مردم صورت‌های خود را پوشانده بودند، دیگر هواداران موسوی را به شکستن درب دانشگاه و ورود به محوطهٔ این دانشگاه و ایجاد آشوب و بلوا ترغیب می‌کردند. اما تلاش

آنها ثمری در پی نداشت.

ـ محمد هاشمی نیز مچ بند سبزی به دست خود بسته بود و دو انگشت خود را به نشانهٔ پیروزی به سمت هواداران موسوی گرفته بود.

ـ مهدی کروبی از ابتدای سخنرانی پیش از خطبه ها در نماز جمعه شرکت و در جایگاه حضور پیدا کرده بودند.

ـ هادی غفاری و محسن رضایی در بین هواداران موسوی حضور پیدا کردند. برخی افراد مشکوک مهدی کروبی و هادی غفاری را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

ـ هنگام ورود هاشمی رفسنجانی به دانشگاه تهران، حامیان موسوی با تجمع مقابل درب دانشگاه مانع ورود هاشمی به دانشگاه شده بودند. به همین دلیل و برای پراکنده کردن این افراد و تسهیل در ورود هاشمی به دانشگاه، نیروی انتظامی گاز اشک‌آوری به سمت این افراد پرتاب کرد و آنها را پراکنده کرد. در این بین ماشین‌های تیم حفاظت هاشمی رفسنجانی مورد حمله هواداران موسوی قرار گرفت و صدمه دید.

ـ از ابتدای سخنان سیدرضا تقوی برخی از هواداران موسوی در قالب گروه های پنج و شش نفره وارد دانشگاه تهران شدند و پس از ورود مچ بندهای سبز خود را به دست گرفته و با علائم و نشانه های مشخص به سمت درب اصلی دانشگاه رفتند. این تعداد از هواداران موسوی بعد از دقایقی که جمعیت شان به ۲۰ تا ۳۰ نفر رسید، به سمت قسمت‌های شمالی دانشگاه حرکت کردند و در بین راه که با جمعیت نمازگزار نشسته در خیابان روبه رو شدند، از آنها نیز درخواست همراهی کردند که با مخالفت نمازگزاران این حرکت ناکام ماند.

ـ هواداران موسوی در درون دانشگاه تهران که با علائم مشخص قابل شناسایی بودند، در اطراف جایگاه ایستاده بودند و در بین سخنان سیدرضا تقوی به صورت مداوم و با سر دادن شعارهایی در حمایت از موسوی و هاشمی در صدد برهم زدن نظم نماز جمعه بودند. که تقوی بی اعتنا به آنها سخنان خود را ادامه داد.

ـ با پایان یافتن خطبه های هاشمی رفسنجانی، جمعی از حامیان موسوی، مواضع وی را سازشکارانه خواندند.

ـ برخی حاضران در نماز جمعه به خبرنگار فارس گفتند از دانشجویان دانشگاه آزاد قزوین، گرمسار و ورامین هستند که به نماز جمعه آورده شده اند.

ـ بسیاری از سخنان هاشمی رفسنجانی با استقبال هواداران موسوی و شعارهای «الله اکبر» و «هاشمی، هاشمی، حمایتت می‌کنیم» همراه می شد. اظهارات هاشمی مبنی بر اینکه «خداوند تمامی ظالمین را در دنیا و آخرت عقاب کند و همهٔ مظلومین و آنهایی را که در راه حق به ظلم مبتلا می شوند، صبر و اجر عنایت کند» با سوت و کف هواداران موسوی مواجه شد، این موضوع در خصوص اظهارات هاشمی در خصوص کشتار مسلمانان در چین نیز تکرار شد و این افراد ضمن کف و سوت زدن، شعار «مرگ بر چین» سر دادند.

ـ در ابتدای خطبهٔ دوم نماز جمعه، میر حسین موسوی در ساعت ۱۳:۳۵ و با شرایط ویژهٔ حفاظتی وارد دانشگاه تهران شد و از درب مسئولین به جایگاه رفت. در این هنگام برخی از هواداران وی که در آن محوطه حضور داشتند، بدون توجه به سخنان هاشمی رفسنجانی شروع به سر دادن شعار «درود بر موسوی» کردند که در مقابل این اقدام، نمازگزاران نیز شعار « مرگ بر منافق» سر دادند. موسوی پس از ۲۰ سال در نماز جمعه شرکت می‌کرد.

ـ یکی از فرزندان مهدی کروبی که قصد ورود به جایگاه ویژهٔ مسئولین را داشت به جر و بحث با مسئولین حراست پرداخت و در نهایت نیز اقدام به درگیری فیزیکی کرد که با وساطت مسئولین مربوطه این مسئله حل شد.

ـ در قسمت‌هایی از خطبه ها، سخنان هاشمی رفسنجانی با شعارهای مردم برای لحظاتی قطع می شد که هاشمی از آنها می‌خواست تا اجازه دهند، خطبه های نماز جمعه ادامه دهد.

ـ هاشمی رفسنجانی در بخشی از سخنانش اظهار داشت: «آنچه من می فهمم و راه حل از آن بیرون می آورم این است که اواخر دوران تبلیغات دچار تردید شدیم، یعنی افرادی پیدا شدند که تردید کردند و هر دلیلی اعم از تبلیغات نادرست و یا عمل نادرست صدا و سیما و یا چیزهای دیگر باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید و ما تردید را بدترین مصیبت می دانیم» که در این لحظه از سخنان هاشمی، هواداران موسوی شعار «الله اکبر» سر دادند

و هاشمی نیز در واکنش به این شعارهای نمازگزاران اظهار داشت: «اجازه بدهید، من که بهتر از شما می‌گویم. ول کنید.»

ـ با پایان خطبهٔ دوم و پیش از آغاز نماز وحدت بخش جمعه، بیشتر هواداران موسوی که در طول ایراد خطبه های نماز جمعه توسط هاشمی رفسنجانی، در محوطه دانشگاه ایستاده و با شعارهای خود قصد ایجاد ناآرامی داشتند، بدون اقامه نماز جمعه از دانشگاه تهران خارج شدند.

ـ جمعی از حامیان موسوی که تعداد آنها حدود ۷۰۰ نفر بود، پس از پایان نماز جمعه به‌سمت میدان انقلاب و سپس بلوار کشاورز و میدان ولی عصر راهپیمایی کردند.

ـ زهرا رهنورد به همراه تعدادی از همسر افراد بازداشت شده درآشوب‌های اخیر، در نماز جمعه امروز شرکت داشتند.

ـ برخی حامیان موسوی از جمعیت اندک هواداران موسوی در نماز جمعه تهران به‌شدت شاکی بودند.

ـ پس از پایان خطبه های نماز جمعه نمازگزاران، نمازرا به امامت هاشمیرفسنجانی اقامه کردند. نکتهٔ قابل توجه اینجا بود که هواداران موسوی که در خیابان قدس حضور داشتند، بدون اینکه به صفوف نماز اتصال داشته باشند و همچنین در قالب گروه های چند نفره و با فاصله های زیاد از هم و گاهیً مختلط، نماز خود را خواندند.

ـ بعد از اقامه نماز جمعه میرحسین موسوی در حالی که با شعارهای «درود بر موسوی» اندک هواداران باقی مانده خود بدرقه می شد، در ساعت ۱۴:۰۷ از دانشگاه تهران خارج شد.

ـ در حالی که «حسینی بای» یکی از خبرنگاران واحد مرکزی خبر در حال تهیهٔ گزارش و مصاحبه با مردم بود، برخی از هواداران موسوی با بیان موارد و شعارهایی علیه وی و صدا و سیما موجب ناراحتی و بر هم خوردن نظم برنامهٔ وی شدند.

ـ پس از پایان نماز نیز هواداران موسوی در خیابان های اطراف دانشگاه به راهپیمایی پرداخته و در مقابل شعارهای مجری نماز جمعه، شعارهایی از جمله «مرگ بر چین»، «مرگ بر روسیه»، «ما همه سرباز توایم موسوی، گوش به فرمان توایم موسوی» و «هاشمی

زنده باد، موسوی پاینده باد» سر می دادند.

ـ تعداد شرکت کنندگان نماز جمعه این هفته تهران به‌رغم دعوت سایت‌های حامی میرحسین موسوی در داخل وخارج کشور و حتی آموزش اقامهٔ نماز، در حد نماز جمعه‌های معمولی بود. به عنوان مثال، جمعیت نماز جمعه در خیابان طالقانی به میدان فلسطین هم نرسید و با این میدان فاصله زیادی داشت. این در حالی است که در نماز چند هفتهٔ قبل، جمعیت تا نزدیکی خیابان استاد نجات اللهی حضور داشت.

ـ سانحهٔ سقوط هواپیمای توپولف که در آن ۱۶۸ نفر از جان خود را از دست دادند از موضوعات مهمی بود که هاشمی رفسنجانی در نماز جمعهٔ امروز به آن اشاره نکرد.[1]

بیانیهٔ خبرگان رهبری دربارهٔ مسائل بعد از انتخابات

سلام علیکم

با حمد و سپاس بیکران به درگاه ایزد منان ما جمعی از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری حضور چهل میلیونی شما مردم فهیم و انقلابی و ولایتمدار را در صحنهٔ انتخابات بیست و دوم خرداد ماه هشتاد و هشت که نقطهٔ عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی و یک همه پرسی در تأیید نظام جمهوری اسلامی ایران بود، ارج می نهیم و مواردی را با شما مردم خوب و فهیم در میان می گذاریم.

۱. لازم می دانیم که مراتب قدردانی و تجلیل و تکریم و تشکر خویش را از این همه شور و شعور و حضور و وظیفه شناسی اعلام داریم.

۲. ولایت مطلقهٔ فقیه، استمرار راه انبیا و امامان است و ریشه در تفکر قرآنی و معارف اهل بیت (ع) و سابقهٔ ممتد تاریخی از آغاز عصر غیبت کبرا تا کنون دارد و ولایت الهی فقیه عادل، به طور ویژه بنیان نظری نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) است. اعتبار همهٔ مناصب و مقامات حکومتی و مشروعیت تصرفات و تصمیم‌ها و اقدامات آنها در قلمرو مسائل عمومی و وظایف قانونی، ناشی از نصب مستقیم و یا غیرمستقیم و تأیید

---

۱. خبرگزاری فارس، ۸۸/۴/۲۶، ساعت ۱۲:۱۸ شمارهٔ خبر ۸۸۰۴۲۶۰۵۵۷.

ولی فقیه است. در خصوص ریاست جمهوری هم به تصریح امام راحل و صریح اصول قانون اساسی، اگر تنفیذ انتخاب مردم از سوی ولی فقیه صورت نگیرد ریاست جمهوری، طاغوت است و مشروعیت ندارد. رئیس جمهوری با اعتماد و انتخاب مردم و تنفیذ رأی ملت از سوی رهبری، مشروعیت و اعتبار کسب می کند و به مثابهٔ بازوی اجرایی ولی فقیه است. او موظف است سیاست ها و خط مشی دولت را بر اساس سیاست ها و رهنمودهای رهبری، ترسیم و اجرا کند در غیر این صورت اعتبار شرعی و قانونی ندارد.

۳. در این سه دهه، ملت ولایتمدار و شهیدپرور، همواره، وفاداری و پیروی از ولی فقیه واجب الاطاعه را در همهٔ صحنه‌ها به نمایش گذاشته است. با تحقق گفتمان امام و رهبری، استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی پایدار گردید.بعد از ارتحال امام و تعیین حضرت آیت‌الله خامنه ای از سوی خبرگان منتخب ملت، به عنوان رهبری، معظم له، با اقتدار و صلابت، راه امام را در این دو دهه تداوم بخشیدند و رهبری شایسته و بی نظیری را در جهان ارائه دادند. این رهبری والا، در سایهٔ تعالیم اسلام و باورهای دینی مردم تحقق یافته است.

۴. دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جریان انتخابات دهم با فضاسازی رسانه ای و تشکیک زودهنگام در سلامت انتخابات و ایجاد التهاب سیاسی و اجتماعی و بالا بردن هیجانات و مطالبات از طریق استفادهٔ ابزاری از انتخابات، و استفاده از غفلت بعضی از نامزدان ریاست جمهوری با یک جنگ روانی تمام عیار، وارد عمل شدند و با ادعای موهوم و شبیه به افسانه «تقلب بزرگ در انتخابات» که برگرفته از سناریوی انقلاب های مخملین بود، سعی در تخریب اذهان عمومی و ایجاد یأس و تردید در مردم کردند. با خطبهٔ تاریخی مقام معظم رهبری در نماز جمعهٔ بیست و نهم خرداد ماه و اعتماد به نهادهای قانونی، توطئهٔ دشمنان مثل گذشته نقش بر آب شد. امت خداجو، با استحکام و اقتدار، پشت سر رهبر خویش، برای پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی به راه خود ادامه خواهند داد.

۵. بسیاری از علما و نخبگان و شخصیت ها و دلسوزان نظام انتظار دارند که رئیس

محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام که همواره با تدبیر و فراست در کنار امام و رهبری به حل مشکلات و معضلات کمک کرده‌اند در شرایط کنونی نیز با پشتیبانی بیشتر و شفاف‌تر از ولایت فقیه و بیانات رهبری، در این شرایط حساس دشمنان اسلام و نظام و کینه توزان و بدخواهان و فرصت طلبان را در نقشهٔ شیطانی برای آسیب به وحدت و همدلی، ناکام گذارند.

۶. از رئیس جمهوری محترم جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد که با اعتماد مجدد مردم و با اکثریت قاطع بیش از بیست وچهار میلیون رأی دوباره انتخاب شدند- می‌خواهیم که با تبعیت از اوامر رهبری و توجه به نصایح خیرخواهانه بزرگان دینی.

ـ اولاً بیش از گذشته با تمام توان، در ترویج دین و اخلاق و خدمت به ملت و حل مشکلات معیشتی و پیشرفت و عدالت تلاش کنند.

ـ ثانیاً از تمامی ظرفیت و توانمندی نیروهای متعهد و ولایی و متخصص و انقلابی، در شرایط فعلی استفاده کنند و در جهت هماهنگی و انسجام و همکاری دولت و ملت و قوای سه گانه و سایر نهادهای عمومی و دستگاه‌های گوناگون و شخصیت‌های تأثیرگذار با جدیت بیشتر از گذشته تلاش کنند و از به کارگیری افرادی که موجب لطمه زدن به یکپارچگی دولت و حساسیت ویژه نخبگان و مردم ولایتمدار و دلسوزان نظام می‌شود قاطعانه پرهیز کنند.

۷. در پایان بار دیگر تأکید می‌کنیم که نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، میراث گرانسنگ امام خمینی است. تنها شیوه برای حفظ و حراست از راه امام، حمایت از ولایت فقیه است. تداوم انقلاب اسلامی، بر پایهٔ تمسک به ولایت فقیه و ولی فقیه واجب الاطاعه است. نیز اعلام می‌کنیم خط امام را باید در اندیشه و سلوک رهبری یافت. فصل الخطاب رهبری است و هر گونه انحراف از راه و مواضع رهبری انحراف از آرمان‌های انقلاب و خط اصیل امام خمینی است.

امیدواریم نخبگان جامعه، در این امتحان الهی همراه صفوف یکپارچهٔ ملت، در کنار رهبری، همواره در پاسداری از این ودیعهٔ الهی و دفاع از حریم شرع مقدس و حقوق ملت

و نعمت جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، مشمول تفضلات الهی و لطف و عنایت بقیةالله الاعظم (عج) قرار گیرند.

والعاقبة لاهل التقوی و الیقین

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری[1]

مراسم تنفیذ و تحلیف

مراسم تنفیذ دهمین دورهٔ ریاست جمهوری در روز دوشنبه ۱۲ مرداد ۸۸ در حسینیهٔ امام خمینی و مراسم تحلیف آن، دو روز بعد در چهارشنبه چهاردهم مرداد در مجلس شورای اسلامی در بهارستان برگزار شد. در مراسم تنفیذ شخصیت های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی، نظامی، انتظامی به همراه میهمانان خارجی، سفرا و دیپلمات ها حضور پیدا کرده بودند. چهره های شاخص سیاسی همچون هاشمی رفسنجانی، ناطق نوری، موسوی، کروبی و خاتمی از جملهٔ غایبان هر دو جلسهٔ تنفیذ و تحلیف بودند. حسین مرعشی از بستگان هاشمی رفسنجانی روز قبل از مراسم تنفیذ گفته بود که آقای رفسنجانی به شرط عذرخواهی احمدی‌نژاد از اتهاماتی که به او و خانوده‌اش زده است در مراسم حاضر می شود.[2] در مراسم تنفیذ در ابتدا صادق محصولی گزارشی از روند برگزاری انتخابات و همین دورهٔ ریاست جمهوری را به سمع و نظر حاضرین رساند و پس از آن حجت الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری، متن حکم تنفیذ ریاست جمهوری را که از سوی رهبر انقلاب صادر شده بود، قرائت کرد و پس از آن حکم تنفیذ توسط رهبری به آقای احمدی‌نژاد تقدیم شد.

در مراسم تحلیف علاوه بر غیبت چهره های سرشناس منتقد دولت و اصلاح طلب، برخی نمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس هم غایب بودند. دقایقی بعد از ساعت ۹ صبح روز

۱. سایت خبری واحد مرکزی خبر، تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲، ساعت خبر۱۱:۵۵.

۲. روزنامهٔ همبستگی، سه شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۸، شمارهٔ ۲۰۱۷، صفحهٔ اول.

چهارشنبه، چهاردهم مرداد ۸۸، با حضور ۲۴۲ نماینده از مجموع ۲۹۰ نماینده، جلسهٔ مراسم تحلیف رسمیت یافت و بعد از سخنرانی رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوهٔ قضائیه، رئیس جمهور در جایگاه ویژه حاضر شد و بر اساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند شرعی یاد کرد که پاسدار و حافظ مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی باشد و همه استعداد و صلاحیت خود را برای ایفای مسئولیتش به کار گیرد.[۱]

متن حکم تنفیذ دهمین دورهٔ ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند را سپاس که بار دیگر ایران را سرافراز و مردم هوشمند ما را به آفرینش حماسهٔ ماندگار دیگری موفق ساخت. بیست و دوم خرداد یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت، برگ زرینی شد از کتاب سرنوشت ایران که مردم ما سطر سطر آن را با همت والا و عزم استوار خود نگاشته و هشیاری و پایداری خود را به حراست از آن گماشته اند. حضور هشتاد و پنج درصدی در پای صندوق های رأی در انتخابات اخیر، نشانه ای آشکار است از احساس دلبستگی و غیرت و اهتمامی که این ملت کهن و پرافتخار، به دسترنج سی سالهٔ خود می ورزد و امید و آرزویی که به کمال و اعتلای آن و زدودن کاستی ها و کجی ها از آن در دل می پروراند.

این همه از رحمت و فضل خداوند حکیم و قدیر است که این بندهٔ بیقدر و ناتوان و همهٔ دل های متذکر و خاشع، باید آن را قدر بشناسیم و جبههٔ شکر بر آستان منعم محبوب بسائیم.

رأی قاطع و بی سابقهٔ مردم به رئیس جمهور منتخب و محترم، رأی به ویژگی‌هایی است که کارنامهٔ چهار سالهٔ دولت نهم بدانها زینت یافته است و سمت و سوی گرایش‌های اکثریت بی چون و چرای ملت را آشکار می سازد. این، رأی به گفتمان پر برکت و عزت مدار انقلاب اسلامی است؛ رأی به استکبارستیزی و ایستادگی شجاعانه در برابر سلطه طلبان بین المللی است؛ رأی به مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و مبارزه با اشرافیگری است؛ رأی به ساده زیستی و نزدیکی با مردم و غمگساری از ضعیفان و مستضعفان است؛ رأی به کار و

---

۱. روزنامهٔ همشهری پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۸۸، شمارهٔ ۴۹۰۲ صفحهٔ اول و دوم.

تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر است.

اینها بخش‌های مهمی است از آنچه ملت ایران از منتخبان خود مطالبه می کند و هر گاه کسی را با این سمت و سو بشناسد، به او دل می بندد و با بهره گیری از موهبت آزادی که هدیهٔ انقلاب اسلامی به این ملت است، او را بر کرسی مسئولیت و مدیریت می نشاند.

این جانب در آستانهٔ زادروز فرخندهٔ نجات بخش بشریت، ولی اعظم خدا و امام صالحان، حضرت حجة بن الحسن روحی فداه و عجّل الله فرجه، این عید بزرگ را گرامی داشته و انتخاب جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد را در دهمین انتخابات ریاست جمهوری تبریک می‌گویم و به پیروی از ملت بزرگوار ایران، رأی آنان را تنفیذ و این مرد شجاع و سختکوش و هوشمند را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم. و برای ایشان و همکارانشان توفیق خدمتگزاری به مردم؛ و تلاش در راه اِعلاء کلمهٔ اسلام؛ و اقدامات بزرگ و ماندگار و شایستهٔ ملت و کشور عزیز؛ و حرکت کوشنده به سوی پیشرفت و عدالت، از خداوند متعال مسئلت می‌کنم. و بدیهی است که رأی مردم و تنفیذ این جانب تا هنگامی است که ایشان بر این صراط قویم پایدار باشند.

در پایان با تجلیل و تکریم نام و یاد امام بزرگوار و شهیدان عالی مقام که ملت ما موفقیت‌های بزرگ خود را به آنان مدیون است، علو درجات و شمول رحمت الهی بر ارواح طیبهٔ آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

سیّد علی خامنه‌ای[1]

۱۳۸۸/۵/۱۲

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفیذ حکم دهمین دورهٔ ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحیم

امروز برای ملت ما و آیندهٔ ما، ان شاءالله روز مبارکی است. این جلسه هم، جلسهٔ بسیار

---

۱ . روزنامه‌های روز سه‌شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۸۸، از جمله *جام‌جم*، *کیهان*، *اعتماد ملی* و *همبستگی*.

پروزن و محترمی است. از خداوند متعال متضرعانه درخواست می‌کنیم که ملت ایران را در این مقطع جدید، در این دورهٔ جدید مدیریت کشور که از امروز آغاز می شود، مشمول برکات خود و رحمت خود قرار بدهد.

بیانات رئیس جمهور محترممان، بیانات متین و درست و بجایی است. انتظار هم همین است که سرفصل هایی که بیان کردند، در چهار سال آینده ان شاءالله مورد اهتمام قرار بگیرد.

مسئلهٔ حضور مردم و انتخابات در نظام جمهوری اسلامی با این شکل بدیع و تازه‌ای که در دنیا عرضه می شود، مسئلهٔ بسیار مهمی است؛ جا دارد دربارهٔ آن بیشتر تأمل شود، حرف زده شود، بحث شود. مسئله، مسئلهٔ مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی حضور یکپارچهٔ مردم، رقابت جدی، فعالیت و تلاش حقیقی مردمی، در کنار معیارهای اسلامی و معیارهای الهی، این ترکیب شگفت‌آور همان چیزی است که بشریت محتاج آن است.

ما در کشور خودمان قبل از پیروزی انقلاب هیچ خطی از حضور مردم در عرصه‌های تصمیم گیری نداشتیم. حکمرانانی بودند که به پشتوانهٔ زور و قدرت سلاح بر مردم مسلط می شدند و حکمرانی همراه با زور و فشار را بر مردم تحمیل می‌کردند؛ بعد هم که می‌رفتند، این امانت عظیم الهی ـ یعنی حاکمیت و ولایت بر مردم ـ را مثل یک مال شخصی به ارث می گذاشتند و فرزندانشان از آنها ارث می‌بردند. مردم هیچ نقشی نداشتند. همین کسانی که امروز در دنیا دم از مردم‌سالاری و دموکراسی و حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زنند، همین‌ها با آن رژیم جبار و خودکامه و با آن شیوه های غلط و غیرانسانی حکومت، همکاری می‌کردند؛ از آنها پشتیبانی می‌کردند. در آن کشورهای هم که حضور مردم ـ لااقل در مقام ادعا ـ تأثیرگذار در حکومت بود، ارزش‌های معنوی غائب از صحنه بودند.

آنچه که جمهوری اسلامی را به عنوان یک پدیدهٔ بدیع ممتاز می کند، همین است که: حضور مردم و انتساب به معنویات و به حکم الهی و خشوع در مقابل پروردگار. این دو یک حقیقت واحدی را تشکیل داده‌اند. این بحث که در نظام اسلامی، جمهوریت مقدم است یا اسلامیت مقدم است، یک بحث بی معنی و انحرافی است. اسلامیت و جمهوریت

دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند و یک حقیقت را به وجود آورده باشند؛ در دل اسلامیت، جمهوریت هست. در دل اتکاء به حکم الهی، تکیهٔ به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست. جمهوری اسلامی یک حقیقت واحد است که هدیهٔ انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این، آن چیزی است که در این سی سال، امتحان کارآمدیِ خود را به بهترین وجهی داده است.

آن کسانی که مدعی دموکراسی هستند، باید پاسخ بدهند که دموکراسی حقیقی در مجموعهٔ حکومت های آنها چقدر است. آیا این میل مردمی، این جاذبهٔ ایمانی ای که در دل ملت ایران موج می‌زند و آنها را به عنوان یک انجام وظیفه به پای صندوق رأی می کشاند، در آنجا کجاست؟ در کجای این دموکراسی این را می شود دید؟ این شیوهٔ بدیع حکومت هدیهٔ اسلام به ماست؛ در کنار این حقیقت، این را باید توجه کرد که ظرفیت جمهوری اسلامی و نظامی که بر این پایه استوار است، چه ظرفیت عظیمی است.

سی سال از عمر انقلاب می گذرد، در این مدت، سی بار تقریباً انتخابات انجام گرفته است. از مدیریت های اجرایی کشور تا مسئولان تقنینی کشور، تا مدیران شهری کشور، مشمول این انتخابات شده‌اند. اصل نظام اسلامی با رأی مردم، قانون اساسی با رأی مردم، مدیریت های اساسی کشور با رأی مردم تعیین شده‌اند. ظرفیت این نظام، نظامی که برخاستهٔ از این حقیقت است، بسیار والا و فراتر از آن چیزی است که دیگران از بیرون صحنه نگاه می کنند و تحلیل می کنند و دربارهٔ این نظام سخن می‌گویند، با قطع نظر از حرف‌های مغرضانه، حتّی آنچه که از روی غرض هم ادا نمی شود، غالباً ناشی از عدم فهم حقیقت جمهوری اسلامی است. این ظرفیت عظیم در نظام اسلامی وجود داشته است: در طول این سی سال که گرایش های مختلف، سلائق گوناگون سیاسی در درون این ظرفیت عظیم جایگزین شدند، انتقال قدرت با آرامش، با مهربانی، با احترام انجام گرفته است و قدرت اجرایی در طول این سی سال دست به دست شده است. سلائق مختلفی آمدند؛ بعضی از مدیریت ها در بخشی از برهه‌های این سی سال زاویه‌هایی با مبانی انقلاب داشتند؛ اما ظرفیت انقلاب توانست اینها را در درون خود قرار بدهد؛ آنها را در کورهٔ خود

ذوب کند؛ هضم کند و انقلاب بر ظرفیت خود، بر تجربهٔ خود بیفزاید و با قدرت بیشتر راه خود را ادامه بدهد. آن کسانی که می‌خواستند از درونِ این نظام، به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند، نتوانستند موفق شوند، انقلاب راه خود را، مسیر مستقیم خود را با قدرت روزافزون تا امروز ادامه داده است و همهٔ کسانی که با انگیزه‌های مختلف در درون این نظام قرار گرفته‌اند، خواسته یا ناخواسته، به توانایی‌های این نظام کمک کردند. به این حقیقت بایستی با دقت نگاه کرد؛ این ظرفیت عظیم، ناشی از همین جمهوریت و اسلامیت است، از همین مردم‌سالاری دینی و اسلامی است؛ این است که این ظرفیت عظیم را به‌وجود آورده است و راز ماندگاری و مصونیت و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی را در ذات خود دارد و ان شاءالله آن را همواره حفظ خواهد کرد.

انتخابات امسال ما انتخابات بسیار مهمی بود. این انتخابات پیام داشت؛ هم پیام داشت. هم تجربه‌هایی در درون این انتخابات وجود داشت و هم وسیلهٔ امتحانی شد؛ ماها را به آزمایش کشید: به ما محک زد. این انتخابات به نظر من یک انتخابات بسیار مبارک بود. اولاً پیام‌های این انتخابات، پیام‌های بسیار مهمی بود.

اولین پیام این انتخابات این بود که جمهوری اسلامی با گذشت سی سال، قدرت به صحنه آوردن و بسیج ملی را در حدی دارد که نصاب‌های متعارف جهانی را رد کرده است و از همهٔ اینها عبور کرده است. بعضی‌ها در طول این سال‌ها انتظار داشتند که نظام اسلامی باگذشت زمان کهنه بشود. از چشم مردم بیفتد و قدرت بسیج توده‌ای خود را از دست بدهد، این انتخابات نشان داد که نظام اسلامی هر روز که گذشته است، قدرت بسیج توده‌ای آن افزایش‌یافته؛ در جلب اعتماد آحاد ملت موفق‌تر شده است. این خیلی حقیقت مهمی است. بعضی از قضایای حاشیه‌ای، این متن‌های مهم را از نظر دور نگه می‌دارد. حتی حقیقت در این انتخابات این است که انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، آنچنان زنده و جذاب و رو به رشد است که با گذشت سه دهه، قدرت به صحنه آوردن مردم را در این دارد. یک نصاب هشتاد و پنج درصدی که یک نصاب بی نظیر یا لااقل کم نظیری است در همهٔ سطح جهان.

یک پیام دیگر این انتخابات و این حضور عظیم مردمی وجود اعتماد متقابل میان نظام

اسلامی و مردم است. اینکه در این انتخابات، عرصه برای گفتگو کردن، برای ورود افراد با گرایش‌های مختلف، برای به صحنه آوردن و روی دایره ریختن نظرات گوناگون، بازشد. این، نشانهٔ اعتماد به نفس نظام است و نشانهٔ این است که نظام اسلامی به مردم خود اعتماد دارد؛ به مردم اعتماد می کند. متقابلاً مردم هم به نظام اعتماد کردند. آمدند آراء خودشان را در صندوق ها ریختند. اگر اعتماد به نظام نباشد، این توجه مردمی، این اقبال مردمی، وجود نخواهد داشت. این کسانی که دم از بی‌اعتمادی مردم می‌زنند. اگر این سخن از روی غرض نباشد، از روی غفلت است. کدام اعتماد از این بالاتر که مردم می آیند در عرصهٔ انتخابات وارد می شوند، به نظامشان، به دولتشان اعتماد می کنند، رأی خود را به آنها می سپارند و منتظر می مانند که نتیجهٔ این رأی گیری را از آنها بشنوند؟ این اعتماد بالای مردم است. این اعتماد به توفیق الهی، به فضل الهی همچنان هست و ما انتظار داریم از مسئولان کشور، از دست اندرکاران بخش‌های مختلف که با رفتار خود همچنان این اعتماد را افزایش بدهند. این سرمایهٔ اصلی نظام اسلامی است.

یک پیام دیگر هم در این انتخابات بود و آن وجود نشاط و امید در مردم است. این البته در کشور ما و جامعهٔ ما یک چیز طبیعی است؛ چون اکثریت کشور ما جوان هستند و جوان، مظهر نشاط است؛ مظهر امید است، با امید وارد میدان شدند ـ امید به آینده اگر نباشد، دل ناامید و افسرده وارد میدان انتخاب نمی شود ـ حضور مردم، حضور جوان ها، نشانهٔ امیدواری آنهاست.

تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتّی در بهترین شرایط همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه‌ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیهٔ امیرمؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «و من نام لم ینم عنه». در عرصهٔ زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشویم؛

در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می‌گوییم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی‌ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد این تجربه بایستی برای ما ـ همهٔ ما، همهٔ آحاد مردم ـ تجربه‌ی هشدار دهنده‌ای باشد. اگر ما در صحنهٔ زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم. به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم. این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج درصدی؛ نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛ اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دستهایی به کار افتادند برای اینکه ضربه‌ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زمان نیست؛ آحاد ملت، گرایش‌های مختلف سیاسی، دلبستگان به کشور، دلبستگان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.

دست‌هایی از مدت‌ها پیش در کار بودند مقدماتی فراهم می‌کردند که بتوانند از مقطع انتخابات علیه ملت ایران استفاده بکنند. خوشبختانه ملت ایران هوشیار بود و هوشیار است. فضا را غبارآلود کردند، دهان‌ها را قدری تلخ کردند؛ اما نتوانستند آن کاری را که می‌خواهند، انجام بدهند. این هوشیاری شما ملت بود. این تجربهٔ ما بود که بدانیم دشمن ما کمین کرده است.

دشمنان ما هم از این انتخابات به نظر من یک تجربه‌ای اندوخته‌اند. و اگر نیندوختند، باید بیندوزند. و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است: در فهم نظام اسلامی و

انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این جور کارهای پیش پا افتاده می‌توان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷ ، یک کاریکاتور از آن انقلاب، می‌توانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد، اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرف ها شکست نخواهد خورد.

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمی‌شود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «والّذین اتّخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارصاداً لمن حارب الله و رسوله». با تقلید از رهبر عزیز و عظیم الشأن انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همهٔ وجود غرق در قرآن بود، نمی‌شود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوان های ما آگاهند. این تجربه ای است برای دشمن.

امتحان هایی هم در این انتخابات پیش آمد. یک امتحان، آحاد مردم بود. به نظر من مردم در این امتحان برنده شدند؛ نمرهٔ قبولی گرفتند. حضور عظیم مردم یک امتحان عظیمی بود که آنها را سرافراز کرد. بسیاری از آحاد مردمی از جریان های سیاسی، طبق وظیفه‌شان عمل کردند. بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضی‌ها را مردود کرد. برخی از جوانان ما که با صداقت، با سلامت وارد میدان وظیفه می شوند، به رغم هوشیاری‌شان، در مواردی اشتباه کردند. بسیاری از جوانان این کشور هم با همان ایمان، با همان صداقت، حرکت درستی کردند . به کسی اعتقاد پیدا کردند، به او رأی دادند؛ یا آن کس رأی آورد یا نیاورد. ملاک این است. ملاک این است که انسان عقیده‌ای پیدا کند، هوشیارانه، از روی احساس وظیفه، احساس تکلیف، وارد میدان این عمل سیاسی و حرکت سیاسی بشود. بعد هم همه تسلیم قانون باشند. اکثر قاطع ملت ما ـ از جوان‌ها، از نخبگان، از تودهٔ عظیم مردم ـ در این ردیف قرار گرفته اند و در این امتحان قبول شده اند.

یک عده هم البته فریب خوردند.

یک امتحان هم برای مسئولان کشور است. قدر این نعمت را بدانند. رئیس جمهور محترم و منتخب ما که با آراء بالا، با یک نصاب بی نظیر به این مسئولیت بزرگ ازسوی مردم گماشته شدند، قدر این نعمت را بدانند؛ شکر بگذارند، همکاران ایشان در دولت آینده قدر بدانند؛ قدر اسلام را، قدر ایمان را، قدر این فروغی که دل‌های مردم را روشن کرده است و آنها را به این صحنه کشانده است. قدردانی از عظمت این انقلاب اقتضاء می کند که مسئولان کشور همهٔ توان خود را، همهٔ تلاش خود را برای خدمت به مردم و برای پیشرفت به سمت اهداف انقلاب به کار بگیرند.

این سرفصل هایی که رئیس جمهور محترم و عزیزمان بیان کردند، سرفصل‌های خوبی است. با برنامه‌ریزی بایستی اینها پیش برود. من به مسئولین کشور و به دولتی که تشکیل خواهد شد، توصیه می‌کنم برنامه‌ریزی را در کار مورد اهتمام قرار بدهد. برنامه‌ریزی کمک خواهد کرد که مردم بتوانند به آنچه که در پیش روی آنهاست اعتماد کنند؛ بتوانند در مورد پیشرفت کشور قضاوت کنند. تکیهٔ بر برنامه، تکیهٔ بر قانون، همکاری قوای سه‌گانه با یکدیگر جزو وظایف اصلی است و جزو عناصر شکرگزاری است؛ جزو اجزاء آن شکر عظیمی است که بر عهدهٔ همهٔ ماست. خدای متعال را باید شاکر باشیم.

خدای متعال این فرصت ها را پیش می‌آورد؛ این نعمت‌های بزرگ را به ما می بخشد. این شکر فقط در زبان نیست. در عمل مسئولان، شکر عبارت است از عمل به وظایفی و مسئولیت هایی که بر دوش آنهاست. لوازمی که این مسئولیت ها دارد. هماهنگی بین قوای سه گانه: مجلس به دولت کمک کند؛ دولت با مجلس همکاری کند؛ قوهٔ قضائیه در جایگاه ویژهٔ خود به دولت و مجلس کمک کند؛ فوراً در کنار هم باشند. این جمعیت عظیمی که در انتخابات حضور پیدا کردند، دولت متعلق به همهٔ آنهاست. رئیس جمهور متعلق به همهٔ آنهاست. این را بایستی در عمل، در برنامه‌ریزی ها حتماً مورد توجه قرار بدهند.

البته در کنار علاقه‌مندان به رئیس جمهور محترم ـ که ایشان علاقه‌مندان زیادی در داخل کشور، حتّی در خارج از کشور دارند ـ دو دستهٔ دیگر هم هستند که باید به اینها توجه کرد؛

یعنی حضور آنها را بایستی محاسبه کرد: یک دسته مخالفان عصبانی و زخم خورده هستند. مطمئناً اینها در این دورهٔ چهار ساله، در مقام معارضهٔ با دولت برخواهند آمد. مخالفت کردند. باز هم مخالفت خواهند کرد. لیکن یک دستهٔ دیگر هم هستند که اینها جزو نظامند، با رئیس جمهور، با نظام هیچ دشمنی ای ندارند؛ ممکن است منتقد باشند. این منتقدان را بایستی به حساب آورد؛ نظرات آنها را باید شنید؛ آنچه که قابل فهم است؛ قابل قبول است، آن را پذیرفت و من امیدوارم که همین جور عمل شود و ان شاءالله خواهد شد.

ملت همه با یکدیگر برادرند. از جملهٔ کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که در این حوادث اخیر عده ای آسیب دیدند ـ آسیب های مالی، آسیب های جانی، احیاناً آسیب های آبرویی ـ مسئولین کشور باید به کمک آنها بشتابند. آسیب خوردگان باید مورد حمایت قرار بگیرند. آسیب زنندگان باید شناسایی بشوند، مورد مؤاخذه قرار بگیرند؛ هر کسی باشند.

کشور ما امکانات وسیعی دارد، نیازهای زیادی دارد، اهداف بلندی هم پیش روی وجود دارد. ما امکاناتمان خیلی زیاد است؛ امکانات طبیعی داریم؛ امکانات معدنی داریم، امکانات فراوان انسانی داریم که از همهٔ اینها بالاتر است. استعداد انسانی در کشور ما از متوسط جهانی بالاتر است. اینها خیلی سرمایه‌های بزرگی است. نیازهایمان هم خیلی زیاد است؛ ما عقب افتادگی های مزمن داریم. این عقب افتادگی ها باید در همهٔ زمینه ها جبران بشود؛ در زمینهٔ علمی، در زمینهٔ فنی، در زمینه های اجتماعی، در زمینه های فرهنگی، اینها کار می طلبد؛ تلاش می طلبد. بحمدالله دولت و رئیس جمهور محترم اهل تلاشند. مردم هم این را دانسته اند، فهمیده اند، دیده‌اند، لمس کرده‌اند. رأی بالای مردم یقیناً یک علتش، همین پرتلاشی و سختکوشی دولت نهم و رئیس جمهور محترم بوده است. این حالت را باید ادامه بدهند. آن امکانات باید این خلأها را پر کند. کارهای بزرگ باید انجام بگیرد؛ کارهای ماندگار باید انجام بگیرد. همه هم باید کمک کنند. اگر بخواهیم به آن هدف ها برسیم، همه باید کمک کنند؛ سلیقه های مختلف را کنار بگذارند وقتی دولتی انتخاب شد و آمد وسط میدان، همه باید به او کمک کنند؛ چه از لحاظ سلیقهٔ سیاسی با او همراه باشند، نباشند، احیاناً انتقادی به او داشته باشند، نداشته باشند، باید کمک کنند. قوهٔ مجریه و

دستگاه اجرائی کشور بیشترین بار سنگین را بر دوش دارد. باید کمک کرد؛ همه کمک کنند تا بتوانند ان شاءالله این بار را به سر منزل برسانند و خواهند توانست.

یقیناً دعای بقیةالله (ارواحنا فداه) ـ که این مجلس و این مراسم بزرگ در آستانهٔ میلاد با سعادت آن بزرگوار انجام می‌گیرد و به این مقارنت، دعای آن بزرگوار مبارک است ـان شاءالله شامل حال مسئولین کشور و آحاد ملت ایران خواهد بود و روح مطهر امام و شهدای عزیز و بزرگوار هم ان شاءالله در عالم ملکوت، برای ملت ایران دعا خواهند کرد و امیدواریم ارواح طیبهٔ آنها از همهٔ ما شاد و راضی باشند.[1]

جمع بندی و نتیجه[2]

فضای دو هفته قبل از انتخابات تا حدودی خارج از چارچوب و ضوابط معمول فعالیت‌های تبلیغاتی و انتخاباتی بود. اخلاق، شئون اجتماعی، مصالح و منافع جامعه و خطوط قرمز نظام در مواردی نادیده گرفته شد و نامزدها برای برنده شدن خود و بیرون کردن رقیب از صحنه، تقریباً هر کاری انجام دادند. هیجان و احساسات بر فضای استدلال و مباحث منطقی و عقلی غلبه داشت. در برخی خیابان ها به ویژه در ساعات آخر شب، صدای بوق و شعارهای احساسی و تند طرفداران نامزدها، هر فردی را متعجب و حیران می‌کرد که چرا خیابان ها باید صحنهٔ چنین شیوه هایی از تبلیغات باشد و هر کس، هر وقت و هرجا که بخواهد به هر شیوه و شعاری بر خلاف عرف های معمول تبلیغات، نظم اجتماعی را به هم بزند و به نفع نامزد خود و علیه رقبایش به تجمع، راهپیمایی و شعار دادن بپردازد.

بعد از انتخابات شرایط به گونه ای پیش رفت که بعضی گروه ها و افراد احساس کردند که فرصتی تاریخی برای انتقام گیری از رقبای خود، از نظام جمهوری اسلامی و از ولایت فقیه پیدا کرده‌اند. آنها به جای توجیه و قانع کردن طرفداران خود با سخنرانی و صدور

---

۱ . پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۵/۱۲ ساعت ۱۲:۲۰.

۲ . این جمع بندی و نتیجه یافته تحقیق و تحلیلی از آن نیست، چرا که کتاب حاضر گزارش و ترکیبی از متن بیانیه ها، مناظره ها و اتفاقات پیش آمده در انتخابات است. بر این اساس می توان گفت که این جمع بندی و نتیجهٔ کسی است که جریان انتخابات و حوادث آن را پیگیری و رصد کرده و ارتباطی تحقیقی با بیشتر متون کتاب ندارد.

اطلاعیه و بیانیه بیشتر به تحریک و کشاندن آنها به خیابان‌ها پرداختند و با نادیده گرفتن توصیه‌های دلسوزانه، به تبعات این بازی خطرناک توجه نکردند. فرصت‌طلبی برخی افراد و گروه‌ها نشان داد که به‌رغم اعلان فعالیت آنها در چارچوب قانون، عملاً اعتقادی قلبی به قانون ندارند. در حالی که یک نخبهٔ سیاسی، متعهد و مسئول با آگاهی تاریخی، مصالح و منافع نظام را بر مطالبات شخصی، حزبی و گروهی ترجیح می‌دهد. برخی نخبگان و رؤسای جریان‌های سیاسی در کشور به فرصت‌سوزی و فرصت‌طلبی پرداختند و از عقده‌ها و کینه‌های خود به نفع نظام کوتاه نیامدند. از این جهت باید گفت، تحولات بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ اتفاقی به نفع نظام بود که صف‌ها اهداف و هویت واقعی برخی افراد برجسته و معروف را نشان داد. با توجه به این نکته شاید بتوان گفت که فرصت دادن به کسانی که تعبد عملی و اخلاقی به نظام، مردم و قانون ندارند، فرصت دادن به کسانی که تحمل باخت و شکست سیاسی ندارند، فرصت دادن به کسانی که نظام و مردم را برای خودشان می‌خواهند و به راه انداختن مردم پشت سر آنها چه دردسرهای وحشتناک و عواقب خطرناکی می‌تواند داشته باشد.

در این انتخابات و حوادث بعد از آن، شعور و آگاهی سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی و نامزدهای انتخابات و احساس تعهد و مسئولیت آنها محک سنگینی خورد. هر میزان و مقدار، توده‌های مردم، آگاهانه، هوشیار و منظم و با احساس تکلیف شرعی و قانونی به پای صندوق‌های رأی آمدند و مشارکت و حضوری حداکثری و بی‌نظیر از خود نشان دادند، نخبگان سیاسی و اجتماعی، نامزدها و حامیان اصلی آنها بر خلاف مظاهر توسعه و رشد سیاسی و بر خلاف منافع ملی کشور و نظام، حرکت کردند. نامزدها رقبای خود را نه رقیب بلکه دشمن تلقی کردند. هیچ کدام از آنها و هیچ حزب و جریانی، نتایج نظرسنجی‌های مستقل داخلی و خارجی را قبول نداشت. هر طرف نتایج نظرسنجی‌ها را ساختگی و جنگ روانی طرف مقابل و رقبای خود می‌دانست. بلافاصله بعد از پایان یافتن انتخابات و اعلام نتایج، ادعای دستکاری و تقلب گسترده از سوی شکست‌خوردگان مطرح شد. بر خلاف عرف‌های معمول انتخابات و دموکراسی، کسی از نامزدهای

شکست خورده به نامزد پیروز تبریک نگفت. حتی نامزدی که آرایش از آراء باطله ها کمتر وکمتر از یک در صد آراء را کسب کرده بود، به شکست خود اعتراف نکرد. جریان مخالف پیروز انتخابات و نامزدهای آنها با عدم تمکین به رأی مردم، خواسته‌هایی همچون ابطال انتخابات، برگزاری مجدد آن و برگزاری رفراندم را مطرح کردند و نزدیک بود به خاطر اشتیاق به خدمتگزاری به کشور ومردم، نظام جمهوری اسلامی را به گرداب بیندازند.

انتخابات نشان داد که روح دموکراسی، دین‌مداری و اعتقاد به مردم‌سالاری دینی و پذیرش دموکراتیک بر نخبگان و احزاب و جریان‌های سیاسی حاکم نیست. بخشی از علل آن جامعه‌شناختی و بخش عمدهٔ دیگر روان‌شناختی و فردی است. اینکه چرا به سبب یک شکست و باخت سیاسی، برخی افراد و نخبگان تلاش می‌کنند تا، اختلافات و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی را گسترش داده و آن را به خیابان‌ها و به میان افراد و اذهان آنها و حتی به پایه‌ها و بنیادهای نظام بکشانند، قابل تأمل و توجه است. شاید ضروری باشد که سیاستمداران، قبل از تمرین دموکراسی، در صحنهٔ عمل و اجتماع، روحیهٔ پذیرش دیگران و تحمل شکست در جامعه و صحنهٔ عمل سیاسی را تمرین کنند. تحمل دیگران، مدارا، آزادی و حق انتخاب مردم را نه در شعار بلکه باید در عمل پذیرفت. برخی باید بپذیرند که اعتراف به پیروز نشدن و یا بازنشستگی سیاسی، انتخاباتی و اجتماعی شکست نیست بلکه می‌تواند پیروزی باشد.

عدم پذیرش قواعد بازی، آن هم در اواخر آن و بعد از مشخص شدن نتایج انتخابات، عدم پذیرش مراجعه به داوری و قضاوت و تعیین تکلیف در خیابان با نادیده گرفتن قوانین و ضوابط جاری کشور در این انتخابات به وضوح دیده شد.

اینکه فردی فقط ابطال انتخابات را قبول داشته باشد و خواهان تکرار آن شود، اینکه افرادی غیرمسئول، خواهان رفراندم شوند، از موارد جالب این دورهٔ انتخابات بود و این سؤال را به صورت اصولی می‌توان مطرح کرد که چه دلیلی وجود دارد که نتیجهٔ تکرار انتخابات و یا برگزاری رفراندم، اگر بر خلاف خواست منتقدین بود، توسط آنها پذیرفته شود. کسی که راهکار قانونی، چارچوب و ضوابط کشور را به دلیل این که ۱۳ میلیون نفر

به او رأی داده‌اند نمی‌پذیرد، اگر ۱۳ میلیون رأی او به ۱۵ میلیون تبدیل شود، به طریق اولی باز هم نتیجه را نخواهد پذیرفت و باید آن انتخابات را هم ابطال و انتخابات دیگری با شرایطی که او تعیین می‌کند برگزار کرد تا در نهایت پیروز میدان شود.

انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ همچنین درس‌های فراوان دیگری داشت.که به برخی از آنها اشاره‌می‌شود:

۱. مرز بین فعالیت‌های سیاسی آزادی و انتخابات با سوء استفاده از شرایط و موج سواری به طور کامل شفاف نیست و گروه‌ها و احزاب به تعهدات خود در مقابل ملت در شرایط حساس پایبند نیستند که باید برای آن ضوابط و شرایط تعیین کرد.

۲. آگاهی، توسعه سیاسی و فعالیت حزبی و گروهی سازماندهی شده در کشور بسیار ابتدایی است و احزاب، گروه‌ها و جریانات به جای فعالیت بر مبنای سازمان و چارچوب فکری و کاری، بر مدار اشخاص می‌گردند. این انتخابات نشان داد که هرکس از هر جریان و حزبی می‌تواند در جریان یک انتخابات، به گروه دیگری بپیوندد. موارد متعددی در این انتخابات وجود داشت که افرادی بر خلاف سازمان و حزب خود از نامزدی غیر از نامزد رسمی حزب و گروه خود حمایت کردند. برخی چهره‌های شاخص حامی کروبی از احزاب و گروه‌هایی بودند که به طور رسمی از موسوی حمایت کرده بودند و آنها بر خلاف نظر رسمی حزب خود حامی کروبی شده بودند.

۳. این انتخابات نشان داد که افراد و گروه‌ها بیشتر از آنچه که با شعارها و ادعاهایشان سنجیده شوند، باید با رفتارها و اعمالشان محک بخورند. آزادی خواهی، طرفداری از دموکراسی و رأی مردم در میزان تبعیت و پیروزی افراد از شعارهای ذکرشده است.

۴. این انتخابات نشان داد که مراجع و علماء بزرگ و نهادهای دینی نباید مانند احزاب سیاسی وارد انتخابات و فعالیت‌های سیاسی شوند و هر نامزد وحزبی بخواهد از آنها به نفع خود استفاده کند. انتخابات صحنهٔ برد و باخت و اقبال و ادبار مردم است و اگر نامزد و یا حزبی در صحنهٔ افکار عمومی و انتخابات شکست بخورد به وجههٔ مرجع و نهاد دینی حامی او هم خدشه وارد می‌شود، به نظر می‌رسد اگر مراجع، جایگاه دینی و عقیدتی خود

را از مواضع شخصی جدا و یا دعوت هایی کلی همچون دعوت به حضور و مشارکت سیاسی و تبعیت از قانون و شرع داشته باشند، بهتر باشد.

۵. در تحلیل کلان می توان گفت که انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ نشان داد که مردم بسیار جلوتر و دقیق تر از نخبگان سیاسی و احزاب عمل کردند. اشتباهات و ابهامات مردمی، شکاف های ایجادشده و برخی رفتارهای خشن مردمی را هم باید به پای فتنه‌انگیزان داخلی و خارجی نوشت که با برنامه ریزی و تبلیغات، در پی سوء استفاده از شرایط موجود و تحمیل هزینه های سنگین بر جامعه و نظام برآمدند. در تحلیل طبقاتی انتخابات باید گفت که طبقات پایین اجتماع، روستاییان و حاشیه نشینان بر طبقات میانه و مرفه پیروز شدند و هر دو طبقه با آخرین توان خود در صحنهٔ انتخابات حاضر شدند. به رغم آنکه هر چهار نامزد، شعار عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می دادند، طبقات پایین جامعه یک صدا و یک دست احمدی‌نژاد را نامزد واقعی خود دانستند و با حضور خود، او را در میدان انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ پیروز گردانیدند و احزاب و گروه‌های شاخص و مطرح کشور را وادار به عقب نشینی از صحنهٔ اجتماع کردند.